

ره توشه

راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان

ویژه رمضان ۱۴۳۶ هـ.ق - ۱۳۹۴ هـ.ش



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می‌گویند: «روحانین این طورند»، نمی‌گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواست، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می‌گویند روحانیون این جوری‌اند، مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می‌شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواست، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می‌شود؛ حتی آن طلبه‌ای که در مدرسه دارد درس می‌خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی‌شود، پای دیگران هم حساب می‌کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

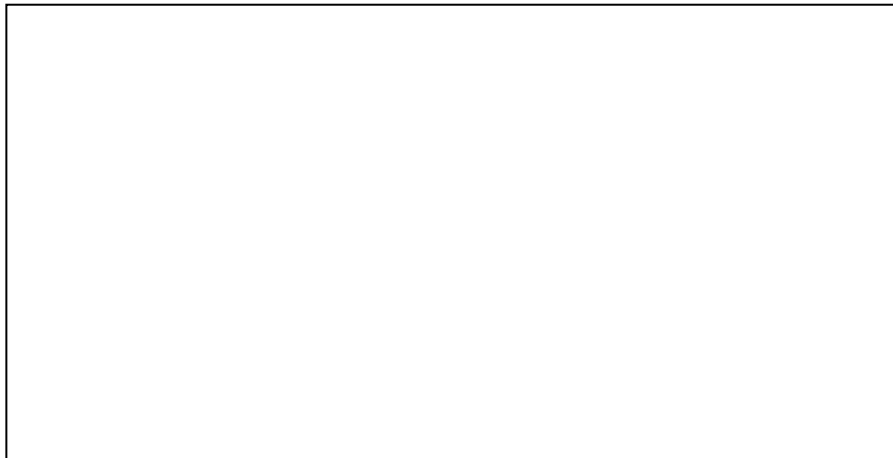
رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ در حالی که از مذمتِ شهواتِ دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم! از مذمتِ دل‌سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف می‌زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی‌کند، یا اثر زودگذر می‌کند، یا اثری می‌کند که بعد با کشف واقعیتِ کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می‌شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۱۳۸۴/۱۱/۵

ره‌توشه راهیان نور
متون علمی – آموزشی مبلغان
ویژه رمضان ۱۴۳۶ ق. – ۱۳۹۴ ش.

تهیه و تدوین:
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تأمین منابع



ره‌توشه راهیان نور
متون علمی - آموزشی مبلغان
ویژه رمضان ۱۴۳۶ ه.ق - ۱۳۹۴ ه.ش

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴
- شمارگان: ۸۰۰۰
- قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۳۷۷۴۰۳۹۷ - ۰۲۵ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکاریانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی خانی • صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور • نمونه‌خوان: عبدالله امینی • طراح گرافیک: سید محمود موسوی • کارشناس تحریریه: علی‌رضا انصاری
- کارشناس امور اجرایی: سیدحسین موسوی مجاب • مسئول چاپ و نشر: محمود نوراللهی

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

درآمد	۷
مجلس اول: عظمت ماه مبارک رمضان	۹
مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان، به استقبال رمضان	۲۱
مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان، رمضان، ماه قرآن و نیایش	۳۵
مجلس چهارم: نقش گناه در سرنوشت انسان	۵۳
مجلس پنجم: نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی	۶۳
مجلس ششم: علل کاهش معنویت در خانواده	۷۵
مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن	۸۷
مجلس هشتم: پاسداری از حرمت سالخوردگان	۱۰۳
مجلس نهم: شایعه‌سازی؛ آثار و پیامدها	۱۱۵
مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله	۱۲۷
مجلس یازدهم: مهارت‌های رویارویی با خشم	۱۳۹
مجلس دوازدهم: راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف	۱۵۳
مجلس سیزدهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۱)	۱۶۵
مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲)	۱۷۵

۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

۱۸۷.....	مجلس پانزدهم: شجاعت و شهامت امام حسن علیه السلام
۱۹۹.....	مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی
۲۱۳.....	مجلس هفدهم: حق خواهی بر دانش هسته‌ای ایران
۲۲۵.....	مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام
۲۴۱.....	مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا
۲۵۳.....	مجلس بیستم: قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان
۲۶۵.....	مجلس بیست و یکم: امیر مؤمنان علیه السلام ، شخصیت ناشناخته تاریخ
۲۷۹.....	مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن
۲۹۵.....	مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر
۳۰۷.....	مجلس بیست و چهارم: افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات
۳۱۷.....	مجلس بیست و پنجم: همسایه‌های آسمان (اخلاق و آداب آپارتمان‌نشینی)
۳۲۹.....	مجلس بیست و ششم: اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها
۳۴۱.....	مجلس بیست و هفتم: خرافه‌گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها
۳۵۹.....	مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی
۳۷۳.....	مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه
۳۸۷.....	مجلس سی‌ام: روز جهانی قدس، نماد اسرائیل‌ستیزی
۳۹۹.....	مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر
۴۱۵.....	پیوست‌های تبلیغی
۴۱۷.....	خاطرات تبلیغی
۴۳۱.....	نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان
۴۵۳.....	کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان
۴۷۱.....	نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی
۴۹۳.....	مناسبت‌های ماه مبارک رمضان
۵۱۸.....	منابع

درآمد

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»؛ ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن از هدایت و مایه جدایی [حق از باطل] است.»

ماه مبارک رمضان، ماه تجلی قرآن، جایگاه والایی در میان دیگر ماه‌ها دارد و فرصت مناسبی است تا آدمی، خویشتن را شایسته حضور در ضیافت الهی کند و صفحه دل را به فضایل انسانی و معنوی زینت دهد و ره‌توشه‌ای سعادت‌آفرین از کرامت و شرافت بگیرد. چه نیکوست که مهمانان این ضیافت بزرگ، باطن را به تجلیات دوست آراسته، زبان را از سخنان بیهوده و ظلمانی پاک ساخته و جان را به کلمات آسمانی و نورانی مزین کنند و در خلوت سحری با خالق، به نیایش خالصانه بنشینند و در جلوت با مخلوق، در خدمت صادقانه بکوشند و البته در این میان، نقش مبلغان دینی و منادیان پاکی و راستی، در ترویج فرهنگ ناب اسلامی، بس سترگ و عمیق است.

آنچه پیش روی دارید، مجموعه مقالاتی است که به همت گروهی از نویسندگان فاضل و مبلغان موفق به مناسبت ماه شریف رمضان طی ۳۱ مجلس به رشته تحریر درآمده و ضمن تبیین سیره انسان‌ساز حضرات معصومان علیهم‌السلام در ماه رمضان، مباحث کاربردی و گوناگونی را در منظر مبلغان گرامی ترسیم نموده است.

۸ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

آنچه ره‌توشه ماه رمضان امسال را از سال‌های گذشته متمایز ساخته، برخورداری از ویژگی‌های ذیل است:

– موضوعات و مباحث ارائه‌شده، از تنوع بیشتری نسبت به سال‌های پیش برخوردار می‌باشد.

– مطالب مقالات با توجه به نیازهای روز و در راستای حل برخی از معضلات و مشکلات جامعه به رشته تحریر در آمده است؛ ازاین‌رو، از مبلغان گرامی خواهشمندیم مطالب ارائه‌شده در این کتاب را محور سخنرانی‌های خویش قرار دهند.

– هر مقاله با عنوان «مجلس» و به صورت کاربردی و همسو با فضای منبر تنظیم گردیده تا مبلغان گرامی استفاده بهتری از مباحث این مجموعه ببرند؛ البته مبلغان عزیز باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که هنگام ارائه مطالب، شرایط زمانی و اوضاع منطقه تبلیغی خویش را نیز در نظر بگیرند تا نتایج مطلوب‌تری به دست آید.

– استفاده و ارائه مطالب و تجربیات سخنران‌های شناخته‌شده و بنام کشور، از دیگر ویژگی‌های مفید و ارزنده ره‌توشه امسال به شمار می‌رود.

– افزون بر اینها، در انتهای این اثر، مطالب بسیار مفید و کارآمد دیگری نیز برای مبلغان در نظر گرفته شده که از آن جمله می‌توان به: خاطرات و تجربیات تبلیغی، رخ‌دادها و مناسبت‌های ماه مبارک رمضان و کتاب‌شناسی توصیفی ماه رمضان اشاره کرد.

امید است مطالب عرضه‌شده در این کتاب، مبلغان و خوانندگان عزیز را به کار آید و در عمل، به فهم صحیح و ترویج معارف اسلامی بینجامد.

از مبلغان محترم انتظار می‌رود که ضمن استفاده از مطالب این ره‌توشه در منبرها و فعالیت‌های تبلیغی خود، چنانچه انتقاد یا پیشنهادی دارند، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا به توفیق الهی و مساعدت همگان، بر کیفیت و اتقان ره‌توشه‌های بعدی افزوده شود.

در پایان، ضمن تشکر از نویسندگان گرامی این مجموعه، از تمام کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی این کتاب صادقانه تلاش نمودند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع فرهنگی و تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مجلس اول

عظمت ماه مبارک رمضان

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی*

بسم الله الرحمن الرحيم

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ وَ سَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلًا عَلَى آلَائِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَ خَيْرَتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱

خدا را شاکریم که توفیق درک ماه رمضان را به ما عنایت نمود. امید است این ماه، ماه سلامت، امنیت، آرامش، آمرزش و ماه پیوند با ولایت باشد و خداوند همه ما را در این ضیافت بزرگ و ماه عمل صالح، مهمان خویش گرداند.

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. یونس، آیه ۵۷.

انواع سال

ماه رمضان، آغاز سال تربیتی است. ما سال‌های مختلفی داریم: شمسی، قمری و سال خُمسی. سال شمسی با بهار و طبیعت آغاز می‌شود؛ سال قمری با محرم؛ سال میلادی در ایام ویژه خودش در زمستان - برای مسیحی‌ها - و سال خمسی هرکس، سال درآمدش است.

براساس روایات، ماه رمضان، آغاز سال است؛ «أَوَّلُ سَنَةٍ»^۱ شاید منظور این است که اول سال تربیتی و خودسازی و اصلاح و ترقی است؛ همان‌گونه که طبیعت، در بهار تازه می‌شود و همان‌گونه که دارایی انسان، در آغاز سال خمسی پاک و تطهیر می‌شود. اینکه ماه رمضان را اول سال گفته‌اند، چون وقت دگرگونی روح است، نه طبیعت و مال. در این ماه، روح انسان پاک می‌شود.

رمضان، دانشگاه خودسازی

رمضان، هنگام بازشدن در دانشگاه خودسازی است. در این دانشگاه که همه دانشجوی آن هستند، یکی واحد بیشتری می‌گیرد (واحد خودسازی، اصلاح و آمرزش)، یکی واحد کمتری می‌گیرد و یکی به مراتب عالی ارتقا پیدا می‌کند و دیگری نه؛ اما بالاخره دانشگاه گسترده تربیتی، در این ماه باز می‌شود. ماه مبارک رمضان، ماه گسترده شدن سفره الهی است؛ رسول خدا ﷺ فرمودند: «عَلَيْهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ؛ چیزهایی بر سر این سفره هست که تاکنون چشمی ندیده و گوشی نشنیده است.»

ما نعمت بهشت را شنیده‌ایم، در قرآن آمده: باغ‌ها، قصرها و حوریه‌ها؛ اما درباره رمضان می‌گویند نه گوشی شنیده و نه چشمی دیده؛ «وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ» هرچه شما فکر کنید، به ذهنتان نمی‌آید. معلوم می‌شود، چیز دیگری است: «لَا يَقَعْدُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّائِمُونَ»^۲ بر سر این سفره فقط یک گروه می‌نشینند: روزه‌دارها.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۳۴.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، حکم‌النبی، ج ۳۷، ص ۶.

مجلس اول: عظمت ماه مبارک رمضان ■ ۱۱

گاهی که در مهمانی غذا کم است، خودی‌ها نمی‌خورند، ممکن است به بچه‌ها کمتر بدهند و غذا را کم بکشند. گاهی نیز زمان کم است و دیر می‌رسی. سفره‌ای با این گستردگی، اگر آدم سر سفره نباشد و نتواند چیزی از آن تناول کند، خیلی محروم و غافل و مغبون است. سفره‌ای که یک ماه گسترده و همه چیز در آن فراوان است، اگر انسان نتواند بهره ببرد، ضعیف است!

ماه فرصت

ماه رمضان، ماه فرصت‌یابی است. فرصت آشتی با خدا؛ هرکس قهر بوده، به فکر آشتی با خدا باشد. فرصت نظم و برنامه‌ریزی است. هرکس بی‌نظم بوده، این زمان باید منظم شود. به موقع بیدار شویم، به موقع بخوریم و به موقع بیاشامیم. ماه فرصت ازدیاد تقوا و تقویت اراده است. آنهایی که می‌گویند: نمی‌توانیم اراده‌مان را تقویت کنیم، تصمیم می‌گیریم، اما دوباره ترک می‌کنیم، پی‌درپی زمین می‌خوریم، به خدا قول می‌دهیم، اما زیرش می‌زنیم، رمضان، ماه تقویت اراده است. شما که روز ماه رمضان از همسر حلالیت اجتناب می‌کنی، پس می‌توانی از زن حرام در غیر ماه رمضان هم اجتناب کنی. هنگام غروب که چشمت سیاهی می‌رود، نزدیک آب نمی‌روی! اراده‌ات می‌گوید نرو. پس، می‌توانی دنبال مواد مخدر و لقمه حرام و شراب نروی.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هرگاه روزه‌دار در جواب کسی که به او فحاشی می‌کند، بگوید: «إِنِّي صَائِمٌ، سَلَامٌ عَلَيْكَ». ببخشید من روزه‌ام، جوابت را نمی‌دهم، این در واقع حجابی از نور است که به شکل مانع و سدّی از رحمت خدا، او را از آتش باز می‌دارد.^۱ خودت را کنترل کردی. از فحش و نگاه به نامحرم بازداشتی. ماه رمضان، فرصت تقویت اراده، حُسن خلق و حُسن برخورد است. این سفره، خیلی گسترده است!

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۸: «مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ يُشْتَمُ فَيَقُولُ إِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا أَشْتَمُكَ كَمَا شَتَمَنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي فَقَدْ أَجَرْتُهُ مِنَ النَّارِ.»

عظمت ماه رمضان

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ»^۱ اگر بنده ارزش ماه رمضان را می‌دانست، آرزو می‌کرد که سراسر سال رمضان باشد.

بزرگان ما مقید بودند که روز اول ماه رمضان دو رکعت نماز شکر بخوانند؛ برا اینکه زنده ماندند و توانستند رمضان را درک کنند. این ماه چقدر اجر دارد! اگرچه انسان نتواند تا آخرش را درک کند و عمرش کفاف ندهد، اما درک شب اولش چقدر اجر دارد!

همه کتاب‌های آسمانی در ماه رمضان نازل شده‌اند: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۲ پیامبر فرمودند: همه کتاب‌های آسمانی، در ماه رمضان نازل شده‌اند. حضرت فرمود: تورات، ششم ماه رمضان بر حضرت موسی علیه السلام نازل شد. منبع این روایت، قوی است؛ در کافی و وسائل الشیعه است. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: دوازدهم ماه رمضان، انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد؛ هیجدهم ماه رمضان، زبور بر حضرت داود علیه السلام نازل شد و بیست‌وسوم رمضان، نزول قرآن صورت گرفت.^۳

غل و زنجیر شدن شیطان

در روایت آمده است که شیطان در این ماه بسته می‌شود. خیلی عجیب است! چرا شیطان بسته می‌شود؟ شیطان که خیلی فعال است. آدم ابوالبشر را فریب داد، چطور در این ماه، بسته است؟ روایت داریم که شیطان در این ماه ضعیف می‌شود. وقتی دشمن حمله می‌کند، اگر نیروی کمکی زیادی جلوش ریختند، عقب‌نشینی می‌کند. حدیث داریم در این ماه،

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶.

۲. بقره، آیه ۱۸۵.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۱؛ شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۹: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَزَلَتِ التَّوْرَةُ فِي سِتِّ مَضِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الزُّبُورُ فِي لَيْلَةِ ثَمَانِ عَشْرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الْقُرْآنُ (الْفُرْقَانُ) فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.»

مجلس اول: عظمت ماه مبارک رمضان ■ ۱۳

شبانۀ روز فرشته‌ها که تعدادشان را جز خدا کسی نمی‌داند، موکل‌اند و وظیفه دارند که در ماه رمضان، برای روزه‌دار دعا کنند؛ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالْذُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ»^۱ دلیلی که شیطان عقب می‌کشد، وجود نیروی کمکی است؛ یعنی رحمت خدا گسترده می‌شود، نفس انسان عبادات و تسبیح محسوب می‌شود و دعای آدمی مستجاب می‌گردد.

دلیل دومش، بیان امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه است:

«شیطان عقده، عقده پیش می‌آید»؛ یعنی گره، گره. اگر جایی را بخواهید باز کنید، گره‌گره باز می‌کنید و یا اگر جایی را بخواهید فتح کنید، وجب و جب فتح می‌کنید. یکی از بزرگان می‌فرمود: «اول، شیطان، گره تعلق به مستحبات را از دل آدم باز می‌کند. آرام آرام مستحبات را کنار می‌گذاری. دوم، گره تنفر از مکروهات را باز می‌کند. شیطان می‌گوید: مکروه، عیبی ندارد و مکروه را مرتکب می‌شوی. در مرحله سوم، گره علاقه به واجبات را باز می‌کند. پس نسبت به واجبات سست می‌شود. چهارم گره تنفر از حرام را باز می‌کند و حرام را مرتکب می‌شود.»

قرآن می‌فرماید: «شیطان، گام به گام پیش می‌آید.» چرا شیطان در این ماه دستش بسته می‌شود؟ دلیلش این است که آدم مستحب انجام می‌دهد یا واجب. خوابت عبادت و نفس‌ت تسبیح محسوب می‌شود. مسجد می‌آیی، قرآن می‌خوانی و یا از تلویزیون سخنرانی گوش می‌دهی؛ چون در این ماه این گره‌ها را محکم می‌کنی، شیطان نمی‌تواند به تو راه پیدا کند. حدیث داریم علت اینکه شیطان در این ماه دستش بسته است،^۳ همین است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۴؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۶: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالْذُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ وَ قَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام عَنْ رَبِّهِ أَنَّهُ قَالَ مَا أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِالْذُّعَاءِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ.»

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَنِّي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً.»

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۲۶؛ شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۴۱: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا اسْتَهْلَ رَمَضَانَ غُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ؛ هرگاه هلال ماه رمضان پدید آید، درهای دوزخ بسته و درهای بهشت باز می‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند.»

البته اینکه دست‌وپای شیطان بسته است، نسبی است. در همین ماه رمضان، انسان‌هایی جنایت می‌کنند، عرق می‌خورند، معصیت می‌کنند، حتی نماز نمی‌خوانند.

قرآن کریم فرموده: «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ...»^۱ «عِشْ»، به معنای کم‌فروغ و ضعیف‌شدن است. اگر نور قوی در شب تاریک داشتید، دزد نمی‌تواند بیاید؛ ولی اگر نور کم فروغ شد، سرقت راحت صورت می‌گیرد. قرآن می‌فرماید: هرکس نور خدا در زندگی‌اش کم‌رنگ شود، «نُقِیْضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»^۲ شیطان ایمانش را سرقت می‌کند و ابلیس همراهش می‌شود؛ اما تا هنگامی که نور خدا قوی است، نمی‌تواند بیاید. در ماه رمضان، نور خدا قوی است. در همه خانه‌ها قرآن تلاوت می‌شود و زبان‌ها مشغول ذکر خداست. طبیعتاً دست شیطان، بسته است و درهای رحمت، باز است.

البته ممکن است که جایی صد در باز باشد، اما یک نفر هم نرود. در مسیر اتوبان بعضی به نرده می‌زنند؛ هرچند جاده باز و راه گسترده است. خطر جلوش می‌باشد؛ ولی از آن غافل و خواب است.

ارزش و جایگاه روزه

می‌گویند: فلان بانک ده میلیون تومان وام می‌دهد یا جایزه می‌دهد و چون شرایط و قسطش زیاد است، سفته می‌خواهد یا اینکه باید فلان‌قدر سپرده‌گذاری کنی. همیشه اول، ارزش کاری را بیان می‌کنند، بعد شرایطش را می‌گویند. در یک حدیث نبوی، اول جایگاه روزه بیان شده و روایت دیگر، شرایط و ضوابط روزه را بیان کرده است.

پیغمبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أُعْطِيَ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّةٌ نَبِيٍّ قَبْلِي؛ خداوند به امت من در ماه رمضان پنج جایزه داده که امت‌های پیشین جایزه‌ها را به این شکل نداشتند.» یکی از این جایزه‌ها این است: «فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا؛ وقتی شب اول ماه رمضان و روز اول آغاز می‌شود، خدا به آنها نگاه و نظر لطف می‌اندازد...» این، خیلی مهم است. در مناجات

۱. زخرف، آیه ۳۶.

۲. زخرف، آیه ۳۶.

مجلس اول: عظمت ماه مبارک رمضان ■ ۱۵

شعبانیه چه می گفتید: «أَنْظُرُ إِلَى نَظَرٍ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ؛ خَدَايَا بِهِ مِنْ طَوْرِي نَظَرٌ كُنْ كَمَا نَدَايْشِ كَرْدِي وَ بِهِ تَوَلَّيْكَ كُفْتُ».

تفاوت «نظر» با «رؤیت»

نظر با رؤیت فرق می کند؛ هرچند هر دو به معنای نگاه کردن است. قرآن گاهی می فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛^۱ یعنی خدا همه را می بیند؛ اما نظر، غیر از رؤیت است. من همه شما را می بینم. این، رؤیت است؛ اما به یکی توجه می کنم و می گویم: پس از منبر کارت دارم. این، نظر و توجه خاص است.

صاحب کتاب التحقیق، مرحوم آقای مصطفوی رحمته الله می گوید: نظر، یعنی: «رُؤْيَةٌ عَنْ تَحْقِيقٍ؛ نگاه با دقت و توجه». از این رو، خدا می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ»^۲ نمی گوید به شتر نگاه کنید؛ بلکه می فرماید با دقت توجه نمایید. شتر را همه می بینند. الآن اگر یک کاروان شتر به خیابان بیاید، همه می بینند. روز عزاداری، تعزیه دارها شترسوار می آیند،^۳ همه شتر را می بینند، آن، «یَرَى» نگاه کردن است؛ اما «يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ»، یعنی نظر کردن به خلقت و آفرینش آن.

نمی گویند غذایت را نگاه کن، چه کسی غذا می خورد؛ بدون اینکه به آن نگاه کند؟ برای افطار جلوی شما غذا می گذارند، به آن نگاه می کنید. پنیر می گذارند، نگاه می کنید و بعد می خورید. این را نمی خواهد بگوید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»؛^۴ نه اینکه نگاه کن ببین لقمه بزرگ است یا کوچک و یا مثلاً از کدام قسمت مرغ و گوشت استفاده کنید یا چقدر برنج برایتان بکشند؟

۱. علق، آیه ۱۴.

۲. غاشیه، آیه ۱۷.

۳. در قم و برخی شهرها، مرسوم است که در ایام عزاداری حضرت ابا عبدالله علیه السلام کاروانی از شتر راه می افتد.

۴. عبس، آیه ۲۴.

۱۶ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

حضرت موسی علیه السلام نگفت: خدایا! من می‌خواهم تو را رؤیت کنم. گفت: خدایا می‌خواهم به تو نظر کنم. افرادی که با من هستند، درخواست رؤیت کرده‌اند. خطاب شد: «لَنْ تَرَانِي»؛ رؤیت نمی‌شود ولی نظر و توجه می‌شود؛ «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»^۱ در روایت داریم که روز قیامت مردم به خدا توجه می‌کنند.

در حدیث دیگر داریم که وقتی شهید بر زمین می‌افتد، «يَنْظُرُ فِي وَجْهِ اللَّهِ»^۲ به چهره خدا نگاه می‌کند. نظر، رؤیت حسی نیست. الآن دارم همه شما را می‌بینم. این، رؤیت حسی است؛ ولی نظر، توجه و عنایت است. فرمود: اوّل ماه رمضان که فرا می‌رسد، خداوند به روزه‌دار واقعی نظر می‌کند.

حضرت شعیب علیه السلام دید که جوانی غرق گناه و معصیت است، عرضه داشت: خدایا! جوان با اینکه معصیت می‌کند، ولی امکانات خوبی دارد و از لحاظ جسمی سالم است! گاهی بعضی‌ها می‌پرسند: فلانی، آدم بدی است؛ ولی وضع زندگی‌اش خوب و سالم است و خانه دارد، یا فلان منطقه با اینکه معصیت می‌کند، ولی وضع خوبی دارند، باران هم آمده؛ اما چرا من که مؤمنم، بچه‌ام مریض است و گرفتارم؟ خطاب شد: «ای شعیب! به او بگو نظر و توجه‌ام را از قلبت گرفته‌ام»^۳ قلبت واژگون است. قلبی که واژگون است، دیگر شیرینی گفت‌وگو با من را احساس نمی‌کند.

ماجرای دو نامه برای مرحوم فلسفی

خدا رحمت کند مرحوم فلسفی را که زبان گویای اسلام بود. می‌فرمود: یک روز، دو نامه از سوی دو نفر از مراجع عالی‌قدر نجف به دست من رسید که هر دو نامه را دارم. حضرت آقای صدیقی که خدمتشان رسیده بود، گفتند: نامه‌ها را دیدم. خلاصه دو نامه آمده بود و شاید بی‌اطلاع از هم نوشته بودند. جالب این بود که مضمون هر دو یکی بود. هر دو بزرگوار در نامه‌هایشان نوشته بودند: زبان گویای اسلام! حوزه نجف دارد از هم می‌پاشد،

۱. قیامت، آیات ۲۲ - ۲۳.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۱.

۳. لطیف راشدی، داستان‌های معنوی، ص ۳۶۳.

مجلس اول: عظمت ماه مبارک رمضان ■ ۱۷

وضع طلاب و شیعیان در نجف خیلی خراب است. بازاری‌ها و پول‌دارها را جمع کن و به آنها بگو که کمک کنند تا در مقابل حمله‌ای که دشمنان به اسلام دارند، حوزه سقوط نکند. چیزی از حوزه نجف باقی نمانده و در حال فروپاشی است و فقر بیداد می‌کند.

من هر دو نامه را برداشتم و آمدم قم خدمت حضرت آیت‌الله بروجردی - اعلی الله مقامه الشریف - گفتم: صلاح می‌دانید پول‌دارها و بازاری‌ها را جمع کنم؟ تا با سخنرانی، عنایتی و توجهی به اینها بدهم. ایشان سرش را پایین انداخت و گفت: خود می‌دانید. من، مانع کار شما نمی‌شوم؛ ولی دوست ندارم برای کار دین به کسی رو بیندازم. حوزه صاحب دارد، ما صاحب داریم، بالاخره خودشان توجه می‌کنند. حوزه شیعه نباید این طور ضعیف بماند.

از سخنان آیت‌الله بروجردی برداشت کردم که راضی نیست. چند روز بعد، دوباره خدمت ایشان رفتم و دیدم خیلی شاد و خوشحال هستند، فرمودند: آقای فلسفی خوب شد نگفتید، الحمدلله حل شد. محترمانه هم حل شد. آن‌که باید می‌رساند، رساند. ما هم فرستادیم و ان‌شاءالله حوزه نجف از این وضعیت بیرون می‌آید.

این، همان توجه و نظر است. در طول تاریخ، مناعت طبع علما و بزرگان ما اجازه نداد به کسی رو بیندازند. به قول آن آقا که خودش هم روحانی نیست، می‌گوید: روحانیون هیچ قرارداد استعماری را امضا نکردند، آزاد بودند. در خانه هیچ کس را نزدند که بیا خمست را بده! کدام نماینده مرجع در خانه شما آمده؟ بحمدلله، این سیر خودجوش بوده و هست.

اگر کسی اوّل ماه رمضان را درک کند، خدا به او نظر می‌کند. در مناجات شعبانیه می‌گوییم: «فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ»؛ خدایا نظر تو برنگردد. در حدیث داریم کسی که خدا از او روبرگرداند، شیطان زود به او نظر می‌کند. این‌هایی که از انقلاب برمی‌گردند و به کشورهای بیگانه پناهنده می‌شوند، مخصوصاً اگر کسی سرش به تنش بیارزد و دانشمند باشد، فوری جذبش می‌کنند. اگر نظر خدا برگشت، به خودت واگذار می‌شوی و شیطان جذبت می‌کند. نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود: «روزه‌دار، پنج جایزه دارد: ۱. نظر خدا؛ ۲.

«الْمَلَائِكَةُ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ»؛ تمام شبانه‌روز ماه رمضان، ملائکه برای روزه‌دار طلب مغفرت می‌کنند و می‌گویند: خدایا او را ببامرز؛ ۳. فرمود: «يَأْمُرُ جَنَّتَهُ تَزَيُّنِي لِعِبَادِي»؛ خداوند در اوّل ماه رمضان به بهشت فرمان می‌دهد: خودت را برای بنده من زینت کن.

تا عمر تمام نشود، نمی‌میری

خداوند آقا سید احمد خوانساری را رحمت کند؛ ایشان - که قبرش در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام است - بسیار آدم بزرگ و عجیبی بود و حالات عرفانی داشت. فرمود: در جلسه‌ای عزرائیل را دیدم، خیلی زیبا بود. پرسیده بود: چطور است که مردم از عزرائیل خوششان نمی‌آید؛ اما من در عمرم کسی را به‌زیبایی عزرائیل ندیده بودم. با عزرائیل گفت‌وگو کردم، گفتم: چرا سراغ من نمی‌آیید، خیلی پیر شده‌ام؟ - نود و هشت سال عمرش بود و زمان امام خمینی رحمه الله از دنیا رفت - عزرائیل نگاهی کرد و گفت: فرشته‌ای که رزق تو را می‌دهد، هنوز ته صندوقچه‌اش مقداری از رزق تو هست؛ تا تمام نشود، من مأموریتی برای گرفتن جان تو ندارم.»

۴. وقتی ماه تمام شود، در آخرین شب ماه رمضان، «غَفَرَ لَهُمْ جَمِيعاً»، خداوند همه گناهانش را می‌آمرزد. کسی بلند شد و گفت: آیا منظورتان شب قدر است؟ فرمود: نه، شب عید؛ چون مزد کار را آخر می‌دهند.

۵. فرمود: بوی دهان آنها - که به‌ظاهر بوی خوشی نیست - نزد خدا مانند مشک و عنبر است.^۱

اما برای این پنج جایزه، شروطی هست. پیغمبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَمَسَّكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ». این وام، مبلغش خیلی بالا است و ضامن می‌خواهد تا به بهشت بگویند آماده شو، ملائکه شب‌وروز برایت دعا کنند، خدا نظر لطف به تو بیندازد و شب آخر ماه رمضان بخشیده شوی.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۴؛ شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۱۷؛ شیخ صدوق، فضائل الأئمة الثلاثة، ص ۱۳۰: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أُعْطِيتُ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّةٌ نَبِيٌّ قَبْلِي أَمَّا وَاحِدَةٌ فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنَّ خُلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ حِينَ يُمْسُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرَ وَ تَزِيِّنَ لِعِبَادِي فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصَبُ الدُّنْيَا وَ أَذَاهَا وَ يَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَ كَرَامَتِي وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غَفَرَ لَهُمْ جَمِيعًا فَقَالَ رَجُلٌ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَّغُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَفُوا.»

شرایط روزه

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنْ مَنْ تَمَسَّكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِسِتِ خِصَالٍ»، شش ضامن و مدرک می‌خواهد و شش شرط دارد. اگر کسی شش مدرک را ارائه کرد: «غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»،

جایزه‌ها را به او می‌دهیم. این شش سند و شرط عبارت‌اند از:

۱. «أَنْ يُحَفِّظَ دِينَهُ»؛ دینش را حفظ کند و نگذارد اعتقاداتش ضعیف شود.
۲. «وَيَصُونَنَ نَفْسَهُ»؛ خودش را کنترل کند. در بازار و خیابان و کوچه و در دنیایی که فتنه‌ها و آماج معصیت رو آورده، خودش را حفظ نماید.
۳. «وَيَصِلَ رَحِمَهُ»؛ در ماه رمضان به خویشانش سر بزند. ماه رمضان، ماه رفع کدورت است. شب‌ها به خانه بستگان برود و کدورت‌ها را دور بریزد.
۴. «وَلَا يُؤْذِيَ جَارَهُ»؛ همسایه‌اش را اذیت نکند. با دادو فریاد، زن و بچه‌اش را آزار ندهد.
۵. «وَيَرْعَى إِخْوَانَهُ»؛ حقوق مردم را رعایت کند.
۶. «وَيَحْزَنَ لِسَانَهُ»؛ زبانش را کنترل کند.^۱

سه مورد از شش موردی که بیان شد، به حق مردم برمی‌گردد: رَحِمَ (خویشان)، همسایه و مردم، و سه مورد دیگر مربوط به خود انسان می‌شود: کنترل زبان، حفظ دین و نگهداری خویش. حضرت فرمود: اگر کسی در ماه رمضان به این شش ویژگی دست یابد، از جایزه‌هایی که گفته شد، بهره‌مند می‌شود.

تا چشم روی هم بگذارید، ماه رمضان تمام می‌شود. تا به خود بجنید، می‌بینید ماه رجب و شعبان تمام شد و روز اول رمضان آغاز شد. رمضان، آداب دارد؛ دو رکعت نماز شکر بخوانید. حدیث داریم که اگر افطار و سحر را با خواندن «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» شروع کنید، خداوند میان سحر و مغرب پاداش شهدا را به شما می‌دهد.

روایت داریم که هرکس وقت افطار صدقه بدهد، اگرچه به اندازه یک قرص نان باشد، این عمل او، مانع آتش دوزخ می‌شود.

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۷۰.

۲۰ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

حالت پیامبر ﷺ در ماه رمضان

روایت داریم وقتی ماه رمضان می‌شد، «تَغَيَّرَ لَوْنُ رَسُولِ اللَّهِ؛^۱ پیغمبر اکرم ﷺ رنگشان عوض می‌شد و نماز و دعایش افزایش می‌یافت. باید در ما تحولی پیدا شود. رمضان، دانشگاه انسان‌سازی و خودسازی است؛ به شرط اینکه در دانشگاه ثبت نام کنی، واحد بگیری و خوب هم واحد بگذرانی. دانشجویی که واحد نگذراند، حذف می‌شود و اگر واحد بگیرد، ولی نمره نیاورد، باز حذف می‌شود. در این دانشگاه انسان‌سازی، خودمان را برای اصلاح‌شدن آماده کنیم.

سیره علامه طباطبایی رحمه الله

ماه رمضان، ماه ولایت است. مرحوم شهید مطهری رحمه الله می‌فرماید: «علامه طباطبایی رحمه الله هنگام افطار می‌آمد کنار ضریح حضرت معصومه علیها السلام ضریح را می‌بوسید و بعد می‌رفت خانه افطار می‌کرد. علامه طباطبایی رحمه الله همه افطارهای خود را با بوسه‌زدن به حرم حضرت معصومه علیها السلام باز می‌کرد.»

۱. ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۰.

مجلس دوم

سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان

به استقبال رمضان

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری *

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي».^۱

اهمیت بحث

ماه مبارک رمضان، فرصت خوبی برای فتح قله‌های بلند معنویت، جبران کاستی‌ها و بازخوانی زندگی بوده، آثار و برکات بسیاری را در خود جمع کرده، از آن میان، «لیلة القدر» است که قرآن درباره آن می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۲ شب قدر، از هزار ماه، برتر است.

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

۲. قدر، آیه ۴.

چگونه می‌توان از ماه ضیافت خدا استفاده نمود؟ برای پاسخ به این پرسش باید از رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام بهره گرفت؛ زیرا ایشان الگویی موفق در بهره‌گیری از ماه رمضان هستند. اهل بیت علیهم‌السلام هم خود از این ماه خوب استفاده می‌نمودند و هم دیگران را راهنمایی می‌کردند که چگونه از این ماه بزرگ کمال بهره را ببرند. مناسب دیدیم که این بحث را طی دو جلسه تقدیم کنیم. گفتنی است، رویکرد کلی این جلسات، بر ارائه سیره معصومان علیهم‌السلام در ماه رمضان مبتنی است و البته گاهی به تناسب بحث، به گفتار و کردار عالمان دین نیز اشاره شده است.

اما در نوشتار حاضر، درباره موضوعاتی همچون اهمیت و آداب این ماه سخن می‌گوییم:

۱. شناخت ماه رمضان

استفاده از فرصت ماه رمضان، نیازمند شناخت آن است و تا این ماه شریف را نشناسیم، نمی‌توانیم از آن به‌درستی بهره‌مند شویم. راه شناخت آن استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. از منظر اسلام، ماه رمضان از مهم‌ترین ماه‌های سال است؛ ماهی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم از آن به عنوان «ماه ضیافت خدا» یاد کرد. حضرت در خطبه شعبانیه می‌فرماید:

«ای مردم! روی آورده به شما ماه خدا با برکت، رحمت و مغفرت؛ ماهی که در پیشگاه الهی از همه ماه‌ها برتر است و روزهای آن، برتر از همه روزها و شب‌های آن، برتر از همه شب‌هاست. ساعات آن نیز برتر از همه ساعات است و این، ماهی است که در آن به مهمانی خدا فراخوانده شده‌اید. در این ماه، نفَس‌های شما تسبیح، و خوابتان عبادت است. عمل شما در این ماه، مورد پذیرش درگاه خدا و دعایتان مستجاب است.»^۱

همچنین امام سجاده علیه‌السلام با ادبیات عارفانه می‌فرماید: «... ماه روزه، ماه اسلام، ماه طهارت، ماه آزمایش و ماه قیام است. ماهی که خدا قرآن را در آن نازل کرد و بدین جهت، برتری آن ماه را بر سایر ماه‌ها بر پایه احترام فراوان و فضیلت‌های آشکار روشن نمود.»^۲ آن حضرت در فرازی از دعای رؤیت هلال ماه رمضان، خطاب به این ماه بزرگ می‌فرماید: «خداوند تو را

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

۲. علی بن الحسین علیه‌السلام، الصحیفة السجادیة، دعای ۴۳، ص ۱۸.

مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: به استقبال رمضان ■ ۲۳

کلید ماه نو برای کار نو قرار داد. از خدا می‌خواهم که تو را ماه برکت قرار دهد و روزگار از برکت آن نگاهد.^۱

توصیف این ماه با عباراتی مانند: «کلید نور»، «ماه اسلام» و «ماه نزول قرآن»، بیانگر آن است که ماه رمضان، فرصتی استثنایی است؛ به طوری که اگر انسان در این ماه، پرونده خویش را بازخوانی نکند و کاستی‌های اعمال خود را جبران ننماید، در ایام دیگر، چنین فرصتی برایش فراهم نخواهد شد.

۲. استقبال از ماه رمضان

معصومان علیهم السلام پس از معرفی ماه رمضان، به ما آموخته‌اند که ورود به این ماه، آداب و شرایط خاصی دارد؛ همان‌گونه که حضور در مهمانی آداب دارد؛ با این تفاوت که در ضیافت‌های دیگر، مهمان و میزبان، هر دو از بندگان خدا هستند؛ اما در ضیافت ماه رمضان، خدا میزبان و بندگان مهمان اویند. از این رو، باید آداب مهمانی را بیشتر رعایت کنیم. اهل بیت علیهم السلام برای ورود به ماه رمضان، نخست به استقبال ماه رمضان می‌رفتند و در قالب‌های مختلف، مانند خواندن دعای رؤیت هلال و یا اهتمام به آراستگی ظاهری و معنوی خود، آماده ماه رمضان می‌شدند. آمادگی به گونه‌ای بود که در آنان تحول ایجاد می‌شد. سید بن طاووس نقل می‌کند: وقتی ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید، رنگ چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تغییر می‌کرد و بسیار به نماز و دعا می‌پرداخت.^۲

امام سجاده علیه السلام نیز با خواندن دعای رؤیت هلال به استقبال ماه رمضان می‌رفت؛ چنان‌که هنگام حلول ماه رمضان، دعا می‌کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سَبِيلِ إِحْسَانِهِ... تِلْكَ السَّبِيلُ شَهْرُهُ رَمَضَانُ، شَهْرُ الصِّيَامِ، وَشَهْرُ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرُ الطَّهْوَرِ، وَشَهْرُ التَّمْحِيطِ، وَشَهْرُ الْقِيَامِ...»^۳ حمد و سپاس خداوندی که دین خود را به ما ارزانی کرد و ما را به آیین خویش اختصاص داد و به راه‌های احسان خود درآورد و یکی از

۱. ابن طاووس، *إقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. علی بن الحسین علیه السلام، *الصحيفة السجادية*، ص ۱۸۶.

۲۴ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

آن راه‌ها که در برابر ما گشوده، ماه او، ماه رمضان است؛ ماه صیام و ماه اسلام، ماه پاکیزگی از آلودگی‌ها، ماه رهایی از گناهان و ماه برپایی نماز.»

معصومان علیهم‌السلام نه تنها خود به استقبال این ماه می‌رفتند، بلکه دیگران را نیز به این امر سفارش می‌کردند؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سه روز مانده به ماه رمضان، به بلال دستور می‌داد که در میان مردم جار بزند. پس مردم را جمع می‌کرد و بر منبر می‌رفت و می‌فرمود:

«ای مردم! همانا این ماه به شما روی آورده و آن سرور همه ماه‌هاست. در آن، شبی وجود دارد که از هزار ماه بهتر است. در این ماه، درهای دوزخ بسته و درهای بهشت گشوده می‌شود. هر که این ماه را دریابد و آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور گرداند.»^۱

همچنین معصومان علیهم‌السلام به خانواده‌های خود سفارش می‌کردند که به استقبال ماه رمضان بروند. امام صادق علیه‌السلام هنگام حلول ماه رمضان به فرزندانش فرمود: «جان‌های خود را به تلاش و کوشش وادارید؛ زیرا در این ماه، روزی‌ها، قسمت‌ها و اجل‌ها نوشته می‌شود و در آن، نام‌های مهمانان خدا که بر او وارد می‌شوند، نوشته می‌گردد. در این ماه، شبی هست که عمل عبادت در آن، از عمل هزار شب بهتر است.»^۲

۳. غسل

ورود به ضیافت خداوند، همان‌طور که به آمادگی معنوی نیاز دارد، به آراستگی و طهارت ظاهری نیز محتاج است. یکی از آراستگی‌های ظاهری، غسل است؛ چنان‌که مرحوم شیخ عباس قمی در آداب و شرایط روز اول ماه رمضان، به اهمیت غسل تصریح می‌کند^۳ و یادآور می‌شود که یکی از آداب شب‌های قدر، غسل است.^۴ غسل، از یک سو عبادت است؛ چون باید به «نیت تقرب و اطاعت خداوند» انجام شود و از سوی دیگر، مایه نظافت و بهداشت جسم می‌باشد؛ چون با شست‌وشوی بدن، هر مؤمنی خود را برای حضور در

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱.

۲. ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۰.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۵۸.

۴. همان، ص ۳۷۱.

مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: به استقبال رمضان ■ ۲۵

مجامع عمومی و ملاقات سالم و اثربخش با اهل ایمان آماده می‌کند. معصومان علیهم السلام در ماه رمضان این کار را انجام می‌دادند و دیگران نیز را به آن سفارش می‌نمودند؛ همچنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه مبارک رمضان، هر شب غسل می‌کرد.^۱ امام باقر علیه السلام نیز شب‌های نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و پنجم را غسل می‌نمود.^۲ امام صادق علیه السلام فرموده است: «هرکس برای شب‌های هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان که احتمال «شب قدر» بودن آنها می‌رود، غسل کند، از گناهان پاک می‌گردد و مانند روزی می‌شود که از مادر متولد گردیده است.»^۳

۴. خواندن دعای رؤیت هلال

از آن‌رو که روزه‌دار، در ماه رمضان به ضیافت معنوی دعوت شده، طبیعی است که باید آداب ضیافت را رعایت کند. یکی از آداب، خواندن دعای رؤیت هلال است. از این‌رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هنگام دیدن هلال ماه رمضان، دعای رؤیت هلال می‌خواندند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال ماه رمضان را می‌دید، رو به قبله می‌ایستاد و می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمَجْلَلَةِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ فِيهِ»^۴ خدایا! این ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و عافیت تمام [و روزی وسیع و رفع بیماری‌ها] و تلاوت قرآن و توفیق در نماز و روزه، بر ما وارد کن. ما را برای ماه رمضان و این ماه را برای ما، سالم گردان تا ماه رمضان تمام گردد.»

امام صادق علیه السلام هنگام رؤیت هلال رو به قبله می‌ایستاد و این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.»^۵

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۷.

۲. همان.

۳. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۷۴.

۵. همان: «خدایا، این ماه را با سلامتی، اسلام، یقین، ایمان، نیکوکاری و توفیق انجام اعمالی که دوست داری و تو را راضی می‌کند، بر ما وارد کن.»

۵. آثار و فواید روزه

همه واجبات اهمیت دارند و انجام آنها سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می‌کند؛ اما برخی واجبات، از اهمیت ویژه و والایی برخوردارند. روزه، از جمله این واجبات است. چرایی این اهمیت را می‌توان به جهت وجود آثار مهم مادی و معنوی در روزه دانست. در ادامه، برخی از این آثار را بیان می‌کنیم:

- تقواگرایی

از فواید مهم روزه این است که روح انسان را «تلطیف»، و اراده انسان را «تقویت» و غرایز را «تعديل» می‌کند. روزه‌دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی، از مصرف غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم‌پوشد و عملاً ثابت کند که همچون حیوان در بند اسطبل و علف نیست؛ بلکه می‌تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد و بر هوس‌ها و شهوات خود مسلط گردد. خلاصه اینکه روزه آدمی را از عالم حیوانیت ترقی داده، به جهانی سرشار از طهارت و انسانیت صعود می‌دهد.^۱ قرآن کریم فلسفه روزه را «تقوا» بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته و مقرر شده؛ همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شد. شاید پرهیزکار شوید.

بر همین اساس، رسول خدا فرمود: «بهترین عمل در این ماه، پرهیز از گناه است؛ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳

روزه گوید کرد تقوا از حلال در حرامش دان که نبود اتصال^۴

اهل بیت علیهم‌السلام برای روزه اهمیت خاص قایل بودند. از این رو، تأکید می‌نمودند که در این ماه، کسی روزه نخورد و حرمت این واجب الهی را حفظ کند. البته از منظر ایشان، روزه، تنها

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۹.

۲. بقره، آیه ۱۸۳.

۳. ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳.

۴. مولوی، مثنوی، دفتر پنجم.

مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: به استقبال رمضان ■ ۲۷

پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه باید زبان، گوش و چشم انسان نیز روزه داشته باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَغَضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَعَمَّا لَا يَحِلُّ السَّمْعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ»^۱

امام سجاد علیه السلام عرضه داشت: «بارخدا! آنچه ما را در این ماه از آن منع کرده‌ای، به ما الهام کن و ما را به روزه داشتن یاری ده؛ آن‌سان‌که اعضای بدن خویش را از معاصی تو بازداریم و در آنچه سبب خشنودی توست، به کارگیریم تا به هیچ سخن بیهوده گوش نسیاریم و به هیچ لهو و بازیچه ننگریم و به هیچ ممنوع دست نکشاییم و به سوی هیچ حرامی گام برنداریم و چیزی جز آنچه حلال کرده‌ای، در شکم‌های خود جای ندهیم و زبانمان جز سخن تو نگوید و رنجی بر خود هموار نکنیم، جز آنکه ما را به ثواب تو نزدیک سازد و کاری نکنیم، جز آنچه ما را از عذاب تو در امان دارد»^۲

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که زنی به کنیزش ناسزا می‌گوید؛ درحالی‌که روزه‌دار است. حضرت دستور داد طعامی آورند و به آن زن فرمود: بخور! عرض کرد: ای رسول خدا! روزه هستم. حضرت فرمود: چگونه روزه داری، در صورتی که به کنیزت فحش می‌دهی؟ سپس فرمود: روزه، فقط خودداری از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیست؛ خداوند روزه را از تمامی آنچه که روزه را از بین می‌برد، حجاب قرار داده است. آن‌گاه فرمود: «قَلَّ الصَّوَامَ وَأَكْثَرَ الْجُوعَ»^۳ چقدر روزه‌داران واقعی کم هستند و گرسنگان بسیار!

حقیقت این است که متأسفانه امروزه برخی از تقوای الهی فاصله گرفته‌اند و به همین جهت، شرارت‌های اجتماعی مانند سرقت، افزایش یافته و باعث ازهم‌پاشیدن بعضی خانواده‌ها شده است. قرآن کریم هنگام بازخوانی سرگذشت امت‌های پیشین، گناه را عامل اصلی سقوط آنان و نزول عذاب می‌داند.^۴ علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَأَيُّمُ اللَّهُ مَا كَانَ

۱. ابن طاووس، *إقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۳: «زبانتان را نگه دارید و از آنچه نگاه بدان روا نیست، چشمانتان را ببندید و از آنچه گوش دادن بدان حلال نیست، گوش‌هایتان را نگه دارید.»

۲. علی بن الحسین علیه السلام، *الصحيفة السجادية*، ص ۱۸۷.

۳. حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۱۶۶.

۴. انعام، آیه ۶.

۲۸ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضٍّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؛^۱ به خدا سوگند! هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی باز گرفته نشد، مگر به واسطه گناهانی که مرتکب شدند؛ زیرا خداوند هرگز به بندگانیش ستم نمی‌کند.

همچنین حضرت در دعای کمیل، از گناه به عنوان تغییردهنده نعمت و حبس‌کننده دعا یاد کرده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ... تَحِسُّ الدُّعَاءِ»^۲

فضیل بن عیاض که عارفی نامدار است، شاگردی داشت که از برترین شاگردان او بود. هنگامی که دچار بیماری شد، فضیل به بالین او آمد و مشغول خواندن سوره «یس» شد. شاگرد گفت: استاد! این سوره را نخوان! فضیل ساکت شد و گفت بگو: «لا إله إلا الله». گفت: نمی‌گویم؛ زیرا از توحید بیزارم!

در نهایت، او در آن حال از دنیا رفت و فضیل از مشاهده چنین حالتی، بسیار پریشان و ناراحت شد. از کنار بستر شاگردش برخاست و به خانه خود رفت و بیرون نیامد تا اینکه در خواب دید شاگردش را به سوی آتش دوزخ و عذاب می‌برند! فضیل به او گفت: تو برترین شاگرد کلاس من بودی، چه شد که معرفت را از دست دادی و به چنین سرنوشتی گرفتار شدی؟ شاگرد پاسخ داد: آلوده به سه گناه بودم:

۱. سخن چینی؛

۲. حسادت؛

۳. دچار مرضی بودم و طیب به من گفته بود باید سالی یک قَدَح شراب بنوشم تا بیماری‌ام رفع شود. این سه گناه، سرنوشت من را عوض کرد و دچار سوء عاقبت نمود.^۳

ماه رمضان، فرصت ارزشمندی برای شناسایی گناهان، و تمرینی برای ریشه‌کن‌نمودن رذایل اخلاقی است. بر این اساس، امام سجاد علیه السلام از ماه رمضان به عنوان ماه محوکننده گناهان یاد می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ وَأَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ»^۴ سلام بر تو ای ماه مبارک رمضان که محوکننده گناه هستی و پوشاننده‌تر از هر چیزی نسبت به عیوب انسان.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸، ص ۲۵۷.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۰۲.

۳. حسین انصاریان، تفسیر حکیم، ج ۸، ص ۸۷.

۴. علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفة السجادیة، دعای ۴۵، ص ۱۹۸.

- یادآوری معاد

روزه، با گرسنگی و تشنگی و محدودیت‌هایی همراه است که انسان را هر لحظه به سوی هدفی که از این محدودیت‌ها دنبال می‌شود، رهنمون می‌کند. روزه‌دار می‌داند که خداوند او را در جهانی دیگر، از پاداشی بزرگ بهره‌مند خواهد کرد. بنابراین، یاد آخرت و رضایت و پاداش‌های الهی از عمل عبادی روزه، همواره با روزه‌دار است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»^۱ روزه، سپر آتش است. این روایت، همواره به روزه‌دار گوشزد می‌کند که روزه، در قیامت برای او سپر از آتشی است که وی به واسطه گناهانش فروخته است. حال باید با اعمال نیک و دوری از گناهان، برای ارزشمندتر شدن روزه‌اش بکوشد تا در قیامت، روزه او را از آتش جهنم حفظ کند. از سوی دیگر، روزه‌داران می‌دانند که در حالت روزه‌داری، زادوتوشه برای آخرت خود مهیا می‌کنند و با تحمل دشواری‌ها، به یاد سختی - های روز قیامت و حسابرسی اعمال می‌افتند. امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا أُمِرُوا بِالصَّوْمِ لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ»^۲ مردم به انجام روزه امر شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن، فقر و بیچارگی آخرت را بیابند. از همه مهم‌تر اینکه روزه‌دار با خواندن دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ»^۳ به فکر مردگان افتاده، درباره آینده خود تصمیم می‌گیرد و این حقیقت را پیش رو دارد که قافله مرگ در حرکت است و باید پیش از آنکه با آن همراه شود، در اندیشه جهان پس از مرگ باشد. امروزه که این همه جنایت و ظلم در دنیا اتفاق می‌افتد، عامل اصلی آن، فراموشی معاد است. خداوند در بیان ستم ظالمان یادآوری می‌کند که این امر به جهت فراموشی معاد می‌باشد. در سوره «ص» آمده: «لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^۴ برای آنها عذاب شدیدی است؛ به جهت فراموشی روز حساب.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۹.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۹۰: «خدا، بر گور خفتگان، شادی بفرست.»

۴. ص، آیه ۲۶.

- همبستگی اجتماعی

روزه در عرصه اجتماعی نیز دارای اثر می‌باشد؛ یعنی مردم در ماه مبارک رمضان، گرسنگی را با جان خود تجربه می‌نمایند و به یاد مستمندان می‌افتند و می‌فهمند که آنان چگونه با گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. «بر کسی پوشیده نیست که روزه، یک درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است؛ با انجام این دستور مذهبی، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمی‌یابند و هم البته ممکن است با توصیف حال گرسنگان و محرومان، سیران را متوجه حال گرسنگان ساخت؛ ولی اگر این مسئله جنبه حسی و عینی به خود بگیرد، اثر دیگری دارد... راستی اگر کشورهای ثروتمند جهان چند روز را در سال روزه بدارند و طعم گرسنگی را بچشند، باز هم این همه گرسنه در جهان وجود خواهد داشت؟»^۱

رسول خدا ﷺ از ماه رمضان به عنوان «ماه مواسات» یاد کرده و فرموده: «وَهُوَ شَهْرُ الْمُوَأَسَاةِ»^۲ رمضان، ماه همدردی با دیگران است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که هشام بن حکم از علت تشریع روزه پرسید و امام در پاسخ فرمود: «إِنَّمَا أُمِرُوا بِالصَّوْمِ لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ»^۳ روزه، به این دلیل واجب شده است که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد و این، به دلیل آن است که غنی، طعم گرسنگی و تشنگی را بچشد و به یاد فقر و نداری روز آخرت بیفتد. در دعای ماه رمضان دعا می‌کنیم: «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ»^۴

۶. افطاری دادن

یکی از سنت‌های حسنه، افطاری دادن است. این امر، در نهادهای سازای معاشرت‌های نیکو و انجام صله رحم، نقش اساسی دارد. اهل بیت علیهم السلام دیگران را به این سنت پسندیده سفارش

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۳۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۰.

۳. همان، ص ۹.

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۹۰: «خدایا! هر نیازمند را بی‌نیاز کن! خدایا! هر گرسنه را سیر نما.»

مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: به استقبال رمضان ■ ۳۱

نموده، خود بدان اقدام می کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه فرمود: «... مَنْ فَطَّرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ»^۱ هرکس مؤمن روزه داری را در ماه رمضان افطاری دهد، خداوند ثواب آزاد کردن بنده ای را به او داده و گناهان گذشته او را می بخشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام روزه می گرفت، دستور می داد گوسفندی را سر می بریدند و آن را تکه تکه می کردند و در دیگ ها می ریختند. حضرت در وقت غروب به دیگ ها سر می زد و در حالی که روزه داشت، بوی آبگوشت را استشمام می کرد و آن گاه می فرمود: کاسه ها را بیاورید! این کاسه را برای فلان کس، و دیگری را برای فلانی بکشید. همین طور، کاسه ها را پُر می کردند تا آبگوشت تمام می شد. سپس خود با نان و خرما افطار می کرد.^۲

بحمدالله، در جامعه ما افطاری دادن در حال گسترش است؛ اما انتظار آن است که این سنت نیکو بیشتر مورد توجه قرارگیرد. یکی از آثار مهم این امر، انجام صله رحم است؛ صله رحم متأسفانه در جامعه کم رنگ گردیده؛ در حالی که در اسلام بدان تأکید فراوانی شده است: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...»^۳ آنان که آنچه را خداوند به پیوستنش فرمان داده پیوند می دهند...»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه سفارش کرد که در این ماه، صله رحم انجام دهید: «وَصِلُوا أَرْحَامَكُمْ»^۴ اهل بیت علیهم السلام به صله رحم اهمیت می دادند و خود پیشگام در این امر بودند. صفوان جمال می گوید: شبانگاهی بود که بین امام صادق علیه السلام و عبدالله بن حسن^۵ مشاجره ای پیش آمده، از هم جدا شدند. صبحگاهان برای کاری از خانه بیرون رفتیم. دیدم امام صادق علیه السلام بر در خانه عبدالله بن حسن ایستاده و به کنیز او می گوید: ابومحمد (عبدالله

۱. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۴.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۰.

۳. رعد، آیه ۲۱.

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، خطبه شعبانیه.

۵. «عبدالله بن حسن مثنی»، نوه امام حسن مجتبی علیه السلام است.

بن حسن) را خبر کن! عبدالله از خانه بیرون آمد و گفت: ای ابا عبدالله! چه شده که به این زودی آمده‌ای؟ فرمود: دیشب آیه‌ای از قرآن را خواندم که مضطربم کرده است. گفت: کدام آیه؟ فرمود: خدای تعالی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» آنان که می‌پیوندند آنچه را خدا به پیوندش فرمان داده و از سختی حساب قیامت می‌ترسند.» عبدالله گفت: حق با توست؛ گویی من هرگز این آیه را در کتاب خدا نخوانده بودم. آن‌گاه همدیگر را در آغوش کشیدند و گریستند.^۱

مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: خویشاوندانی دارم که با آنان پیوند و رابطه دارم؛ اما آزارم می‌دهند. تصمیم گرفته‌ام آنان را ترک کنم. حضرت فرمود: آن‌گاه خدا هم تو را ترک می‌کند. گفت: پس چه کنم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: به کسی که تو را محروم کرده، عطا کن. با کسی که از تو بریده است، رابطه برقرار ساز و از کسی که به تو ستم کرده، درگذر. هرگاه چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود.^۲

۷. آداب افطار

همان‌طور که همه برنامه‌های ماه رمضان، نظم و آداب و شرایط دارد، افطار نیز در این ماه، آداب و شرایط دارد. اهل بیت علیهم‌السلام این آداب را رعایت می‌کردند. یکی از آداب، خواندن دعا پیش از افطار است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پیامبر ﷺ در وقت افطار این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ذَهَبَ الظَّمَا وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَبَقِيَ الْأَجْرُ»^۳ بارخدا! برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم. پس آن را از ما بپذیر. تشنگی با آشامیدن برطرف شد و رگ‌ها تر گشت و ثواب باقی ماند.» امام علی علیه‌السلام هنگام افطار عرضه می‌داشت: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۴ خدایا! برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو افطار کردیم. پس آن را از ما قبول نما. همانا که تو شنوا و دانایی.»

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۹۵.

۴. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد وسلاح المتعبد، ج ۲، ص ۱۲۶.

مجلس دوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: به استقبال رمضان ■ ۳۳

اما اینکه اهل بیت علیهم السلام با چه چیزی افطار می کردند، احادیثی نقل شده که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

– امام باقر علیه السلام روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آب و خرما و یا آب و رطب افطار می کرد^۱ و اگر شیرینی و حلوا نبود، با شکر که از نی گرفته می شد، افطار می نمود.^۲

– امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت علی علیه السلام دوست داشت که با شیر افطار کند.^۳

۸. حفظ حرمت ماه رمضان

اهل بیت علیهم السلام همواره مواظب بودند که حرمت و قداست ماه رمضان حفظ شود. از این رو، با کسی که روزه می خورد، به شدت برخورد کرده، بر او حد جاری می نمودند.

گویند نجاشی (شاعر) در روز ماه رمضان شراب خورد. او را نزد امام علی علیه السلام آوردند. حضرت پس از یک شب زندان و اجرای حد شرعی شراب خواری (هشتاد ضربه تازیانه)، بیست ضربه شلاق اضافی، به دلیل شکستن حرمت ماه رمضان، به او زد.^۴

امام سجاد علیه السلام نیز به حفظ حرمت ماه رمضان اشاره کرده و فرموده: «وَمَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ؟»^۵ چه قدر سعادتمند شد آن کسی که احترام تو را حفظ کرد!

ما نیز باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام حرمت ماه رمضان را حفظ کنیم تا آثار برکات آن را در خود و جامعه مشاهده نماییم. داده های آماری نشان می دهد که آسیب های اجتماعی در ماه مبارک رمضان، کاهش چشمگیری دارد. مطابق گزارش نیروی انتظامی، آمار ارتکاب جرایم و آسیب های اجتماعی از قبیل: سرقت، نزاع و قتل، در طول ماه رمضان بیش از پنجاه درصد کاهش می یابد.^۶

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۱۶.

۵. علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفه السجادیه، دعای ۴۵، ص ۹۸.

۶. روزنامه هموطن سلام، ۱۳۸۳/۸/۲.

مجلس سوم

سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان

رمضان، ماه قرآن و نیایش

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری *

عن أبي جعفر عليه السلام: «لِكُلِّ شَيْءٍ رَّيْعٌ وَرَّيْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ؛» برای هر چیز، بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است.»

الف. رمضان، ماه اُنس با قرآن

جلسه اول، با بخشی از سیره معصومان علیهم السلام در خصوص اهمیت دادن و رعایت آداب ماه رمضان آشنا شدیم. در این جلسه، به ذکر قسمت‌هایی دیگر از سیره معصومان علیهم السلام در این ماه مبادرت می‌ورزیم؛ یعنی بیان گفتار و سیره اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن و نیایش. آن بزرگواران قرآن کریم را تلاوت کرده، به آموزه‌های آن عمل می‌نمودند و دیگران را نیز به

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

این امر سفارش می‌کردند. معصومان علیهم‌السلام تأکید داشتند که در ماه رمضان، بیشتر به قرآن توجه کنیم. در این نوشتار، به تبیین محورهایی چند در این باره می‌پردازیم:

۱. پیوند ماه رمضان با قرآن

یکی از ویژگی‌های ماه رمضان، نزول قرآن در آن است. اگر یک شب آن، بهتر از هزار ماه است، به دلیل نزول قرآن کریم است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱؛ ماه رمضان، [همان ماهی است] که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. شاید علت اینکه در روایات از ماه رمضان به نام «بهار قرآن» یاد شده، به جهت وجود همین پیوند دوسویه باشد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ رَّيْبٌ وَرَيْبُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ»^۲؛ برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است. بنابراین، بایسته است که در این ماه شریف، با قرآن بیشتر ارتباط برقرار کنیم.

۲. اهمیت و فضیلت قرائت قرآن

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاوت قرآن را گفت‌وگو با خداوند دانسته و فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ»^۳؛ هرگاه کسی از شما دوست داشت با پروردگارش سخن بگوید، باید قرآن تلاوت کند.

همچنین فرمود: «أَفْضَلُ عِبَادَةٍ أُمِّي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^۴؛ برترین عبادت امت من، تلاوت قرآن است.

تلاوت قرآن برای همگان حیات‌بخش است؛ اما برای جوانان برکات خاصی دارد. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرموده: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ»^۵؛ انسان مؤمن که در سن جوانی قرآن را تلاوت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود.

۱. قدر، آیه ۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

۳. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۰.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۴۱۹.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۳۷

تلاوت قرآن در همه زمان‌ها، جان آدمی را طراوت و نشاط می‌بخشد؛ اما شب قدر، زمان مناسب‌تری برای این فیض است و البته آداب خاصی دارد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود: در شب قدر، قرآن را جلوی روی خود بگشایید و بگویید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ...»^۱ خداوند! از تو می‌خواهم به حق کتابی که نازل شده و به حق آنچه در آن است که نام عظیم و بزرگ تو در آن است...». همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که در شب قدر، قرآن را بر سر بگذارید و بگویید: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أُرْسِلْتَهُ...»^۲ خداوند! به حق این قرآن و به حق آن‌کسی که او را با این قرآن فرستاده‌ای...».

معصومان علیهم السلام در ماه رمضان تلاوت قرآن را جزء برنامه خود قرار داده بودند؛ تا آنجا که امام سجاد علیه السلام در این ماه مبارک، چهل بار قرآن را ختم می‌کرد.^۳ علی بن مغیره می‌گوید: «خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم و عرضه داشتم: پدرم از جدت درباره ختم قرآن در هر شب سؤال نمود. حضرت جواب داد: در ماه رمضان، به هر اندازه که می‌توانی، انجام بده. از آن پس، پدرم در ماه رمضان، چهل مرتبه ختم قرآن می‌کرد. من هم بعد از پدرم چنین می‌کنم.»^۴

۳. مهجوریت‌زدایی از قرآن

یکی از چیزهایی که اهل بیت علیهم السلام همواره بر آن تأکید نموده‌اند، مهجوریت‌زدایی از قرآن است. برای این منظور، باید با قرآن بیشتر انس پیدا کنیم و طبق آموزه‌های آن عمل نماییم. ماه رمضان، فرصت خوبی است که پرونده قرآنی خودمان را بازخوانی کنیم تا آیه: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۵ شامل حال ما نشود.

بحمدالله، جامعه ما در عرصه تلاوت، حفظ، قرائت و تفسیر قرآن، گام‌های خوبی برداشته است؛ اما باید اذعان کرد که این امر، کافی نیست؛ زیرا قرآن انتظار دارد که فضای جامعه،

۱. ابن طاووس، *إقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۷.

۳. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، ص ۲۹۲.

۴. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۹۵، ص ۵.

۵. فرقان، آیه ۳۰: «و گفت فرستاده خدا: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را مهجور کردند.»

رنگ‌وبوی قرآنی داشته باشد و همه مسلمانان هر روز این آیه را آویزه گوش خود قرار دهند: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱ پس هر قدر که برایتان امکان دارد، قرآن بخوانید.»

ما باید فرزندانمان را با تلاوت قرآن مأنوس کنیم و خانه‌های خویش را با تلاوت آیات الهی، نورانی نماییم: «تَوَرَّوْا بَيُّوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»^۲ خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید.» از این رو، بایسته است که هر روز چند آیه از قرآن را بخوانیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً»^۳ قرآن، عهدنامه خدا برای مردم است. پس، شایسته است که مسلمان در هر روز، پنجاه آیه از آن را بخواند.»

از همه مهم‌تر اینکه همه ما باید به قرآن عمل کنیم تا جامعه به رشد و کمال برسد و اقتدار اسلام نمایان گردد. به قول علامه اقبال لاهوری:

نقش قرآن چون‌که بر عالم نشست نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمراست این کتابی نیست، چیزی دیگر است
چون‌که در جان رفت جان دیگر شود جان که دیگر شد جهان دیگر شود^۴

سزاوار نیست که وصیت پیشوای شیعیان، امیر مؤمنان، علی علیه السلام را فراموش کنیم که فرمود: «اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»^۵ خدا را! خدا را! درباره قرآن؛ مبدا دیگران در عمل به دستوراتش از شما پیشی گیرند.» شیخ سلیمان ندوی، شیخ الاسلام پاکستان، می‌گوید: «روزی در اوج شهرت اقبال لاهوری، او را در شهر لاهور ملاقات کردم. به او گفتم: بسیار شگفت‌آور است که من و امثال من که عمری را به تحصیل در علوم مذهبی گذرانده‌ایم، هیچ‌کدام نتوانسته‌ایم به اندازه شما در معارف اسلامی و تأثیر آن در افکار مردم مؤثر باشیم. راز موفقیت شما در چیست؟ اقبال در پاسخ گفت: اگر به‌زعم شما توانسته باشم

۱. مزمل، آیه ۲۰: «آنچه برای شما امکان‌پذیر است، قرآن بخوانید.»

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۳. همان، ص ۶۰۹.

۴. محمد اقبال لاهوری، کلیات / شعار فارسی، ص ۷۷.

۵. محمد بن حسین الشریف الرضی، نهج / البلاغه، ص ۴۲۲.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۳۹

در این باره موفق شوم، شاید مؤثرترین عامل ذهنی و فکری من، مولود این خاطره باشد که در نتیجه توصیه و تشویق پدرم، قرآن را زیاد مطالعه می‌کردم. روزی هنگام صبح که مشغول تلاوت قرآن بودم، پدرم از جلوی اتاق من عبور کرد و مرا در همان حال دید. آن‌گاه پرسید: اقبال! چه می‌خوانی؟ گفتم: «قرآن می‌خوانم». گفت: «بسیار خوب! لیکن دلم می‌خواهد قرآن را آن‌چنان بخوانی که گویا قرآن بر تو نازل شده است و خدا دارد با تو سخن می‌گوید!» این توصیه پدرم، در من اثر تازه‌ای گذاشت. از آن‌پس، قرآن را به روش مورد نظر او تلاوت می‌کردم. بنابراین، اگر اثری در نشر معارف اسلامی از من به جای مانده است، مولود همان توصیه است.^۱

اقبال، قرآن را همیشه با لحن جالب و دل‌کش قرائت می‌نمود و در آن حال، گریه می‌کرد؛ حتی اوراق مصحف نیز از اشک‌های او تر می‌شد.^۲ رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انزوای قرآن در جامعه اسلامی را چنین توصیف می‌کند:

«امروز نگاهی به صحنه زندگی مسلمانان بیفکنید، ببینید قرآن در کجاست؟ در دستگاه‌های حکومت، در نظام‌های اقتصادی، در تنظیم روابط و مناسبات مردم با یکدیگر، در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، در سیاست خارجی و روابط با دولت‌ها، در تقسیم ثروت‌های ملی میان قشرهای مردم، در خلق و خوی مدیران جوامع اسلامی و همه قشرهای ملت‌ها که کم‌یابیش از آنان تأثیر می‌پذیرند، در رفتار فردی حکام اسلامی، در روابط زن و مرد، در خوراک و پوشاک، در کدام جلوه اصلی زندگی؟ در کاخ‌ها، در سپرده‌ها و اندوخته‌های بانکی، در معاشرت‌ها، در کجای حرکت عمومی و اجتماعی انسان‌ها؟ ... سید جمال صد سال پیش از این می‌گریست و می‌گریاند که قرآن مخصوص هدیه‌دادن و زینت‌کردن و خواندن بر مقبره‌ها و نهادن بر طاقچه‌هاست؟ در این صد سال، چه تغییری حاصل شده است؟ آیا وضع قرآن برای امت قرآن نگران‌کننده نیست؟»^۳

۱. علی‌اکبر دیلمی، *انس با قرآن*، ص ۴۲.

۲. جعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، *یادنامه علامه امینی*، مقاله «قرآن و اقبال»، ص ۳۵۷.

۳. پیام آیت‌الله خامنه‌ای، بهمن‌ماه ۱۳۶۴.

۴. سیره علما نسبت به قرآن

عالم‌ان دین هم به پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام در ماه رمضان و هم بعد از آن، به تلاوت قرآن می‌پرداختند. خانم مرضیه حدیده‌چی (دباغ) نقل می‌کند: «وقتی غذای امام را داخل اتاق می‌بردم، وارد اتاق که می‌شدم، می‌دیدم قرآن را باز کرده‌اند و مشغول قرائت قرآن هستند. مدتی این مسئله (کثرت قرائت قرآن)، ذهنم را مشغول کرده بود تا اینکه روزی به امام عرض کردم: حاج آقا! شما سراپای وجودتان قرآن عملی است. دیگر چرا این‌قدر قرآن می‌خوانید؟ امام مکثی کردند و فرمودند: هرکس بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود، باید دائم قرآن بخواند.»^۱

محدث قمی می‌نویسد: «... میرداماد، قرآن مجید را بسیار تلاوت می‌نمود؛ به طوری که یکی از افراد مورد اعتماد، برای من نقل کرده که در هر شب، پانزده جزء قرآن می‌خواند.»^۲ از جمله عباداتی که شیخ انصاری از سن بلوغ تا آخر عمر بر آن مداومت می‌کرد، قرائت یک جزء قرآن در هر روز بود.^۳

یادمان نرود که برای برقراری ارتباط بیشتر با قرآن، باید از صاحب آن کمک بخواهیم؛ همان‌گونه که امام سجاد علیه‌السلام عرضه داشت: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنَيْتَ عَلَيَّ خَتْمَ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ مُهِمِّنًا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَيَّ كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ؛^۴ خدایا! تو مرا بر ختم کتاب خود یاری کردی؛ همان کتابی که برای روشنگری فرو فرستادی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده‌ای، گواه ساخته‌ای و بر تمام سخنانی که بیان نموده‌ای، برتری داده‌ای.»

۵. تأثیر قرآن بر غیرمسلمانان

آموزه‌های قرآن، فرازمانی و فرامنطقه‌ای است. از این‌رو، غیرمسلمان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه کم نیستند دانشمندان غیرمسلمان که سخت تحت تأثیر تعلیم حیات‌بخش

۱. غلامعلی رجائی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمه‌الله، ج ۳، ص ۱۲.

۲. جعفر سبحانی، سیمای فرزندگان، ص ۱۷۲.

۳. همان، ص ۱۶۲.

۴. علی بن الحسین علیه‌السلام، الصحیفة السجادیة، دعای ۴۲، ص ۱۷۴.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۴۱

قرآن قرار گرفته‌اند؛ نمونه این امر، دکتر «گاری میلر»، یکی از مبلغان فعال مسیحی است که در سال ۱۹۷۷م با تأثیرپذیری از آیات قرآن، به اسلام ایمان آورد. او درباره چگونگی اسلام آوردنش می‌گوید:

«روزی شروع به خواندن قرآن کردم تا بتوانم اشتباه و خطایی در آن پیدا کنم و با این کار، عظمت مسیحیت را در دید مسلمانان بالا ببرم؛ چون فکر می‌کردم قرآنی که چهارده قرن پیش در صحرا نازل شده است، باید قدیمی و پُر از اشتباه باشد؛ اما متوجه شدم در قرآن، اشتباهی وجود ندارد و حتی قرآن به مسائل و امور فراوانی پرداخته که در کتاب‌های آسمانی دیگر، اثری از آنها دیده نمی‌شود. این کتاب، کنجکاو و تعجب مرا برانگیخت تا آن را کامل مطالعه کنم. هنگام خواندن قرآن، به آیه شگفت‌انگیز ۸۲ سوره نساء رسیدم که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا به قرآن [عمیقاً] نمی‌اندیشند؟ چنانچه از سوی غیر خدا بود، همانا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.»^۱

ب. دعا و نیایش

یکی از موضوعاتی که قرآن بدان تأکید کرده و معصومان علیهم السلام به آن بها داده‌اند، دعا و نیایش است. این دو، در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند؛ تا آنجا که قسمت عمده عبادات اسلامی را دعا و نیایش تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که روح عبادت، دعا شمرده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْزِعُوا إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِكُمْ وَالْجُئُوا إِلَيْهِ فِي مُلِمَّاتِكُمْ وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ وَادْعُوهُ فَإِنَّ الدُّعَاءَ مَخُّ الْعِبَادَةِ»^۲ در نیازهای خود و هنگام بروز مشکلات، از خداوند مدد بطلبید و در سختی‌ها به او پناه ببرید و در پیشگاه او، تضرع و دعا کنید؛ چراکه دعا، روح و مغز عبادت است.»

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله دعا را اسلحه مؤمن، ستون خیمه دین و نور آسمان‌ها و زمین معرفی کرده: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۳ این مسئله، به قدری

1. www.esteva.ir/news-367.htm

۲. ابن فهد حلی، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، ص ۴۰.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴۲ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

مهم است که قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱ بگو: پروردگارم به شما اعتنایی نمی‌کند، اگر دعای شما نباشد.^۲

البته اهمیت این موضوع، در ماه رمضان بیشتر از زمان‌های دیگر است. از این‌رو، در این ماه دعا‌های مخصوصی از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده است که تنها به ذکر عناوین آنها اکتفا می‌شود:

– دعای وقت دیدن هلال ماه مبارک رمضان؛

– دعای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در وقت آغاز ماه رمضان؛

– دعای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شب اول رمضان؛

– دعای ابوحمزه ثمالی در هر شب؛

– دعای سحر؛

– دعای اول صبح‌فیه سجاده؛

– دعای وقت افطار؛

– دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در شب‌های نوزدهم و بیست و یکم؛

– دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام در ماه مبارک رمضان؛

– دعای پیامبر و امام زین‌العابدین در شب بیست و هفتم؛

– دعای پیامبر در شب آخر هر ماه؛

– دعای وداع با ماه رمضان.

یکی از این دعاها، دعای سحر است که از اهمیت خاصی برخوردار است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ عَظَمِ هَذِهِ الْمَسَائِلِ عِنْدَ اللَّهِ وَسرْعَةِ إِجَابَتِهِ لِصَاحِبِهَا لَأَقْتَتَلُوا عَلَيْهِ وَلَوْ بِالسَّيْفِ»^۳ اگر مردم عظمت این دعا را نزد خدا بدانند و از اجابت سریع آن آگاه باشند، خود را برای آن به کشتن می‌دهند، گرچه با شمشیر باشد.

معصومان علیهم‌السلام در قالب این دعاها به ما راه خداشناسی، قرب الهی و سبک زندگی را یاد داده‌اند؛ همچنان‌که امام علی علیه‌السلام با دعای کمیل، امام حسین علیه‌السلام با دعای عرفه و نیز امام سجاد علیه‌السلام با دعای ابوحمزه ثمالی، مناجات‌های پانزده‌گانه و دعا‌های صبح‌فیه سجاده، به ما

۱. نور، آیه ۶۳.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، پیام‌امام/امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ج ۲، ص ۵۱۸.

۳. ابن طاووس، إقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۷.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۴۳

آموخته‌اند که راه رسیدن به خدا و کسب معنویات و مادیات، از دعا می‌گذرد. انبیای الهی نیز به برکت دعا و مناجات خالصانه خود، مقام نبوت را کسب کردند و به خواسته‌هایی رسیدند که به حسب ظاهر برای انسان امکان‌پذیر نیست.

ج. اعتکاف

اعتکاف، در اصل به معنای محبوس ماندن و مدت طولانی در کنار چیزی قرار گرفتن است و در اصطلاح شرع، توقف در مساجد برای عبادت می‌باشد. اعتکاف، فرصت مناسبی است که انسان با گریز از هوای نفس و دوری از اشتغالات، با محبوب خود مأنوس گردیده، با سوز دل و اشک دیده، خانه دل را صفا دهد و با خدا خلوت کند. در این خلوت، معتکف خود را مهمان و خدا را میزبان به حساب می‌آورد. مهمان بر این باور است که اگر مهمان خوبی هم نباشد، صاحبخانه با فضل و کرم خویش با وی خوب برخورد می‌کند. در اعتکاف، معتکف از پوسته عبادت عبور کرده، به باطن بندگی دست می‌یابد. از این‌رو، خداوند بنده‌اش را به فراغت برای خلوت با خودش فرامی‌خواند تا به مرتبه انس با خدا نایل شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فِي التَّوَرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَنَىٰ وَلَا أَكِلُكَ إِلَّا طَلَبَكَ وَعَلَىٰ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَّا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَكِلُكَ إِلَّا طَلَبَكَ»^۱ در تورات به نقل از خدا آمده... ای فرزند آدم! برای عبادت من، فراغت پدید آور تا دل تو را از بی‌نیازی سرشار کنم و بدون آنکه درخواست نمایی، نیازت را برآورده سازم و دلت را از خوف و خشیت خود لبریز نمایم؛ اما اگر فراغت برای بندگی من فراهم نکنی، قلبت را به دنیا سرگرم نمایم و نیازت را برطرف نکرده، به تلاش خودت واگذار خواهم کرد.»

خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است؟!

چون کوی دوست هست، به صحرا چه حاجت است؟!

ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست

احباب حاضرند، به اعدا چه حاجت است؟!^۲

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۳.

۲. شمس‌الدین محمد شیرازی، دیوان حافظ، ص ۳۳.

۴۴ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

اعتکاف، در تمامی روزهای سال، به‌جز موارد خاص، مستحب است؛ البته اعتکاف در ماه رمضان، از هر زمانی بهتر است. از این‌رو، اهل بیت علیهم‌السلام به دیگران سفارش می‌نمودند که در ماه رمضان اعتکاف کنند و خود نیز در ایام رمضان، به‌ویژه در دهه آخر آن، معتکف می‌شدند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا اعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعَشْرِ الْوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»^۱ اعتکافی نیست، مگر در ده روز آخر ماه رمضان.

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمَرَتَيْنِ»^۲ اعتکاف ده روز در ماه رمضان، معادل [ثواب] دو حج و دو عمره است.^۳ از این‌رو، پیامبر در ماه رمضان اعتکاف می‌کرد.^۴

اعتکاف در ماه رمضان، به‌گونه‌ای اهمیت داشت که اگر اعتکاف در ماه رمضان قضا می‌شد، پیامبر قضای آن را انجام می‌داد؛ چنان‌که در یکی از سال‌ها که به جهت بروز جنگ بدر نتوانسته بود اعتکاف کند، دو دهه اعتکاف نمود که یک دهه آن، به جهت قضای ماه رمضان گذشته بود.^۵

د. شب‌زنده‌داری

یکی از آداب مهم شب‌های قدر، احیا و شب‌زنده‌داری است. این امر، بسیار مورد توجه اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. از این‌رو، ایشان به احیای شب قدر می‌پرداختند و تا سحر بیدار می‌ماندند. معصومان علیهم‌السلام نه تنها خود شب‌زنده‌داری می‌کردند، بلکه خانواده، کودکان و فرزندان خویش را به انجام آن وادار می‌ساختند. روایت شده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شب بیست‌وسوم ماه رمضان، خانواده خود را از خواب بیدار می‌کرد و آب به صورت آنها می‌پاشید تا در سحر بیدار بمانند.^۵ فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز نمی‌گذاشت کسی از فرزندان در آن شب به خواب رود و آنان را با کمی غذا و یا ایجاد آمادگی و استراحت‌کردن در روز، آماده

۱. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۴. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷.

۵. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۴۵

می ساخت و می فرمود: «محروم، کسی است که از خیر این شب بی نصیب بماند.»^۱ امام کاظم علیه السلام فرمود: «مَنْ اغْتَسَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَأَحْيَاهَا إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ»^۲ کسی که در شب قدر غسل کرده و تا طلوع صبح بیدار مانده و مشغول عبادت و نیایش الهی باشد، از گناهانش پاک می شود.» پیامبر فرمود: «کسی که شب قدر را با ایمان و اعتقاد و با عمل مقبول به عبادت و دعا زنده نگاه دارد، خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد.»^۳

نقل شده که امام صادق علیه السلام سخت مریض بود. چون شب بیست و سوم ماه رمضان رسید، به خدمتکار خود فرمود که ایشان را به مسجد ببرد و آن شب را در مسجد تا به صبح مشغول دعا و نیایش بود.^۴ نکته بسیار مهمی که درباره احیای شب قدر باید به آن توجه کرد، این است که اولاً: شب را تا سفیده صبح به عبادت و دعا بگذرانیم. ثانیاً: به بیداری چشم قناعت نکنیم؛ زیرا آنچه اهمیت دارد، بیداری دل و آگاهی و بصیرتی است که انسان را در محضر الهی و قرآن و فرشتگان آسمانی، مؤدب و لایق گرداند.

سحرخیزان چه ویژگی هایی دارند و چگونه شب زنده داری می کنند؟

در آیات و روایات به پاسخ اشاره شده است؛ چنان که خداوند در آیه ۱۶ سوره سجده وضع سحرخیزان را چنین بیان می کند: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد و پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند و از آنچه روزی شان کردیم، انفاق می کنند.»

امام علی علیه السلام درباره اوصاف شب زنده داران می فرماید: «شبها پاهای خود را برای عبادت جفت می کنند. آیات قرآن را با آرامی و شمرده شمرده تلاوت می نمایند. با زمزمه آن آیات و دقت در معنای آنها، غمی عارفانه در دل خویش ایجاد می کنند و دواى دردهای خود را از آن می جویند. هرچه از زبان قرآن می شنوند، مثل این است که به چشم می بینند. هرگاه به آیه ای از آیات رحمت می رسند، بدان طمع می بندند و قلبشان از شوق لبریز می گردد و

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۳ رمضان.

۲. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۷.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۰.

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۱ رمضان.

۴۶ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

چون به آیه‌ای از آیات قهر و غضب می‌رسند، بدان گوش فرامی‌دهند و مانند این است که آهنگ بالا و پایین رفتن شعله‌های جهنم به گوششان می‌رسد. کمرها را به عبادت خم کرده، پیشانی‌ها و کف دست‌ها و زانو‌ها و سرانگشت پاهای خود را به خاک می‌سایند و از خداوند آزادی خویش را می‌طلبند.^۱

علمای ربانی نیز به پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام شب‌های ماه رمضان را غنیمت شمرده، آن را با دعا، نماز و یاد خدا سپری می‌کردند. بی‌تردید، یکی از علل موفقیت آنان، سحرخیزی است. اگر شخصیتی همچون ملا صدرا رحمه‌الله، قله بلند حکمت متعالیه را فتح کرد، به برکت سحرخیزی و دعا بود.^۲ می‌گویند مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، در قنوت نماز شب خود دعای ابوحمزه ثمالی را ایستاده می‌خواند.^۳ به قول سعدی شیرازی:

کنونت که چشم است اشکی بیار زبان در دهان است عذری بیار
یکی از فرزندان امام خمینی رحمه‌الله می‌گوید: «شب‌ی در ماه رمضان، در پشت بام خوابیده بودم، دیدم صدایی می‌آید. بلند شدم و متوجه شدم که آقاست که در تاریکی نماز می‌خواند. دست‌هایش را به آسمان بلند کرده و گریه می‌کند.»^۴ علامه طباطبایی رحمه‌الله نیز شب‌های ماه رمضان را تا صبح بیدار بود. مقداری مطالعه می‌کرد و بقیه را به دعا، قرائت قرآن و نماز مشغول بود.^۵ در این باره، شعر حافظ شیرازی خواندنی است:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده‌شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند
همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود که ز بند غم ایام نجاتم دادند^۶

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۲۰.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندانگان، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۲۲۸.

۴. همان، ص ۱۵۹.

۵. همان، ص ۱۶۳.

۶. شمس‌الدین محمد شیرازی، دیوان حافظ، ص ۱۸۳.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۴۷

گویند سید صدرالدین عاملی، یکی از علمای بزرگ اصفهان، در یکی از شب‌های ماه رمضان وارد حرم امیر مؤمنان علیه السلام شد و در گوشه‌ای مشغول خواندن دعای ابوحزمه ثمالی گردید. وقتی به این جمله رسید: «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ؛ خداوندا! مرا به کیفر خود ادب مکن»، اشک و گریه او را فراگرفت و پیوسته آن جمله نورانی را با حال گریه تکرار کرد تا اینکه از هوش رفت.^۱

خوشا به حال ستارگان نورانی شب‌های ظلمانی که از مصادیق روشن این آیات الهی‌اند که فرموده: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۲ شب‌ها اندکی می‌خفتند و در سحرگاهان [از خدا] طلب آمرزش می‌کردند.»

۵. کمک به فقیران

یکی از آموزه‌های مهم اسلام، فقرزدایی و کمک به محرومان است. این امر، به گونه‌ای اهمیت دارد که قرآن در اموال مسلمان برای فقیران حق خاصی قایل شده است: «وَقِي أَمْوَالَهُمْ حَقُّ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۳ در اموالشان برای سائل و محروم، حقی [معین] وجود دارد.» امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می‌شود؛ مَن أَشْبَعَ مُؤْمِنًا، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.»^۴ بر این اساس، معصومان علیهم السلام در همه ایام، به‌ویژه در ایام رمضان، به محرومان کمک می‌کردند. ابن عباس می‌گوید: «بخشنده‌ترین افراد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و ایشان بیشترین جود و کرم را در ماه رمضان داشت.»^۵

درباره امام سجاد علیه السلام گفته‌اند: «هرگاه ماه رمضان می‌رسید، حضرت هر روز درهمی صدقه می‌داد و می‌فرمود: امیدوارم که شب قدر را دریابم و از آن بهره گیرم؛ كَانَ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ تَصَدَّقَ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ لَعَلِّي أُصِيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ.»^۶

۱. رضا مختاری، سیمای فرزندان، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۲. ذاریات، آیه ۱۷ - ۱۸.

۳. ذاریات، آیه ۱۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۵. بهاء‌الدین خرمشاهی، پیام پیامبر، ج ۱، ص ۶۳۳.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۸۲.

البته کمک اهل بیت علیهم‌السلام به محرومان، اختصاصی به ماه رمضان نداشت و در فرصت‌های دیگر نیز انجام می‌شد. از این رو، امام علی علیه‌السلام مالک اشتر را به حمایت از قشر آسیب‌پذیر سفارش کرد و فرمود: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِين»^۱

ابوالطفیل می‌گوید: علی علیه‌السلام در دوران حکومت خویش، افراد مستمند و بینوا را مورد عنایت قرار می‌داد. روزی او را مشاهده کردم که بچه‌های یتیم و بی‌سرپرست را جمع نموده و سفره مناسبی باز کرده و عسل و سایر نیازمندی‌ها را دور هم چیده و لقمه‌های لذیذ و عسلی بر دهان آنان می‌گذازد. این منظره آن‌چنان مؤثر و جالب بود که یکی از اصحابش گفت: «ای کاش! من هم یتیم بودم و این چنین مورد الطاف علی قرار می‌گرفتم»^۲

امام علی علیه‌السلام در جای دیگر فرمود: «اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته‌های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم آورم؛ اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم؛ درحالی‌که در حجاز یا یمامه، کسی باشد که به قرص نانی نرسد و یا هرگز شکمی سیر نخورد یا من سیر بخواهم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده‌اند و جگرهای سوخته وجود داشته باشد»^۳

و. عفو و گذشت

یکی از فضایل اخلاقی، عفو و گذشت است. عفو، نوعی نرمش قهرمانانه و برخورد مهربانانه است که از سعه صدر، بردباری و متانت اخلاقی فرد حکایت می‌کند. این امر، در رأس ارزش‌های اخلاقی قرار دارد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ»^۴ عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است. در مقابل، نداشتن روحیه گذشت، عیب محسوب می‌شود. آن

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۱: «خدا را، خدا را در کار طبقه فرودست که هیچ کاری از

دستشان برنمی‌آید، نیز بیماران زمین‌گیر»

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۹.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۴۰.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۴۹

حضرت فرمود: «کمبود عفو و گذشت، زشت‌ترین عیب‌ها و شتاب برای انتقام، بزرگ‌ترین گناه است.»^۱ دلیل کارنگی می‌گوید: «ما صاحب آن خُلق سلیم و روح ملکوتی نیستیم که بتوانیم دشمن خود را دوست بداریم؛ ولی برای سلامت و خوشی خود باید آنها را ببخشیم و فراموششان کنیم.»^۲

یکی از خصوصیات معصومان علیهم السلام عفو و گذشت می‌باشد. ایشان در هر زمان، به‌ویژه در ماه رمضان، اقدام به این امر می‌نمودند و خطاکاران یا دشمنان خود را می‌بخشیدند و برای آنان دعا می‌کردند؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق اهانت‌کنندگان به خویش دعا کرد و فرمود: «إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لِعَانًا وَلَكِنِّي بُعِثْتُ دَاعِيًا وَرَحْمَةً، اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ برای لعن و نفرین برانگیخته نشده‌ام؛ بلکه برای دعوت به حق و رحمت برانگیخته شده‌ام. خدایا! قوم مرا هدایت کن؛ چرا که نادان‌اند.» همچنین پس از فتح مکه و درحالی که بسیاری از ساکنان مکه منتظر انتقام‌گرفتن توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، پیامبر آنان را بخشید و با اعلام عفو عمومی همگان، جز چند نفر، فرمود: «ادْهَبُوا فَإِنَّكُمْ الطُّلُقَاءُ»^۴ بروید که همه شما آزادید.» این بخشش، حتی وحشی (قاتل حمزه سید الشهداء) را شامل شد.^۵

محمد بن عجلان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وقتی ماه رمضان فرامی‌رسید، علی بن حسین علیه السلام هیچ غلام و کنیزی را مؤاخذه نمی‌کرد و اگر عمل خلافی انجام می‌دادند، آن را می‌نوشت. وقتی شب آخر ماه رمضان می‌رسید، همه را فرامی‌خواند و آن‌گاه نوشته را بیرون می‌آورد و خلاف‌کاری‌های آنها را متذکر می‌شد و از همه اقرار می‌گرفت. سپس برمی‌خاست و می‌فرمود: همگی بلند بگویید: «ای علی بن حسین! همان‌طور که تو اعمال ما را برشمردی، پروردگارت نیز آنچه را تو انجام داده‌ای، به حساب آورده و نوشته‌ای دارد که به حق علیه تو سخن می‌گوید. هیچ عمل کوچک و بزرگی را از آنچه به

۱. همان، ج ۴، ص ۵۰۵.

۲. دلیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۱۳۱.

۳. مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ص ۲۵۹۹.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۰.

۵. ابوعمر یوسف بن عبدالله (ابن عبدالبر)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۵۶۵.

۵۰ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

جا آورده‌ای، فروگذار نکرده و به حساب می‌آورد. تو آنچه را که نزد اوست، خواهی یافت؛ همان‌طور که ما اعمال خود را نزد تو یافته‌ایم. پس، از ما بگذر و عفو نما. چنان‌که دوست‌داری او از تو درگذرد، تو هم از ما درگذر که او را بخشنده و مهربان و آمرزنده خواهی یافت. ای علی بن حسین! ذلت خود را در برابر پروردگار حاکم عادل به یادآور که به اندازه خردلی ظلم نخواهد کرد و هر عملی را به جا خواهد آورد. از ما درگذر و عفو نما تا خداوند هم از تو بگذرد!»

در این هنگام، گریه‌ها شروع می‌شد و مناجات با خدا به میان می‌آمد تا آنکه حضرت آنها را می‌بوسید و می‌فرمود: از شما درگذشتم. آیا شما هم از من درگذشتید؟ آیا از من راضی شدید؟ همه می‌گفتند: ای آقای ما! ما از تو درگذشتیم! تو به ما بدی نکردی! آن‌گاه حضرت می‌فرمود که همه بگویند: خدایا! علی بن حسین را عفو نما، همان‌طور که ما را عفو کرد. او را از آتش آزاد کن، چنان‌که ما را از بردگی آزاد کرد. و خود حضرت فرمود: آمین رب العالمین، و بعد همه را آزاد می‌نمود.^۱

ما نیز به پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام در ماه رمضان باید همدیگر را بخشیده، کینه و کدورت‌ها را کنار بگذاریم و برای همدیگر دعا نماییم. در ضمن، یادمان نرود که بر اساس برخی گزارش‌ها، تعداد بسیاری از افراد به دلیل بدهکاری و مشکلات زندگی در زندان هستند. بودن اینان در زندان، معمولاً مشکلی را حل نمی‌کند. طلبکاران می‌توانند این گروه را عفو نمایند که بهترین لذت‌ها، در عفو است.

در عصر زعامت مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمه‌الله، شبی از شب‌ها که ایشان در نجف اشرف نماز مغرب و عشا را به جماعت می‌خواند، بین نماز، شخصی فرزند فاضل و شایسته او را با کارد به قتل رساند. وقتی از خبر قتل فرزندش باخبر شد، با بردباری و صبوری فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». بعد بلند شد و نماز عشا را خواند. وقتی خدمتش رسیدند و درباره قاتل فرزندش پرسیدند، فرمود: او را عفو کردم.^۲

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸۶.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۳۳۶.

مجلس سوم: سیره معصومان علیهم السلام در ماه رمضان: رمضان، ماه قرآن و نیایش ■ ۵۱

ز. اهتمام ویژه به دهه آخر رمضان

همان‌طور که اشاره شد، همه روزها و شب‌های رمضان از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو، اهل بیت علیهم السلام در تمام این ماه به عبادت، روزه و نیایش با پروردگار خویش می‌پرداختند؛ اما اینان برای دهه آخر ماه رمضان، اهمیت ویژه‌ای قایل بودند. شاید جهتش این باشد که دو شب مهم قدر در آن قرار گرفته و شاید دلیلش این باشد که ده آخر ماه رمضان، هنگام نتیجه‌گیری است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که چون دهه آخر ماه مبارک رمضان فرامی‌رسید، رسول اعظم صلی الله علیه و آله کمرش را محکم می‌بست و از همبستر شدن با زنان خود پرهیز می‌کرد و به شب‌زنده‌داری می‌پرداخت و خود را برای عبادت فارغ‌البال می‌ساخت.^۱

ح. وداع با ماه رمضان

از آن‌رو که ماه رمضان برخی محدودیت‌ها مانند نخوردن غذا و نیاشامیدن آب را به دنبال دارد، برخی منتظر تمام شدن آن هستند؛ اما اولیای خدا از فراق این ماه ناراحت‌اند و جدایی از آن را مصیبت می‌دانند؛ زیرا تنها در این ماه است که درهای رحمت الهی باز و درهای جهنم بسته است. از همه مهم‌تر اینکه در این ماه، عاشق با محبوب خود بیشترین ارتباط را دارد و این پیوند، لذت‌بخش‌ترین لذت‌هاست. بنابراین، باید ماه رمضان را غنیمت شمرد و خود را در معرض نسیم دل‌انگیزش قرار داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛^۲ بی‌گمان، از جانب پروردگارتان در ایام زندگی شما، نسیم‌هایی به سوی شما می‌وزد. آگاه باشید و خود را در معرض آنها قرار دهید.»

افزون بر این، برخاستن از سفره ضیافت الهی، برای سالکان دل‌داده سخت است. جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که در جمعه ماه رمضان، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم. هنگامی که چشم او بر من افتاد، فرمود: ای جابر! این جمعه آخر ماه رمضان است. پس با او وداع

۱. سید محمدحسین طباطبایی، سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۳۰۱.

۲. شیخ صدوق، کتاب التوحید، ص ۳۳۰.

۵۲ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

کن و بگو: «قُلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا إِيَّاهُ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَأَجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا»^۱ خدایا! این رمضان را آخرین روزه ما قرار مده و چنانچه قرار دادی، پس ما را مورد رحمت خود قرار بده و ما را از رحمت خویش محروم نساز.

امام سجاد علیه السلام در گفت‌وگو با ماه رمضان فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا، وَأَفْجَعُ فَقْدُهُ مَقْضُودًا، وَمَرْجُوُّ آلَمٍ فِرَاقُهُ»^۲ سلام بر تو ای همدمی که هنگام حضور، بسیار گران‌قدر بودی و آن‌گاه که رفتی، فراق تو دشوارتر، و مرجع‌امیدی که جدایی‌اش دردآور است! «همچنین در قسمت دیگر دعای وداع امام سجاد علیه السلام بر این نکته تأکید شده که پیوسته مشتاق دیدار ماه رمضان هستیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ»^۳ سلام بر تو ای ماهی که چه بسیار در گذشته به آمدنت علاقه‌مند بودیم و چه اندازه در آینده مشتاق دیدار تو هستیم!

از این گونه تعبیرات، به دست می‌آید که امام در فراق ماه رمضان، بی‌تاب و پیوسته مشتاق دیدار مجدد آن بوده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ مُصِيبَتِنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا»^۴ خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و مصیبت و اندوه ما را با رفتن این ماه، به‌خوبی جبران کن و برای ما روز عید فطر را مبارک و نیکو گردان.

۱. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۹.

۲. علی بن حسین علیه السلام، الصحيفة السجادية، دعای ۴۵، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۲۰۰.

۴. همان، ص ۲۰۲.

مجلس چهارم

نقش گناه در سرنوشت انسان

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صمدی یزدی*

مقدمه

عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان، دگرگونی‌هایی است که در روش اخلاق و عمل آدمی بروز می‌کند. تاریخ، چهار گروه از اقوام و ملت‌ها را به ما نشان می‌دهد که زندگی‌ها و سرنوشت‌های متفاوتی داشته‌اند:

۱. گروهی که آخرین مراحل ترقی و پیشرفت خود را به سرعت طی کرده و موفقیت‌های فراوانی داشته‌اند.

۲. گروهی که به پایین‌ترین مرحله انحطاط رسیده، دچار بدبختی و ذلت گردیده‌اند.

۳. گروهی که یک روز، پراکنده و شکست‌خورده بودند؛ اما روزی دیگر، سربلند و سرافراز شده و به عزت و سربلندی رسیده‌اند.

۴. گروهی که از عالی‌ترین مرحله افتخار، به دره ذلت و خواری سقوط نموده‌اند.

حال باید دید علت این تغییرات چیست؟

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

شاید بعضی علت این موضوع را شناس، اقبال، طالع، تغییرات اوضاع فلکی یا نقشه بیگانگان و دشمنان و عوامل بیرونی بدانند؛ اینها در واقع، علت اصلی را فراموش کرده، به علت‌های خیالی و یا فرعی پرداخته‌اند؛ اما قرآن کریم، در این باره قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند؛ قانونی که یکی از پایه‌های جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است. قرآن می‌گوید: هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی افراد و اقوام، در دست خود آنهاست. شناس، اقبال، طالع، تأثیرات فلکی و مانند اینها هیچ کدام پایه و اساس ندارد. در سورة مبارک انفال می‌خوانیم: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱ این به دلیل آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و داناست. همچنین در آیه دیگر می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

از این آیات استفاده می‌شود که فیض و رحمت خداوند، همیشگی و همگانی است که به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها به مردم می‌رسد. در ابتدا، خداوند نعمت‌های مادی و معنوی خویش را شامل حال افراد و اقوام می‌کند؛ چنانچه نعمت‌های الهی را وسیله‌ای برای تکامل خویش قرار دهند و از آنها برای پیمودن مسیر حق مدد بگیرند و شکر آن را به‌جا آورند، خداوند نعمتش را پایدار، بلکه زیاد می‌کند؛ اما اگر نعمت‌ها را وسیله گناه، معصیت و سرکشی قرار دادند، در این هنگام است که خداوند نعمت‌ها را از ایشان می‌گیرد و گاهی آن را به بلا و مصیبت تبدیل می‌کند. بنابراین، تغییر سرنوشت، به دست خود ماست و مهم‌ترین عامل تغییر سرنوشت، گناه و نافرمانی خداوند است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِلَّا هُوَ حَتَّى يُذْنِبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ»^۳ خداوند هیچ گاه نعمتی را که به بنده‌اش بخشیده است، از او

۱. انفال، آیه ۵۳.

۲. رعد، آیه ۱۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۴.

مجلس چهارم: نقش گناه در سرنوشت انسان ■ ۵۵

نمی‌گیرد؛ مگر اینکه گناهی کند که به جهت آن، مستحق سلب نعمت شود.» همچنین فرمود: «خداوند پیامبری را مأمور کرد که این سخن را به قوم خود بگوید: هیچ جمعیت و گروهی که در پرتو اطاعت من در خوشی و آسایش بوده‌اند، از آنچه موجب رضایت من است، تغییر حالت نداده‌اند، مگر اینکه من هم آنها را از آنچه دوست می‌دارند، به آنچه ناخوش دارند، تغییر حال داده‌ام. هر گروه و خانواده‌ای که به دلیل معصیت گرفتار ناراحتی بوده‌اند، سپس از آنچه موجب عدم رضایت من است، تغییر موضع داده‌اند، من هم آنها را به آنچه دوست دارند، رسانده و تغییر موضع داده‌ام.»^۱

بنابراین، هم از آیات قرآن کریم و هم از روایات معصومان علیهم‌السلام و جریان‌های تاریخی استفاده می‌شود که گناه، نقش بسیار مؤثری در سرنوشت زندگی جمعی و فردی دارد. قرآن کریم اقوامی را معرفی می‌کند که از نعمت‌های فراوان الهی برخوردار بودند؛ ولی به دلیل کفران نعمت و گناه، نه تنها نعمت را از دست دادند، بلکه به عذاب و بلاهای گوناگون گرفتار شدند.

قوم سبا و تغییر سرنوشت

با اینکه قرآن کریم کتاب قصه و تاریخ نیست، در عین حال، مملو از عبرت‌ها و پندهای تاریخی است. در سوره مبارکه سبا می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ»^۲ برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای [از قدرت الهی] بود؛ دو باغ [بزرگ و گسترده]، از راست و چپ [آن رودخانه‌ای عظیم می‌گذشت و میوه‌های فراوان داشت. به آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به‌جا‌آورید. شهری است پاک و پاکیزه و پرودگاری آمرزنده [و مهربان]؛ اما آنان [از خدا] روی‌گردان شدند و ما سایل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ [پُربرت] ایشان را به دو

۱. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور‌التقلین، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲. سبا، آیه ۱۵ - ۱۷.

باغ [بی‌ارزش] با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را به دلیل کفرانشان به آنان دادیم و آیا جز کفران‌کنندگان را کیفر می‌دهیم؟» قوم سبأ در سرزمین یمن زندگی می‌کردند که خاکی حاصل‌خیز داشت؛ اما دچار کمبود آب بود. گاهی باران‌های سیل‌آسای فصلی می‌بارید که در دشت‌های پهناور هدر می‌رفت. از این رو، قوم سبأ به فکر ساختن سد افتادند تا آب‌های باران را پشت سد جمع کرده، از آن استفاده نمایند. سدهای متعددی ساختند که مهم‌ترین آنها، «سد مأرب» بود که بین دو کوه ساخته شد. برای سد، دریچه‌هایی قرار دادند که به‌موقع و به اندازه نیاز، از آب سد بهره‌برداری کنند. به برکت سد، دو طرف آن به مزارع و باغ‌های سرسبز و پرمیوه تبدیل شد و آن بیابان سوزان، به بهشتی جذاب مبدل گشت. آن‌قدر میوه‌ها فراوان بود که اگر کسی سبزی روی سر می‌گذاشت و زیر درختان حرکت می‌کرد، در فاصله کوتاهی، سبزش پُر از میوه می‌شد. از سوی دیگر، وجود آب فراوان و درختان سرسبز سبب شده بود تا آب‌وهوای منطقه صاف و دلپذیر باشد.

سزاوار بود این قوم در برابر نعمت‌های پروردگار، راه و رسم شکرگزاری را پیشه خویش ساخته، قدردان نعمت خداوند شوند و در برابر ولی نعمت خود، خضوع و خشوع نمایند؛ اما آنان به جای شکر نعمت‌های الهی، به طغیان پرداخته، گرفتار شهوت‌رانی شدند و چون انبیای الهی را مانع لذت‌های غیرمشروع خود می‌دیدند، به آزار و اذیت آنان پرداختند. در نتیجه، سرنوشت آنان تغییر کرد و مستحق عذاب الهی گردیدند.

خداوند موش‌های صحرائی را مأمور کرد که سد را سوراخ کنند. سپس به وسیله سیل عظیم (عَرَم)^۱ آن را ویران ساخت. آب تمام باغ‌های آنان را ویران کرد. پس از مدتی کوتاه، باغ‌های پرمیوه و خرّم به صحرائی خشک و سوزان تبدیل شد. به این ترتیب، به جای آن همه نعمت و درختان سرسبز، مشتی درخت بیابانی و کم‌ارزش و اندکی درخت سدر به جای ماند.^۲

۱. «عَرَم»، در اصل از «عَرَامَة» (بر وزن علامه)، به معنای خشونت و کج‌خلقی و سختگیری است. توصیف

سیلاب به آن، به شدت خشونت و ویرانگری آن اشاره دارد.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۵۹.

مجلس چهارم: نقش گناه در سرنوشت انسان ■ ۵۷

در سوره مبارکه انعام می‌خوانیم: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا اللَّأْنَهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ»^۱ آیا ندیدید چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟ اقوامی که از شما نیرومندتر بودند و قدرت‌هایی به آنان داده بودیم که به شما ندادیم. باران‌های پی‌درپی برای آنان فرستادیم و از آبادی‌های آنان، نهرهایی را جاری ساختیم؛ [اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،] آنان را به جهت گناهانشان نابود کردیم و جمعیت دیگری پس از آنان پدید آوردیم.»

این آیات، صراحت دارد که گناه، نافرمانی خداوند و کفران نعمت، سرنوشت جمعیت‌ها را عوض می‌کند حتی موجب هلاکت و نابودی آنان می‌گردد.

قرآن کریم به سرنوشت قوم شعیب، عاد، ثمود، قارون و فرعون نیز اشاره کرده، می‌فرماید: «فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^۲ هر یک را به کیفر گناهشان گرفتار کردیم؛ بر پاره‌ای از آنها طوفان شن فرستادیم، بعضی دیگر را بانگی سخت [و مرگ‌بار] فراگرفت. بعضی را به زمین فروبردیم و گروهی را غرق کردیم و خدا بر آن نبود که بر آنها ستم کند؛ بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.»

همه بلاها و گرفتاری‌ها، نتیجه و پیامد گناه و کار خود افراد و جمعیت‌هاست که سبب شد دامن آنها را بگیرد. از این رو، در ابتدای آیه فوق می‌فرماید: «هر یک را به کیفر گناهشان گرفتیم.» در پایان آیه نیز تأکید می‌کند: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» خداوند هرگز به آنان ظلم نکرد؛ بلکه آنان بودند که [با گناه خود] بر خویش ستم کردند.»

داستان عبرت‌آموز قوم عاد

داستان قوم عاد که در سوره‌های مختلف قرآن کریم به آن اشاره شده، بسیار جالب و عبرت‌آموز است؛ قبیله‌ای که حدود هفتصد سال پیش از میلاد مسیح در سرزمین احقاف^۳ یمن زندگی می‌کردند. این قوم، دارای قدهای بسیار بلند و جسم‌های قوی و نیرومند بودند^۳

۱. انعام، آیه ۶.

۲. عنکبوت، آیه ۴۰.

۳. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۴۶.

و عمرهای طولانی داشتند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «افراد قوم عاد، چهارصد سال عمر می‌کردند.»^۱

قوم عاد علاوه بر قدرت جسمانی و عمر طولانی، از نعمت آب فراوان و کشاورزی خوب و پُر محصول برخوردار بودند. در سایه این امکانات توانستند ثروت بسیاری به دست آورند و برای خود قصرها و کاخ و قلعه‌های محکم بسازند؛ ولی کم‌کم قدرت و امکانات موجب شد که راه طغیان و گناه را پیش گیرند.

خداوند برای هدایت آنها پیامبری به نام «هود» که با آنان نسبت خویشاوندی داشت، به سوی آنان فرستاد. حضرت هود علیه السلام خیرخواهانه آنان را اندرز داد و به سوی پاکی دعوت نمود؛ ولی این گروه مغرور و خودخواه، او را به شدت کتک زدند؛ چنان‌که به زمین افتاد و یک شبانه‌روز بی‌هوش بود.^۲

پس از این بود که مدتی باران بر قوم نازل نشد؛ به طوری که هوا بسیار گرم، خشک و خفه‌کننده شده بود. مردم منتظر باران بودند تا هم هوا را تازه کند و هم از برکات دیگر آن استفاده نمایند؛ مشاهده کردند ابری در افق پدیدار شد که به سرعت رو به گسترش بود. با دیدن ابر بسیار شادمان شدند و گفتند: این ابر، باران‌زاست؛ در حالی که، عذاب وحشتناک بود: «بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳؛ این، همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می‌کردند؛ بادی است که در آن عذاب دردناک وجود دارد.

این گونه، خداوند باد را مأمور عذاب قوم عاد نمود؛ بادی که ویژگی‌هایی داشت؛ از جمله:

۱. عذاب دردناک بود: «رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ».

۲. تندبادی ویرانگر بود: «تَدْمَرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ»؛ هر چیزی را به فرمان پروردگارش در هم می‌کوبید. آن‌گاه چنان [هلاک] شدند که جز خانه‌ها [ویران] شان، آثاری به چشم نمی‌خورد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۵۹.

۲. همان، ص ۳۶۱.

۳. احقاف، آیه ۲۴.

۴. احقاف، آیه ۲۴.

تغییر سرنوشت برمکی‌ها

در دوران خلافت هارون الرشید، برمکی‌ها دارای مقام و منزلت بسیاری بودند؛ به طوری که هارون تمام امور مملکت را به آنها واگذار نمود، عزل و نصب‌ها در دست آنان بود و ثروت و دارایی حکومت در اختیار آنان قرار داشت. برامکه دارای بخشش و ریخت‌وپاش‌هایی بودند؛ چنان‌که درباره آنان گفته‌اند: «إِنَّ أَيَّامَهُمْ عُرُوسٌ وَسُرُورٌ دَائِمٌ لَا يَزُولُ؛^۱ روزگار آنها، عروسی و شادمانی دائمی بود که از بین نمی‌رفت.»

اما روزگاری، همین گروه به ذلت گرفتار شدند؛ به گونه‌ای که هارون بر آنها خشمناک شد و دستور داد جعفر برمکی را به قتل رسانند و سپس دست به کشتار برامکه زد و اموال آنها را گرفت. آل برمک پس از هفده سال عیش و قدرت، آن‌چنان ذلیل شدند که یکی از نزدیکان هارون به نام محمد بن عبدالرحمن هاشمی می‌گوید:

«یک روز عید قربان نزد مادرم رفتم. دیدم زنی با شخصیت و سخن‌دان نزد او نشسته است؛ اما لباس‌های کهنه بر تن دارد. مادرم به من گفت: این زن را می‌شناسی؟ گفتم: خیر! گفت: او عباد، مادر جعفر برمکی است. به او احترام کردم و گفتم: مادر! از عجیب‌ترین چیزی که از روزگار دیده‌ای، برایم تعریف کن.»

عباده گفت: «ای پسر! روز عید قربانی بر من گذشت که چهارصد کنیز آماده به خدمت داشتم و هنوز پسر جعفر را قدرناشناس می‌دانستم؛ ولی امروز آرزو دارم که یک پوست گوسفندی داشته باشم که زیرانداز من باشد!» پانصد درهم به او دادم؛ آن‌قدر خوشحال شد که نزدیک بود جان بدهد!^۲

دلیل این تغییر و ذلت پس از عزت، چیزی جز گناه نبود؛ زیرا برامکه در دوران قدرت، راه گناه و نافرمانی از خدا را پیشه خود ساختند؛ درباره آنها گفته‌اند: هنگامی که در مجلسی از کفر و شرک سخن به میان می‌آمد، شاد می‌شدند؛ اما وقتی آیه‌ای از قرآن خوانده می‌شد، چهره در هم می‌کشیدند.

أَنَارَتْ وَجُوهُ بَنِي بَرْمَكٍ

إِذَا ذُكِرَ الشُّرْكُ فِي مَجْلِسٍ

۱. حاج شیخ عباس قمی، *تتمه المنتهی*، ص ۲۴۳.

۲. علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۸۲.

وَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَنْدهُمْ سُورَةً أَتَوْا بِالْأَحَادِيثِ مِنْ مَزْدَكٍ^۱

«وقتی در مجلسی از شرک گفته می‌شد، چهره آل برمک روشن می‌شد؛ ولی هنگامی که سوره‌ای از قرآن پیش آنها خوانده می‌شد، باب سخن را عوض می‌کردند و قصه‌های مزدک را پیش می‌کشیدند.»

به طور کلی، باید گفت بیشتر مشکلات، گرفتاری‌ها، درد و رنج‌ها و یا فقر و پریشانی‌هایی که به سراغ انسان می‌آید، نتیجه گناه و غفلت اوست؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ^۲؛ رگی زده نمی‌شود، پایی به سنگی برخورد نمی‌کند، سردردی حاصل نمی‌شود و بیماری‌ای پیش نمی‌آید، مگر بر اثر گناه. و این، همان کلام خداست که در کتابش فرمود: هر مصیبتی به شما برسد، به جهت اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را عفو می‌کند.»^۳

امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود: «از گناه پرهیز کنید؛ زیرا هیچ بلا و کمبود رزقی نیست، مگر به دلیل گناه؛ حتی خراشی که بر بدن وارد می‌شود و پایی که به مانعی برخورد می‌کند و مصیبتی که پیش می‌آید.»^۴

نقش گناه در محرومیت از باران

نیامدن باران، عوامل متعددی دارد که یکی از عوامل، گناه است. از این‌رو، در روایات آمده که در اثر گناه، مردم از نعمت نزول باران محروم می‌شوند.

ابوحمزه می‌گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «مَا مِنْ سَنَةٍ أَقَلَّ مَطَرًا مِنْ سَنَةٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي صَرَفَ عَنْهُمْ مَا كَانَ قَدَرَهُ لَهُمْ مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ وَإِلَى الْفَيَافِي وَالْبَحَارِ وَالْجِبَالِ؛^۵ خداوند هیچ سالی باران را

۱. مطهر بن طاهر مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۶، ص ۱۰۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۵.

۳. شوری، آیه ۳۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۱.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۳۹.

مجلس چهارم: نقش گناه در سرنوشت انسان ■ ۶۱

کمتر از سال دیگر نازل نمی‌کند؛ اما هر کجا بخواهد قرار می‌دهد. هرگاه قومی گناه کنند، آنچه از باران برای آنان در آن سال مقدر کرده بود، به سوی غیر آنان به صحراها، دریاها و کوه‌ها می‌فرستد.»

تأثیر گناه در تیرگی دل

یکی دیگر از آثار گناه، این است که انسان را دچار قساوت قلب و سنگدلی می‌کند و همین امر سبب می‌شود که سرنوشت و مسیر زندگی آدمی تغییر کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِلَّا الْقَلْبَ لِيُؤَاقِعَ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ»^۱ هیچ چیز به اندازه خطا و گناه، قلب انسان را فاسد نمی‌کند. گناه بر قلب وارد می‌شود و با اوست تا اینکه بر او غلبه کند. پس آن را واژگون می‌سازد.

داستان شاگرد فضیل

فضیل بن عیاض که عارفی نامدار و از رجال طریقت است، شاگردی داشت که از برترین شاگردان او بود. هنگامی که شاگرد دچار بیماری شد و به بستر احتضار افتاد، فضیل به بالینش آمد و مشغول خواندن سوره مبارکه «یس» شد؛ اما شاگرد به فضیل گفت: استاد! این سوره را نخوان!

فضیل ساکت شد و گفت بگو: «لا إله إلا الله».

گفت: «نمی‌گویم؛ زیرا از توحید بیزارم!» و در آن حال، از دنیا رفت. فضیل از مشاهده این حالت، بسیار پریشان و ناراحت شد. از کنار بستر شاگردش برخاست و به خانه خود رفت و از خانه بیرون نیامد تا اینکه در خواب دید شاگردش را به سوی آتش دوزخ و عذاب می‌برند! فضیل به او گفت: تو برترین شاگرد من بودی. چه شد که معرفت را از دست دادی و به چنین سرنوشتی گرفتار شدی؟

شاگرد پاسخ گفت: آلوده به سه گناه بودم:

۱. سخن چینی؛

۲. حسد بردن به مردم؛

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۱.

۳. دچار مرضی بودم و طیب به من گفته بود که باید سالی یک قدح شراب بنوشم تا بیماری من رفع شود.

این سه گناه، سرنوشت مرا عوض کرد و این گونه، دچار سوء عاقبت شدم.^۱ تاریخ، افراد بی‌شماری را معرفی کرده است که بر اثر گناه و نافرمانی پروردگار، مسیر زندگی آنها عوض شد و در دنیا و آخرت به خواری و عذاب گرفتار شدند؛ مانند «بلعم باعورا» و «برصیصای عابد».

در این عصر، وضع به گونه‌ای است که زمینه گناه بیش از هر زمان دیگر فراهم است حتی در برخی جاها گناهانی که بشر در دوران گذشته کمتر با آنها سروکار داشته، خودنمایی می‌کند. بنابراین، اگر بلاهای عجیب نازل شود، نباید تعجب کرد؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام فرمود: «كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ»^۲ هر قدر بندگان گناهان جدیدی که پیش از آن انجام نمی‌دادند، مرتکب شوند، خداوند نیز بلاهای جدیدی برای آنها به وجود می‌آورد که پیش از این با آن آشنا نبودند.»

با سنگ هر گناه پریم را شکسته‌ام	آه ای خدا خودم کمرم را شکسته‌ام
نه راه پیش مانده برایم نه راه پس	پل‌های امن پشت سرم را شکسته‌ام
من دانه‌دانه اشک خودم را فروختم	نرخ طلایی گهرم را شکسته‌ام
دیگر مرا نشان خودم هم نمی‌دهند	آینه‌های دوروبرم را شکسته‌ام
صدا بار توبه کردم و غرق خجالت‌م	چون عهدهای معتبرم را شکسته‌ام
دنیا شکست‌خورده‌تر از من ندیده است	حالا به سنگ خورده سرم را شکسته‌ام
آرام کن مرا و در آغوش خود بگیر	حالا که بغض شعله‌ورم را شکسته‌ام
راهم بده به باغ‌های شجره‌های طیبه	من توبه کرده‌ام تبرم را شکسته‌ام
حالا ببین که به غیر از گدا شدن	در پیشگاه تو هنرم را شکسته‌ام

۱. حسین انصاریان، تفسیر حکیم، ج ۸، ص ۸۷.

۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۲.

مجلس پنجم

نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا*

یکی از موضوعاتی که از گذشته‌های دور، افکار بسیاری از اندیشمندان در رشته‌های مختلف علمی را به خود معطوف کرده، گسترش انحراف‌های اجتماعی است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوامع، از جمله جامعه ما شده است. خانواده، به‌عنوان نخستین نهاد بشری و کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اثرگذارترین محیط بر شخصیت روانی و هویت فرهنگی فرزندان که آینده‌سازان جامعه‌اند، به شمار می‌رود. برای شناخت نقش خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی، ابتدا باید تعریف روشنی از «خانواده» و «انحراف» ارائه نمود.

تعریف خانواده

هریک از صاحب‌نظران، بر اساس تخصص خود تعریفی از «خانواده» ارائه داده‌اند. برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی و هم‌خونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند. عده‌ای دیگر عامل اقتصادی، و گروهی نیز عوامل روانی و

* استادیار دانشگاه کاشان.

جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد نموده‌اند.^۱ به هر صورت، همان‌گونه‌که از منابع دیگر برمی‌آید، منظور از «خانواده»، مجموعه‌ای از افرادی است که یکجا در کنار هم زندگی می‌کنند و معیار همزیستی و همبستگی آنها یکی از این دو است: قرابت یا زوجیت.^۲

تعریف انحراف

انحراف یا کج روی، از منظرهای چندی تعریف شده است؛ بعضی از منظر حقوقی بدان نگریسته و آن را این گونه تعریف کرده اند: «عملی که به وسیله قانون منع شده و مرتکب آن، طبق قانون کیفر می‌بیند»^۳ جامعه‌شناسان انحراف را این گونه تعریف نموده‌اند: «رفتار فردی یا گروهی که با الگوها و هنجارهای جامعه وی انطباق ندارد»^۴ در علم اخلاق، معلمان و مربیان آن را «رفتار زشت و ناپسند» می‌نامند. از نگاه دینی، می‌توان آن را «مخالفت با دستورات الهی» تعریف کرد که در اصطلاح، از آن به «معصیت» تعبیر می‌کنیم. از نظر جرم‌شناسان، انحراف و کجروی ناظر به رفتارهایی است که حداقل یکی از این صفات را دارا باشد: رفتار منع‌شده، رفتار نکوهش‌شده یا رفتاری که مایه بدنامی است و یا موجب مجازات می‌شود.^۵

عوامل انحرافات از دیدگاه اسلام

پیش از آنکه به بررسی نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی بپردازیم لازم است نگاهی به عوامل انحرافات از منظر دین داشته باشیم، از نظر اسلام، عوامل و زمینه‌های انحراف اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. هواپرستی

انسان، دارای قوا و نیروهای متعددی است که در سامان‌دادن شخصیت و رفتار او نقش چشمگیری دارند. وجود نیروهای متعدد سبب شده‌اند که آدمی در عرصه‌های مختلف

۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ج ۱، ص ۱ - ۳.

۲. نعمت‌الله تقوی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۴.

۳. داور شیخاوندی، جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۴۸.

۴. همان، ص ۳۷.

۵. ر.ک: فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۴ و ۲۵، مقاله اسماعیل اسفندیاری.

مجلس پنجم: نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی ■ ۶۵

دچار لغزش و انحراف شود و عامل اصلی آن پیروی از هواهای نفسانی است. یکی از این نیروها، قوه شهوانی است که رهایی و عدم تربیت آن، می‌تواند بسیاری از اصول ارزشی را قربانی اشباع نیازهای خود نماید. قرآن می‌فرماید: «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا»^۱ و کسانی که از شهوات پیروی می‌کنند، خواهان انحرافی بزرگ (هتک نوامیس و حدود الهی) هستند. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدْءُ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُتَدَعُ»^۲ سرمنشأ همه فتنه‌ها، پیروی از خواهش‌های نفس و احکامی است که برخلاف شرع صادر می‌گردد.

۲. فقر

از روایات استفاده می‌شود که فقر و انحرافات اجتماعی، با یکدیگر مرتبط هستند. فقر، آثاری چون: ضعف شخصیت، تحقیر، بی‌ارزش شدن در جامعه و ایجاد عقده‌های روحی برای فرد دارد که هرکدام می‌توانند در بالارفتن میزان جرایم و کج‌روی‌ها، نقش بسیاری ایفا کنند. امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «فرزندم! کسی را که به دنبال کسب روزی خویش است، ملامت مکن؛ زیرا کسی که هیچ ندارد، لغزش‌هایش بسیار خواهد بود»^۳.

طبق این روایت، اگر شخصی دچار تنگدستی و نداری شود، در رفع نیازها و احتیاجات خود ناتوان می‌گردد و همین امر، ضریب احتمال وقوع آدمی در لغزش و گناه را افزایش می‌دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «غَنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ»^۴ ثروتی که تو را از ظلم و ستم بازدارد، بهتر از فقری است که تو را به گناه و زشتی وادارد. این روایت، به‌وضوح رابطه بین فقر و کج‌روی‌ها را بیان می‌کند و گناه و زشتی‌ها را از آثار فقر معرفی

۱. نساء، آیه ۲۷.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۵۰، ص ۸۸.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۷.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱.

می‌نماید و بر این نکته تأکید می‌ورزد که فقر می‌تواند زمینه‌ساز بروز جرایم شود. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ؛^۱ تنگدستی، اخلاق را فاسد می‌کند.»

۳. همنشینی با افراد منحرف

همنشینی و مصاحبت با فاسد نیز زمینه انحراف را فراهم می‌کند. قرآن از زبان اهل دوزخ می‌فرماید: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ^۲؛ وای بر من! کاش فلانی را به دوستی برنمی‌گزیدم! همانا او مرا از ذکر منحرف کرد.»

امام علی علیه السلام در خصوص فاصله‌گرفتن از دوستانی که صفات ناپسند دارند، فرمود: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛^۳ از مصاحبت با مردم شر و فاسد پرهیز که طبیعت به طور ناخودآگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف می‌دزد؛ درحالی‌که از آن بی‌خبری.» همه این توصیه‌ها و هشدارها، برای صیانت دین آدمی از آسیب گمراهی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ يَصْحَبِ صَاحِبَ السَّوِّ لَا يَسْلَمُ؛^۴ کسی که با رفیق بد همنشین شود، سالم نمی‌ماند [و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود].»

۴. خودکم‌بینی

کسی که گرفتار خودکم‌بینی است و خود را پست و ناچیز می‌بیند، ضمیری آشفته و نگران دارد و نسبت به کسانی که او را با چشم خواری و اهانت می‌نگرند، همواره خشمگین است. از این رو، به مقررات و قوانین اجتماعی و آداب و معاشرت با دیگران، بی‌اعتنایی می‌ورزد و تصور می‌کند حال که از نظر مردم افتاده است، چرا خود را از قید و بندهای اجتماعی و محدودیت‌های قانونی آزاد نکند. این طرز تفکر، او را به اعمال انحرافی وامی‌دارد. امام هادی علیه السلام فرمود: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرُّهُ؛^۵ کسی که خویشتن را ناچیز و خوار می‌یابد (احساس حقارت می‌کند)، از شر او ایمن نباش.»

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۱.

۲. فرقان، آیه ۲۸ - ۲۹.

۳. مسعود بن عیسی ورام، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۵.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۶.

۵. همان، ص ۴۸۳.

۵. خانواده

نقش خانواده در ساماندهی افکار، عقاید و رفتارهای فرزندان بر کسی پوشیده نیست. بر اساس نتایج یک پژوهش، از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری در خانواده، بی‌توجهی، بی‌مواالاتی و عدم نظارت والدین بر فرزندان می‌باشد.^۱

بر مبنای یک پژوهش اجتماعی و تحقیقی که از «کانون اصلاح و تربیت تهران و مشهد» به عمل آمده، حدود یک سوم از خانواده‌های بزهکاران، در خانه درگیری داشته، دو سوم آنان به کتک متوسل می‌شده، ۲۷ درصد خانواده‌ها معتاد بوده و ۵۰ درصد از محبت لازم در میان اعضای خانواده محروم بوده‌اند.^۲ تأثیر خانواده در بزهکاری، فقط مربوط به دوران طفولیت نیست؛ بلکه در نوجوانی و حتی جوانی کاستی‌ها و خلأهای تربیتی تأثیر خود را نمایان می‌سازند که شماری از آنها عبارت‌اند از:

- اختلاف پدر و مادر

ناسازگاری و مشاجره پدر و مادر، آثار نامطلوب و شومی بر روان اعضای خانواده می‌گذارد. اگر فرزندان در محیط خانه خود طعم آرامش، صفا و صمیمیت را که از نیازهای اولیه است، نچشند، در خارج از خانه به دنبال گمشده خود خواهند گشت و به احتمال زیاد، در دام شیادان و افراد فاسد افتاده، به سوی بزهکاری سوق داده می‌شوند. گاهی اوقات، فرزندان به علت برهم خوردن آرامش روانی، نسبت به تحصیل یا کار بی‌علاقه شده، حتی از منزل فرار می‌کنند و سرانجام، زمینه گرایش آنان به انواع بزهکاری‌ها فراهم می‌شود. «در پژوهشی که از ۸۰۰ فرد بزهکار به عمل آمده، معلوم شد که ۶۵ درصد مادرانشان طلاق گرفته، یا در حال جدایی بوده‌اند. بررسی دیگر نشان می‌دهد که ۸۸ درصد افراد مجرم، دارای پدر و مادری بوده‌اند که از هم جدا زندگی کرده، بین آنها اختلاف نظر و ستیزه وجود داشته است.»^۳

- تبعیض میان فرزندان

تبعیض در خانواده و توجه بیشتر والدین به برخی فرزندان و اهتمام کمتر نسبت به بعضی دیگر، موجب ایجاد حس نفرت و بدبینی در فرزندان می‌شود. تبعیض در خانه، با روحیه

۱. علی اصغر قربان حسینی، جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت، ص ۳۱.

۲. سیدمجتبی هاشمی، تربیت و شخصیت انسانی، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳. هدایت‌الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۴۱.

۶۸ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران‌ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و آنها را به ناهنجارهایی مانند: سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می‌دهد.

- افراط و تفریط در محبت

نیاز به محبت، از نیازهای اولیه و اساسی هر انسانی، به‌ویژه کودکان است. کودک همان‌گونه‌که برای رشد جسمانی خود به انواع مواد خوراکی نیاز دارد، برای رشد عاطفی و اجتماعی‌شدن هم نیازمند محبت است. کمبود محبت، از عوامل بسیار قوی است که نوجوانان و جوانان را به سمت‌وسوی بزهکاری سوق می‌دهد. نوجوانی که محبت کافی از پدر و مادر دریافت نکرده، برای پذیرش انواع اختلالات رفتاری و انحرافات اخلاقی آمادگی دارد. بسیاری از صاحب‌نظران، کمبود محبت را ریشه اصلی جرم و انحراف می‌دانند؛ چنان‌که توجه بیش از حد و در اختیار قراردادن امکانات رفاهی زیاد می‌تواند زمینه بروز ناهنجاری‌های رفتاری در آنان شود.

- عدم حضور پدر در خانه

خانواده، همان‌قدرکه به احساسات و عواطف سرشار مادر محتاج است، به قدرت، قاطعیت، تدبیر و مدیریت پدر نیاز دارد. حال اگر به هر دلیل، پدر در خانه حضور نداشته و یا صرفاً حضور فیزیکی داشته باشد، شیرازه امور خانواده از هم پاشیده شده، نظم و انسجام لازم از میان می‌رود و در اعضای خانواده زمینه گرایش به بزهکاری فراهم می‌شود.

۶. کاهش نظارت و کنترل اجتماعی

اگر روابط اجتماعی به گونه‌ای باشد که اجازه کج‌روی را به افراد بدهد و آنها با کمال بی‌تفاوتی شاهد ناهنجاری یکدیگر باشند، چنین ساختار ناسالمی، آمادگی برای هر نوع انحرافی را دارد. از این‌رو، قرآن کریم امت‌های پیشین را نکوهش می‌کند که چرا از فساد و منکرات جلوگیری نکردند تا مانع از عذاب الهی شوند: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ»^۱ پس چرا از میان امت‌های

۱. هود، آیه ۱۱۶.

مجلس پنجم: نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی ■ ۶۹

پیش از شما [که به عذاب الهی هلاک شدند،] گروهی باقی نماندند تا از فساد در زمین جلوگیری کنند؛ مگر اندکی از آنها که ما نجاتشان دادیم.»

۷. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب می‌توانند از جمله مؤلفه‌های درخور توجه در ایجاد انگیزه روی‌آوری جوانان به سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. تهاجم فرهنگی همه‌جانبه از سوی غرب برای تأثیرگذاری در جوامع مذهبی، هر روز ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند؛ یک روز با شبکه‌های غیراخلاقی ماهواره‌ها، یک روز با هالیوود و این بار با پایگاه‌های اینترنتی مستهجن. در اروپا و آمریکا، افراد برای هر شبکه‌ای که می‌خواهند ببینند، باید ماهیانه ۲۰ تا ۲۵ دلار پرداخت کنند؛ اما در ایران این شبکه‌ها به صورت رایگان برنامه پخش می‌کنند. «در کل جهان، ۳۰۰ ماهواره تلویزیونی فعال است که از این تعداد ۱۱۶ ماهواره فضای ایران را پوشش می‌دهند. شبکه‌های فارسی‌زبان که فقط برای فارسی‌زبانان و به‌خصوص ایرانی‌ها برنامه تولید و پخش می‌کنند، هم‌اینک به بیش از ۱۶۰ کانال رسیده است؛ اما ماهواره‌هایی که در فضای ایران فعال‌اند، امکان دریافت حدود ۱۸ هزار شبکه تلویزیونی را فراهم کرده‌اند و از این تعداد، حدود دوهزار شبکه را با دیش‌های معمولی می‌توان با کیفیت بالا دریافت کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بین این شبکه‌ها، ۳۸۰ کانال به صورت شبانه‌روز در حال پخش موسیقی، کلیپ، رقص، آهنگ‌های درخواستی و کنسرت هستند. حدود ۱۲۰۰ شبکه در خلال برنامه‌های خود، کلیپ‌ها و شوهای موزیکال پخش می‌کنند. حدود ۸۰ شبکه، به نمایش مد و لباس اختصاص دارند.»^۱

نقش خانواده در کاهش انحرافات

با عنایت به آنچه گذشت، می‌توان گفت که عوامل ظهور و بروز بزهکاری در نوجوانان و جوانان امروز در جامعه، در درجه اول به خانواده مربوط است. طبیعی است که خانواده در حل آن نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری افراد از انحراف، درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه است که از نهاد خانواده

۱. پایگاه اینترنتی الف، تاریخ دسترسی: ۱۶ تیر ۱۳۹۳، کد مطلب: ۲۳۳۴۸۵.

شروع می‌شود. در معارف اسلامی و بر اساس تأکیدات متون دینی، خانواده، نخستین و شاید بی‌بدیل‌ترین عامل فرهنگ‌پذیرکردن فرزندان است. اگر ایشان در این امر کوتاهی کنند و رسالت خویش را کامل نکنند، بازخواست و سرزنش می‌شوند. رسول خدا ﷺ فرمود: «وای به حال بچه‌های آخرالزمان، از جانب والدینشان! پرسیدند: والدین مشرک؟ حضرت فرمود: نه؛ والدین مؤمنی که واجبات را به فرزندان خود یاد نمی‌دهند.»^۱

روشن است که تعلیم در اسلام برای پیروان دینی به شیوه فرهنگ‌پذیری تأکید شده است. علی‌علیه به امام حسن علیهما السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ»^۲ دل طفل، چون زمین آماده است. هرچه در آن نهاده شود، می‌پذیرد. من به تربیت تو پیش از اینکه دلت سخت شود و ذهنت مشغول گردد، اقدام کردم.»

شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌ها

حال که خانواده نقش اصلی در فرهنگ‌پذیری فرزندان دارد، باید دید چگونه می‌تواند این امر مهم را به انجام برساند؟ به اعتقاد اندیشمندان تربیتی، خانواده برای آنکه بتواند در فرایند فرهنگ‌پذیری فرزندان موفق باشد، باید مراحل ذیل را رعایت کند:

۱. آموزش

اگر در جامعه‌ای تعلیم و تربیت همگانی شود، به تدریج راه انجام رفتارهای انحرافی مسدود می‌شود. ویکتور هوگو می‌گوید: «یک مدرسه باز کنید، در یک زندان بسته می‌شود.» در امر تعلیم، باید بهترین شیوه برای شکل‌دهی افکار درست و عواطف و احساسات متعادل و رفتار صحیح و آگاه‌نمودن فرزندان به آثار مثبت عمل بهنجار و آثار غیرقابل جبران رفتار نابهنجار انتخاب شود. رسول اکرم ﷺ فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَىٰ بَرٍّ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلَّفَ لَهُ وَتَعَلَّمَهُ وَتَأَدَّبَهُ»^۳ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را بر نیکی و

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۶.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

مجلس پنجم: نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی ■ ۷۱

سعادتش یاری کند؛ به اینکه به او احسان نماید، با او انس بگیرد و به آموزش و پرورش او بپردازد.» بیشتر خانواده‌ها گمان می‌کنند باید فرزندان را آزاد بگذارند تا آنان تصمیم به انجام فرایض بگیرند؛ درحالی‌که از نظر دینی، والدین وظیفه دارند فرزندان خود را در کودکی به انجام عبادت عادت دهند تا در وقت بلوغ، آمادگی لازم را پیدا کرده باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «ما اهل بیت هنگامی که فرزندان به پنج‌سالگی رسیدند، دستور می‌دهیم نماز بخوانند. پس شما کودکان خود را از هفت‌سالگی به نماز امر کنید.»^۱

با عنایت به نقش خانواده در افزایش و یا کاهش بزهکاری نوجوانان و جوانان، لازم است والدین گرامی در ارتقای سطح آگاهی، فکر و فرهنگ خود اقدام نمایند. آموزش مهارت‌هایی مانند: روش‌های صحیح آیین دوست‌یابی، مهارت نه گفتن، تقویت اعتماد به نفس و اتخاذ تصمیم‌گیری‌های منطقی، باعث خواهد شد نوجوان به‌راحتی تابع گروه همسالان قرار نگیرد و امر دوست‌یابی برای او به‌عنوان مهارتی برای تثبیت هویت فردی، تقویت اندیشه‌های اجتماعی و گسترش استعدادهای فردی در میدان رقابت با دوستان تبدیل شود.

۲. محبت

همان‌طوری‌که اشاره شد، بسیاری از رفتارهای ناهنجاری که در جوان‌ها و نوجوان‌های امروزی می‌بینیم، ناشی از این حقیقت گویاست که آنان تشنه محبت و دچار خلأ عاطفی هستند. چنین نیازی را هیچ‌کسی جز نهاد خانواده سالم نمی‌تواند تأمین کند. در این راستا، اسلام به پدران و مادران سفارش کرده نسبت به فرزندان خود محبت کنند؛ چنان‌که اقدامات عملی و رفتاری، از قبیل: روی زانو نشاندن، در آغوش گرفتن، بوسیدن، سواری دادن و بعضی وقت‌ها کنار کودکان خوابیدن، هدیه دادن، بازی کردن و بر سر آنان دست نوازش کشیدن، در بسیاری از روایات مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْ كَدَّه»^۲ همانا خداوند بنده‌ای را به جهت محبت به فرزندش مورد رحمت خویش قرار می‌دهد.» البته محبت باید عاقلانه، منطقی و در حد اعتدال باشد تا مصلحت فرد را تأمین نماید و او را با ارزش‌های مطلوب آشنا سازد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. همان، ج ۶، ص ۵۰.

۳. حمایت

یکی از کارکردهای مهم خانواده، حمایت است. در این خصوص، دو وظیفه مهم بر عهده والدین است: حمایت مالی از فرزندان و همچنین کمک به آنها در انتخاب همسر و تشکیل خانواده. در روایتی رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که توانایی مالی داشته باشد که فرزند بالغ خود را به ازدواج همسری درآورد، اما چنین نکند و در نتیجه، فرزند دچار گناه شود، گناه را بر عهده پدر خواهند نوشت.»^۱ مردی به رسول اکرم ﷺ عرض کرد: حق فرزندم بر من چیست؟ حضرت فرمود: «تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَتَضَعُهُ مَوْضِعاً حَسَناً»^۲ او را به اسم خوبی نامگذاری کن؛ به درستی ادبش نما و او را بر کار خوب و مناسبی بگمار. در روایت دیگر، می‌فرماید: «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ»^۳ حقوقی که فرزند بر پدر دارد، سه چیز است: اسم نیکو برای او انتخاب کند؛ نوشتن به وی بیاموزد؛ وقتی بالغ شد، وسایل ازدواجش را فراهم نماید.»

۴. نظارت

مهم‌ترین نقش خانواده برای پیشگیری اعضایش از انحرافات، نظارت بیشتر بر رفتار آنهاست. متأسفانه، در خانواده‌های امروزی، خانواده‌ها صرفاً نقش حمایتی پیدا کرده و نقش‌های هدایتی و نظارتی خود را کمتر ایفا می‌کنند. غالب فیلم‌ها و سریال‌ها، این پیام را به مخاطب القا می‌کنند که دوران نظارت والدین پایان یافته، آنها فقط باید از فرزندان حمایت کنند. همین امر، موجب کاهش اقتدار والدین و بروز آسیب‌هایی در خانواده مانند: عادی‌شدن روابط دختر و پسر، افزایش آمار اعتیاد و یا افزایش جوان‌های مجرد شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ نگه دارید.»

۱. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۵.

۳. همان، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

۴. تحریم، آیه ۶.

مجلس پنجم: نقش نهاد خانواده در کاهش انحراف‌های اجتماعی ■ ۷۳

عروس امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «امام بعد از سن تکلیف بچه‌ها، بیشتر دقتشان در تعلیم و تربیت آنها بود. همیشه از ما می‌پرسیدند: آیا شما می‌دانید بچه‌تان کی از خانه بیرون می‌رود و کی می‌آید؟ با چه کسانی رفت و آمد می‌کند و یا چه صحبت‌هایی می‌کند؟»^۱

در بسیاری از خانواده‌ها، والدین چندان در فکر مراقبت از فرزندان خود نیستند و کودکانشان به حال خود رها می‌شوند. بدیهی است که رهایی ممکن است موجب تماس مستمر آنان با اشخاص بیگانه و ناباب شود. این، در حالی است که بزهکاران نوجوان و جوان عمدتاً دوستان ناباب را از عوامل مؤثر بر گرایش به بزهکاری معرفی می‌کنند.

قبول این واقعیت، توجه بیشتر والدین را برای کنترل و نظارت معاشران نوجوانان و جوانان می‌طلبد. «در یک پژوهش، پنجاه درصد بزهکاران اظهار کرده‌اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده‌اند و نیز حدود ۴۷ درصد از آنان، تیپ دوستانشان نوعاً افراد خلاف‌کار بوده‌اند. ۸۷/۵ درصد از آنان نیز اظهار کرده‌اند که دوستان ناباب، نقش زیادی در سارق شدن افراد دارند و ۵۳ درصد از همین افراد اظهار کرده‌اند که به خاطر توجه دوستانشان، دست به سرقت زده‌اند.»^۲

البته اعمال نظارت و کنترل از سوی والدین نسبت به فرزندان، باید به گونه‌ای باشد که پیامدهای منفی نداشته باشد و احساس نکنند که والدینشان نسبت به آنان بی‌اعتمادند. در عین حال، پدر و مادر باید به شیوه‌ای درست، فرزندان خود را متقاعد سازند که از مراقبت والدین بی‌نیاز نیستند. بعضی خانواده‌ها سخت‌گیری را به جایی می‌رسانند که فرزندان خود را از داشتن هر نوع دوست باز می‌دارند؛ چنین روشی، هرگز نتیجه خوبی نمی‌دهد؛ زیرا محروم شدن از دوستان خوب، نوجوان را گوشه‌گیر، غیراجتماعی و افسرده بار می‌آورد و برای آینده او، بسیار زیان‌بار است. پدر و مادر آگاه می‌کوشند با فراهم کردن اوضاع مناسب، امکان انتخاب بهترین دوستان را به فرزندان خود بدهند.

۱. میررضا ستوده، پایه‌ی آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، ص ۱۶۷.

مجلس ششم

علل کاهش معنویت در خانواده

اعظم نوری*

درآمد

انسان از آغاز پیدایش، همواره به سوی خداوند و معنویت و کمال گرایش داشته؛ یعنی بر اساس فطرتش به معنویت نیازمند است. دین اسلام، به عنوان شریعتی کامل، این نیاز را تأمین نموده، راهکارهای لازم برای رسیدن به معنویت را معرفی کرده است. از جمله رهنمودها، توجه به کانون خانواده و اعضای آن است. خانواده، بنیادی‌ترین نهاد جامعه است و می‌تواند منبع و منشأ تغییراتی بزرگ در سطح جامعه باشد؛ چراکه خانواده همواره منبع تأمین نیروی انسانی کارآمد در جامعه است و بخش بزرگی از اقدامات و رسالت‌های یک فرهنگ یا آیین را برای تحقق جامعه‌ای آرمانی و دین‌دار بر عهده دارد؛ اما متأسفانه، معنویت در خانواده معاصر تا حدودی کاهش یافته است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه.

۱. تحریم، آیه ۶.

مهم‌ترین شاخصه‌های معنویت، باور به وجود خداوند سبحان، اعتقاد به معاد و تسلیم در برابر فرامین الهی است. اگر این امور به طور اعتقادی و عملی در رفتار و اعتقادات و عملکرد اعضای خانواده وجود داشته باشد، می‌توان فضای خانواده را، معنوی و روحانی دانست. امروزه با تغییراتی که در عرصه فرهنگ جهانی روی می‌دهد، امور معنوی تا حدودی کم‌رنگ شده، گویی خانواده‌های امروز در معرض تغییر ارزش‌ها قرار دارند. در این نوشتار، به بیان مهم‌ترین عوامل کاهش معنویت در خانواده می‌پردازیم.

الف. ضعف باورهای دینی

همه جهت‌گیری‌ها و اعمال انسان در زندگی، بر اساس باورها و اعتقادات اوست. اگر باورها در زندگی فردی و اجتماعی، بر اساس عقاید صحیح و در مسیر اهداف آفرینش باشد، زندگی توأم با سلامت و سعادت خواهد بود. از مهم‌ترین اعتقادات در زندگی انسان که به طور مستقیم بر زندگی خانوادگی تأثیرگذار است، خداباوری، اعتقاد به معاد و در نظر گرفتن آموزه‌های دینی در مسائل مختلف زندگی است. بر این اساس، مهم‌ترین عامل ضعف باورهای دینی در خانواده را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. ضعف خداباوری

مهم‌ترین اعتقاد دینی، ایمان به خدا و احساس حضور او در تمام لحظات زندگی است. به تعبیر قرآن، انسان مؤمن، همواره خدا را همراه و شاهد بر اعمال خود می‌داند؛ «وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۱ و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم. با این بینش، تلاش می‌کند همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق دهد. ویژگی‌هایی نظیر: توکل، صبر بر مشکلات، تسلیم و رضا، همگی از آثار خداباوری در وجود انسان است که به خودی خود، فضای خانواده را آکنده از معنویت و رابطه قلبی با خدا خواهد نمود. نبود این اعتقاد یا ضعف آن، موجب ترس از مشکلات، غم و اندوه، پناه‌بردن به پناهگاه‌های پوشالی و غیرخدایی می‌شود؛ اما انسانی که به صورت قلبی به وجود خدا و نصرت و یاری او یقین دارد، هیچ یآوری جز او برای خود نمی‌بیند: «إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ»^۲

۱. ق، آیه ۱۶.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از دعای کمیل.

۲. بی توجهی به معاد

یکی از باورهای مهم دینی که نقش ویژه‌ای در توجه به مسائل معنوی در خانواده دارد، اعتقاد به زندگی پس از مرگ است. امروزه، با وجود پیشرفت‌های علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها در خانواده‌ها رو به فزونی نهاده که بخشی از این مشکلات، در اثر احساس بی‌هدفی و احساس پوچی در زندگی است.^۱

باور به معاد، موجب ایجاد انگیزه و تشویق افراد برای تحمل مشکلات و انجام وظایف خانوادگی و توجه به امور معنوی در فضای خانواده است. قرآن کریم به پاداش‌های فراوان اخروی اشاره می‌کند که در صورت باور قلبی به آن، افراد برای دستیابی به آن، می‌کوشند تا رفتارهای خود را در مسیر رضایت الهی قرار دهند؛ از جمله فرموده: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۲ [به آنها خطاب می‌شود: شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! [این در حالی است که] ظرف‌ها [ی غذا] و جام‌های طلایی [شراب طهور] را گرداگرد آنها می‌گردانند و در آن (بهشت) آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، وجود دارد و شما همیشه در آن خواهید ماند].

گاهی دیده می‌شود که افراد به دلیل مشکلاتی نظیر فقدان عزیزی یا معلولیت یکی از اعضا یا فقر اقتصادی، به گناهانی کشانده می‌شوند که آنها را از صراط مستقیم دور می‌کند یا لب به شکوه می‌گشایند و به کفر و الحاد کشیده می‌شوند. باور به معاد در افراد، موجب می‌شود مشکلات دنیا را در برابر آخرت، محدود و گذرا بدانند و با بصیرت به آنها بنگرند. در عرصه خانوادگی نیز زن و شوهر به امید ثواب الهی، صبر و تحمل می‌نمایند و این امر در فرایند استحکام بخشی خانواده بسیار مؤثر است.

بر این اساس، باید زن و شوهر با آموزه‌های دینی آشنا شوند و خداباوری و معادگرایی را در فضای خانواده حاکم نمایند و زندگی علی‌السلام و حضرت زهرا (علیها السلام) را الگوی خود قرار دهند.

۱. کارل یونگ، روان‌شناسی و دین، ص ۱۲، ۱۳ و ۱۷۴.

۲. زخرف، آیه ۷۰ و ۷۱.

ب. جنگ نرم

امروزه، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تضعیف ثبات و امنیت اجتماعی و فرهنگی یک کشور، جنگ نرم است که تهدیدی بزرگ به شمار می‌رود؛ یعنی براندازی نرم و تلاش دشمن برای تسلط کامل در ابعاد مختلف بر جامعه. درحقیقت، جنگ نرم عبارت از هر اقدام غیرخشونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد تا در صورت پیروزی، به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید منجر شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم در تعارض است.^۱ حوزه تهدید در جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و برنامه‌ریزی‌های موجود در آن محصول ذهن نخبگان و کارشناسان است که بیشتر از روش القا و اقناع بر ذهن و تفکر مردم تأثیرگذار است. از جمله ابزارهای جنگ نرم در ایران عبارت است از:

۱. ماهواره

این رسانه، از قدرتمندترین رسانه‌های ارتباط جمعی در عصر حاضر است که می‌تواند به‌راحتی مرزهای میان کشورها و قاره‌ها را درنوردد. در جامعه ایران، با وجود حجم‌های فرهنگی فراوان از سوی دشمنان، این رسانه بیشتر به عنوان ابزاری ضد ارزش‌های دینی و اسلامی، جلوه دارد. از سال ۲۰۰۵ میلادی به بعد، موج گسترده‌ای برای راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان ایجاد شد و در پی آن، ده‌ها شبکه فیلم و سریال‌های جذاب، مد و لباس، برنامه‌های تلویزیونی موسیقی و هرزه‌نگاری، با هدف اثرگذاری بر مناسبات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به راه افتاد.^۲ از جمله اهداف این برنامه‌ها که مخاطب اصلی آن خانواده‌ها هستند، عبارت است از: ترویج خشونت، عادی‌سازی روابط دختر و پسر، ترویج آزادی‌های جنسی، آسان جلوه‌دادن طلاق و شیرین نشان‌دادن زندگی پس از طلاق، عادی‌سازی خیانت همسران^۳، بی‌بندوباری و نوشیدن مشروبات الکلی. همه این امور، به

۱. مسعود کرمی، قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی (مجموعه مقالات قدرت نرم)، ج ۲، ص ۳.

۲. ابراهیم شفیعی سروستانی، «زن؛ نظام سلطه و رسانه‌ها»، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۴۰؛ همچنین ر.ک: مقاله «نگاهی به پیامدهای زبان‌بار ماهواره در خانواده»، نوشته

حجت‌الاسلام محمدرضا بهروز، ره‌توشه راهیان نور، رمضان ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۹.

مجلس ششم: علل کاهش معنویت در خانواده ■ ۷۹

معنای حذف دین و معنویت از عرصه زندگی است. همچنین تغییر در سبک زندگی دینی، به‌ویژه حذف حجاب، از مهم‌ترین اهداف ماهواره محسوب می‌شوند.^۱

۲. پایگاه‌های اینترنتی

استفاده از پایگاه‌های اینترنتی، امروزه به یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌ها یا نیازمندی‌های افراد جامعه تبدیل شده؛ هرچند اموری مانند ایجاد دولت الکترونیک و دسترسی به اطلاعات پژوهشی، یکی از آثار ارزشمند این پدیده است؛ اما در کنار آن، اینترنت توانسته سبک زندگی بسیاری از افراد را به شکل منفی تغییر دهد؛ زیرا دسترسی به مسائل غیراخلاقی، دوستی‌های اینترنتی و گسترش و رواج برخی مفاسد اجتماعی، از جمله پیامدهای اینترنت است. یکی از مطالعات در مورد مسائل غیراخلاقی در چت‌روم‌ها نشان داد بیشتر کسانی که با آنها مصاحبه شده بود، هنگام چت به مسائل جنسی و بحث در آن باره می‌پردازند.^۲

متأسفانه، بسیاری از خانواده‌ها نظارت خاصی در مورد استفاده فرزندان و جوانان خود از اینترنت و ورود به پایگاه‌های مختلف ندارند. در این شرایط، درحقیقت، با قرارداد امکان‌های مختلف برای فرزندان و عدم نظارت کافی، موجب انحراف آنها می‌شوند. بی‌تردید، یکی از مصادیق مهم نظارت والدین بر فرزندان، این است که بر استفاده آنان از فضای مجازی نظارت نمایند. قرآن فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۳

۳. الگوسازی

یکی از اصول مهم روان‌شناسی تربیتی، الگوسازی است. دستگاه آفرینش با توجه به نیازهای انسان در مسیر کمال‌یابی، حس تقلید و همانندگرایی را در وجود بشر قرار داده است؛ به عنوان مثال، کودکان به طور ناخودآگاه، برای پُرکردن خلأ ذهنی خود، از بزرگ‌ترها تقلید می‌کنند و از آنچه در محیط زندگی رخ می‌دهد، متأثر می‌شوند.^۴

۱. رضا کاوند، «مطالعه کیفی نحوه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان»، رساله کارشناسی ارشد، ص ۱۹.

۲. علی ربیعی و آوات رضانیا، «آسیب‌شناسی اینترنت و بحران اخلاقی در جوامع معاصر»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۴، ص ۶۷.

۳. تحریم، آیه ۶.

۴. سید مهدی صانعی، «نقش الگوسازی در رشد و سقوط انسان»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۱۱.

داشتن الگو برای رشد و تعالی، امری لازم و ضروری است. از این‌رو، قرآن کریم در برخی آیات الگوهایی را برای تأسی بشر برای هدایت معرفی نموده است؛ از جمله فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱

همچنین، نقش الگوهای منفی را در ضلالت انسان را نیز بیان کرده است: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»^۲ و این گونه در هیچ شهر و دیاری، پیش از تو پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم؛ مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» در این آیه، نقش الگویی والدین برای فرزندان به‌صراحت بیان شده است. امروزه، جهان غرب با الگوسازی از برخی عناصر فاسد و قهرمان‌پروری‌های کاذب، سعی در جذب جوانان به سوی فرهنگ منحط غرب دارد. متأسفانه، غرب در این عرصه موفق بوده است؛ زیرا امروزه بعضی خانواده‌ها و جوانان، تحت تأثیر این الگوها قرار گرفته، نوع لباس را آن‌گونه انتخاب می‌نمایند که در غرب ارائه می‌شود.

۴. گسترش فرهنگ لذت جنسی

از جمله اموری که خانواده‌های غربی را به‌شدت آسیب‌پذیر نموده، گسترش بی‌بندوباری‌های جنسی است. تبلیغ آزادی‌های جنسی، یکی از دستاوردهای انسان‌محوری به جای خدامحوری در جهان غرب است؛ به این معنا که آدمی می‌تواند خارج از هر چهارچوب، تنها در بند غرایز زندگی کند. به دنبال این تفکر، علاوه بر روابط نامشروع زن و مرد، شکل‌های دیگری از انحرافات جنسی مانند همجنس‌گرایی، در جهان غرب ایجاد شده و ناهنجاری‌های فرهنگی، از طرق مختلف به دیگر کشورها تزریق می‌شوند؛^۳ درحالی‌که روابط انحرافی در جامعه، مشکلات بسیاری را برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند. بر اساس فرهنگ اسلامی، به اشباع قانونی غریزه جنسی توجه شده و از لذت‌گرایی جنسی به معنای غربی آن، نهی گردیده است. به قول سعدی شیرازی:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت ندانی

۱. احزاب، آیه ۲۱.

۲. زخرف، آیه ۲۳.

۳. ر.ک: میر احمد رضا حاجتی، عصر/امام خمینی رحمته‌الله، ص ۳۳۴.

ج. گسترش گناه

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل عدم توجه به امور معنوی، گسترش گناه و معصیت در رابطه دوسویه خانواده و جامعه است. به تعبیر قرآن کریم: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۱ و اینکه برای انسان، بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت هنگامی که گناهای نظیر استفاده از مال حرام، گناهان جنسی و بی‌توجهی به انجام واجبات و ترک محرمات وجود دارد، فضای خانواده توأم با معنویت و یاد خدا باشد. به بیان مولوی:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداهای را صدا^۲
در برخی روایات به تأثیر گناه در کاهش امور معنوی اشاره شده است. در روایتی آمده، شخصی از امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام سؤال کرد: چرا از شب‌خیزی و از خواندن نافله سحر محروم؟ فرمود: «أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَبِدْتُكَ ذُنُوبُكَ»^۳ مردی هستی که گناهانت، دست و پایت را به غل و زنجیر بسته‌اند.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده: «إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ»^۴ کسی که مرتکب گناهی شود، از نماز شب محروم می‌گردد. به‌درستی که نفوذ اثر کار ناپسند در انجام‌دهنده آن، از نفوذ چاقو در گوشت سریع‌تر است.

د. دنیاگرایی و تجمل‌پرستی

در سالیان اخیر، با رشد فناوری و افزایش رفاه‌طلبی، زندگی‌های ساده‌سختی، تغییرات گسترده‌ای نموده، وسایل رفاهی گسترش یافته و بسیاری از افراد جامعه به دنبال امکانات بیشتر و بهتر هستند. این امر، موجب اصل قرارگرفتن امور دنیوی در برابر مسائل معنوی شده است؛ درحالی‌که خداوند دنیا را در اختیار بشر قرار داده تا بتواند به وسیله آن، توشه‌ای

۱. نجم، آیه ۳۹.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۵۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.

برای آخرتش برگردد؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمُ أَئِهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۱ ما آنچه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند. همچنین در مورد واقعیت زندگی دنیوی در قرآن کریم آمده است: «اعْلَمُوا أَنَّما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُمْصَقًا»^۲ بدانید که زندگی دنیا، تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد؛ [اما] سپس خشک می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی.

این آیه، ترسیمی برای برخی خانواده‌هاست که در تب‌وتاب کسب ثروت و تجمل‌گرایی قرار گرفته‌اند تا حدی که نه تنها خود، بلکه فرزندان‌شان را با سوق‌دادن در این مسیر، از فهم فلسفه اصلی زندگی چند روزه دنیا و امور معنوی محروم نموده‌اند. اگرچه گفته می‌شود گرایش به معنویات جزئی از فطرت انسان است، اما به گفته استاد قرائتی اگر دهانه ظرفی به طرف آسمان باشد، باران در آن وارد می‌شود؛ ولی اگر به طرف زمین قرار بگیرد، از نزولات آسمانی بهره‌ای نخواهد برد؛ چنین است انسانی که دهانه روحش به جانب مادیات باشد. بدیهی است که از باران معنویت الهی بی‌نصیب خواهد بود.^۳

ه اعتیاد به مواد مخدر

امروزه، دانشمندان علوم اجتماعی رابطه منفی معنویت با احتمال مصرف مواد مخدر را در بسیاری از تحقیقات خود به اثبات رسانده‌اند. نوجوانانی که به اهمیت نقش مذهب و معنویت در زندگی پی برده و در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند، از احتمال کمتری جهت ورود به رفتارهای پُرخطر مانند سیگارکشیدن یا مصرف الکل برخوردارند.^۴ همچنین،

۱. کهف، آیه ۷.

۲. حدید، آیه ۲۰.

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۸.

۴. سید علی حسینی مدنی و دیگران، «مقایسه تاب‌آوری سبک‌های هویتی، معنویت و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در افراد معتاد، غیرمعتاد و بهبودیافته»، فصلنامه اعتیادپژوهی، ش ۲۱، ص ۵۰.

مجلس ششم: علل کاهش معنویت در خانواده ■ ۸۳

کسانی که به مصرف مواد مخدر و استفاده از داروهای روان‌گردان روی می‌آورند، مفاهیمی مانند: خدا، مسئولیت دینی و اعمال نیک میان آنها سست شده یا به طور کلی محو می‌شود. مصرف‌کنندگان این مواد به منظور تأمین مواد مخدر، خواه‌ناخواه مرتکب جرایمی می‌شوند که معنویت، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. این گروه‌ها، به طور طبیعی، به معاشرت با افراد ناباب، حضور در مکان‌های آلوده و انواع جرایم مانند دزدی یا قتل سوق داده می‌شوند. در این شرایط، هیچ جایی برای دین و معنویت در زندگی آنها باقی نخواهد ماند.

مست می‌خورده از این‌سان نبود زیرا تو چنین بی‌هش و مدهوش از ایفونی^۱ قرآن کریم به صراحت به مسلمانان فرمان می‌دهد که خود را به هلاکت و تباهی نیفکنند؛ «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۲ خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید. اعتیاد به مواد مخدر، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی فرد و خانواده است که در آیه شریفه، از آن نهی شده است. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود، نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود.^۳

ز. فقر

یکی از ارکان مهم خانواده، بخش اقتصاد و تأمین معیشت است. به همین دلیل، در برخی احادیث، برخورداری شوهر از دارایی نسبی، جزء معیارهای همسرگزینی قلمداد شده است.^۴ البته با جمع‌بندی روایات می‌توان ارزش‌هایی مانند: قناعت، کم‌هزینه‌بودن زندگی و پرهیز از تجمل‌گرایی را در کنار تلاش برای تأمین رزق، جزء اولویت‌های زندگی قرار داد. در روایتی آمده است: «مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ خِفَّةُ مَوْنَتِهَا»^۵ سبک‌بودن هزینه‌های زن، موجب برکت اوست. اما به هر حال، مشکلات مالی می‌تواند باعث ایجاد دغدغه‌های ذهنی باشد و

۱. ناصر خسرو، دیوان/شعار، ص ۳۶۷، قصیده ۲۷۳، بیت ۲۲.

۲. بقره، آیه ۱۵۹.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۴.

۴. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱ و ۵۲.

۵. مجلسی، بحار‌الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

بر اساس روایات، گاه می‌تواند پایه‌های ایمان را به لرزه درآورد. امام علی علیه السلام در مورد تأثیر فقر اقتصادی بر جنبه معنوی زندگی انسان، به فرزندش محمد حنفیه فرمود:

«فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ چرا که فقر، دین آدمی را ناقص و عقل و فکر او را مضطرب و مردم را نسبت به او و وی را نسبت به مردم، بدبین می‌سازد.»^۱

امروزه، به دلیل مصرفی‌شدن خانواده‌ها و افزایش تجمل‌گرایی، گاهی دیده می‌شود که مردان از عهده تأمین هزینه‌ها برنمی‌آیند. گاه بر اثر زیاده‌خواهی‌ها، برخی به سوی درآمد حرام کشانده می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این مسئله و ورود لقمه‌های حرام به عرصه خانواده، گرایش به گناهان بیشتر است. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده: «كَسْبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الذُّرِّيَّةِ»؛ درآمد حرام، در فرزندان اثر [نامطلوب] می‌گذارد [و هدایت آنها را دچار مشکل می‌کند].»

ح. برداشت‌های انحرافی از معنویت

گاهی در خانواده‌ها دیده می‌شود که برداشت‌های درستی از سبک زندگی اسلامی و معنویت وجود ندارد؛ به عنوان مثال، ممکن است برخی زنان به رعایت کامل حجاب و عدم اختلاط با نامحرمان توجه چندانی نداشته باشند، اما به دادن نذری و یا حضور در مراسم مذهبی علاقه‌مند باشند. این امور، نتیجه شناخت ناکافی و غیرصحیح از سبک زندگی دینی است و یا اینکه والدین به دلیل نداشتن اطلاعات و آموزش‌های کافی، نمی‌توانند ارزش‌های اسلامی را به فرزندان خود منتقل کنند. گاهی دین‌داری میان اعضای خانواده، به صورت فصلی است؛ مثلاً هنگام مواجهه با مشکلات یا در ماه رمضان یا محرم، به معنویات توجه می‌کنند و در دیگر ایام، خود را بی‌نیاز از امور معنوی می‌بینند؛ چنان‌که قرآن فرموده:

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ»^۳ هنگامی که به انسان زیان [و ناراحتی] رسد، ما را در حالی که به پهلوی خوابیده یا نشسته یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۳.

۳. یونس، آیه ۱۲.

مجلس ششم: علل کاهش معنویت در خانواده ■ ۸۵

ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است.»

مواردی که در این مقاله یادآور شدیم، به طور کلی، از دلایل عمده کاهش معنویت در خانواده معاصر ایرانی است که اثر هریک را می‌توان با اتخاذ راهکارهای مناسب و بهره‌گیری هرچه بیشتر از رهنمودهای دینی، در جامعه کاهش داد.

مجلس هفتم

عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

اشاره

تزلزل بنیان نظام خانواده، از عوامل بسیار خطرناکی است که به طور معمول، از عدم هماهنگی زن و شوهر نشئت می‌گیرد و آسیب‌های آن، نه تنها زن و شوهر و فرزندان، بلکه جامعه و نسل‌های بعدی را نیز تهدید می‌کند. از این رو، اسلام برای استحکام نظام خانواده، راهکارهای مناسبی را پیش‌بینی کرده که شناخت زمینه‌ها و عوامل فروپاشی آن، بخشی از این راهکارهاست. به همین جهت، خداوند دو رکن اساسی خانواده، یعنی زن و شوهر را به منزله لباسی قلمداد می‌کند که باید در تمام ابعاد زندگی هماهنگی داشته باشند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»^۱ زنانان، لباس شما و شما هم لباس آنهاید. در این نوشتار، به بیان برخی عوامل و زمینه‌های تزلزل و فروپاشی نظام خانواده از نگاه آیات می‌پردازیم.

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

۱. عدم همفکری زن و شوهر

از منظر اسلام، تناسب و همتایی همسران، امری انکارناپذیر است؛ به طوری که همتا نبودن همسران، زندگی مشترک را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند و همواره طرفین چنین آرزو می‌کنند که: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ»^۱ ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود. چه همنشین بدی هستی!

ـ خاطره‌ای از امام خمینی رحمته الله

در خاطرات ایشان آمده است:

«۲۸ سالم بود و هنوز زن نگرفته بودم. وقتی آقای لواسانی گفت: آقای ثقفی، دختر دارد و از آنها تعریف کرد، قلب من کوبیده شد. قبل از این، سرم به درس و کلاس گرم بود و فکر ازدواج را نکرده بودم. تا آن موقع، به کسی و خانواده‌ای فکر نکرده بودم. به اطرافیان که خیلی اصرار می‌کردند زودتر سروسامان بگیر، گفته بودم: نمی‌خواهم از خمین زن بگیرم. باید کسی را پیدا کنم که کفو هم باشیم. اگر قرار باشد درس بخوانم و ملاً شوم، زنم باید همفکر من باشد. باید از قم زن بگیرم؛ از یک خانواده روحانی و هم‌شان خودم...»^۲

همسر امام رحمته الله نیز در این باره می‌گوید: «آقا جانم می‌گفت: «از طرف من ایرادی نیست و قبول دارم. اگر تو را به غربت می‌برد، آدمی است که نمی‌گذارد به قدسی جان بد بگذرد.» روی رفاقت چند ساله‌اش، روی آقا شناخت داشت.»^۳

قرآن کریم بر هم‌کفوبودن زن و شوهر تأکید نموده و می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»^۴ زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک، شایسته مردان پاک‌اند و مردان پاک، شایسته زنان پاک. مولوی در توضیح این آیه می‌سراید:

خوب خوبی را کند جذب این بدان طیبات و طیبین بر وی بخوان

۱. زخرف، آیه ۳۸.

۲. روزنامه خراسان، پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۲، ش ۱۸۴۲۱، ص ۹.

۳. نور، آیه ۲۶.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۸۹

در جهان هر چیز چیزی جذب کرد گرم گرمی را کشید و سرد سرد
ناریان مر ناریان را جاذب‌اند نوریان مر نوریان را طالب‌اند^۱

۲. افشای اسرار خانواده

حفظ اسرار و رازهای پنهان خانواده، وظیفه هر زن و شوهری است. این امر، عامل مهم استحکام خانواده محسوب شده و افشای آن، عامل تزلزل بنیان خانواده می‌باشد. مولوی می‌گوید:

گفت پیغمبر که هر که سرّ نهفت زود گردد با مراد خویش جفت
دانه‌ها، چون در زمین پنهان شود سرّ آن، سرسبزی بستان شود^۲
اگر زن یا مردی نتواند این وظیفه مهم خانوادگی را رعایت کند، باید منتظر عواقب دردناک آن باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ ضَعَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوَ لِسْرٍ غَيْرِهِ»^۳ کسی که نتواند رازدار اسرار خود باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند.

- افشای راز پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن در سوره تحریم^۴ این امر مهم را یادآور شده که ممکن است فاش کردن اسرار، به فروپاشی خانواده بینجامد. در برخی تفاسیر ذیل این آیات آمده است: «هنگامی که پیامبر اکرم رازی را با یکی از همسرانش در میان نهاد، او آن را فاش نمود. هنگامی که پیامبر به همسرش خطای او را گوشزد کرد، پرسید: چه کسی تو را از این راز نهانی آگاه ساخت؟ فرمود: خداوند دانا و آگاه، آن را به من اطلاع داد»^۵

در این سوره، همچنین خداوند متعال آن همسر خطاکار را توبیخ کرده و یادآور می‌شود که این عمل ناپسند، ممکن است موجب جدایی او از همسرش گردد. پس، باید توبه کند: «اگر

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۸۰ - ۸۳.

۲. همان، دفتر اول، بیت ۱۷۶ - ۱۷۷.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۱.

۴. تحریم، آیه ۳ - ۵.

۵. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۴.

توبه کنید، به نفع شماست؛ زیرا دل‌هایتان از حق منحرف گشته. اگر همین طور با افشای اسرار خانوادگی بر ضدّ همسر بزرگوارتان اقدام کنید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان، پشتیبان اویند. امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عبادت‌کننده، مهاجر، غیرباکره و باکره.^۱

- رازداری یک قهوه‌چی

در زمان علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، از علمای بزرگ نجف اشرف، قحطی عجیبی آمد و مردم محتاج باران شدند؛ اما هرچه دعا کردند، اثری نداشت. تا اینکه به حضور شیخ آمده و از او خواستند دعا کند. شیخ جعفر در حرم امیر مؤمنان علیه السلام دست به دعا برداشت و عرض نمود: ای مولای من! مردم محتاج باران می‌باشند؛ با این همه نماز و دعا، مردم اثری ندیده‌اند. از خداوند بخواهید عنایتی بفرماید.

در عالم رؤیا، شیخ به محضر حضرت مشرف شد و امام علیه السلام فرمود: شیخ جعفر! مردی قهوه‌چی در بین راه کوفه و نجف است. بگو او در مراسم دعا شرکت کند. شیخ بیدار شد و از اینکه از بین این همه عالم و عارف در حوزه علمیه نجف، امام علیه السلام یک قهوه‌چی را انتخاب کرد، شگفت‌زده شد.

طبق فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام در بین راه کوفه و نجف، مرد قهوه‌چی را پیدا نمود. شب را در قهوه‌خانه گذراند. شیخ دید این مرد، فردی عادی است و نماز معمولی می‌خواند؛ نه دائم‌الذکر است و نه اعمال ویژه‌ای انجام می‌دهد. مثل مردم عادی هم دعا می‌کند. به همین جهت، از مقام معنوی او با آن زندگی معمولی متحیر شد. نزد قهوه‌چی آمد و گفت: ای مرد! تو چه ارزشی پیش خداوند داری که مولایمان امیر مؤمنان تو را وسیله استجاب دعا قرار داده است؟ علت جایگاه بلندی را بگو. چگونه به چنین مقامی دست یافته‌ای؟

قهوه‌چی گفت: در دوران جوانی شاگرد قهوه‌خانه بودم. مادرم گفت: آرزو دارم تو را داماد کنم. پولی جمع کردم و به مادرم دادم. او دختری برایم خواستگاری کرد. مقدمات عروسی

۱. این آیات، در مورد فاش‌نمودن یک راز خانوادگی، از سوی یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۱

من مهیا شد؛ اما شب زفاف، عروس را خیلی مضطرب و متوحش یافتم. گفتم: چرا ناراحت و مضطرب هستی؟ گفت: واقعیت این است که سرمایه عفت را از دست داده‌ام و این راز را هیچ کس جز خدا نمی‌داند. حال خود دانی!

از این آزمون به خداوند عالم پناه برده و استمداد طلبیدم و گفتم: خداوندا! الآن بهترین وقت است که برای رضای تو رازداری کرده و از افشای این موضوع صرف نظر کنم و آبروی این زن مسلمان را حفظ کنم. هیچ نگفتم و به همسر قول دادم که چنانکه تا به حال کسی ندانسته، از حالا به بعد هم کسی نخواهد دانست.

سال‌ها از آن آزمون سخت می‌گذرد و تا به حال با آن زن زندگی می‌کنم. احدی جز خدا ماجرا را نمی‌داند تا اینکه الآن شما اصرار کردید و من امر شما را اطاعت کردم.

علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با تحسین رازداری وی، گفت: ای مرد! به خدا در آزمون مهمی برنده شده و عمل بزرگی را تسلیم خدا کرده‌ای! حالا بیا دعا کن! قهوه‌چی به میان جمعیت آمد و دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! مردم محتاج رحمت تو هستند. علی علیه السلام پیغام داده که من دعا کنم. از پیشگاه تو برای خود و مردم طلب عفو می‌کنم. باران رحمت خویش را نازل فرما! دست‌های مردم بلند بود که ابرها در آسمان ظاهر گردید و باران رحمت الهی آغاز شد.^۱

۳. نادیده گرفتن حقوق یکدیگر

نظام خانواده، همانند سایر نظام‌ها، دارای قوانین ویژه و حقوق دوسویه اعضای آن است. اگر اسلام برای مرد حقوقی را در نظر گرفته، برای زن نیز امتیازهایی قابل می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ»^۲ برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای نیز قرار داده شده است.»

رعایت متقابل حقوق زن و شوهر، برای هر خانواده‌ای ضرورت دارد. اگر یکی از طرفین از انجام وظایف خود کوتاهی کند و یا بیش از محدوده اختیارات خود قدم بردارد، کشتی

۱. قاسم میرخلف‌زاده، قصص/الدعاء، ص ۱۳۷. (با اندکی ویرایش عبارت)

۲. بقره، آیه ۲۲۸.

خانواده در گرداب اختلاف گرفتار خواهد شد. چنانچه از همان روز نخست دختر و پسر که با همدیگر پیمان وصلت می‌بندند، حقوق و وظایف همدیگر را بشناسند و در رعایت آن تلاش نمایند، مشکلات زندگی کاهش خواهد یافت و دنیایی آرام و توأم با سعادت و خوشبختی را در پیش رو خواهند داشت. درحقیقت، پیمان زناشویی به معنای پذیرش پابندی به حقوق است و مؤمن، هرگز عهد و وفای خود را فراموش نمی‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱ [اهل ایمان] کسانی هستند که همواره مراعات‌کننده امانت‌ها و پیمان‌های خویش هستند.

در اینجا به دو نمونه از عواملی که در اثر کوتاهی زوجین، به تیرگی روابط آنان منجر می‌گردد، اشاره می‌کنیم:

- نافرمانی از شوهر

خداوند بانوان شایسته را متواضع و مطیع معرفی می‌کند: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ»^۲ زنان صالح، مطیع و فرمان‌بر هستند. حضرت فاطمه علیها السلام به همسرش عرض کرد: «از روزی که با تو زندگی مشترکم را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام»^۳ از آنجایی که خداوند متعال طبق فطرت، مدیریت خانه را به مرد سپرده و بانوان مسلمان را نیز موظف به اطاعت از همسرانشان نموده^۴، سهل‌انگاری و عدم توجه به این امر، سرانجام ناخوشایندی را در خانواده به وجود خواهد آورد.

ستیزه به جایی رساند سخن که ویران کند کاخ‌های کهن^۵ ناگفته نماند که برخی مردها با بهانه قراردادن این آیه، مسئولیت خود را در قبال همسرشان نادیده می‌گیرند و فقط بر اطاعت یک‌طرفه اصرار می‌ورزند؛ بدون اینکه حقوق زن را مد

۱. مؤمنون، آیه ۸.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۴. نساء، آیه ۳۴: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان هستند».

۵. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۳

نظر داشته باشند؛ درحالی که وجوب اطاعت زن از شوهر، محدودیت دارد و موارد آن مشخص است؛ برای مثال، خروج زن از منزل در غیرموارد وجوب، به اذن شوهر وابسته است و در غیر استمتاع و امور مربوط به آن، واجب نیست دستورهای شوهر را اطاعت کند. اگر در این زمینه، شوهر مرتکب خلافی شود، زن علاوه بر مخالفت، وظیفه دارد وی را امر به معروف و نهی از منکر بنماید.^۱

- عدم توجه به آراستگی ظاهری

خداوند متعال آیات حجاب را نازل کرده و به زنان مؤمن دستور داده که آن را رعایت کنند؛ یعنی باید در مقابل نامحرم، پوشش خود را حفظ و از عشوهرگری خودداری نمایند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۲ همانند جاهلیت نخستین، زینت‌های خود را آشکار نکنید. از منظر آیات، عفت و حفظ حجاب برای زنان آن‌چنان اهمیت دارد که حتی به نوع پوشش، آهنگ صدا و آرایش آنان نیز در قرآن اشاره شده؛^۳ چنان‌که قرآن کریم فرموده: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»^۴ پس به ناز سخن مگویید؛ [چون] آن‌که در دلش بیماری است، [به شما] طمع می‌ورزد.

اما از سوی دیگر، اسلام تأکید می‌نماید که بانوان مسلمان در مقابل همسرانشان معطر و آراسته باشند. امام صادق (ع) فرمود: «بهترین زنان شما، زنی است که چون با همسرش خلوت کند، زره حیا را از خود دور سازد و چون از خلوت شوهرش بیرون آید، زره حیا را بر تن کند.»^۵

اگر بانویی این دستورهای سازنده را نادیده بگیرد، یعنی آراستگی‌اش را به بیرون منزل ببرد و در منزل نزد همسرش افسرده و پژمرده باشد، به بنیان مستحکم خانواده لطمه خواهد زد.

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، استفتائات، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. احزاب، آیه ۵۹؛ نور، آیه ۲۰.

۴. احزاب، آیه ۳۲.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۹۴ ■ ره‌توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

در ضمن، آراستگی ظاهری، تنها به زن اختصاص ندارد؛ بلکه نظم و آراستگی، برای مردان نیز ضرورت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^۱ خداوند متعال، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.

زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و سؤال کرد: حق مرد بر زن چیست؟ پیامبر فرمود: «بدون اجازه او، روزه مستحبی نگیرد و بدون اجازه وی، از خانه خارج نشود (در غیرموارد وجوب)؛ نیز خود را با بهترین عطرها خوشبو سازد، بهترین لباس هایش را بپوشد، با بهترین زیورها زینت کند و بدین صورت، صبحگاه و شبانگاه خویش را بر شوهر عرضه بدارد و حقوق مرد، بیشتر از اینهاست»^۲.

در مقابل، مرد نیز همین وظیفه را در مورد همسرش دارد؛ باید نظیف و پاکیزه، خوشبو و خوش لباس باشد، به اصلاح سروصورتش برسد و در منزل زیبا زندگی کند. حسن بن جهم، روزی به محضر امام رضا علیه السلام مشرف و متوجه شد که امام ظاهری مرتب و آراسته دارد و خضاب^۳ هم کرده است. با تعجب پرسید: آیا خضاب کرده‌اید؟ امام فرمود: آری، با حنا و برگ نیل خضاب کرده‌ام؛ مگر نمی‌دانی که این کار سود فراوان دارد؛ از جمله آنکه همسرت دوست دارد در تو همان زیبایی و آراستگی را ببیند که دوست داری در او ببینی. زنانی در اقوام گذشته از دایره عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند، مگر به واسطه کم‌توجهی شوهرانشان به آرایش خود»^۴.

۴. سوء ظن

در زندگی مشترک زن و مرد، گاهی آنان به گمانه‌زنی پرداخته، بدون یقین، قضاوت‌ها و برخوردهای شتاب‌زده‌ای از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، روابط آنها دچار تیرگی

۱. همان، ج ۶، ص ۴۴۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۰۸؛ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۳. آنچه موی سر و صورت یا پوست بدن را با آن رنگ کنند؛ مثل حنا، وسمه و یا سایر لوازم آرایشی که انسان به وسیله آنها ظاهرش را زیبا و گلگون می‌کند.

۴. حسن طبرسی، مکارم‌الأخلاق، ص ۸۱.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۵

می‌شود. این مسئله، ممکن است از جزئی‌ترین مسائل گرفته تا زوایای دیگر زندگی را دربرگیرد. بدگمانی زن به مرد و برعکس، معمولاً در عرصه‌هایی چون: رفت‌وآمدها، نوع رفتارها، غذاخوردن‌ها، مهمانی‌ها و سایر ابعاد زندگی مشترک بروز می‌کند.

مسلمان همواره در مقابل حوادث و اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد، با روحیه‌ای خوش‌بینانه با آن برخورد می‌کند و خود را موظف می‌داند که نسبت به پیرامون خویش، نظر مثبت داشته باشد و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده و دلایل روشن به دست نیامده، رفتار خوش‌بینانه‌اش را ادامه دهد. قرآن کریم مؤمنان را از سوء ظن نسبت به افراد برحذر داشته، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانه‌زنی‌ها پرهیز کنید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها، گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید.

خداوند متعال برای جلوگیری از عواقب ناشایست سوءظن، در همه عرصه‌ها از جمله در خانواده‌ها، دستورهای محکمی صادر کرده و در مورد کسانی که به دلیل سوءظن، به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، به قاضیان شرع فرمان می‌دهد: «کسانی که به زنان پاکدامن، نسبت‌های ناروا می‌دهند، اگر چهار شاهد نیاورند، بر ایشان هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادت آنان را نپذیرید که فاسق‌اند»^۲.

- بدبینی شوهران

اگرچه مرد باید از همسرش مراقبت کند، ولی نه به حدی که به وسواسی‌گری منتهی شود. بعضی مردها به بیماری بدگمانی مبتلا بوده، بی دلیل نسبت به همسرانشان بدبین هستند و درباره آنان احتمال خیانت می‌دهند.

هر مردی که بدین بیماری خانمان‌سوز مبتلا شود، زندگی را بر خود و خانواده‌اش تلخ می‌کند. چنین مردی، بهانه‌جویی می‌کند، نسبت به اعمال و حرکات همسرش بدبین است و مانند سایه او را تعقیب می‌نماید و چون سوءظن دارد، از در و دیوار شاهد و نشانه پیدا

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. نور، آیه ۴.

می‌کند و چیزهایی را که اصلاً دلیل خیانت نیستند، به منزله دلایل قطعی می‌شمارد؛ مثلاً با خود می‌گوید: چون با فلان مرد سلام و تعارف کرد، پس معلوم می‌شود که خیانتکار است. چون جوان همسایه از پشت بام به او نگاه کرد، پس معلوم می‌شود که خواهان یکدیگر هستند.^۱

- بدینی خانم‌ها

در مقابل، خانم‌ها نیز با سوءظن بیجا خانواده‌شان را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهند. زنی به شورای دآوری شکایت کرد و گفت: یکی از دوستانم گفت: شوهرت به خانه زنی رفت و آمد دارد. او را تعقیب کردم و دانستم که حقیقت دارد. بسیار ناراحت شدم و به خانه پدرم رفتم. اکنون از شما می‌خواهم که شوهر خطاکارم را تنبیه کنید. شوهر ضمن تأیید سخنان زن، گفت: برای خرید دارو به داروخانه رفتم. ضمن خرید متوجه شدم زنی که برای خرید شیرخشک به داروخانه آمده، پولش کم است. به او کمک کردم و بعداً که فهمیدم زن بیوه و بیچاره‌ای است، به کمک‌هایم ادامه دادم. داوران پس از تحقیق متوجه حُسن نیت شوهر شدند و آنان را آشتی دادند.^۲

۵. دروغ‌گویی

دروغ، از ویژگی‌های افراد پست است. در مقابل، راست‌گویی از واژه‌های مقدس کلام وحی است که بیش از ۱۵۵ مورد با مشتقاتش در قرآن آمده است؛ مثلاً خداوند مردان و زنان با ایمان را با صداقت توصیف کرده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»^۳ مؤمنان حقیقی، اهل راستی و راست‌گویی‌اند.

صفا و صمیمیت، در پرتو صداقت و راست‌گویی است؛ همچنان‌که کدورت و کینه و بی‌اعتمادی، در اثر خدعه و فریب‌کاری و دروغ‌گویی است. زن و مردی که با همسرش

۱. ابراهیم امینی، همسر‌داری، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۳. حجرات، آیه ۱۵.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۷

صادقانه برخورد نکند و با دروغ و فریب با خانواده‌اش رفتار نماید، جایگاه او نزد اهل خانه متزلزل می‌شود و به مرور زمان، سبب انتقام‌جویی، توسط همسر و فرزندان می‌گردد. زندگی مشترک فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام، بهترین الگو برای خانواده‌های مسلمان است. آنان با عشق و صفا و محبت و صداقت با همدیگر زندگی می‌کردند؛ چنان‌که این سخن عاطفی در آخرین قسمت‌های گفتار حضرت فاطمه نسبت به همسر خویش، گواه این حقیقت است. فاطمه علیها السلام فرمود: «پسرعموی بزرگوارم! هیچ‌گاه در طول زندگی مرا دروغ‌گو و خیانتکار ندیدی و از روزی که با تو زندگی مشترک را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام»^۱ امام علی علیه السلام صادقانه پاسخ داد: «پناه بر خدا، ای دختر پیامبر! تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزکارتر و بزرگوارتر از آنی که بخواهم در مورد مخالفت با خود، تو را سرزنش نمایم»^۲

۶. خیانت

زن و شوهر مسلمان در یک خانواده، همرنگ و همدل و هم‌مرام‌اند. پنهان‌کاری و خیانت، در روابط آنان راه ندارد و کاملاً به یکدیگر اعتماد دارند و این رفتار آنان، درس زندگی برای فرزندان‌شان می‌باشد.

اگر خدای ناکرده زن یا شوهر بخواهد از اعتماد همسر خویش سوء استفاده کرده و خیانت نماید، قطعاً زندگی خود و همسر و فرزندان‌ش را در معرض نابودی قرار خواهد داد و از خیانت خود بهره‌ای نخواهد برد؛ چراکه عاقبت خیانت، بیچارگی فرد خیانتکار است. قرآن می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^۳ همانا خداوند نیرنگ خیانت‌پیشگان را به جایی نمی‌رساند.

خیانت مرد به زن، انواعی دارد که از جمله آنها می‌توان به: آزار همسر، چشم‌چرانی، روابط نامشروع با دیگری، خودداری از پرداخت حقوق زن و یا نسبت دادن‌های ناروا به او، اشاره کرد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳. یوسف، آیه ۵۲.

خیانت زن به مرد هم صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ مانند:

- خیانت مالی: یعنی زن در غیاب مرد، بی‌اذن او در اموال شوهر تصرف کند.
- خیانت آبرویی: یعنی زن اسرار شوهر را افشا نماید و او را نزد دیگران بی‌آبرو کند و یا اینکه با مرد اجنبی رابطه نامشروع داشته باشد.
- خیانت، از منظر قرآن در شمار صفات کفار و منافقان است.^۱ فرد خیانت‌کننده به خانواده، ردیف آنان قرار می‌گیرد و خداوند بارها نفرت خود را از خائنان بیان فرموده است؛ از جمله: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا»^۲ همانا خداوند خیانت‌پیشگان گنهکار را دوست ندارد.^۳

۷. توقعات بیجا

از عوامل مهم فروپاشی خانواده‌ها، توقعات بیجاست که بیشتر مواقع به طلاق منجر می‌گردد. زن یا مردی که همواره همسر خود را با دیگران مقایسه می‌کند و سطح زندگی‌اش را بدون توجه به قدرت مادی و توانایی‌های ذاتی خانواده‌اش می‌سنجد، نمی‌تواند زندگی آرامی داشته باشد؛ چراکه دست‌بالای دست همواره وجود دارد و انسان در مسابقات مادی نمی‌تواند به آنهایی که از او جلوترند، برسد. به همین جهت، قرآن کریم از چشم‌وهم‌چشمی نهی کرده: «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن. اینها شکوفه‌ها و مظاهر زندگی دنیاست تا آنان را بیازماییم و روزی پروردگارت، بهتر و پایدارتر است».^۳

آموزه‌های اسلامی به ما مسلمانان می‌آموزد که همواره در مقابل نعمت‌هایی که داریم، شکر نموده و در مسائل مادی، به طبقات پایین‌تر از خود نگاه کنیم و هرگز افکار خویش را با تقلید از دیگران، توقعات بیجا و چشم‌وهم‌چشمی‌ها مشوش نسازیم؛ وگرنه با بهانه‌ها و انتظارهای بی‌مورد، زندگی‌مان آرامش خود را از دست خواهد داد.

۱. مائده، آیه ۱۳؛ انفال، آیه ۵۸.

۲. نساء، آیه ۱۰۷.

۳. طه، آیه ۱۳۱.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۹

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندگی دنیوی، همواره به کسانی نگاه کن که رتبه پایین‌تری از تو دارند؛ تا در مقابل نعمت‌ها و الطاف بی‌پایان خداوند، شاکر و سپاسگزار باشی و خود را شایسته افزایش نعمت‌های الهی قرار داده، جود و بخشش الهی را به سوی خود جذب کنی.»^۱

۸. طرح اختلاف، نزد دیگران

اگر میان زن و مرد اختلافی پیش آید، چه زیباست که اوّل خود به حل آن اقدام نمایند و بدانند که کسی از خودشان برای رفع کدورت و حل اختلافات، شایسته‌تر نیست. عذرخواهی ساده طرفین، به حل مشکل کمک می‌نماید و از شکل‌گیری خطاهای آینده جلوگیری می‌کند.

اگر اختلاف به بیرون از منزل انتقال یابد، اسرار خانواده فاش می‌گردد و از استحکام بنیان خانواده کاسته خواهد شد. قرآن در توصیف همسران شایسته می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲ همسران صالح، آنهایی هستند که متواضع‌اند و در غیاب همسر خود، اسرار خانواده را حفظ می‌کنند.

- داوران محرم

در صورت حل‌نشدن اختلافات خانوادگی در داخل منزل، در مرحله دوم، قرآن راهکار شایسته‌ای را به زوجین پیشنهاد می‌کند: «اگر در زندگی مشترک، از ایجاد شکاف و اختلاف در روابط خود بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید. چنانچه این داور صلاحیت و تصمیم به اصلاح داشته باشد، خداوند او را به این کار موفق می‌گرداند و همانا خداوند، دانا و آگاه است.»^۳

بنابراین، نباید اختلاف‌های خانوادگی را به بیرون از خانواده منتقل کرد. افراد نادان، سودجو و غیرصادق، با دخالت‌های بیجا اختلاف‌ها را تشدید کرده، سبب فاش شدن اسرار و نابودی نظام خانواده خواهند شد.

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۷.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. نساء، آیه ۳۵.

۹. عدم توجه به زمینه‌های اختلاف

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی، آرامش است. اگر مردی در منزل، آرامش لازم را برای زندگی نداشته باشد، روحی افسرده و اعصابی ناراحت خواهد داشت. همچنان‌که زن اگر امنیت، آسایش و رفاه را که برای یک بانوی مسلمان لازم است، نداشته باشد، وظایف خود را به‌خوبی نمی‌تواند ایفا کند. از این رو، قرآن کریم در مورد حالات و ویژگی‌های زنانه، به مردان سفارش کرده است.^۱

اگر زن و مرد، زمینه‌های لازم در عرصه جسم و روان را رعایت کنند، بی‌تردید، بسیاری از کشمکش‌ها و اختلاف‌های ناشی از خستگی و افسردگی روحی حل خواهد شد. مرد عاقل، هرگز ناراحتی‌های بیرون از منزل را به داخل خانه نمی‌برد و کدبانوی فهمیده خستگی‌ها و مشکلات داخل منزل را زمینه پرخاش و قهر و اخم قرار نمی‌دهد.

شوهری می‌گوید: «روزی به خانه رفتم و دیدم همسرم عصبانی است و بدون جهت، به من تندی می‌کند. تعجب کردم. بعد از مدتی، چهره‌اش باز شد و با ملایمت گفت: فلانی! می‌دانی که من تو را دوست دارم و به زندگی‌ام علاقه‌مندم. امروز در هوای سرد، لباس شسته بودم و لباس‌ها چند بار روی زمین افتاده بود و بچه‌ها هم مرا اذیت کرده بودند، ناخواسته عصبانی بودم و به تو تندی کردم. بعد از این، بدان که عصبانیت و تندی من همیشه همین‌طور است و جدی نیست. ازت ناراحت نیستم و هرگز خیال نکنی تو را دوست ندارم.

به او گفتم: پس بدان من هم که گاهی اوقاتم تلخ می‌شود و تندی می‌کنم، از روی عدم علاقه به تو، فرزندان و خانواده نیست؛ بلکه مشکلات بیرون مرا ناراحت می‌کند و با حالت عصبانیت و اوقات تلخی وارد خانه می‌شوم. ممکن است، تندی و ترش‌رویی کنم؛ اما بدان که عصبانیت من ناخواسته بوده و جدی نیست. او می‌گوید: از آن زمان، بیش از ۱۵ سال می‌گذرد و دیگر میان ما نزاع و بگومگویی پیش نیامده است.^۲

۱. بقره، آیه ۲۲۲.

۲. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ص ۲۰۰ (با اندکی ویرایش).

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۱۰۱

سزاوار است که زن و شوهر مسلمان، زمینه‌های اختلاف را از بین ببرند و ناراحتی‌ها را وسیله بدخلقی و عصبانیت قرار ندهند. پیامبر ﷺ فرمود: «يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يُبَيِّحُ لَهَا وَجْهًا»^۱ حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد و بدنش را بپوشاند و هیچ‌گاه با چهره‌ای درهم‌کشیده و اخم‌کرده با او برخورد نکند.^۲

علی عليه السلام نیز فرمود: «مؤمن، در برخورد با اعضای خانواده و سایر مؤمنان، خوش‌رو است و اندوه و غصه‌اش را در دل دارد.»^۳

۱۰. تنگ‌نظری در رفاه خانواده

از جمله عواملی که خانواده را نابود می‌کند، عدم توجه به مسائل رفاهی است. سخت‌گیری‌های بی‌مورد مرد، در روح و روان همسر و فرزندانش، آثار بدی بر جای می‌گذارد. اگر مردی خسیس و تنگ‌نظر باشد و زندگی را نسبت به زن و فرزندانش سخت بگیرد و با وجود مکت و برخورداری از مال، دست‌گشاده و چهره‌ای باز نداشته باشد، زندگی او به جهنم تبدیل خواهد شد. درگیری‌های لفظی و بدبینی و نفرت، در چنین خانواده‌ای حاکم شده و آرامش و آسایش از فضای خانه رخت خواهد بست. خداوند در وصف حال چنین افرادی می‌فرماید: «لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا»^۴ اگر شما خزانه‌دار رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از ترس انفاق [و تهیدستی]، چیزی به کسی نمی‌دادید. و انسان، تنگ‌نظر و بخیل است.

از منظر اهل بیت عليهم السلام کسی که زندگی را بر زن و اهل خانه تنگ می‌گیرد و آنان را وامی‌دارد حسرت لقمه‌ای را بخورند، از رحمت خدا دور است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ»^۵ لعنت‌شده،

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱.

۲. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۹۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۵.

۴. اسراء، آیه ۱۰۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۲.

۱۰۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

لعنت شده کسی که سنگینی خود را بار دیگران کند. لعنت شده، لعنت شده است کسی که بر خانواده اش سخت گیرد و [حق] آنان را ضایع گرداند.» امام رضا علیه السلام فرمود: «يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَتَّعُوا مَوْتَهُ؛^۱ شایسته است که انسان بر اهل و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را آرزو نکنند.»

مجلس هشتم

پاسداری از حرمت سالخوردگان

حجت الاسلام والمسلمین محمد رحمتی شهرضا*

اشاره

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكُونُوا شِوْخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱ او، کسی است که شما را از خاک آفرید، بعد از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را به صورت طفلی [از شکم مادر] بیرون می‌فرستد. بعد به مرحله کمال و قوت خود می‌رسید و پس از آن، پیر می‌شوید و [در این میان،] گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله، می‌میرند و در نهایت، به سرآمد عمر خود می‌رسید، شاید اندیشه کنید.»

پس از سپری شدن دوران جوانی و میان‌سالی، مرحله سالخوردگی شروع می‌شود. اگرچه از قوای جسمی در این سال‌ها کاسته شده، اما کوله باری از تجربه، رهاورد این دوره است. اگر

* پژوهشگر و دانش‌آموخته حوزه علمیه.

۱. غافر، آیه ۶۷.

۱۰۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

آنچه سالخورده‌گان در خشت خام می‌بینند، با قدرت جوانان آمیخته شود، نتایج شگرفی در زندگی به دست خواهد آمد.

برخی سالخورده‌گی را صرفاً دوران انحطاط و سستی می‌دانند باید این نوع نگاه اصلاح شود و نگرش منفی و تأسف بار به این واقعیت زندگی نداشت. این دیدگاه که پیری و سالمندی را تنها از دید ضعف قوا و مریضی بدن یا ضعف دید و گوش و دیگر حواس مورد توجه قرار دهد، اشتباهی بس بزرگ است؛ بلکه باید نسبت به جایگاه سالخورده‌گان توجه ویژه داشت و حرمت و احترام آنان را رعایت نمود.

ارزش و جایگاه حرمت سالمندان

پیش از آنکه به بررسی موضوع گرامیداشت سالخورده‌گان بپردازیم، خوب است نگاهی به ارزش و جایگاه سالمندان داشته باشیم. رعایت حرمت سالخورده‌گان، از آن رو مهم است که بر اساس اصلِ تکریم انسان و توجه به کرامت آدمی، رعایت جایگاه و احترام سالمندان، بر همگان واجب است؛ ضمن اینکه عمری را در راه اسلام و مکتب و تربیت اولاد صالح و زحمت در مسیر به دست آوردن حلال سپری کرده، گنجینه‌ای ارزشمند از تجربه و آگاهی با خود دارند. سالخورده‌گان در دوران زندگی، سردی و گرمی‌های بسیاری چشیده و برای جامعه مایه خیر و برکت‌اند؛ چنان‌که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «الْبُرْكَهُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ»^۱ برکت، با بزرگسالان شماس است.

در روایتی دیگر، پیامبر اسلام وجود سالمندان را در میان خانواده و جمع، همانند پیامبر در میان امت به شمار آورده‌اند: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ»^۲ در توضیح این سخن حکیمانه باید گفت که مجموعه افراد یک فامیل، نسبت به بزرگان خاندان خویش حرمت می‌گذارند و در کارها با آنان مشورت می‌کنند و در اختلاف‌ها، به رأی و داوری آنان ارج می‌نهند. گاهی یک سخن آنها، آتش فتنه‌ای را خاموش می‌سازد یا تفرقه و کدورتی را به همدلی و آشتی مبدل می‌سازد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۷.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۱.

نقش سالمندان در رفع اختلاف‌ها

سالخوردگان، اغلب تا زنده هستند، نعمت و برکت وجودشان ناشناخته است. وقتی به جایگاه حساس و مهم و نقش کارگشای آنان پی می‌بریم که ایشان را از دست بدهیم. چه بسیار اختلاف‌ها و قهرها و نزاع‌های خانوادگی که پس از درگذشت «بزرگ خاندان» چهره نشان می‌دهد و چه بسیار رابطه‌ها و رفت‌وآمدها که قطع می‌شود یا به سردی می‌گراید و علت آن، فقط از دنیا رفتن محوری است که مایه دلگرمی، امید، انس و معاشرت فامیل بوده است.

بنابراین، باید جایگاه هدایت بخشی سالمندان به شایستگی محفوظ بماند و مورد حراست و تقویت قرار گیرد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «يُكْرَمُ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَالْكَبِيرُ لِسِنَتِهِ»^۱ دانشمند را به جهت علمش، و بزرگسال را برای سن و بزرگی‌اش، باید حرمت نهاد.

نقش سالمندان در تولید فکر

سالمند قادر است برای جامعه فکر و اندیشه تولید کند که حاصل آن، پُربارکردن زندگی و حتی افزایش تولید مادی است. سردی و گرمی‌هایی که او در طول زندگی چشیده، می‌تواند وسیله‌ای برای هموارکردن راه زندگی و چراغی فرا راه سعادت جامعه باشد. دستور اسلام برای احترام به بزرگان، یک سنت است؛ چنان که گذر دوران عمر از جوانی به پیری، از جمله سنت‌های الهی است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا»^۲

انسان در روزگار جوانی، قوت و نیرو دارد و بعد، از این مرحله گذر می‌کند و به پیری می‌رسد. این، قانون زندگی است و سنت خداوند بر آن است که پیری همراه با شکستگی باشد. کسی که از دوران جوانی عبور کرده و به سالمندی رسیده، باید بتواند با همان دوران جوانی به صورت آبرومندانه زندگی کند و احترام او حفظ شود. ممکن است، امروزه در

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ح ۱۱۰۰۷.

۲. روم، آیه ۵۴: «خداست که شما را از ناتوانی آفرید. سپس، بعد از ناتوانی، نیرومندی داد. آن‌گاه بعد از

نیرومندی، سستی و پیری قرار داد. هرچه بخواهد، می‌آفریند و او، دانا و تواناست.»

بعضی موارد، چنین نباشد؛ چنان که افرادی از طرف فرزندان خود مورد بی مهری قرار می گیرند که متأسفانه نمونه اش را می توان در خانه های سالمندان به نظاره نشست.

دستور به پاسداری از حرمت سالخوردگان

اسلام به جامعه سالمندان با نظر احترام و تکریم می نگرد و با همه توجهی که به جوانان دارد، با سالمندان به شیوه ای رفتار می کند که افراد جامعه، وجود آنان را بی ارزش و بی مقدار نپندارند. حمایت از سالمندان، از اموری است که مورد توصیه اسلام بوده، بسیار بالارزش به شمار می آید. در اسلام، سالخوردگی نشانه و نماد تجربه و دانایی است و سالخوردگان، از مقام اجتماعی شگفتی برخوردارند؛ به ویژه از آن جهت که آنها گنجینه ای از دانش ها، تجربه ها، خاطره ها و اندیشه ها می باشند. از این رو، باید مورد دلجویی، محبت و احترام قرار گیرند و شخصیتشان گرامی داشته شود. احترام به کهن سالان و بزرگان، در احادیث و جوامع روایی ما، مورد تأکید فراوان است.

ارزش و جایگاه سالمندان و احترام به آنان، تا جایی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ»^۱ یکی از شیوه های تکریم و تعظیم خداوند، احترام و بزرگداشت سالخوردگان مسلمان است. همچنین در روایتی دیگر می خوانیم که حضرت فرمود: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِجْلَالُ الْمُؤْمِنِ ذِي الشَّيْبَةِ وَمَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَبِكْرَامَةِ اللَّهِ بَدَأَ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ ذِي شَيْبَةٍ أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَنْ يَسْتَخَفُّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^۲ از احترام خدای بلندمرتبه، حرمت نهادن به [پیرمرد] سپیدموی مؤمن است. هر که مؤمنی را گرامی دارد، به گرامی داشتن خداوند شروع کرده و هر که مؤمن سپیدمویی را سبک شمارد، خداوند کسی را بر او بگمارد که پیش از مرگش، او را سبک شمارد. نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده: «إِنَّ مِنْ إِجْلَالِي تَوْقِيرَ الشَّيْخِ مِنْ أُمَّتِي»^۳ احترام به سالخورده امت من، حرمت نهادن به من است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۷۹.

۳. علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ح ۶۰۱۳.

مجلس هشتم: پاسداری از حرمت سالخوردگان ■ ۱۰۷

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَظِّمُوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ...»^۱ سالمندان خود را بزرگ دارید و با ارحام خود صله کنید...». در کلامی دیگر فرمودند: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ»^۲ به بزرگسالان خود احترام کنید و نسبت به کودکان خویش عطف داشته باشید. در دین مبین اسلام، نشانه مسلمان و شیعه واقعی، احترام به سالخوردگان جامعه است. از این رو که امام صادق علیه السلام فرموده: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا؛ از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و به خردسال ما ترحم ننماید.» نیز فرموده‌اند: «ثَلَاثَةٌ لَّا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَّعْرُوفٌ بِالنِّفَاقِ ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَحَامِلُ الْقُرْآنِ وَالْإِمَامُ الْعَادِلُ»^۳ سه کس هستند که حق آنها را کسی نادیده نمی‌گیرد، جز منافقی که به نفاق معروف است: آن‌که مویش را در اسلام سپید کرده، آن‌که قرآن را دربردارد و پیشوای عادل.»

سیره بزرگان دین در پاسداری از حرمت سالمندان

در سیره بزرگان دین نیز نسبت به رعایت و پاسداری از حرمت سالخوردگان، توجه ویژه‌ای شده است؛ پیرمردی حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد. کسانی که در محضر حضرت نشسته بودند، احترامش را رعایت نمودند و در جا دادن به او کندی نشان دادند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از این رفتار برخلاف ادب ناراحت شد و فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا؛ کسی که به خردسالان ما ترحم نکند و پیران ما را مورد تکریم و احترام قرار ندهد، از ما نیست و با ما بستگی و پیوستگی ندارد.»

احترام به والدین

سالمندان به طور عموم، از احترام برخوردارند و اگر پدر و مادر باشند، حرمت نگه‌داشتن آنان، بسی لازم‌تر است. قرآن کریم از تندی و پرخاش نسبت به پدر و مادر پیر نهی می‌کند

۱. همان، ص ۲۴۱.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. همان، ص ۲۴۱.

۴. ابن ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۴.

و به سخن نیک و لحن شایسته و خضوع و تواضع و گستردن بال رأفت در برابر آنان و خیرخواهی و دعا در حق ایشان دعوت می‌نماید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^۱ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنان روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!

ادب و احترام نسبت به پدر و مادر بزرگسال، آن است که: آنان را به اسم صدا نکنی، به احترامشان برخیزی، از آنان جلوتر راه نروی، با آنان بلند و پرخاشگرانه سخن نگوئی، نیازهایشان را برآوری، خدمتگزاری به آنان را وظیفه‌ای بزرگ بدانی و از آنان در کهولت و پیری مراقبت کنی.

امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم به مردی نگریست که همراه پسرش راه می‌رفت و پسر به بازوی پدرش تکیه داده بود. پدرم تا زنده بود، با آن جوان [به دلیل بی‌حرمتی نسبت به پدرش] صحبت نکرد.»^۲

به همان اندازه که آزدن آنان و «عاق» والدین شدن، حرام و نکوهیده است و از آن نهی شده، به‌دست آوردن دل ایشان و جلب رضایت و نیکی به آنان نیز سفارش شده و این خدمتگزاری، سبب بهشتی شدن فرزندان به شمار آمده است. ابراهیم بن شعیب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پدرم بسیار پیر و سالخورده و ناتوان شده است. هرگاه حاجتی داشته باشد، او را بر می‌داریم و بر دوش می‌کشیم. حضرت فرمود: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتْلَىٰ ذَٰلِكَ مِنْهُ فَأَفْعَلْ - وَلَقَمَهُ بِبِدِكَ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَّكَ غَدًا»^۳ اگر بتوانی عهده‌دار کارهای او شوی،

۱. اسراء، آیه ۲۳ - ۲۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۴.

۳. همان، ص ۵۶.

مجلس هشتم: پاسداری از حرمت سالخوردگان ■ ۱۰۹

چنین کن؛ حتی با دستانت لقمه در دهان او بگذار که این کار در فردای قیامت، برای تو بهشت [یا سپر از آتش] خواهد بود.»

تجربه‌آموزی از سالمندان

سالمندی، مرحله‌ای زیبا از مراحل عمر آدمی است که در واقع، محصول زندگی را می‌توان در این زمان برداشت نمود و آن را به نسل جوان منتقل کرد. بنابراین، هر خانواده یا جامعه‌ای برای پیشرفت و حل مشکلات خویش، به تجربه و توانایی‌های سالمندان که مایه برکت هستند، به شدت نیازمند است. در مقابل، سالمندان نیز با توجه به موقعیت ویژه خویش، خواه ناخواه خواسته‌هایی از اطرافیان و نسل جدید دارند که احترام به شخصیت و پاسداری از حرمت آنان، از مهم‌ترین خواسته‌هاست. سالمندان معمولاً خواستار احترام‌اند و می‌خواهند مورد توجه و عنایت و محبت دیگران باشند؛ چنان که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «الشَّيْخُ شَابٌّ عَلَى حُبِّ أَنْيْسٍ وَطُولِ حَيَاةٍ وَكَثْرَةِ مَالٍ؛^۱ پیر، در برابر محبت همدم و عمر دراز و مال بسیار، جوان است.»

سالخوردگان می‌خواهند اگر دستور دادند، به آن توجه شود و دیگران، امر و نهی آنها را پذیرا باشند. احترام اطرافیان به آنان، موجب رضایت خاطر و شادابی آنان است؛ به خصوص از آن بابت که در سایه آن، احساس امنیت می‌کنند و میدانی برای تلاش و فعالیت خویش می‌یابند. در واقع، این گونه نیست که پیران و سالمندان فقط احتیاج به احترام دارند، بلکه انسان سالخورده عضوی از اجتماع است که باید از تجارب ارزشمند او استفاده کرد. اگر با سالمند با احترام برخورد شود، ریشه بسیاری از عصبانیت‌ها در آنها می‌خشکد و عواطفشان بیشتر و محبتشان به اطرافیان افزون تر خواهد شد و تحمل و مدارای زیادتری در خصوص رفتار دیگران از خود نشان می‌دهند.

آثار و برکات احترام به سالخوردگان

احترام به سالخوردگانی که عمری را در عبادت و خدمت گذرانیده و مایه برکت خانواده و جامعه‌اند، بسیار با فضیلت و دارای پاداش می‌باشد. چه خوب است که از هر فرصتی برای دیدار بزرگان فامیل و افرادی که در خانه سالمندان می‌باشند، استفاده نماییم. رسول اکرم ﷺ

۱. همان، ج ۷۴، ص ۱۷۶.

۱۱۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

فرموده است: «مَنْ وَقَرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فِرْعَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ»^۱ کسی که پیرمسلمانی را بزرگ دارد، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن خواهد داشت.»

فرهنگ غرب، وجود سالمندان را در خانواده‌ها، شخصی زیادی و مزاحم می‌پندارند و می‌کوشند برای آنکه آزادی‌های فردی‌شان محدود نشود و مزاحمی نداشته باشند، به گونه‌ای آنان را از محیط خانه و روابط خانوادگی دور کنند و به «خانه سالمندان» بفرستند؛ اما آیین اسلام به پیران ارج می‌نهد و برایشان حرمت بسیاری قایل است و نیز به رعایت حقوق و احترام آنان سفارش کرده، به بهره‌گیری از تجارب و افکار پخته ایشان تشویق می‌کند؛ چراکه پاسداری از حرمت سالخوردگان، علاوه بر پاداش معنوی، آثار و برکات دیگری نیز برای انسان و اجتماع به دنبال دارد؛ از جمله این برکات، پیچیدن عطر مهر و محبت و صمیمیت و ادب و احترام در فضای جامعه است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنْ شِئْتَ أَنْ تُكْرَمَ فَلَنْ وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُهَانَ فَأَخْشُ»^۲ اگر می‌خواهی در جامعه مورد تکریم و احترام باشی، با مردم به مدارا و نرمی برخورد کن و اگر می‌خواهی با تحقیر و اهانت مردم مواجه شوی، روش تند و خشونت در پیش گیر.»

وظایف جوانان در برابر سالخوردگان

اگر جوانان قدر پیران را نشناسند و به جایگاه آنان حرمت نهند، هم رشته‌های عاطفی و پیوندهای انسانی از هم گسسته می‌شود، هم از رأفت و تجربه سالخوردگان محروم می‌شوند و هم نشانه بی‌توجهی آنها به ارزش‌های انسانی و اسلامی است. حضرت علی علیه السلام در یکی از سخنان خویش، ضمن انتقاد از اوضاع زمانه و ناهنجاری‌های رفتاری مردم، از جمله بر این دو مسئله تأکید کرده و فرموده:

«أَنْتُمْ فِي زَمَانٍ... لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَلَا يُعُولُ غَنِيُّهُمْ فَقِيرُهُمْ»^۳ شما در زمانه‌ای به سر می‌برید که کوچک به بزرگ تعظیم و تکریم نمی‌کند و ثروتمند، به فقیر رسیدگی نمی‌نماید.»

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۸۴.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۶.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۱، ص ۲۸۵۷.

مجلس هشتم: پاسداری از حرمت سالخوردگان ■ ۱۱۱

گویند جوانی مسیحی به نام «زکریا بن ابراهیم»، مسلمان شد. سپس به سفر حج رفت و در این سفر، امام صادق علیه السلام را دیدار کرد. از جمله سؤال هایش از امام این بود که: پدر و مادر و بستگانم هنوز نصرانی‌اند. چه کنم؟ مادرم نیز نابیناست. آیا با آنان باشم و با آنان غذا بخورم؟ امام صادق علیه السلام پرسید: آیا گوشت خوک می‌خورند؟ گفت: نه، اصلاً دست به آن نمی‌زنند. امام فرمود: با آنان باش و به مادرت رسیدگی کن و اگر از دنیا رفت، خودت کارهای مربوط به کفن و دفن او را انجام بده و به دیگران واگذار مکن.

زکریا پس از بازگشت از سفر حج، به توصیه امام صادق علیه السلام به مادرش بسیار نیکی و ملاطفت می‌کرد، به او غذا می‌خوراند، لباس و سرووضع او را تمیز می‌کرد و در خدمت وی کوشا بود. مادرش از این تغییر رفتار، شگفت‌زده شد و پرسید: پسر! پیش‌تر که نصرانی بودی، با من چنین رفتاری نداشتی! چه شده که پس از هجرت و مسلمان‌شدن این‌گونه شده‌ای؟ گفت: یکی از فرزندان پیامبر این دستور را به من داده است. مادر پرسید: آیا او پیامبر نیست؟ پسر گفت: خیر، او پسر پیامبر است. مادر اصرار داشت که نه، او حتماً پیامبر است؛ چون این‌گونه تعلیمات، از تعالیم پیامبران است. پسرش جواب داد: خیر، پس از پیامبر اسلام، پیامبری نخواهد آمد. او، یکی از فرزندان آخرین پیامبر الهی است. مادرش گفت: پسر! بهترین دین را برگزیده‌ای. به من هم ارائه بده و آن دین را بر من عرضه کن. فرزند، تعالیم اسلام را بر مادر مسیحی خویش عرضه کرد. او هم به اسلام گروید و مسلمان از دنیا رفت.^۱

این داستان، شاهی بر تأثیر عمل به «دستورهای دین» در مورد شیوه معاشرت با والدین و برخورد با سالمندان است که یک مسیحی را به اسلام جذب می‌کند و نور هدایت را در دل او می‌تاباند.

بر این اساس، بایسته است که در پرتو ادب نسبت به بزرگان و گرامیداشت سالمندان و مراقبت از ایشان، جامعه‌ای خوب و خانواده‌ای با صفا و روابطی مستحکم و عاطفی داشته باشیم.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

انتقال فرهنگ پاسداشت والدین به نسل‌های دیگر

یکی از آثار و برکات مهم پاسداری از حرمت سالخوردگان، انتقال این فرهنگ به نسل بعدی است که در نهایت، نتیجه و ثمره‌اش در کهن سالی، به خود ما بر خواهد گشت. کودکان، آنچه را در رفتار بزرگ‌ترها ببینند، از آن الگو می‌گیرند. احترام به بزرگ‌ترها و رعایت ادب و تکریم نسبت به سالخوردگان، اگر در عمل و رفتار ما تجلی یابد، فرزندان ما نیز این فرهنگ را می‌آموزند و با همین آداب و سنن رشد می‌کنند. کسی که انتظار ادب و معرفت و حق‌شناسی از فرزندانش دارد، باید همین حالت را نسبت به پدر و مادر و بزرگ‌ترها نشان دهد تا کوچک‌ترها هم از او بیاموزند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَقُرُّوا كِبَارَكُمْ يُوقِّرُكُمْ صِغَارُكُمْ»^۱ به بزرگانتان احترام کنید، تا کوچک‌ترها نیز به شما احترام کنند. امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «بُرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ»^۲ به پدرانتان نیکی کنید، تا فرزندانتان هم به شما نیکی کنند.

تأمین نیاز و رفع مشکلات سالخوردگان

یکی از گونه‌های احترام به سالخوردگان، آزار نرساندن به آنهاست؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَظِّمُوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَيْسَ تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ»^۳ سالمندان خود را بزرگ دارید و با ارحام خود صله کنید و صله رحمی، بهتر از آزار نرساندن به آنها نیست.

در پاسداری از حرمت سالخوردگان، باید‌ها و نبایدهایی وجود دارد که در روایات و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به آن عنایت ویژه شده است. اسلام، هم سالمندان جامعه را خارج از دایره کار و تلاش نمی‌داند و برعکس او و شخصیت همراه با تجربه‌اش را محترم می‌داند و هم توجه به رعایت حال او و استیفای

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۱، ح ۱۰۰۶۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱.

مجلس هشتم: پاسداری از حرمت سالخورده‌گان ■ ۱۱۳

حقش را ضروری می‌داند. حق پدر و مادر سالخورده و دیگر سالمندان اجتماع، احترام صرف نیست و این حرمت، شامل توجه به رفع مشکلات و نیازهای آنان نیز خواهد بود. در واقع، احترام و تکریم، باید همراه امداد و تعاون باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام همراه عده‌ای از مسیری عبور می‌کردند. پیرمردی - ظاهراً نصرانی - را دیدند که ابراز نیازمندی می‌کرد. حضرت فرمود: چرا این کار را انجام می‌دهد؟ پاسخ دادند: در جوانی کار می‌کرده؛ اما اکنون که از کار افتاده، نیازمند کمک دیگران است. حضرت فرمود: وای به حال حکومتی که افراد تحت حاکمیت آن، تا زمانی که توانایی انجام کار دارند، کار کنند اما در روزگار ناتوانی مجبور باشند در برابر دیگران اظهار نیاز نمایند! آن گاه دستور دادند از بیت المال سهمی برای او قرار دهند. اطرافیان گفتند که مسیحی است و از پیروان دینی شما نیست. حضرت فرمود: در جامعه اسلامی، همه افراد تحت حاکمیت، حتی اگر مسلمان نباشند، باید مورد حمایت قرار گیرند.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا ضَعُفَ مِنَ الْكِبَرِ يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي حَالِهِ تِلْكَ مَا كَانَ يَعْمَلُ وَهُوَ شَابٌ نَشِيطٌ مُجْتَمِعٌ وَمِثْلُ ذَلِكَ إِذَا مَرِضَ وَكَلَّ اللَّهُ مَلَكًا يَكْتُبُ لَهُ فِي سَقَمِهِ مَا كَانَ يَعْمَلُ مِنَ الْخَيْرِ فِي صِحَّتِهِ»^۲؛ مسلمان هنگامی که ضعف پیری بر او غلبه کند خداوند به فرشته‌ای (ملکی) دستور می‌دهد که در این حال اعمال نیکی را که او در جوانی و شادابی و سلامت انجام می‌داد، برایش بنویسند.

نکته پایانی: باید بدانیم ملاک در برخورد، حق است و نه سن و سال؛ چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام به عموی خود که سن بیشتری داشت، آشکارا حق را بیان کرد و به او هشدار داد. بنابراین، ادب و احترام به گذشتگان، نباید منجر به پیروی از افکار جاهلانه آنان و وفاداری نابجا به آنها شود. اطاعت و احترام نیاکان، تا حدی است که انسان به شرک کشیده نشود و از مسیر حق منحرف نگردد.^۳

۱. ابن ابی‌فراس، *مجموعه ورام*، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۱۲۱.

۳. برگرفته از: محسن قرائتی، *تفسیر نور*، ذیل آیات ۲۸ - ۳۲ سوره اسراء.

مجلس نهم

شایعه‌سازی؛ آثار و پیامدها

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابازاده*

مقدمه

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خَرَجْتُ مِنْكَ كَلِمَةً فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَانْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامُ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرَامُ»^۱ سخن نابجا و شایعه‌پراکنی از تو فاش شد و شرق و غرب را فراگرفت و در اثر آن، خون‌ها به ناحق ریخته شد، اموال مردم به غارت رفت، نوامیس انسان‌ها به خطر افتاد و تو مسئول همه این جنایات هستی.»

شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، بیماری خطرناک روانی و اجتماعی است که سرچشمه آن خباثت درونی و توطئه سیاسی و اجتماعی گروهی از یک طرف، و فرومایگی برخی افراد از سوی دیگر می‌باشد.

شایعه، به معنای خبر پخش شده که معمولاً در زمینه پخش مسائل منفی و انحراف در امور سیاسی و آبروریزی و هتک حیثیت افراد به کار می‌رود و نوعی حرکت منفی و ردیالانه به شمار می‌آید.

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۵.

باید توجه داشت که انسان، موجودی اجتماعی است و این افراد هستند که جامعه بزرگ انسانی را تشکیل می‌دهند. از این رو، پاکی و سلامتی آنها، تأثیر مثبتی در پاکی و سلامتی آحاد مردم دارد. بنابراین، شایعه‌سازی، منافع و آرامش عموم مردم را به خطر می‌اندازد و همگان وظیفه دارند با این بیماری مبارزه نمایند؛ چنان‌که اسلام با این پدیده شوم اجتماعی برخورد نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»^۱ کسانی که [حتی در دل] دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم شیوع یابد، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت برای ایشان مهیا گردیده است.

از این آیه و تفسیرهای آن، استفاده می‌کنیم: هرگونه شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی و حتی رضایت قلبی به آن، جزء گناهان کبیره است.^۲

رسول خدا ﷺ نیز در نکوهش و خطر شایعه‌سازی و ضررهای اجتماعی آن می‌فرماید: «خَرَجَتْ مِنْكَ كَلِمَةٌ فَلَبَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَانْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامُ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرَامُ»^۳ سخن نابجا و شایعه‌پراکنی از تو فاش شد و شرق و غرب را فراگرفت و در اثر آن، خون‌ها به ناحق ریخته شد، اموال مردم به غارت رفت، نوامیس انسان‌ها به خطر افتاد و تو مسئول همه این جنایات هستی.

شایعه‌سازان و چرایی شایعه‌سازی

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»^۴ قطعاً منافقان در فروترین طبقه از آتش دوزخ خواهند بود، و هرگز برای آنان یابوری نجات‌بخش نخواهی یافت.

بندگان مؤمن و خوب خدا، دشمنانی دارند که منافقان و بیماردلان توطئه‌گر، در رأس آنان‌اند؛ مغرضانی که بیشترین عذاب الهی را به خود اختصاص می‌دهند.^۵ این گروه‌ها، در

۱. نور، آیه ۱۹.

۲. با توجه به آیه ۳۶ سوره اسراء که فرموده: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»، گناه قلبی نیز گناه است؛ بلکه ریشه گناهان دیگر است.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا يحضره الفقیه، ج ۱۲، ص ۹۳.

۴. نساء، آیه ۱۴۵.

۵. مانند: نساء، آیه ۱۴۵.

مجلس نهم: شایعه‌سازی؛ آثار و پیامدها ■ ۱۱۷

موارد بسیاری نمی‌توانند به طور آشکار دشمنی کنند و به همین جهت، از راه‌های فریبکارانه و غیرمستقیم وارد می‌شوند^۱ که شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، از جمله ترفندهای این کوردلان است. آنان می‌کوشند با این شیوه، جنگ روانی فراهم سازند و توده‌های مردم را نگران کرده، آنان را از مسائل اصلی و محوری دور سازند و حیثیت بزرگان و نیکان و پاکان را هدف گیرند و مردم را از اطراف آنان دور نمایند.

قرآن کریم در آیات بسیاری نقشه‌ها و کینه‌های این گروه را برملا نموده، از دل ناپاک و چهره منافقانه و گفتار معنادارشان خبر می‌دهد.^۲

مفسران ارجمند قرآن، از جمله مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر ارزشمند *المیزان* ذیل آیه مربوط به شایعه^۳، ضمن معرفی شایعه‌سازان، به اهداف شیطانی آنان پرداخته، می‌فرماید: «افراد منافق و بیماردل، دست به این امور زده و اخبار دروغ و شایعه را رواج داده و از این طریق، مؤمنان و مسلمانان، حتی نوامیس و خانواده پیامبر را هدف می‌گرفتند»^۴

در عصر ما، این شیوه فریبکارانه با ابزار پیشرفته خودنمایی می‌کند و از این طریق، دشمنان داخلی و خارجی شخصیت‌های مذهبی و سیاسی ما را هدف می‌گیرند تا بدین وسیله، علاوه بر تخریب و ترور شخصیتی آنان، روند رشد و پیشرفت کشور و هماهنگی و همبستگی مردم را مختل سازند.

نگاهی به عرصه‌های شایعه‌پراکنی

شایعه‌سازی در حوزه‌های مختلف فردی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی شکل می‌گیرد و عرصه‌های شایعه‌پراکنی، گسترده و همه‌جانبه است. شایعه‌سازان در مسیر اهداف خود، همه گزینه‌ها را دنبال می‌کنند؛ آنان در حوزه فردی، آبروی نیکان و پاکان را هدف‌گیری می‌کنند و در حوزه مسائل اجتماعی نیز موضوعات محوری و اساسی اجتماع را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند و توده‌های مردم را به مسائل حاشیه‌ای و کم‌رنگ مشغول می‌سازند و از همه

۱. بقره، آیه ۸ - ۱۰: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»

۲. محمد، آیه ۲۹ - ۳۰: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ * وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَالْعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَتَتَرَفَّتْهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ»

۳. نور، آیه ۱۹: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...»

۴. سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۹۷.

مهم‌تر، برای تضعیف نظام و جلوگیری از رشد و پیشرفت آن، در مسیر حکومت و مسئولان کشور سنگ اندازی می‌کنند.

در ادامه، به بررسی عرصه‌های شایعه‌سازی می‌پردازیم:

۱. شایعه‌سازی در حوزه فردی

انسان، گل سرسبد عالم و جهان خلقت است. خداوند او را زیبا آفریده^۱ و از نظر معنوی، وی را «خليفة الله»^۲ خوانده است. بنابراین، بندگان خدا باید از خالق خویش درس‌ها بگیرند و حرمت یکدیگر را حفظ کنند تا بندگان الهی آرامش و آسایش داشته باشند و به پیشرفت مطلوب نایل شوند؛ اما متأسفانه، گروهی توطئه‌گر و منافق، تیرهای مسموم شایعه‌پراکنی را به سوی این موجود الهی رها می‌سازند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام چنین کاری را زشت‌ترین بدی‌ها خوانده، کيفرش را سنگین‌ترین جرم‌ها می‌داند؛^۳ چراکه چنین حرکت‌های ناپسندی، شخصیت افراد را لکه‌دار نموده، آرامش و آسایش را از افراد جامعه سلب می‌نماید.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا عِبِيدَ السَّوِّءِ تَلُمُونَ النَّاسَ عَلَى الظَّنِّ وَ لَا تَلُمُونَ أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْيَقِينِ؛^۴ ای ناکسان بی‌مروت! چگونه بدون علم و یقین، دیگران را متهم و لکه‌دار می‌سازید؟ ولی در مورد زشتی‌های خویش که می‌دانید چه کرده‌اید، ساکت می‌مانید!»

از دیدگاه اسلام، حریم‌های خصوصی و مسائل شخصی را نمی‌توان رصد کرد و توسط حرف‌های این‌وآن، با آبروی مردم بازی نمود؛ چنان‌که امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «چنانچه پنجاه نفر افراد مؤمن و مسلمان بر ضد انسانی اظهار نظر کنند و حتی سوگند بخورند، اما خودش منکر این سخنان باشد، حرف همه را کنار بگذارد و به حرف خود شخص توجه کن و مواظب باش تا حیثیت انسانی را خراب نکنی؛ وگرنه جزء کسانی می‌باشی که خداوند به ایشان وعده عذاب الیم داده است.»^۵

۱. غافر، آیه ۶۴: «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ.»

۲. بقره، آیه ۳۰: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.»

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴۵۸۱؛ محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۳،

ص ۲۲۰۸، ح ۱۴۶۹۴: «تَتَّبِعُ الْغُيُوبَ مِنْ أَقْبَحِ الْغُيُوبِ وَ شَرِّ السَّيِّئَاتِ.»

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰۱.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۹، ح ۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۰۶.

۲. شایعه‌سازی در حوزه خانوادگی

اگرچه شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی همیشه و همه جا زشت و ناپسند است، اما پیامدهای تلخ آن در حوزه خانواده بسیار دردناک و آثار اجتماعی‌اش غیرقابل تحمل است. به این جهت، قرآن مجید به مرتکبان آن، وعده عذاب عظیم داده است.^۱ پیامبر اسلام ﷺ نیز آثار تخریبی این کار را یادآوری می‌نمود و از این امر به شدت ناراحت می‌گردید و با شایعه‌سازان برخورد می‌کرد.^۲

در عصر ما، ابزار تهدید خانواده‌ها فراهم‌تر است و دشمنان در این حوزه فعالیت بیشتری می‌نمایند؛ مثلاً از طریق فضای مجازی، حریم پاک خانواده را تهدید می‌کنند و پیوند مستحکم زندگی مشترک را به خطر می‌اندازند و آبروی خانواده‌ای را بر باد می‌دهند. در تاریخ آمده است که پیرمردی با زنی ازدواج کرد و زن از او باردار گشت و هنوز بچه به دنیا نیامده، شوهرش مُرد و پسران همسر پیشین آن پیرمرد، زن بابا را متهم نموده و به شایعه‌سازی پرداختند. خلیفه وقت، عمر بن خطاب، تحت تأثیر شایعه‌پراکنان و شهود دروغین، حکم رجم صادر کرد؛ ولی علی علیه السلام با هوشیاری تمام، به داد زن رسید و شایعه‌ها را خنثا نمود و بر شایعه‌پراکنان حدّ تهمت جاری ساخت^۳ و به نظام حکومتی و به پیروان خویش، درس زندگی داد و شیوه درست برخورد با شایعه‌سازان را به نمایش گذاشت.

- توجیه خلاف در جلسه رسمی

زمانی که امیر مؤمنان، علی علیه السلام به خلافت رسید و عدالت اسلامی و اجتماعی را پیاده نمود، زیاده‌خواهان نتوانستند عدل حضرت را تحمل نمایند؛ از جمله دربار شاهانه‌ای به نام حکومت بنی‌امیه به ریاست معاویه بن ابی‌سفیان تأسیس شد و زیاده‌خواهان به دور او جمع شدند.

۱. نور، آیه ۲۳: «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

۲. کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶۵، ح ۴۱: «فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى تَرَبَّدَ وَجْهُهُ وَالتَّوَى عِرْقُ الْغَضَبِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ».

۳. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۰۷، ح ۳: «وَجَلَدَ إِخْوَتَهُ الْمُفْتَرِينَ حَدًّا حَدًّا».

۱۲۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

روزی معاویه، زیاد بن عُبَید را به شام دعوت نمود و مردم را در کاخ سلطنتی شام پذیرایی کرد و زیاد را در کنار خود نشاند. سپس از حاضران خواست به سخنان او توجه نمایند. آن‌گاه رسوایی‌های اخلاقی پدرش ابوسفیان با سمیه، مادر زیاد را فاش کرد و از حاضران خواست: اطلاعات خود را به عنوان شهادت اظهار نمایند. ابومریم سلولی با تفصیل بد اخلاقی‌های آن دو را بازگو کرد و معاویه به طور رسمی، زیاد را برادر خود خواند و از این طریق، زمینه کشتار و شهادت هزاران نفر از شیعیان علوی را فراهم کرد. این روش حکومت ظالمانه‌ای است که لکه ننگی در تاریخ اسلام می‌باشد.

در مقابل، علی علیه السلام در کلامی حکیمانه و اخلاقی، ابوسفیان را از اظهار نابخردانه این رویداد برحذر می‌دارد و معاویه را شیطان می‌خواند؛ «فَإِنَّمَا هُوَ الشَّيْطَانُ». و به زیاد بن ابیه هشدار می‌دهد و به پیروان خویش آموزش می‌دهد که حریم خانواده‌ها و نوامیس مردم را لکه‌دار نسازید.^۱

- تهدید حریم پیامبران!

شایعه‌سازی همچون بیماری‌های دیگر، نخست ذره ذره شروع می‌شود و به تدریج حالت تهاجمی پیدا نموده، آن‌گاه مقدسات و حریم اولیا و انبیا را نیز تهدید می‌نماید.

اینکه در عصر ما توهین به مقدسات با استفاده از ابزار و برنامه‌هایی مانند: فیلم، سریال، پیامک، کاریکاتور، مجلات و یا روزنامه‌ها به چشم می‌خورد و در اثر آن، پیامدهای خشن و کشتار و ناامنی‌های فردی و گروهی صورت می‌پذیرد، از همین مقوله ریشه می‌گیرد. از نمونه‌هایی این موضوع در عصر حاضر می‌توان به کتاب آیات شیطانی و کاریکاتورهایی اشاره کرد که کشورهای غربی درباره رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله منتشر نموده‌اند.

وقایع تاریخی تهمت به حضرت موسی علیه السلام، حضرت مریم علیها السلام و بالاتر از همه، به شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و همسران او^۲، مصادیق غم‌انگیز و تأسف بار این رذیلت اخلاقی در تاریخ است.

۱. برای مطالعه شرح این پدیده تاریخی، رک: فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۴۴، ص ۹۶۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۸۰؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۴۳؛ علامه امینی، العتدیر، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۲. از جمله: قصص، آیه ۷۶ - ۸۲؛ نور، آیه ۱۱ - ۲۱؛ مریم، آیه ۱۶ - ۳۴ و تفسیرهای مربوطه.

۳. شایعه‌سازی در حوزه اجتماعی

در بحث‌های گذشته، اشاره شده که انسان موجود اجتماعی است و باید در جامعه زندگی کند. از سوی دیگر، می‌دانیم که تمام انسان‌ها کم‌وبیش عیوبی دارند و باید با انعطاف عمومی و تعامل متقابل و آرامش خاطر، به حیات خود ادامه دهند. از این‌رو، پروردگار انسان‌هایی را که آبروی دیگران را می‌ریزند، چنین تهدید می‌کند: هرکس حتی در درون خویش، دوست داشته باشد که آبروی دیگران مخدوش شود، عذابی دردناک در دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد.^۱

پیامبر اسلام ﷺ در مناجات خویش با خداوند عرض می‌کند: «خدایا! روز قیامت حساب اتمم را در اختیار من قرار ده تا اسرار آنان پیش دیگران فاش نشود. ندا رسید: خودم به حساب آنان رسیدگی می‌کنم تا آبرویشان در نزد تو نیز محفوظ بماند.»^۲

از آیه و حدیث یادشده استفاده می‌کنیم که به بهانه‌های مختلف نمی‌توان دیگری را متهم نمود و با افشاگری با آبروی او بازی کرد و حرف‌وحدیث‌های ثابت‌نشده را بین مردم رواج داد؛ چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید: بر دست و زبان مردم، حق و باطل یا راست و دروغ آمیخته شده؛ حتی بر رسول خدا ﷺ نیز تهمت و دروغ بستند^۳ و به خود من نیز نسبت دروغ دادند و گفتند: علی دروغ می‌گوید.^۴

شایعه‌سازان و شایعه‌پراکنان، دو دسته‌اند: یک گروه افراد منافق، بیمار دل و بی‌ایمان‌اند که غالباً بر اساس اهداف سیاسی و تضعیف و تخریب دیگران افشاگری می‌کنند و می‌خواهند سلب آسایش و آرامش نموده، آنان را از کارهای اساسی و محوری منحرف سازند. بدیهی است، این کار، برخورد متناسب اجرایی و قضایی را می‌طلبد.

۱. نور، آیه ۱۹.

۲. عبدالرحمن سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۶، ح ۴۶۰۱: «... بَلْ أَنَا أَحَاسِبُهُمْ فَإِنْ كَانَ مِنْهُمْ زَلَّةٌ سَتَرْتُهَا عَنْكَ...»

۳. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خ ۲۰۱، ص ۶۶۵: «إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكَذِبًا... وَلَقَدْ كُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَهْدِهِ.»

۴. همان، خ ۷۰، ص ۱۶۶: «وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّكُمْ تَقُولُونَ عَلِيُّ يَكْذِبُ.»

۱۲۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

ولی گروه دوم، افراد تحت تأثیر و ساده‌اندیش‌اند که بدون تعمق و اندیشه، شایعات دیگران را پخش می‌کنند. بر مردم آگاه و نظام حکومتی است که در مسیر فرهنگی و فکری، این توده‌ها را آگاه سازند و عقیده انحرافی آنان را اصلاح کنند و جامعه را از فتنه‌ها و جنگ روانی نجات دهند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا»^۱ خدایا! در دل ما، کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان را قرار مده.

اگر اهل دین و ایمان به دستور همین آیه عمل کنند، وضع اجتماعی ما به طور چشمگیری بهبود می‌یابد و در نتیجه، آدم‌کشی‌ها، خون‌ریزی‌ها، تجاوزها و تهمت‌ها، تکفیرها و تنگ‌نظری‌ها، همگی جای خود را به برادری، صفا، صمیمت، رشد و پیشرفت اقتصادی، آرامش، آسایش و امنیت خواهند داد.

عوامل و زمینه‌های شایعه‌سازی

در اینجا به‌اختصار به بررسی عوامل و زمینه‌های بروز شایعه در جامعه می‌پردازیم:

۱. توطئه دشمنان

قرآن مجید در آیاتی چند، از بغض و دشمنی توطئه‌گران خبر می‌دهد^۲ و شایعه‌سازی را یکی از مصادیق بارز توطئه‌ها می‌شمارد. از این رو، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بیان هدف این عمل پرداخته و می‌فرماید: «این گروه بیمار دل و کینه‌توز، با تمام تلاش سعی می‌کنند از این طریق با آبروی مؤمنان بازی نمایند»^۳.

۲. متخلفان

کسانی که در فساد اخلاقی غرق شده‌اند، می‌کوشند حریم پاکان و نیکان را نیز به‌نوعی متهم سازند تا از این طریق، خلاف‌های خود را توجیه نموده، وانمود کنند که این امر، عمومی و

۱. حشر، آیه ۱۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۸: «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ...».

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۹۷: «فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، يُسَاعِدُونَ عَلَى إِذَاعَةِ الْحَدِيثِ، حُبًّا مِنْهُمْ أَنْ تَشْبَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا...».

مجلس نهم: شایعه‌سازی؛ آثار و پیامدها ■ ۱۲۳

همگانی است. علی علیه السلام می‌فرماید: «توده‌های معیوب و متخلف تلاش می‌کنند عیوب دیگران را فاش نمایند تا برای خلاف‌های خویش، راه توجیه فراهم سازند.»^۱

۳. نگاه منفی

برخی افراد که نتوانسته‌اند رشد و پیشرفت نمایند و در انظار مردم جایگاه و منزلتی بیابند، اگر تقوای لازم را نداشته باشند، به رشد و پیشرفت سایر مردم حسادت می‌ورزند و ممکن است حرف‌وحیدی نیز بسازند. در سخنان حکیمانه علی علیه السلام می‌خوانیم: «خوی ناکسان و ابلهان، آزار جوانمردان و آزاداندیشان است.»^۲ و یا در کلامی دیگر می‌فرماید: «الْأَشْرَارُ يَتَّبِعُونَ مَسَاوِيَ النَّاسِ وَ يَتْرَكُونَ مَحَاسِنَهُمْ»^۳ نگاه بدان، توجه به بدی‌ها و لغزش‌ها و نادیده گرفتن خوبی‌هاست.»

آری، طبع بدان، نگاه بدبینانه و افشای بدی‌هاست و توان دیدن خوبی‌ها را ندارند. ازاین‌رو، همیشه بدبین و بدگو هستند و این، در حالی است که آبروریزی، بزرگ‌ترین گناهان است و خداوند افشاگران را لعن کرده و به عذاب دردناک وعده داده است.^۴ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۹ سوره نور می‌فرماید: «وظیفه داری اسرار برادر دینی‌ات را بپوشانی؛ هرچند هفتاد گناه از او بینی.»^۵ همچنین امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: «هرکس آنچه را از برادر دینی‌اش دیده و شنیده، فاش کند، مشمول کیفر و عذاب شایعه‌پراکنان است.»^۶ امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز فرمود: «كَذَّبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ... وَ لَا تُذِيعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تَشِينُهُ بِهِ وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَتَهُ»^۷ چشم و گوشت را در افشای مسائل شخصی برادر

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۷، ح ۳۷: «ذَوُوا الْعُيُوبِ يُجِبُونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ.»

۲. همان، ص ۴۹۳، ح ۱۷: «عَادَةُ اللَّئَامِ وَالْأَغْمَارِ أَذِيَّةُ الْكِرَامِ وَالْأَخْرَارِ.»

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

۴. نور، آیه ۱۹.

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۸.

۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۸، ح ۶.

۷. همان، ص ۶۰۹، ح ۴.

۱۲۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

دینی‌ات نادیده بگیر... مبادا دست به افشاگری بزنی و حیثیت و شخصیت او را لکه‌دارسازی!»

از آیه فوق و احادیث تفسیری استفاده می‌کنیم که آبرو و شرف انسان‌ها، خیلی مهم است و بر این اساس، نباید دیگران را متهم نموده، اسرار مردم را فاش کرد و آبرو و حیثیت ایشان را به سخره گرفت.

اگر در عصر ما عده‌ای لغزش‌های شخصی افراد را پخش می‌کنند و گاهی آن را رسانه‌ای می‌نمایند و در بیشتر موارد، شایعه‌سازی نموده، بدون توجه به حقیقت امر، حیثیت افراد به‌ویژه خانواده‌ها و شخصیت‌ها را زیر سؤال می‌برند، ریشه آن را باید در کمبود شخصیت و بی‌تقوایی چنین افرادی جست.

راه‌های درمان شایعه‌سازی

برای جلوگیری از شایعه‌سازی و مبارزه با شایعه‌پراکنی، نخست باید ریشه‌ها و عوامل آن را شناسایی کرد و سپس به تناسب انگیزه‌ها و سمپاشی‌ها و غفلت‌ها وارد نبرد فرهنگی شد و شایعه‌سازان را به عقب‌نشینی وادار ساخت. در این نبرد فرهنگی، باید از طریق رسانه‌های جمعی و مراکز فرهنگی و آموزشی و تبلیغی فرهنگ‌سازی نمود و راه‌های نفوذ دشمن و شیطن آنان را گوشزد کرد و وجدان‌ها را بیدار ساخت تا مردم به دام بدخواهان نیفتند. در اینجا به برخی راه‌های مبارزه با شایعه‌سازی اشاره می‌کنیم:

۱. نقش فرهنگی نظام حکومتی

برای مبارزه با شایعه‌پراکنی، نظام حکومتی بیشترین نقش عملی و فرهنگی را دارد؛ زیرا به سخن علی‌علیه گرایش فرهنگی مردم به مسئولان حکومتی، بیش از خاندان خودشان می‌باشد.^۱ بنابراین، مسئولان نظام وظیفه دارند به طور صحیح و روشمند با مردم تعامل نمایند و اسرار شخصی آنها را حفظ کنند و در عمل، با شایعه‌سازی مبارزه نمایند و هرگز بر اساس شنیده‌ها سخن نگویند.^۲

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۴: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ».

۲. روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۳۹۳/۱۱/۶، ص ۴: «اتهام فساد اقتصادی بر اساس شنیده‌ها در نطق معاون اول دولت تدبیر و امید».

مجلس نهم: شایعه‌سازی؛ آثار و پیامدها ■ ۱۲۵

در منشور حکومتی امام علی علیه السلام در نهج *البلاغه* تأکید شده است که توده‌های مردم عیوب و اسراری دارند؛ اما مسئول حکومتی نباید آنها را فاش کند^۱ و این گونه، فرهنگ جلوگیری از شایعه‌سازی یا شایعه‌پراکنی، در جامعه اسلامی نهادینه شود.

۲. علم‌گرایی و بصیرت‌افزایی

زندگی اجتماعی، در صورتی آرامش‌بخش و شیرین می‌شود که بر اساس صدق و صفا جریان یابد و برخوردهای مردم با تعامل و انعطاف صورت گیرد. بدیهی است که چنین چیزی، به علم و بصیرت نیاز دارد.

قرآن کریم هشدار می‌دهد: هرگز بدون علم و یقین سخن نگوئید و سخن کسی را نپذیرید؛^۲ زیرا هرگز ظن و گمان، یقین‌آور نیست؛^۳ به‌ویژه به زعمای ملت و بزرگان حکومت تأکید می‌کند که: فریب گفتار و کردار دشمن را نخورید؛ زیرا بعضی افراد قصد دارند شما را گمراه نمایند.^۴

عدم توجه به علم و بصیرت، باعث شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی می‌شود. انسان بصیر و آگاه، به‌راحتی فریب پیام‌ها و سخنان مسموم دیگران را نمی‌خورد و توجه خود را به ندای آسمانی معطوف می‌دارد که می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ»؛ هرگاه سخنان بیهوده می‌شنوند، از آن روی می‌گردانند.

۳. تقواگرایی

اگر گفت‌وشنودهای توده‌های مردم براساس دین و تقوا باشد، بیشتر شایعه‌ها تحقق نمی‌یابند؛ زیرا انسان باتقوا، مرزشناس است؛ نه حرف بیجا می‌زند و نه حرف وحدیث

۱. فیض الاسلام، *نهج‌البلاغه*، ص ۹۹۷: «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوباً الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا.»

۲. اسراء، آیه ۳۶: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...»

۳. یونس، آیه ۳۶: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ.»

۴. نساء، آیه ۱۱۳: «لَهُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ.»

۵. قصص، آیه ۵۵.

۱۲۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

بی‌منطق دیگری را می‌پذیرد؛ بلکه با دل و جان باور دارد که خداوند ناظر اعمال اوست و چشمان خیانتکار و سینه‌های کینه‌توز را می‌شناسد.^۱ از این رو، مؤمنان با آبروی دیگران بازی نمی‌کنند و می‌دانند که چنین کاری، با آیین ایمانی اسلام هماهنگی ندارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سهل‌ترین راه خروج از ایمان، این است که کسی دیگری را رصد کند تا لغزش‌های او را برای دیگران افشا نماید.»^۲

۴. برخورد کیفری

در اسلام، برخورد با متخلف بستگی به نوع تخلف مجرم دارد؛ اگر او قابل انعطاف و اصلاح باشد، از طریق فرهنگی و نصیحت‌کردن، او را اصلاح و تربیت می‌نمایند؛ ولی چنانچه از گروه منافقان یا بیماردلان و یا فتنه‌انگیزان شایعه‌ساز باشد و برخوردهای فکری و فرهنگی کارساز نگردد، قرآن یادآور می‌شود که نظام حکومتی می‌تواند درباره او تصمیم لازم را بگیرد و حتی شخص مجرم را به اعدام محکوم نماید.^۳ خلاصه اینکه راه درمان شایعه‌سازان، شناختن انگیزه‌های شایعه‌پراکنی، و سپس اصلاح همان انگیزه‌هاست.

اگرچه افشاگری کاری ناپسند و بیشتر مواردش حرام است، ولی هوشیاری در برابر توطئه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و مبارزه با آنان، امری واجب و مقوله دیگری است که از بحث ما جداست. بنابراین، مسائل امنیتی و اطلاعاتی کشور و جامعه، حساب جداگانه‌ای دارد که از قلمرو موضوع این نوشتار، خارج است.

۱. غافر، آیه ۱۹: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ».

۲. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۵، ح ۴: «أَذْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ الرَّجُلَ عَلَى دِينِهِ فَيُحْصِيَ عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيُعَيِّرَهُ بِهَا يَوْمَ مَا.»

۳. احزاب، آیه ۶۰ - ۶۱: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقَتُلُوا قَتْلًا.»

مجلس دهم

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله

محمد حسین فکور*

در این نوشتار، ضمن بررسی زندگی بانوی بزرگ اسلام و اُمّ المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام، به موضوع جایگاه و منزلت آن حضرت علیها السلام از دیدگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می پردازیم.

نگاهی به زندگی فردی خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه، دختر «خُوَیَلد بن اَسَد»^۱ از زنان بافضیلت اسلام است. نام مادر او، «فاطمه دختر زائد»، از تیره و قبیله «عامر بن لوی» است.^۲

خدیجه ۶۸ سال پیش از هجرت و به عبارت دیگر، ۱۵ سال قبل از «عام الفیل» در شهر مکه به دنیا آمد و در دوران جوانی به سبب تجارت، از جمله ثروتمندترین افراد قریش شد.^۳ او

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۱۲۰.

۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۲۳.

۳. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۱۲۱.

۱۲۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

پاکدامن بود و تباهی‌های دوران جاهلیت نتوانسته بود دامن حضرتش را فرا گیرد. از این‌رو، در میان قوم و قبیله خود، جایگاهی والا پیدا کرد و به «طاهره» شهرت یافت.^۱

خدیجه بنا بر نظر مشهور، در چهلمین سال عمر خود با پیامبر ﷺ ازدواج کرد؛ در حالی که پیامبر هنوز مبعوث نشده و ۲۵ ساله بود. مقام این بانو نزد پیامبر آن‌چنان والاست که پیامبر ﷺ تا زمانی که خدیجه زنده بود، با زنی ازدواج نکرد.

مقام خدیجه عليها السلام در پیشگاه الهی

با بررسی مختصری در روایات می‌بینیم که خدای متعال سه بار به وسیله جبرئیل برای حضرت خدیجه عليها السلام ویژه فرستاده است. دقت در این مطلب بسیار مهم، این نکات را روشن می‌کند که: اولاً، سلام‌رسان و دریافت‌کننده سلام، باید نوعی سنخیت معنوی با یکدیگر داشته باشند. دریافت‌کننده باید به درجه‌ای از قرب رسیده باشد تا مورد لطف سلام‌رسان واقع گردد. ثانیاً، دریافت‌کننده سلام خدای هستی، باید از سایر مردم برتر باشد؛ و گرنه خداوند به دیگران نیز سلام می‌فرستاد. توجه به این دو نکته، راز عظمت حضرت خدیجه عليها السلام را آشکار می‌سازد.

اکنون به اختصار مواردی را که خداوند متعال برای حضرت خدیجه عليها السلام سلام فرستاده، یادآور می‌شویم:

۱. پیامبر در بازگشت از معراج، به جبرئیل فرمود: «آیا سفارش و پیامی داری؟ و جبرئیل گفت: پیام تازه این است که درود و سلام خدا و فرشته فرمان‌برش جبرئیل را به خدیجه برسان.»^۲

۲. در سال ششم بعثت؛ پس از آنکه آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۳ نازل شد. پیامبر ﷺ بالای کوه صفا رفت و مردم را به توحید دعوت کرد. مشرکان این بار نیز پیامبر را

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷.

۳. حجر، آیه ۹۴: «پس، آنچه را بدان فرمان داده می‌شوی، آشکار کن (دعوت را علنی ساز) و از مشرکان دوری کن.»

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۲۹

سنگ باران کردند. سنگی بر پیشانی حضرت خورد و خون جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به کنار تخته سنگی پناه برد. حضرت علی علیه السلام به سرعت به خانه خدیجه علیها السلام رفت و ایشان را از این اتفاق آگاه کرد. حضرت خدیجه سراسیمه به سوی کوه صفا آمد و در راه می گفت: «مَنْ أَحْسَ لِي النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الرَّبِّيعِ الْمُرْتَضَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الْمَطْرُودِ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَ لِي أَبَا الْقَاسِمِ...»^۱ چه کسی مرا از حال پیامبر برگزیده آگاه می کند و... از سلامتی اش برایم خبر می آورد؟...». هنوز خدیجه علیها السلام در راه بود که جبرئیل نازل شد و خدیجه را که در دامنه کوه صفا بود، نشان داد و گفت: آن بانوی توست که از گریه اش فرشتگان به گریه آمده اند. او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او مژده بده که خدا به او سلام رسانده و در بهشت، کاخی باشکوه و بلورین و آراسته به زیور که ماندگار است و در آن هیچ رنجی راه ندارد، برایش آماده ساخته است.

۳. در روایتی دیگر که علامه مجلسی نقل کرده، پیامبر فرموده: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدیجه در راه است. هنگامی که نزد تو آمد، سلام خدا را به او برسان و بگو خدا در بهشت قصری بلورین برایت آماده کرده است: «فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِنْنِي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ»^۲ پس به او سلام پروردگار و من را برسان و به او بشارت بده که در بهشت، قصری دارد که هیچ گونه رخنه و خلل و سستی در آن نیست.»

اولین زن مسلمان

یکی از فضایل خدیجه علیها السلام پیشی گرفتن در ایمان آوردن به اسلام است. وقتی همه مردم پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند و حتی حضرت را تکذیب کرده، برخی نیز کمر به قتل او بستند، خدیجه به پیامبر ایمان آورد و تا پای جان در راه رسول خدا ایستاد. پیامبر نیز همیشه از او یاد می کرد و می فرمود: «أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟ هَمَانْدُ خَدِيجَةَ كَجَاسْت؟» روزی، هاله، خواهر خدیجه، در شهر مدینه به زیارت پیامبر آمد. وقتی پیامبر او را دید، متأثر شد. زمانی که هاله رفت، عایشه گفت: چقدر از این پیرزن قریش که سالخورده گی، صورت او را چروک کرده

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.

۲. همان، ص ۷.

۱۳۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

بود، یاد می‌کنی؛ با اینکه روزگار او را برده و خداوند همسر بهتری به شما بخشیده است! حضرت فرمود: «صَدَقْتَنِي إِذْ كَذَبْتُمْ وَأَمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَلَدَتْ لِي إِذْ عَقِمْتُمْ»^۱ وقتی مرا تکذیب کردید، او مرا تصدیق کرد و به من ایمان آورد، وقتی شما کفر ورزیدید و خدا نسل مرا از او قرار داد، هنگامی که شما عقیم هستید.»

عبدالله بن مسعود در نمونه‌ای از مشاهدات خودش در خصوص ایمان خدیجه می‌گوید: «روزی با عموها و تعدادی از اعضای قبیله‌ام به مکه آمدیم تا عطر بخریم. عباس بن عبدالمطلب عطر می‌فروخت. نزد او رفتیم. عباس در کنار چاه زمزم نزدیک کعبه نشسته بود. در این هنگام، مردی که لباس سفید بر تن داشت و موهایش بلند بود و دندان سفید داشت و صورتش مثل ماه بود، از باب صفا وارد شد. طرف راست او، نوجوانی راه می‌رفت و پشت سرش بانویی با لباس پوشیده. آنها کنار حجرالأسود رفتند. ابتدا آن مرد به حَجَر دست کشید و سپس آن نوجوان و بعد هم آن بانو. آن‌گاه طواف کردند و کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز خواندند... من که چنین چیزی ندیده بودم، از عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی در شهر مکه آمده؟ اینان کیان‌اند؟ عباس گفت: آن مرد، برادرزاده من است. آن نوجوان هم برادرزاده دیگر من است و آن زن خدیجه همسر اوست. او می‌گوید که دین تازه‌ای آورده است اما به خدا قسم! غیر از این سه نفر، در روی زمین کسی این آیین را قبول ندارد.»^۲

برترین زنان

اگر اندکی در تاریخ به کنکاش و بررسی در زندگی این بانو بپردازیم، به آسانی درمی‌یابیم که او، هم در دوران جاهلیت و هم در دوران اسلام، دارای کمالات و فضایل اخلاقی فوق‌العاده‌ای بوده است. سخاوت و ایثار، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی و درایت، از جمله فضایل پسندیده او بود. خدیجه عَلِیْهَا السَّلَام به واسطه همین صفات برتر و ویژه توانست لیاقت همسری رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پیدا کند؛ تا آنجا که پیامبر او را از جمله برترین زنان بهشت دانست و فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَقَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَمَرْيَمُ

۱. همان، ص ۸.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۱

بُنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛^۱ برترین زنان بهشت، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است.»

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در وصف خدیجه و بزرگی و سروری او بر زنان دنیا فرموده است: «خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةٌ وَخَيْرُ نِسَائِهَا مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؛^۲ بهترین زنان جهان، خدیجه و مریم دختر عمران هستند.»

ارزش‌مداری

خدیجه علیها السلام نسبت به شوهرش نگاهی ارزشی داشت. او کمالات و خوبی‌ها را می‌شناخت و آنها را در وجود پیامبر یافته بود. بنابراین، نه تنها تمام ثروت مادی خود را به پای شوی مهربانش ریخت، بلکه در راه او قالب‌ها و سنت‌های جاهلی را درهم شکست و به گفته مردم که می‌گفتند: محمد صلی الله علیه و آله یتیمی بیش نیست، توجه نکرد.

او هنگام اِزار تمایل برای ازدواج با پیامبر، چنین گفت: «يَا بَنَ عَمِّ اِنِّي رَغْبْتُ فَيْكَ لِقَرَابَتِكَ وَسَلَعْتُكَ فِى قَوْمِكَ وَاَمَانَتِكَ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقَ حَدِيثِكَ؛^۳ ای پسر عمو، من به جهت خویشاوندی، شرافت تو بین مردم، امانت‌داری، خوش‌خُلُقِی و راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم.»

احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از ویژگی‌های خدیجه، احترام به رسول اعظم صلی الله علیه و آله بود؛ همان‌طور که پیامبر اسلام نیز به خدیجه احترام می‌گذاشت. خدیجه، گرچه در حجاز موقعیت ویژه و ممتازی داشت، اما در برخورد با پیامبر، احترام فراوانی به حضرت می‌گذاشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانه برتری باشد، از خود نشان نمی‌داد. وقتی مراسم عقد ایشان با پیامبر پایان یافت و رسول خدا خواست به خانه ابوطالب باز گردد، خدیجه گفت: «إِلَى بَيْتِكَ قَبِيَّتِي بَيْتُكَ وَأَنَا

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۷۸.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۳۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

جَارِیْتُک؛^۱ به خانه خودتان وارد شوید. خانه من، خانه شماست و من، کنیز شما هستم.» پیامبر همین احترام را برای خدیجه علیها السلام قایل بود. عایشه گزارش می‌کند: پیامبر، نه تنها به یاد و نام خدیجه و فداکاری‌های او بها می‌داد، بلکه به احترام او، به هرکس و هرچیزی که یاد خدیجه را به همراه داشت، احترام می‌گذاشت.

گفتنی است که نه فقط پیامبر به شخص خدیجه احترام می‌گذاشت، بلکه به جهت ایشان، به دوستان و همسایگان خدیجه نیز احترام می‌گذاشت. در کتاب‌های احادیث آمده است: هرگاه پیامبر گوسفندی قربانی می‌کرد، ابتدا سهمی برای دوستان و آشنایان خدیجه کنار می‌گذاشت.^۲ خدیجه، همسایه‌ای داشت که در زمان حیاتش به امور او رسیدگی می‌کرد و سفارش این همسایه را به پیامبر کرده بود. پیامبر هرگاه غذای خوبی در خانه فراهم می‌شد، برای او می‌فرستاد.^۳

آسایش پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه در دوران بعثت و حتی پیش از آن، در راه پیامبر دچار سختی‌های فراوان گشت؛ اما کوچک‌ترین ناراحتی از خود نشان نمی‌داد. همیشه مشفقانه مانند پروانه‌ای عاشق، گرد پیامبر می‌گشت؛ زیرا آنچه برای خدیجه مهم بود، آسایش پیامبر صلی الله علیه و آله بود. از این رو، سعی می‌کرد که همه سختی‌ها را تحمل نماید تا پیامبر در آسایش باشد.

علامه مجلسی رحمته الله نقل کرده: روزی در سال‌های آغازین بعثت، پیامبر از غار حرا با سیمایی محزون به خانه آمد. خدیجه گفت: چه شده؟ پیامبر فرمود: علی، از من جدا شده و نمی‌دانم کجاست! می‌ترسم مشرکان به او آزاری برسانند! خدیجه گفت: اکنون خودم سوار شتر می‌شوم و او را پیدا می‌کنم و یا آنکه مرگ بین من و علی، فاصله خواهد انداخت. خدیجه از خانه درآمد و به جست‌وجو پرداخت تا آنکه از دور نوجوانی را دید. احساس کرد که علی علیه السلام است. بر او سلام کرد و صدایش را شناخت. خدیجه به سرعت به خانه بازگشت و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴.

۲. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۴۳۸.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۳

خبر سلامتی علی علیه السلام را به پیامبر داد. پیامبر چنان خوشحال شد که ۲۱ بار گفت: «شُکْرًا لِلْمُجِيبِ»^۱ خدای اجابت کننده را شکرگزارم.

خدیجه در همه احوال، از پیامبر دفاع می کرد و خود را سپر بلای حضرت قرار می داد. این امر، سبب آرامش حضرت می شد. یک بار مشرکان پیامبر را سنگ باران و زخمی کردند. حضرت به سوی خانه به راه افتاد. مشرکان به دنبال پیامبر آمدند و حتی خانه را سنگ باران کردند. خدیجه از خانه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگ زدن به خانه زنی که نجیب ترین زنان قوم و قبیله خود است، شرم ندارید؟ مشرکان شرمند شدند و بازگشتند. خدیجه به خانه برگشت و به بستن و مداوای زخم های پیامبر مشغول شد. در این واقعه بود که جبرئیل سلامی ویژه از سوی خدا برای حضرت خدیجه آورد. خدیجه در برابر این سلام گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَبَرَكَاتُهُ»^۲ همانا خداوند خود، سلام است و سلام از اوست و بر جبرئیل و بر شما ای رسول خدا، سلام و برکات خدا باد.

حفظ یاد و خاطره خدیجه علیها السلام

احترام رسول خدا به خدیجه، اختصاص به زمان حیات وی نداشت؛ بلکه پس از رحلت آن بانوی گرامی، باز یاد و خاطره ایشان را زنده می داشت. از این رو، همیشه از خدیجه به خوبی یاد می کرد. پیامبر پس از سالیانی که از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام گذشته بود، همچنان با مهربانی و محبت و تأثر زیاد از او یاد می نمود و اگر کسانی به خدیجه حسادت می ورزیدند، با آنها برخورد می کرد. از این رو، برای آنکه دیگران بدانند خداوند متعال حضرت خدیجه علیها السلام را برگزیده است، به عایشه فرمود: «أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ إِصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَحَمَزَةَ وَجَعْفَرَ وَفَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۳ آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، دودمان ابراهیم، خاندان عمران، علی، حسن، حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه را بر همه جهانیان برتری داده و برگزیده است؟

۱. همان، ج ۴۰، ص ۶۶.

۲. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۱۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

۱۳۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

همچنین پیامبر ﷺ برای تبیین مقام و جایگاه خدیجه فرمود: «اَشْتَاَقْتُ الْجَنَّةَ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَآسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ زَوْجَةَ فِرْعَوْنَ وَهَيْبَةَ زَوْجَةَ النَّبِيِّ ﷺ فِي الْجَنَّةِ وَخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةَ النَّبِيِّ ﷺ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ»^۱ بهشت، به دیدار چهار بانو اشتیاق دارد: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم که در بهشت به همسری پیامبر مفتخر خواهد شد، و خدیجه دختر خویلد ... که در دنیا و آخرت همسر و همنشین پیامبر است، و فاطمه دختر پیامبر. در حدیثی نیز رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «تو افتخار همسری بانویی همانند فاطمه را داری؛ درحالی که من همسری همانند او ندارم و تو مادرزنی بسان خدیجه داری که من چنین مادرزنی ندارم»^۲

عایشه گفته است: پیامبر، نه تنها به یاد و نام خدیجه و فداکاری‌های او بها می‌داد، بلکه به احترام او، به هرکس و هرچیزی که یاد خدیجه را به همراه داشت، احترام می‌گذاشت. روزی، بانویی سالخورده به خانه آمد. پیامبر با او بسیار مهربانی کرد. پس از رفتن پیرزن، گفتم: درست است که خُلق و خوی شما مهربانانه است و به همه انسان‌ها، به‌ویژه محرومان احترام می‌گذاری، اما بهایی که امروز به این پیرزن دادی، ویژه بود؛ مگر او که بود؟ پیامبر فرمود: «إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَإِنْ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ»^۳ این زن، در زمان خدیجه به خانه ما می‌آمد و از دیدگاه من، پاس داشتن سابقه دوستی‌های دیرین، بخشی از ایمان است».

ایثار اموال

مورخان گفته‌اند: خدیجه، اموال بسیاری داشت. چهارصد غلام و کنیز کارگزار او بودند. بر بام خانه بزرگ او، خیمه‌ای زیبا و بزرگ از حریر سبز برافراشته بود تا درماندگان، خانه او را بشناسند و برای کمک گرفتن به آنجا بیایند.^۴

۱. همان، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۴۰، ص ۶۸.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۵

خدیجه با وجود این ثروت انبوه، پس از ازدواج با پیامبر، به خانه عمویش ورقه بن نوفل رفت و به او گفت: اکنون نزد محمد برو و بگو همه غلامان و کنیزانم را به او بخشیده‌ام. اموال فراوانی هم به ورقه داد و گفت: اینها را نیز به محمد بده و بگو هرگونه می‌خواهی تصرف کن. ورقه کنار کعبه آمد و با حضور مردم در کنار چاه زمزم ایستاد و گفت: ای مردم! خدیجه شما را شاهد می‌گیرد که خود، مهریه، غلامان، کنیزان و همه ثروتش را به محمد بخشیده و همه آنها، هدیه‌ای است که محمد پذیرفته است. این کار خدیجه به دلیل محبت و احترام او به محمد است. همه شما گواه باشید.^۱

یاری پیامبر با اموال خدیجه، به این فقره ختم نشد؛ بلکه تا آخر عمر حضرت خدیجه مستمر بود و به‌ویژه در سال‌های سخت محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابوطالب، ثروت خدیجه مسلمانان را از نابودی نجات داد؛ تا جایی که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، همانند ثروت خدیجه به من سود نرساند».^۲

در ماجرای شعب، از اموال خدیجه جز دو پوست که یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز می‌کردند، چیزی باقی نماند.

الگوی بانوان

در روزگار ما که همه ارزش‌های انسانی و اخلاقی رنگ باخته است، باید برای زنان مسلمان الگویی ارائه شود. در اسلام، الگوهای نمونه کم نیستند. این نکته را نیز بیفزاییم که قرآن برخلاف تصور برخی افراد که فقط مردان را الگوی جامعه می‌دانند، در کنار ارائه الگوهایی از مردان، نمونه‌هایی از زنان وارسته را نیز معرفی می‌کند: «و برای مؤمنان هم مثالی زده است؛ همسر فرعون را که گفت: پروردگار! برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کار زشتش رهایی بخش و از این مردم ستمگر رهایی‌ام ده. و نیز مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن خویش را پاک نگه داشت...».^۳

۱. همان، ص ۷۵ - ۷۷.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۳.

۳. تحریم، آیه ۱۱ - ۱۲.

۱۳۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

از مباحث پیش گفته می توان استفاده نمود که خدیجه، در عرصه شوهرداری، خدمت به اسلام، عفت و پاکدامنی، بهترین الگو برای همه زنان است. از همین روست که پیامبر وی را به عنوان الگو معرفی نموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَع: مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ»^۱ همانا خدای متعال از میان همه زنان، چهار زن ممتاز را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

ذکر مصیبت

سرانجام، روز دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت فرا رسید. حضرت خدیجه علیها السلام بر اثر صدمات و آزارهای جسمی و روحی فراوانی که در شعب ابوطالب دیده بود، بیمار شد. این بانوی بزرگ، در ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان شهر مکه که نامش «حُجُون» بود، به خاک سپرده شد.

خدیجه در خانه پیامبر خدمات فراوانی انجام داد و زحمات بسیاری کشید. از این رو، طبیعی بود که بتواند پیش از مرگ خود، خواسته ای از پیامبر داشته باشد؛ اما او هیچ گاه خواسته ای شخصی، آن هم به صورت مستقیم، از پیامبر نداشت. فقط در روز رحلت، خواسته کوچکی به وسیله دخترش فاطمه علیها السلام کرد. ابتدا به پیامبر عرض نمود: «ای رسول خدا! اگر کوتاهی کرده ام، مرا عفو کن!» پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری مشاهده نکرده ام.»

خدیجه گفت: «حاجتی دیگر دارم؛ می خواهم خواسته ام را دخترم فاطمه به شما بگوید؛ زیرا شرم دارم آن را بازگو کنم. پیامبر از جای برخاست و از اتاق بیرون رفت.»

خدیجه وقتی با دخترش تنها ماند، به فاطمه گفت: «يَا حَبِيبَتِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي! قُولِي لِأَبِيكَ إِنَّ أُمِّي تَقُولُ: أَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ أُرِيدُ مِنْكَ رَدَائِكَ الَّذِي تَلْبِسُهُ حِينَ نَزُولِ الْوَحْيِ تُكَفِّنُنِي فِيهِ؛ اِي محبوب و نور دیده مادر! به پدرت بگو که مادرم می گوید: من، از خانه قبر بیمناکم. از شما تقاضا دارم که یکی از جامه های خویش که هنگام نزول وحی به تن داشته اید، به من هدیه کنید تا با آن کفن شوم.» فاطمه، درخواست مادر را به پیامبر گفت. پیامبر لباس خود را به فاطمه داد تا به مادرش بدهد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۷

در این هنگام، جبرئیل نازل شد و گفت: «یا محمد! إِنَّ كَفْنَ خَدِيجَةَ مِنْ عِنْدِنَا فَأَنْتَهَا بَدَلْتَ مَا لَهَا فِي سَبِيلِنَا فَجَاءَ جِبْرِئِيلُ بِكَفْنٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كَفْنُ خَدِيجَةَ وَهُوَ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ أَهْدَى اللَّهُ إِلَيْهَا...»^۱ ای محمد! همانا کفن خدیجه، از سوی ماست؛ زیرا او مالش را در راه ما صرف کرد. پس، جبرئیل کفنی آورد و گفت: ای رسول خدا! این، کفن خدیجه است و این کفن، از کفن‌های بهشتی است که خداوند آن را به خدیجه هدیه داده است...».

کفن حضرت خدیجه علیها السلام از بهشت نازل شد؛ اما در کربلا برای جسم پاره‌پاره و مطهر سیدالشهدا و فرزند دل‌بند حضرت خدیجه علیها السلام، کفنی وجود نداشت. امام سجاد علیه السلام به مردان بنی‌اسد فرمود: برای من حصیری بیاورید. سپس جسم مطهر اباعبدالله علیه السلام را در قطعه حصیری نهاد و به خاک سپرد.^۲

بهاشت را مبر از خانه ناگهان بانو	برای بی‌کسی فاطمه بمان بانو
به جان دختر مظلومه‌ات مرو از دست	مساز اشک یتیمانه را روان بانو
بمان و فاطمه را خود عروس کن، آری	که دختران همه، محتاج مادرند بانو
برای غربت من جان‌به‌لب شدی اما	بدان که غربت زهراست بعد از آن بانو
نمانده هیچ برایت که یک کفن بخری	عبای ختم رسل بر تو ارمغان بانو

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. شیخ عباس قمی، کلیات منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۳.

مجلس یازدهم

مهارت‌های رویارویی با خشم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود اکبری*

مقدمه

از جمله بیماری‌های خطرناک اخلاقی، خشم و عصبانیت است. فاجعه‌ای که این صفت نکوهیده می‌آفریند، غیرقابل انکار است؛ تا آنجا که در روایات از خطرناک‌ترین حربه‌های شیطان خوانده شده، کلید تمام بدی‌ها و آتش سوزانی است که فرد خشمگین و اطرافیان او را می‌سوزاند. چه بسا جنایت‌ها، بی‌رحمی‌ها، قتل‌ها، نقص عضوها و فروپاشی خانواده‌ها که در پرتو این صفت ناپسند صورت می‌گیرد. نگاهی به صفحات حوادث روزنامه‌ها، گواه این مطلب است. امام علی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ»^۱ از خشم پرهیز که ابتدای آن جنون است و آخرش پشیمانی. برخی حکما گفته‌اند: غضب، همچون کشتی طوفان‌زده است که موج‌های عظیم دریا آن را به هر طرف می‌افکند و کنترل آن، نیاز به

* پژوهشگر و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۲۶۳۵.

۱۴۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

مهارت‌های لازم دارد. لازم به ذکر است خشم به عنوان حالت نفسانی یکی از صفات آدمی است که خدای متعال در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته است و از آن در موقعیت‌هایی مانند مبارزه با دشمن باید استفاده شود. مطابق آیات قرآن کریم مسلمان واقعی و پیرو راستین رسول گرامی اسلام در برابر دشمنان شدید و سرسخت است اما در میان مؤمنان مهربان است: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ و کسانی که با اویند، در برابر کافران سرسخت و در میان خود مهربانند. بدیهی است آنچه به عنوان خشم و غضب در آموزه‌های دینی مورد نکوهش قرار گرفته است، خشم و عصبانیت در تعامل با برادران ایمانی است. نویسنده نیز با همین روی کرد بحث را مطرح نمود و در این نوشتار، ضمن بیان عوامل و زمینه‌های بروز خشم در آدمی، به مجموعه‌ای از راهکارهای کنترل غضب اشاره می‌شود.

تعریف خشم

خشم، یک واکنش احساسی خودبه‌خود در برخورد با تهدید حقیقی یا خیالی است که انرژی و انگیزه‌ای برای از میان برداشتن تهدید ایجاد می‌کند.^۲ خشم، حالتی نفسانی و درونی است که آدمی را به رفتاری پرخاشگرانه و غلبه بر دیگری وادار می‌کند. خشم، از خطرناک‌ترین حالات انسان است که اگر رها شود، گاه به شکل نوعی جنون و دیوانگی و از دست دادن هر نوع کنترل بر اعصاب خودنمایی می‌کند و موجب بروز بسیاری از تصمیم‌های خطرناک و جنایاتی می‌شود که آدمی یک عمر باید جریمه آن را بپردازد.

عوامل و زمینه‌های خشم

غضب و خشم، پدیده روحی پیچیده‌ای است که از عوامل و انگیزه‌های فراوانی سرچشمه می‌گیرد. شناخت زمینه‌ها و انگیزه‌های غضب، راه‌های درمان آن را همواره می‌سازد. در اینجا به برخی عوامل خشم اشاره می‌کنیم.

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. رنوا پیورفوی، غلبه بر خشم، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، ص ۳.

۱. حسد و کینه‌توزی

از عوامل خشم، کینه‌توزی است. افراد کینه‌توز، عقده‌هایی را درون خویش ذخیره می‌کنند که با کمترین حادثه، به خشم می‌انجامد. امام علی علیه السلام فرمود: «الْحِقْدُ مَثَارُ الْغَضَبِ»^۱ سبب برانگیخته شدن خشم، کینه‌توزی است.

۲. قضاوت‌های عجولانه

در زندگی فردی و اجتماعی، هم‌روزه اخبار ناراحت‌کننده‌ای به انسان می‌رسد. در این اوقات، اگر آدمی فوراً به قضاوت بنشیند، آتش خشم در دل او شعله‌ور می‌شود و گاه دست به کارهای زشت و خطرناکی می‌زند؛ اما چه بسا پس از تحمل و تحقیق، می‌بیند اصل خبر نادرست یا حداقل ناقص بوده و اگر صبر می‌کرد، هرگز خشمگین نمی‌شد. امام علی علیه السلام فرمود: «مِنْ طَبَائِعِ الْجُهَالِ التَّسَرُّعُ إِلَى الْغَضَبِ فِي كُلِّ حَالٍ»^۲ از خصلت‌های نادانان، شتاب کردن به خشم در هر حالی است.

۳. حرص و دنیاپرستی

افرادی که عشق و دلباختگی به دنیا وجودشان را پر کرده و حرص و آز در درون جانشان لانه گزیده، کمترین مزاحمت نسبت به منافع خویش را تحمل نمی‌کنند و به سرعت برمی‌آشوبند. این گونه افراد، اغلب خشمگین و عصبانی هستند.

۴. عجب و خودخواهی

یکی دیگر از اسباب خشم، عجب و خودخواهی است. این سبب، گاهی در انسان‌هایی که به ظاهر وارسته هستند نیز ظاهر می‌شود. عجب، آن است که آدمی خود را به جهت کمالاتی که دارد، بزرگ بشمارد! این افراد، هیچ‌گاه خویش را مقصر نمی‌دانند و همیشه خود را بالاتر از دیگران می‌پندارند.

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۳۰۲.

۱۴۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

۵. کمی ظرفیت

افرادی که دارای روح بزرگ و فکر گسترده هستند، حوادث تلخ را درون جان خود تحمل می‌کنند؛ ولی افراد کم ظرفیت، با کمترین ناملاایمتی برمی‌آشوبند و گاه به زمین و زمان بد می‌گویند.

۶. سایر عوامل

از دیگر عوامل و زمینه‌های خشم، می‌توان به: دردها، گرسنگی و تشنگی، احساس سرما و گرما، بی‌خوابی، محرومیت، تبعیض، ضعف و ناتوانی، تهدیدهای سخت، خودنمایی، بیماری، استهزا، جروبخت، سرزنش، عیبجویی، مخاصمه، شوخی‌های بیجا، کم‌حوصلگی و نیز دیدن صحنه‌های خشونت‌آمیز، اشاره کرد.

پیامدهای خشم

خشم، آثار و پیامدهای بسیاری دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ»^۱ خشم، کلید هر شر و بدی است. به معرفی چند نمونه از آثار خشم می‌پردازیم:

۱. سقوط از منزلت انسانی

خشم، قدر و منزلت آدمی را در دید مردم کاهش می‌دهد و او را خوار می‌سازد. امام علی علیه السلام فرمود: «الْغَضَبُ يُرْدِي صَاحِبَهُ وَ يُبْدِي مَعَايِبَهُ»^۲ خشم، صاحب خود را به پستی می‌کشانند و عیب‌های او را آشکار می‌سازد.

۲. برانگیختن کینه‌ها

انسانی که هنگام غضب از انتقام ناتوان باشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه خشم خود را فرو برد. خشم، به باطن برمی‌گردد و عقده درونی ایجاد می‌کند و به کینه تبدیل می‌شود. بنابراین،

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۶۶.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۲.

مجلس یازدهم: مهارت‌های رویارویی با خشم ■ ۱۴۳

کینه، از ثمرات خشم است و در عین حال، چندین اثر ناپسند را به ارث می‌گذارد؛ از جمله: قطع رحم، دروغ، غیبت، افشای سرّ و هتک حرمت. امام علی علیه السلام فرمود: «الْغَضَبُ يُثِيرُ كَوَامِنَ الْحَقِّ؛^۱ خشم، کینه‌های نهفته را برمی‌انگیزاند.»

۳. سلب آرامش

خشم، آرامش روحی را از بین می‌برد. ادامه این حالت، موجب تنهایی و افسردگی می‌شود.

۴. عدم کنترل رفتار و گفتار

در هنگام هیجان غضب، عقل توان قضاوت خود را از دست می‌دهد و انسان دیوانه‌وار حرکاتی را انجام می‌دهد که نه تنها مایهٔ تعجب اطرافیان می‌گردد، بلکه خود او نیز پس از فرونشستن آتش غضب، از کارهایی که در آن حال انجام داده، در تعجب و وحشت فرو می‌رود. در آن حال، گاهی دیوانه‌وار به کسی، حتی نزدیک‌ترین دوستان خود حمله می‌کند، می‌زند، درهم می‌شکند، می‌کوبد و ویران می‌کند؛ درست مانند یک دیوانهٔ خطرناک. امام علی علیه السلام فرمود: «لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ؛^۲ هنگام خشم و غضب، ادبی وجود ندارد.» آثار بی‌ادبی، در زبان و اعضا ظاهر می‌شود؛ مانند: فحش و ناسزا، بدگویی، تحقیر دیگران یا تهمت‌زدن.

۵. دوری از مردم

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، کردار و گفتار او در اطرافیان تأثیر می‌گذارد. آدمی، همواره در کنش و واکنش با دیگران است که در این تأثیر متقابل، ممکن است عده‌ای از افراد جامعه از انسان دور شوند و یا عده‌ای جذب او گردند. یکی از عوامل دفع‌کنندهٔ دیگران، خشم و غضب بیجاست که موجب سردی روابط آدمی با دیگران می‌شود.

۱. همان، ص ۳۰۳.

۲. همان.

۱۴۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

امام علی علیه السلام فرمود: «بِئْسَ الْقَرِينُ الْغَضَبُ يُبْدِي الْمَعَایِبَ وَ يُدْئِي الشَّرَّ وَ يُبَاعِدُ الْخَيْرَ»^۱ خشم و غضب، همنشین بدی است؛ عیب‌ها را ظاهر و شر را نزدیک می‌سازد و خیر را دور می‌گرداند.»

۶. رفتارهای خشن اجتماعی

در بررسی‌های جنایی، آنچه بیشتر به چشم می‌خورد و عامل اصلی ارتکاب جرایم و جنایات محسوب می‌شود، خشم است. سرچشمه قتل، قطع عضو، ضرب و جرح و جنایات دیگر، معمولاً خشم و عصبانیت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ الْغَضَبِ إِنَّ الرَّجُلَ يَغْضَبُ فَيَقْتُلُ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ يَقْذِفُ الْمُحْصَنَةَ»^۲ مگر چیزی مهم‌تر از غضب و تندخویی می‌باشد؟ مردی غضب می‌کند و در حال غضب، آدم می‌کشد و مرتکب قتل حرام می‌گردد و یا اینکه در اثر تندی، زنان پارسا را قذف می‌کند و آنها را به زنا متهم می‌نماید.»

۷. فساد ایمان

غضب، موجب تباهی و فساد ایمان است؛ زیرا افراد عصبانی، نه تنها مرتکب گناهانی می‌شوند که با ایمان سازگار نیست، بلکه گاهی به مقدسات جسارت می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ»^۳ غضب، ایمان را فاسد می‌کند؛ همان‌گونه که سرکه عسل را فاسد می‌سازد.»

۸. نزدیک شدن به جهنم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا غَضِبَ أَحَدٌ إِلَّا أَشْفَى عَلَى جَهَنَّمَ»^۴ هیچ کس غضب نمی‌کند، مگر اینکه به جهنم نزدیک می‌شود.»

۱. همان.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۶۶.

۴. همان، ص ۲۶۷.

۹. از بین رفتن منطق

غضب، منطق انسان را خراب می‌کند و به گزافه‌گویی و باطل‌گویی وا می‌دارد. اگر شخص غضبناک در مقام قضاوت باشد، به یقین داوری صحیح نخواهد کرد. امام علی علیه السلام فرمود: «شِدَّةُ الْغَضَبِ تُغَيِّرُ الْمَنْطِقَ وَ تَقْطَعُ مَادَّةَ الْحُجَّةِ وَ تَفَرِّقُ الْفَهْمَ»^۱ شدت غضب، سخن را تغییر می‌دهد و زبان را قطع می‌کند و فهم را از آدمی می‌گیرد.

۱۰. آشکار شدن عیوب پنهانی

یکی دیگر از پیامدهای زشت غضب، آشکار شدن عیوب پنهانی است؛ زیرا در حال عادی، هرکس خود را کنترل می‌کند تا عیوب خویش را پنهان دارد و آبرویش را حفظ کند؛ اما هنگامی که آتش خشم شعله‌ور می‌شود، پرده‌ها کنار می‌رود و کنترل عقل برداشته می‌شود و عیوب مخفی آشکار می‌گردد و آبروها بر باد می‌رود.

۱۱. کج خلقی و درشت‌خویی

یکی دیگر از آثار خشم، کج‌خلقی و درشت‌خویی در رفتار و گفتار است. کسانی که به این صفت مبتلا هستند، همیشه ترش‌رو و عبوس‌اند و گویا با همه و حتی خودشان قهرند. این صفت ناپسند، هم از نظر شرع و هم از نظر عقل، زشت و نکوهیده است. مولوی گوید:

چون ز خشم آتش، تو در دل‌ها زدی	مایه نار جهنم آمدی
آتش اینجا چو آدم‌سوز بود	آنچه از وی داد، مردافروز بود
آتش تو قصد مردم می‌کند	نار کز وی زاد بر مردم زند ^۲

راهکارهای مقابله با خشم

برای مقابله با زمینه‌ها و اسبابی که موجب هیجان غضب می‌شود و نیز دوری از ضعف نفس و تقویت روح صبر در وجود خویش، راهکارهای متعددی وجود دارد که ما را برای

۱. همان، ج ۶۸، ص ۴۲۸.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۵۵۳.

۱۴۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

کنترل خشم و دستیابی به صفت نیکوی بردباری یاری می‌رساند. مهم‌ترین راهکارها عبارت‌اند از:

۱. توجه به پیامدهای خشم

توجه به آثار «خشم» و «صبر» می‌تواند در دوری از خشم به ما کمک کند. آری، خشم، زندگی را سخت می‌کند و تکرار این رفتار باعث می‌شود که انسان از روی عادت به آن روی آورد و به مشکلات عدیده‌ای دچار گردد. امام علی علیه السلام فرمود: «الْغَضَبُ نَارٌ مُوقَدَةٌ مَنْ كَظَمَهُ أَطْفَأَهَا وَمَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَرَقٍ بِهَا»^۱ خشم، آتش افروخته‌ای است که هرکس آن را فروخورد، آتش را خاموش ساخته و هرکس آزادش گذارد، خودش اولین کسی است که بدان آتش می‌گیرد.»

در مقابل، کسی که خشم خود را فرو نشاند، فرجام خوبی دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «كُظِمَ الْغَيْظُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَتَجَاوَزَ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ»^۲ هنگام غضب، خشم خود را فرو خور و هنگام قدرت، از گناه مردم درگذر و انتقام نگیر تا عاقبتی نیکو داشته باشی.»

مردی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: مرا چیزی بیاموز. حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو. مرد به توصیه پیامبر بسنده کرد و نزد قوم خویش رفت؛ درحالی که میان آنها و گروهی دیگر، جنگی رخ داده بود. او در جمع قوم خود قرار گرفت و سلاحی برداشت. ناگهان به یاد سخن پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد و سلاح خویش را کنار نهاد. آن‌گاه میان گروه دشمن آمد و گفت: متعهد می‌شوم هر خسارتی را که به شما رسیده، جبران کنم. هنگامی که آنها چنین مردانگی از او دیدند، گفتند: ما به جوانمردی سزاوارتریم. و این‌گونه، جنگ آنان از میان رفت.^۳

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: بین من و خانواده‌ای، درگیری روی داده و می‌خواهم نزاع را ترک کنم؛ اما اطرافیانم می‌گویند ترک نزاع، برای تو ذلت است.

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۳۰۳.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۷۷؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۴: «قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي قَالَ أَذْهَبَ وَلَا تَغْضَبُ.»

مجلس یازدهم: مهارت‌های رویارویی با خشم ■ ۱۴۷

امام فرمود: «إِنَّمَا الدَّلِيلُ الظَّالِمُ؛ همانا دلیل، کسی است که ستمکار باشد.» پس به وسوسه‌ها اعتماد نکن.^۱

۲. تحمیل به نفس

عادت به رفتارهای سالم، انسان را از رفتارهای ناسالم باز می‌دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «ضَادُّوا الْعُصْبَ بِالْحِلْمِ؛^۲ با حلم و بردباری، با خشم مقابله کنید.» قرآن درباره مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ؛^۳ [اهل ایمان] کسانی‌اند که از گناهان بزرگ و منکرات پرهیز می‌کنند و هرگاه خشمناک شوند، درمی‌گذرند.»

مؤمنان نیز به خشم دچار می‌گردند؛ اما در موضع غضب، اختیار خویشتن را از دست نمی‌دهند و به اعمال ناپسند دست نمی‌زنند؛ بلکه نفس خویش را به صبر وامی‌دارند و با عفو و گذشت، کینه‌ها را از دل می‌زدایند و اجازه نمی‌دهند که روابط اجتماعی‌شان با برادران دینی، به دشمنی و دوری بینجامد.

۳. تغییر موقعیت

تغییر موقعیت، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا تمرکز فرد بر موضوع برانگیزنده خشم از بین برود و کنترل غضب آسان‌تر شود. بنابراین، مراد از تغییر موقعیت، تغییری است که به آرامش و صبر می‌انجامد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا رَجُلٌ غَضِبَ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ؛^۴ هر مردی که خشمگین شد، در حالی که ایستاده است، بر زمین بنشیند.»

گاهی لازم است انسان صحنه بحث و جدل را ترک کند تا از شدت خشمش جلوگیری شود. تغییر موقعیت‌ها، از آفات فراوانی جلوگیری می‌کند. افزون بر اینکه همیشه پیشگیری،

۱. محمدتقی فلسفی، شرح و تفسیر دعای مکارم/الأخلاق، ص ۶۴.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۲۸۵.

۳. شوری، آیه ۳۷.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۷۲.

۱۴۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

از درمان آسان تر است. امام علی علیه السلام فرمود: «امْلِكْ حَمِيَّةَ نَفْسِكَ وَ سَوْرَةَ غَضَبِكَ وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ اخْتَرَسْ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِتَأْخِيرِ الْبَادِرَةِ وَ كَفِّ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ وَ يَثُوبَ إِلَيْكَ عَقْلُكَ؛^۱ حمیت نفس خویش، تندی خشم خود، حمله کردن دست و تیزی زبان خویش را مالک شو و به واسطه تأخیر انداختن تندی نمودن و بازداشتن از حمله آوردن خود را در همه این حالات نگاهدار؛ تا اینکه خشم آرام شود و عقل به سویت بازگردد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ لَا تَغْضَبْ فَإِذَا غَضِبْتَ فَاقْعُدْ وَ تَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَ حِلْمِهِ عَنْهُمْ؛^۲ ای علی! غضب نکن. هرگاه خشمگین شدی، بر زمین بنشین و بیندیش که چگونه خداوند بر بندگان قدرت دارد و حلم می کند.»

۴. وضو ساختن

پیامبر یکی از راه های مهار خشم را وضو گرفتن دانسته و فرموده: «همانا خشم، از شیطان است و شیطان، از آتش آفریده شده است و آتش، با آب خاموش می شود. پس هرگاه فردی از شما خشمگین شد، وضو بگیرد.»^۳

۵. دعا و درخواست از خداوند

هنگام غضب که وضعیت عادی فرد بر هم می خورد، باید از امدادهای الهی بهره بگیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام غضب، این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ أَجِرْنِي مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ أَسْأَلُكَ بِرِضَاكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ أَسْأَلُكَ جَنَّتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَى وَ الصَّوَابِ وَ اجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَ لَا مُضِلٍّ؛^۴

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۹.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۸۶: «أَنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ أَنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّمَا يُطْفِئُ النَّارَ الْمَاءُ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ.»

۴. طبرسی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰.

مجلس یازدهم: مهارت‌های رویارویی با خشم ■ ۱۴۹

خداوندا! خشم دلم را ببر و گناه‌ها را ببخش و از فتنه‌های گمراه‌کننده در امانم دار. از تو خشنودیات را می‌طلبم و از خشم به تو پناه می‌برم. بهشت را مسئلت دارم و از دوزخ به تو پناهنده می‌شوم و همه خیرها را از تو می‌خواهم و از همه شرور به تو پناه می‌جویم. خداوندا! مرا بر هدایت و صواب ثابت بدار و از خودت خشنود بدار و هم مورد خشنودی خویش قرار ده؛ بی‌آنکه گمراه و گمراه‌کننده باشم.»

همچنین فرمود: هرگاه یکی از شما خشمگین شد، بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ لِأَنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۱ از دست شیطان رانده‌شده از رحمت خدا به خدا پناه می‌برم؛ چون خشم، از جنود شیطان است.»

۶. عدم معاشرت با افراد خشمگین

عدم همنشینی با کسانی که عصبانی مزاج هستند، می‌تواند از تأثیرپذیری طبیعت و روح آدمی از خشم آنان، جلوگیری نماید.

۷. مطالعه زندگی افراد صبور

مطالعه زندگی اشخاص بردبار و صبور، همچون انبیای الهی، معصومان علیهم‌السلام، پیروان واقعی آنان و یا انسان‌های بزرگ تاریخ، به تدریج باورها و گفتارها و هیجان‌های آدمی را جهت مثبت می‌بخشد. به ذکر دو نمونه از سیره نیکوی بزرگان اشاره می‌کنیم.

روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه‌السلام موقع شست‌وشوی سر و صورت حضرت، ظرف آب از دستش افتاد و سر امام را زخمی کرد. حضرت به او نگاهی کرد. دریافت که امام ناراحت شده است. بی‌درنگ گفت: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ». امام فرمود: خشم خود را فرو بردم. او دوباره گفت: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». امام فرمود: تو را عفو کردم. خدمتکار گفت: «وَاللَّهِ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». امام فرمود: در راه خدا آزاد هستی.^۲

۱. ابن ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. رک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۸.

۱۵۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

همچنین نقل است که روزی مالک اشتر از بازار کوفه می‌گذشت. یک بازاری که آنجا نشسته بود و او را نمی‌شناخت، آشغالی را بر سر و صورت مالک انداخت. مالک اعتنا نکرد و رد شد. شخصی به بازاری گفت: آیا او را می‌شناسی؟ گفت: نه، مگر او که بود؟ گفت: مالک اشتر، سپهسالار لشکر علی علیه السلام. آن مرد بدنش به لرزه افتاد و گفت: پیش از اینکه درباره من تصمیمی بگیرد، بروم و عذرخواهی کنم. مرد به دنبال مالک رفت و دید که وارد مسجد شد و شروع به نماز خواندن کرد. پس از اتمام نماز، نزد مالک رفت و عذرخواهی کرد. مالک گفت: به خدا قسم! به مسجد نیامدم، جز برای اینکه دو رکعت نماز بخوانم و درباره تو دعا کنم که خدا از گناه تو بگذرد و تو را هدایت کند.^۱

۸. سکوت

بایسته است که انسان هنگام خشم، سکوت کند و تصمیمی نگیرد و اگر خشم او بسیار است، به خود وعده دهد که یک ساعت دیگر یا زمان دیگر انتقام می‌گیرد. با این وعده، حس انتقام خود را کنترل کرده، سرانجام مثل آب جوشی که اگر مدتی بماند، سرد می‌شود، خشم او نیز کنترل شده، فروکش می‌کند.

۹. ذکر و یاد خدا

یکی از راه‌های کنترل خشم که در روایات بر آن تأکید شده، ذکر خداست. در روایت آمده است: هنگامی که عصبانی می‌شوید، بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۲ در بعضی احادیث آمده است که هنگام غضب، ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» بگویید تا خشم شما فروکش کند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به یکی از انبیا وحی کرد: در وقتی که غضبناک گردیدی، مرا یاد کن تا من هم تو را در وقت غضبم یاد کنم و تو را هلاک نسازم».^۴

۱. فلسفه/خلاق، ص ۳۹.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۳، ص ۷۹۸.

۳. حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۷۲، ح ۱۲۸۹.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۷۶.

مجلس یازدهم: مهارت‌های رویارویی با خشم ■ ۱۵۱

یاد خدا علاوه بر اینکه آتش خشم را خاموش می‌کند، موجب آرامش انسان و نیل به رحمت الهی می‌شود.

۱۰. موارد دیگر

- راهکارهای دیگری نیز برای کنترل خشم وجود دارد که ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:
- باور کنید می‌توانید خشم خودتان را مهار نمایید.
- بدانید گذشت از کسی که موجب خشم شما شده، نوید یک زندگی تازه است. از این‌رو، عفو، نه تنها هدیه به دیگران و افراد جامعه است، بلکه هدیه به خود شماست.
- خشم، فرصت طلب است و در بدنی که خسته، فرسوده و بیمار است، به آسانی جان می‌گیرد. در نتیجه، به منظور اداره و کنترل خشم، به اموری همچون: خواب منظم، غذای خوب، لذت از اوقات فراغت، ورزش، تفریح، عبادات و معنویات نیازمندیم.^۱
- هنگامی که عصبانی می‌شوید، در خودتان یک تغییر حالت فیزیکی ایجاد نمایید؛ مثلاً مقداری قدم بزنید و سعی کنید در آن لحظات تصمیم نگیرید. اگر آب در دسترس شماست، مقداری آب خنک میل کنید و دست و صورت خود را با آن شست‌وشو دهید.
- هنگام عصبانیت یا بی‌حوصلگی و کسالت، دوش آب ولرم بگیرید.
- چند لحظه دراز بکشید و چشمان خویش را ببندید و ماهیچه‌های خود را شل کنید تا آرامش عضلانی پیدا کنید.
- به خودتان تلقین کنید که اتفاق خاصی نیفتاده است.
- همیشه فضای ذهنی و روانی خود را برای شنیدن و دریافت رفتارهای نابجا و خلاف انتظار، آماده سازید؛ به این معنا که همیشه منتظر باشید دیگران با شما، به بدترین شکل برخورد کنند. اگر کسی مدتی چنین کند، به تدریج صفت حلم در او به وجود می‌آید و علاوه بر این، اخلاقی نیکو می‌باید و خود را برای تحمل هر رویدادی آماده می‌کند.
- از شخصیت قائل شدن بیش از اندازه برای خود پرهیزید و به سراغ رفتارهای متواضعانه بروید، همانند: پیشی در سلام، همنشینی مناسب با افراد پایین‌تر، ابراز ارادت به کوچک‌ترها، مصافحه و احوالپرسی، تفریح و صحبت با دیگران.

۱۵۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

- وقتی با امور خشم‌آفرین مواجه هستید، برای مدتی، مثلاً حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه، راه‌های دریافت حسی خود را مسدود کنید؛ برای مثال، جلوی گوش خود را بگیرید و چشمان خویش را ببندید و سرتان را پایین بیندازید تا عوامل تنش‌زا تحت کنترل شما درآیند و موجب تحریک بیشترتان نشوند.

- برای رفتارهای خلاف انتظار دیگران، توجیه مناسبی داشته باشید و آنها را مقصر قلمداد نکنید؛ مثلاً بگویید: خودم از این فرد بدتر رفتار می‌کنم، اشتباه من باعث رفتار نامناسب او شده است و

- با افراد حلیم و صبور معاشرت کنید و از دوستی با افراد تندخو بپرهیزید.

- به پیامدهای خشم و برکات حلم توجه نمایید و روایات و آثاری را که در نکوهش غضب رسیده، مطالعه کنید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ»^۲ هرکس خشم خود را باز دارد، خداوند عیث را می‌پوشاند.

مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست تا او را توصیه‌ای کند. حضرت فرمود: خشم مکن. باز درخواست خود را تکرار کرد و حضرت دوباره فرمود: خشم مکن. سپس حضرت فرمود: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»^۳ قهرمان، آن نیست که حریف خود را به زمین بزند؛ بلکه قهرمان، کسی است که هنگام خشم بر اعصاب خویش مسلط باشد.^۴

چو خشم آری مشو چون آتش تیز کز آتش، بخردان را هست پرهیز^۴

۱. ر.ک: محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۹، باب غضب و ج ۳، باب حلم؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۶۴.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۵۸، ح ۹۳.

۴. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی.

مجلس دوازدهم

راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

درآمد

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»^۱ به‌راستی، اسراف‌کاران برادران شیطان‌هایند و شیطان، همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.»

ضرورت پرداختن به موضوع اسراف و بیان راهکارهای پرهیز از آن، از دو جهت است: اولاً، پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف، از ضروریات جامعه ماست. ثانیاً، رواج فرهنگ اسراف و ریخت‌وپاش، از ابزارهای غارتگران جهانی برای تسلط بر ملت‌های دیگر است. آنان با رواج این اندیشه، علاوه بر نابودی بنیان‌های اقتصاد یک کشور و اتلاف منابع، در صدد بازاریابی کالاهای تجملاتی خود می‌باشند. در این نوشتار، می‌کوشیم ضمن بیان مفهوم اسراف و حکم آن، راهکارهای جلوگیری و پرهیز از آن را تبیین نماییم.

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. اسراء، آیه ۲۷.

مفهوم‌شناسی

واژه «اسراف» در قرآن به معنای زیاده‌روی و خروج از حد اعتدال در خوردن و آشامیدن^۱، امور جنسی^۲، امور مالی^۳ و... استعمال شده، «تبذیر»، از کلمه «بذر» مشتق شده و «بذر» در لغت به معنای «پاشیدن» است.^۴ اسراف و تبذیر، گرچه از جهت مفهوم متفاوت‌اند، اما مصادیق و کاربرد این دو مفهوم، درباره امور مالی مساوی هستند.

حکم اسراف

فقها بر اساس پنج دلیل به حرمت اسراف فتوا داده‌اند. این دلایل عبارت‌اند از: ضرورت دین، اجماع فقها، دلیل عقل، آیات و روایات.^۵

خداوند می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»^۶ اسراف کنندگان، اهل آتش‌اند.

امام خمینی^{علیه‌السلام} فرمود: «باید تمام ادارات... از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند»^۷ مقام معظم رهبری نیز فرمود: «ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین؛ کشوری که تولیدکننده نفت است، واردکننده فرآورده نفت است! این، تعجب‌آور نیست؟ هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم؛ برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما، دلشان می‌خواهد ریخت‌وپاش کنند! این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم»^۸.

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. همان، آیه ۸۱.

۳. فرقان، آیه ۶۷.

۴. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۰.

۵. فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، ش ۲۹، ص ۱۶۲.

۶. غافر، آیه ۴۳.

۷. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۶، پیام چهارده ماده‌ای به ملت ایران درباره وضعیت کشور، ۹ اسفند ۱۳۵۷، ص ۲۶۶.

۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۲۱ مهرماه ۱۳۸۶.

عوامل اسراف

در شکل‌گیری اسراف، عوامل متعددی تأثیر دارند؛ از جمله: ضعف باورهای دینی، کمبود شخصیت، ناآگاهی، طغیان و خودبزرگ‌بینی، ثروت‌های بادآورده، احساس بی‌نیازی، فساد اخلاقی، واگذاری مدیریت به افراد غیرمتخصص، تربیت مسرفانه در خانواده، عرضه نامرغوب اجناس، ارزان‌بودن بهای انرژی و سرمایه‌های ملی.

راهکارهای پرهیز از اسراف

در این بخش، به بیان راهکارهای پرهیز و جلوگیری از اسراف می‌پردازیم:

الف. آشنایی با پیامدهای زیان‌بار اسراف

انسان تا زمانی که به مفاسد و نتایج زیان‌بار اسراف آگاه نشود، هرگز از آن دوری نخواهد کرد. به این جهت، برای فاصله‌گرفتن از مصرف‌گرایی باید با پیامدهای زیان‌بار آن آشنا شد.

۱. نابودی منابع مادی و معنوی

اسراف، موجب نابودی منابع مالی و اقتصادی و ضایع کردن نعمت‌ها گردیده، محرومیت از برکات الهی و فقر را در پی دارد. علی علیه السلام فرمود: «الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ»^۱ اسراف، نعمت‌های فراوان را نابود می‌کند.

بدیهی است که اگر از اسراف جلوگیری نشود، هرگز ثروت‌های کلان و درآمدهای فراوان نمی‌تواند پایدار بماند. طریق عقلانی آن است که اول اسراف و تبذیر از جامعه اسلامی ریشه‌کن شود و سپس برنامه‌های دیگر اقتصادی سامان یابد.

ما در این انبار گندم می‌کنیم	گندم جمع‌آمده گم می‌کنیم
می‌نیشیم آخر ما به هوش	کین خلل در گندم است از مکر موش
موش تا انبار ما حفره زده‌ست	وز فنش انبار ما ویران شده‌ست
اول ای جان دفع شر موش کن	وانگه اندر جمع گندم کوش کن ^۲

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم والمواعظ*، ص ۳۹.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، *مثنوی معنوی*، دفتر اول، ص ۲۱، بیت ۳۷۷.

۲. ارتکاب گناه

هواپرستی، خودنمایی و فخرفروشی و ارتکاب گناهان، از آثار اسراف است. اگر فردی به ارزش‌های اخلاقی آراسته باشد و از گناهان بپرهیزد، هرگز دچار اسراف نخواهد شد؛ زیرا امام باقر علیه السلام فرمود: «المُسْرِفُونَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَحِلُّونَ الْمَحَارِمَ»^۱ اسراف‌کنندگان، کسانی هستند که ارتکاب گناهان را جایز می‌شمارند.»

۳. نابودی زمینه رشد و هدایت

از آنجا که گناهان کبیره و از جمله اسراف‌گرایی، زمینه هدایت را در انسان از بین می‌برد و مانع از تقویت ایمان می‌شود، قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»^۲ خداوند کسی را که اسراف‌کار و بسیار دروغ‌گوست، هدایت نمی‌کند.»

۴. خشم خداوند

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءُ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَحَتَّى صَبَّكَ فَضْلُ شَرَّابِكَ»^۳ به یقین، خداوند میانه‌روی را دوست و اسراف را دشمن می‌دارد؛ حتی دورانداختن هسته خرما؛ زیرا آن هم به کار می‌آید نیز دورریختن اضافه نوشیدنی.»^۴

البته اسراف، پیامدهای زیان‌باری دیگری نیز دارد که در آیات و روایات به آن اشاره شده و باید در فرصت دیگر به آن پرداخته شود؛ مانند محرومیت از رزق و اجابت‌نشدن دعا.

ب. تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی

تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی همچون: ساده‌زیستی، زهد، قناعت و میانه‌روی می‌تواند نقش مؤثری در دوری از اسراف داشته باشد. برعکس، هنگامی که پایه‌های ایمان متزلزل

۱. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر/الصادق، ج ۲، ص ۳۱، ذیل آیه ۳۳ سوره مائده.

۲. غافر، آیه ۲۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

۴. امروزه با پیشرفت علم، این کلام نورانی امام صادق علیه السلام بیشتر جلوه می‌کند؛ چراکه امروزه ثابت شده هسته خرما فواید بسیاری دارد و سرشار از خواص درمانی است. جوشانده هسته خرما، برای درمان سنگ کلیه و مثانه مفید است و پودر آن اسهال مزمن را درمان کرده، خاصیت ضد عفونی دارد.

مجلس دوازدهم: راهکارهای پرهیز از مصرف گرایی و اسراف ■ ۱۵۷

گردد، صفات رذیله بی‌شماری همانند اسراف و تبذیر به سراغ انسان می‌آید. برای تقویت ایمان و تعمیق ارزش‌های اخلاقی، می‌توان از روش‌های بسیاری بهره گرفت که در ذیل به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. یاد خدا و انجام واجبات و مستحبات

التزام به انجام وظایف شرعی و مستحبات هرچند کوچک، در افزایش و ثبات ایمان تأثیر ژرفی دارد. ذکر و توجه به فرمین الهی باعث می‌شود که همواره به یاد خدا باشیم. قرآن فرموده: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»^۱ و هرکس از یاد خدا روی گردان شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم. پس همواره همنشین اوست.

۲. اندیشیدن و کسب معرفت بیشتر

برای ایمان بیشتر باید در آیات الهی تدبر و اندیشه نماییم. به تجربه ثابت شده که بیشتر مشکلات فردی و اجتماعی، به دلیل عدم تعقل می‌باشد. فکر و اندیشه در آیات الهی، نه تنها ایمان انسان را تقویت می‌کند، بلکه مسیر او را از جهنم به بهشت تغییر می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۲ و اهل جهنم می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.

۳. خودسازی

خودسازی، در تقویت ایمان و رسوخ ارزش‌های الهی در دل انسان، نقش مؤثری دارد؛ چراکه ایمان، نوری است که در آینه قلب می‌تابد و هرچه آینه قلب صاف‌تر و شفاف‌تر باشد، انعکاس نور ایمان توسط آن بهتر انجام می‌پذیرد. اگر قلبی آلوده به گناه شود و آینه دل را تیره کند، به طور طبیعی، تابش نور ایمان در چنین قلبی کم می‌شود. بنابراین، دوری از گناهان و حرکت در مسیر مستقیم اسلام، از دیگر عوامل تقویت ایمان است.

ج. نظارت همگانی

نظارت همگانی و یا به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر، از کارآمدترین شیوه‌های مقابله با اسراف است. از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، احیای امر به معروف و نهی از منکر،

۱. زخرف، آیه ۳۶.

۲. ملک، آیه ۱۰.

مهم‌تر از سایر ارزش‌هاست؛ چون این دو فریضه، عامل بسیار قدرتمندی در مقابل زشتی‌ها و منکراتی همچون اسراف است و جامعه‌ای که به آن دو واجب الهی عمل کند، مطمئناً از انحراف‌ها در امان خواهد بود. علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»^۱ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره‌ای در مقابل دریای موج و پهناور است. از این رو، امام به کارگزاران خود نوشت: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَاخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَاقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ»^۲ قلم‌های خود را ریز بتراشید و فاصله سطرها را کمتر کنید و جملات اضافی را حذف کنید و اصل مطلب را به عبارت مختصر بنویسید. از زیاده‌روی در هزینه‌نمودن بیت‌المال بپرهیزید که بودجه ملت مسلمان، نباید زیانی ببیند.

امام علیه السلام در نامه‌ای، یکی از مدیران خود را به دلیل اسراف و تعدی به بیت‌المال، توبیخ می‌کند و می‌فرماید: «وَأِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُتَّ مِنْ قِيءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَعِيلَ الْأَمْرِ»^۳ صادقانه به خداوند سوگند یاد می‌کنم، اگر به من گزارش رسد که از بیت‌المال مسلمانان چیزی کم یا زیاد، به خیانت برداشته‌ای، آن‌چنان بر تو سخت می‌گیرم که در زندگی تو را کم بهره، سنگین بار و حقیر و ذلیل سازد.

جای تأسف است که سیره و سخن اهل بیت را نادیده می‌گیریم و در این زمان که فشار اقتصادی بر قشر ضعیف وارد می‌شود، شاهد هستیم که مراسم و جشنواره‌های آن‌چنانی از سوی مراکز دولتی برگزار می‌گردد؛ مراسمی که به هیچ عنوان در شأن نظام اسلامی نیست. متأسفانه، در برخی خانواده‌های مدعی ایمان نیز نظاره‌گر اسراف و تبذیر می‌باشیم.

- درسی از شهید باکری

محل استقرار بهداری و درمانگاه لشکر در سمت راست ورودی پادگان، نزدیک چادر فرماندهی بود. در چادر بودم که از بیرون کسی مرا به اسم صدا کرد. بیرون که آمدم، آقا

۱. شریف رضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۴۲، حکمت ۳۷۴.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۱۰.

۳. شریف رضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۳۷۷.

مجلس دوازدهم: راهکارهای پرهیز از مصرف گرایی و اسراف ■ ۱۵۹

مهدی را جلوی چادر تدارکات بهداری دیدم. سر گونی را با یک دست گرفته بود و با دست دیگرش لای نان خورده‌ها را می‌گشت. تا آخر قضیه را خواندم. سلام کردم، جواب سلامم را داد و تکه‌نانی را از گونی بیرون آورد و به من نشان داد و گفت:

– برادر رحمان! این نان را می‌شود خورد؟

– بله، آقا مهدی می‌شود.

دوباره دست در گونی کرد و تکه‌نان دیگری را از داخل گونی بیرون آورد و گفت:

– این را چطور؟ آیا این را هم می‌شود استفاده کرد؟

سرم را پایین انداختم. چه جوابی می‌توانستم بدهم؟ آقا مهدی ادامه داد:

– الله بنده سی^۱... پس چرا کفران نعمت می‌کنید؟... آیا هیچ می‌دانید که این نان‌ها با چه مصیبتی از پشت جبهه به اینجا می‌رسد؟... هیچ می‌دانید که هزینه رسیدن هر نان از پشت جبهه به اینجا، حداقل ده تومان است؟ چه جوابی دارید که به خدا بدهید؟ بدون آنکه چیز دیگری بگوید، سرش را به زیر انداخت و از چادر تدارکات دور شد و مرا با وجدان بیدار شده‌ام تنها گذاشت.^۲

د. توجه به نقش خانواده

خانواده، تأثیر بسیار مهمی بر پرورش شخصیت و عملکرد فردی و اجتماعی انسان دارد. چنانچه والدین اهل اسراف و تبذیر باشند، خواه‌ناخواه این روحیه به فرزندان منتقل می‌شود. فرزندانی که در خانواده‌ای اسراف‌کار بزرگ شده‌اند، ناخواسته به اسراف عادت می‌کنند؛ مگر آنکه تحت نظر مربیان شایسته‌ای تغییر رویه داده باشند. ائمه معصومین علیهم‌السلام دوستان و اعضای خانواده‌شان را به صرفه‌جویی و استفاده بهینه از امکانات ترغیب کرده، همواره از اسراف منع می‌نمودند. علامه مجلسی در ضمن حدیثی نقل می‌کند: امام رضا علیه‌السلام روزی متوجه شد که بعضی از وابستگان ایشان میوه نیم‌خورده‌ای را دور انداخته‌اند. با ناراحتی فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَا لَمْ يَسْتَغْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ»^۳ سبحان‌الله!

۱. تکیه‌کلام شهید مهدی باکری به معنای: بنده خدا.

۲. سید قاسم ناظمی، خدا/حافظ سردار، ص ۲۵، خاطره از رحمان رحمان‌زاده.

۳. مجلسی، بحار/الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۲.

۱۶۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

اگر شما خود سیر هستید، قطعاً بسیاری از مردم به آن نیاز دارند. آن را به کسی بخورانید که نیازمند است.»

ه. دوری خواص از زندگی اشرافی

یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت از اسراف، دوری خواص و شخصیت‌های مهم جامعه از زندگی اشرافی و تجملی است؛ زیرا شیوه زندگی آنان، بر دیگران تأثیر می‌گذارد. از این رو، علی‌علیه السلام حاکمان اسلامی را به ساده‌زیستی سفارش نمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَبَيَّنَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ»^۱ خداوند بر رهبران عدالت واجب کرده که زندگی خود را با اقشار پایین همسان سازند؛ برای آنکه فقر و تهیدستی بر فقیران دشوار نیاید. از منظر امام علی‌علیه السلام زمامداران اسلامی باید مانند طبقات پایین جامعه زندگی کنند تا بتوانند مشکل آنها را درک نمایند. در زندگی کارگزاران حکومتی، نباید اسراف و تبذیر دیده شود؛ همان‌طور که سیره حضرتش چنین بود.

- سبک زندگی امام خمینی‌علیه السلام

یکی از همراهان امام در نجف اشرف درباره جلوگیری از اسراف، دقت در بیت‌المال و صرفه‌جویی ایشان می‌گوید:

«مرحوم حاج آقا مصطفی، فرزند امام، هفته‌به‌هفته خدمت پدر می‌آمد و خرج هفته‌اش را می‌گرفت. امام به هیچ وجه، بیش از مخارج ضروری زندگی به او نمی‌داد. هنگامی که حاج آقا مصطفی خواست به مکه مشرف شود، از پول خانه‌ای که در قم فروخته بود و نیز مبلغی که به همسرش تعلق داشت، استفاده کرد.»^۲

و. معرفی الگوهای صرفه‌جویی و قناعت

راهکار دیگر برای پرهیز از اسراف، معرفی الگوهای صرفه‌جویی و قناعت، همچون معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دینی است. آنان به ما می‌آموزند که چگونه زندگی نماییم و چگونه

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۳.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندان، ص ۴۲۲.

مجلس دوازدهم: راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف ■ ۱۶۱

از هرگونه اسراف و تبذیر اجتناب ورزیم. همچنین می‌توانیم شخصیت‌های بزرگی را که به‌وسیله قناعت و دوری از اسراف، به مقامات بلندی رسیده‌اند، به مردم معرفی کنیم.

ز. اصلاح معیارهای رقابت

برای حل معضل اسراف، باید رقابت‌های سالم را به مردم آموزش داد و نگرش رقابت‌های اسراف‌گرایانه را اصلاح کرد. مسابقه در کارهای خیر، یکی از عوامل رشد بشر است و در مقابل، مسابقه در امور منفی مانند اسراف، موجب انحطاط روحی و اخلاقی است؛ چنان‌که قرآن مجید ما را به مسابقه در کارهای خیر سفارش می‌نماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید.

رقابت در اسراف را باید به رقابت در صرفه‌جویی تبدیل کرد و در این خصوص، صدا و سیما نقش بسیار مهمی دارد. برنامه‌های صدا و سیما باید از تبلیغ مصرف‌گرایی تهی باشد و در عمل، به ترویج ارزش‌ها و ایجاد روحیه مسابقه در نیکی‌ها بینجامد.

ح. اصلاح الگوی مصرف

اگر بخواهیم در زمینه اقتصاد مقاومتی موفق باشیم، تغییر فکر و نگاه و اصلاح الگوی مصرف لازم است. در این مورد باید، انگیزه‌ها، اندیشه‌های غلط، عادت‌ها و سنت‌های غیرشرعی، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، ساختارهای اجرایی نامناسب و نیز روش‌های آموزشی، با رویکرد سبک زندگی اسلامی اصلاح و بازنگری شوند. شیوه حضرت صادق (علیه السلام) در این زمینه، بهترین الگوی است.

امام صادق (علیه السلام) همواره در پی اصلاح الگوی مصرف و تغییر اندیشه‌ها به سوی صرفه‌جویی بود. حضرت به ابان بن تغلب فرمود:

«آیا گمان می‌کنی خدا به کسی که مال داده، به سبب احترام اوست، یا به کسی که نداده، به واسطه پستی اوست؛ نه چنین است؛ بلکه مال، مال خداست که آن را به عنوان امانت نزد شخص قرار می‌دهد و اذن داده که بر اساس میانه‌روی از آن بخورد و بیاشامد و لباس بپوشد و ازدواج کند و بر مرکب سوار شود و زیادتی آن مال را به فقرا برساند و رفع

۱۶۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

احتیاجشان کند. پس هرکس به این دستور رفتار کند، آنچه را خورده و آشامیده و پوشیده و سوار شده و نکاح نموده، همگی بر او حلال است و اگر چنین نکرده، تمام آنها بر او حرام است. پس آیه شریفه را خواند که: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» اسراف نکنید؛ زیرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.^۱

روش‌های دیگر

از دیگر راهکارهای مقابله با اسراف، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تقویت عزت نفس، آگاهی‌دادن به مردم در زمینه پیامدهای اسراف، علاج خودبزرگ‌بینی، تعدیل ثروت‌های کلان از راه‌های شرعی و قانونی، مبارزه با فساد اخلاقی و اقتصادی و سیاسی، اصلاح قوانین غیرکارشناسی شده، واگذاری مدیریت به افراد متخصص و متعهد، اهمیت به جایگاه تربیت صحیح و معتدل در خانواده، عرضه صحیح سرمایه‌ها.^۲

نکته‌هایی درباره اسراف

۱. نه تبذیر، نه تقتیر

سبک زندگی اسلامی، بر اساس رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر و تقتیر استوار است. تقتیر، یعنی کم‌خرج کردن که از روی بخل و خساست است.^۳ اسراف و تبذیر، یعنی هدر دادن مال، چه مال شخصی و چه اموال عمومی که هر دو مذموم است؛ با این تفاوت که

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵، ح ۱.

۲. به عنوان مثال، وقتی نان خوب عرضه نمی‌شود و یا قیمت آن از همه چیز پایین‌تر است، صدها میلیارد تومان در هر سال نان خشک و کپک‌زده دور ریخته می‌شود و به گاوداری‌ها سرازیر می‌گردد. بدیهی است که اگر نان خوب عرضه شود و قیمت آن تعدیل گردد و فرهنگ استفاده درست از این نعمت الهی تبلیغ شود، مطمئناً از اسراف و تبذیر جلوگیری می‌شود.

۳. در قرآن کریم بارها به این خصلت نازیبا اشاره شده است؛ از جمله آیه ۱۰۰ سوره اسراء می‌فرماید: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، از ترس انفاق و تنگدستی امساک می‌کردید و انسان، تنگ‌نظر است.»

مجلس دوازدهم: راهکارهای پرهیز از مصرف گرایی و اسراف ■ ۱۶۳

در قبال اموال عمومی دولتی، باید پاسخگو بود و تبعات آن، سنگین تر از هدر دادن مال شخصی است؛ هرچند اسراف، همه جا ناپسند است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تَقْتِرْ وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۱ از نافرمانی خدا پرهیز و اسراف (زیاده روی) نکن و تقتیر (تنگدستی) هم نکن و حد وسط را رعایت نما.

۲. متغیر بودن مفهوم اسراف

تحقق اسراف، ممکن است نسبت به اشخاص، زمان، مکان و جوامع مختلف، متفاوت باشد؛ زیرا امکان دارد صرف مقداری از مال برای معیشت، نسبت به شخصی اسراف نباشد؛ درحالی که اگر سال قحطی و فقر عمومی پیش آید، صرف چنین مقدار برای همین شخص، اسراف باشد و بر او واجب شود که به کمتر از آن قناعت کند و اضافه بر آن را به دیگران که نیازمندند، بدهد. امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ جَدِبَ فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا لَا فُجَّارُهَا وَمُؤْمِنُهَا لَا مُنَافِقُهَا وَمُسْلِمُهَا لَا كُفَّارُهَا»^۲ همانا رسول خدا در زمانی زندگی می کرد که عموم مردم از نظر اقتصادی در تنگنا بودند و پیامبر خود را با آنان در زندگی ساده و فقیرانه هماهنگ می نمود؛ اما اگر روزگاری وضع معیشتی مردم بهتر شد، اهل ایمان و نیکان و خوبان روزگار به بهره گیری از آن سزاوارترند؛ نه انسان های فاجر و منافق و کافر.

۳. مقایسه مصرف داخلی با میانگین جهانی

ایران در مصرف سرانه روغن بالاتر از میانگین جهانی، در برنج چهاردهمین مصرف کننده بزرگ جهان و در نان بزرگترین مصرف کننده جهان است، نیز مصرف سرانه شکر در ایران، سه کیلوگرم بالاتر از میانگین جهانی است.^۳

ضایعات محصولات ایران، هفت برابر ضایعات استاندارد بین المللی است.^۴ ایران در اسراف انرژی در میان کشورهای جهان، صاحب رتبه نخست است و سالانه میانگین هدر رفت

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۱، ح ۱۴.

۲. همان، ج ۵، ص ۶۵، ح ۱.

۳. پایگاه خبرگزاری فارس، ۲۱ فروردین ۱۳۸۸.

۴. روزنامه اقتصادی آسیا، ۲۴ اسفند ۱۳۸۱.

۱۶۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

انرژی در ایران، بالغ بر هشت میلیارد دلار است.^۱ البته اسراف، علاوه بر اتلاف منابع، عواقب جسمانی نیز در پی دارد؛ مثلاً مردم ایران سه برابر بیشتر از دیگر مردم جهان، نوشیدنی شیرین مصرف می‌کنند. وجود شکر و فسفر در نوشیدنی‌های شیرین، عامل بروز پوکی استخوان است.^۲

- سفیر چین و جلوگیری از اسراف

«سال‌ها پیش در یک ضیافت شام که سفیران بسیاری از کشورها حضور داشتند، هنگام صرف غذا، دانه‌ای برنج از قاشق سفیر چین به زمین افتاد. جناب سفیر دانه برنج را با ولع تمام برداشت و خورد. حاضران به این کار او خندیدند. سفیر چین بعد از صرف شام، نکته‌ای را به آنان گفت که بسیار تأمل‌برانگیز بود. سفیر گفت: اگر هر فرد چینی در روز فقط یک دانه برنج از غذایش بریزد و آن را بر ندارد، در آن روز ۲۰/۰۰۰ کیلو (بیست تن) برنج دور ریخته شده است! دهان شنوندگان از تعجب باز ماند و سفیر با حوصله توضیح داد: الآن جمعیت چین حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر است. اگر هر چینی در روز یک دانه برنج دور بریزد، می‌شود ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دانه برنج. چون به طور متوسط هر کیلو برنج دارای ۶۰/۰۰۰ دانه است. بنابراین، اگر تعداد ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دانه را بر ۶۰/۰۰۰ تقسیم کنیم، حاصل آن می‌شود ۲۰/۰۰۰ کیلو، یعنی بیست تن برنج.»

آبادی میخانه، ز ویرانی ماست	جمعیت کفر، از پریشانی ماست
اسلام به ذات خود، ندارد عیبی	هر عیب که هست، از مسلمانی ماست

۱. روزنامه خبر جنوب، ۱۸ اسفند ۱۳۸۳.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ بهمن ۱۳۸۳.

مجلس سیزدهم

سیمای انسان در عالم برزخ (۱)

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی آزادیان*

قرآن کریم می‌فرماید: «إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ، لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۱ [آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند] تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می‌گوید: ای پروردگار من! مرا باز گردان! شاید در آنچه ترک [و کوتاهی] نمودم، عمل صالحی انجام دهم. [ولی به او می‌گویند:] چنین نیست! این، سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است] و پشت سر آنان، برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

مقدمه

یکی از مسائلی که عموم مردم درباره آن می‌پرسند، این است که بعد از مرگ، چه اوضاع و احوالی پیش روی انسان است و پس از دنیا چگونه زندگی خواهیم کرد؟

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۶۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

مطابق آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی، بعد از حیات دنیوی، دو عالم دیگر وجود دارد: عالم برزخ و عالم قیامت. عالم برزخ، بلافاصله پس از مرگ شروع می‌شود و تا روز قیامت ادامه دارد؛ اما زمان وقوع عالم قیامت را کسی جز خداوند نمی‌داند.^۱ جهان برزخ، همانند دنیا پایان‌یافتنی است و با برپایی روز رستاخیز و قیامت به انتها می‌رسد؛ اما عالم قیامت، جاودانه و ابدی است.^۲ حقیقت زندگی برزخی، به طور کامل برایمان روشن نیست؛ چراکه مرتبه‌ای بالاتر از این جهان است و اطلاع ما از آن، در همان حدی است که قرآن و روایات بیان می‌کنند.^۳

از وظایف مهم مؤمنان، چاره‌اندیشی برای عالم برزخ است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَاللّٰهُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبَرْزَخَ فَأَمَّا إِذَا صَارَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا فَتَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ»^۴؛ به خدا قسم! نمی‌ترسم برای شما، مگر از بابت برزخ. پس آن‌گاه که امور به دست ما سپرده شد، ما بر شما اولی هستیم.»

حدیث، اشاره می‌کند که مؤمنان در قیامت مشمول شفاعت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام قرار می‌گیرند؛ ولی حساب برزخ، کاملاً جداست.^۵

معنای برزخ

کلمه برزخ، در لغت به معنای چیزی است که میان دو شیء حایل می‌شود: «الْبَرْزَخُ الْحَاجِزُ وَ الْحَدُّ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ»^۶؛ برزخ، فاصله و حد بین دو چیز است. عالم برزخ، جهانی است که میان عالم دنیا و آخرت قرار دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ، وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۷؛ برزخ، همان عالم قبر است و ثواب و عذابی است که در میان عالم دنیا و آخرت وجود دارد.

۱. احزاب، آیه ۶۶؛ اعراف، آیه ۱۸۷.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار/استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۵۱۴.

۳. جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۱۹۰.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۱۴.

۵. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۵۹.

۶. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ذیل واژه «برزخ».

۷. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵۳.

مجلس سیزدهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۱) ■ ۱۶۷

علامه طباطبایی در معنای اصطلاحی برزخ می‌نویسد:

«مراد از برزخ، همان عالم قبر است و آن، عالم مثال است که انسان بعد از مردن تا بر پا شدن قیامت در آن زندگی می‌کند»^۱

بنابراین، عالم برزخ، همان عالم قبر است و قبر، یک معنای ظاهری و مادی دارد و آن، همان گودالی است که جسم ما را در خود جای می‌دهد و یک معنای باطنی و حقیقی که مراد از آن، جهانی است که انسان پس از مرگ تا روز قیامت در آن زندگی می‌کند.^۲ انسان بعد از مرگ، وارد جهان برزخ می‌گردد؛ خواه او را در زمین دفن کنند یا با آتش بسوزانند یا غذای درندگان شود و یا در دریا غرق گردد. قبر، در معنای حقیقی خود، باغی از باغ‌های بهشت است و یا چاهی از چاه‌های جهنم؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَبْرَ أَمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفَرِ النَّارِ»^۳ قبر، باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم است.»

شیوه زندگی انسان در برزخ

به عالم برزخ، «عالم مثال» نیز می‌گویند؛ زیرا در این عالم، روح به بدن مثالی تعلق می‌گیرد. مقصود از بدن مثالی، بدنی است که از جنس ماده نیست و جرم و حجم و وزن ندارد؛ اما از برخی لوازم و ویژگی‌های اشیای مادی، مانند شکل و اندازه، برخوردار است.^۴ بدن‌های برزخی ارواح، بر حسب ظاهر، کاملاً با بدن‌های دنیوی آنها مشابهت دارد؛ به گونه‌ای که پس از ورود شخص به برزخ، آشنایش او را به‌خوبی می‌شناسند. روای می‌گویند: وقتی از

۱. سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۷۲.

۲. جعفر سبحانی، *الالهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل*، ج ۳ - ۴، ص ۷۳۶.

۳. عبدعلی بن جمعه حویزی، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۳، ص ۵۵۳.

۴. محمد سعیدی مهر، *آموزش کلام اسلامی*، ج ۲، ص ۲۴۰. برای تقریب به ذهن و فهم بدن مثالی و برزخی، می‌توان به خواب‌هایی که آدمی می‌بیند، اشاره کرد. انسان در عالم خواب، به جاهایی سفر می‌کند، با افرادی هم‌صحبت می‌شود و کارهایی را انجام می‌دهد؛ درحالی‌که بدن مادی‌اش در بستر افتاده و هیچ حرکتی ندارد. در این رؤیاها، آدمی با بدن مثالی خود حرکت می‌کند. بی‌تردید، صورت‌هایی که هنگام خواب مشاهده می‌کند، مادی نیستند و جا و مکانی را اشغال نمی‌کنند و جرم و وزن ندارند؛ با این حال، دارای شکل و اندازه‌اند و اشکالی همانند اشکال اشیای مادی دارند.

امام صادق علیه السلام درباره ارواح مؤمنان پرسیدم، حضرت فرمود: «فِي الْجَنَّةِ عَلَى صُورِ أَيْدَانِهِمْ لَوْ رَأَيْتَهُ لَقُلْتَ فَلَان؛^۱ به صورت و مشابه بدن‌های دنیوی خود در بهشت‌اند؛ به گونه‌ای که اگر مؤمنی را ببینی، می‌گویی او فلان کس است.»

از آنجا که عالم برزخ از نظر مرتبه و کمالات وجودی، بالاتر از عالم مادیات است و از تجرد بیشتری برخوردار است و محدودیت‌های مکانی و زمانی ندارد، کسانی که در عالم برزخ به سر می‌برند، از شعور و ادراک قوی‌تر و شدیدتری بهره‌مندند.^۲ در حدیث معروفی آمده است: هنگامی که اجساد کشته‌های مشرکان مکه در جنگ بدر را در چاهی قرار دادند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در کنار چاه ایستاد و این جمله‌ها را فرمود: «يَا أَهْلَ الْقَلْبِ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟ فَإِنِّي وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي رَبِّي حَقًّا، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ يَسْمَعُونَ؟ قَالَ: مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَكِنَّ الْيَوْمَ لَا يُجِيبُونَ؛^۳ ای اهل چاه! آیا آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود، حق یافتید؟ من که وعده پروردگارم را [در مورد پیروزی] حق یافتم! گروهی عرض کردند: ای رسول خدا! آیا آنها می‌شنوند؟ فرمود: شما نسبت به آنچه می‌گویم از آنها شنواتر نیستید؛ ولی آنها امروز پاسخ نمی‌دهند.»

همچنین، علی علیه السلام هنگام مراجعت از جنگ صفین، وقتی نزدیک کوفه کنار قبرستانی که بیرون دروازه قرار داشت، رسید، رو به سوی قبرها کرد و فرمود: «يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُقْفَرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ! يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ! أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ، أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتَ، وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكَحْتَ، وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ، هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَمَّا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَا خَبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛^۴ ای ساکنان خانه‌های وحشتناک و مکان‌های خالی و قبرهای تاریک! ای خاک‌نشینان! ای غریبان! ای تنهایان! ای وحشت‌زدگان! شما در این راه بر ما پیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد. اگر از

۱. هاشمی خویی، منهاج البراعة، ج ۶، ص ۲۰۵.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار/استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۵۱۸.

۳. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۷۷، ح ۲۹۸۷۶.

۴. نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۳۰.

مجلس سیزدهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۱) ■ ۱۶۹

اخبار دنیا پرسید: به شما می‌گویم: خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند، همسرانتان به نکاح دیگران درآمدند و اموالتان تقسیم شد. اینها خبرهایی است که نزد ماست. نزد شما چه خبر است؟ سپس رو به یارانش کرده، فرمود: اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود، حتماً به شما خبر می‌دهند: بهترین زاد و توشه برای این سفر، پرهیزکاری است.»

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به شهادی احد اشاره کرد و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ زُورُوهُمْ وَأُتُّوْهُمْ وَ سَلُّوْا عَلَيْهِمْ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِمْ مُسْلِمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا رَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۱ ای مردم! آنها را زیارت کنید و به سراغشان بروید و بر آنان سلام بفرستید. سوگند به کسی که جانم به دست اوست، مسلمانی تا روز قیامت بر آنها سلام نمی‌فرستد، مگر اینکه سلام او را پاسخ می‌گویند.»

از این روایات می‌فهمیم که اموات دارای حیات برزخی‌اند و از احساس، شعور و فهم بالایی برخوردار بوده، کلام ما را می‌شنوند. از این‌رو، کسانی که زیارت اهل قبور را انکار می‌کنند، فاصله بسیاری با معارف دینی دارند. امروزه متأسفانه، وهابیت به سبب نادانی خود، زیارت رسول گرامی اسلام و اهل بیت علیهم السلام را شرک دانسته، آن را ممنوع می‌کند. آنها اجازه نمی‌دهند که شیعیان در قبرستان بقیع زیارت‌نامه ائمه علیهم السلام را قرائت کنند. گروه تروریستی و جنایتکار داعش نیز با دشمنی و جهالت تمام، به تخریب قبور متبرک اصحاب گران‌قدر رسول خدا صلی الله علیه و آله اقدام می‌کند؛ مکان‌هایی که مردم تنها برای مناجات با خدا و احترام به ارزش‌های اسلامی در آنجا حضور می‌یابند.

وضعیت انسان در عالم برزخ

در عالم برزخ، آدمی با مسائل و حوادث شگفتی مواجه می‌شود. در ادامه، به بررسی وضعیت انسان در این عالم و اتفاقات پیش روی او می‌پردازیم:

۱. سؤال در قبر

نخستین مرحله از حیات برزخی، با قبض روح از بدن آغاز می‌گردد. سپس وقتی انسان به خاک سپرده شود، دو فرشته الهی به نام‌های «نکیر» و «منکر» به سراغش آمده، از او سؤال

۱. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۸۲، ح ۲۹۸۹۶.

می‌کنند. علمای امامیه پرسش فرشتگان در قبر را حق و از مسلمات دینی می‌دانند.^۱ برخی معتقدند که در برزخ فقط از مسائلی سؤال می‌شود که آدمی باید به آنها اعتقاد و ایمان داشته باشد و رسیدگی به سایر مسائل، به قیامت واگذار خواهد شد؛^۲ اما مطابق برخی روایات، افزون بر توحید، نبوت و ولایت، از روش زندگی و چگونگی کسب اموال و مصرف آنها نیز از میت سؤال می‌شود. امام سجاد علیه السلام فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُكَ عَنْ رَبِّكَ الَّذِي كُنْتَ تَعْبُدُهُ وَ عَنْ نَبِيِّكَ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكَ وَ عَنْ دِينِكَ الَّذِي كُنْتَ تَدِينُ بِهِ وَ عَنْ كِتَابِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتْلُوهُ وَ عَنْ إِمَامِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ ثُمَّ عَنْ عُمْرِكَ فِيمَا كُنْتَ أَفْتَيْتَهُ وَ مَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَ فِيمَا أَنْتَ أَنْفَقْتَهُ فَخَذْ حِذْرَكَ وَ انْظُرْ لِنَفْسِكَ وَ أَعِدَّ الْجَوَابَ قَبْلَ الْإِمْتِحَانِ وَ الْمُسَائَلَةِ وَ الْإِخْتِيَارِ...»^۳ بدان نخستین چیزی که آن دو فرشته از تو سؤال می‌کنند: پروردگارت را که می‌پرستیدی، از پیامبر که به سوی تو فرستاده شده، از دینی که به آن پایبند بودی، از کتابی که آن را می‌خواندی، از امامی که ولایتش را پذیرفته بودی و سپس از عمرت سؤال می‌کنند که در کدام راه صرف کردی و از اموالت که از کجا آوردی و در کجا مصرف نمودی؟ جانب احتیاط را نگه دار و درباره خود بیندیش و قبل از آزمایش و سؤال و امتحان، پاسخ را آماده کن.»

برخی احادیث، به پرسش‌های دیگری نیز اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ: عَنْ صَلَاتِهِ وَ زَكَاتِهِ وَ حَجِّهِ وَ صِيَامِهِ وَ وَلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَتَقُولُ الْوَلَايَةُ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ لِلْأَرْبَعِ: مَا دَخَلَ فِيكَ مِنْ نَقْصٍ فَعَلَيْ تَمَامِهِ»^۴ از مرده در قبرش از پنج چیز سؤال می‌شود: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ما خاندان. پس، ولایت از گوشه قبر به آن چهار چیز می‌گوید: هریک از شما کم‌وکاستی داشتید، کامل کردن آن به عهده من است.»

۱. جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۱۹۲.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار/استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۵۱۸.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۲۴.

۴. همان، ص ۲۶۵، ح ۱۱۱.

- شیوه پاسخگویی به سؤال در قبر

شاید برخی تصور می‌کنند که سؤال و جواب عالم قبر، همانند سؤال و جواب عالم دنیاست که می‌توان با بهانه‌هایی از پاسخگویی به آنها شانه خالی کرد؛ درحالی‌که سؤال و جواب در قبر، امر ساده و معمولی نیست که انسان هرچه دوست داشته باشد، جواب بدهد؛ بلکه پاسخ از درون جان و حقیقت باطن می‌جوشد.^۱ عالم برزخ، ظرف ظهور حقایق است و پاسخگویی انسان به پرسش‌ها، در حقیقت، ترجمان عقاید درونی اوست.

امام علی بن حسین علیه السلام می‌فرماید: بعد از اینکه دو فرشته از تو سؤال کردند: «... فَاِنْ تَكُ مُؤْمِنًا عَارِفًا بِدِينِكَ مُتَّبِعًا لِلصَّادِقِينَ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ لَقَاكَ اللَّهُ حُجَّتَكَ وَأَنْطَقَ لِسَانُكَ بِالصَّوَابِ وَأَحْسَنْتَ الْجَوَابَ وَبُشِّرْتَ بِالرَّضْوَانِ وَالْجَنَّةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاسْتَقْبَلْتِكَ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ وَالرِّيحَانِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ كَذَلِكَ تَلْجُلُجَ لِسَانُكَ وَدُحِضَتْ حُجَّتُكَ وَعَيَّتَ عَنِ الْجَوَابِ وَبُشِّرْتَ بِالنَّارِ وَاسْتَقْبَلْتِكَ مَلَائِكَةُ»^۲ اگر فردی با ایمان، باتقوا، آگاه به دین، پیرو انسان‌های صادق و دوستدار و پیرو اولیای خدا باشی، خداوند پاسخ لازم را به تو تلقین می‌کند و زبانت را به حق می‌گشاید و جواب خواهی داد. در این هنگام، از سوی خدا بشارت رضوان و بهشت به تو داده می‌شود و فرشتگان الهی با روح و ریحان از تو استقبال می‌کنند؛ اما اگر این‌گونه نباشی، زبانت به لکنت می‌افتد و دلیل باطل می‌شود و از پاسخگویی فرو می‌مانی و نابینا می‌شوی و بشارت به آتش داده می‌شوی و فرشتگان عذاب به استقبالت می‌آیند.»

برخی روایات بیانگر آن‌اند که سؤال قبر شامل همگان نمی‌گردد؛ بلکه تنها از مؤمنان خالص و کافران خالص سؤال می‌شود و حسابرسی دیگران، به روز رستاخیز و انهاد می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا وَالْآخَرُونَ يُلْهَوْنَ عَنْهُمْ»^۳ در قبر سؤال نمی‌شود، مگر از کسانی که ایمان خالص یا کفر خالص دارند و دیگران به حال خود رها می‌شوند [تا در قیامت حسابرسی شوند].»

۱. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۵۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۲۴.

۳. همان، ص ۲۶۰، ح ۹۷.

۲. بهشت برزخی

مطابق آیات و روایات، مؤمنان نیکوکار که به‌خوبی پرسش‌های دو فرشته الهی، یعنی نکیر و منکر را پاسخ گفته‌اند، وارد بهشت برزخی می‌شوند. خداوند در سوره مبارکه یس درباره مؤمن آل یس (حبيب نجار) سخن می‌گوید؛ مرد با ایمانی که به یاری رسولان حضرت مسیح علیه السلام برخاست و مردم را نصیحت کرد که از رسولان پیروی کنند؛ ولی قوم لجوج و گنهکار، به سخنان این مؤمن پاکباز توجهی ننمودند و او را شهید کردند.

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»^۱ به او گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزید و در صف گرامی‌شدگان قرار داد.

روشن است که این بهشت، بهشت قیامت نیست؛ زیرا مؤمن آل یس در اینجا آرزو می‌کند که قومش در دنیا از سرنوشت او آگاه شوند و بدانند که چگونه خداوند او را مشمول غفران قرار داده و گرامی داشته است.^۲

همچنین قرآن کریم درباره وضع شهدا در عالم برزخ می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»^۳ [ای پیامبر!] هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. مطابق این آیه، شهدا زنده‌اند و در جوار رحمت حق به سر می‌برند. آنها به دلیل دریافت فضل خداوند شادمان‌اند؛ «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۴ بدیهی است، این نوع حیات شادمانه با توجه به اینکه هنوز عالم قیامت برپا نشده، در بهشت برزخی است.

علامه جوادی آملی ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«حیات پس از مرگ، برای همگان قطعی است؛ اما شهید و هرکه در حدّ و مقام او باشد، زندگی برزخی ویژه، والاتر و برتر از زیست برزخی افراد عادی دارد. شهیدان هم‌اکنون از

۱. یس، آیه ۲۶ - ۲۷.

۲. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۵۲.

۳. آل عمران، آیه ۱۶۹.

۴. آل عمران، آیه ۱۷۰.

مجلس سیزدهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۱) ■ ۱۷۳

زندگی ویژه برزخی برخوردارند و در آن برزخ که روضه‌ای از ریاض بهشت است، از رزق و نعمت و فضل الهی بهره‌مندند. شهید، مقتول است به لحاظ دنیا، و حی است به لحاظ برزخ.^۱

از امام صادق علیه السلام در مورد ارواح مؤمنان پس از مرگ سؤال کردند و حضرت در پاسخ فرمود: «فِي حُجْرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَيَسْرُبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَيَقُولُونَ رَبَّنَا أَقِمِ لَنَا السَّاعَةَ وَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا؛^۲ آنها در حجره‌هایی از بهشت قرار دارند، از غذاهای بهشتی می‌خورند، از نوشیدنی‌هایش می‌نوشند و می‌گویند: پروردگارا! هرچه زودتر قیامت را بر ما کن و به وعده‌هایی که به ما داده‌ای، وفا نما.»

۳. دوزخ برزخی

کافران و منافقان که قادر به پاسخگویی به سؤال‌های فرشتگان الهی نیستند، قبرشان عرصه عذاب الهی خواهد شد. آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون درباره کفار، ظالمان و مجرمان است که می‌فرماید: آنان همچنان به راه نادرست خود ادامه می‌دهند تا هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد؛ در این حال، خطاب به پروردگار عرض می‌کند: «قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا؛ ای پروردگار من! مرا بازگردان! شاید در آنچه ترک [و کوتاهی] نمودم، عمل صالحی انجام دهم. [ولی به او می‌گویند: چنین نیست! این، سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است].»

سپس می‌فرماید: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ و پشت سر آنان، برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.» آغاز این آیه، به منزلگاه مرگ و پایان آن، به منزلگاه برزخ اشاره می‌کند. تعبیر «إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، نشانه روشنی است بر اینکه عالم برزخ، مرحله‌ای است پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز.^۳

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۱۶، ص ۲۷۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۱۲۲.

۳. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۴۶.

۱۷۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

قرآن کریم درباره عذاب فرعونیان در برزخ می‌فرماید: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»^۱ عذاب آنها، آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت بر پا شود، [می‌فرماید:] آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید!

روشن است، عذابی که صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، آتش برزخی است؛ چراکه در پایان آیه، به مجازات آنان در قیامت به طور جداگانه اشاره شده است.

روایاتی هم که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، بر عذاب برزخی اشاره دارند؛ مانند: «إِنَّ الْقَبْرَ أَمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ. الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ، وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

در روایات آمده است که مؤمنان گنهکار نیز در عالم برزخ رنج و عذاب می‌کشند تا تطهیر شوند و در عالم قیامت سبک‌بار باشند.^۲

۱. غافر، آیه ۴۶.

۲. ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶.

مجلس چهاردهم

سیمای انسان در عالم برزخ (۲)

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی آزادیان*

در جلسه گذشته به سه محور از مباحث مربوط به وضعیت انسان در عالم برزخ اشاره شد. در این جلسه، به سایر مسائل باقیمانده در این خصوص می‌پردازیم.

۴. فشار قبر

یکی دیگر از مسائلی که در عالم برزخ اتفاق می‌افتد، فشار قبر است. مقصود از فشار قبر، فشار بر جسم مادی نیست؛ بلکه فشار و عذاب روحانی و متناسب با جسم برزخی و مثالی است. امام صادق علیه السلام در مناجات خود به خداوند عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ، وَ مِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ؛^۱ خدایا! از عذاب قبر و فشار و تنگی آن، به تو پناه می‌برم.»

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۹۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۶۳، ح ۳۴.

۱۷۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

مطابق برخی روایات، فشار قبر برای همه وجود دارد؛ اما برای بعضی شدید، و برای عده‌ای ملایم‌تر و به‌منزله کفار گناهان و جبران کوتاهی‌های آنها در دنیاست.^۱ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگام دفن صحابی معروف، سعد بن معاذ، فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ ضَمَّةٌ»^۲ هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه فشاری در قبر دارد.

از برخی احادیث استفاده می‌شود که بعضی از مؤمنان فشار قبر ندارند. به هر حال، فشار قبر دارای اسباب و عواملی است که در ادامه پاره‌ای از آنها را بررسی می‌کنیم.

عوامل فشار قبر

در روایات، عواملی برای فشار قبر مطرح شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. **بدخُلُق با خانواده:** برخی مؤمنان، ممکن است در بیرون خانه اخلاق و رفتار خوبی داشته باشند؛ اما وقتی وارد خانه می‌شوند با پدر، مادر، همسر و یا فرزندان خود بدرفتاری نمایند و اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نکنند. این صفت ناشایست اخلاقی، موجب فشار قبر می‌شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره سعد بن معاذ فرمود:

«إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ»^۳ اخلاق سعد با خانواده‌اش بد بود [به همین جهت، دچار فشار قبر شد].

۲. **ضایع کردن نعمت‌های الهی:** در حدیثی امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«ضَغْطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النِّعَمِ»^۴ فشار قبر برای مؤمن، کفاره ضایع کردن نعمت‌ها از ناحیه اوست.

از وظایف اساسی انسان، قدرشناسی از نعمت‌های الهی است. شکر نعمت، گاهی زبانی است و با گفتن «الحمد لله» و «شکراً لله» تحقق می‌یابد و گاهی عملی است. شکر عملی نعمت‌های الهی، به آن است که نعمت‌ها را در جایگاه خود و همان‌گونه که خداوند فرموده،

۱. مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۱، ح ۱۹.

۳. همان، ص ۲۲۰، ح ۱۴.

۴. همان، ص ۲۲۱، ح ۱۶.

مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲) ■ ۱۷۷

مصرف کنیم؛ برای مثال، وقتی خداوند به کسی نعمت مال عنایت می‌کند، شکر عملی، این است که انضباط مالی داشته باشد، اهل خمس و زکات باشد، مال حرام را با مال خود مخلوط نکند، نعمت‌ها را در راه عبادت حق و خدمت به دین و خلق خدا مصرف نماید و به فقرا و نیازمندان کمک کند.

مطابق آموزه‌های دینی، شکر نعمت موجب ازدیاد آنها خواهد شد:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱ اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازاتم شدید است!

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت، از کفّت بیرون کند

۳. **برنیارودن حاجت مؤمن:** از موجبات استواری جامعه، حس برادری، همیاری و همدردی میان افراد است. مسلمانان با هم برادرند و باید نسبت به یکدیگر مهربان باشند و مشکلاتِ هم را برطرف کنند. امروزه برخی با گفتن این جمله که «این مشکل، مشکل شماست»، از زیر بار مسئولیت اجتماعی خود شانه خالی می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا وَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا فِي قَبْرِهِ يَنْهَشُ أَصَابِعَهُ»^۲ اگر مؤمنی توانایی برآوردن حاجت مؤمنی را داشته باشد و برنیارود، خداوند در قبر بر او مار عظیمی را که «شجاع» نام دارد، مسلط می‌کند تا پیوسته انگشتان او را بگزد.

۴. **سخن چینی و ایجاد اختلاف میان مردم:** رعایت نکردن طهارت از ادرار و دوری از همسر: امام علی علیه السلام فرمود: «عَذَابُ الْقَبْرِ يَكُونُ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْبَوْلِ وَعَزَبِ الرَّجُلِ عَنْ أَهْلِهِ»^۳ عذاب قبر، از ناحیه: سخن چینی، عدم رعایت طهارت از ادرار و دوری شوهر از همسرش حاصل می‌شود.

سخن چینی، یکی از آفات زبان و رذایل اخلاقی است که انسان را از خدا دور می‌سازد. قرآن کریم در نکوهش سخن چینی می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۴ وای بر هر عیبجوی

۱. ابراهیم، آیه ۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۹.

۴. همزه، آیه ۱.

۱۷۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

سخن چین.» در آیه دیگر می‌فرماید: «هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنَمِيمٍ»^۱ از کسی که بسیار عیج‌جوست و به سخن چینی آمدوشد می‌کند، [اطاعت مکن].»
کسی که با نَمّامی و سخن چینی آتش کینه و عداوت را میان مردم بر می‌افروزد و عامل تفرقه و جدایی بین مسلمانان می‌شود، اهل بهشت نیست. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَّامٌ»^۲ سخن چین، وارد بهشت نمی‌شود.

عوامل آرامش در قبر

برای اینکه دچار فشار قبر نشویم، باید عوامل فشار قبر را برطرف کنیم؛ در روایات برای نجات از فشار قبر به مواردی اشاره شده که به بیان چند نمونه می‌پردازیم:

۱. خواندن نماز لیلۃ‌الدفن: یکی از عواملی که موجب می‌شود ارواح در عالم قبر دچار عذاب نشوند، خواندن نماز لیلۃ‌الدفن (نماز وحشت) است.

عالم بزرگ، حاجی نوری، در کتاب دارالسلام نقل می‌کند:

استاد ما، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی رحمته الله فرمود: عادت داشتم هر وقت کسی از دوستان خاندان رسالت از دنیا می‌رفت و خبر آن به من می‌رسید، دو رکعت نماز شب دفن برای او می‌خواندم؛ خواه میت را بشناسم، خواه نشناسم و هیچ‌کس از عادت من آگاه نبود؛ تا اینکه روزی یکی از دوستانم را در راهی ملاقات کردم. گفت: دیشب فلان شخص را که به‌تازگی از دنیا رفته، در عالم خواب دیدم. وقتی از وضعیت او پرس از مرگش پرسیدم، پاسخ داد: پس از مرگ، در تنگنای سختی بودم تا اینکه فلانی، نام شما را برد، دو رکعت نماز برای من خواند. همان دو رکعت، مرا از عذاب نجات داد. خدا پدرش را رحمت کند که به من چنین احسانی نمود. آن‌گاه آن شخص از ملا فتحعلی پرسید: آن دو رکعت نماز، چه نمازی بود؟ روش خود را در مورد خواندن نماز شب دفن، برای او بیان کردم.^۳

۲. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام: پیامبر اعظم در این باره فرمود: «حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَالْقَبْرِ وَ عِنْدَ التُّشْوُرِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ

۱. قلم، آیه ۱۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۶۸.

۳. شیخ عباس قمی، منازل الآخرة، ص ۳۰.

مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲) ■ ۱۷۹

الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ؛ رابطه دوستی با من و اهل بیت، در هفت موقعیت حساس که هول و هراس آنها خیلی بزرگ است، سودبخش می‌باشد؛ هنگام مرگ، در قبر، وقت رستاخیز، هنگام دریافت نامه عمل، زمان حسابرسی، هنگام سنجش اعمال و زمان عبور از صراط.»

رسول اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيَحِبَّ أَهْلَ بَيْتِي؛ هرکسی که می‌خواهد از عذاب قبر نجات پیدا کند، باید اهل بیت علیهم‌السلام مرا دوست داشته باشد.» نکته مهم در محبت پیامبر و اهل بیت گرمی‌اش آن است که انسان باید تلاش کند محبت و پیوند خود را به صورت محبت و پیوند عمیق قلبی درآورد و همواره به یاد آن بزرگواران باشد و به دستوراتشان عمل کند. این نوع محبت است که نفع خواهد داشت؛ نه محبت سطحی و زبانی؛ زیرا ملاک دوست‌داشتن واقعی و قلبی، تبعیت عملی از فرامین دین است؛ چنان‌که قرآن کریم درباره محبت راستین به «الله» می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد.»

۳. سازگاری همسر با شوهر: زندگی مشترک زن و شوهر، نیاز مبرم به گذشت، مدارا و تفاهم دارد. مردی که عهده‌دار مدیریت زندگی مشترک است، باید دارای شرح صدر و روح گذشت و فداکاری باشد. زن نیز باید با صبر و شکیبایی و فراهم کردن محیطی آرام و با معنویت در خانه، نقش اساسی و تعیین‌کننده خود را در ثبات و پایداری زندگی زناشویی ایفا کند. مرد باید در حلّ توان خود، نفقه و هزینه زندگی زن را مانند: لباس، خوراک و مسکن، فراهم کند و با او مهربان باشد و به‌نیکویی رفتار کند. در این باره خداوند می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۴ با زنان، به طور شایسته رفتار کنید.» امام صادق علیّه‌السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَهَ نَاصِيَتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقَيْمَ عَلَيْهِ؛^۵

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۴۸، ح ۲.

۲. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۶.

۳. آل عمران، آیه ۳۱.

۴. نساء، آیه ۱۹.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲.

۱۸۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و زنش روابط حسنه برقرار کند؛ زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را به سرپرستی وی موظف ساخته است.»
همچنین، امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةٍ الْخُلُقِ وَاحْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ»^۱ مردی که بر اخلاق همسری بداخلاق صبر کند و او را تحمل نماید و به حساب اجر الهی بگذارد، خداوند پاداش شکرگزاران را به او خواهد داد.»

از سوی دیگر، زن نیز نسبت به شوهر خود باید مهربان و رثوف باشد و در مقابل سختی‌ها و مشکلات و بداخلاقی‌های شوهر، صبور و با گذشت باشد و زندگی خود را بر اساس گذشت، مهربانی، تفاهم و مدارا بنا نهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت گذشت و شکیبایی زن در زندگی می‌فرماید: «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مُحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ (ص) امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتَبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةٌ سَنَةً»^۲ عذاب قبر، از سه طایفه از زنان برداشته خواهد شد و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور می‌شوند. زنی که بر غیرت [و تعصب بیجا و بددلی] شوهرش شکیبا باشد؛ زنی که در برابر بداخلاقی همسرش صبور باشد؛ زنی که مهر خود را به همسرش ببخشد. خداوند به هریک از آنها ثواب هزار شهید را می‌بخشد و برای هر کدام، ثواب یک سال عبادت را در نظر می‌گیرد.»

۴. اقامه نماز: فشار قبر، از کسانی که به نماز پایبندند، برداشته می‌شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصَّلَاةُ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أُنْسٍ فِي قَبْرِهِ وَ فَرَّاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ»^۳ نماز، شفیع نمازگزار نزد ملک الموت، مونس در قبر، بستری نیکو در قبر و پاسخ به سؤال نکیر و منکر می‌باشد.»

۵. خواندن قرآن کریم: مطابق روایات، خواندن بعضی سوره‌ها موجب برطرف شدن عذاب قبر می‌شود؛ مانند: خواندن سوره نساء در هر جمعه، مداومت بر خواندن سوره زخرف،

۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲) ■ ۱۸۱

خواندن سوره «التَّكْوِيْن» در وقت خواب، خواندن سوره یس پیش از خواب و یا قبل از غروب و خواندن سوره «المُلْك» بالای سر قبر میت.^۱

۵. تجسم اعمال

مطابق برخی روایات، اعمال نیک انسان، در عالم قبر به شکل صورت‌های نورانی و زیبا مجسم می‌شوند و به کمک صاحب خود می‌آیند و در مقابل، اعمال گناه‌آلود و زشت، به شکل صورت‌های زشت و ترسناک در قالب‌های مثالی مجسم می‌شوند و موجب عذاب صاحب خویش می‌گردند. از امام صادق علیه السلام یا حضرت باقر علیه السلام روایت شده است:

«إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ دَخَلَ مَعَهُ فِي قَبْرِهِ سِتَّةُ صُورٍ فِيهِنَّ صُورَةٌ هِيَ أَحْسَنُهُنَّ وَجْهًا وَأَبْهَاهُنَّ هَيْئَةً وَأَطْيَبُهُنَّ رِيحًا وَأَنْظَفُهُنَّ صُورَةٌ قَالَ فَيَقِفُ صُورَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَآخَرَى عَنْ يَسَارِهِ وَآخَرَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَآخَرَى خَلْفَهُ وَآخَرَى عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَيَقِفُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُهُنَّ فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِنْ أَتَى عَنْ يَمِينِهِ مَنَعَتْهُ الَّتِي عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يُؤْتَى مِنَ الْجِهَاتِ السَّتِّ قَالَ فَتَقُولُ أَحْسَنُهُنَّ صُورَةٌ مَنْ أَنْتُمْ جَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا فَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَمِينِ الْعَبْدِ أَنَا الصَّلَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَسَارِهِ أَنَا الزَّكَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنَا الصِّيَامُ وَتَقُولُ الَّتِي خَلْفَهُ أَنَا الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَتَقُولُ الَّتِي عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَنَا بَرٌّ مَنْ وَصَلْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثُمَّ يَقْلَنَ مَنْ أَنْتَ فَأَنْتَ أَحْسَنُنَا وَجْهًا وَأَطْيَبُنَا رِيحًا وَأَبْهَانَا هَيْئَةً فَتَقُولُ أَنَا الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۲ زمانی که مؤمن می‌میرد، با او شش صورت داخل قبر می‌شود که یکی از آنها، خوش‌تر، خوش‌بوتر و پاکیزه‌تر از باقی صورت‌هاست. پس یکی در جانب راست، یکی در جانب چپ، یکی در پیش رو، یکی در پشت سر و دیگری در پایین پا و آن‌که خوش‌صورت‌تر است، در بالای سر می‌ایستند. پس عذاب از هر جهت که می‌آید، آن‌که در آن جهت ایستاده، مانع می‌شود. پس آن‌که از همه خوش‌صورت‌تر است، به سایر صورت‌ها می‌گوید: شما کیستید؟ خدا از جانب من شما را جزای خیر دهد. صاحب جانب راست می‌گوید: من نمازم. صاحب جانب چپ می‌گوید: من زکاتم. آن‌که در پیش روست، می‌گوید: من روزه‌ام. آن‌که در عقب سر است، می‌گوید:

۱. شیخ عباس قمی، منازل/آخره، ص ۳۴ - ۳۷.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مجلسی، بحار/الأنوار، ج ۶، ص ۲۳۴، ح ۵۰.

۱۸۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

من حج و عمره‌ام و آن‌که در پایین پاست، می‌گوید: من نیکی و احسان به برادران مؤمنم. پس آنها به او می‌گویند: تو کیستی که از همه ما بهتر و خوشبوتری؟ می‌گوید: من، ولایت آل محمد علیهم‌السلام هستم.»

۶. جایگاه ارواح مؤمنان و کافران

همان‌گونه‌که پیش‌تر اشاره شد، عالم برزخ و مثال، جزیی از عالم ماده نیست تا مکان و محدوده داشته باشد؛ بلکه عالم مثال، در باطن و ملکوت همین دنیاست و نسبت به آن، بسیار گسترده‌تر است.

«باید دانست که عالم برزخ، از عالم دنیا به مراتب وسیع‌تر است؛ زیرا مثال، گسترده‌تر و بزرگ‌تر از جسم مادی است.»^۱

بنابراین، وقتی به جایگاه ارواح اشاره می‌کنیم، مراد ما جایگاه مادی و ظاهری آنها نیست تا برای همه قابل رؤیت باشد؛ بلکه منظور آن است که ارواح در قالب بدن‌های مثالی خود، در باطن و ملکوت دنیا به حیات برزخی خویش ادامه می‌دهند تا روز رستاخیز برپا شود. بر همین اساس، در برخی روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف اشرف، و ارواح کفار در برهوت یمن جمع می‌شوند. احمد بن عمر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند: «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَخِي بَبْغَدَادَ، وَ أَخَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا. فَقَالَ: مَا تُبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ؛ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ. قُلْتُ لَهُ: وَ أَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهَرَ الْكُوفَةُ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ؛^۲ [احمد بن عمر] می‌گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: برادر من، در بغداد است و می‌ترسم در آنجا بمیرد. حضرت فرمود: چه پروا داری، هر جا خواهد بمیرد! هیچ مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی نمی‌ماند، مگر آنکه خدا روح او را در وادی السلام جمع می‌کند. عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: در پشت کوفه، و گویا می‌بینم ایشان را که حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر سخن می‌گویند.»

۱. سید محمدحسین طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ص ۸۸.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱۱۸.

مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲) ■ ۱۸۳

حَبَّه عَرَنی که از یاران مخصوص امام علی علیه السلام است، می گوید: در حضور امام علیه السلام در کوفه بودم و با حضرت به پشت کوفه، یعنی نجف اشرف رهسپار شدیم. وقتی در وادی السَّلام توقف کرد، دیدم که گویا با اقوامی ارتباط برقرار نموده و با آنها گفت و گو می کند! به پیروی از ایشان، ایستاده بودم تا اینکه خسته شدم و نشستم؛ به قدری که ملول و کوفته شدم و بار دیگر ایستادم؛ به قدری که باز خسته شدم و باز نشستم؛ به قدری که دوباره خسته شدم. امام علی علیه السلام همچنان ایستاده بود و با افرادی گفت و گو می کرد. برخاستم و ایستادم و عرض کردم: ای امیر مؤمنان! ایستادن شما طول کشید. کمی استراحت کنید. سپس ردای خود را روی زمین پهن کردم تا حضرت روی آن بنشیند. فرمود: ای حبه! این ایستادن طولانی نبود، مگر به جهت گفت و گو با مؤمنی و اُنس با او. عرض کردم: آیا مردگان نیز گفت و گو و اُنس دارند؟ فرمود: آری، اگر پرده از جلوی چشم تو برداشته شود، آنها را می بینی که حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر گفت و گو می کنند. عرض کردم: آیا آنها ارواح هستند یا اجسام؟ فرمود: ارواح هستند. سپس افزود: «وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بَقْعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ الْحَقِّي بُوَادِي السَّلَامِ وَإِنَّهَا لَبَقْعَةٌ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ؛ هیچ مؤمنی در زمینی از زمین های دنیا نمی میرد، مگر اینکه به روح او گفته می شود به وادی السَّلام بیوندد. همانا وادی السَّلام، سرزمینی از سرزمین بهشت عدن است.»^۱

- حکایت مرحوم آیت الله آملی

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی، فقیه و عارف برجسته، از شاگردان سلسله اوّل مرحوم آیت الحق حاج میرزا علی آقا قاضی، استاد علامه طباطبائی رحمته الله، نقل می کند: در نجف اشرف مدت ها می دیدیم که مرحوم میرزا علی آقا قاضی دو سه ساعت در قبرستان وادی السَّلام می نشیند. با خودم گفتم: انسان باید زیارت کند و برگردد و با قرائت فاتحه ای روح مردگان را شاد کند. کارهای لازم تری هست که باید بدان ها پرداخت. این اشکال در دل من بود؛ اما به احدی ابراز نکردم؛ حتی به صمیمی ترین رفیق خود. مدت ها گذشت و هر روز برای استفاده از محضر استاد به خدمتش می رفتم؛ تا اینکه تصمیم گرفتم از نجف اشرف به ایران بازگردم؛ ولی در مصلحت بودن این سفر تردید داشتم. این تصمیم در ذهنم

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۱.

بود و کسی از آن اطلاع نداشت. شبی می‌خواستم بخوابم. در اطاق چند کتاب علمی و دینی روی زمین بود و طبعاً هنگام خواب، پای من به سوی آنها کشیده می‌شد. با خودم گفتم: برخیزم و جای خواب خود را تغییر دهم یا نه لازم نیست؟ زیرا کتاب‌ها درست در مقابل پای من نیست؛ بلکه بالاتر قرار گرفته و بی‌احترامی به کتاب‌ها محسوب نمی‌شود. در این گفت‌وگو و تردید، سرانجام بنا را بر این گذاشتم که هتک احترام نیست و خوابیدم. صبح همان شب، به محضر استاد قاضی رفتم و سلام کردم. پس از آنکه جواب سلام مرا داد، فرمود: صلاح نیست به ایران بروید و پا دراز کردن به سوی کتاب‌ها هم بی‌احترامی است. بی‌اختیار، شگفت‌زده و هولناک شدم و گفتم: از کجا فهمیده‌اید؟ فرمود: از وادی السلام فهمیده‌ام.^۱

مطابق برخی روایات، ارواح کفار در عالم برزخ در وادی برهوت قرار دارند.^۲ برهوت، در سرزمین حَضَرَمَوْت در جنوب یمن است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ وَرَاءِ الْيَمَنِ وَادِيًا يُقَالُ لَهُ: وَادِي بَرَهَوْتٍ، وَلَا يُجَاوِرُ ذَلِكَ الْوَادِي إِلَّا الْحَيَاتُ السُّودُ وَالْبُيُوتُ مِنَ الطَّيْرِ؛ فِي ذَلِكَ الْوَادِي بَثْرٌ يُقَالُ لَهَا: بَلَهَوْتٌ يُغْدَى وَيُرَاحُ إِلَيْهَا بِأَرْوَاحِ الْمُشْرِكِينَ يُسْقَوْنَ مِنْ مَاءٍ الصَّدِيدِ»^۳ در پشت یمن، یک وادی است که به آن وادی برهوت گفته می‌شود و در آن وادی سکونت ندارد، مگر مارهای سیاه و از پرندگان فقط جغد. در آن وادی، چاهی است به نام بلهوت که هر صبحگاه و شامگاه، ارواح مشرکان را به آنجا می‌برند تا از آبی بیاشامند که چون فلز گداخته، گرم و بسان چرک، مخلوط‌شده با خون است.»

۷. دیدار ارواح با خانواده خود

ارواح مردگان، گاهی اوقات به دیدار خانواده خود می‌آیند و از نزدیک، آنها را ملاقات می‌کنند. ارواح مؤمنان، تنها خوبی‌ها و خوشی‌های خانواده خود را می‌بینند و خوشحال می‌شوند اما ارواح کافران، فقط بدی‌ها و ناخشنودی‌های خانواده خود را می‌بینند و غمگین می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزُورُ أَهْلَهُ، فَيَرَى مَا يُحِبُّ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ؛

۱. محمد محمدی اشتهاردی، عالم برزخ در چند قدمی ما، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۸۶، ح ۸.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۳۹۳، ح ۴.

مجلس چهاردهم: سیمای انسان در عالم برزخ (۲) ■ ۱۸۵

وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُزَوَّرُ أَهْلَهُ، فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يُحِبُّ. قَالَ: وَ مِنْهُمْ مَنْ يَزُورُ كُلَّ جُمُعَةٍ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَزُورُ عَلَى قَدَرِ عَمَلِهِ؛^۱ مؤمن، اهل خود و آنچه را موجب شادی اوست، می‌بیند؛ اما چیزهایی که موجب ناخشنودی او می‌گردد، از نظرش پوشیده می‌شود. کافر نیز اهل خود را می‌بیند اما آنچه را موجب ناراحتی و کراهت اوست، مشاهده می‌کند؛ اما چیزهایی که موجب شادی اوست، از نظرش پوشیده می‌گردد. [آن‌گاه] حضرت فرمود: بعضی از مؤمنان در هر هفته یکبار در روز جمعه به زیارت و ملاقات اهل خود می‌رسند و بعضی دیگر، بر حسب مقدار عمل خود می‌توانند آنان را ملاقات و زیارت نمایند.»

۸. بهره‌مندی مردگان از اعمال نیک بازماندگان

یکی از ویژگی‌های عالم برزخ، این است که روح انسان در این عالم از اعمال نیک فرزندان و صالحان بهره‌مند می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَرَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أُوَّلٍ فَكَانَ صَاحِبُهُ يُعَذَّبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَكْدَ صَالِحٍ فَأُصْلِحَ طَرِيقًا وَ آوَى يَتِيمًا فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ؛^۲ حضرت عیسی پسر مریم علیه السلام از کنار قبری گذشت که صاحبش عذاب می‌کشید. سال دیگر بر آن گذر کرد و دید که صاحبش در عذاب نیست. عرض کرد: پروردگارا! سال پیش بر این گور گذشتم، صاحبش در عذاب بود و امسال که گذر نمودم، عذاب نداشت؟ خداوند صاحب عزت و جلال به او وحی کرد: ای روح خدا! فرزند صالحی داشت که به بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را در پناه گرفت. پس، به جهت کار فرزندش، او را آمرزیدم.»

همه صدقات، اعم از صدقات جاریه مانند تأسیس مؤسسات خیریه که سودش برای خلق خدا جریان دارد، و یا صدقات غیرجاریه که عملی زودگذر است، همچنین دعا و طلب مغفرت، قرائت قرآن، انجام حج و طواف، اگر به نیابت از پدر و مادر و یا هرکس دیگری که از دنیا رفته است، انجام گیرد، موجب پاداش و شادمانی آنها می‌گردد. ممکن است

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۰، ح ۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۰، ح ۱۵.

فرزندانی در زمان حیات پدر و مادرشان، آنها را ناراضی کرده باشند؛ ولی پس از درگذشتشان طوری عمل کنند که رضایت آنها را به دست آورند؛ همچنان که عکس آن ممکن است.^۱ بنابراین، هیچ گاه نباید مرده ها را از یاد ببریم؛ بلکه باید همواره به یادشان باشیم و از خداوند برایشان طلب مغفرت و آمرزش کنیم و کارهای نیکی در حقشان انجام دهیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ: وَكَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ، وَ مُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ، وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ، وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ، وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ، وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ؛^۲ شش چیز است که مؤمن پس از مرگ خود، از آنها بهره مند می شود: فرزند صالحی که برای او آمرزش بطلبد، قرآنی که از روی آن تلاوت می کند، چاهی که حفر می نماید، درختی که می نشاند، نهر آبی که در راه خدا جاری و وقف می کند، سنت (روش) پسندیده ای که از خود بر جای می گذارد و پس از او به آن عمل می شود.»

در نتیجه، تا فرصت عمر در اختیارمان هست، باید تلاش کنیم و حیات آتی خود را بر اساس سعادت و رستگاری رقم بزنیم و برای صاحبان حق، همچون: پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، پدران، مادران، برادران، خواهران، فرزندان، شهدا و یا معلمان، هدایای معنوی بفرستیم و برای تعالی روحشان دعا کنیم.

تک تک ساعت چه گوید گوش دار	گویدت بیدار باش ای هوشیار
عقربک آهسته پندت می دهد	پند شیرین تر ز قندت می دهد
هم ز غفلت هم ز بیکاری بترس	لحظه ای هرگز مشو غافل ز درس

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار/استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۹۳.

مجلس پانزدهم

شجاعت و شهادت امام حسن علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی*

درآمد

امام حسن علیه السلام فرمود: «[الشُّجَاعَةُ] مُوَافَقَةُ الْأَقْرَانِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ؛^۱ [شجاعت، یعنی] پایداری در میادین نبرد، و دلیری هنگام پیشامدهای ناگوار.»
متأسفانه برخی می‌پندارند که شجاعت امام حسن مجتبی علیه السلام کمتر از امامان دیگر بود و در میدان نبرد، شهادت و شجاعت لازم را نداشت و به همین جهت، از جنگ فاصله گرفت و زمام امور را به معاویه سپرد. این تصور، پنداری است باطل یا اینکه گوینده آن، از روی غرض‌ورزی به این سخن دامن می‌زند. در این نوشتار، به گونه‌ای مختصر در پی آن هستیم که نادرستی چنین پنداری را روشن نماییم.
در آغاز، لازم است چیستی شجاعت و اهمیت و نشانه‌های آن بررسی شود.

* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۲۶.

چیستی شجاعت

شجاعت، در لغت به معنای قوی دلی، دلیری و با جرئت بودن هنگام نبرد است. کسی که در شدت جنگ، دلیر باشد و به آسانی اقدام کند، میان مردم، شجاع خوانده می شود.^۱

علمای اخلاق در تعریف شجاعت گفته اند: شجاعت، فرمانبری نیروی خشم آدمی است از خرد او، در اقدام به کارهای خطیر و نگران نشدن آن، از اقدام به خواسته های عقل.^۲

همچنین در علم اخلاق شجاعت، ضد جُبْن (ترسویی) است. جُبْن، در طرف تفریط شجاعت قرار دارد و عبارت است از اینکه در موارد شایسته اقدام و انتقام، انسان هیچ کاری نکند. در طرف افراط شجاعت نیز عنوان «تهور» یا «بی باکی» قرار دارد که عبارت از اقدام به کاری است که نباید کرد و انداختن خود در مهلکه ای است که عقل و شرع از آن منع نموده است.^۳

«تهور» یا «بی باکی» و «بزدلی» یا «ترس»، دو نمونه از افراط و تفریط در استفاده از قوه غضب است که هر دو، ناپسندند و میانگین آن دو، «شجاعت» و «دلیری» است که بسیار پسندیده است.

ضرورت شجاعت رهبر جامعه

بی شک، شجاعت از جمله فضایل اخلاقی و از شریف ترین ملکات نفسانی است. کسی که این صفت را ندارد، فاقد مهم ترین ویژگی های انسانی است. امام علی علیه السلام فرمود: «السَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ، يَضَعُهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِيمَنْ أَحَبَّهُ وَامْتَحَنَهُ؛ سخاوت و شجاعت، خصلت های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را، در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد، می گذارد.»

ملکه ارزشمند شجاعت، زینده همه است و اخلاق انسانی ایجاب می کند همگان به تحصیل و تقویت آن پردازند. این نیاز، تا حدود زیادی به مسئولیت افراد بستگی دارد و هرچه مسئولیت بیشتر و خطیرتر باشد، نیاز به دریادلی بیشتر احساس می شود.

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۵؛ لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۴۹۷.

۲. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۴۴.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۵۶، ح ۱۸۲۰.

مجلس پانزدهم: شجاعت و شهامت امام حسن علیه السلام ■ ۱۸۹

به همین مناسبت، رهبر جامعه باید شجاع‌ترین و دریادل‌ترین باشد و در اقدامات و تصمیم‌گیری‌های خُرد و کلان، از خطرات احتمالی واهمه نداشته باشد و با قوت و جدیت، طرح‌های خود را که با درایت و کارشناسی تهیه نموده، به اجرا درآورد و از هیچ قدرتی نهراسد. از این‌روست که در متون اسلامی، شجاعت همچون علم و دانش، از ویژگی‌های رهبری شمرده شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «وَالْإِمَامُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَالِمًا لَا يَجْهَلُ وَشُجَاعًا لَا يَنْكَلُ»^۱؛ امام، باید دانشمندی دانا و شجاعی نترس باشد.

نشانه‌های شجاعت

مصدق بارز شجاعت، هراس‌نداشتن هنگام جنگ و پیکار است. هنگام نبرد، شهامت و شجاعت افراد روشن می‌شود؛ همچنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده: «ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: لَا يَعْرِفُ الْحَلِيمُ إِلَّا عِنْدَ الْغَضَبِ وَلَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ وَلَا أَخٌ إِلَّا عِنْدَ الْحَاجَةِ»^۲؛ سه کس‌اند که جز در سه جا شناخته نمی‌شوند: بردبار جز هنگام خشم؛ شجاع جز در جنگ و برادر جز هنگام نیازمندی.

با این همه، نشانه‌هایی وجود دارد که در خارج از میدان نبرد نیز می‌توان توسط آنها میزان شجاعت افراد را شناخت. برخی از نشانه‌ها، در زبان پیشوایان معصوم بدین شرح آمده است:

۱. خردمندانه زیستن: امام علی علیه السلام فرمود: «لَا أَشْجَعَ مِنْ لَيْبٍ»^۳؛ شجاع‌تر از خردمند، وجود ندارد.

۲. دوراندیشی: همو فرمود: «آفَةُ الشَّجَاعَةِ إِضَاعَةُ الْحَزْمِ»^۴؛ آفت شجاعت، فرو گذاشتن دوراندیشی است.

۳. عزت نفس: باز فرمود: «الشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ، الْجُبْنُ ذُلٌّ ظَاهِرٌ»^۵؛ شجاعت، عزتی است آماده. ترس، ذلتی است آشکار.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۷۲.

۲. همان، ج ۷۸، ص ۲۲۹، ح ۹.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱۰۵۹۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۳۹۳۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۵۷۲.

۱۹۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

۴. بردباری در برابر مشکلات: هم‌چنین فرمود: «وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ»^۱ صبر، گونه‌ای از شجاعت است.»

۵. فداکاری در میدان نبرد: نیز فرمود: «جُبِلَتِ الشَّجَاعَةُ عَلَى ثَلَاثِ طَبَائِعٍ... السَّخَاءِ بِالنَّفْسِ وَالْأَنَفَةِ مِنَ الذُّلِّ وَطَلَبِ الذِّكْرِ...»^۲ شجاعت را با سه ویژگی سرشته‌اند که هریک، امتیازی ویژه دارد: ... فداکاری، ننگ‌داشتن از ذلت (زیر بار ذلت نرفتن) و نامجویی...».

شجاعت و شهادت امام مجتبی علیه السلام

ویژگی‌های پنجگانه‌ای که در روایات پیش‌گفته یادآور شدیم، در وجود امام مجتبی علیه السلام به گونه‌ای کامل وجود دارد. در ذیل، به‌اختصار به بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

۱. خردمندانه زیستن

حضرت مجتبی علیه السلام در تمام عمر خویش، خردمندانه زیست. از شاخصه‌های زیست خردمندانه، دوری از افراط و تفریط است. آن‌که عاقل نباشد، در افراط و تفریط غوطه‌ور است: «الْجَاهِلُ إمَّا مُفْرِطٌ أَوْ مُفَرِّطٌ»^۳ عاقل، در زندگی راه و روشی معتدل دارد. از این‌رو، سیره و روش امام مجتبی علیه السلام معتدل بود. حضرت هنگامی که در رأس قدرت بود، نیز زمانی که در برابر معترضان به قرارداد صلح قرار گرفت و غیر آن، از ثبات خوبی بهره‌مند بود و هرگز برخلاف طریق اعتدال کاری نکرد.

۲. دوراندیشی

بدون شک، امام حسن دوراندیش بودند. از نشانه‌های روشن دوراندیشی حضرت، اقدام به معاهده صلح است. امام عسکری علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْسَّخَاءِ مِقْدَاراً فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ وَلِلْحَزْمِ مِقْدَاراً فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ وَلِلْاِقْتِصَادِ مِقْدَاراً فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بَخْلٌ وَلِلشَّجَاعَةِ مِقْدَاراً فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ»^۴ سخاوت، مقدار معینی دارد و اگر بر آن افزوده گردد، اسراف است.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۳.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۲.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲.

مجلس پانزدهم: شجاعت و شهادت امام حسن علیه السلام ■ ۱۹۱

احتیاط اندازه دارد و اگر از آن گذشت، ترس است. میانه‌روی اندازه دارد و اگر از آن تجاوز کرد، بخل است. شجاعت اندازه دارد و اگر از آن گذشت، بی‌باکی است.»
امام مجتبی علیه السلام به‌خوبی حد و مرز شجاعت و دوراندیشی را شناختند و آن را پیاده نمودند.

۳. عزت نفس

عزت نفس، از بندگی خدا حاصل می‌گردد. تمام عزت‌ها، سربلندی‌ها و افتخارها، زیر سایه بندگی خداست. از مصادیق کامل بندگان مقرب الهی، امام حسن مجتبی علیه السلام است که در تمام حالات رو به سوی خدا داشت، خود را در محضر او می‌دید و خوف عظمت الهی سراسر وجود او را پُر کرده بود. حضرت می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتُ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ - فَأَخْرُجُ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا؛^۱ هرگاه بخواهی عزتی بدون داشتن قوم و قبیله، و هیبتی بدون داشتن سلطنت داشته باشی، باید از خواری معصیت الهی بیرون بیایی و زیر بار ذلت گناه و نافرمانی خداوند نروی و به سوی عزت طاعت خداوند بلندمرتبه روی آوری.»

حضرت هنگام وضو بدنش می‌لرزید و چهره‌اش زرد می‌شد. وقتی از ایشان درباره راز این امر سؤال شد، فرمود: «حَقُّ عَلَى كُلِّ مَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَرْشِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ؛^۲ بر هرکسی که در پیشگاه خداوند می‌ایستد، لازم است که از عظمت خدا رنگش زرد شود و اندامش به لرزه افتد.»

وقتی که در آستانه مسجد قرار می‌گرفت، سر به سوی آسمان بلند می‌کرد و عرضه می‌داشت: «إِلَهِي ضَيْفُكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنٌ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ فَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمٌ؛^۳ خدایا! مهمانت در خانه‌ات ایستاده. ای احسان‌کننده! بنده گنهکار به سوی تو آمده. پس به‌خوبی آنچه نزد توست، از بدی آنچه نزد من است، درگذر. ای خدای بخشنده.»

۱. همان، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

۳. همان.

۱۹۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

امام صادق علیه السلام فرمود: «حسن بن علی علیه السلام عابدترین، زاهدترین و برترین مردم زمان خویش بود. هرگاه حج به جا می آورد، پیاده و گاهی پا برهنه بود. همیشه این گونه بود که اگر یادی از مرگ، قبر و قیامت می نمود، گریه می کرد. وقتی یادی از گذشتن از صراط می کرد، گریه می نمود. وقتی یادی از عرضه شدن در پیشگاه الهی برای حساب و کتاب می کرد، صدای حضرت بلند می شد؛ تا آنجا که غش می کرد و بیهوش می افتاد. هرگاه برای نماز می ایستاد، بند بند وجودش در مقابل خدا می لرزید. هر وقت از بهشت و جهنم یاد می کرد، مانند مارگزیده به خود می پیچید و از خداوند بهشت را درخواست می کرد.»^۱

۴. جانبازی در میدان نبرد

امام حسن علیه السلام به شهادت تاریخ، فردی شجاع و با شهامت بود و هرگز در میدان جنگ ترس و بیم در وجود او راه نداشت و همواره آماده جهاد و مبارزه در راه خدا بود.

- جنگ جمل

در جنگ جمل، در رکاب پدر خود امیر المؤمنان، علی علیه السلام در خط مقدم جبهه می جنگید و از یاران دلاور و شجاع علی علیه السلام سبقت می گرفت و بر قلب سپاه دشمن حملات سختی می کرد.^۲ پیش از شروع جنگ نیز، به دستور پدر، همراه عمار یاسر و تنی چند از یاران، وارد کوفه شد و مردم کوفه را جهت شرکت در جهاد دعوت کرد.^۳

امام حسن علیه السلام وقتی وارد کوفه شد که هنوز ابو موسی اشعری، یکی از مهره های حکومت عثمان، بر سر کار بود و با حکومت عادلانه امیر مؤمنان، علی علیه السلام مخالفت می ورزید و از

۱. شیخ صدوق، *مالی*، ص ۱۷۹: «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْغُرُضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يَغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعُدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطَرَابَ السَّلِيمِ...»

۲. هاشم معروف الحسنی، *سیره الائمه / الاثنی عشر*، ج ۲، ص ۱۶.

۳. همان.

مجلس پانزدهم: شجاعت و شهادت امام حسن علیه السلام ■ ۱۹۳

جنبش مسلمانان جهت پشتیبانی از مبارزه آن حضرت با پیمان شکنان، جلوگیری می کرد. با این حال، حسن بن علی علیه السلام بدون ترس بیش از نه هزار نفر از مردم شهر کوفه را به میدان جنگ گسیل داشت.^۱

در همین جنگ، محمد حنفیه، فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام علمدار لشکر بود. امیر المؤمنان علیه السلام به او فرمان حمله داد. محمد حنفیه حمله کرد؛ ولی دشمن با ضربات نیزه و تیر جلوی او را گرفت و از پیشروی بازماند. حضرت خود را به او رساند و فرمود: از ضربات دشمن مترس، حمله کن! قدری پیشروی کرد؛ ولی باز متوقف شد. علی علیه السلام از ضعف فرزندش آزرده خاطر شد، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوشش کوبید؛ «فَضْرَبَهُ بِقَائِمِ سَيْفِهِ» سپس فرمود: «أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أُمِّكَ»^۲ ضعف و ترس را از مادرت ارث برده ای.^۳ یعنی من که پدر تو هستم، ترسی ندارم؛ ترس را از مادرت ارث برده ای. اگر مانند حسن مجتبی علیه السلام مادری چون حضرت فاطمه علیها السلام داشتی، نمی ترسیدی. نباید فراموش کرد که محمد بن حنفیه نیز شجاع بود؛ اما امام مجتبی علیه السلام به مراتب از ایشان شجاع تر بود.

سپس حضرت نیزه را گرفت و به امام حسن علیه السلام داد. او نیزه را گرفت و به سوی شتر عایشه تاخت و پس از مدتی کوتاهی بازگشت؛ درحالی که از نوک نیزه اش خون می چکید. محمد حنفیه به شتر نحر شده و نیزه خونین نگریست و شرمند شد. امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «شرمنده نشو؛ زیرا او فرزند [فاطمه و] پیامبر صلی الله علیه و آله است و تو فرزند علی علیه السلام»^۴

- جنگ صفین

حضرت در جنگ صفین، در بسیج عمومی نیروها برای جنگ با معاویه، نقش مهمی به عهده داشت و با سخنان پُرشور، مردم کوفه را به جهاد در رکاب علی علیه السلام و سرکوبی خائنانه و دشمنان اسلام دعوت نمود.^۵

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲. محمد محمدی ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام فی الکتاب والسنة والتاریخ، ج ۵، ص ۲۴۵.

۳. محمد تقی فلسفی، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام ج ۳، ص ۳۵۹.

۴. احمد زمانی، حقایق پنهان، ص ۱۴۹.

۵. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، ص ۱۱۳.

۱۹۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

آمادگی او برای جانبازی در راه خدا به قدری بود که حضرت امیر علیه السلام از یاران خود خواست که او و برادرش حسین علیه السلام را از پیشتازی در جنگ باز دارند تا نسل پیامبر صلی الله علیه و آله با کشته شدن این دو از بین نرود.^۱

۵. صبر در دشواری‌ها

از دشواری‌های مهم و نفس گیر در دوره امامت آن حضرت، مشکل طغیانگری معاویه است. بنگریم که حضرت با این دشواری چگونه روبه‌رو شدند. امام حسن علیه السلام وارث دشواری‌ها و مشکلاتی است که از سال‌ها پیش بر سر راه تحقق حکومت اسلامی پدید آمده، امور مسلمانان را با خطر جدی مواجه کرده بود؛ اشرافیتی که به رهبری معاویه از نو جان گرفته است و طبقات ممتاز و احیا شده در عصر عثمان در مقابل امام قرار دارند و شکست خوردگان صفوف مشرکان در مقام رهبری قرار گرفته‌اند. برخی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در خدمت معاویه و پول او قرار دارند؛ آنان که به قنداقه امام حسن علیه السلام تبرک می‌جستند، امروز به معاویه روی آورده‌اند. خوارج کج‌فهم، همچنان اعلام موجودیت می‌کنند که نتیجه افکار منحط آنان، ناامنی و تقویت اخلاص‌گری‌های بنی‌امیه است. معاویه، سمبل سیاست‌های شیطانی، نژادگرا، فریبکار، سرکرده غارتگران و تجسم همه ایده‌های بنی‌امیه، مانع بزرگی سر راه امام حسن علیه السلام قرار دارد. با این همه، امام در قبال اسلام، امت و دشمنان چه وظیفه‌ای دارد؟ حفظ کیان اسلام و امت، وظیفه‌ای است که حضرت به آن می‌اندیشد.

گزینه‌های پیش رو

برای حل این مشکل بزرگ، چند گزینه پیش روی امام قرار داشت که آنها را بررسی می‌کنیم:

۱. اندرز

امام و هوادارانش در یک سو، و در سوی دیگر، دشمن دیرینه‌اش معاویه قرار دارد. ممکن است گفته شود: بر امام است که وی را پند دهد، از خدا و قیامت و حساب و کتاب بگوید و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را یادآور شود.

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۵.

مجلس پانزدهم: شجاعت و شهادت امام حسن علیه السلام ■ ۱۹۵

معاویه و حزب قدرتمند اموی که تا به امروز این قدر قدرتمند نشده و منتظر فرصتی بودند تا اسلام و سنت پیامبر را محو نمایند، آیا با نصیحت حضرت، کوتاه می‌آیند و دست از دشمنی برمی‌دارند؟ بدیهی است که پاسخ، منفی است. بی‌تردید، این نسخه شفاعت نیست و نمی‌شود به وسیله موعظه، قدرت شیطانی روبه‌افزایش بنی‌امیه را مهار نمود. جای بسی شگفتی است اگر کسانی این راه را عملی بدانند؛ چراکه معاویه در سال فتح مکه، اسلام زبانی آورد و به هیچ وجه، وجود او با داشتن پدری چون ابوسفیان و مادری چون هند جگرخوار، با اسلام سازگاری ندارد. او بارها به انهدام اسلام و از بین بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله اقرار نمود.

۲. کناره‌گیری بدون شرط از حکومت

راه دیگر، کناره‌گیری بدون شرط از حکومت بود. این راهی است که با هیچ معیاری قابل قبول نیست؛ هیچ مسلمانی نمی‌تواند این گونه باشد؛ چه رسد به امام مجتبی علیه السلام.

۳. اقدام نظامی

سومین راه، جنگ و درگیری نظامی به منظور از میان برداشتن معاویه است. در بدو امر، این، راه حل خوبی برای مشکل باند اموی و طغیان معاویه شمرده می‌شود؛ اما با بررسی همه شرایط و موقعیت، روشن می‌شود که عمل به این نسخه هم به علاج جامعه منجر نخواهد شد؛ چراکه برای این اقدام، موانع عدیده‌ای وجود دارد که با وجود آنها، احتمال پیروزی را به صفر کاهش می‌دهد؛ از جمله موانع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- وجود خوارج که گاهی به ایجاد ناامنی می‌پرداختند و نسبت به امام علی علیه السلام دلی پُرکینه داشتند حتی از امام مجتبی علیه السلام می‌خواستند که پدرش را لعن کند و خود توبه نماید.

- سستی و تبلی مردم از نبرد و درگیر شدن با شامیان! سستی و تبلی، نتیجه جنگ‌های ناکثین، قاسطین و مارقین بود.

- کمبود نیروهای مؤمن و کارآمد و یاران مخلصِ جان برکف.

- عافیت‌طلبانی که همواره برای حفظ جان و موقعیت خویش، حدیث آسایش جعل می‌کردند.

- وجود خائنان و جاسوسان معاویه و به اصطلاح امروزی، ستون پنجم دشمن. امام علیه السلام عیدالله بن عباس، پسرعموی خود را با دوازده هزار نفر به جنگ معاویه فرستاد حتی با دوراندیشی ای که داشت، دو نفر را جانشین او قرار داد که در صورت خطر و کشته شدن، به جای هم بنشینند. عیدالله بن عباس با وعده یک میلیون درهم که نصف آن نقد بود، همراه هشت هزار نفر از سپاهیان، به سوی معاویه شتافت و به سپاه شصت هزار نفری او نیرو بخشید. دیگری هم با پانصد هزار درهم به همراهی دویست نفر از خاصان خود، به سوی معاویه گریخت.

- وجود منافقانی که از یک طرف به معاویه نامه نوشته بودند: ما از تو فرمان می‌بریم و هرچه زودتر به عراق بیا که وقتی نزدیک شدی، حسن بن علی را به تو تحویل می‌دهیم؛ اما از طرف دیگر، نزد امام می‌آمدند و می‌گفتند: «وَنَحْنُ السَّامِعُونَ الْمُطِيعُونَ لَكَ فَمُرْنَا بِأَمْرِكَ»^۱ تو جانشین پدرت هستی. ما گوش به فرمان تو می‌دهیم. به هرچه خواهی، ما را فرمان ده. - بی‌خبری و ناآگاهی اطرافیان معاویه. اهل شام، مردمی بودند که با تبلیغات گسترده و پُر از نیرنگ معاویه، دشمن علی و آل علی شده بودند.

- وجود امویان که دشمنی دیرینه‌شان با بنی‌هاشم بر کسی پوشیده نبود. - وجود مبلغان خیانتکار و واعظان درباری و جاعلان حرفه‌ای حدیث، همچون: ابوهریره، عمرو بن عاص، سمره بن جندب، بسر بن ابی‌ارطاة، مغیره بن شعبه که در ازای آن، معاویه به صورت کتبی حکومت شهرها را به آنان می‌سپرد.

- فنای مکتب و شعائر دین که حداقل در این دوره حساس، به ظواهر آن باید اکتفا می‌شد و جامعه را از حالت عصیان بر دین و احکام آن حفظ می‌نمود. اسلام، در آغاز راه بود و راهزنانی ماهر در کمین نابودی کامل آن بودند. این، همان چیزی بود که معاویه را برای دستیابی به اهداف شومش یاری می‌کرد.

- خطر حمله روم. معاویه با امپراطوری روم شرقی پیوند برادری می‌بندد؛ تا جایی که در صورت شکست از علی علیه السلام او را پناه دهند. یعقوبی می‌نویسد: «معاویه متعهد شد یک‌صد هزار دینار به دولت روم بدهد تا با آنان صلح برقرار کند. امام حسن علیه السلام این مسئله را دریافت و از خطر حمله روم به کشور اسلامی جلوگیری کرد»^۲

۱. قطب‌الدین راوندی، *الخراج والجرائح*، ج ۲، ص ۵۷۴.

۲. احمد بن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۶.

مجلس پانزدهم: شجاعت و شهادت امام حسن علیه السلام ■ ۱۹۷

با توجه به این همه مشکلات و موانع، اقدام نظامی عاقلانه نیست و زیانش به مراتب بیش از نفع احتمالی آن می‌باشد.

۴. کناره‌گیری مشروط

چهارمین گزینه پیش روی امام، کناره‌گیری مشروط و روی آوردن به تلاش‌های فرهنگی است. حضرت چاره‌ای جز این نداشت. امام در این باره در پاسخ نامه‌ای به معاویه نوشت: «إِنَّمَا هَذَا الْأَمْرُ لِي وَالْخِلَافَةُ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي - وَإِنِّهَا لُمُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ - سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُ صَابِرِينَ - عَارِفِينَ بِحَقِّي غَيْرَ مُنْكَرِينَ - مَا سَلَّمْتُ لَكَ وَلَكَا أَعْطَيْتُكَ مَا تُرِيدُ؛^۱ مقام خلافت، از من و اهل بیت من است. این مقام، بر تو و خاندان تو حرام می‌باشد. من این موضوع را از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم. اگر افرادی را که صابر و عارف به حق من بودند، می‌یافتم، هرگز تسلیم تو نمی‌شدم و پیشنهادت را نمی‌پذیرفتم.»

بسیاری از شجاعان عالم در مواجهه با چنین وضعیتی، شهادت و شجاعت لازم در اتخاذ تصمیم خردمندانه را ندارند؛ اما حسن بن علی علیه السلام با معاهده خویش توانست معاویه و حزب اموی را در هدف انهدام دین نبوی و محو نام پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناکام بگذارد.

امام مجتبی علیه السلام بعد از کناره‌گیری از قدرت سیاسی، با شجاعت تمام به تلاش فرهنگی روی آورد. امام هرگز در بیان حق و دفاع از حریم اسلام نرمش نشان نمی‌داد و آشکارا از اعمال ضد اسلامی معاویه انتقاد می‌کرد و سوابق زشت و ننگین او و دودمان بنی‌امیه را بی‌پروا فاش می‌نمود. مناظرات و احتجاج‌های کوبنده حضرت با معاویه و مزدوران و طرفداران او، نظیر: عمرو بن عاص، عتبه بن ابی‌سفیان، ولید بن عقبه، مغیره بن شعبه و مروان حکم، شاهد این معناست.^۲

حضرت حتی پس از انعقاد پیمان صلح که قدرت معاویه افزایش یافت و موقعیتش بیشتر تثبیت شد، پس از ورود معاویه به کوفه، برفراز منبر نشست و انگیزه‌های صلح خود و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۴۵.

۲. طبرسی، احتجاج، ص ۱۴۴ - ۱۵۰.

۱۹۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

امتیازات خاندان علی علیه السلام را بیان نمود و آن‌گاه در حضور هر دو گروه، با اشاره به نقاط ضعف معاویه با شدت و صراحت از روش او انتقاد کرد.^۱

در این موقعیت، خوارج تمام قوای خود را برضد معاویه بسیج کردند. به معاویه خبر رسید که «حوثره اسدی»، یکی از سران خوارج، برضد او قیام کرده و سپاهی دور خود گرد آورده است. معاویه، برای تثبیت موقعیت خویش و برای آنکه وانمود کند که حسن بن علی مطیع اوست، به حضرت که راه مدینه را در پیش گرفته بود، پیام فرستاد که شورش حوثره را سرکوب کند و سپس به سفرش ادامه دهد.

امام به پیام او با شهامت پاسخ داد؛ از جمله فرمود: «فَإِنِّي تَرَكْتُكَ لِصَلاَحِ الْأُمَّةِ...»^۲ برای حفظ جان مسلمانان از جنگ با تو خودداری کردم. اگر قرار به جنگ باشد، پیش از هرکس باید با تو بجنگم؛ مبارزه با تو، از جنگ با خوارج لازم‌تر است.»

معاویه درباره دلوری‌های امام حسن علیه السلام می‌گفت: «او، فرزند کسی است که به هر کجا می‌رفت، مرگ نیز همواره به دنبالش بود.»^۳ این بیان، کنایه از آن است که حضرت نترس بود و هیچ‌گاه از مرگ نمی‌هراسید.

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۹۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۰۹؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۹۳.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

مجلس شانزدهم

عوامل رضایتمندی از زندگی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس پسندیده *

اشاره

یکی از موضوعات اساسی که نقش مهمی در بهبود بحران‌های روحی انسان در جامعه امروزی دارد، تحقق زمینه‌های آرامش و آسایش روانی است. از جمله عواملی که می‌تواند به‌خوبی این هدف را تأمین کند، رضایتمندی قلبی از وضعیت زندگی و مثبت‌نگری منطقی به وقایع پیرامون خویش است. بدیهی است، باورهای دینی همچون اعتقاد به مَقَدَرَاتِ الهی و صبر در برابر مشکلات، می‌تواند سطح رضامندی انسان از زندگانی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد و در عمل، به درمان بیماری‌های روحی و روانی بینجامد و آرامش حقیقی را برای او به ارمغان بیاورد؛ چه اینکه نشانه مؤمنان راستین آن است که از سرچشمه «رضا» می‌نوشند و در پرتو عبودیت و معنویت، پروردگار نیز از آنان راضی گشته، مصداق آیه «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»^۱ شده‌اند.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم حدیث.

۱. مجادله، آیه ۲۲: «خداوند از ایشان رضایت دارد و آنان نیز از خداوند راضی‌اند.»

۲۰۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

متأسفانه، سبک زندگی انسان معاصر، نگرش مادی او به دنیا را تقویت نموده و منفی‌نگری و نارضایتی او از داشته‌ها، به بروز اضطراب‌های روحی منجر شده، ناشکری و ناشکیبایی جای خود را به سپاس از نعمت‌های خداوند و صبر در برابر سختی‌ها داده است. در این نوشتار، به بررسی عوامل زمینه‌ساز رضایتمندی از زندگی می‌پردازیم.

عوامل زمینه‌ساز رضایتمندی در زندگی

نعمت‌های بی‌شماری در زندگی جلوه دارد که مطلوب و خوشایند ماست و به سفارش دین، باید در برابر آنها شکرگزار باشیم تا طعم گوارای رضامندی را بچشیم؛ اما حوادث و واقعیت‌هایی نیز در زندگی وجود دارند که برایمان دشوار و ناخوشایند می‌باشند. در این گونه مواقع، به توصیه دین باید صبر و بردباری را پیشه خود سازیم تا به رضایتمندی و آرامش دست یابیم.

به طور کلی، عواملی که زمینه رضایتمندی انسان از زندگی را فراهم می‌سازند، عبارت‌اند از:

۱. توجه به نعمت‌ها

نعمت‌های فراوانی در زندگی وجود دارد که می‌تواند احساس خوشبختی را به انسان دهد؛ ولی چون ناشناخته‌اند، تأثیر خود را ندارند. «وجود نعمت»، تأثیر چندانی در رضایتمندی ندارد؛ بلکه «درک نعمت» و توجه به عنایت‌های الهی، عامل رضایت از زندگی است. بنابراین، راه رسیدن به احساس رضایتمندی، درک داشته‌ها و شناخت نعمت‌هاست. داشته‌های زندگی، در دو سطح قابل بررسی است: ۱. داشته‌های مادی؛ ۲. داشته‌های غیرمادی. اسلام، نعمت را در هر دو سطح مورد توجه قرار داده است؛ رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصُرَ عَمَلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ»^۱ هر که نعمت خدای بلندمرتبه را فقط در خوراک یا نوشیدنی یا پوشاک ببیند، بی‌گمان عملش کوتاه و عذابش نزدیک باشد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۰۱

شناخت کامل از نعمت‌ها نیز نقش مهمی در رضامندی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا طَلَبْتَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا فَرُؤِي عَنْكَ فَأَذْكُرْ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دِينِكَ وَ صَرَفَهُ عَنْ غَيْرِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ آخَرَى أَنْ تَسْتَحِقَّ نَفْسَكَ بِمَا فَاتَكَ»^۱ هرگاه چیزی از دنیا خواستی و از تو باز داشته شد، به یاد آور دینت را، که خداوند به تو داده و از دیگران باز داشته که این، به جای آنچه از دست داده‌ای، سزاوارتر است.»

۲. سنجش زندگی خود با دیگران

یکی از راه‌های شناخت داشته‌های زندگی، استفاده از روش «مقایسه» است. مقایسه، یعنی سنجش زندگی خود با زندگی دیگران. انسان، مایل است زندگی خود را ارزیابی کند. در مقایسه آدمی، موقعیت زندگی خویش و کامیابی یا عدم آن را شناسایی می‌کند. رهاورد مقایسه، شادمانی و رضایت از زندگی همراه با امید و پویایی است و یا ناخرسندی و نارضایتی از زندگی همراه با ناامیدی و ناتوانی.

مقایسه وضع خویشتن با وضع کسانی که در موقعیت برتری قرار دارند، سبب می‌شود که انسان آنچه را دارد، کوچک و ناچیز بشمارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حُزْنُهُ وَ لَمْ يُشَفَّ غَيْظُهُ وَ اسْتَصْغَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقُلُ شُكْرُهُ»^۲ پرهیزید از اینکه به آنچه در دست دنیاداران است، چشم بدوزید که هرکس به آن چشم بدوزد، حزن او طولانی گردد و خشم وی آرام نمی‌گیرد و نعمت الهی را که نزد اوست، کوچک می‌شمرد و در نتیجه، سپاسگزاری او کاهش می‌یابد.»

سنجش زندگی خود با کسانی که از ما پایین‌ترند، نقاط مثبت و امیدوارکننده زندگی را که معمولاً از دیده‌ها پنهان می‌شود، هویدا می‌کند و در برابر دید فرد قرار می‌دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواهد کسی همانند ابوذر را تربیت نماید، به او توصیه می‌کند که از مقایسه زندگی خویش با افراد برتر از خود پرهیز کند؛ بلکه به زندگی پایین‌تر از خویش بنگرد. ابوذر، در این باره می‌گوید:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۴۵؛ محمد بن علی الکرّاجکی، کنز الفوائد، ص ۳۴۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۸.

۲۰۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

«أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ بِسَبْعٍ: أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي...»^۱
رسول خدا مرا به هفت چیز سفارش کرد: اینکه به کسی که پایین تر از من است نگاه کنم و به کسی که بالاتر از من است ننگرم...»

امام صادق علیه السلام به حمران بن اعین می فرماید:

«يَا حُمْرَانُ! أَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ؛^۲ ای حمران! به کسی که در زندگی از تو پایین تر است نگاه کن و به کسی که در زندگی از تو بالاتر است، منگر.»

۳. همسویی با واقعیت ها

انسان، طالب راحتی، آسایش و کامجویی است. از این رو، دنیا را محل برآورده شدن این خواسته ها می دانیم و یا دست کم می خواهیم که چنین باشد؛ اما واقعیت این است که دنیا محل راحتی و آسایش نیست. به همین جهت، ناهماهنگی میان انتظارات و واقعیت ها به وجود می آید و موجب احساس ناکامی می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ... وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛^۳
همانا خداوند بلندمرتبه می فرماید: ... آسایش را در بهشت قرار دادم و مردم آن را در دنیا می جویند. پس، آن را نمی یابند.»

یافتن آنچه وجود ندارد به ناکامی منجر می شود؛ احساس ناکامی موجب افسردگی و نارضایتی خواهد شد.

۴. نداشتن آرزوهای طولانی

آرزوی دُورودراز، یعنی آرزوهایی که از اندازه عمر انسان تجاوز می کند و دنیا ظرفیت زمانی برآوردن آن را ندارد. افراط در آرزوها، یکی از عوامل نارضایتی از زندگی است. امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۴۵؛ احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۶۰؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹.

۳. محمد بن علی احسائی (ابن ابی جمهور)، عوالی اللئالی العزیزیه، ج ۴، ص ۶۱، ح ۱۱.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۰۳

«مَنْ كَثُرَ مُنَاهُ قَلَّ رِضَاهُ»^۱ هرکس آرزوهایش زیاد شود، رضایت او کم می‌گردد.

کسی که صاحب آرزوهای طولانی است، همواره لذت را در چیزی می‌داند که ندارد و از آنچه دارد، بهره‌مند نمی‌شود. چنین افرادی، همواره از آنچه دارند، نالان و ناراضی‌اند و آرزوی چیزهایی را دارند که ندارند. داشتن آرزوی طولانی، یعنی آنچه هست، ناچیز بوده و رضایت‌بخش نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«تَجَنَّبُوا الْمُنَى فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِبَهْجَةِ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ وَ تُلْزِمُ اسْتِصْغَارَهَا لَدَيْكُمْ وَعَلَى قَلَّةِ الشُّكْرِ مِنْكُمْ»^۲ از آرزوها [ی طولانی] بپرهیزید؛ زیرا نشاط‌آوری نعمت‌های الهی را که دارید، از میان می‌برد و آنها را نزدتان کوچک می‌سازد و شما را به کم‌سپاسی وامی‌دارد.

۵. کنار آمدن با سختی‌ها

باید سختی‌های زندگی را به عنوان یک واقعیت پذیرفت و موقعیت‌های ناخوشایند را مهار و مدیریت کرد. نباید در برابر سختی‌ها ایستاد، بلکه باید در کنار سختی‌ها قرار گرفت. قرار گرفتن در کنار سختی‌ها، امکان مدیریت و مهار آنها را به وجود می‌آورد. احنف بن قیس می‌گوید: «بعد از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله کلامی زیباتر از سخن امیر مؤمنان علیه السلام نشنیدم که می‌فرماید:

«إِنَّ لِلنَّكَبَاتِ نَهَایَاتٍ لَا بُدَّ لِأَحَدٍ إِذَا نُكِبَ مِنْ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَيَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا أَصَابَتْهُ نَكْبَةٌ أَنْ يَنَامَ لَهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ مَدَّتْهَا، فَإِنْ فِي دَفْعِهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ مَدَّتِهَا زِيَادَةٌ فِي مَكْرُوهِهَا»^۳ همانا برای سختی‌ها پایانی است که هرکس بدان دچار شد، باید به پایان آن برسد. پس، برای انسان خردمند، زبیده است که هرگاه گرفتاری بدو رسید، کنار آن بیارامد تا زمان آن به سر آید؛ چرا که دفع آن، پیش از سرآمدن زمانش، افزودن بر رنج آن است.

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ح ۷۳۰۴؛ علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۲۴.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ح ۷۲۹۸؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۵، ح ۷.

۳. علی بن حسن بن هبة الله (ابن عساکر دمشق)، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۱۴؛ موفق بن احمد مکی خوارزمی، المناقب خوارزمی، ص ۳۶۴، ح ۳۸۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۷۵۲، ح ۸۶۵۷.

۲۰۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

منظور از پذیرش سختی، تسلیم شدن در برابر مشکل نیست؛ بلکه مقصود، پذیرش صحیح و پویاست. در این نوع پذیرش، فرد بهترین راه رویارویی با موقعیت پیش آمده را انتخاب می کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِيَّاكَ وَالْجَزَعَ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْأَمَلَ وَيُضَعِّفُ الْعَمَلَ وَيُورِثُ الْهَمَّ وَاعْلَمْ أَنَّ الْمَخْرَجَ فِي أَمْرَيْنِ: مَا كَانَتْ فِيهِ حِيلَةٌ فَلَا حَيْثَالُ وَمَا لَمْ تَكُنْ فِيهِ حِيلَةً فَلَا صُطْبَارُ؛^۱ از بی تابی بپرهیز که امید را قطع و کارکردن را ضعیف می کند و اندوه را به ارمغان می آورد و بدان که راه خروج [از این مشکل]، دو امر است: برای آنچه چاره دارد، چاره اندیشی کند و در برابر آنچه چاره ندارد، شکیبایی ورزد.»

۶. نسبت دادن امور به خدا

واقعیت این است که همه چیز بر اساس تقدیر الهی رقم می خورد. تلخ و شیرین زندگی، تحت برنامه ای منظم، هدفمند و حکیمانه قرار دارد. وقتی بدانیم سختی های زندگی بر اساس مقدرات خداوندی رخ داده که رحیم، علیم و حکیم است، رنج مصیبت برایمان کاهش می یابد و موقعیت ناخوشایند را تحمل پذیرتر می سازد. قرآن کریم می فرماید:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلٍ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لَّكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ؛^۲ هیچ بلا و مصیبتی نه در زمین و نه در مورد خودتان رخ نمی دهد، مگر اینکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی ثبت شده است. به یقین [ثبت رویدادها پیش از وقوع] آنها، بر خدا آسان است. [این حقیقت را یادآور شدیم] تا بر نعمت هایی که از دست داده اید، اندوه مخورید و از آنچه خدا به شما ارزانی کرده است، شادمان نباشید.»

وقتی مسلمانان صدر اسلام دچار بحران می شدند، منافقان شاد و خوشحال می گشتند و به آنان طعنه می زدند. خداوند متعال آنها را به تقدیر الهی متوجه می کند و خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۳؛ محمد بن محمد بن اشعث کوفی، الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۳۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۴۴، ح ۲۹.
۲. حدید، آیه ۲۲ - ۲۳.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۰۵

«قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته است. او، مولای ماست و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند.»

اگر بدانیم خدا در همه حال مولای ماست و آنچه اتفاق افتاده، خارج از کنترل او نیست، راحت‌تر می‌توانیم مشکلات را تحمل کنیم. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ حَمَلَ الْأَمْرَ عَلَى الْقَضَاءِ اسْتَرَحَ»^۲ کسی که امورش را بر تقدیر بار کند، آسوده می‌گردد.»

۷. ارزیابی درست زندگی

اگر اتفاقات ناخوشایند را مثبت و درست ارزیابی کنیم و یا دارای بار مثبت بدانیم، قابل تحمل خواهد بود و اگر منفی یا نادرست ارزیابی نماییم، از کنترل ما خارج بوده، غیرقابل تحمل می‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«أَتَرَى اللَّهَ أُعْطِيَ مَنْ أُعْطِيَ مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ وَ مَنْعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ كَلًّا»^۳ آیا می‌پنداری خدا به هرکس چیزی عطا کرده، از سر تکریم او بوده و از هرکس بازداشته، از روی خوارکردن او بوده است، هرگز [چنین نیست].»

در روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده که خداوند متعال فرموده:

«إِنِّي لَمْ أَغْنِ الْغَنَى لِكِرَامَةٍ بِهِ عَلَى وَ لَمْ أَفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانٍ بِهِ عَلَى»^۴ فرد غنی را به این دلیل دارا نکرده‌ام که نزد من، گرامی است و فقیر را به این دلیل محروم نکرده‌ام که نزد من، خوار است.»

۱. توبه، آیه ۵۱.

۲. محمدحسین آل کاشف الغطاء، الفردوس الأعلى، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۳۸۵۰.

۳. محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (عیاشی)، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۰۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۲۰؛ ابن همام اسکافی، التمهیص، ص ۴۷؛ علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۲۸۸.

۴. تقویت توان بردباری

وقوع حوادث غیرمنتظره و تلخ، در بسیاری از موارد به یکباره توان انسان را کاهش می‌دهد. به همین جهت، نیازمند چیزی هستیم که توان روحی و روانی ما را تقویت کند تا بتوانیم مشکلات را به درستی حل کنیم یا با آنها کنار بیاییم. قرآن کریم می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱ از صبر و نماز یاری بجوید. همانا خداوند با صابران است.

در تفسیر آیه، آمده که مراد از صبر، روزه است. به اختصار می‌توان گفت که با روزه گرفتن توان مقاومت افزایش می‌یابد. روزه‌دار به اختیار خود، بسیاری از کارهایی را که برای او خوشایند است، ترک می‌کند و رنج محرومیت را بر خوشتن هموار می‌سازد و این، تمرینی است برای افزایش توان بردباری. علاوه بر آن، توجهات و عنایت‌های خداوند نصیب روزه‌دار می‌گردد که موجب افزایش توان مقاومت انسان می‌شود.

از سوی دیگر، نماز برقراری پیوند با خداست؛ خداوندی که هم مهربان است و هم مقتدر و شکست‌ناپذیر. ارتباط با چنین منبع رحمت و قدرتی، پشتوانه بسیار مهمی به شمار می‌رود که انسان را همانند فولاد مقاوم می‌سازد. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه محزون می‌گشت، به نماز پناه می‌برد. در سیره حضرت آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ»^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه بود که هرگاه چیزی او را محزون می‌ساخت، به نماز پناه می‌برد.

امام صادق علیه السلام در دستور عملی اخلاقی می‌فرماید:

«اتَّخِذْ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ غَلِظَيْنِ مِنْ أَعْلَظِ ثِيَابِكَ وَصَلِّ فِيهِمَا ثُمَّ اجْثُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَاصْرُخْ إِلَى اللَّهِ وَ سَلِّهِ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ وَ إِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللَّهُ مِنْكَ كَلِمَةً بَغْيٍ وَ إِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ وَ عَشِيرَتُكَ»^۳

در خانه‌ات محلی برای نماز قرار ده. پس، هرگاه از چیزی هراسیدی، دو قطعه از خشن‌ترین لباس‌هایت را بپوش و با آنها نماز بخوان. سپس، بنشین و به سوی خدا ناله کن و بهشت را از او بخواه و از شر چیزی که از آن می‌ترسی، به خدا پناه ببر و بپرهیز از اینکه

۱. بقره، آیه ۱۵۳.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۷۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۰.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۰۷

خداوند کلمه جفایی از تو بشنود (نفرین نکن)؛ هرچند آن کلمه برای تو و خانواده‌ات خوشایند باشد.»

۸. درک همراهی خدا با انسان

هنگام بروز سختی‌ها و گرفتاری‌ها، آدمی گمان می‌کند که خداوند او را فراموش کرده است. این تصور، احساس تنهایی و بی‌یاری را در پی دارد؛ اما واقعیت این است که خداوند همواره همراه انسان است. باور به این حقیقت، به امید و توان آدمی می‌افزاید؛ چنان‌که در این باره آیاتی چند وجود دارد.

وقتی خواستند حضرت ابراهیم علیه السلام را به سوی آتش پرتاب کنند، میکائیل علیه السلام آمد و گفت: «خزانه‌های آب و باران به دست من است. اگر می‌خواهی آتش را خاموش کنم. فرمود: نه. آن‌گاه جبرئیل گفت: پس، از خدا بخواه! حضرت فرمود: «همین‌که می‌داند در چه حالی هستم، کافی است.»^۱

۹. انتظار گشایش

از ویژگی‌های برخی افراد در موقعیت‌های ناخوشایند، این است که می‌پندارند سختی‌ها ماندگار هستند و پایانی ندارند؛ اما واقعیت آن است که تمامی مشکلات، روزی به انتها می‌رسند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ لِلْمُحَنِ غَايَاتٍ وَلِلْغَايَاتِ نِهَائَاتٍ فَاصْبِرُوا لَهَا حَتَّى تَبْلُغَ نِهَائَاتُهَا»^۲ همانا، محنت‌ها، پایانی دارد و هر چیز به فرجام می‌رسد. پس، در محنت‌ها صبر کنید تا به پایان برسند.»

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روبه‌روی دیواری نشسته بودند که سوراخی در آن بود. ایشان به سوراخ دیوار اشاره کرد و خطاب به یاران خود فرمود:

«لَوْ جَاءَ الْعُسْرُ فَدَخَلَ هَذَا الْحَجَرُ، لَجَاءَ الْيُسْرُ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَيْهِ فَيُخْرِجَهُ»^۳ اگر سختی آید و وارد این سنگ شود، پس از آن، آسانی می‌آید تا وارد سنگ شود و سختی را بیرون کند.»

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۵۵، ح ۷۰.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۱۷۷۷؛ علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۷.

۳. عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۶۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۴.

۱۰. مثبت‌نگری

آنچه موقعیت ناخوشایند را غیرقابل تحمل می‌سازد، این است که انسان منفی‌نگر باشد و هیچ دریچه‌امیدی به روی خود نگشاید. در این وضعیت، ممکن است نقاط مثبت و امیدوارکننده وجود داشته باشند؛ اما مورد توجه قرار نگیرند. آنچه مایه آرامش و رضایتمندی می‌شود، درک و توجه به جنبه‌های مثبت زندگی است.

مراد از مثبت‌نگری، خیال‌پردازی غیرواقعی نیست؛ بلکه مثبت‌نگری دینی، یعنی توجه به واقعیت‌های خوب و خوشایند زندگی. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا خَيْرَ فِي عَبْدٍ شَكَاهُ مِنْ مِحنةٍ تَقَدَّمَهَا أَلْفُ نِعْمَةٍ وَاتَّبَعَهَا أَلْفُ رَاحَةٍ؛^۱ هیچ خیری نیست، در بنده‌ای که از گرفتاری خود شکایت می‌کند و حال آنکه در گذشته هزاران نعمت داشته و هزاران راحتی در آینده به او خواهد رسید.»

یکی از تجار مدینه که از وضع مالی خوبی برخوردار بود و با امام صادق علیه السلام آشنایی داشت، روزگار وی دگرگون شد و به امام شکایت کرد. حضرت برای آرام‌ساختن وی فرمود:

فَلَا تَجْزَعْ وَ إِنْ أَعْسَرْتَ يَوْمًا فَقَدْ أُيسِّرْتَ فِي زَمَنِ طَوِيلٍ
فَلَا تَيْأَسْ فَإِنَّ الْيَأْسَ كُفْرٌ لَعَلَّ اللَّهَ يُغْنِي عَنْ قَلِيلٍ^۲

«بی‌تابی نکن که اگرچه روزگاری چند تنگدست شده‌ای، اما روزگاری طولانی در راحتی و آسایش بوده‌ای. ناامید نباش که ناامیدی کفر است. شاید خداوند تو را به‌زودی بی‌نیاز کند.»

شخصی به نام ابوهاشم جعفری، به‌شدت گرفتار شده، در تنگنای سختی قرار می‌گیرد. وقتی خدمت امام هادی علیه السلام می‌رسد تا از وضع خود شکایت کند، حضرت خطاب به او می‌فرماید:

«يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا؟^۳ ای هشام! کدام یک از نعمت‌های خدای بلندمرتبه را می‌خواهی سپاس‌گزاری؟» ابوهاشم می‌گوید: سکوت کردم و ندانستم چه جوابی بدهم. حضرت خود آغاز به سخن کرد و فرمود:

۱. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ص ۱۸۳؛ زین‌الدین بن علی جبعی عاملی

(شهید ثانی)، مُسَكِّنُ الْفَوَادِ، ص ۵۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۳۱.

۲. محقق اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۱۶۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۰۳.

۳. شیخ صدوق، الأُمالی، ص ۴۱۲.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۰۹

«رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرَّمَ بِدَنِكَ عَلَى النَّارِ وَرَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانَتْكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَرَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانَكَ عَنِ التَّبَدُّلِ»^۱ ایمان را روزی تو ساخت و در نتیجه، بدنت را بر آتش حرام کرد. سلامتی را روزی تو ساخت، پس تو را بر اطاعت خدا یاری کرد و قناعت را روزی ات نمود و تو را از اسراف مصون داشت.»

۱.۱. امید به پاداش الهی

رنجی که پاداشی به دنبال نداشته باشد، دردآور است. وقتی انسان باور کرد که در برابر هر سختی پاداشی می‌گیرد، تحمل آن آسان می‌شود. شمار قابل توجهی از آیات و روایات، به بیان پاداش‌های صابران اختصاص دارد؛ زیرا یکی از عواملی که صبر را تحریک و تقویت می‌کند، پاداش است. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

«لَوْ تَعْلَمُونَ مَا ذُخِرَ لَكُمْ مَا حَزَنْتُمْ عَلَى مَا زُوِيَ عَنْكُمْ»^۲ اگر آنچه را برای شما ذخیره شده، بشناسید، بر آنچه از شما گرفته شده، غمگین نمی‌شدید.

گویند یدالله بن ابی‌یعفور به‌شدت بیمار شد و از دردهای خود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت در پاسخ وی فرمود:

«لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرْضٌ بِالْمَقَارِضِ»^۳ اگر مؤمن می‌دانست که چه اجری در مصیبت‌ها دارد، آرزو می‌کرد که با قیچی قطعه‌قطعه شود.

۱.۲. توجه به زمان حال

هنگام ورود سختی و بلا، برخی افراد ناخوشایندی حال را به گذشته و آینده خویش عمومیت می‌دهند و این‌گونه، اندوه گذشته و حال و آینده را بر زمان حال می‌افزایند. زنده‌کردن اندوه گذشته، موجب می‌شود که رنج و غم یک حادثه ناخوشایند، بارها تجربه شود و نگرانی از رنج‌های نیامده باعث درد و رنجی می‌شود که هرگز با آن روبه‌رو نشده‌ایم. بدیهی است که چنین فشار سنگین روانی، خردکننده و شکننده خواهد بود.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۱؛ شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۴۱۲.

۲. احمد بن حنبل، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۲۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۱۴.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۵؛ ابن ابی‌فراس، *مجموعه ورام*، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ابن همام اسکافی، *التمحیص*، ص ۳۲؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۶۷، ص ۲۱۲، ح ۱۷.

۲۱۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

زندگی، لحظه حال است و رنج و عذاب هر حادثه ناخوشایند، نباید بیش از یک بار تجربه شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَوْ لَا تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا سَاعَةٌ بَيْنَ سَاعَتَيْنِ سَاعَةٌ مَضَتْ وَ سَاعَةٌ بَقِيَتْ وَ سَاعَةٌ أَنْتَ فِيهَا؛^۱ آیا نمی‌بینی که دنیا ساعتی بین دو ساعت است؛ ساعتی که گذشت و ساعتی که نیامده و ساعتی که اکنون در آن هستی؟!»

بر اساس همین اصل، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدُ لَهُ أَلَمًا وَ لَا سُرُورًا وَ مَا لَمْ يَجِئْ فَلَا تَذَرِ مَا هُوَ وَ إِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا؛^۲ بر دنیا بردبار باشید که ساعتی بیش نیست. از این رو، آنچه را گذشته، نه رنج آن را درمی‌یابی و نه سرور آن را، و آنچه را نیامده، نمی‌دانی که چیست. همانا دنیا، همین ساعتی است که اکنون در آن هستی.»

۱۳. یادآوری سختی‌های بزرگ‌تر

تصور انسان گرفتار، این است که سختی او، بزرگ‌ترین سختی‌هاست و هیچ‌کس همانند او مصیبت ندیده است. اگر موقعیت تلخ با وضعیت بهتر مقایسه شود، بزرگ‌تر از آنچه هست، نمایان می‌گردد و اگر با وضعیت بدتر مقایسه شود، کوچک‌تر و قابل تحمل‌تر ارزیابی می‌گردد. بر همین اساس، یکی از عواملی که می‌تواند موقعیت ناخوشایند را برای ما قابل تحمل ساخته و ما را به صبر برساند، مقایسه وضعیت خود با موقعیت‌های سخت‌تر و دشوارتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْهُ؛^۳ هرگاه یکی از شما به کسی نگاه کرد که در مال و جمال از او برتر است، به آن کسی که پایین‌تر است، نظر نماید.»

۱. ابن ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، ج ۶، ص ۳۷۷؛ ابن شعبه

حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۹؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۰۲.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۸۷؛ دیلمی، أعلام‌الدین، ص ۲۳۳، فیما نزل الله

علی عیسی بن مریم من الوعظ.

مجلس شانزدهم: عوامل رضایتمندی از زندگی ■ ۲۱۱

کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مرا به چیزی سفارش کنید. حضرت در میان توصیه‌های خود، به وی فرمود:

«وَإِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فَادْكُرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا، وَلَنْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا»^۱ و هرگاه به مصیبتی گرفتار شدی، مصیبت [فقدان] رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آورد که مردم به مصیبتی همانند آن، دچار نشده‌اند و به مصیبتی همانند آن، گرفتار نخواهند شد.»

مصیبت فقدان پیغمبر، بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست.^۲ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: ما با همین روش، خود را آرام ساخته، مصیبت‌ها را تحمل‌پذیر می‌کنیم.^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۸؛ شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۸۱، ح ۱۴۴۸؛ شیخ مفید، الأمالی، ص ۱۹۴.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَلْيَذْكُرْ مُصِيبَتَهُ فِي فَإِنَّهَا أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ.» (عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۴۵؛ شهید ثانی، مسکن الفوائد، ص ۱۱۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۷۳)

۳. «أَنَا قَدْ وَطَّنَا أَنْفُسَنَا أَنْ نَصْبِرَ عَلَى كُلِّ مُصِيبَةٍ بَعْدَ مُصَابِنَا بِرَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنَّهَا أَعْظَمُ الْمُصِيبَةِ.» (شیخ مفید، الأمالی، ص ۷۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۳۰؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۴)

مجلس هفدهم

حق خواهی دانش هسته‌ای ایران

دکتر رضا عیسی‌نیا*

مقدمه

مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در دو مقطع زمانی با ابعاد یا رویکردهای فنی - حقوقی، اقتصادی و سیاسی مورد بحث و گفت‌وگو قرار داد؛ یعنی دو برهه زمانی کاملاً متفاوت و متضاد؛ برهه‌ای که قدرت‌های بزرگ خارجی، نه تنها مانع از هسته‌ای شدن ایران در دوران پهلوی دوم نمی‌شدند، بلکه کشورهایی چون آمریکا آموزش متخصصان امور هسته‌ای، و کشورهایی مانند آلمان و فرانسه تهیه و تحویل فناوری هسته‌ای را به ایران متقبل شده بودند؛ ولی همین کشورها، در برهه پس از انقلاب اسلامی، یعنی دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران، به مخالفت و مانع‌تراشی در همه ابعاد قضیه، علیه جمهوری اسلامی ایران برخاستند و مسائل هسته‌ای ایران را که از لحاظ فنی و اقتصادی، مشکلی برای کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد نمی‌کرد، به مشکلات سیاسی گره زده، مانع تأسیس و راه‌اندازی مراکز هسته‌ای ایران در خوزستان، اراک یا اصفهان شدند حتی کار را پس از

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تحریم‌ها به جایی کشاندند که پرونده هسته‌ای ایران از محل بررسی اصلی خود، یعنی «آژانس انرژی هسته‌ای» به مراکز دیگری که صلاحیت بررسی هسته‌ای را از حیث فنی نداشتند، مانند شورای امنیت سازمان ملل کشیده شد. اگرچه دشمنان، کار را روزبه‌روز برای جمهوری اسلامی ایران سخت‌تر کردند، اما مردم و مسئولان در این راه، دست‌به‌دست هم داده، همدل و یک‌صدا و مصمم‌تر گام برداشتند تا بتوانند حقوق اولیه ملت شریف ایران را، با حفظ اصول سه‌گانه سیاست خارجی، یعنی: عزت، حکمت و مصلحت تحقق ببخشند.

بعد فنی و حقوقی دانش هسته‌ای

اولین قدم جدی در زمینه بهره‌گیری از علوم هسته‌ای در ایران، در سال ۱۳۳۵ش برداشته شده است و در ۱۵ اسفند همین سال، موافقت‌نامه همکاری بین ایران و آمریکا در خصوص استفاده غیرنظامی از انرژی هسته‌ای امضا شد. پس از این جریان بود که دانشگاه تهران، مرکزی را تحت عنوان «مرکز اتمی دانشگاه تهران» برای آموزش پژوهش هسته‌ای تأسیس کرد و در سال ۱۳۵۱ش، به عضویت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) پیوست^۱ و در سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس شد و با آژانس موافقت‌نامه پادمان را امضا کرد. به دنبال آن، آمریکایی‌ها متعهد شدند از طریق انرژی هسته‌ای، ۲۲ هزار مگاوات برق برای ایران تأمین کنند. آنها خود پیشنهاددهنده، تأمین‌کننده و حتی برنامه‌ریز انرژی هسته‌ای ایران بودند. علاوه بر آمریکا، شرکت‌های اروپایی مانند «زیمنس» آلمانی تعهد کرد که نیروگاه‌های هسته‌ای، و شرکت «اوریدف» فرانسوی هم سوخت هسته‌ای را تأمین نمایند. اریدوفِ فرانسه به ایران پیشنهاد داد برای اینکه بتواند سوخت هسته‌ای را به دست آورد، باید به طور مستمر در اوریدف سرمایه‌گذاری کند و اگر سرمایه‌گذاری نماید، طبق اساس‌نامه آن، کسانی که در آنجا سهام‌دار هستند، شرکت مذکور نمی‌تواند از دادن اورانیوم غنی‌شده به سهام‌داران خودداری کند.^۲

چون آمریکا بخش حمایت علمی انرژی هسته‌ای ایران را پذیرفته بود، بدین جهت، از سازمان انرژی اتمی و دانشگاه‌های ایران حدود چهارصد نفر به آمریکا اعزام شدند که تقریباً

۱. محمودرضا گلشن‌پژوه، پرونده هسته‌ای ایران روندها و نظرها، ص ۲۱۳ - ۲۲۲.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۳۲ - ۳۵.

مجلس هفدم: حق‌خواهی دانش هسته‌ای ایران ■ ۲۱۵

۳۵۰ نفر آنها از سازمان انرژی اتمی بودند. قرار شد این افراد در دو سه رده (تکنسین، کارشناس و فوق لیسانس) در آنجا تحصیل کنند؛ ولی از آن‌رو که ورود افراد فوق‌الذکر به آمریکا مقارن با انقلاب اسلامی ایران بود، آمریکا از ایران حمایت نکرد و دانشجویان را از پرداختن به مسائل هسته‌ای منصرف کرد یا از کشور خود اخراج نمود. در مورد فناوری هسته‌ای، یعنی نیروگاه‌ها قرار بود زیمنس آنها را تأمین کند^۱، به هر حال در وهله اول، طی یک برنامه پانزده‌ساله طراحی شده، حدود هشت نیروگاه اتمی از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ برنامه‌ریزی گردید و قرارداد ساخت با پیمانکاران خارجی به امضا رسید. نیروگاه‌های اتمی که قرار بود در ایران احداث شوند و به نوبه خود می‌توانستند چیزی حدود ده‌هزار مگاوات برق تأمین کنند، به این شرح بودند:

نخستین آن در بوشهر، دومی در دارخوین (خوزستان)، سومی نیروگاه اتمی اصفهان و چهارمی نیروگاه اتمی ساوه بود. در سال ۱۳۵۷ و هنگام وقوع انقلاب اسلامی به غیر از واحدهای یک و دو، نیروگاه اتمی بوشهر به لحاظ ساخت نسبتاً پیشرفت کرده؛ اما نیروگاه دارخوین در مرحله شروع کارهای اجرایی بود و نیروگاه اصفهان نیز در مرحله بررسی و مذاکره قرار داشت که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و همه کارها تعطیل شد.^۲

پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، چون ایران در تعامل و همکاری با آمریکا قرار داشت، آمریکا با دسترسی انرژی هسته‌ای ایران، نه تنها مخالف نبود، بلکه بر این باور بود که اگر ایران به انرژی هسته‌ای مجهز شود، مسئله‌ای پیش نخواهد آمد^۳ و همانند کره جنوبی و یا مصر می‌شود؛ اما با بروز انقلاب اسلامی، همه چیز تغییر کرد. ابتدا آمریکایی‌ها به آلمانی‌ها گفتند که بقیه فناوری و تأسیسات اتمی را به ایران ندهند. فرانسه^۴ (= اوریدف) نیز برخلاف

۱. علی خرم، مذاکرات هسته‌ای و مشکلات فراروی آن، سلسله نشست‌های علمی مسائل روز پژوهشکده

علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۱۸ - ۲۰؛ مرکز اسناد و تاریخ

دیپلماسی، تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۳۸ - ۵۶.

۳. محمدحسین دریایی، مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ توافق ژنو، ص ۸۴ - ۸۹؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی،

تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۹۰.

۴. محمودرضا گلشن‌پژوه، پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، ص ۲۲۲.

اساس نامه - با اینکه ایران هنوز سهامدار آن است^۱ - به کشورمان رسماً اعلام کرد که به شما سوخت و «کیک زرد» نمی‌دهیم. آمریکا نیز به دانشجویان و کارشناسان هسته‌ای که از ایران به آنجا اعزام شده بودند، اعلام کرد که می‌توانید برگردید یا پناهنده شوید و یا خودتان ادامه تحصیل دهید که بیشتر دانشجویان در دسته سوم قرار گرفتند. خلاصه اینکه با وجود مواضع سه کشور: آمریکا، فرانسه و آلمان که متعهد شده بودند در امر انرژی هسته‌ای با ایران همکاری کنند، علناً فعالیت هسته‌ای در ایران متوقف گردید.

با تحقق انقلاب اسلامی ایران و با مخالفت‌های کشورهای مذکور در همکاری‌های هسته‌ای، عملاً تا مدت‌ها صحبتی از مسائل هسته‌ای نبود و به عبارتی، علل متعدد از جمله جنگ، فرصت تکمیل و پرداختن به طرح‌های هسته‌ای را از ایران گرفته بود تا اینکه با پایان جنگ تحمیلی و در دوران بازسازی، جمهوری اسلامی ایران به توسعه انرژی اتمی توجه کرد؛^۲ چون از سویی دستاوردهای جنگ عراق علیه ایران، چیزهایی را به ما آموخت و آمریکا، آلمان و فرانسه درهایشان را به روی ایران بستند، از سوی دیگر، کشورمان در داخل، منطقه و جهان از نظر فناوری و اقتصادی با کاهش چشمگیری مواجه شده بود. ازاین‌رو، ایران برای اعاده حیثیت و غرور ملی خود، درصدد برآمد که راه برخورداری از فناوری هسته‌ای را خودش طی کند؛ ولی سؤالی که مطرح است، این است که چرا و از کجا قضیه تقابل هسته‌ای شروع شد و چه وضعیتی پیدا کرد؟ به عبارتی، چطور شد که مسئله هسته‌ای ایران از جهت فنی و حقوقی مشکل‌آفرین شد؟

در پاسخ به این پرسش به طور اجمال می‌توان گفت: ایران به دلیل حمایت کشورهای بزرگ از عراق در جنگ، مجبور شد که قدرت فنی و اقتصادی خود را در راستای برنامه‌های آژانس افزایش دهد؛ اما برخی از اقدام‌ها و گزارش‌های آژانس که نشان‌دهنده عدم استقلال این سازمان بین‌المللی بود، باعث شد که روند فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که از ابتدا به دنبال دستیابی به توانایی علمی و فناوری در زمینه هسته‌ای به

۱. امیر شهیار امینیان، موج زنده: روایت مستند تلاش ایرانیان برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای،

ص ۴۱.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان، ص ۵۴۵.

مجلس هفتم: حق خواهی دانش هسته‌ای ایران ■ ۲۱۷

منظور بهره‌گیری از آن در تأمین نیازهای صلح‌آمیز از جمله انرژی بود، با مشکلاتی مواجه گردد. بنابراین، حل مسئله فعالیت هسته‌ای ایران، سه راه حل پیش پای تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران قرار داد: ۱. تعلیق دائمی فعالیت‌های هسته‌ای؛ ۲. مذاکره با قدرت‌های اصلی دارنده انرژی هسته‌ای، به‌ویژه آمریکا؛ ۳. مذاکره با سازمان‌های اصلی فعال در این زمینه.

راه حل اول، در سال ۱۳۸۲ اصولاً قابل پیاده‌شدن و تحقق نبود؛ چون جمهوری اسلامی ایران هجده سال برای این کار سرمایه‌گذاری کرده بود و دنبال تولید سلاح هسته‌ای نبود.

راه حل دوم نیز به دلیل شرایط داخلی و تقابل عقیدتی مقدور نبود.^۱ بنابراین، فقط راه حل سوم باقی ماند. در این راهکار، چون آژانس استقلالی از خود نداشت و اوامر قدرت‌های استکباری را به اجرا می‌گذاشت، نخواست و نتوانست وظایف خود را در بُعد فنی و حقوقی که مربوط به آژانس بود،^۲ به‌درستی انجام دهد. عمل آژانس موجب شد که مسئولان جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۸۲ش، باب مذاکرات با آژانس را تعطیل کرده، سراغ اتحادیه اروپا بروند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران در ابتدا با پروتکل الحاقی موافقت نکرد و به آن نپیوست، ولی به دلایلی، در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳م پروتکل الحاقی را امضا کرد^۳ تا در بازرسی‌های بعدی، معیارهای پروتکل اعمال شود. ازاین‌رو، قضیه انرژی هسته‌ای ایران را به بُعد امنیتی و سیاسی تبدیل کردند؛ زیرا NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را امضا کرده بودیم و باید بر همان اساس اقدام می‌کردیم؛ وقتی پروتکل را امضا کردیم، یعنی با امضای موافقت‌نامه تهران - پاریس، نشان دادیم که دیگر آژانس یا NPT نیست که در مورد مسئله هسته‌ای ایران نظارت و کنترل می‌کند؛ بلکه با این کار، پذیرفتیم که چیزی به NPT اضافه شده است. بنابراین، با تغییراتی که در سال ۲۰۰۵م (= ۱۳۸۴ش) رخ داد و به راه‌اندازی کارخانه یو.سی.اف (UCF) در اصفهان و کنار گذاشتن تعلیق از سوی جمهوری اسلامی ایران منتهی گردید، کار برای ما مشکل‌تر شد؛ چون پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع گردید.^۴

۱. داود غرایاق زندی، *ایران: مسئله هسته‌ای*، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. حسن روحانی، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان*، ص ۵۴۶ - ۵۴۷.

بُعد سیاسی دانش هسته‌ای

در مورد اینکه چرا موضوع هسته‌ای ایران به معضل سیاسی تبدیل شده است، علت به این موضوع برمی‌گردد که ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش تا پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین یار و متحد آمریکا بود. از این‌رو، هیچ‌گونه مانعی بر سر راه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش وجود نداشت^۱ و می‌توانست همه تأسیسات هسته‌ای را که در متن توضیح دادیم، داشته باشد؛ زیرا خلاف منویات آمریکا عمل نمی‌کرد؛ اما با ظهور انقلاب اسلامی، داشتن حتی ذره‌ای از امکانات هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ممنوع شد.

علت اینکه ایران از سال ۱۳۸۲ش در دایره توجه بین‌المللی قرار گرفت، این است که آمریکا در راستای راهبرد قرن ۲۱، سه کشور عراق، ایران و کره شمالی را به عنوان محورهای شرارت یاد کرد که با سلاح‌های غیرمعارف خود، امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کنند. اوج فشارهای آمریکا پس از اشغال عراق، متوجه ایران شد^۲ تا از این طریق، تکلیفش را با آنها، به‌ویژه با کشورمان که ماهیتی ضد سلطه داشت، یک‌سره کند. از این‌رو، هنگامی که عراق را شکست دادند و وارد خاک آن شدند، حدود هفت روز پس از آن، پرونده ایران را در آژانس به جریان انداختند و آژانس را وادار کردند تا روی قضیه هسته‌ای ایران متمرکز شود؛^۳ چون می‌دانستند که ایران در چه مرحله‌ای است.

آمریکا در اسفندماه ۱۳۸۱ش پرونده ایران را با توجه به اطلاعاتی که از فضای اقتصادی داخلی و فضای سیاسی جهانی داشت، در آژانس مطرح کرد و خواستار بررسی آن شد. اگرچه کشورهای دنیا در آن زمان به جهت اشغال عراق توسط آمریکا، خیلی با آمریکایی‌ها همراهی نمی‌کردند، ولی حدود هفت ماه بعد، وضعیت تغییر کرد و در سطح بین‌المللی فضا سازی منفی و شدیدی علیه ایران به وجود آمده بود. وضع در داخل ایران هم به دلیلی همچون عدم همراهی عده‌ای از نمایندگان مجلس ششم با ادامه پروژه هسته‌ای و مسائل دیگر^۴، موجب شد که مسئولان جمهوری اسلامی ایران اولتیماتوم را جدی بگیرند. بنابراین، در سپتامبر ۲۰۰۳ (= شهریور ۱۳۸۲) قطعنامه بسیار شدیدی علیه ایران در شورای حکام

۱. همان، ص ۹۴.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۳۰.

۳. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۱۲۱.

۴. همان.

مجلس هفتم: حق خواهی دانش هسته‌ای ایران ■ ۲۱۹

آژانس تصویب شد^۱ که طی آن، جمهوری اسلامی ایران به نقض قرارداد پادمان و انجام امور مخفیانه متهم گردید؛ یعنی متهم شد که در صدد ساخت بمب اتم است. مفاد پروتکل از ایران می‌خواست که با امضای آن، عملاً فعالیت‌های غنی‌سازی را تعلیق نماید.

چون آمریکایی‌ها پس از انقلاب اهداف دیرینه‌شان این بود که به بهانه‌ای ایران را به شورای امنیت بکشانند، با کشورهای مختلف رایزنی می‌کردند تا فشار علیه ایران افزایش یابد و پرونده ایران به شورای امنیت داده شود. از این‌رو، بعد از تصویب و پذیرش پروتکل الحاقی پرونده هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل داده شد.

توضیح بیشتر درباره بُعد سیاسی هسته‌ای این است که بر اساس NPT جهت انجام فعالیت‌های هسته‌ای، مجاز بودیم؛ زیرا همه چیز را به آژانس اطلاع می‌دادیم و آژانس تأیید کرده بود که ایران به سوی ساخت سلاح هسته‌ای نرفته؛ اما آمریکا می‌گفت: درست است که ایران به سمت سلاح هسته‌ای نرفته، اما اگر بخواهد، طی چند ماه می‌تواند به این توانمندی برسد و ما از این مسئله نگران هستیم. آژانس در پاسخ می‌گفت: وظیفه ما جلوگیری از فعالیت‌های ایران به جهت ترس از دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست؛ وظیفه ما این است که مواظب باشیم ایران به سمت سلاح هسته‌ای نرود.

آمریکا و اروپا در مذاکرات با ایران دچار مشکل شده بودند. آنها ضمن اینکه چیزهایی مانند: بیانیه تهران، موافقت‌نامه پاریس^۲ و پروتکل الحاقی را به خورد ما دادند، اما از نظر حقوقی با مشکل مواجه شده بودند؛ چون دیگر کشورهای جهان، می‌پرسیدند که چرا آمریکا و اروپا به ایران زور می‌گویند؛ مگر فعالیت‌های ایران در چارچوب NPT و در نتیجه، معقول، منطقی و حقوقی نیست؟

آمریکا و اروپا در پاسخ بازماندند و چون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایران در اواخر ۲۰۰۴ و اوایل سال ۲۰۰۵، مسئله هسته‌ای و شیوه حل و فصل آن، به شدت به موضوعات سیاسی داخلی مربوط به مبارزات انتخاباتی و تعاملات جناحی در ایران گره خورده بود،^۳ قدرت‌های خارجی پیش از انتخابات به این نتیجه رسیدند که اگر در جریان انتخابات ایران شخصی بر سر کار بیاید که بتواند با او کار کنند، قضیه هسته‌ای ایران را به

۱. همان، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۳۰۵ به بعد.

۳. همان، ص ۳۵۵.

۲۲۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

گونه‌ای دیگر پیش می‌برند؛^۱ ولی چون به نتایج پیش‌بینی انتخاباتی خودشان نرسیدند، آمریکا تلاش کرد که پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد؛^۲ اما حقیقت آن بود که دیگر دوران اداره جهان توسط یک قدرت برتر، به‌تنهایی به سر رسیده بود.

آمریکا تلاش داشت که برای اقدامات و دخالت‌های خود در کشورهای دیگر، به هر بهانه - ای متوسل شود؛ چه به بهانه مبارزه با تروریسم یا به بهانه حمایت از حقوق بشر و اجرای دموکراسی. برای این کار، لازم بود که کشورهای دیگر را با خود همراه سازد. به همین هدف، بهترین شیوه، قانونی کردن عملکرد خود در قالب سازمان ملل بود. از این‌رو تلاش کرد مسئله هسته‌ای ایران را به شورای امنیت بکشاند و در این کار موفق شد؛ چون با اعلام پایان تعلیق UCF اصفهان و آغاز به کار آن در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ از طرف ایران، فضای بین‌المللی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران متشنج شد. نُه ماه از دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد گذشته بود که پرونده هسته‌ای ایران در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ ش به شورای امنیت ارجاع داده شد و در مجموع، شش قطعنامه علیه کشورمان صادر شد که بر اساس این قطعنامه‌ها، ایران نباید از هیچ فعالیت تجاری مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و دیگر مواد هسته‌ای یا فناوری دیگر کشورها، بهره‌مند شود، چنان‌که تمامی کشورها باید از انتقال هرگونه تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، توپخانه کالیبر بالا، کشتی‌های نظامی، موشک و سیستم‌ها و قطعات مرتبط با آنها به ایران خودداری کنند. همچنین تحریم‌های اقتصادی شدیدی علیه ایران وضع گردید.^۳

همچنان‌که گفته شد، سرکارآمدن دولت آقای احمدی‌نژاد که در نگاه اروپایی‌ها دولتی افراطی تلقی می‌شد، بر شدت تشنج افزود. بنابراین، معادلات هسته‌ای ایران در دولت

۱. همان، ص ۴۹۲.

۲. همان، ص ۳۶۱.

۳. پایگاه اینترنتی خبرگزاری فارس، «نیم‌نگاهی به شش قطعنامه شورای امنیت درباره برنامه هسته‌ای

ایران»، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۸/۲۵، نشانی:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930824000562>

همچنین رک: پایگاه اینترنتی سازمان انرژی هسته‌ای ایران، نشانی:

<http://www.aeoi.org.ir/Portal/Home>

مجلس هفدم: حق خواهی دانش هسته‌ای ایران ■ ۲۲۱

هشتم، در تقابل کامل و علنی با آمریکا قرار گرفت؛ چون تیم هسته‌ای در دولت هشتم، نیاز به مذاکره با اروپا را قطع کرد، همچنین قطعنامه شورای حکام در شهریور ۱۳۸۴ را که بسیار خطرناک بود، جدی نگرفت؛^۱ زیرا به لحاظ حقوقی، ایران ناقض NPT شناخته شد و کار را برای ما سخت‌تر کرد؛ چراکه ایران باید تلاش دوجندانی داشته باشد تا پرونده هسته‌ای خود را به جایگاه اولش برگرداند؛ یعنی پرونده‌ای را که در آژانس بوده و به شورای امنیت رفته، باید دوباره با هزینه‌ای بسیار به آژانس برگرداند. مذاکرات ایران با کشورهای ۵+۱ در ژنو، استانبول، بغداد، مسکو، آلماتی و دوباره ژنو، در همین راستا بوده و ادامه دارد.

در انتها، این سؤال مطرح است که آیا ایران توانسته به هدف پیش‌گفته خود در انرژی هسته‌ای، یعنی تأمین انرژی، پیشرفت اقتصادی و علمی دست پیدا کند؟ به طور اجمال، می‌توان گفت که ایران در زمینه فناوری هسته‌ای، پیشرفت خوبی داشته، همین که توانسته غنی‌سازی را با وجود تمامی تحریم‌ها، به بیست درصد برساند، به‌نوعی به رشد و پیشرفت علمی نزدیک شده، دستاورد قابل توجهی به دست آورده است.

بعد اقتصادی دانش هسته‌ای

مسئله هسته‌ای، چه نقشی در اقتصاد ایران ایفا می‌نماید؟ آیا از حیث اقتصادی این ارزش و اهمیت وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، برای کسب انرژی هسته‌ای این همه هزینه کند؟

برای یافتن پاسخ، باید به دامنه و قلمرویی که می‌شود از این منبع بهره‌برداری کرد، عنایت داشت؛ مثلاً در قلمرو برق یا در قلمرو مسائل پزشکی و از این دست موارد. متخصصان گفته‌اند: احتیاج ایران به انرژی برق با رشد سالانه از شش درصد به هشت درصد، بر مبنای برآوردی که از رشد جمعیت تا شمار صد میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ شده است، ایران باید به فکر توسعه استفاده خود از انرژی هسته‌ای باشد.^۲ بررسی‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد که از نظر اقتصادی، تولید سوخت هسته‌ای در داخل بسیار به‌صرفه است.

پیش از ارائه پاسخ تفصیلی، باید نخست این سؤال را مطرح کرد که آیا جمهوری اسلامی ایران با توجه به ذخایر نفت و گاز، نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟ به عبارت دیگر، آیا برای

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۶۲۲.

۲. سید حمید هاشمی، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، ص ۲۶.

۲۲۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

کشوری که متکی به سوخت فسیلی است، گرایش به انرژی تجدیدپذیر یا سوخت هسته‌ای مقرون به صرفه می‌باشد؟

بی‌شک، می‌توان گفت که امروزه هیچ کشوری سعی نمی‌کند که از لحاظ راهبردی، انرژی مورد نیازش را فقط از یک منبع تأمین کند؛ هرچند آن منبع در آن کشور به فراوانی یافت شود. از این رو، ایران نباید فقط به منبع سوخت فسیلی خود قانع باشد؛ چون بهترین شیوه و باصرفه‌ترین راه برای استفاده از منابع انرژی، استفاده از روش ترکیبی می‌باشد.

برای اینکه بتوان به یک پاسخ منطقی دست پیدا کرد، بهتر است که به تحقیقات و کار کارشناسی‌ای که پژوهشگران در این باره کرده‌اند، رجوع نمود. آنان، با مقایسه بین فرایند تولید انرژی از سوخت فسیلی با سوخت هسته‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که از هر نظر، امروزه تولید سوخت هسته‌ای منطقی و بهینه می‌باشد.^۱ علاوه بر کاربرد انرژی هسته‌ای در برق، کاربردهای علمی دیگر این انرژی را در صنعت نفت و صنایع دیگر، همچنین در حوزه علوم پزشکی، مثلاً در: رادیوگرافی، گاما اسکن، میکروبی‌زدایی وسایل پزشکی با پرتوهای هسته‌ای و رادیوبیولوژی را می‌توان نام برد. خلاصه اینکه جمهوری اسلامی ایران باید انرژی هسته‌ای را در علوم مختلف و تولیدات صنعتی خود وارد کند و به تولید انبوه برساند تا به اقتصادی بالنده دست یابد.

جمع‌بندی

پرونده هسته‌ای، به عنوان یکی از مسائل بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی دارای ابعاد فنی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوده که در هریک از ابعاد، نیازمند تحلیل ویژه‌ای است؛ مثلاً در بُعد امنیتی، نیاز به تحلیل مستوفایی می‌باشد؛ چون هسته‌ای شدن ما موجب می‌گردد که بیشتر کشورها به دلایلی بتوانند موضعی متفاوت علیه ما اتخاذ کنند؛ چه کشورهای همسایه عربی، چه آنهایی که با ما دوست هستند و چه آنانی که سخت دشمن ما هستند، مانند اسرائیل و آمریکا؛ زیرا آنان از هرگونه مجهز شدن ایران به سلاح هسته‌ای واهمه دارند.

۱. پایگاه اینترنتی راسخون، «اقتصاد انرژی هسته‌ای»، نشانی:

مجلس هفدم: حق‌خواهی دانش هسته‌ای ایران ■ ۲۲۳

در بُعد فنی حقوقی نیز گفته شد که ایران هیچ خلافی از نظر حقوقی و فنی انجام نداده است. تنها مشکلی که برای کشورمان در دوران جمهوری اسلامی پیش آمد، این بود که مسئله را سیاسی کردند و ایران مجبور شد به جای اینکه برنامه‌های هسته‌ای را در آژانس (NPT) دنبال کند، به خاطر فشارهای بین‌المللی و حساسیت‌های داخلی، به چیزهایی تن دهد که مسئله را روزبه‌روز برایش سخت‌تر و مشکل‌تر سازد؛ از جمله آنها، پذیرش پروتکل الحاقی و از آن بدتر، انتقال پرونده از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل بود. با همه اینها، باید به یک نکته توجه داشت و آن اینکه پرونده هسته‌ای ایران، از اول تا کنون که شامل پنج تیم با پنج مسئول بوده، با همه فراز و نشیب‌هایی که داشته، در راستای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی و منویات مقام معظم رهبری گام برداشته و اگرچه مسئولان امر در دنبال کردن مسئله هسته‌ای، کوتاهی یا نواقصی داشته‌اند، ولی همیشه تلاش نموده‌اند که منافع ملی و عزت، حکمت و مصلحت را در نظر داشته باشند و در قضیه هسته‌ای ایران همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: مسئولان جمهوری اسلامی همه با هم در زمینه هسته‌ای تصمیمات لازم را گرفتند و تصمیم به صورت جمعی بود.^۱ ان شاء الله این قضیه، به نفع جامعه و کشور اسلامی ایران به پایان برسد.

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، ص ۶۲۴.

مجلس هجدهم

شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

درآمد

پیش از ارائه «شاخصه‌های دین‌داری»، بیان چند نکته ضروری است تا زوایای بحث، برای خوانندگان بیشتر روشن شود:

الف. مسلمانی و متدین بودن، تنها به عقیده قلبی و ایمان باطنی نیست؛ بلکه عمل نیز جزئی از ایمان است. در روایات متعددی، ایمان به عنوان «عقیده قلبی»، «اقرار زبانی» و «عمل با اعضا» معرفی شده است؛ حضرت امیر علیه السلام فرموده: «**الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ**»^۱ و یا در سخن دیگری از آن حضرت، «عمل» به عنوان گواه «ایمان» به شمار آمده است: «**الْإِيْمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَصَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ**»^۲ امام صادق علیه السلام نیز در ردّ

* محقق و نویسنده.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۰۸.

کسانی که ایمان را تنها معرفت قلبی دانسته، نقشی برای عمل قایل نیستند، می‌فرماید:

«الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»^۱

ب. بعضی‌ها «دین‌دان» اند، ولی «دین‌دار» نیستند. شناخت اسلام، منهای تعبد و عمل به آن، ارزشی ندارد. بسیاری از اسلام‌شناسان غربی و مستشرقان مسیحی و یهودی، اسلام و احکام دین و مفاهیم قرآن را بهتر از مسلمانان می‌دانند، ولی آن را نپذیرفته‌اند. پس، «دین‌داری» مهم است؛ نه «دین‌دانی». در بحث شاخصه‌های دین‌داری نباید این نکته را از یاد بُرد و بایسته است که به ابعاد عملی و رفتاری اسلام توجه خاص داشت.

ج. در بسیاری از روایات، تعبیری از این قبیل دیده می‌شود: «مسلمان نیست کسی که...»، «کسی که فلان چیز را ندارد، دین ندارد»، «کمال ایمان در...»، «مطیع خدا کسی است که...» یا «مؤمن و مسلمان کسی است که...». همه این موارد مشابه، می‌تواند ما را در دستیابی به شاخصه دین‌داری و مسلمانی کمک کند. طبعاً چون در این مقاله، بنای پژوهش جامع و گسترده نیست، می‌توانید این موارد را هم در نظر داشته باشید و اگر به منابع دسترسی دارید، بیشتر تحقیق کنید.

د. بحث شاخصه‌های دین‌داری، ما را با سلسله ملاک‌ها و معیارهایی آشنا می‌سازد که از نگاه اولیای دین، مهم است و باید تدبیر و تعهد خویش به فرمان‌های دین را با این شاخصه‌ها بسنجیم و اگر کاستی و خللی در عمل ما وجود دارد، آن را تصحیح و جبران کنیم. این بحث، همچون یک آینه، سیمای مسلمان دین‌دار را نشان می‌دهد. مقایسه خود با این الگوی متعالی، می‌تواند برای همه ما سازنده باشد و رفتارمان را تصحیح کند.

در ادامه، مروری بر شاخصه‌های دین‌داری در کلمات نورانی حضرت علی علیه السلام داریم:

۱. معرفت دینی

تا کسی دین خدا را نشناسد، چگونه می‌تواند به آن عمل کند و تا کسی «دین‌دان» نشود، چگونه می‌تواند «دین‌دار» باشد؟ در کلمات حضرت علی علیه السلام، شناخت دین، یکی از

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۲۷

شاخصه‌ها به شمار آمده؛ از جمله حضرت تأکید می‌کند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»^۱ سرآغاز دین، خداشناسی است. و یا «مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ»^۲ شناخت دانش، دینی است که پذیرفته و به آن عمل می‌شود.

پس، باید در زندگی ایمانی، سهمی برای دین‌شناسی و ارتقای بصیرت دینی اختصاص داد و مسائل فرهنگی را مهم شمرد.

۲. ترک گناه

دین‌داری، با پیروی از هوای نفس و ارتکاب گناه، ناسازگار است. دین‌دار واقعی، کسی است که در جست‌وجوی رضای الهی باشد و رضای خدا در ترک گناه است. حضرت امیر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

– «مَنْ بَادَرَ إِلَى مَرَاضِي اللَّهِ وَتَأَخَّرَ عَنْ مَعَاصِيهِ فَقَدْ أَكْمَلَ الطَّاعَةَ»^۳ هر که به سوی کارهای خداپسند بشتابد و در پی رضای حق و ترک گناهان باشد، طاعتش را کامل ساخته است.

– «مِنَ الدِّينِ التَّجَاوُزُ عَنِ الْحَرَامِ»^۴ گذشتن از حرام، از دین است.

– «مِلَاكُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى»^۵ معیار دین، مخالفت با هوای نفس است.

۳. عمل صالح

درختان را از طریق میوه‌هایش می‌شناسند. «عمل صالح»، میوه ایمان راستین مسلمان است و به وسیله اعمال اشخاص، میزان تعهدشان به دین شناخته می‌شود. امام علی علیه السلام فرموده:

– «بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ»^۶ با عمل‌های صالح، به ایمان کسی استدلال می‌شود (عمل صالح، دلیل دین‌داری است).

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. همان، حکمت ۱۴۷.

۳. علی بن محمد لینی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۷۳۴۶.

۴. همان، ح ۸۶۹۴.

۵. همان، ح ۹۰۵۶.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۲۲۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

– «يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ»^۱ [انسان تقوایپیشه،] اعمال صالح انجام می‌دهد؛ در عین حال، باز بیمناک است.»
 سعدیا گرچه سخن‌دان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست

۴. اهتمام به واجبات

بالاترین تکلیف، «عمل به واجبات» است. دین‌داری هرکس، از میزان اهتمام او به واجبات و ادای تکالیف الهی شناخته می‌شود و ضایع‌ساختن فرایض، بیشترین ضربه را به دین می‌زند. ترک واجبات، نخستین گام فروپاشی بنیان دین‌داری است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:
 – «مَا أَوْهَنَ الدِّينَ كَتَضْيِيعِ الْفَرَائِضِ»^۲؛ هیچ چیز، مانند تباه‌ساختن واجبات، دین را سست نمی‌کند.»

– حضرت در وصیت‌نامه‌اش پس از ضربت‌خوردن، بر نماز تأکید می‌کند و آن را ستون دین می‌داند؛ «فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»^۳

– در عهدنامه مالک اشتر تأکید بسیاری به «اقامه فرایض» دارد که خالص‌کننده دین برای خدا و عبادت ویژه‌ای است. توصیه حضرت آن است که مسلمان در روز و شب، حق نماز را ادا کند و به آن اهمیت دهد؛ «وَلْيَكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ بِهِ لِلَّهِ دِينَكَ إِقَامَةُ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ»^۴

ترک واجبات و پرداختن به مستحبات، مثل آن است که جاده اصلی خراب باشد؛ اما به بازسازی حاشیه یا جاده فرعی بپردازیم.

۵. صدق و امانت

در رهنمودهای معصومان علیهم السلام آمده که به زیادی نماز و روزه افراد نگاه نکنید؛ بلکه مردم را در عرصه «صدق» و «امانت» بیازمایید؛ یعنی راستگویی و امانت‌داری، شاخصه مهم

۱. همان، خطبه ۱۹۳.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۸۶۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۴. همان، نامه ۵۳.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۲۹

دین‌داری است و هرکه امین و راستگو نباشد، دین ندارد. این نکته در کلمات امام علی علیه السلام هم آمده:

«أَدُّ الْأَمَانَةَ إِذَا أُثْمِنْتَ وَلَا تَتَّهِمْ غَيْرَكَ إِذَا أُثْمِنْتَهُ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛^۱ اگر امین شمرده شدی، امانت را برگردان و اگر کسی را امین قرار دادی، به او تهمت مزن. همانا کسی که امانت ندارد، ایمان ندارد.»

«يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِصِدْقِهِ وَوَرَعِهِ؛^۲ صدق و پرهیزکاری شخص، دلیل دین‌داری اوست.»

«جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ؛^۳ از دروغ بپرهیزید؛ چراکه دروغ، با ایمان ناسازگار است.»

حضرت اسماعیل علیه السلام با شخصی قرار گذاشت؛ ولی او در وعده‌گاه حاضر نشد. آن حضرت، مدت بسیاری در آنجا به انتظار وی نشست؛ به گونه‌ای که غیبت طولانی ایشان، سبب نگرانی پیروانش گردید. سرانجام، فردی که بر حسب اتفاق از آنجا می‌گذشت، حضرت را دید و گفت: ای پیامبر خدا! ما بر اثر تأخیر شما نگران شده‌ایم. حضرت فرمود: من با فلان کس در اینجا وعده دیدار دارم؛ ولی او نیامده است و تا او نیاید، من از اینجا نمی‌روم! آن مرد جریان را به مردم خبر داد و آنها به سراغ شخص مورد نظر رفتند و او را نزد آن حضرت آوردند. مرد با شرمساری گفت: ای پیامبر خدا! من قرار دیدار با شما را فراموش کردم. ایشان فرمود: اگر نیامده بودی، من همچنان در اینجا می‌ماندم.^۴

در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز آمده است که ایشان روزی کنار سنگی با شخصی وعده دیدار داشتند. آفتاب بالا آمد و هوا گرم شد؛ ولی او همچنان نیامد. یاران آن حضرت به ایشان گفتند: خوب است که از آفتاب به سایه بیایید. حضرت فرمود: من با او در اینجا وعده دیدار دارم و تا او نیاید، از اینجا حرکت نخواهم کرد.^۵

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۱، ح ۲۲۱۶.

۲. همان، ج ۲، ح ۱۰۱۴۶.

۳. همان، ج ۱، ح ۴۶۳۶.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۵.

۵. همان.

۲۳۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

۶. وفای به عهد

وفا به عهد و پیمان، پایبندی به تعهدات و قول و قرارها و احترام قایل شدن برای تعهد و امضا و قرارداد، نشانه دین داری است. خُلف وعده و عمل نکردن به قول و تعهد، نشانه ضعف ایمان است. قرآن کریم یکی از نشانه‌های مؤمنان رستگار را پایبندی به عهد و میثاق می‌داند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرمود:

– «مِنْ دَلَائِلِ الْإِيمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ»^۲ از نشانه‌های ایمان، وفای به عهد است.

– «مِنْ أَفْضَلِ الْإِسْلَامِ الْوَفَاءُ بِالذِّمَّامِ»^۳ از برترین دستورهای اسلام، وفا به پیمان‌هاست.

– حضرت در عهدنامه مالک اشتر به وفای به عهد فرامی‌خواند: «فَحُطُّ عَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ وَارْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ»^۴

– همچنین از پیمان‌شکنی و زیر پا گذاشتن تعهدات نهی می‌کند: «فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَلَا تَخِيسَنَّ بِعَهْدِكَ»^۵

پس، آنان‌که خیلی راحت، زیر قولشان می‌زنند و به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند، در دین داری ضعیف‌اند.

گویند روزی امام سجاد علیه السلام از یکی از یاران خویش، ده هزار درهم قرض خواست. وقتی که شخص در برابر این مبلغ از حضرت تقاضای وثیقه کرد، امام نخی از عبای خود کشید و به او داد و فرمود: این، وثیقه من است و تا موقع ادای دین، نزد تو باشد. پس از مدتی، امام پول شخص را آماده کرد و فرمود: پولت حاضر است؛ وثیقه مرا بیاور. آن شخص که قصد برگرداندن نخ را نداشت، گفت: من نخ عبا را گم کرده‌ام. حضرت فرمود: در این صورت،

۱. مؤمنون، آیه ۸.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۷۲۴.

۳. همان، ح ۸۷۱۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. همان.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۱

طلب خود را نخواهی گرفت؛ زیرا تعهد با دیگران را نباید ناچیز انگاشت. به‌ناچار، مرد نخ عبا را به امام برگرداند و پول خویش را دریافت کرد.^۱

۷. تقوا و پارسایی

مراقبت از حدود الهی، زیر پانگذاشتن فرمان خدا، جرئت بر گناه نداشتن، تقوا و پرهیزکاری، از شاخصه‌های دین‌داری است. ورع و تقوا، هم نگهبان دین است، هم محافظ دین‌دار، هم حفاظ مسلمانی است و هم نگهدارنده انسان از فساد اخلاقی و آلوده‌شدن به معاصی. دین‌داری، با بی‌پروایی و بی‌مبالاتی ناسازگار است و دین‌دار، خود را در حصار امن تقوا قرار می‌دهد. حضرت امیر علیه السلام در این زمینه فرموده:

«يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقَى وَمَلِكِ الشَّهْوَةِ وَغَلَبَةِ الْهُوَى»^۲ بر ایمان شخص، با تقوا، مالک شهوت‌بودن و چیرگی بر هوای نفس دلیل آورده می‌شود.

۸. فداکردن دنیا برای دین

از نوع انتخابی که انسان بر سر دو راهی‌ها انجام می‌دهد، میزان اهتمام او به امور به دست می‌آید. بعضی‌ها برای تأمین دنیا، از دین مایه می‌گذارند و دین را خرج دنیایشان می‌کنند. بعضی هم حاضر نیستند برای رسیدن به دنیا، ذره‌ای به دینشان آسیب بزنند. پس، فداکردن دنیا برای دین، یکی دیگر از شاخصه‌های دین‌داری است. امام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران حکومتی، از سوء استفاده‌های مالی او در خصوص بیت‌المال انتقاد کرده، می‌فرماید:

«لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ دِينِكَ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»^۳ با نابودکردن دینت، دنیای خودت را آباد مکن که از زیان‌کارترین افراد خواهی بود.

۱. همان، ج ۴۶، ص ۱۴۷. (با اندکی ویرایش)

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۱۰۱۷۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۳.

۲۳۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

بدتر از این، جایی است که کسی دین خود را فدای دنیای دیگران کند؛ مثل عمرو عاص که به نفع معاویه دین فروشی می کرد. حضرت در نامه ای خطاب به او می نویسد:

«فَإِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَا أَمْرِي ظَاهِرٌ غَيْبٌ...»^۱ دین خودت را تابع دنیای کسی کرده ای که گمراهی اش آشکار، بی پرده و بی آبروست... (یعنی معاویه).

در پاسخ به درخواست های ناحق برادرش عقیل از بیت المال، در خطبه ای فرمود: برادرم پنداشته که دینم را به او می فروشم و تسلیم خواسته اش می شوم و از روش عادلانه ام عدول می کنم؛ «فَظَنَ أَنِّي أَبِيعُهُ دِينِي وَأَتَّبِعُ قِيَادَهُ مُفَارِقًا طَرِيقَتِي»^۲ سپس حضرت آهن گذاشته را به دست عقیل نزدیک می کند و بیان می دارد که اگر اقالیم هفت گانه را به من بدهند تا برگری را از دهان ملخی بگیرم، چنین نخواهم کرد.

همچنین در نامه ای در اعتراض به خیانت مالی یکی از والیان، نوشته است:

«تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابٍ آخِرَتِكَ وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ»^۳ دنیای خود را به بهای خراب کردن آخرت، آباد می کنی و با بریدن از دینت، به بستگانت می رسی.

سخنان حضرت در این مورد، بسیار است؛ چرا که گرفتار کسانی بود که برای رسیدن به دنیا، دین خود را حراج می کردند.^۴

۹. ضابطه های مکتبی در روابط

اگر با کسانی رابطه دوستی داریم یا قطع رابطه می کنیم، بر چه اساسی است؟ معیارهای ما در دوستی ها و دشمنی ها، رابطه ها و قطع رابطه ها، پول دادن ها و ندادن ها، حمایت کردن یا موضع گرفتن ها چیست؟ شاخصه دین داری آن است که همه اینها برای خدا و با انگیزه های مکتبی باشد؛ نه بر اساس تعصب های دوستی و فامیلی یا مصلحت اندیشی های دنیایی یا نفع طلبی های مادی یا کینه ورزی های شخصی. حضرت می فرماید:

۱. همان، نامه ۳۹.

۲. همان، خطبه ۲۲۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۰۶.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی (علیه السلام) ■ ۲۳۳

«مَنْ أَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ وَأَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ»^۱ هرکس در راه خدا عطا کند و در راه خدا منع کند و در راه خدا دوستی کند یا دشمنی نماید، ایمانش را به کمال رسانده است.»

نیز: «الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ وَبُغْضُهُ لِلَّهِ وَأَخْذُهُ لِلَّهِ وَتَرْكُهُ لِلَّهِ»^۲ مؤمن، کسی است که دوستی و دشمنی و گرفتن و نگرفتنش، برای خدا باشد.»

در خطبه‌ای که ریشه پیدایش فتنه‌ها را بیان می‌کند، به تعصب‌ها و حمایت‌های بدون معیار الهی از افراد گمراه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ»^۳ کسانی با افرادی دیگر، بر اساس غیردین خدا، همبستگی و دوستی می‌کنند.» (پیوندهای غیرمکتبی)

حضرت، در یک جا برادری بر مبنای معیارهای خدایی را می‌ستاید (أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ)^۴ و در جای دیگر، از برادری‌ها و پیوندهای مکتبی حمایت می‌کند (وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ)^۵. پس، کسی دین‌دار است که برای همه کارها و روابط و مواضعش، مبنای دینی و محمل و مستند مکتبی داشته باشد و بتواند کارهایش را به حساب خدا و برای او انجام دهد؛ به بیان دیگر، مکتبی عمل کند و نه سیاسی و بانندی یا حزبی و گروهی.

۱۰. تعادل در حال خشم و رضا

بعضی‌ها اگر از چیزی یا کسی خوششان می‌آید، همه عیوب و زشتی‌ها و خلاف‌های او را نادیده می‌گیرند یا اگر از فردی بدشان آید، به جهت بغض، از حد حق و عدالت فراتر می‌روند. اعتدال، شاخصه دین‌داری است؛ انسان معتدل، نه در حالت غضب به بیراهه

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ح ۹۰۳۱.

۲. همان، ح ۱۷۴۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

۴. همان، خطبه ۱۱۳.

۵. همان، خطبه ۱۱۸.

۲۳۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

می‌رود و بیهوده می‌گوید و نه در حالت رضا، به باطل و بیراهه می‌گردد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيمَانُهُ: مَنْ إِذَا رَضِيَ لَمْ يُخْرِجْهُ رِضَاهُ إِلَى بَاطِلٍ وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ عَنِ الْحَقِّ وَإِذَا حَكَمَ لَمْ يَأْخُذْ مَا لَيْسَ لَهُ؛^۱ سه چیز است که در هر که باشد، ایمانش به کمال رسیده است: کسی که هرگاه در حال رضایت است، خشنودیش او را به باطل نکشد؛ هرگاه خشمگین است، غضبش او را از حق به در نبرد و هرگاه حکم می‌کند، آنچه را که حق او نیست، نگیرد.»

نیز: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ أَكْمَلَ الْإِيمَانَ: الْعَدْلُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَعْتِدَالُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ؛^۲ سه چیز است که در هر کس باشد، ایمانش را کامل ساخته است: عدالت در حال غضب؛ رضا و میانه‌روی در حال فقر و ثروتمندی؛ توازن بیم و امید.»
دین‌دار، از دو حالت افراط و تفریط، دور است و توازن، بر اندیشه و قضاوت و عملش حاکم می‌باشد.

۱.۱. دوری از هواپرستی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اولیای دین، جهاد با نفس و مبارزه با هوای نفسانی را «جهاد اکبر» نامیده‌اند. خیلی‌ها به واسطه هوای نفس و شهوت و تمایلات نفسانی، از دایره دین خارج می‌شوند. دین‌دار، کسی است که بر نفس اماره مهار زند و بر خویشتن امیر باشد؛ نه آن‌که اسیر نفس گردد. در این زمینه، کلمات حضرت بسیار است؛ از جمله:

– «طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّينَ؛^۳ پیروی از شهوت، دین را تباه می‌سازد.»

– «مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى وَمَا أَهْلَكَ الدِّينَ كَالْهَوَى؛^۴ هیچ چیز مانند تقوا، دین را به صلاح نمی‌رساند و هیچ چیز مثل هوای نفس، دین را نابود نمی‌کند.»

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۱، ح ۴۵۷۷.

۲. همان، ح ۴۵۷۳.

۳. همان، ح ۵۸۰۰.

۴. همان، ج ۲، ح ۸۸۴۹.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۵

«لَا دِينَ مَعَ هَوًى؛^۱ با هوای نفس، دین باقی نمی‌ماند.»

«الْمُؤْمِنُ أَمِيرٌ عَلَى نَفْسِهِ مُغَالِبٌ هَوَاهُ وَحِسَّه»^۲ مؤمن، بر نفس خویش امیر است و بر هوای نفس و حسّ خود، غلبه دارد.»

۱۲. دین‌داری واقعی؛ نه زبانی

خیلی‌ها دم از دین می‌زنند؛ ولی باورهای دینی در عمق وجودشان رسوخ نکرده است. سید الشهداء علیه السلام مردم را بردگان دنیا دانسته که دین، تنها بر زبانشان جاری است و اگر گرفتار امتحان شوند، شمار دین‌داران اندک می‌شود.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها، زبان به نکوهش انسان‌های ضعیف‌الایمان گشوده و فرموده: مردم به اندکی از دنیا که می‌رسند، شاد می‌شوند؛ ولی مقدار زیادی از آخرت که از دستشان می‌رود، غصّه نمی‌خورند و یا برای اندک دنیایی که از دست می‌دهند، آشفته می‌شوند و آخرت را از یاد می‌برند. ایشان در ادامه می‌افزاید: «وَصَارَ دِينَ أَحَدِكُمْ لِعَقَّةٍ عَلَى لِسَانِهِ»^۳ دین هریک از شما، لقلقهٔ زبانش شده است.»

دین‌داری شخص، باید ریشه‌دار و همه‌جانبه باشد؛ نه تنها زبانی یا تا وقتی که منافع دنیوی‌اش تأمین شود.

۱۳. امر به معروف و نهی از منکر

در تعالیم دینی، این دو فریضه الهی، «اسمی الفرائض» و والاترین واجبات به شمار آمده، به وسیلهٔ این دو فریضه، واجبات دیگر بر پا می‌شود (بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ). اگر کسی نسبت به انجام این دو واجب، کوتاهی کند و برایش مهم نباشد، دچار ضعف ایمان است. تلاش در راه احیای معروف و مبارزه با منکرات، شاخصهٔ دین‌داری است. امیر مؤمنان علیه السلام در سخن جامعی که به مراتب سه‌گانهٔ قلبی، زبانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد، دربارهٔ کسانی که نه در قلب، از منکرات بدشان می‌آید، نه به زبان اعتراض می‌کنند و نه

۱. همان، ح ۹۷۰۲.

۲. همان، ج ۱، ح ۲۰۶۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

۲۳۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

اقدام عملی دارند، آنان را مرده‌های زنده‌نما می‌داند: «وَمِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَيَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ»^۱

ابوذر غفاری، الگویی برای دین‌داران واقعی است که اهل امر به معروف و نهی از منکر بود و در این راه، تبعید شد و در تبعیدگاه ریزه، غریبانه به شهادت رسید. علی علیه السلام در بدرقه ابوذر، در حمایت از این تعهد و دین‌داری‌اش فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مَنْ غَضِبْتَ لَهُ إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَخِفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ»^۲ ای اباذر! تو برای خدا خشم گرفتی. پس، به همان خدا امیدوار باش که برایش خشم کردی. این جماعت، از تو بر دنیایشان ترسیدند؛ ولی تو از اینان بر دین خویش ترسیدی.»

چنین است که اگر کسی نگران ضربه به دین باشد، به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کند؛ چون در ترک این وظیفه، اعتقادات و اخلاق و دیانت مردم لطمه می‌بیند و فساد همه جا را می‌گیرد. دین‌دار، کسی است که در برابر بی‌دینی‌ها و منکرات بی‌تفاوت نباشد و احساس مسئولیت کند.

۱۴. ظلم‌ستیزی

از توصیه‌های حضرت علی علیه السلام در بستر شهادت، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم بود؛ «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۳ به تعبیر حضرت امیر علیه السلام هم ظلم و بیداد، دین را نابود می‌کند و هم بی‌تفاوتی در برابر ستم ظالمان؛ «إِنَّ الْبَغْيَ وَالزُّورَ يُوتِغَانِ الْمَرْءَ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ»^۴ تجاوز و ناروا، دین و دنیای انسان را نابود می‌سازند.

در خطبه معروف جهادی، با اشاره به اینکه مردان غارتگر معاویه به مناطق مسلمان‌نشین حمله کرده، خلخال و زیورهای زنان را به غارت برده‌اند و کسی در مقابل آنان ایستادگی نکرده، می‌فرماید:

۱. همان، حکمت ۳۷۴.

۲. همان، خطبه ۱۳۰.

۳. همان، نامه ۴۷.

۴. همان، نامه ۴۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۷

«قُلُوا أَنْ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ جَدِيرًا»^۱ اگر مسلمانی پس از این واقعه از غصه بمیرد و دق کند، جای ملامت نیست؛ بلکه سزاوار است که مسلمان، از این درد بمیرد.

غیرت‌ورزی در برابر ظلم متجاوز، شاخصه دین‌داری است و کسی که برایش فرقی نکند، دین ندارد. همچنان‌که پیامبر فرمود: «هر کس صبح کند، در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان نیست (فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ)».

۱۵. پرهیز از مردم‌آزاری

از شاخصه‌های واضح و حتمی دین‌داری، پرهیز از آزاررساندن به مسلمانان است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^۲

این سخن را حضرت امیر علیه السلام در یکی از خطبه‌های آغاز خلافتش نقل فرمود و ضمن فراخواندن مسلمانان به انجام فرایض و پرهیز از محرمات و رعایت حلال و حرام الهی، بر مراعات حقوق مسلمانان تأکید نمود و از آزار مسلمان برحذر داشت و بر رعایت امر خدا در مورد بندگان و بلاد توصیه نمود و حتی حقوق حیوانات را یادآور شد.^۳

۱۶. موارد دیگر

حضرت در سخنانی حکیمانه درباره دین‌دار واقعی و نشانه‌های دین‌داری می‌فرماید:

- «لَا دِينَ لِمُخَدَّاعٍ»^۴ نیرنگ‌باز، دین ندارد.
- «لَا دِينَ لِمُسَيِّءِ الظَّنِّ»^۵ بدگمان، دین ندارد.
- «دَلِيلُ دِينِ الرَّجُلِ وَرَعُهُ»^۶ گواه دین‌داری مرد، پرهیزکاری اوست.

۱. همان، خطبه ۲۷.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ح ۸۷۷۸.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۴. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون‌الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۹۹۴۴.

۵. همان، ح ۹۸۷۲.

۶. همان، ج ۱، ح ۴۹۸۱.

۲۳۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

«الَّذِينَ يُصَدُّ عَنِ الْمَحَارِمِ»^۱ دین، انسان را از حرام‌ها باز می‌دارد.

«ثَلَاثٌ هُنَّ مِنْ كَمَالِ الدِّينِ: الْإِخْلَاصُ وَالْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ»^۲ سه چیز، نشانه کمال ایمان است: اخلاص، یقین و قناعت.

«إِنَّ الدِّينَ لَشَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَتَمَرُهَا الْمُوَالَاةُ فِي اللَّهِ وَالْمُعَادَاةُ فِي اللَّهِ»^۳ دین، همانند درختی است که اصل و ریشه آن، ایمان به خداست و میوه آن، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداوند است.

گواه این سخن، عمل امیر مؤمنان علیه السلام و مسلمانان دیگر در جبهه‌های جهاد است. امام، صحنه‌های درگیری مسلمانان با دشمنان را ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «ما در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله با پدران و فرزندان و برادران و عموهایمان [که در جبهه شرک بودند،] می‌جنگیدیم و این نبرد با مخالفان، بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود (مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا)»^۴ این، همان ولایت و برائت مکتبی در برخورد با خودی و بیگانه است.

از مجموع این چند حدیث، برمی‌آید که پرهیز از نیرنگ و حيله‌گری و بدگمانی، داشتن ورع و پارسایی، پرهیز از حرام‌های الهی، اخلاص، یقین، قناعت، موالات و معادات (تبری و تولی)، از شاخصه‌های دین‌داری است.

کلامی جامع

افزون بر همه موارد یادشده، سخنی شیوا و سرشار از نکته، از امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه آمده که مجموعه‌ای از خصلت‌های مؤمن راستین را بیان می‌کند و از دوگانگی حرف و عمل، ظاهر و باطن یا ادعا و رفتار پرهیز می‌دهد که همه این اوصاف را می‌توان در زمرة شاخص‌های دین‌داری برشمرد. بخشی از این کلام نورانی، به قرار ذیل است:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ[يَرْجُو] يَرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِبِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَإِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجِزُ عَنِ

۱. همان، ح ۳۳.

۲. همان، ح ۴۵۷۰.

۳. همان، ح ۳۷۳۵.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی (علیه السلام) ■ ۲۳۹

شُكْرُ مَا أُوتِيَ وَيَبْتَغِي الزَّيَادَةَ فِي مَا بَقِيَ. يَنْهَى وَلَا يَنْتَهِي وَيَأْمُرُ [النَّاسَ بِمَا لَمْ يَأْتِ] بِمَا لَا يَأْتِي. يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ وَيُبْعِضُ الْمُذْنِبِينَ وَهُوَ أَحَدُهُمْ يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ وَيُقِيمُ عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ مِنْ أَجْلِهِ...^۱

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای طولانی به تأخیر می‌اندازد. در دنیا حرف زاهدانه می‌زند، ولی عملش در دنیا، دنیاگرانه است. اگر از دنیا برخوردار شود، سیر نمی‌شود و اگر تهیدست گردد، قناعت نمی‌کند. از شکر آنچه دارد، ناتوان است؛ ولی در پی زیادی است. نهی می‌کند، ولی خودش دست از گناه نمی‌کشد. امر می‌کند، ولی خودش انجام نمی‌دهد. صالحان را دوست دارد، ولی مثل آنان عمل نمی‌کند. گنهکاران را دشمن می‌دارد، در حالی که خودش از گنهکاران است. به جهت گناهان بسیارش، از مرگ خوشش نمی‌آید؛ ولی به همین حالت که هست، باز گناه می‌کند...»

این موعظه بلند، بخش‌های سودمند دیگری هم دارد که شایسته است مطالعه شود. از آنچه در همین بخش یاد شد، می‌فهمیم که دین‌دار، کسی است که:

- برای رستگاری آخرت، عمل صالح انجام دهد؛
- از گناهانش زود توبه کند؛
- بین گفتار و رفتارش همگونی وجود داشته باشد؛
- اهل قناعت و شکر باشد؛
- به آنچه امر می‌کند، خودش هم عمل کند؛
- اگر از گناهی نهی می‌کند، خودش مرتکب آن نشود؛
- اگر نیکان را دوست دارد، در عمل به آنان اقتدا کند؛
- اگر از اهل معصیت بدش می‌آید، خودش گناه نکند؛
- و اگر از پیامدهای گناه نگران است، فوری گناهان را ترک کند.

۲۴۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

در یک کلمه، «دین‌دار» کسی است که اهل ایمان، تقوا، اخلاص، عمل صالح، عامل به واجبات، تارکِ محرّمات، در پی رضای خدا، رها از سلطهٔ نفسِ اماره و امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر باشد.

آری، شاخص عینی و الگوی عملی، امام علی علیه السلام است که زندگی و سیره‌اش، «آینه قرآن و دین» است. باید «علی‌شناس» بود، تا به شاخصه‌های دین‌داری رسید.

مجلس نوزدهم

دلایل و موانع اجابت دعا

فرج الله میرعرب*

درآمد

دعا، از جمله عبادات مهم اسلامی است که نقش کلیدی، در رشد و سعادت انسان ایفا می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۱ و گفت پروردگارتان: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به‌زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.»

ماه مبارک رمضان، ماه تلاوت قرآن و ماه دعاست. «قرآن»، در این ماه شریف نازل شده و بزرگان، این کتاب آسمانی را «قرآن نازل» می‌نامند؛ ولی از دعا که در این ماه بسیار به آن سفارش شده، به نام «قرآن صاعد» یاد شده است. خدا خواسته که او را صدا بزنیم و وعده

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. غافر، آیه ۶۰.

۲۴۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

داده که جواب می‌دهد: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». همچنین قرآن تأکید کرده: ای مردم! بدانید که خود پروردگارتان گفته که دعا کنید؛ «وَقَالَ رَبُّكُمْ» پس، خداوند دعا و اظهار نیاز بندگان به درگاه خویش را خیلی دوست دارد. در آیه مزبور، دعا عبادت محسوب شده، خدای متعال نفرت خود را از کسانی که او را نمی‌خوانند، به روشنی ابراز کرده: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ».

از این آیه دانسته می‌شود که دعا، عبادت و رسم بندگی است.

چیستی دعا

دعا در لغت، به معنای ندا و صدازدن است.^۱ از کلام علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۸۶ بقره برمی‌آید: دعا، تلاش برای جلب توجه کسی است که او را می‌خوانیم؛^۲ یعنی اگر ما خدا را می‌خوانیم، می‌خواهیم توجه او را به خود جلب کنیم. به نظر علامه، در کنار دعا، گدایی هم هست؛ یعنی خدا را صدا می‌زنی تا به تو توجه کند. وقتی توجه او جلب شد، حاجت را می‌گویی تا برآورده شود و خیر او به تو برسد.^۳

از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، دعا «درخواست فراهم‌شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون است؛ آن هم از کسی که قدرتش بی‌پایان، و هر امری برای او آسان است. دعا، پیوند نزدیک قلب و روح با خداست و دعاکننده با اتصال معنوی با آن مبدأ بزرگ قدرت می‌یابد. در دعا، درخواست نباید تنها از زبان انسان صادر شود؛ بلکه باید از تمام وجود دعاکننده برخیزد».^۴

جایگاه و نقش دعا در زندگی انسان

دعا، آثار روانی، اجتماعی و معنوی داشته، عاملی بسیار قوی برای امیدواری انسان برای ادامه زندگی است. آدمی برای تقویت اراده و برطرف‌کردن ناراحتی‌ها، به تکیه‌گاه و عاملی آرامش‌بخش نیاز دارد؛ یعنی همان چیزی که چراغ امید را در دل انسان روشن می‌سازد.

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۵، واژه «دعو».

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱.

۳. همان.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا ■ ۲۴۳

برخی تصور کردند که دعا سبب تنبلی می‌شود؛ اما حقیقت این است که «یک نوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیاده‌تر از فیض بی‌پایان پروردگار است؛ به عبارت دیگر، انسان به وسیله دعا توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوند پیدا می‌کند.»^۱ به همین دلیل، قرآن کریم تأکید می‌کند: «قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاءُكُمْ؛^۲ ای پیامبر! به مردم بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ توجه و نظری به شما نمی‌کند.»

اگر انسان که از خود چیزی ندارد، اهل دعا نباشد، چه باید بکند؟ خداوند از سر مهر و لطف، دعا را به بشر عنایت کرده و انسان، به‌جز دعا و تضرع، مالک هیچ چیز نیست. امیر مؤمنان علیه السلام در دعای کمیل عرضه می‌دارد: «إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ؛ کسی را که غیر از دعا چیزی ندارد، ببخش.»

خدا دعا را داد و اجابتش را نیز ضمانت کرده: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛^۳ هرگاه بندگانم درباره من از تو سؤال کردند و سراغ مرا گرفتند، من نزدیکم [و] دعای دعاکننده را پاسخ می‌دهم.» پس، دعا کنیم و خدا را کنار خود ببینیم.

بی‌دعا، زندگی لذتی ندارد. الکسیس کارل گفته: «فقدان نیایش در میان ملتی، برابر با سقوط آن ملت است! اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود. البته نباید این مطلب را فراموش کرد که تنها صبح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به‌سربردن بیهوده است. باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال، با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.»^۴

الکسیس کارل می‌افزاید: «نیایش، در همین حال که آرامش را پدید آورده است، در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاهی روح فهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند.»^۵

۱. همان، ص ۶۴۱.

۲. فرقان، آیه ۷۷.

۳. بقره، آیه ۱۸۶.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۵. همان، ص ۶۴۱.

۲۴۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

از نگاه او: «نیایش، خصال خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد؛ صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پُر از یقین، استعداد هدایت و نیز استقبال از حوادث.»^۱

به نظر او، دعا سبب قدرتی می‌شود که تحت این قدرت، حتی مردم عقب‌مانده و کم‌استعداد می‌توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند.^۲

در احادیث معصومان علیهم‌السلام از دعا به «سلاح و سپر» تعبیر شده است. «سلاح»، وسیله رسیدن به مقصود (جلب منفعت و دفع ضرر) و «سپر»، وسیله حفاظت در برابر خطرات و بلاهاست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِّرُ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ»^۳ آیا اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که هم شما را از شر دشمنان نجات می‌دهد و هم روزیتان را زیاد می‌نماید؟ گفتند: بله، ای رسول خدا! آن‌گاه حضرت فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید و دعا کنید؛ چون دعا، اسلحه مؤمن است.»^۴ علی علیه‌السلام نیز فرمود: «الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتَى تَكَثَّرَ قَرَعَ الْبَابِ يَفْتَحُ لَكَ»^۵ دعا، سپر مؤمن است. اگر باب رحمت الهی را زیاد بکوبی [و ناامید نشوی، عاقبت] آن در، به رویت گشوده خواهد شد.

نکته مهم این است که نیاز انسان، دائمی است و همیشه خطر او را تهدید می‌کند؛ خطر مریضی‌ها، شکست‌ها، برهم خوردن زندگی و... به همین دلیل، همیشه به سلاح و سپر نیاز دارد. نه تنها افراد گرفتار، بلکه کسی هم که در ظاهر هیچ مشکلی ندارد، سخت محتاج دعاست تا از بلا و مصیبت در امان بماند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِبْتَلَى وَإِنْ عَظُمَتْ بَلَاؤُهُ بِأَحَقِّ بِالدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ مِنَ الْبَلَاءِ»^۶ مبادا کسی که فعلاً بلایی به او

۱. همان.

۲. همان.

۳. ابن فهد حلی، الرسالة السعدیه، ص ۱۲۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۲.

٤. ابن فهد حلي، عدة الداعي، ص ١٤٣.

از این رو، پیش از دعا به درگاه خدا، باید خود و نیازهای خویش را بشناسیم و به خدا و داشته‌ها و توانایی‌های او شناخت پیدا کنیم.

وقتی به سوره حمد که روزانه آن را ده بار می‌خوانیم توجه کنیم، می‌بینیم که دعا و آداب آن چگونه است. این سوره، روش صحیح دعا را یاد می‌دهد. اگرچه سوره حمد در نماز باید به قصد قرآن قرائت شود، ولی خداوند دو آیه آخر این سوره را به صورت دعا آورده و مقدمات لازم برای دعا را به ما آموخته است؛ چنان‌که اول با اسم و صفاتش شروع می‌کنیم، بعد حمد و ستایش او، سپس قدرت و مالکیت او، و در آیه پنجم اظهار بندگی و توحید خالص، و در نهایت دعا می‌کنیم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۱

همچنین قرآن کریم فرموده: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۲ خداوند از ما می‌خواهد که او را در حالی بخوانیم که اعتقادات و دین ما خالص باشد.

بنابراین، کسی که مقام خدای متعال و ضعف و نیازمندی خود را بشناسد، آن وقت دعا کند، شایسته اجابت است. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ»^۳ دعای حقیقی، پس از آن است که بنده می‌داند نیازمند است و اینکه چه کسی می‌تواند نیاز او را برآورد. اگر شناخت کافی نباشد، بنده نمی‌داند که خدا می‌تواند نیاز او را برآورد. نبود معرفت سبب می‌شود که نماز بخوانیم، اما بدون دعا و اظهار نیاز، دنبال دنیا برویم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي إِيَّيْنا اللَّهُ الَّذِي أَقْضَى الْحَوَائِجَ؟^۴ اگر بنده‌ای عجله کند و به دنبال نیازش برخیزد، خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: آیا بنده‌ام نمی‌داند که من باید نیازها را برآورم؟»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا اسْتَعَجَلَ الْعَبْدُ فِي صَلَاتِهِ يَقُولُ سُبْحَانَ: اسْتَعَجَلَ عَبْدِي أَيْرَاهُ يَظُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بِيَدِ غَيْرِي؟^۵ هرگاه بنده در نمازش عجله کند، خداوند سبحان می‌گوید: بنده‌ام عجله به خرج داد. آیا گمان می‌کند رفع نیازهایش در دست غیر من است؟»

۱. حمد، آیه ۶ - ۷.

۲. غافر، آیه ۱۴.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۴۱.

مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا ■ ۲۴۷

نکته دیگر اینکه بنده با معرفت، دعاکردنش سنجیده و دقیق است. سید بن طاووس در داستانی آورده:

عده‌ای مسافر کشتی بودند. ناگاه دچار طوفان شده، جانشان به خطر می‌افتد و از نجات خود ناتوان می‌شوند. شخصی همسفرشان بود که به دین‌داری و قوت‌یقین او، آگاه و مطمئن بودند. از وی خواهش کردند برای نجاتشان دعا کند. گفت: من با خدا در حوزه قدرتش معارضة نمی‌کنم. اصرار کردند که وقت نیاز است و باید با دعا و شفاعت به داد ما برسی؛ وگرنه دین و جانمان تبه خواهد شد. مرد نگاهی به امواج خروشان دریا افکند و گفت: «اللَّهُمَّ قَدْ أَرَيْتَنَا قُدْرَتَكَ فَأَرِنَا عَفْوَكَ»؛ پروردگارا! قدرتت را نشانمان دادی. بخشایشت را هم به ما بنمای. پس از دعای او، فوراً دریا آرام شد.

یکی از همراهان پرسید: چگونه به این مقام رسیده‌ای که خدا دعایت را مستجاب کرد؟ گفت: ما برای رضای خدا از خواسته‌های خود گذشتیم؛ پاداشش این است که هر وقت حاجتی به خدای بزرگ عرضه بداریم، به خاطر خواست ما، از خواسته خود صرف نظر کند.^۱

عوامل و موانع اجابت دعا

در اینجا مناسب است به بررسی عوامل اجابت دعا بپردازیم. بدیهی است که معرفی عوامل، موانع پذیرفته‌شدن دعا را نیز روشن می‌سازد. به بیان روایات، همان‌طور که ابر باران‌زاست، دعا نیز اجابت‌آور و مایه قرار می‌باشد: «الدَّعَا كَهْفُ الْأَجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ»^۲ اگر دعا بر اساس شرایطش تحقق یابد، حتماً مشمول اجابت حق تعالی قرار می‌گیرد؛ «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^۳ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ بَابَ الدُّعَاءِ وَيَغْلُقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ»^۴ ممکن نیست که خدا باب دعا را بگشاید، اما در اجابت را ببندد.

۱. ابن طاووس، الأمان من أخطار الأسفار، ص ۱۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۱.

۳. بقره، آیه ۱۸۶.

۴. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۲۳.

۱. اضطراب و قطع امید از غیر خدا

۲. اعتقاد یقینی به حقانیت اولیای خدا

«مَثَل ما اهل بیت و مردم، همانند آن خاندان بنی اسرائیل است که هرکسی از آنها که چهل شب عبادت می کرد و پس از آن دعا می نمود، اجابت می شد. یکی از آنها، چهل شب تهجد داشت و بعد دعا کرد؛ ولی مستجاب نشد. نزد عیسی بن مریم علیه السلام آمد و از حال خود شکایت کرد و خواست که برایش دعا کند! عیسی علیه السلام تطهیر کرد و نماز خواند و به درگاه خدای بلندمرتبه دعا کرد. وحی آمد: ای عیسی! این بنده به درگاه من آمد؛ ولی از آن دری که باید بیاید، نیامد. او مرا خواند؛ ولی در دلش به تو شک داشت. با این اعتقاد، اگر آن قدر سرش را

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا ■ ۲۴۹

بالا بگیرد و دعا کند که گردش قطع شود و آنقدر دستانش را رو به آسمان بگیرد که انگشتانش خشک شود و بریزد، اجابت نمی‌کنم!

حضرت عیسیٰ علیه السلام به او فرمود: پروردگارت را می‌خوانی و به حق بودن پیغمبرش شک داری؟ عرض کرد: ای روح خدا! به خدا سوگند که آنچه گفتم، درست است. اکنون از خدا بخواه که شک را از دل من ببرد. امام صادق علیه السلام فرمود: عیسیٰ علیه السلام برای او دعا کرد و خدا توبه آن مرد را پذیرفت و مانند خاندان خود، [مستجاب الدعوه] گردید.^۱

۳. عمل به تکالیف و پابندی به عهد با خدا

نکته بسیار مهم و اساسی در دعا، اجابت خواسته‌های خدا و وفا کردن به قرارهایی است که با او گذاشته‌ایم. وقتی دستورات خدا را پیروی نمی‌کنیم، آیا بی‌انصافی نیست که توقع اجابت داشته باشیم؟

جمیل بن ذراج نقل کرده: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت گردم! خدای متعال می‌فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ ولی ما دعا می‌کنیم و اجابت نمی‌شود؟ فرمود: «لِأَنَّكُمْ لَا تَوْفُونَ لِلَّهِ بِعَهْدِهِ»؛ برای اینکه شما به عهد و پیمانی که با خدا بستید، عمل نمی‌کنید. خدای متعال فرموده: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؛ به عهدی که با من بستید عمل کنید، من هم به عهدی که با شما بستم (اجابت دعا)، وفا می‌کنم. بعد امام علیه السلام افزود: «وَاللَّهُ لَوْ وَفَيْتُمْ اللَّهَ لَوْفِي لَكُمْ»؛ قسم به خدا! اگر وفا کنید، او به یقین وفا می‌کند.^۲

۴. جدی بودن و حضور قلب

جدی بودن در دعا و توجه داشتن کامل، خیلی مهم است. بعضی در وقت دعا حواسشان جای دیگر است و از سر عادت کلماتی را بر زبان جاری می‌کنند. این نوع دعا، مستجاب نمی‌شود. علی علیه السلام فرمود: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ»^۳؛ خداوند، دعای غافل‌دلان را

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۹.

۲. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲.

۲۵۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

اجابت نمی‌کند.» حضرت در ادامه به تلاش و جدی بودن در دعا سفارش کردند.^۱ از امام صادق علیه السلام نیز آمده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبَلُ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ»^۲ خدا دعای کسی را که قلبش متوجه او نیست، اجابت نمی‌کند. پس هرگاه خواستی دعا کنی، با تمام قلبت به او روی بیاور؛ آن‌گاه یقین به اجابتش داشته باش.»

۵. توبه از ظلم

آلوده دل، اول باید خود را پاکیزه کند تا لایق حضور شود؛ یعنی پیش از دعا، باید توبه کرد تا زمینه اجابت فراهم شود. کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر خدا نمی‌گوید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ ولی بیچاره و مضطرب را می‌بینیم که دعا می‌کند، اما جواب نمی‌گیرد و اجابتی رخ نمی‌دهد و یا افرادی را می‌بینیم که مطیع خدا هستند و از او یاری می‌طلبند تا بر دشمن پیروز شوند و چنین نمی‌شود و خدا آنان را یاری نمی‌کند! امام فرمود: «وای بر تو (سخن نسنجیده مگو)! هر که دعا کند، اجابت می‌شود. البته ظالم تا به درگاه خدا توبه نکند، دعایش مردود است اما کسی که لیاقت و حق دعا دارد، هر وقت دعا کند، مستجاب می‌شود.»^۳

۶. نرمی و پاکیزگی قلب

بعضی سنگ دل‌اند و به کسی رحم نمی‌کنند؛ ولی از خدا توقع دارند که به آنها رحم کند و دعایشان را جواب دهد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ»^۴ خداوند عزیز و جلیل، دعای برآمده از قلب قسی را مستجاب نمی‌کند و کسی که در حال خوش اهل دعا نیست، هنگام بلا و گرفتاری دعایش شنیده نخواهد شد.

۱. همان.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۳۸.

۳. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۳۸.

مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا ■ ۲۵۱

در داستانی که حضرت در مورد موانع و عوامل اجابت نقل کرده، به عوامل دیگر اجابت اشاره نموده و فرموده است: «كَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبُّ أَعِيدُ أَنَا مِنْكَ فَلَا تَسْمَعْ عَنِّي أَمْ قَرِيبٌ فَلَا تُجِيبُنِي فَأَتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ قَالَ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ بِلِسَانٍ بَذِيٍّ وَقَلْبٍ عَاتٍ غَيْرِ نَقِيٍّ وَبَيَّةٍ غَيْرِ صَافِيَةٍ [صَادِقَةٍ] فَاقْلَعْ عَنْ بَذَائِكَ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ قَلْبُكَ وَلِتُحْسِنُ نِيَّتَكَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ عَامًا فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ»^۱ مردی از بنی اسرائیل برای اینکه خدا به او پسری دهد، سه سال دعا می‌کرد. وقتی دید خدای تعالی اجابت نمی‌کند، عرضه داشت: خدایا! آیا من از تو دورم که سخن مرا نمی‌شنوی یا من به تو نزدیکم و تو می‌شنوی، ولی اجابت نمی‌کنی؟ کسی در خواب به او گفت: تو سه سال خدا را با زبانی فحاش و دلی گناهکار و قلبی سرکش و نیتی آلوده می‌خواندی! از فحش دست بردار و دل را پاک و نیت را درست کن، [آن‌گاه دعا نما]. او یک سال طبق دستور عمل کرد و خدا به او پسری داد.

پس، رفع بدزبانی، پیراستن قلب از قساوت، پاک‌کردن نیت، رعایت تقوای الهی و خداترسی، سبب اجابت دعا می‌شود.

مجلس بیستم

قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان

حجت الاسلام والمسلمین حسین احسانی فر*

اشاره

مقام نبوت، به دلیل علو مرتبه‌اش، با هیچ منصبی قابل مقایسه نیست. چنین جایگاه رفیعی اقتضا دارد که مدعی نبوت جهت اثبات صدق ادعای خود، دلیل و برهانی ارائه دهد که دیگران از ارائه آن عاجز باشند. از این رو، به برهان صدق ادعای پیامبران، «معجزه» گفته می‌شود.

معجزه پیامبران، باید متناسب با فکر و فرهنگ مخاطب و شرایط زمان و مکان رسالتش باشد. پیامبر اسلام ﷺ به اقتضای اینکه آخرین پیامبر و رسالتش جهانی است، معجزه‌اش باید متناسب با فرایند رشد و تکامل «عقول و علوم» انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. در جهان امروز نیز با همه تبلیغات زهرآگین، فوج عظیمی از دانشمندان و پژوهشگران را می‌بینیم که قرآن را به عنوان تنها نسخه نجات‌بخش بشر معرفی می‌کنند. در این مجال، بیان دیدگاه همه اندیشمندان جهان در مورد قرآن میسر نیست؛ اما در این مجال، به بیان دیدگاه شماری از آنان می‌پردازیم.

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. فراتر از زمان و مکان

کنت کریک، استاد دانشگاه کمبریج، می‌گوید: «قرآن، کتابی نیست که برای یک دوره به‌خصوص آمده باشد؛ کتابی است جاوید برای تمام اعصار، و تا جهان است، نوع بشر می‌تواند قرآن را راهنمای زندگی خود قرار بدهد... چرا که قرآن برای یک دوره به‌خصوص نیامده و هرگز کهنه نمی‌شود؟... زیرا چیزی وجود ندارد که در قرآن نیامده باشد.»^۱

بانو لوراواکسیا واکلیری، ایتالیایی، استاد دانشگاه ناپل، می‌گوید: «ما در این قرآن ذخایر و اندوخته‌هایی از علوم را می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین و متفکرترین اشخاص است و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین سیاست‌مداران باید در مقابل قرآن، زانوی عجز و ناتوانی به زمین بزنند.»^۲

ناپلئون، امپراتور فرانسه می‌گفت: «قرآن، به‌تنهایی عهده‌دار سعادت بشر است. من بارها و آشکارا گفته‌ام: کجاست آن روزی که ما مجتمع و هیئتی بزرگ از سیاست‌مداران و علمای حقوق دنیا تشکیل دهیم و قرآن، این کلام الهی و متین‌ترین قوانین محمدی و نسخه پُرافتخار بشری را پیش رو گذاریم و از روی آن، قوانین خوشبختی و سعادت حقیقی بشر را تنظیم کنیم؟»^۳

۲. سهولت قوانین اسلام و آسان بودن فهم قرآن

اگر تبلیغات زهراگین دروغ‌پردازان دنیا طلب به مردم مجال اندیشیدن و برگزیدن دهد و بگذارند که مردم به اختیار و تشخیص خود، دین را برگزینند، قطعاً اسلام و قرآن را انتخاب می‌کنند؛ زیرا فهم قرآن آسان و قوانین آن هماهنگ با فطرت است. این، حقیقتی است که قرآن به آن اشاره نموده و صاحبان اندیشه بدان اعتراف دارند. قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۴ خداوند، برای شما آسانی را می‌خواهد؛ نه سختی را. بسیاری از

۱. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۹.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۸.

۳. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۳۰.

۴. بقره، آیه ۱۸۵.

مجلس بیستم: قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان ■ ۲۵۵

ادیان و مذاهب موجود، با قوانین سخت و طاقت‌سوز، توان بدنی و روحی و اجتماعی پیروانشان را می‌فرسایند؛ اما قرآن، با ارائه قوانین آسان، زیستن آسایشمند و رشدآفرین و لذت‌بخش مادی را با شکوه معنوی آمیزش داده و انسان را در تنگنای سختی‌ها نمی‌کشانند. از این رو، می‌فرماید: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ»^۱ خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید. و یا می‌فرماید: «هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۲ او (خدا) شما را برگزیده و در دین [اسلام] برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت‌فرسایی قرار نداده است.

تولستوی دانشمند معروف روسی، در کتاب خود به نام حکم محمد می‌نویسد: «هرکس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه‌بودن دین اسلام را بفهمد، باید قرآن مجید را با دقت نظر مطالعه نماید؛ زیرا در آنجا احکام و قوانینی بر مبنای حقایق روشن و آشکار، صادر [گردیده] و تعلیماتی سهل و آسان برای عموم بیان شده است»^۳.

خوزه مارتینز، دانشمند و نویسنده بلندآوازه ایتالیایی، می‌گوید: «به نظر من، اسلام دینی آسان و فهمیدنی است؛ ولی شما می‌بینید در مسیحیت به اندازه‌ای روایات گیج‌کننده است که گاهی یک کشیش هم سر نخ تثلیث را از دست می‌دهد»^۴.

کنت دو گوینو می‌گوید: «هیچ دینانی، تسامح‌جوی‌تر و شاید بی‌تعصب‌تر از اسلام وجود ندارد»^۵.

جورج ویلز، دانشمند و تاریخ‌نگار مشهور انگلیسی نیز در کتاب مختصر عمومی خود می‌نویسد: «اسلام، سعادت و آرامش و آسایش را به‌رایگان به جهانیان عطا نمود و یک نظام اجتماعی و سیاسی بود که در روزگار تیرگی دنیا نمایان شد و تیرگی‌ها را مرتفع و بدی‌ها

۱. مائده، آیه ۶.

۲. حج، آیه ۷۸.

۳. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۴.

۴. میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۳۸۳.

۵. محمد آراسته‌خو، واداری غرب نسبت به شرق، ص ۴۷۷.

را زایل ساخت و خرگاه‌های بیدادگری را بسوزانید و حکومت‌های جابرانه را از میان برداشت. تأثیری را که قرآن بزرگ و مقدس در عالم کرد، هیچ کتابی قادر به چنین اعجاز بزرگی نبوده است. قرآن، کتابی است دینی و تربیتی و اخلاقی و اجتماعی و تاریخی و ساده. مساهله قرآن، از اعجازهای بزرگ آن است.^۱

۳. جامعیت قرآن و هماهنگی با علم و تمدن

قرآن، جامع همه نیازهای بشر است؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۲ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است. و یا می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»^۳ ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم. یعنی هر آنچه بشر به آن نیازمند است، در قرآن آمده است؛ البته منظور از جامعیت قرآن، این است که کلیات تمام علوم و اطلاعاتی که بشر در راه تکامل حقیقی و نیل به هدف اصلی آفرینش، یعنی قرب الهی نیاز دارد، در قرآن وجود دارد.^۴

پرفسور خوزه مارتینز می‌گوید: «اسلام، دینی کامل و جامع است با تمام قوانین صحیح زندگانی. من شخصاً قرآن را پنج بار دقیقاً مطالعه کرده‌ام. در سطر سطر آن، قانون و ثبات دیده می‌شود.^۵ آقای سُدیو، دانشمند فرانسوی^۶ نیز می‌گوید: «قرآن، چیزی را از احکام و مقررات فروگذار ننموده، آدایش بر حکمت، اساس آن بر عدل و احسان استوار گشته و غرض آن، پیمودن راه حق و منع از رفتار باطل و دفع گمراهی و ضلالت و بیرون‌شدن از تاریکی رذالت و پستی، به جانب انوار فضایل و کمالات می‌باشد. قرآن، شامل تمام مبادی و اصولی است که به پیامبران سلف از آیات و معجزات داده شده و مشتمل مواعظ و احکامی

۱. جورج ویلز، مختصر تاریخ عمومی، ص ۲۰۳.

۲. نحل، آیه ۸۹.

۳. انعام، آیه ۳۸.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۵. میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۱۳۸.

۶. سدیو (Sedillot)، دانشمند و نویسنده مشهور فرانسوی و نگارنده کتاب تاریخ العرب العام، متولد ۱۸۱۷م و متوفای ۱۸۹۳.

مجلس بیستم: قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان ■ ۲۵۷

است که باعث کوری چشم‌های منتقدان و عیبجویان اسلام و کری گوش‌های ایشان از حق می‌گردد.^۱

جورج ویلز، دانشمند و مورخ انگلیسی، در پاسخ سؤال یکی از مجله‌های علمی اروپا می‌گوید: «بزرگ‌ترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تا کنون بیشتر از سایر کتب در دنیا تأثیر بخشیده، چند کتاب، از جمله قرآن است؛ ولی قرآن، مهم‌ترین کتاب دنیاست؛ زیرا این کتاب آسمانی، اثری در دنیا گذارده که نظیر آن را هیچ کتابی به خود ندیده است. قرآن، کتاب علمی، دینی، اجتماعی، تهذیبی، اخلاقی و تاریخی است. مقررات و قوانین و احکام آن، با اصول قوانین و احکام و مقررات دنیای امروز تطبیق می‌کند و برای همیشه قابل پیروی و عمل است. هرکس بخواهد دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشر پیشرفت داشته باشد، باید که دین اسلام را اختیار نماید و اگر بخواهد که معنای این دین را بیابد، به قرآن مراجعه کند.»^۲

- چرا از مسیحیت به اسلام رو آوردم؟

جامعیت قرآن، باعث مسلمان شدن زنی آلمانی گشت. او که نامش را پس از تشرف به اسلام، «زهرا» گذاشت، می‌گوید: «هرچه بیشتر از تعالیم مسیحیت می‌آموختم، به همان نسبت شک و تردیدم بیشتر می‌شد، از این رو، به مطالعه مذاهب مختلف پرداختم. البته از همان آغاز، توخالی بودن بسیاری از آنها را فهمیدم؛ تا آنکه قرآنی به زبان آلمانی تهیه کردم. هرچه بیشتر قرآن را مطالعه می‌کردم، بیشتر از آن حالت ازهم‌گسیختگی و آشفتگی درونی‌ام کاسته می‌شد و بالاخره با مطالعه قرآن، گمشده‌ام را یافتم. آری، آن حقیقتی را که سال‌ها به دنبالش می‌گشتم و در پی آن به هر دری سر زدم، اسلام و قرآن بود.»^۳

خانم برگیت جمیل می‌گوید: «من در شرکتی به عنوان منشی کار می‌کردم و از لحاظ مادی، تمام چیزهایی را که یک انسان آرزویش را دارد، داشتم؛ اما پیوسته در درون خویش احساس خلأ و کمبود می‌کردم. از مذاهب مختلف چیزهایی خوانده بودم؛ ولی در هیچ‌کدام

۱. ابوعبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۳. میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۱۳۸.

گمشده‌ام را نمی‌یافتم؛ تا آنکه با قرآن و اسلام آشنا شدم. شروع به مطالعه قرآن کردم. هرچه بیشتر می‌خواندم، احساس می‌کردم وضع روحی‌ام روزبه‌روز در حال بهبودی است.^۱

۴. عقلانیت و قانونمند بودن قرآن

طبق آموزه‌های قرآن، خداوند که حق مطلق است، جهان را نیز بر اساس حق و عدل آفرید و به پیامبرش نیز می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَاَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به‌روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.

ولتر، فیلسوف و نویسنده فرانسوی می‌گوید: «من یقین دارم که قرآن و انجیل را اگر به یک فرد غیرمتدین ارائه دهند، او حتماً اولی را خواهد گزید؛ زیرا که کتاب محمد ﷺ در ظاهر افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبانی عقلی منطبق است.»^۳

ادوارد مونته، استاد دانشگاه ژنو،^۴ می‌گوید: «قرآن برای ما مسیحیان، کتابی فوق‌العاده سودمند است... مطالب قرآن، مقارن با اصول و قواعد معقول و توأم با تعبیرات خوشایند و شگفت‌انگیز است. اصول فلسفه روحانی را به زبان دینی در آن خواهید یافت. [کتابی است] به‌غایت ملیح و بدیع و جالب؛ مانند مروارید. مسائل دینی را چنان مشروح و مدلل بیان کرده که حقاً این‌گونه بیان در عهد ظهور پیامبر عرب، حیرت‌آور است.»^۵

کار لایل، فیلسوف انگلیسی، می‌گوید: هیچ‌کس قرآن را با تأمل و اندیشه نمی‌خواند، مگر اینکه می‌بیند حقایق جوهری به‌ذات خود نزد وی آشکار و ظاهر است و قرآن را وابسته به اصلی حقیقی و پیوسته به مبدئی عالی و مقدس می‌یابد... حق، آن است که تمام کتب در برابر قرآن حقیر و کوچک‌اند و این کتاب، از هر گونه عیب و نقص و اصول ناپسند، پاکیزه و مبراست.»^۶

۱. همان.

۲. انعام، آیه ۱۲۵.

۳. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۸.

۴. قرآن پژوه، مترجم قرآن به زبان فرانسه و نویسنده اولین معجم موضوعی قرآن.

۵. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۹.

۶. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۳.

- چرا مسلمان شدم؟

هنگامی که از دکتر جرینه، علت مسلمان شدنش را سؤال کردند، پاسخ داد: «من تمام آیات قرآنی که در زمینه علوم طبیعی و بهداشتی و طبی بود، مطالعه کردم و آنها را به خوبی فهمیدم و آنها را مطابق دقیق ترین قانون های علوم طبیعی و پیچیده ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا، هیچ کسی بر روی زمین، از آن قوانین و اصول آگاه نبود. پس، به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم و مسلمان شدم؛ زیرا یقین کردم که محمد صلی الله علیه و آله متجاوز از هزار سال پیش، بدون اینکه معلم بشری داشته باشد، حق را بیان کرده است. اگر هر دانشمندی آیات مربوط به رشته تخصصی خود را در قرآن مطالعه کند و خود را از غرض دور نگه دارد، بدون تردید، مانند من، مسلمان خواهد شد.»^۱

گوته، فیلسوف و شاعر آلمانی، در مورد استحکام مبانی و قانونمند بودن قرآن می گوید: «مرام و مقاصد قرآن، فوق العاده قوی و محکم، و مبانی آن، بلند است و هر لحظه عظمت و مزایای آن فزون تر می گردد و ما را به جانب اهمیت و علو مقام خود بیشتر جذب می کند. این کتاب با این وصف، به زودی بزرگ ترین تأثیر را در تمام دنیا نموده، نتیجه مهمی خواهد داد.»^۲

۵. تأثیر قرآن در بنیادهای علمی بشر

این حقیقت بر پژوهشگران دنیا، روشن است که بسیاری از بنیادهای علمی و فکری و تمدن کنونی بشر، متأثر از قرآن و آموزه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و عملکرد علمای اسلام و مسلمانان است. رابین کوک، وزیر امور خارجه اسبق انگلیس، می گوید: «غرب، به اسلام بسیار مدیون است. اسلام، بنیادهای فکری بخش عظیمی از تمدن غرب را پایه ریزی کرد. از شناخت اعداد تا درک ما از ستارگان، بسیاری از مبانی تمدن ما (اروپایی ها)، ریشه در تعلیم اسلام دارد.»^۳

۱. عبدالله احمدیان، قرآن شناسی، ص ۲۳۴.

۲. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۹.

۳. محمد آراسته خو، واداری غرب نسبت به شرق، ص ۵۰۶.

هر تویک هیر چفلد^۱ می نویسد: «از اینکه قرآن را سرچشمه علوم می یابیم، نباید تعجب کنیم. تمام موضوعاتی که مربوط به آسمانها، زمین، زندگی انسان، تجارت و انواع گوناگون معاملات است، در سطح عالی و ماهرانه در قرآن هست... توسعه شگفت انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم، غیرمستقیم مدیون قرآن است. قرآن، نه تنها مسلمانان را به دانش تشویق کرد، بلکه فلاسفه یهود را نیز ترغیب کرد که مسائل مذهبی و ماوراءالطبیعه را به روش مسلمانان تعقیب کنند. آخر الامر، اسکولاستیک (علم کلام مسیحی) آنچنان با عرفان اسلامی پرورش یافته و ترقی کرد که احتیاج به بحث زیادتری نداشت... بررسی علم نجوم نشان می دهد که مسلمانان قرن ها نگهداران این علم بودند. منجمان قرون وسطای اروپا، شاگردان مسلمانان بودند. به همین ترتیب، قرآن، تحولی در مطالعات طبیی ایجاد کرده، دستور بررسی عالم طبیعت را به طور کلی داد.»^۲

آقای رود ویل، اسلام شناس انگلیسی، می نویسد: «باید اعتراف کرد که قرآن، به واسطه ارشادات عالی و نظریات عمیقش، سزاوار است که مورد توجه کامل قرار گیرد. این کتاب، همان روح قوی می باشد که یک ملت نادان و فقیر را منقلب ساخت و تمدن نیرومندی را که رونقی کامل داشت، به وجود آورد؛ تمدنی که بالهای خود را از سمت مغرب تا اسپانیا، و از سمت مشرق به حدود هند گسترش داد و در اندک زمانی، امپراطوری بزرگی را تأسیس نمود... اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است؛ همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطی در اروپا، جلوه گر ساخت.»^۳

ژول لایبوم، خاورشناس فرانسوی، می گوید: «به دنیا و اهل دنیا و به همه آنهایی که خود را روشنفکر و مغز جامعه و به آنهایی که قدری آزموده اند، اعلام می کنم با دیده انصاف به گذشته دنیا بنگرند، معارف و علوم پیش از اسلام را مطالعه کنند و ببینند که آیا دانش و علم برای مردم دنیا جز به واسطه مسلمانان عرضه شده و مسلمانان این علوم و دانش را از قرآنی که مانند دریای دانش بود، گرفته و از آن نهرها جدا نمودند. این قرآن برای همیشه موجود مانده و مردم هر دوره و زمان، به اندازه فهم و شعور خود از آن استفاده می نمایند.»^۴

۱. هر تویک هیر چفلد (R.M.Hare) متوفای ۱۹۱۹.

۲. محمدجواد باهنر، آغاز نهضت اسلامی (قرآن در نظر اروپاییان)، ص ۵۷ و ۵۸.

۳. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۱۰۰.

۴. ابوعبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۵۸.

مجلس بیستم: قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان ■ ۲۶۱

و باز او می‌گوید: «ای مردم! در قرآن دقت کنید تا حقایق آن بر شما آشکار شود. این همه علوم و فنون که اعراب کسب کرده‌اند، این همه کاخ دانش و بینش که اعراب وحشی بنیاد نموده‌اند، اساس و شالوده آن را قرآن ریخته است.»^۱

۶. قرآن، کتاب صلح و دوستی

دین اسلام، دین صلح و سلام و محبت و الفت است و دشمن جنگ و جدال است؛ مگر در موقعی که موجبات قهری اقتضا کند و دفع خصم یا قطع ریشه فساد ضرورت یابد. با این رویکرد است که «در قرآن کریم به آیاتی بر می‌خوریم که مسلمانان را به ترک قتال و تحمل هر آزار و اذیتی در راه خدا دعوت کرده، از آن جمله فرموده: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.» و یا در آیه‌ای دیگر فرموده: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا؛ و در برابر آنچه [دشمنان] می‌گویند شکمیا باش و به طور شایسته از آنان دوری گزین.»

اسلام جنگ را هنگامی تجویز می‌کند که ظلم و تجاوز دشمن قابل تحمل نباشد و یا موجب تجرّی دشمن و تسری جنگ به سایر بلاد و باعث فساد و هرج و مرج و تضییع حقوق انسانی گردد؛ چنان‌که می‌فرماید: «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يَفَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلُمُوا، وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغْيٍ حَقٍّ؛^۳ کسانی که مورد هجوم قرار می‌گیرند، اجازه قتال [و دفاع از خود] دارند؛ چون به آنان ستم شده و خدا بر نصرتشان قادر است؛ همان‌هایی که از خانه‌هایشان بدون حق بیرون رانده شدند.» حتی سفارش شده است که هنگام دفاع، اولاً، قصد قربت الی‌الله بکنید. ثانیاً، تجاوز نکنید؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و [وقت جنگ، از حدود شرعی و قوانین عقلایی جنگ] تجاوز نکنید که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.»^۴

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۹۴.

۳. حج، آیه ۴۰.

۴. بقره، آیه ۱۹۰.

۲۶۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

و فرموده: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا»^۱ و دشمنی و کینه کسانی که نگذاشتند به مسجد الحرام درآیید، شما را وادار به تعدی نکند. و اگر دشمنان ستیزه‌جو تسلیم شدند و به صلح و آشتی رو آوردند، آن را بپذیرید؛ «وَلِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»^۲ و اگر بدون درخواست صلح و آشتی، دست از جنگ و خصومت برداشتند، راه صلح و آشتی را جست‌وجو کنید. «ازین رو، فرموده: «فَإِنْ اتَّهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»^۳ پس، اگر [جنگ] را پایان دادند، [شما نیز پایان دهید و بدانید که] جنگ و تعدی، تنها در برابر ستمکاران واجب است.»

قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که به همه مردم احترام بگذارید و با آنان نیکو سخن بگویید؛ «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۴ و یا به پیامبر اسلام ﷺ دستور می‌دهد: به همه پیروان ادیان الهی بگو: بیایید بر سر اصول مشترک، مخاصمه را کنار بگذاریم و زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشیم.^۵

آقای دوزی، خاورشناس هلندی، می‌گوید: «بعد از اینکه عرب دیانت یافته و به قرآن ایمان آورد و دل‌ها به نور دین حنیف اسلام روشن شد، مسلمانان با لباس نوی در برابر تمام مردم روی زمین عرض اندام نمودند که آن آیین صلح‌طلبی و آرامش‌خواهی و آزادی افکار در معاملات و کردار بود. تعلیمات پیغمبر اسلام این گونه بود: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۶ در قبول دین، اکراهی نیست؛ [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.» و آیه «لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۷ [به معبود] کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید؛ مبدا آنها [نیز] از روی [ظلم و] جهل، خدا را دشنام دهند.»

۱. مائده، آیه ۲.

۲. انفال، آیه ۶۱.

۳. بقره، آیه ۱۹۳.

۴. بقره، آیه ۸۴.

۵. رک: آل عمران، آیه ۶۴.

۶. بقره، آیه ۲۵۶.

۷. انعام، آیه ۱۰۸.

۷. اعجاز ادبی قرآن

کلمات قرآن در تلطیف عواطف و تحریک روح حماسی، آن‌چنان تأثیرگذار بوده و آهنگ و جمله‌بندی‌های موزون آن، چنان اعجازی آفریده که معاندان، مردم را از شنیدن آیات قرآن بر حذر می‌داشتند؛ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ؛^۱ کافران گفتند: گوش به این قرآن فراندهید؛ چه آنکه «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛^۲ و هر زمان، آیاتی را که بر رسول [خدا] نازل شده، بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که [از شوق] اشک می‌ریزد و برای حقیقتی که دریافته‌اند، می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم. پس ما را با گواهان [و شاهدان حق، در زمره یاران محمد] بنویس.»

بلر، خاورشناس معروف آلمانی، می‌گوید: «لغت قرآن، فصیح‌ترین لغات عرب، و اسلوب بلاغت آن، طوری است که افکار و عقل‌ها را به جانب خود جذب می‌کند.»^۳ جورج ویلز، دانشمند انگلیسی، می‌گوید: در قرآن، بهترین عبارات و عالی‌ترین جملات نازل گردیده و اسلوب فصاحت و بلاغت آن، به حدی زیباست که عقول عقلا را حیران ساخته است. قرآن، کتابی است ابدی و جهانی.»^۴

سنت هیلر، مستشرق فرانسوی، درباره سبک قرآن می‌گوید: «من برای آن، شبیه و مانندی در تمام تاریخ مذاهب بشر، نمی‌توانم بیابم.»^۵

ارنست رنان، فیلسوف معروف فرانسوی، می‌گوید: «در کتابخانه من، هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی، ادبی و... وجود دارد که هرکدام را بیش از یک بار نخوانده‌ام؛ اما یک جلد کتاب هست که همیشه مونس من است و هر وقت خسته می‌شوم و می‌خواهم درهایی از معانی و کمال به رویم باز شود، آن را مطالعه می‌کنم. این کتاب، قرآن، یعنی کتاب آسمانی مسلمانان است.»^۶

۱. فصلت، آیه ۲۶.

۲. مائده، آیه ۸۳.

۳. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۶۱.

۴. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۵. همان، ص ۸۹.

۶. بلاشر، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۱۲.

۲۶۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

پرفسور آرتور آربری انگلیسی، مترجم معروف قرآن،^۱ می‌گوید: «قرآن، بزرگ‌ترین شاهکار ادبی نوع بشر است و به قول پیکتال در ترجمه قرآنش، آن آهنگ غیرقابل تقلید که تنها اصواتش انسان را به گریه و جذبه می‌کشاند.»^۲

در پایان، اظهار تأسف رژی بلاتر، استاد دانشگاه سوربن فرانسه، از غفلت مسلمانان، شنیدنی است. او اظهار تأسف می‌کند از اینکه: «قرآن [با آن محتوا و جامعیتی که دارد]، در دیار مسلمانان غریب است و آن‌چنان‌که شایسته قرآن است، بدان نمی‌پردازند.» وی سپس می‌گوید: «اگر ارزش و رهایی‌بخشی قرآن برای همگان معلوم گردد، می‌توان امید داشت که در سرنوشت بشر، اصلاحات ساختاری صورت بگیرد.»^۳

۱. ادیب، شاعر و مترجم معروف قرآن کریم. وی قرآن را طی دو جلد به زبان انگلیسی ترجمه کرده و کوشیده است بر اساس رشته تخصصی خود، گوشه‌ای از موسیقی و آهنگ بی‌نظیر آیات قرآن را جلوه بخشد.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ص ۱۰۰.

۳. محمد آراسته‌خو، واداری غرب نسبت به شرق، ص ۴۸۸.

مجلس بیست و یکم

امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته تاریخ

حجت الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد*

قالَ مولانا امیر المؤمنین: «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ قُرَيْشٌ بِالدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لَوْ يَرَوْنَنِي مَقَاماً وَاحِداً وَلَوْ قَدَرُ جَزَرٍ جَزُورٍ لِأَقْبَلِ مِنْهُمْ مَا أَطْلَبُ الْيَوْمَ بَعْضَهُ فَلَا [يُعْطُونَنِيهِ] يُعْطُونَنِيهِ»^۱

اهتمام ائمه علیهم السلام نسبت به شب قدر^۲

یکی از شب‌هایی که احتمال قدر در آن داده شده، شب بیست و یکم ماه رمضان است که بر حسب آنچه روایت شده، عیسی بن مریم علیه السلام در چنین شبی به عالم بالا عروج کرده است.^۳

* پژوهشگر حوزه علمیه و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه، ۹۲.

۲. «سُئِلَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ: مَا أَخْلُو مِنْ أَنْ أَكُونَ أَعْلَمُهَا وَلَسْتُ أَشْكُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يَسْتُرُهَا عَنْكُمْ نَظراً لَكُمْ لِأَنَّكُمْ لَوْ أَعْلَمْتُمْوهَا عَمِلْتُمْ فِيهَا وَ تَرَكْتُمْ غَيْرَهَا وَ أَرْجُو أَنْ لَا تُخْطِئَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (شيخ عباس قمي، سفينة البحار، ج ۲، ماده «قدر»)

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۴۰.

۲۶۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

همچنین در چنین شبی، وصی موسی بن عمران علیه السلام، یوشع بن نوح، از دنیا رفت؛^۱ اما آنچه از نظر ما شیعیان به آن اهمیت داده می شود و چهره دیگری به این ایام می بخشد، ضربت خوردن و شهادت وصی پیامبر خاتم، امیر مؤمنان، علی علیه السلام است که ظاهراً در ثلث اوّل شب بیست و یکم ماه رمضان، دیده از جهان فرو بست و عالم بشری، شخصیتی را از دست داد که هر چه ماه و خورشید بگردد و روزگار به طرف جلو برود، نظیر آن شخصیت را پیدا نخواهد کرد.

گر فتد در چّه مغرب، خورشید روز دیگر زند از مشرق سر
آفتابی به سحر کرد غروب که نیاید در آفاق، دگر
دهه سوم ماه مبارک رمضان، از اهمیت خاصی برخوردار است. رسول خدا صلی الله علیه و آله که قرآن مجید او را «رحمة للعالمین» معرفی می کند، دهه سوم ماه مبارک رمضان را در مسجد معتکف می شدند، بستر خواب خود را برمی چیدند و خویشتن را وقف بندگی خدا می کردند؛ حتی در سال دوم هجرت که جنگ بدر در هفدهم ماه رمضان واقع شد و پیغمبر در مدینه حضور نداشتند و نتوانستند در مسجد اعتکاف کنند، پس از آن، اعتکاف آن دهه را قضا نمودند. این اهتمام و توجه ویژه، حکایت از آن می کند که این ماه، ماه بندگی خداست. امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند: یک سال شب بیست و سوم ماه رمضان، بارندگی شدیدی در مدینه بود و آب باران، داخل مسجد شده بود.^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما نماز گزارد؛ در حالی که بنی حضرت در گل بود؛ «فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مَطَرًا شَدِيدًا وَ وَكَّفَ الْمَسْجِدُ فَصَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَإِنْ أَرْتَبَةَ أَنْفَهُ لَفِي الطِّينِ»^۳

۱. همان.

۲. مسجد پیامبر، مانند اکنون مسقف نبوده، بلکه بخشی از آن سقف داشته است؛ آن هم با برگ و شاخه درخت خرما پوشش داده شده بود و باران، داخل مسجد می بارید.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۰.

دعا، بهترین فرصت

یک سال شب‌ها را خفته و یا به تعبیر دیگر، عمری در خواب به سر برده‌ایم؛ اما این شب‌ها را باید زنده نگاه داشت. در روایت آمده: «النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا إِنْ تَبَهُوا»^۱ مردم، خواب‌اند. هنگامی که مردند، بیدار می‌شوند.

اکنون نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان، در مسجد، یعنی خانه خدا هستیم؛ به علاوه، این ماه، ماه ضیافت و مهمانی خداست. پس، همگی مهمان او هستیم و او، میزبان ماست. این گونه فرصت‌ها، کمتر فراهم می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٌ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؟»^۲ در زندگی شما، نسیم‌های رحمت الهی به سوی‌تان می‌وزد. پس، از آن فرصت‌ها استفاده کنید. بعضی خیلی خوب خود را در معرض این نسیم‌ها قرار می‌دهند و کمال استفاده را می‌برند. آری، فرصت‌ها ارزشمندند.^۳ شب بیست و یکم را باید مغتنم

۱. شرح کافی، ج ۹، ص ۱۷۰.

۲. شیخ صدوق، کتاب التوحید، ص ۳۳۰؛ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۶۵۰.

۳. اولین درگیری مسلحانه رسمی بین مسلمانان و مشرکان قریش، جنگ بدر در هفدهم رمضان سال دوم هجری بوده است. در این جنگ، مشرکان تجهیزات کاملی داشتند؛ اما یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط دو اسب داشتند؛ یکی برای مقدار بن اسود بود و یکی را هم فرد دیگری استفاده می‌کرد. رسول اکرم سوار بر شتر بودند. وضع میدان جنگ به طوری بود که مسلمانان با شتر هم نمی‌توانستند بجنگند. از این رو، مسلمانان در میدان جنگ پیاده شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، به صف‌آرایی سپاه اسلام می‌پرداختند و لشکر را منظم می‌کردند. فردی به نام «سواد بن غزیه» میان لشکر، مقداری جلو ایستاده بود. پیغمبر اکرم، چوب‌دستی کوتاهی را بر شکم او گذاشتند و فرمودند: عقب برو تا صف منظم شود. در این لحظه، «سواد بن غزیه» فریاد زد! رسول خدا فرمود: می‌خواهی چه کنی؟ عرض کرد: قصاص می‌کنم!

در اولین جنگ مسلحانه‌ای که دشمن تا بن دندان مسلح شده و می‌خواهد اهالی یترب و مسلمانان مدینه را از بین ببرد، آن مرد به پیغمبر خاتم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌گوید: می‌خواهم قصاص کنم. پیغمبر چوبی به دستش دادند و سپس سینه خود را برهنه کرده و فرمودند: «چوب را بر سینه من بزن و فشار بیاور تا قصاص کنی.» وقتی رسول خدا سینه خود را برهنه کرد، «سواد بن غزیه» سینه حضرت را بوسید. پیامبر اکرم فرمود: چه می‌کنی؟ عرض کرد: ای رسول خدا! اینجا میدان جنگ است و شاید ده دقیقه دیگر شهید شوم. می‌خواستم آخرین نقطه‌ای که بدن من با آن ملاقات می‌کند، سینه شما باشد و برای این کار، راهی غیر از این نداشتم. آری، اصحاب عاشق حضرت، این گونه از فرصت استفاده می‌کردند. (رک: المغازی، واقعی،

۲۶۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

شمرد و از فرصت، کمال استفاده را برد. باید با حضور قلب از خداوند متعال بخواهیم که توبه ما را بپذیرد و ما را جزء «عُتَقَاء» (آزادگان) قرار دهد.

یکی از مطالبی که به خصوص امشب باید به آن توجه داشت، دعاست. در کتاب کافی آمده:

«خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَقَلْبٍ تَقِيٍّ وَفِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النِّجَاةِ وَالْإِخْلَاصُ يَكُونُ

الْإِخْلَاصُ؛^۱ داعی را که از سینه پاک و قلب با تقوا و با اخلاص صادر شود، [خداوند متعال

به آن لبیک می گوید و] بهترین دعاست.» بنابراین، باید شرایط دعا محقق شود تا دعا

مستجاب شود؛ وگرنه امکان ندارد انسان با قلب آلوده، خدا را بخواند و او پاسخ دهد.

ابتدا باید دل را از رذایل و گناهان تخلیه نمود و آن گاه از خداوند متعال طلب عفو و

رحمت کرد.

یکی از اوقاتی که در زندگی حال خوشی برای آدمی پیدا می شود، هنگامی است که دلش

می شکند و اشکش جاری می شود. در کتاب شریف کافی آمده^۲:

«وقتی اشکتان جاری می شود و دلتان می شکند، لحظه ارتباط با خداست. پروردگار متعال به

ملائکه مباحثات می کند و می گوید: بنده مرا ببینید که چگونه ضجّه می زند. دعایش را

مستجاب نکنید؛ زیرا دوست دارم صدایش را بشنوم.»

پس، امشب باید با خدا سخن گفت و با او درددل نمود.

صاحب امشب، علی مرتضی علیه السلام، کسی است که اهل نجا و مناجات با حق است؛ او حتی

در ایامی که هنوز سنی از عمرش نگذشته بود، این گونه بود. ابن ابی الحدید در مقدمه شرح

نهج البلاغه^۳ وقتی عبادت امیر مؤمنان را بیان می کند، می نویسد:

«علی مرتضی علیه السلام در محوطه جنگ صفین به نماز ایستاد؛ در حالی که تیرهای دشمن،

برابرش فرود می آمد و از طرف راست و چپ حضرت عبور می کرد؛ اما ایشان اعتنائی

نمی کرد.»

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، ح ۲.

۲. همان، ص ۴۷۷، ح ۵ و ۸.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷.

مجلس بیست و یکم: امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته تاریخ ■ ۲۶۹

شخصیت والای علی مرتضی علیه السلام

به مناسبت شب بیست و یکم که شب امیر مؤمنان است، مقداری در باره آن شخصیت بزرگ صحبت می‌کنیم.

برادر «صعصعه بن صوحان عبدی»، «زید بن صوحان» در جنگ جمل به فیض شهادت نایل گشت و همچنین بود برادر دیگرش که همگی از یاران و دوستان امیر مؤمنان بودند. «صعصعه» سه سخن درباره شخصیت حضرت امیر علیه السلام دارد که خواندنی است:

- سخن اول: زینت خلافت^۱

روزی که امیر مؤمنان به خلافت رسید، «صعصعه» عرض کرد:

«زَيْنَتُ الْخِلَافَةِ وَ مَا زَانَتْكَ وَ رَفَعَتْهَا وَ مَا رَفَعَتْكَ وَ هِيَ إِلَيْكَ أَحْوَجُ مِنْكَ إِلَيْهَا؛^۲ خلافت را زینت دادی؛ نه اینکه خلافت به تو زینت داده باشد. خلافت را بالا برده و رفعت بخشیدی؛ نه خلافت تو را. خلافت به تو نیازمند است؛ نه تو به خلافت.»

آری، امیر مؤمنان علیه السلام بزرگ‌تر از آن است که لباس خلافت، او را رفعت دهد. یکی از بزرگان می‌گوید: اگر از من سؤال کنند: از جمله بزرگ‌ترین معجزات رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست، می‌گویم: امیر مؤمنان، از بزرگ‌ترین معجزات رسول خداست؛ چنان‌که خود حضرت می‌فرماید:

«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ فَأَنْفَتَحَ لِي مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ؛^۳ رسول خدا مرا هزار باب علم آموخت که برای من از هر بابی، هزار باب باز شد.»

«ابودردا» نقل می‌کند: دیدم علی مرتضی علیه السلام در نخلستان بنی نجار در تاریکی شب، مشغول راز و نیاز است، اشک می‌ریزد و می‌گوید:

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کسی با امیر مؤمنان علیه السلام نبود که حق او را بشناسد، مگر صعصعه و اصحاب

او.» (ر.ک: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۹۸)

۲. مرتضی مطهری، بیست گفتار، گفتار چهارم، ص ۹۵؛ شرح کافی، ج ۷، ص ۱۹۶.

۳. سید علی خان شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲۷۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

«إِلَهِي، أَفَكَّرُ فِي عَفْوِكَ، فَتَهَوَّنُ عَلَى خَطِيئَتِي ثُمَّ أَذْكُرُ الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي ... آه مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى»^۱ ... خدایا! به عفو تو می اندیشم. پس، گناه من آسان به نظر می آید؛ اما وقتی مجازات سخت را به یاد می آورم... آه از آتشی که گوشت را بریان می کند. سپس گریست تا از خوف خدا غش کرد و بر زمین افتاد.

- سخن دوم: آگاه به کلمات الهی

عصر روز بیستم ماه رمضان، «صعصعه» برای ملاقات با امیر مؤمنان علیه السلام آمد؛ اما چون فرزندان حضرت کنارش بودند، اجازه ملاقات به صعصعه داده نشد. او به فردی^۲ که داخل خانه رفت و آمد می کرد، گفت: پیام مرا به حضرت برسان و عرض کن: «رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَقَدْ كَانَ اللَّهُ فِي صَدْرِكَ عَظِيمًا وَلَقَدْ كُنْتُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ عَلِيمًا»^۳ ای ابوالحسن! خداوند تو را رحمت کند؛ خدا را شناختی. پروردگار در وجود تو بزرگ و غیر از خدا نزد تو کوچک بود.

آن فرد به حضرت عرض کرد: «صعصعه» کنار در خانه است، اجازه ملاقات به او نداده اند؛ اما پیامش این است... حضرت فرمود: سلام مرا به او برسان. من هم یک پیام برای او دارم. به او بگو: «وَاللَّهِ مَا كُنْتُ عَلِمْتُكَ إِلَّا خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ، كَثِيرَ الْمَعُونَةِ؛ أَيَّ صَعَصَعَةٍ! خَدَّوْنِدْ، تَوْرَا رَحْمَتِ كُنْد! بَرَايَ مِنْ يَارِي كَمْ زَحْمَتٍ وَ پُرْتَلَاش بُوْدِي.»

بسیار مهم است که امیر مؤمنان علیه السلام به صعصعه پیام می دهد که برای من یاری کم خرج اما پُرسود بودی.

نمی دانم علی مظلوم، چند نمونه از این یاران داشته؛ اما خود حضرت در جنگ صفین به «عمرو بن حَمِق» فرمود: ای کاش صد نفر مانند تو می داشتم!

۱. شیخ عباس قمی، *الکنی و الألقاب*، ص ۶۴ - ۶۵.

۲. در تاریخ، نام آن شخص بیان نشده است.

۳. محسن امین، *أعيان الشيعة*، ج ۷، ص ۳۸۸؛ شیخ عباس قمی، *سفينة البحار*، ج ۵، ص ۱۰۶.

مجلس بیست و یکم: امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته تاریخ ■ ۲۷۱

- سخن سوم: عامل برکت آسمان و زمین

در شب بیست و یکم ماه رمضان، طبق وصیت حضرت، بدن مطهرش را شبانه و غریبانه تشییع کردند و به خاک سپردند. صعصعة بن صوحان، از کسانی بود که در تشییع پیکر مطهر حضرت حضور داشت و کنار قبر علی مرتضی علیه السلام سخنی گفت که دل فرزندان حضرت را آتش زد.^۱ سپس خاک‌های قبر را بر سر ریخت، یک دستش را بر قلبش و دست دیگر را روی قبر مولا گذاشت و سخنانی گفت؛ از جمله اینکه:

«ای علی جان! تو رفتی، ولی مردم تو را نشناختند. اگر تو را شناخته بودند، برکات الهی از آسمان و زمین بر آنان نازل می‌شد.» او با این سخنان حزن‌انگیز، همگان را متأثر و منقلب کرد.

امام مجتبی علیه السلام صبح روز بیست و یکم ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند و بهترین تعبیر را در مورد پدر بزرگوارش بیان کرد و فرمود: «دیشب، شخصیتی از میان شما رفت که: نه گذشتگان همانند او را دیدند و نه آیندگان خواهند دید.»^۲

شناخت و بهره جامعه

میزان شناخت و بهره جامعه از افراد، مختلف است؛ بعضی شخصیت‌ها در زمان حیاتشان، خلُق و خو و خوبی‌شان برای مردم مشخص است؛ به گونه‌ای که بعد از مرگشان چیزی بر معلومات دیگران نمی‌افزایند؛ چون یادگاری از علم و فضیلت از خود بر جای نگذاشته‌اند؛ اما بعضی وقتی از دنیا می‌روند، کم‌کم ارزش آنها برای جامعه مشخص می‌شود و متوجه می‌شوند چه شخصیتی را از دست داده‌اند. در اینجا معمولاً از تعبیر مختلفی استفاده می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: «تا زنده بود، او را نشناختیم. از علم، دانش و سخن او استفاده نبردیم. عجب گوهری بود؛ ولی قدرش را ندانستیم...». به هر حال، همه اینها بستگی به این دارد که فرد از دست‌رفته چه شخصیتی و چه ویژگی‌هایی داشته باشد.

۱. «هَنِيئاً لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، فَلَقَدْ طَابَ مَوْلِدُكَ، وَ قَوِيَ صَبْرُكَ، وَ عَظُمَ جِهَادُكَ... ثُمَّ بَكَى بُكَاءً شَدِيداً وَ

أَبَكَى كُلُّ مَنْ كَانَ مَعَهُ...» (شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ماده «صعصع»، ج ۵، ص ۱۰۹)

۲. محقق اربلی، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۳۲: «...لَمْ يَسِفْهُ الْاَوَّلُونَ وَ لَمْ يُدْرِكْهُ الْآخِرُونَ...»

امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته

از شخصیت‌هایی است که تا حیات داشت، ناشناخته بود؛ نه تنها مردم عادی، حتی دوستان و نزدیکانش او را نشناختند.^۱

وقتی تاریخ و سیره امیر مؤمنان علیه السلام را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم بعضی مستشرقان درباره حضرت می‌گویند: امام برای زمان خودش زیاد بوده. آری، شخصیتی که علم، همانند سیل از او جاری می‌شده،^۲ مردم نمی‌توانند وی را درک کنند.

امیر مؤمنان علیه السلام بالای منبر کوفه فرمود: آنچه را نمی‌دانید، از من سؤال کنید؛ پیش از اینکه مرا از دست دهید. «سعد وقاص» - و شاید به قول ابن ابی‌الحدید فرد دیگری به نام تمیم بن اسامه^۳ - برخاست و گفت: تعداد موهای سر من چقدر است؟ حضرت فرمود: می‌توانم تعدادش را بگویم؛ اما تو نمی‌توانی آنها را شمارش کنی؛ یعنی اقامه برهان بر آن، مشکل است؛ اما برای اینکه بدانی من آگاه هستم، مطلبی را برایت می‌گویم: «إِنَّ فِي بَيْتِكَ سَخْلًا يَقْتُلُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يَحْضُ عَلَى قَتْلِهِ؛ الْآنَ، پسر کوچکی در خانه داری که قاتل فرزندم حسین علیه السلام است.»^۴

۱. مگر تعداد اندکی که شمار آنها از تعداد انگشتان دست، تجاوز نمی‌کند.

۲. «بَنَحْدَرُ عَنِّي السَّيْلُ». (رک: شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۰؛ صبحی صالحی، نهج البلاغه، ص ۴۸)

۳. «تمیم بن اسامه»، پدر «حصین بن تمیم»، از فرماندهان سپاه عبیدالله بن زیاد در کربلا بود. آن هنگام که امیر مؤمنان این سخن را فرمود، او طفل شیرخواری بود.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۴.

۵. آن دانشمند می‌گوید: ای کاش آنجا بودم و شعورم اقتضا می‌کرد سؤالاتی را مطرح کنم که مشکلات امروز جامعه را حل کند. آری، آن امام بزرگوار می‌فرمود: «سَلُونِي عَنْ طُرُقِ السَّمَاءِ فَإِنِّي أَعْرِفُ بِهَا مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ». (رک: مقدس اردبیلی، حقایق الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۱)

«وَاللَّهُ لَوْ شِئْتَ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مَوَاجِهِ وَ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ وَ لَكِنْ أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا فِي رَسُولِ اللَّهِ صَ أَلَا وَ إِنِّي مُفْضِيهِ إِلَى الْخَاصَّةِ مِنْ يَوْمَنْ ذَلِكَ مِنْهُ؛ سوگند به خدا! اگر بخواهم خبر دهم که هر مردی از شما از کجا آمده، به کجا می‌رود و جمیع احوال او را بیان کنم، می‌توانم؛ ولی می‌ترسم درباره

مجلس بیست و یکم: امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته تاریخ ■ ۲۷۳

آری، فقط دوستان خیلی نزدیک امیر مؤمنان که بسیار اندک بودند، او را شناختند؛ مانند: «حجر بن عدی»، «عمرو بن حمق خزاعی»، «میثم تمار» و «رُشید هجری». امام علم منایا و بلایا را به رشید هجری آموخت. وقتی «زیاد بن ابیه» رشید را دستگیر و از او سؤال کرد: کیستی، گفت: از دوستان امیر مؤمنان هستم. «زیاد» دستور داد دست‌وپای رشید را بربندند و آن‌گاه واژگون به دارش زدند.^۱ دخترش به نام «قنوه» که دید دست‌وپای پدرش را بریده و به دار آویخته‌اند، گفت: مردم جمع شوید تا راجع به فضایل امیر مؤمنان علیه السلام با شما صحبت کنم... سپس از پدرش پرسید: پدر جان! الآن احساس درد می‌کنی؟ گفت: آری، به اندازه کسی که وسط جمعیت، مختصر فشاری را تحمل کند.^۲

مظلومیت علی علیه السلام

امیر مؤمنان می‌فرماید:^۳

«قریش، مرا از طفولیت اذیت کردند. وقتی بزرگ شدم، کنار رسول خدا مرا آزار دادند و به زحمت افکندند. هنگامی که رسول خدا از دنیا رفت، از نظر ظلم و ستم، نسبت به من غوغا کردند؛ اما همین‌ها با تمام اذیت‌هایشان وقتی از دنیا رفتم، در آن هنگام [که دولت بنی‌امیه، منقرض گشت و همه آنان ضعیف، ناتوان و خوار شدند،] آرزو دارند دنیا و آنچه را در آن

من به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کافر شوید (مرا برتر دانید؛ با اینکه آنچه از گذشته و آینده و حال خبر دهم، از آن حضرت آموخته‌ام). (فیض الاسلام، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۴، ۵۶۴ - ۵۶۵)
مورخان نوشته‌اند: بعضی ادعا کرده‌اند که این مسئله مهمی نیست؛ چون دیگران هم گفته‌اند: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» و اختصاص به امیر مؤمنان ندارد. فردی در کوفه گفت: «سَلُوا عَمَّا شِئْتُمْ». کسی از او سؤال کرد: مورچه‌ای که با حضرت سلیمان سخن گفت، نر بود یا ماده؟ او نتوانست پاسخ دهد. (علامه امینی، *الغدیر*، ج ۶، ص ۱۹۶)

۱. در گذشته، هنگام دارزدن فرد، طناب را بر گردنش نمی‌بستند؛ بلکه طناب را زیر بغل او می‌بستند و او را واژگون به دار می‌آویختند تا زجرکش شود و بمیرد.

۲. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۴۲، ص ۱۲۱، ح ۱.

۳. «أَخَفْتَنِي قُرَيْشٌ صَغِيرًا، وَ انْصَبَّتَنِي كَبِيرًا، حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَكَانَتْ الطَّامَةُ الْكُبْرَى، وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ». (رک: ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۴، ص ۱۰۸)

۲۷۴ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

است، از دست داده، به جای آن، یک بار مرا ببینند؛ هر چند به اندازه کشتن شتری (ساعتی) باشد تا از ایشان تمام آنچه را امروز بعضی از آنها را خواستارم و به من نمی‌دهند، بپذیرم.»^۱
«جرج جرداق» مسیحی نویسنده کتاب *صوت العدالة الانسانية* می‌گوید: اگر فریاد عدالت از حلقوم انسانی، بلند شده، آن فرد، علی مرتضی است.^۲

۱. فیض الاسلام، شرح نهج البلاغه، ج ۹۲، ص ۲۷۴.

۲. «سوده همدانیته»، پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام برای شکایت از نماینده معاویه - بُسر بن ارطاة - سفری به شام، نزد معاویه رفت و به او گفت: کسی را که به عنوان نماینده نزد ما فرستادی، به ما ظلم و ستم می‌کند؛ ولی بدان چنان نیست که قدرت دفاع از خود نداشته باشیم؛ بلکه می‌توانیم حتی تو را گوشمالی دهیم؛ ولی فعلاً چنین بنایی نداریم. معاویه گفت: ای سوده! برای تظلم نزد من آمده‌ای؛ اما قدرت فامیلت را به رخ من می‌کشی؟ آیا مایل هستی دستور دهم تو را بر شتر سرکش سوار کنند و نزد همان نماینده بفرستند؟ آن شیر زن، به معاویه گفت:

صَلَّى إِلَٰهَهُ عَلَى رُوحٍ تَضَمَّنَهَا قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُوناً
قَدْ حَالَفَ الْحَقَّ لَمْ يَغِي بِهَ بَدَلًا فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ مَقْرُوناً

درود خدا بر آن روح و روانی که قبر، او را دربرگرفته که عدل و عدالت در آن خاک جا گرفته و... .
معاویه گفت: ای سوده! این شعر را در مدح چه کسی سرودی؟ جواب داد: در مدح علی مرتضی علیه السلام. به خدا سوگند! وقتی به عنوان شکایت از مردی که از جانب او بر ما حکومت می‌کرد و به ما ستم می‌نمود، خدمتش شرفیاب شدم، دیدم برای نماز ایستاده بود؛ اما به محض اینکه مرا دید، سؤال کرد: چه حاجت داری؟ عرض کردم: فرستاده شما نسبت به ما ظلم و ستم روا می‌دارد. علی در این حال گریست و عرض کرد:

خدایا! تو شاهد هستی که من آنان را نفرستادم تا به بندگان تو ظلم کنند. ظلم و ستم آن نماینده، این بود که هنگام جمع‌آوری زکات، پیمانه را مقداری پُر (لبریز) می‌گرفته و هنگامی که به او اعتراض کردند چرا انصاف را رعایت نمی‌کنی، پاسخ داد: باید پیمانه فقرا را زیادتر بگیرم. سپس امام تکه پوستی را بیرون آورد و نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. قَدْ جَاءَ كُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ...» به نام خدای مهربان و بخشنده. از جانب پروردگارتان بینه و گواه آمده که نسبت به مردم زیان روا ندارید و در زمین فساد نکنید که برای شما بهتر است. وقتی نامه مرا خواندی، آنچه از بیت‌المال در اختیار توست، نگهداری کن تا فرستاده من برسد و آن را تحویل بگیرد.» سپس نامه را [بدون تشریفات] به من داد. آن نامه را بردم و به او تسلیم کردم و آن مأمور معزول از نزد ما رفت.

وصیت و دفن

امیر مؤمنان علیه السلام در ثلث اول شب بیست و یکم^۱ از دنیا رفت. حضرت به فرزندان خود وصیت کرد: قبرم را مخفی کنید. از این رو، امام را شبانه و پیش از طلوع فجر به خاک سپردند؛ اما فردا صبح چند تابوت مهیا کرده، بر شتر نهادند. یکی به طرف مدینه حرکت کرد؛ به عنوان اینکه پیکر مطهر حضرت را به آنجا می‌برند تا کنار قبر حضرت زهرا دفن کنند. یک شتر با حمل تابوت به طرف قبیله «طی» حرکت کرد و در کوفه هم در چند نقطه، قبوری را کردند؛ از جمله در «ثویه»^۲ که بخشی از کوفه است. همچنین در قصر کوفه، قبری کردند؛ اما مخفیانه پیکر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام را در «غری»، یعنی خارج کوفه - نجف فعلی - دفن کردند.

گفته‌اند: حضرت به فرزندان خود وصیت کرد که قسمت جلوی تابوت مرا رها کنید؛ چون ملائکه آن را می‌برند؛ اما قسمت عقب تابوت را نگه دارید.

محمد حنفیه می‌گوید: برادرانم امام حسن و امام حسین علیهما السلام بدن پدرم را غسل دادند؛ ولی برای انجام غسل، پیکر مطهر پدرم را حرکت نمی‌دادند؛ بلکه خود بدن حرکت می‌کرد.^۳ پس از پایان غسل، امام حسن علیه السلام فرمود: «خواهرم زینب! بقیه کافور^۴ رسول خدا را بیاور.» محمد حنفیه می‌گوید: وقتی کافور را آوردند، به قدری معطر بود که عطرش تمام فضای کوفه را فرا گرفت. وقتی بدن حضرت حنوط شد، نماز خواندند و جنازه را تا جایی که خود حضرت وصیت کرده بود، حرکت دادند.^۵ مقداری خاک را کنار زدند، لوحی پیدا شد که بر آن نوشته شده بود:

سوده افزود: ای معاویه! امیر مؤمنان علیه السلام این گونه با مردم رفتار می‌کرد؛ اما تو اکنون [مرا تهدید می‌کنی و] می‌گویی: آیا مایل هستی دستور دهم تو را بر شتر سرکش سوار کنند و نزد بسر بن اوطاة بفرستند؟ (ر.ک: مشعل هدایت، ج ۱، ص ۱۵۵، به نقل از: شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ماده «سود»، ج ۱، ص ۶۷۲؛ ابن عبد ربه اندلسی، عقد الفرید، ج ۱، ص ۲۱۸)

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۹۹، ح ۱.

۲. ر.ک: عبدالمؤمن بغدادی، مرآة الاطلاع، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. محمد حنفیه، فرشتگان را نمی‌دیده؛ اما طبق روایات، بدن حضرت برای انجام غسل توسط ملائکه حرکت داده می‌شد. (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۳۶، ح ۴۴)

۴. این، همان کافوری بود که جبرئیل از بهشت برای رسول خدا آورد که با مقداری از آن حضرت زهرا علیها السلام حنوط شد.

۵. در مراسم تشییع پیکر مطهر امام، فرزندان حضرت، صعصعة بن صوحان عبدی و بعضی از خواص شرکت داشتند.

۲۷۶ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

«هذا قبر حَفَرَهُ نوحٌ لعلَّ بن أبي طالب وصيَّ مُحَمَّدٌ ﷺ قبلَ الطوفانِ بسبعِ مائةِ سنةٍ»^۱ این قبر را نوح شیخ الانبیاء هفتصد سال پیش از غرق عالم، برای علی بن ابی طالب مهیا کرده است. آری، امیر مؤمنان علیه السلام شخصیتی است که باید قبرش را نوح پیامبر علیه السلام آماده کند.

دلیل مخفی بودن قبر تا سال های متمادی

علت مخفی بودن قبر حضرت را می توان در یکی از دو مسئله جست وجو کرد:

۱. امیر مؤمنان علیه السلام می دانسته چند روز دیگر، تمام کوفه در اختیار بنی امیه قرار می گیرد و امویان چه می کنند؛ چنان که حجاج بن یوسف ثقفی به شدت به دنبال فهم این موضوع بود که قبر حضرت کجاست. به همین جهت، فرمان داد چند نقطه از قصر کوفه را کنند تا قبر را پیدا کنند.
۲. غیر از بنی امیه، «خوارج نهروان» نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام عداوت دیرینه ای داشتند؛ چنان که قاتل او، عبدالرحمن ملجم مرادی، از خوارج بود. به همین جهت، این مسئله ایجاب می کرد که قبر حضرت مخفی باشد؛ اما فرزندان امام و خواص می دانستند قبر در کدام نقطه است.

گویند: ابو حمزه توسط امام سجاد علیه السلام^۲ از محل دفن حضرت آگاه شد و در آنجا جلسه درس برگزار کرد.

آشکار شدن قبر حضرت در زمان هارون^۳

نوشته اند:^۴ قبر امیر مؤمنان علیه السلام تا زمان هارون، پنهان بود؛ تا اینکه روزی وی برای شکار به اطراف کوفه آمد و به نقطه ای رسید که شکارها به آنجا پناه می بردند و از آن مکان فرار نمی کردند. با خود گفت: سرّی در این مسئله هست. دستور تفحص و تحقیق داد؛ تا اینکه پیرمردی سالخورده را نزد او آوردند و علت را از وی جویا شد. پیرمرد گفت: اگر بگویم،

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. امام سجاد علیه السلام، غیر از سفر اسارت، سفر دیگری هم به کوفه داشته است.

۳. بعضی نوشته اند: تا زمان مهدی عباسی - پدر هارون - قبر حضرت مخفی بوده است.

۴. یعنی پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام، حدود ۱۳۰ سال قبر حضرت از نظر مردم مخفی بوده است؛ زیرا شهادت علی مرتضی علیه السلام در سال ۴۰ هجری بود و هارون در سال ۱۶۸ به خلافت رسید.

مجلس بیست و یکم: امیر مؤمنان علیه السلام، شخصیت ناشناخته تاریخ ■ ۲۷۷

در امان هستیم؟ گفت: آری! پیرمرد گفت: اینجا قبر مولا امیر مؤمنان علیه السلام است که پناهگاه حیوانات می باشد. هارون پیاده شد و کنار قبر حضرت نماز گزارد. اولین کسی که به طور رسمی در آنجا سایبان قرار داد، هارون بود.^۱

ذکر مصیبت

در خانه علی مرتضی علیه السلام در ساعات آخر چه غوغایی بود؟ فرزندان کنارش نشسته بودند و سیدالشهداء علیه السلام اشک می ریخت. امیر مؤمنان فرمود: عزیزم! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: «مِنْ أَجْلِكَ تَعَلَّمْتُ الْبُكَاءَ؛ پدر! گریه را برای تو آموختم.» حضرت اشک حسین را از چهره اش پاک کرد و سپس دست خود را روی قلب او نهاد و فرمود: «خدایا! این دل را محکم و به خودت مربوط کن.» آری، امیر مؤمنان علیه السلام می داند حسین عزیزش کربلایی پُرماجرا و مصیبت های ناگواری در پیش رو دارد و حسین باید صبر کند؛ شاید در آن لحظه، صحنه کربلا در برابر چشمان امیر مؤمنان مجسم شد.

زینب کبری و امّ کلثوم عرض کردند: «إِنَّ حُزْنَنا عَلَیک طویلٌ؛^۲ پدر جان! پس از تو، اشک ما تمام نمی شود

[بعد از تو، چه کسی کودکان را بزرگ کند و ایتم کوفه را سرپرستی نماید].»

مرحوم مجلسی می نویسد: چنان زینب و امّ کلثوم گریستند که از صدای گریه آن دو، مردم داخل کوچه به گریه افتادند.^۳

به نسخه نیست نیازی، طیب را ببرید برای مرگ علی، دست بر دعا ببرید نیاز نیست مداوا کنید زخم مرا بر آن مریض خرابه نشین دوا ببرید جنازه من مظلوم را چو مادر تان شبانه،^۴ مخفی و تنها و بی صدا ببرید

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۲۹، ح ۱۶.

۲. همان، ص ۲۸۸.

۳. همان، ص ۲۸۹.

۴. آری، پیغمبر خدا و فاطمه زهرا علیهما السلام را شبانه دفن کردند؛ امیر مؤمنان علیه السلام هم می خواست مانند همسر مظلومه اش شبانه و غریبانه دفن شود.

۲۷۸ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

سلام من به شما ای فرشتگان خدا نبرد فاطمه با خود مرا، شما ببرید^۱
 به شهر خویش ز بیگانگان، غریب‌ترم^۲ مرا به دیدن آن یار آشنا ببرید^۳
 فراق دوست ز تیغ عدو بُرنده‌تر است مرا به دیدن زهرا و مصطفی ببرید^۴
 «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

۱. زینب کبری می‌گوید: «نشسته بودم و اشک می‌ریختم. حضرت فرمود: دخترم! چرا گریه می‌کنی؟ جدّت رسول خدا، مادرت فاطمه زهرا و عمویت حمزه سیدالشهداء، همگی می‌گویند: بیا علی جان!» (ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۸۹)

۲. امیر مؤمنان علیه السلام بالای منبر کوفه فرمود: «من، اکنون هم مظلوم هستم؛ ما زِلْتُ مَظْلُوماً مُنْذُ قَبْضِ رَسُولِ اللَّهِ.» (ر.ک: کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۵۰)

۳. قریب سی سال، امیر مؤمنان علیه السلام پیامبر خدا و فاطمه زهرا علیهما السلام را ندیده است.

۴. اگر شمشیر ابن ملجم فرق علی را شکافت، مصیبت فاطمه، جان علی را آتش زد.

مجلس بیست و دوم

عوامل آرامش از نگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد هاشمی علی آبادی*

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۱ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، برای آنان آرامش است و ایشان راه‌یافتگان‌اند.»

مقدمه

آرامش، گمشده دیروز و امروز انسان است. در متون دینی، به‌ویژه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام این امر جایگاه مهمی دارد؛ به گونه‌ای که شاه‌بیت دین، یعنی «ایمان»، از ریشه «أمن» به معنای آرامش گرفته شده است. بشر امروز با خلأ معنویت و آرامش دست‌وپنجه نرم می‌کند و برای رسیدن به این گمشده، به هر وسیله‌ای دست می‌زند. رشد عرفان‌های کاذب و نوظهور، مصرف روزافزون مواد مخدر و قرص‌های آرام‌بخش، تولید و تکثیر کتاب‌ها و نرم‌افزارهای روان‌شناختی، همگی دلیل روشنی بر این سرگشتگی و احساس فقر و نیاز است.

* مدرس دانشگاه تفرش و کاشان.

۲۸۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

به‌راستی مشکل از کجاست؟ علت نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و تشویش‌های روزافزون بشر چیست؟ اصولاً آرامش چیست و منشأ آن کجاست؟ عوامل و موانع دستیابی به آن چیست؟ راه رسیدن به آرامش کدام است؟ اینها پرسش‌هایی است که این نوشتار می‌کوشد به‌اختصار به آنها پاسخ گوید.

معناشناسی آرامش

آرامش، اسم مصدر از آرمیدن است^۱ و در لغت به معنای سکون، بی‌حرکتی، بی‌جنبشی، بی‌صدایی، آسودگی، امنیت، سنگینی، وقار و طمأنینه است.^۲ این مفهوم، در برابر اضطراب و دلهره به کار می‌رود و به حالت و صفت روانی و قلبی خاص (احساس رضایت از گذشته، احساس شادی نسبت به حال و امید به آینده) گفته می‌شود که همراه با آسودگی و ثبات است^۳ و دارای آثار فردی و اجتماعی است.

برای دستیابی به جایگاه آرامش، کافی است بر اساس قاعده «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا»، به واژه‌های متضاد آن کمی دقت کنیم؛ دلهره، اضطراب، ترس، تشویش، استرس، حزن و اندوه، غم و غصه و یا وحشت، برخی از این واژگان‌اند. در قرآن واژگانی همچون اطمینان: (رعد/۲۸)، تثبیت فؤاد (هود/۱۲۰)، ثبات (انفال/۱۱)، سُبَات (فرقان/۴۷)، ربط قلب (کهف/۱۴)، سَكَن (توبه/۱۰۳ و انعام/۹۶)، سکینه (فتح/۴)، امن (انعام/۸۲)، سِلْم و سلام (بقره/۲۰۸، یونس/۲۵ و مائده/۱۶) و رُوح (واقعه/۸۲)، به معنای آرامش به کار رفته است. در اینجا، سه واژه کلیدی را بررسی می‌کنیم.

– سکون:

ابن فارس، اصل و ریشه این واژه را به معنای خلاف اضطراب و حرکت می‌داند. بر این اساس، به «مسکن» از این جهت مسکن گویند که وقتی صاحبش به آن می‌نگرد، آرامش می‌یابد و در آن از حرکت و سفر بازمی‌ایستد. به چاقو در عربی «سکین» گویند؛ زیرا مذبوح

۱. علی‌اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۱، ص ۹۸.

۲. حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۱، ص ۷۴.

۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۵۳.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۸۱

را از حرکت بازمی‌دارد. «سکّان» کشتی را به این جهت سکّان گویند که کشتی را از اضطراب بازمی‌دارد.^۱ به انسان فقیر نیز «مسکین» گویند، از این جهت که فقر و نداری وی را از حرکت باز داشته است.^۲

واژه «سکینه»، شش بار در قرآن به کار رفته است: (بقره/۲۴۸، فتح/۴ و ۲۶ و ۱۸، توبه/۴۰ و ۲۶).

– اطمینان:

این واژه، از ریشه «طَمَنَ» به معنای آرامش و استقرار جان پس از نگرانی و ناراحتی است.^۳ این واژه، در فقه، به حالت استقرار نمازگزار اطلاق می‌شود و در علم اخلاق، به اعتدال صفات و حالات انسان و ثبات شخصیت اطلاق می‌گردد. برخی اطمینان و سکینه را ملازم یکدیگر دانسته، در عین حال، اطمینان را مرتبه‌ای بالاتر از سکینه می‌دانند که هیچ‌گاه از دارنده‌اش جدا نمی‌شود.^۴

در قرآن به صورت کلی، سخن از دو نوع اطمینان است:

اول: اطمینان حقیقی و مستقر که کانون آن قلب انسان است و نتیجه‌اش: تصدیق انبیای الهی، اقرار به معاد، رجوع به خداوند، ورود به جمع بندگان الهی و سرانجام رسیدن به بهشت می‌باشد. (بقره/۲۶۰، مائده/۱۱۲-۱۱۳، آل عمران/۱۲۳-۱۲۶ و انفال/۱۰)

آرامش حقیقی، آرامش مثبت و خلاقانه است که نتیجه آن، حرکت بهتر و سریع‌تر به سوی کمال است و همان‌طور که برخی مفسران گفته‌اند، با خوف الهی قابل جمع است.^۵

دوم: اطمینان کاذب که با تکیه بر زندگی دنیا و اسباب دنیایی حاصل می‌شود و به محض پیداشدن رنج و سختی، از بین می‌رود و سرانجام آن، رسیدن به آتش است. (یونس/۸ و حج/۱۱)

۱. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۸۸.

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱۱.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۲۴.

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۵۸.

۵. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۴.

- امن:

قرشی، بحث نسبتاً مبسوطی درباره این واژه آورده است. وی «أمن» را به معنای ایمنی و آرامش قلب و خاطر جمع بودن می‌داند. «أمن»، یعنی خاطر جمع یا کسی که در او ایمنی است. «امانت» را از آن جهت امانت گویند که امانت‌گذار، از خیانت آن که امانت پیش اوست، مطمئن و ایمن است. «مؤمن» که از اسمای حسنی الهی است، یعنی ایمنی‌دهنده و «ایمان»، تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. ایمان، پس از اعتقاد است و چنانچه شخص بعد از اعتقاد، به عقیده‌اش تسلیم شود، مؤمن است؛ وگرنه منافق یا کافر می‌باشد. از طرف دیگر، هر قدر اعتقاد قوی باشد، تسلیم محکم‌تر خواهد بود. شدت و ضعف ایمان و مراتب آن از همین موضوع قابل درک و فهم است.^۱

عوامل ایجاد اضطراب و ناآرامی

برای آنکه به عوامل ایجاد آرامش در نگاه قرآن بپردازیم، ابتدا باید ریشه نگرانی‌ها و ناآرامی‌های بشر را بشناسیم. عوامل گوناگونی می‌تواند موجب بروز نگرانی و پریشانی شود؛ از جمله: ترس از آینده مبهم، اندوه بر گذشته تاریک، ضعف و ناتوانی در برابر مشکلات، احساس پوچی در زندگی، بی‌توجهی و قدرشناسی اطرافیان، سوءظن‌ها و تهمت‌ها، دنیاپرستی و وحشت از مرگ.^۲

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان دو عامل درونی و بیرونی را منشأ و ریشه تمام ناآرامی‌ها دانست. عوامل درونی و فردی مثل: احساس پوچی و حقارت، و عوامل بیرونی و اجتماعی مثل: رعایت نکردن نظم و قانون و حقوق دیگران و نبود امنیت.

مهم‌ترین عامل ناآرامی انسان از نگاه قرآن، کفر و بی‌ایمانی اوست؛ «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا أَهْمُ النَّارَ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»^۳ به‌زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند، بیم خواهیم افکند؛ زیرا چیزی را با خدا

۱. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۳. آل عمران، آیه ۱۵۱.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۸۳

شریک گردانیده‌اند که [خداوند] بر [حقانیت] آن، دلیلی نازل نکرده و جایگاهشان، آتش است و جایگاه ستمگران، چه بد است.»

در مقابل، مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش، ایمان و در پی آن، تقواست؛ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»^۱ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه اندوهگین می‌شوند؛ همانان که ایمان آورده و پرهیزکاری ورزیده‌اند.»

عوامل ایجاد آرامش در قرآن

احساس امنیت و آرامش، در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در سطح وسیعی مورد توجه قرار گرفته حتی نگاهی قدسی به این مقوله شده است و آرامش، فقط از سوی خداوند بر بندگان مؤمن وارد می‌شود؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲ اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»

آیه، به صراحت منشأ آرامش را فقط خداوند می‌داند. بنابراین، سایر عوامل آرامش، به صورت مستقل عمل نمی‌کنند؛ بلکه بر اساس اذن الهی رخ می‌دهند؛ مثلاً همسر، در نگاه قرآن عامل آرامش است؛ اما طبق آیه ۲۱ سوره روم، ازدواج، از آیات الهی است و خداوند است که بین دو زوج مودت و رحمت ایجاد می‌کند؛ «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» اوست که میان‌تان دوستی و رحمت نهاد.» شب نیز عامل آرامش است؛ اما خداست که آن را موجب آرامش قرار داده: «جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا»^۳ اوست که شب را مایه آرامش قرار داده است.»

بنابراین، توقع آرامش از اسباب دنیایی، انتظاری بیجاست. از دنیا نمی‌توان به آرامش رسید؛ اما در دنیا با اسباب آسمانی و با لطف الهی می‌شود به آرامش دست یافت. در حدیث آمده است:

۱. یونس، آیه ۶۲ - ۶۳.

۲. فتح، آیه ۴.

۳. انعام، آیه ۹۶.

«أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا دَاوُدُ إِنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةً فِي خَمْسَةٍ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ غَيْرِهَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛ وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْجَهْدِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَالرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثَرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ رِضَايَ فِي سَخَطِ النَّفْسِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي رِضَا النَّفْسِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا»^۱

خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی فرستاد: پنج چیز را در پنج چیز قرار دادم و مردم در پنج چیز دیگر دنبال آن می گردند و آن را نمی یابند: علم را در گرسنگی و تلاش قرار دادم و مردم آن را در سیری و راحتی می یابند و آن را به دست نمی آورند. عزت را در اطاعت خودم قرار دادم و مردم آن را در خدمت پادشاه می جویند و بدان نمی رسند. من بی نیازی را در قناعت قرار دادم و مردم آن را در کثرت مال دنبال می کنند و آن را نمی یابند. رضایتم را در ناراحتی و نافرمانی نفس قرار دادم و مردم آن را در خشنودی نفس می جویند و به آن نمی رسند. راحتی و آرامش را در بهشت قرار دادم و مردم آن را در دنیا پی جویی می کنند و آن را نمی یابند.»

قرآن کریم در آیات نورانی خود استقامت، اقامه نماز، انفاق، ایمان، باران، پرداخت زکات، تسلیم، تقوا، توکل، خواب، دعا، دلداری، دوستی با خدا، ذکر الهی، زمین، شب، عمل صالح، قصه انبیا، مائده آسمانی، مسکن، مشاهده حقایق، ملائکه، نزول تدریجی قرآن، وعده الهی، وفای به عهد، هدایت پذیری، همسر، مکه، قبول تقدیر الهی و یا کمک به دیگران را از جمله عوامل آرامش بخش مطرح می کند.

در ادامه، به برخی عوامل کلیدی که مایه آرامش می شوند، اشاره می کنیم:

۱. ایمان به خداوند و یاد او

در نگاه قرآن، مهم ترین عامل مشکلات روحی، از خودبیگانگی و نداشتن تکیه گاه محکم و قوی است که به از خدا بیگانگی می انجامد و مهم ترین عامل پوچی انسان به حساب می آید.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۸۵

قرآن راه برون رفت از این مشکل را ایمان به: خداوند، غیب، ملائکه، پیامبران و کتب آسمانی می‌داند؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۱ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، برای آنان ایمنی است و ایشان راه یافتگان‌اند.»

روشن است که تنهایی و نداشتن تکیه‌گاه محکم، باعث ایجاد ترس و اضطراب می‌شود و چه تکیه‌گاهی از قدرت ماندگار الهی در این عالم قوی‌تر است؟ مهم آن است که پذیرش خداوند، تنها لقلقه زبان نباشد؛ چنان‌که آیه فوق می‌فرماید نباید ایمان بدون عمل صالح و همراه با ظلم باشد. قرآن کریم در ۳۹ آیه، همراه ایمان، عمل صالح را مطرح ساخته و تأکید نموده ایمانی نافع خواهد بود که با عمل همراه گردد؛ از جمله، آیه ۶۲ سوره بقره.

ذکر خداوند که در پی ایمان مورد سفارش قرار گرفته، نقش مهمی در ایجاد آرامش دارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید:

«پس، هر قلبی، به‌طوری‌که جمع محلاً به الف‌ولام (القلوب) افاده می‌کند، با ذکر خدا اطمینان می‌یابد و اضطرابش تسکین پیدا می‌کند. آری، این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست؛ مگر اینکه کار قلب به جایی برسد که در اثر ازدست‌دادن بصیرت و رشد، دیگر نتوان آن را قلب نامید. چنین قلبی، از ذکر خدا گریزان و از نعمت طمأنینه و سکون محروم خواهد بود؛ همچنان‌که فرموده: "فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛ دیدگان کور نمی‌شود؛ ولی دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور می‌گردد."»^۳

۱. أنعام، آیه ۸۲.

۲. رعد، آیه ۲۸.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۵۵.

چند نکته قرآنی در مورد ذکر

الف. در آیه یادشده، تقدیم «بذکر» بر فعل «تطمئن» که مفید حصر است، نشان می‌دهد که فقط یاد خدا انسان را آرامش می‌دهد؛ نه چیز دیگر.

ب. نتیجه یاد خدا بودن این است که او نیز یاد ما خواهد نمود؛ «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۱ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آرید و مرا ناسپاسی نکنید.

ج. قرآن از مؤمنان می‌خواهد که بسیار به یاد خدا باشند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»^۳ و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بدون صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.

امیر مؤمنان علیه السلام در دعای کمیل از خدا می‌خواهد که تمام اوقات ایشان به یاد حق آباد باشد؛ «أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً»^۴

د. از نگاه قرآن، مهم‌ترین مانع یاد خداوند که آرامش انسان را به هم می‌ریزد، دنیاطلبی و هواپرستی است؛ «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»^۵ و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیدگاه را از آنان برگیر که زیور زندگی دنیا را

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. احزاب، آیه ۴۱.

۳. اعراف، آیه ۲۰۵.

۴. دعای کمیل.

۵. کهف، آیه ۲۸.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۸۷

بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خویش پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن.»
پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ»^۱ تمایل به دنیا، اندوه و غصه انسان را زیاد می‌کند اما زهد در دنیا، قلب و بدن را راحت و آرام می‌سازد.

منظور از دنیا در نگاه قرآن، آسمان و زمین و دریا و صحرا و یا پول و خانه نیست؛ بلکه شئون اعتباری آن، مانند فخرفروشی و زیادت‌طلبی در اموال و اولاد است که دنیا به شمار می‌آید و مورد نکوهش قرآن قرار دارد. (حدید / ۲۰) قرآن کریم هشدار می‌دهد که مراقب باشید اموال و اولادتان، شما را از یاد خدا غافل نسازد. (منافقون / ۹)

هـ قرآن کریم نابینایی دل و قرارگرفتن در فشار و تنگنای زندگی را، جزء آثار غفلت از یاد خدا می‌داند و می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»^۲ و هرکس از یاد من اعراض کند، همانا [در دنیا] زندگی‌اش تنگ شود و روز قیامت او را نابینا محسوس کنیم.» بنابراین، اطمینان، حیات و شفای قلب، از جمله آثار ذکر می‌باشد.
و. قرآن کریم به برخی مصادیق ذکر به عنوان ذکر خاص اشاره نموده است؛ از جمله:

– قرآن:

خدواند فرموده: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳ بی‌تردید، ما قرآن را به‌تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

پس برای کسب آرامش، باید با قرآن مانوس بود. سعد بن طریف از امام باقر علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَكُتِبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَمَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَائِمِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ...»^۴

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۷۳.

۲. طه، آیه ۱۲۴.

۳. حجر، آیه ۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، باب ثواب قرائة القرآن، ص ۶۱۲.

هرکس ده آیه در شب بخواند، از غافلان نخواهد بود و هرکه پنجاه آیه بخواند، از ذاکران محسوب می‌گردد. هرکس صد آیه بخواند، از فرمان‌برداران خواهد بود و هرکه دویست آیه بخواند، از خشوع‌کنندگان است. هرکس سیصد آیه بخواند، از رستگاران است و هرکه پانصد آیه بخواند، از تلاش‌کنندگان خواهد بود...»^۱

آیت‌الله جوادی آملی در مورد ذکر بودن قرآن می‌فرماید:

«سراسر قرآن، یاد خداست. بر این اساس، تلاوت و تعلیم و تعلم قرآن، مطالعه و تدریس و نگارش معارف قرآنی، استنباط احکام فقهی از آیات الاحکام و هر آنچه به قرآن بازگردد، ذکر الله است. البته این ذکر هم درجاتی دارد؛ کسی که قرآن کریم را تلاوت می‌کند، در حال ذکر لسانی است و آن‌که معارف قرآنی را در دل می‌پروراند، به ذکر قلبی مشغول است. هر فرد به حسب درجه خاص خود و به اندازه‌ای که در خدمت قرآن است، از آن فیض می‌برد و به یاد حق بوده و به همان اندازه بیناست.»^۱

فیض کاشانی نقل می‌کند:

زن زیبایی چشمش به جوانی زیبا که همواره ملازم مسجد کوفه بود، افتاد و دل‌باخته او شد. چند بار سر راه او را گرفت تا نظرش را جلب کند؛ اما جوان به او توجه نمی‌کرد. روزی به او گفت: تمام وجودم را محبت تو گرفته. در کار من و خودت، خدا را منظور دار! جوان به منزل آمد و نامه‌ای به وی نوشت که ای بانوی محترم! بدان بار اوّل که بنده معصیت می‌کند، خداوند حلم می‌ورزد و بار دوم، پرده‌پوشی می‌کند؛ اما اگر بنده لباس معصیت بر تن کند، غضب می‌کند و آیه: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^۲ [خدا! نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می‌دارند، می‌داند]، مرا به خود مشغول کرده است.

چند روز بعد، زن آمد و گفت: ای جوان! بین من و تو دیگر ملاقاتی نخواهد بود. گریه شدیدی نمود و گفت: بر من مَنّت بگذار و مرا موعظه‌ای کن. جوان این آیه را خواند: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ» و اوست کسی که شبانگاه، روح شما را [هنگام خواب] می‌گیرد و آنچه را در روز به دست آورده‌اید، می‌داند. زن سرش را پایین انداخت و گریه شدیدی نمود. سپس به منزل آمد و ملازم عبادت شد تا اینکه با اندوه درگذشت.^۳

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۵۳۲.

۲. غافر، آیه ۱۹.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، المحجّة البیضاء، ج ۵، ص ۱۸۸.

- نماز:

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون برای نماز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و دادوستد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»

برجسته‌ترین اثر نماز یاد خداست؛ «اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ به یاد من نماز را برپا دار. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَالْإِفْطَارُ فِي الصَّيَامِ وَالتَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ»^۳ ای علی! سه شادی برای مؤمن در دنیا وجود دارد؛ دیدار دوستان و برادران، افطار در [غروب] روزه و شب‌زنده‌داری در آخر شب.»

- دعا:

یکی از مصادیق مهم ذکر، دعاست. از این‌روست که از دعا به عنوان «مخ عبادت» یاد شده است. انبیا و اولیای خدا، به وسیله دعا با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند. دعا، راه ارتباط با خدا هنگام بروز مشکلات و نگرانی‌ها (بقره/۱۸۶) و مصداق یاد خدا و نوعی عبادت و خضوع و بندگی است. آن‌که از دعا و بندگی حق سر باز زند، باید در انتظار آتش جهنم باشد. (غافر/۶۰) افزون بر این، مقاماتی نزد خداوند است که بدون دعا نمی‌توان به آنها رسید.^۴

هنگامی که انسان ببیند گوشی شنوا برای شنیدن دردهای او وجود دارد و حتماً پاسخ او را می‌دهد، به آرامش می‌رسد؛ به‌خصوص اینکه می‌داند کسی که مورد نجوای اوست، بر هر چیزی قادر است و توان برطرف کردن دردها و برآوردن حاجت‌های او را دارد. قرآن داستان پُرفرازونشیب حضرت ایوب علیه السلام را نقل نموده، نتیجه صبر و دعای ایشان را بیان می‌کند:

«وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ»^۵ و ایوب را [یاد کن]

۱. جمعه، آیه ۹.

۲. طه، آیه ۱۴.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۲۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

۵. انبیاء، آیه ۸۳ - ۸۴.

۲۹۰ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

هنگامی که پروردگارش را ندا داد: به من آسیب رسیده است و تویی مهربان‌ترین مهربانان. پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان، [دوباره] به وی عطا کردیم؛ [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد].»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ أَبِي إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصَّبِيَّانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا؛ پیوسته این‌گونه بود که هرگاه چیزی پدرم را اندوهگین می‌ساخت، امر می‌نمود زنان و کودکان جمع شوند. سپس دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند.»^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وَرُودِ الْبَلَاءِ؛^۲ گرفتاری‌های پی‌درپی را پیش از ورود، با دعا دفع کنید.»

دعا، راه رهایی از غربت و تنهایی، مایه آرامش دل، موجب تقرب به خدا و بهترین وسیله بازیابی خود است.^۳

خداوند در پاسخگویی به دعاکنندگان، با لطافت تمام هفت بار خودش را مطرح می‌کند و انسان‌ها را بندگان خودش می‌داند. فقط شرط استجاب، ایمان و انجام فرامین اوست؛ «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۴ و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، [بگو] نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم. پس، [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند. باشد که راه یابند.»

۲. رضایت‌مندی از قضا و قدر الهی

بسیاری از ناامیدی‌ها و ناراحتی‌ها، نتیجه رویدادهای ناخوشایند زندگی است که باعث سلب آرامش انسان می‌شود؛ رویدادهایی که گاه آدمی سهمی در ایجاد آن نداشته، بر اساس

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱.

۳. علی احمد پناهی، «راهکارهای ایجاد آرامش روان در زندگی فردی از منظر روایات»، مجله معرفت، ش ۷۵، ص ۱۹.

۴. بقره، آیه ۱۸۶.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۹۱

حکمت و مصلحت خداوند، به دلایلی از جمله امتحان انسان‌ها، اتفاق می‌افتد. قرآن در این میدان، بحث قضا و قدر و تسلیم در مقابل آن را مطرح می‌سازد. باید با کمال شهامت بپذیریم که نه آمدن سختی‌ها در اختیار ماست و نه رفتن آنها؛ بلکه آنچه به دست ماست، «واکنش» ما در برابر موقعیت‌های ناخوشایند است؛^۱ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲ آری، هرکس خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ وَثِقَ بِأَنْ مَا قَدَّرَ اللَّهُ لَهُ لَنْ يَفُوتَهُ اسْتِرَاحَ قَلْبِهِ»^۳ هرکس اطمینان کند که آنچه خداوند برای او مقدر کرده، از او فوت نمی‌شود، قلبش راحت و آرام می‌گردد.

لقمان حکیم در اندرزهایش به فرزند خود می‌گوید:

«يَا بُنَيَّ أَحْتَكِ عَلَى سِتِّ خِصَالٍ لَيْسَ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَّا وَهِيَ تَقَرُّبُكَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتُبَاعِدُكَ مِنْ سَخَطِهِ. الْأُولَى أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَالثَّانِيَةُ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّبتَ وَكَرِهْتَ وَالثَّالِثَةُ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَالرَّابِعَةُ تُحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَالخَامِسَةُ تَكْظِمُ الْغَيْظَ وَتُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَالسَّادِسَةُ تَرْكُ الْهَوَى وَمُخَالَفَةُ الرَّدَى»^۴

فرزندم! تو را به شش خصلت تشویق می‌کنم که تو را به رضایت الهی نزدیک می‌نماید و از ناراحتی‌اش دور می‌سازد: ۱. خدا را عبادت کن و چیزی را برای او شریک نگیر؛ ۲. به قضای الهی در چیزهایی که دوست داری و دوست نداری، راضی شو؛ ۳. برای خدا دوست داشته باش و برای او بغض به دل گیر؛ ۴. برای مردم آنچه را برای خود دوست داری،

۱. عباس پسندیده، رضایت از زندگی، ص ۲۴۷.

۲. بقره، آیه ۱۱۲.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۸.

۴. محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲۹۲ ■ ره توشه راهیان نور ویژه رمضان ۱۳۹۴

دوست داشته باش و برای آنها هرچه را برای خود نمی‌پسندی، نپسند؛ ۵. خشم خویش فروگیر و به هرکس به تو بدی نموده، خوبی کن؛ ۶. با هوا و هوس و پستی مخالفت بورز. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ»^۱ هرکس به آنچه خدا تقسیم نموده، راضی باشد، بر آنچه در دست دیگران است، غمگین نخواهد شد.»

مصادق بارز راضی به قضای الهی، وجود مبارک حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که در آخرین لحظات عمر پُربارشان، سر بر خاک بندگی نهاده، فرمود: «إِلَهِي رَضِيَ بِقَضَائِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ»^۲ خدایا، به خواسته‌ات راضی‌ام و معبودی جز تو نیست.

۳. توبه و امیدواری

از جمله مواقعی که انسان دچار ناآرامی و اضطراب می‌شود، پس از ارتکاب گناهان و گرفتار شدن به عذاب وجدان و احساس گناه است که گاهی طبق روایات، اندوه طولانی به بار می‌آورد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ فَرَحًا طَوِيلًا وَ كَمْ مِنْ لَذَّةِ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا»^۳ چه بسا ساعتی تحمل و صبر، شادی طولانی به دنبال دارد و چه بسیار لذت گذرا که اندوه طولانی به جای می‌گذارد.

فکر اینکه چه عذاب سختی در انتظار انسان است و نیز ترس از رسواشدن نزد مردم، شب و روز آدمی را پُر از دلهره و تشویش می‌کند و تنها عامل آرامش‌بخش، گذشت خداوند از خطای انسان و پوشاندن گناه اوست. آیات بسیاری در قرآن به این حقیقت اشاره می‌کند که خداوند به اقتضای ستاریت و غفوریت خود، بندگان را مشمول لطف خویش قرار داده، راه بازگشت را برای آنان باز می‌گذارد حتی به ایشان بخشش تمام گناهان و جبران و تبدیل آنها به نیکی‌ها را وعده می‌دهد؛ چنان‌که فرموده:

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۳۶۷.

۲. محمد بن ابراهیم شیرازی (ملا صدرا)، شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۹.

۳. شیخ مفید، الامالی، ص ۴۲.

مجلس بیست و دوم: عوامل آرامش از نگاه قرآن ■ ۲۹۳

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱ بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید! از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او، خود آمرزنده مهربان است.^۲

۴. اعمال صالح

به یقین، تکالیف الهی در قالب انجام واجبات و ترک محرمات، جدای از امتحان بندگی ما، نقش مهمی در ایجاد آرامش انسان خواهد داشت. قرآن به ما دستور می‌دهد که از نماز و روزه کمک بگیریم. (بقره/۴۵) خداوند در قرآن، هم ایمان را از مؤمنان طلب می‌کند و هم عمل صالح را از ایشان انتظار دارد. در نگاه قرآن، هم حُسن فعلی و هم حُسن فاعلی، هر دو، راه رسیدن به سعادت و آرامش است. گناه، خسران‌آور و اضطراب‌زاست؛ اما انجام اعمال صالح، آرام‌بخش می‌باشد. از این‌روست که انسان با انجام دستورات خداوند، آرامش پیدا می‌کند.

امام صادق علیه السلام برای زدودن غم و غصه‌ها می‌فرماید:

«مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَيَرْكَعَ رَكْعَتَيْنِ يَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛^۳ چه چیزی مانع می‌شود که وقتی غم و غصه‌ای از غصه‌های دنیا بر یکی از شما وارد شد، وضو بگیرد و سپس به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و از خدا بخواهد. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: از نماز و روزه کمک بگیرید.»

در آیات و روایات اسلامی، آرامش‌دادن به دیگران به عنوان یک عمل صالح، عامل مهمی در دستیابی به آرامش حقیقی در زندگی است. امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد می‌فرماید:

۱. زمر، آیه ۵۳.

۲. شیخ عباس قمی در اواخر کتاب منازل الآخرة داستان‌هایی از توبه‌کنندگان را نقل می‌کند که خواندنی است.

۳. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۸.

«يَا كُمَيْلُ! مَرُّ أَهْلِكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ وَيَدْلِجُوا فِي حَاجَةِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْحَادِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ كَمَا تَطْرُدُ غَرِيبَةً الْأَيْلِ»^۱

ای کمیل! خانواده‌ات را دستور ده که روزها را در به‌دست‌آوردن بزرگواری، و شب‌ها را در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود، هرکس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی، لطفی بر او قرار دهد که هنگام مصیبت، چون آب زلالی بر او ببارد و تلخی مصیبت را بزداید؛ چنان‌که شتر غریبه را از چراگاه دور سازد.

همان‌گونه‌که اعمال عبادی و عمل صالح باعث آرامش انسان است، گناه نیز موجب سلب آرامش می‌شود. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به وابصه بن معبد که از نیکی و گناه سؤال کرده بود، فرمود:

«... الْبِرُّ مَا أَطْمَأْنَنْتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَالْبِرُّ مَا أَطْمَأَنَّ بِهِ الصَّدْرُ وَالْإِثْمُ مَا تَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَجَالَ فِي الْقَلْبِ»^۲ نیکی، آن چیزی است که نفس و سینه آدمی به واسطه آن آرامش می‌یابد و گناه، چیزی است که در سینه انسان شک ایجاد می‌کند و در قلب جولان می‌دهد.

نتیجه انجام درست تکالیف الهی و بندگی خالصانه خداوند، رسیدن به آرامش ابدی است؛ چنان‌که امام راحل رحمته الله در وصیت‌نامه خود فرموده‌اند:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا، از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.»^۳

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۱۳.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۳. روح‌الله موسوی خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی.

مجلس بیست و سوم

درک مفاهیم شب قدر

حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی*

قرآن کریم می‌فرماید: شب قدر، پدیده‌ای مستمر است. اتفاقی نیست که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افتاده و تمام شده باشد. به تعبیر قرآن، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا»^۱ مستمراً نزول ملائکه در شب‌های قدر ادامه دارد. در روایت آمده: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با چند نفر نشست به بود حضرت سؤال کرد: ملائکه که نازل می‌شوند، بر چه کسی نازل می‌شوند؟ گفتند: بر شما. فرمود: پس از من، بر چه کسی نازل می‌شوند؟ گفتند: نمی‌دانیم. حضرت به امیر مؤمنان که آنجا بود، اشاره کرد و فرمود: بر این نازل می‌شوند؛ یعنی بر امام، نه شخص امیر مؤمنان.^۲ تا وقتی که امام در عالم موجود باشد، نزول ملائکه در هر سال ادامه دارد. بنابراین، شب قدر در ماه مبارک رمضان استمرار دارد و هر سالی چیز جدیدی دارد. اگر کسی بتواند شب‌های قدر را در ماه مبارک رمضان درک کند، نتیجه فوق‌العاده‌ای به دست می‌آورد. به فرموده

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. قدر، آیه ۴.

۲. کلینی، /اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۴، ذیل سوره «إنا أنزلناه».

قرآن: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛ یعنی اگر ماه مبارک رمضان سال گذشته را درک کرده باشید، کلاستان به اندازه هزار ماه، یعنی یک عمر بندگی بالا می‌رود. با درک همان یک شب و در طول سال دیگر، در همین کلاس هستید تا سال آینده. اگر شب قدر را درک کنید، یک گام دیگر ۸۳ - ۸۴ ساله برمی‌دارید. به تعبیر ساده‌تر، اگر کسی مثلاً بتواند ده شب قدر را درک کند، به اندازه‌ای که ده عمر بندگی کرده باشد، رشد می‌کند. اگر بیست شب قدر را در تمام عمرش توانسته باشد درک کند، به اندازه بیست عمر بندگی کردن رشد می‌کند. این برکت و دستاورد پدیده‌ای عجیب و از امدادات و تفضلات خاص خدا و هدیه‌هایی است که به پیامبر و اهلش و کسانی که در محیط ولایت اهل بیت هستند، داد می‌شود. از اینجا روشن می‌شود که چه کسی می‌تواند شب قدر را درک کند.

درک شب قدر

درک شب قدر، یعنی چه؟ فقط بیدار بودن نیست. ممکن است خیلی افراد، آن شب بیدار باشند؛ ولی به صرف بیدار بودن، برکتی نصیبشان نمی‌شود. شب قدر، در واقع، شب ولی‌الله معصوم در هر زمانی است؛ شبی است که پروردگار عالم، ضیافت خاصی برای او ترتیب می‌دهد. سوره قدر را در نمازهایتان زیاد بخوانید که سوره ولایت است. امامان فرمودند: اگر می‌خواهید با مخالفان ما اهل بیت بحث کنید، با این سوره با آنها بحث کنید. امام باقر علیه السلام فرمود: «در این سوره می‌خوانید: تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ»^۱ تمام ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است - در شب قدر پایین می‌آیند...». ملک، موجود مجردی است که فروگاهش زمین نیست؛ مثل هواپیما نیست که روی زمین بنشیند. ملائکه، بر روح وارد می‌شوند. چه روحی تحمل دارد که تمام ملائکه از جمله جبرئیل و ملائکه مقرب بر او وارد شوند؟ مگر هر فاسق و فاجری می‌تواند تحمل این را داشته باشد؟ معلوم می‌شود که در عالم، یک ولی معصوم است که ملائکه بر او وارد می‌شوند. از این رو، امام باقر علیه السلام فرمود: با این سوره، با مخالفان ما بحث کنید. پس، معلوم می‌گردد که ولی معصوم، در عالم هست. وقتی که این تعداد ملک بر ولی‌الله معصوم وارد شدند، نمی‌دانیم

مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر ■ ۲۹۷

چه اتفاقی می‌افتد؛ بلکه ولی‌الله می‌داند و خدایی که برایش این مهمانی را ترتیب داده است؛ فقط برکت و نازله‌ای از این مهمانی به ما می‌رسد؛ همان که اعمالمان در آن شب به اندازه یک عمر ما را بالا می‌برد. خدا مهمانی را برای ولی خود ترتیب داده است و ما سر این سفره، ریزه خوار ولی او هستیم.

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

هر کسی برکتی گیرش آمد، به واسطه اهل بیت بوده اتس. نازله‌ای که از سفره معصوم و از آن مهمانی خاص خدا با معصوم به ما می‌رسد، به کسی می‌رسد که در آن شب توسلش به معصوم و دست به دامن معصوم باشد. گمان نکنیم راه خدا را هرکسی می‌تواند پیماید. راه خدا، فقط یک راه است. پیامبر اکرم، با چوب روی زمین چند خط کج کشیدند و یک خط صاف. سپس فرمود: «صراط، یک خط بیشتر نیست.» چنین نیست که هر راهی خواستیم برویم، راه خداست؛ بلکه یک راه بیشتر نیست و آن، «الصِّرَاطُ هُوَ الَّذِي عَلَيْهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام»^۱ است. خدا یک باب بیشتر ندارد که از آن در باید وارد شوید. باب‌الله چه کسی است؟ «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُأْتِي؟»^۲ معصومان، باب‌الله‌اند. در شب‌های قدر که مهمان اصلی خدا، ولی‌الله است، اگر کسی توانست یک قدم به ولی معصوم نزدیک شود، توانسته شب قدر را درک کند. درک شب قدر، این‌گونه است و نه بیداربودن. بیداربودن، شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست. ممکن است کسی بیدار باشد، ولی برکتی گیرش نیاید؛ بلکه بیدار باید باشد و توسل کند و از باب‌الله وارد شود: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدْءَ بَكْم»^۳ حالا می‌فهمید برای چه در شب قدر، قرآن سرتان می‌گذارید و می‌گویید: «بک یا الله، بمحمد، بعلی، بفاطمة»؟ چون از این باب باید بروید. باید دست به دامن قرآن و عترت شوید تا راه بدهند و شب قدر را درک کنید. بنابراین، قرب ما به خدا، تابع قرب ما به معصوم است و درک شب قدر، یعنی این. فردای آن روز، اگر کسی در زندگی‌اش هیچ اتفاقی نیفتاده باشد و فردای شب قدر، همانی باشد که دیروز بود و هیچ فرقی نکرده باشد، آیا امکان دارد به اندازه هزار ماه بالا

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۶۶.

۲. ابن مشهدی، مزار الکبیر، ص ۵۹۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

رفته باشد؟ آیا امکان دارد یک کلاس به اندازه یک عمر بندگی را گذرانده باشد؟ معلوم است که هنوز به ولیّ خدا نزدیک نشده و از آن طریق، به خدا تقرب پیدا نکرده است. باید تفاوتی در زندگی اش ایجاد شود؛ یعنی توجهش بیشتر، قریش افزون تر و غفلتش کمتر شده باشد تا معلوم شود که از باب الله وارد شده است.

عزاداری واقعی

همین مسئله، درباره محرم هم هست. در محرم، عزادار اصلی چه کسی است؟ در شب قدر، مهمان اصلی خدا، ولیّ خدا بود؛ در محرم، مهمان اصلی چه کسی است؟ چه کسی از همه قلبش بیشتر مجروح است؟

معصوم در هر زمان و در زمان ما، وجود مقدس حجت بن الحسن علیه السلام می باشد. درست است که حقیقتاً سرای شیعیان در عزای اباعبدالله، عزاخانه است؛ اما عزاخانه اصلی، قلب مطهر امام زمان علیه السلام است. در مفاتیح هم مرحوم مقدس قمی آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «پدرم موسی بن جعفر از اوّل محرم^۱، دیگر کسی لبخند بر لبش نمی دید و این حزن، هر روز زیادتیر می شد و روز عاشورا که می شد، حالش دگرگون بود.» آنجا دیگر حزن اکبر بود. عاشورا را به معصوم نشان دادند؛ اما من و شما چیزی شنیده ایم؛ ولی او می بیند. به بعضی از اولیای خدا، گوشه ای از عاشورا را نشان دادند که بیچاره و بی طاقت شدند.

سخن آقای نجفی قوچانی

آیت الله آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق نوشته است:

«یک روز عاشورایی، از نجف پیاده به سمت کربلا می آمدم؛ همان طور که الآن مرسوم است و مؤمنان این کار را می کنند. با خودم آب بر نداشتم، گفتم نیازی نیست بار سنگین با خودم بردارم؛ در منازل بین راه، آب تهیه می کنم. همین طور راه افتادم. وقتی به منزل اول رسیدم، دیدم آب نیست، گفتم منزل دوم. به منزل دوم که رسیدم، دیدم بسته است. از چند نفر مسافر در راه که پیاده می رفتند، آب خواستم، نداشتند یا به اندازه نوشیدن خودشان بود.

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۹۹.

مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر ■ ۲۹۹

گفتم حالا می‌روم. بر سرعت قدم‌های خودم افزودم که زودتر بتوانم به کربلا برسم. از دور برق گنبد طلایی اباعبدالله علیه السلام پیدا بود. شاید یک فرسخ هنوز مانده بود. راه رفتم سریع شده و حالت دویدن به من دست داده بود و تشنگی آرام‌آرام به عطش تبدیل می‌شد. آفتاب وسط آسمان، به سمت ظهر می‌رفت و در هوای بسیار گرم، عرق می‌ریختم و فوق‌العاده تشنه‌ام بود و کم‌کم جگر می‌سوخت تا اینکه حس کردم واقعاً دارم می‌سوزم...»

عطشی که سیدالشهدا کشید، مثل چیست؟ در روایت گفته شده: «يَحُولُ الْعَطَشُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّمَاءِ كَالدُّخَانِ»^۱ بین خودش و آسمان را دود می‌دید.

آقای نجفی می‌افزاید:

«همین‌طور که می‌رفتم و تشنه‌ام بود و جگر می‌سوخت، یک مرتبه یاد بچه‌های امام حسین علیه السلام افتادم که آنها چه کشیدند؟ بزرگ‌ترها هم خیلی سختی کشیدند؛ ولی بالاخره آنها بزرگ بودند؛ اما بچه‌ها چه کشیدند! در کربلا ۲۳ بچه بوده، ۳ ساله، دو ساله، شیرخواره و شش‌ماهه. بچه‌ها چه کشیدند! همین که یاد بچه‌ها افتادم، حالم عوض شد، اشک از چشمم سرازیر شد و از یاد خودم بیرون رفتم. یک مرتبه خدا عنایتی کرد و صحنه‌ای به من نشان دادند؛ صحنه عصر روز عاشورا؛ آن موقعی که اباعبدالله علیه السلام و یاران باوفایش شهید شدند و خیمه‌ها را آتش زدند! دیدم که بچه‌ها در بیابان هر کدام به سمتی فرار کردند. عمه‌شان فرموده بود که در بیابان پخش شوید؛ اما بعضی‌ها دامن‌های آتش گرفته داشتند. اشک می‌ریختم و می‌دیدم و می‌سوختم و باید می‌ساختم. می‌خواستم به آنها کمک کنم، ولی صحنه‌ای بود که باید می‌دیدم. پاهایم روی تیغ و سنگ می‌رفت و خون می‌افتاد؛ اما اصلاً در حال خود نبودم تا اینکه یک مرتبه خودم را در کوچه‌های کربلا یافتم. وارد کوچه‌های کربلا شدم. به خود آمدم، نگاه کردم صورتم از اشک و عرق خیس است و از پاهایم خون می‌رود. مردم مرا با تعجب نگاه می‌کردند که این شخص با چه هیئتی آمده است. رفتم کنار نهري صورتم را شستم و آمدم در صحن مطهر اباعبدالله علیه السلام نشستم تا نفسی تازه کنم. همین که نشستم، دیدم صدای زنگ ساعت بزرگ حرم به صدا درآمد؛ عصر بود؛ اما صدای زنگ را نمی‌شنوم؛ بلکه از آن این صدا را می‌شنوم که می‌گفت: «هل من ناصر؟ هل من ناصر؟»

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

۳۰۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

یک مرتبه دلم ریخت، بلند شدم، اشک از چشمم جاری شد: یا ابا عبدالله! هنوز بعد از هزار و خورده‌ای سال، صدای «هل من ناصر» شما بلند است؟ یک مرتبه دیدم صدای زنگ ساعت بزرگ حرم ابوالفضل به صدا درآمد که از دور، صدای آن را به صورت لیبک‌لیبک می‌شنیدم. به سمت حرم حضرت ابوالفضل رو کردم و گفتم: جانم فدای تو یا ابوالفضل! هنوز بعد از هزار و خورده‌ای سال، صدای «هل من ناصر» برادرت را تو لیبک می‌گویی.

فرمایش آیت‌الله وحید خراسانی

صحنه‌هایی از عاشورا و آن حادثه را نشان بعضی از اولیای خدا دادند که بیچاره و بی‌طاقت شدند. حضرت آیت‌الله وحید خراسانی در درس خود می‌فرمود:

«دستور عملی یکی از اهل معرفت گفته که کاملاً مطابق با معارف اهل بیت است. اگر کسی این دستور عمل را انجام بدهد، تمام عاشورا را به او نشان می‌دهند. اگر کسی ریاضت تحمل کند، تمام عاشورا را به او نشان می‌دهند؛ جز سه ساعتش را که احدی طاقت دیدنش را ندارد؛ آن سه ساعت، از آن هنگامی بود که ابا عبدالله از اسب افتاد تا موقعی که شمر بر سینه مطهرش نشست. این سه ساعت، جلوی چشم امام زمان علیه السلام است.»

امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه می‌فرماید: جدّ غریبم، اگر اشک چشمم خشک شد. خون برایت گریه می‌کنم. بعضی نفهمیدند و گفتند: این بیان، مجازگویی است. تو اشکت نمی‌آید و نمی‌فهمی، چرا حمل بر مجاز می‌کنی؟ چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند! فرمود: «لَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا»^۱ اگر اشک چشمم خشک شد، خون گریه می‌کنم.» محزون‌ترین قلب در این عالم، قلب اوست که دگرگون می‌باشد و می‌فرماید: صبح و شب بر تو گریه می‌کنم. روز عاشورا که دیگر انقلاب و جوشش خاصی است. اگر این قلب با صفا و قلب معصوم و پاک، چنین حزنی داشته باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاقش را در قرآن ببینید. در قرآن فرمود: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۲ یعنی کسانی که وقتی به آنها مصیبت

۱. همان، ج ۹۸، ص ۲۳۸.

۲. بقره، آیه ۱۵۵.

مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر ■ ۳۰۱

می‌رسد و مصیبت‌زده هستند و مصیبت را به خدا برمی‌گردانند و تسلیم هستند، خداوند سه چیز به آنان می‌دهد که یکی، صلوات از ناحیه پروردگار است. گاهی ما صلوات می‌فرستیم؛ اما گاهی خدا بر ما صلوات می‌فرستد. صلوات خدا، خیلی برکت دارد.

خدا می‌فرماید: سه چیز به او می‌دهم. در روایت است: برای هر یک از این سه چیز، ملائکه غبطه می‌خورند. خدا به مصیبت‌زده سه چیز می‌دهد؛ «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْتَدُونَ»؛ صلوات و رحمت و هدایت خاص. اولین کسی که این سه چیز نصیبش می‌شود، ولی خداست که از همه بیشتر مصیبت‌زده است. وقتی این سه چیز نصیبش شد، در روز عاشورا کسانی که سخت دارند، با ولی الله هم‌دل‌اند (یحزنون أحزننا)، آن وقت نازله‌ای از برکت و رحمت هم نصیب اینها می‌شود. از این جهت، عاشورای هر سال، دستاورد جدیدی دارد؛ چون در هر سال، خدا صلوات و رحمت و هدایت خاصی بر معصوم دارد؛ مثل شب قدر که مهمانی خاص دارد و کسانی که در پرتو ولایت معصوم هستند، از مهمانی برکتی نصیبشان می‌شود.

آداب ظاهری و باطنی

ان شاء الله بتوانیم از این ایام استفاده کنیم. هم آداب ظاهری محرم و عاشورا را حفظ کنیم و هم آداب باطنی‌اش را. کسانی که در خانه‌هایشان پرچم سیاه می‌زنند، آدم لذت می‌برد. وقتی وارد شهر می‌شویم، می‌فهمیم همه عزادار اباعبدالله هستند. در مغازه و خانه‌ها عزاداری می‌کنند. باید در این دهه، از کسب‌وکار و مشغله‌ها کم کرد و در مجالس شرکت نمود. آدم باید تلاش کند تا در شب‌های قدر و عاشورا، برکتی نصیبش شود. در این دهه، هر روز زیارت عاشورا بخوانید. زیارت عاشورا را با توجه بخوانید. اگر این کارها را انجام بدهیم، نسل و اولاد ما می‌بینند در خانه و شهر اتفاقی افتاده است و پدر و مادرها یک‌طور دیگر شده‌اند. چیزهایی که در ایام دیگر می‌گفتند و می‌خندیدند و اسباب شادی بود، در این دهه، نیست؛ بلکه ایام عزا و حزن است. اینها را باید همه متوجه شوند. آداب ظاهری را آدم باید حفظ کند. در مجالس اباعبدالله با وضو باشیم و ادب مجلس را حفظ کنیم؛ چون این مجالس صاحب عزا دارد. آدم بداند کجا آمده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من این

۳۰۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مجالس را دوست دارم.» وقتی حبّ امام صادق علیه السلام در این مجالس است، آدم باید بداند که نظر و عنایت در این مجلس است.

البته آداب باطنی نیز مهم است. ادب باطنی، این است که آدم با عاشورا و اباعبدالله سالک شود و راه بیفتد و با این مکتب انسان ساز رشد کند. عاشورای اباعبدالله، یک دوره سلوک کامل است؛ نه عرفان‌های من‌درآوردی و ریاضت‌های بی‌خودی. بعضی از عرفان‌های قلابی و عرفان‌های سرخ‌پوستی و هندی و بی‌خدا، برای این است که آن حقیقت را گم کنند؛ اما عرفان اباعبدالله جلودارت خواهد بود و با شفاعت او رشد می‌کنی. عاشورای امام حسین علیه السلام، یک دوره سلوک کامل است و زیارت‌نامه عاشورا درس‌نامه اوست. اگر کسی می‌خواهد با اباعبدالله و با محوریت و شفاعت معصوم و دستگیری او حرکت کند و جلودارش معصوم باشد، دیگر انحراف و خطا در آن نیست؛ بلکه با قدم او حرکت می‌کند. هر کسی می‌خواهد در عالم عبدالله بشود و بندگی کند، پدر و رهبرش باید امام حسین علیه السلام باشد؛ به همین جهت، آن حضرت، عبدالله نیست؛ اباعبدالله است.

سلوک عاشورایی، چهار مرحله دارد و زیارت‌نامه عاشورا، درس‌نامه سلوک است و این مراحل را بیان می‌کند. زیارت عاشورا را دست کم نگیرید. در بین زیارات‌های ما، تنها زیارتی که حدیث قدسی است و از خود خدا به ما رسیده، زیارت عاشورا است که سندش چنین است: امام باقر علیه السلام از پدرش، و او از از پدرش و او از پیغمبر و آن حضرت از جبرئیل، و او نیز از خداوند متعال این زیارت را نقل کرده است.

اولین منزل سلوک حسینی این است: «لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْيَةُ وَ جَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ»^۱ اولین منزل سلوک عاشورایی، با ما نیست؛ بلکه اولین قدم، با اباعبدالله است. این چه سلوک و تربیتی است که اولین قدمش را ما بر نمی‌داریم؛ بلکه اولین قدمش را او بر می‌دارد؟! عجیب اینجاست که اوّل قدم، با بلاست. از این‌رو، اوّل زیارت عاشورا به مصیبت امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند. بزرگ‌ترین عبادت سیدالشهداء و تمام معصومان، بلاهایشان بوده است؛ بلاهایی که احدی طاقت کشیدن آنها را نداشت: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا».

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۸۱.

مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر ■ ۳۰۳

بالاترین عمل آن بزرگواران، بلاهایشان بوده است. آری، بالاترین عبادت علی علیه السلام این بود که ریسمان گردنش بیندازند و او را در کوچه‌ها ببرند! بالاترین عبادت علی علیه السلام این بود که جلوی چشمش زهرا علیها السلام را بزنند و نگاه کند؛ مگر کسی می‌تواند اینها را تحمل کند؟ ولی امام این کار را برای حفظ دین خدا می‌کند. این، بالاترین عبادت هر معصومی است.

بالاترین عبادت امام مجتبی علیه السلام، صلح بود که به او کنایه می‌زدند. بالاترین عبادت اباعبدالله علیه السلام، عاشورا بود. بلاهای هر معصومی، بالاترین عبادت اوست که احدی غیر از او، حتی انبیای اوالوالعزم پیشین تحمل آنها را نداشته‌اند.

امیر مؤمنان علیه السلام کسی بود که فریادهای بلندش در جنگ، دل دشمن را می‌ترساند. امیر مؤمنان علیه السلام کسی بود که پهلوان‌ها و گردن کلفت‌ها را به خاک کشیده بود؛ اما وقتی زهرا علیها السلام را به خاک کشاندند، چیزی نگفت. برای امیر مؤمنان علیه السلام ده‌ها و صدها بار کشته‌شدن، از دیدن آن صحنه راحت‌تر بود. خودش فرمود: «به خدا قسم! پسر ابی‌طالب نسبت به مرگ مشتاق‌تر از طفل به سینه مادر است. من ترس ندارم.»^۱

ما شهادت‌طلبی را از تو یاد گرفتیم. می‌دانیم که در راه خدا کشته‌شدن برای تو کاری ندارد؛ اما خدا می‌فرماید: می‌خواهیم یک امتحان سخت‌تر از تو بگیریم و آن اینکه بینی زهرا را جلوی چشمت بزنند و نمیری. می‌خواهیم امتحان نمردن از تو بگیریم. بینی و تحمل کنی. این امتحان، امیر مؤمنان علیه السلام را پیر کرد. راوی می‌گوید: پس از آن قضایا، وقتی امیر مؤمنان را دیدم صحبت می‌کرد، یک موی سیاه در سرو صورتش نبود. بزرگ‌ترین عبادت سیدالشهداء، بلایش است؛ بلایی که ظاهرش را می‌بینیم؛ اما زینب کبری علیها السلام باطن آن را می‌بیند. ابن زیاد به او طعنه زد و گفت: دیدی که خدا با برادرت چه کرد. فرمود: «ما رأیتُ الا جمیلاً»؛^۲ یعنی تو کور هستی و باطن این بلا را نمی‌بینی. باطن بلا، مهمانی خداست و جز زیبایی نمی‌بینیم.

۱. رک: نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۳؛ «والله لا ین

أبی طالب آنسُ بالموتِ مِنَ الطُّفْلِ بِئَدیِ أُمِّهِ».

۲. ابن نما حلی، منیر الأحرار، ص ۹۰.

مناظر سلوک

بحث مناظر سلوک، با اباعبدالله است که اگر کسی می‌خواهد عاشورا با سیدالشهداء همراه شود و زیارت عاشورا به او درس بدهد، یاد بگیرد اول چه کار کند و مرحله و منزل بعد چه است.

خدا از امیر مؤمنان علیه السلام یک امتحان گرفت؛ امتحان نمردن. از زهرا هم امتحان گرفت. می‌دانیم که حضرت زهرا هیچ تعلقی به دنیا نداشت و حوریه انسیه است؛ اما خدا می‌فرماید: حالا می‌خواهیم یک امتحان دیگر از تو بگیریم که خیلی پیچیده است و آن امتحان این است که برای فدک بدوی و یک عده نفهم به تو طعنه بزنند؛ اما اینها نمی‌دانند تو اهل دنیا نیستی. سلمان وقتی چادر وصله‌خورده زهرای اطهر را دید، تنها کاری که توانست بکند، این بود که صورتش را برگرداند. دست به صورت گرفت تا حق‌گریه‌اش بلند نشود. دختر اول شخص عالم وجود، و چادر وصله‌دار!

فاطمه صغری

چرا از زهرا گفتیم؟ چون یک زهرای کوچک هم در کربلاست. یک فاطمه صغری نیز در کربلا است که به نام «رقیه» کمتر در تواریخ گذشته اسمش آمده است. بعضی اسم این بزرگوار را نقل نکرده‌اند؛ ولی بعضی از بزرگان اسمش را آورده‌اند. مرحوم محدث قمی در *نفس المهموم* آورده است: اباعبدالله یک دختر سه‌ساله داشت. پیش از ایشان، بعضی دیگر از بزرگان ما گفته‌اند که این دختر سه‌ساله را اباعبدالله داشت. اگر به کربلا مشرف شدید، اذن دخول حرم امام حسین علیه السلام اشک است. به قول علامه مجلسی در *بحار الأنوار*، اذن دخول همه حرم‌ها اشک است؛ یعنی اگر می‌خواهی وارد حرم بشوی، فوری وارد نشو. گوشه‌ای مقداری بنشین و گدایی بکن، بعد برو. اذن دخول‌هایی که به دیوار زدند، خوب است؛ اما اذن دخول اصلی، دل‌شکستن است. وقتی که کربلا مشرف شدید و می‌خواهید خدمت حضرت اباعبدالله بروید، اذن دخولش اشک است. اگر دیدید اشکتان نمی‌آید و دلتان سنگین است، سریع وارد نشوید. کنار حرم و پشت دری بایستید و گوشه‌ای بروید حالی پیدا کنید تا امام حسین علیه السلام شما را تحویل بگیرد. یک راهش این است که آن مقداری که بلد هستید، روضه‌ای برای حضرت رقیه بخوانید. سریع اباعبدالله تحویل‌تان می‌گیرد و دلتان می‌شکند. این دختر، از آن موقعی که چشم باز کرد، مادرش را از دست داد. مادرش امّ

مجلس بیست و سوم: درک مفاهیم شب قدر ■ ۳۰۵

اسحاق بود که هنگام تولد این دختر، از دنیا رفت. امام حسین علیه السلام هم برایش پدر بود و هم مادر. خیلی به اباعبدالله علاقه داشت و ایشان هم همین طور. آنهایی که حرم این سه ساله مشرف شدند، می بینند گرچه این حرم قشنگ شده، اما هنوز سوز خرابه در حرم است.

یکی از اهل علم می گفت: کاروانی از تبریز به حرم حضرت رقیه علیها السلام رفت. تبریزی ها و برادران آذری زبان، سوز خاصی در روضه هایشان است. کاروان تبریزی ها ترکی می خواندند و من نمی فهمیدم؛ ولی از گریه و زجه شان گریه ام گرفت و حال عجیبی در حرم نازدانه اباعبدالله علیه السلام به وجود آمده بود. پیرمردی بلندبلند چیزهایی می گفت و همه از گریه فریاد می زدند. به کناردستی ام گفتم: تو ترکی بلدی؟ پیرمرد چه می گوید؟ گفت می گوید:

«رقیه جان! خیلی مدت بود که در کاروان اسم نوشته بودم که بیایم پابوست؛ مثل اینکه لیاقت نداشتم؛ اما الآن توانستم بیایم، ممنونت هستم. خیلی حاجت دارم؛ اما برای حاجت گرفتن و گرفتن نیامده ام، بلکه آمدم به تو بگویم: رقیه جان! دامت آتش گرفته و بدنت سوخته بود. التیام پیدا کردی؟ در زمین سنگلاخ کربلا وقتی تو را دواندند، پاهایت مجروح شده بود، خوب شدی؟ اگر می آیی، روی سرت بگذارم ببرمت تبریز خودمان تا آخر عمر دورت بگردم و خادمیت باشم!»

توسل ما، به عمه کوچک امام زمان علیه السلام و نازدانه اهل بیت است؛ تا از این دامن پُرمهر، بهره ای بگیریم. خدا کند راست نباشد مطلبی که در تواریخ گفته اند. این طفل معصوم، تشنه و گرسنه بود؛ هرچند همه خسته بودند. چنین نبود که برای اینها رختخواب پهن کنند و بخوابند. در سفر بالای مرکب، بعضی اوقات چرت می زدند و پشت خرابه و دروازه ای باید می خوابیدند. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «عمه ام زینب کبری سه شبانه روز سهمیه غذای خود را به بچه ها داده بود و اصلاً توان در بدن نداشت و نمازهای مستحبی اش را نشسته می خواند.»

نقل می کنند که این طفل معصوم، در یکی از منازل بین راه روی مرکب خوابش برد و از شتر به پایین پرت شد. خدا کند که راست نباشد. اگر کسی از کاروان عقب می ماند، با سیلی او را به کاروان می رساندند. در خرابه، خیلی ستم دیده بود. خواب پدر بزرگوارش را دید که مثل همیشه آمد بغلش کرد و بوسیدش. شروع کرد به درد دل کردن با پدرش: پدر جان! بین با پاهایم چه کردند. یک مرتبه از خواب بلند شد، دید همان خرابه سرد و تاریک است. شروع کرد اشک ریختن و گریه کردن. عمه مهربانش گفت: چرا این قدر گریه می کنی؟

گفت: عمه جان! الآن پدرم را در خواب دیدم. پدر من کجاست؟ زینب کبری فرمود: پدرت به سفر رفته؛ کنایه از سفر آخرت. رقیه گفت: نه، همین الآن در بغلش بودم. همه شروع کردند به اشکریختن و گریه کردن. در بین سر و صداها، سر مقدس را آوردند. تصور کنید سر را در دامن دختر بچه سه ساله گذاشتند. طفلک سر را گرفت و شروع به درددل کردن: «بابا جان! چه کسی رگهای گردنت را قطع کرده؟ چه کسی من را یتیم کرده؟» یک مرتبه دیدند سر مقدس از دستان کوچکش غلطید و خودش افتاد. همان شب، دفنش کردند.

وقتی که این نازدانه دفن شد، زینب کبری همه را تسلی داد؛ اما یک نفر را نتوانست آرام کند و آن، خواهرش امّ کلثوم بود که روی قبر رقیه افتاده بود و بلندبلند گریه می کرد. زینب گفت: خواهرم! می دانم مصیبت سنگین است؛ اما من و تو بزرگ تریم، باید صبر کنیم. امّ کلثوم گفت: چیزی دیدم و آن من را آتش می زند. موقعی که وارد شام شدیم، این نازدانه در بغل من بود. می دید که بچه های اهل شام در بغل پدر و مادرشان هستند و لقمه نانی در دستشان است. طفلک گرسنه بود، سر در گوش من گذاشت و گفت: عمه جان! یک لقمه نان داری به من بدهی؟ چیزی که من را آتش می زند، آن است که گرسنه از دنیا رفت؛ در حالی که نتوانستم با یک لقمه نان سیرش کنم.

خوابید در خرابه که کاخ ظلم را
با ناله یتیمی خود زیرورو کند

مجلس بیست و چهارم

افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی*

اشاره

جمعیت، مؤلفه‌ای اساسی در شناسایی و معرفی جوامع بشری، و از جمله مسائل مهم در مباحث اجتماعی است که شناخت آن، نقش بسزایی در پیشبرد و بهینه‌سازی فرهنگ و اقتصاد یک کشور دارد.

اگرچه صاحب‌نظران نگرش‌های متفاوتی در خصوص افزایش یا کاهش جمعیت بیان نموده‌اند، اما آنچه از آموزه‌های قرآنی و روایی برداشت می‌شود، مطلوبیت افزایش کمی و کیفی نسل یا ازدیاد جمعیت صالح است که در جای خود، مایه مباهات پیشوایان دین قرار گرفته است و البته اسلام، تنها در صورت وجود شرایط و دلایل خاص، کاهش جمعیت را امری توجیه‌پذیر می‌داند.

جمعیت‌شناسی و جایگاه ارزشی و راهبردی آن در برنامه‌ریزی‌های خُرد و کلان جامعه، بر کسی پوشیده نیست و برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت نظام اسلامی، نیازمند

* عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۰۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

سیاست‌های منطقی و منسجمی در خصوص افزایش جمعیت می‌باشیم تا کشور به معضل پیری جمعیت و پیامدهای زیان‌بار آن دچار نگردد و مسیر رشد و توسعه در عرصه‌های گوناگون، به چالش کشیده نشود.

بنابراین، اگرچه ممکن است به گمان برخی، سیاست افزایش جمعیت از منظر اقتصادی تهدید پنداشته شود، اما از جهات متعدد دیگر، یک فرصت بزرگ تلقی می‌شود و همواره جمعیت متحد و روبه‌رشد، می‌تواند تغییرات بزرگی را رقم زده، روند مسائل جامعه و جهان را به طرز شگرفی متحول سازد.

برای دستیابی به دیدگاه اسلام در مسئله جمعیت، پرداختن به پرسش‌های ذیل درخور اهمیت است:

آیا تکثیر موالید یا زادوولد، واجب است؟ آیا اصل اولی، افزایش نسل است؟ آیا فزونی موالید، به طور مطلق و در هر شرایطی مستحب است یا استحباب آن با توجه به سایر ادله و آموزه‌های دینی، قابل تخصیص یا تقیید است؟ به عبارت دیگر، آیا همان‌طور که برخی معتقدند، از منظر دینی، اصل، تکثیر نفوس است؟

گفتار پیش رو، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و مباحث مفیدی را در این خصوص ارائه می‌نماید. تدوین این دست مطالب، هم رهنمودهای مفیدی برای اتخاذ سیاست‌های راهبردی افزایش جمعیت است و هم پاسخگویی به دغدغه‌های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است که از کاهش و پیری جمعیت احساس نگرانی کرده و فرموده‌اند:

«سیاست تحدید نسل، در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ اهدافی هم برایش معین کردند. آن طوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی، این قسمت را تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود... اگر به همین ترتیب پیش برویم، تا چند سال دیگر، نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده جمعیتی ما، جوان است - و به تدریج دچار پیری خواهیم شد؛ بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ چون

مجلس بیست و چهارم: افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات ■ ۳۰۹

پیری جمعیت، با کاهش زادوولد همراه است. یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ اینها را بایستی مسئولین کشور به جد نگاه کنند و دنبال کنند. در این سیاست تحدید نسل، حتماً بایستی تجدید نظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد. این مسئله افزایش نسل و اینها، جزء مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول، امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقم‌ها برسیم.^۱

تکته اول: حکم اولی تکثیر اولاد

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات متعدد و معتبر اسلامی، تکثیر اولاد یا افزایش جمعیت در میان مسلمانان، امری است مستحب که به آن سفارش فراوانی شده است. الف. در آیه ۱۱ و ۱۲ از سوره مبارکه نوح می‌خوانیم: «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»^۲ از این آیات استفاده می‌شود که اولاً: داشتن فرزندان متعدد، همانند اموال زیاد، موجب اقتدار یک انسان و بلکه جامعه است و این، یکی از مظاهر و نشانه‌های عنایت و کمک خداوند متعال است. ثانیاً: باریدن باران از آسمان، از افعال مهم خداوند متعال است که بر انسان‌ها نازل می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که چنانچه جامعه‌ای در مسیر تقوا و استغفار و صلاح پیش رود، خداوند متعال آنان را با باران، اموال و فرزندان، یاری می‌نماید و این کثرت، از آثار تقوا در جامعه است.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.

۲. «بر شما از آسمان باران پی‌درپی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.»

ب. از روایات متعددی که در ابواب نکاح و تزویج وارد شده، استفاده می‌شود که اسلام نسبت به تکثیر اولاد تأکید دارد و تکثیر نسل، به عنوان یکی از مستحبات مهم مورد سفارش قرار گرفته است. این روایات را از نظر مضمون و تعبیر، می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

گروه اول: روایاتی که دلالت دارند کثرت اولاد مسلمانان، موجب افتخار رسول خدا ﷺ در قیامت است؛ مانند:

۱. شیخ صدوق به سند خودش که سند صحیحی است، از علی بن رثاب و او از محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ إِنَّ السَّقَطَ يَجِيءُ مُحْبِطًا عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ - فَيَقَالُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ - فَيَقُولُ لَا حَتَّىٰ يَدْخُلَ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ قَبْلِي؛^۱ رسول خدا ﷺ فرمود: ازدواج نمایید؛ زیرا فردای قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم؛ تا جایی که فرزند سقط‌شده با انتظار و ناراحتی بر در بهشت می‌آید! به او گفته می‌شود: وارد بهشت شو! در پاسخ می‌گوید: خیر، وارد بهشت نمی‌شوم؛ مگر اینکه پدر و مادرم پیش از من وارد شوند.»
۲. امام صادق علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأَمَمَ غَدًا؛^۲ اولاد و فرزندتان را زیاد کنید؛ چراکه روز قیامت با کثرت امت خودم بر سایر امت‌ها افتخار می‌کنم.»

گروه دوم: روایاتی که طلب اولاد را ترغیب می‌کنند؛ مانند:

- امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث اربع مئه فرمود که پیامبر ﷺ همیشه می‌فرمود: «مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنْ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ غَدًا؛^۳ هرکس دوست دارد که از سنت من پیروی کند، همانا ازدواج کردن از سنت من است و طالب فرزند باشید؛ چرا که فردا به شما بر دیگر امت‌ها به سبب فراوانی‌تان افتخار می‌کنم.» در این روایت، به طلب فرزند توصیه شده و ظاهر آن نیز طلب کثرت فرزندان است.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۳۵۷.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۵.

مجلس بیست و چهارم: افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات ■ ۳۱۱

گروه سوم: برخی از روایات دلالت دارد که مستحب است انسان با زنی که ولود است، ازدواج کند و ولود صیغه مبالغه به معنای آن است که زیاد فرزند به دنیا آورد.

امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود: «تَزَوَّجُوا بِكَرًا وَلُودًا وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ با زن باکره و ولود ازدواج کنید و با زنی که زیباست، اما عقیم است، ازدواج نکنید.

گروه چهارم: بعضی روایات بر ترغیب ازدواج با زنهای غیرزینا دلالت دارد و علت آن را این گونه ذکر نموده‌اند که چنین زنهایی از نظر تولید فرزند می‌توانند فرزندان بیشتری تولید نمایند. امام صادق علیه السلام به مردی که از نداشتن فرزند شکایت داشت، فرمود: «إِذَا أَتَيْتَ الْعِرَاقَ فَتَزَوَّجْ امْرَأَةً وَلَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ سَوْءَاءً. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا السَّوَاءُ؟ قَالَ: امْرَأَةٌ فِيهَا قُبْحٌ فَإِنَّهُمْ أَكْثَرُ أَوْلَادًا»^۲ هنگامی که به عراق رفتی، در آنجا با زنی ازدواج کن و اگر آن زن از نظر جمال و ظاهر مناسب هم نبود، باز با او ازدواج کن؛ زیرا این گونه زن‌ها فرزند بیشتری می‌زایند.

گروه پنجم: در برخی روایات آمده است: یکی از ویژگی‌ها و صفاتی که مناسب است در زن‌ها برای ازدواج وجود داشته باشد، آن است که «رَبِيعٌ مُرْبِعٌ» باشند. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود: «النِّسَاءُ أَرْبَعٌ جَامِعٌ مُجْمِعٌ وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ وَكَرْبٌ مُقْمِعٌ وَغُلٌّ قَمِلٌ...»^۳ زن‌ها چهار دسته می‌باشند: زنی که پُرخی‌ر و روزی است و زنی که فرزندی در آغوش دارد و فرزند دیگری در شکمش باشد و زنی که با شوهرش بداخلاقی می‌کند و زنی که مانند غُلّ شپش‌دار گردنگیر مرد باشد. همان‌طور که ذکر شد، مقصود از «ربیع مربع» زنی است که هم‌زمان با اینکه بچه‌ای را در دامن دارد و مشغول تربیت اوست، بچه‌ای نیز در شکم داشته باشد و حامله باشد.

گروه ششم: از بعضی روایات استفاده می‌شود، همان‌طوری که ازدواج، موجب کثرت رزق است، تکثیر در اولاد هم بر اساس سنت خداوند متعال، چنین اثری را به دنبال دارد.

۱. همان، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۳۱.

گروه هفتم: در برخی روایات، یکی از اهداف تکثیر اولاد چنین بیان شده که هر انسانی با گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» زمین را سنگین تر می‌کند. امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا؟ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسَمَةً تَثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۱ چه چیزی مؤمن را منع می‌کند از اینکه همسری اختیار کند؛ درحالی که خداوند ممکن است فرزندی به او دهد که زمین را با گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سنگین می‌کند.

نتیجه گیری

از مجموع تعابیر و نکته‌هایی که به آنها اشاره شد، استفاده می‌شود که دین اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نسبت به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته‌اند و چنین نبوده که اهتمام مختص به زمانی باشد که مسلمانان اندک بوده‌اند؛ زیرا تعابیر وارده در روایات، به عنوان یک قضیه حقیقیه و سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. بنابراین، از نظر حکم اولی تکثیر اولاد و ازدیاد نسل، امری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام به آن سفارش فراوانی کرده‌اند و می‌توان آن را از مستحبات مؤکد شمرد.

طرح یک شبهه و پاسخ آن

در اینجا به تعبیری که در برخی روایات وارد شده، اشاره می‌کنیم: «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ»^۲ مضمون تعبیر این است که کم‌بودن عیال و افراد تحت تکفل، یکی از دو راحتی است. آیا این تعبیر، دلالت بر این مطلب ندارد که قَلَّتْ فرزندان بر کثرتشان رجحان دارد؟ در پاسخ به این شبهه می‌گوییم که از این تعبیر، هیچ‌گاه استحباب قَلَّتْ استفاده نمی‌شود؛ بلکه این نوع روایات، در مقام حکایت از یک امر خارجی است. تردیدی نیست کسی که اولاد کمتری دارد، از نظر مخارج، هزینه او بسیار کمتر است؛ اما این روایت، در مقام استحباب قَلَّتْ نیست. همان‌طوری که اگر کسی دارای یک زوجه است، مخارج و هزینه‌های او کمتر از کسی است که دارای دو زوجه یا بیشتر است؛ اما هیچ‌گاه این تعبیر، بر عدم استحباب زوجه دوم و سوم دلالت ندارد.

۱. همان، ص ۱۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۷۲.

مجلس بیست و چهارم: افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات ■ ۳۱۳

نکته دوم: حکم ثانوی تکثیر اولاد

آنچه را که در نکته اول بیان کردیم، به عنوان حکم اولی شرعی است؛ اما تردیدی نیست که ولی فقیه و مجتهد جامع الشرائط می تواند در شرایطی خاص، از این امر ممانعت نماید. به عبارت دیگر، چنانچه این امر با امور دیگری که مهم تر از آن است، مزاحمت نماید، فقیه می تواند از تکثیر نسل به صورت موقت جلوگیری کند؛ البته باید توجه داشت که مجرد رفاه و آسایش و یا خوف از فقر و امثال این امور، هیچ گاه نمی تواند تراحم را ایجاد کند. فقیه نمی تواند برای رعایت رفاه و آسایش و راحتی و به تعبیر امروزی، زندگی بهتر، مردم را از تکثیر نسل منع نماید.

به عبارت دیگر، ولی فقیه لازم است در ابتدا همین حکم مسلم استحبابی را تبلیغ کرده و جامعه را به این سمت و سو حرکت دهد. همان طور که ولی فقیه نسبت به تبلیغ سایر احکام دین وظیفه دارد، نسبت به بیان این حکم و ترویج آن نیز موظف است. حتی اگر راهکارهایی را بتواند تنظیم کند - مانند: تشویق به کار و فعالیت، مخالفت با بیکاری و تنبلی و سستی، در اختیار قرار دادن سرمایه ای ملی از قبیل انفال و یا کمک کردن از طریق بیت المال - لازم است بر این امور اقدام نماید؛ مثلاً اگر حاکم اسلامی بتواند با پرداخت کمک های مالی مردم را به تکثیر نسل تشویق کند، لازم است کمک ها را از بیت المال بپردازد؛ اما اگر در شرایطی از انجام این حکم معضلاتی به وجود آید که جامعه نتواند آن را تحمل کند، می تواند به صورت موقت از انجام این کار ممانعت نماید.

نتیجه این نکته آن است که تصویب برخی قوانین و جعل محدودیت هایی که متأسفانه در قوانین تنظیم جمعیت در سال ۱۳۷۲ وضع شدند و به سبب آنها افرادی از حق بیمه و سایر مزایا محروم شدند و یا وادار ساختن وزارتخانه های متعدد برای رسیدن به کنترل و تقلیل جمعیت، همگی بر خلاف ضوابط فقهی و شرعی است و فقط در صورت اضطرار و یا تراحم می تواند صحت داشته باشد که به اعتراف کارشناسان، چنین اضطرار و تراحمی هنوز محقق نشده است.

نکته سوم:

۱. آیا اشخاص، زنان و مردان با قطع نظر از سیاست و دستور حکومت، می توانند خود را به صورت دائم یا موقت عقیم کنند؟

۲. در صورتی که این امر حرام باشد، آیا حکومت می‌تواند نسبت به امر حرام، مردم را تشویق و دستگاه‌ها را آماده نماید؟

در پاسخ به سؤال نخست باید گفت در فقه، یکی از عناوینی که متعلق حرمت قرار گرفته، «إضرار به نفس» است؛ به این معنا که انسان، حق ضررزدن به جان و بدن خویش را ندارد و این، عملی حرام است. برای این حکم، غالباً به برخی روایات و ادله لفظیه تمسک شده که این ادله در محل خود، مورد اشکال و مناقشه قرار گرفته است.

از این جهت، به نظر می‌رسد باید راه دیگری را طی کرد و آن این است که یک غرض عقلی محض و قطعی وجود دارد و به حکم قطعی عقلی، تحصیل آن غرض واجب است و در چنین مواردی، قطعاً بین حکم عقل و شرع ملازمه وجود دارد. آری، در مواردی که یک غرض شرعی و مولوی وجود دارد، تحصیل آن وجوب ندارد و باید همان فعلی که شارع متعلق امر یا نهی قرار داده است، مورد امتثال قرار گیرد.

از این رو، مسئله حفظ نفس، از اغراض قطعیه عقلیه است و به همین جهت، عقل، به لزوم حفظ نفس حکم می‌کند و چون در این مورد ملازمه وجود دارد، باید بپذیریم که شارع مقدس نیز حفظ نفس را واجب دانسته و آنچه را که با این امر منافات داشته باشد و مستلزم واردکردن ضرر بر آن باشد، حرام می‌داند. بنابراین، از نظر منطقی، کبرای مسئله این است که حفظ نفس، واجب است و اضرار به آن، حرام می‌باشد.

نکته مهم، صغرای مسئله است که آیا عقیم‌ساختن، از موارد اضرار به نفس می‌باشد؟ ظاهر، آن است که بین عقیم‌شدن دائمی و موقتی، فرق است؛ از نظر عرف، در عقیم‌شدن دائم، نوعی نقص و ضرری بر بدن وارد می‌شود و در عقیم‌شدن موقتی، چنین امری نیست. ضرر، دارای مفهومی عرفی است و عرف در موردی که نقص مال یا نفس در کار باشد و با امر دیگری جبران نشود، از آن به «ضرر» تعبیر می‌کند. در عقیم‌کردن دائمی، چنین نفعی در کار نیست و قطعاً عنوان اضرار به نفس صدق می‌کند. باید توجه داشت آنچه را که به عنوان منافی این امر تلقی می‌کنند، از راه‌های دیگری غیر از عقیم‌سازی هم قابل تحقق است و منحصر به این نیست.

نتیجه آنکه مسئله از نظر کبرا و صغرا، روشن است؛ یعنی به طور کلی، واردکردن ضرر بر نفس، حرام است، نیز تردیدی نیست که در عقیم‌شدن دائمی، ضرر وجود دارد و بر انسان، چه زن و چه مرد، چنین عملی حرام است.

مجلس بیست و چهارم: افزایش و تنظیم جمعیت از منظر روایات ■ ۳۱۵

اما جواب پرسش دوم این است که چنانچه این امر حرام باشد، حکومت و دستگاه اجرایی کشور نمی‌تواند مردم را به آن تشویق نماید و چه بسا بتوان گفت اگر مردم عادی به جهت تشویق و ترغیب حکومت دست به چنین عملی بزنند، حکومت ضامن این نقص هم می‌باشد؛ زیرا سبب در این موارد، اقوا از مباشر است و حکومت اسلامی باید مردم را نسبت به این عمل حرام آگاه کند و آنها را به ترک آن تشویق نماید.

تکته چهارم: لزوم فرهنگ‌سازی نسبت به تکثیر نسل

لزوم فرهنگ‌سازی به امر تکثیر نسل، از نکاتی است که نمی‌توان امروزه این حکم را بدون هرگونه پیش‌زمینه‌ای در جامعه انتشار داد. اگر حاکم شرع و یا حکومت اسلامی بخواهد این امر را در جامعه ترویج کند، باید زمینه‌های مناسب، شرایط و امکانات لازم آن را نیز فراهم سازد. باید مسائل مربوط به درمان و نگهداری و مراقبت از پدر، مادر، اولاد و نیز کمک در هزینه‌های آنها را مورد توجه قرار دهد.

گفتنی است که برخی احکام اسلام با بعضی دیگر، کاملاً مرتبط و به‌هم‌تنیده‌اند. اگر در اسلام نسبت به تکثیر نسل ترغیب شده، چنین نیست که شارع به همین حکم بسنده کند و سایر امور مرتبط با آن را در نظر نگیرد. خداوند متعال لزوم اشتغال و فعال‌بودن انسان‌ها را بسیار مورد تأکید قرار داده است. از این رو، اسلام نسبت به: کسب حلال و تولید، اشتغال به کار تا لحظات آخر عمر و نیز لزوم تربیت اولاد و توجه به خانواده و کمک‌کردن به آنها و مراقبت از آنان، دستوراتی را صادر نموده؛ حتی یک سال پیش از تولد کودک، دستورات مختلفی را به پدر و مادر داده است. اموری را که موجب فقر می‌شود، ارائه کرده، انسان را به قناعت و عدم چشمداشت نسبت به اموال دیگران ترغیب نموده است. بنابراین، در اسلام فقط نسبت به تکثیر نسل سفارش نشده؛ بلکه جهات دیگر نیز در نظر گرفته شده است.

در همین راستا، حکومت اسلامی باید علاوه بر پدر و مادر، به سایر موارد نیز توجه نشان دهد. حکومت موظف به بیان و اجرای همه احکام اسلام، اعم از فقهی و اخلاقی است و باید دین را به صورت یک بسته کامل در زندگی انسان قرار دهد تا دانسته شود که هیچ‌کدام از احکام اسلام، بدون ملاک و مصلحت نیست.

موارد استثنا از حکم اولی

نتیجه این نکته آن است: مردان و زنانی که مریض هستند و احتمال قوی به سرایت مرض به فرزندان خود را می دهند، از قانون استحباب تکثیر نسل مستثنا هستند. به علاوه، مردانی که یقین دارند کودکان آنان پس از به دنیا آمدن در اثر گرسنگی یا امور دیگر تلف می شوند و از بین می روند، از این قانون مستثنا می باشند.

نکته پنجم: حرمت قوانین محروم کننده تولد یافتگان

هرگاه بعد از آنکه پذیرفتیم به دلیل وجود شرایط خاص باید جلوی تکثیر نسل را گرفت، فرزندی به دنیا آمد، باید توجه داشت از نظر شرعی و عقلی و عرفی نمی توان نسبت به فرزند متولد شده محدودیتی قایل شد. بنابراین، محروم کردن مثلاً فرزند چهارم به بعد از حق بیمه، ستمی روشن و بزرگ در حق اوست.

نکته ششم: استیلا (فرزند خواستن)، از جمله حقوق مرد

از دلایل متعدد در فقه اسلامی استفاده می شود که استیلا (فرزند خواستن)، یکی از حقوق مرد است. در این فرض، این جهت باید مورد توجه قرار گیرد که مرد تا اندازه ای می تواند از این حق استفاده کند که منجر به ضرر مهم و فاحش به زن نباشد؛ وگرنه حق مرد، منتفی می شود. بنابراین، می توانیم بگوییم روایاتی که استحباب تکثیر نسل را مطرح کرده اند، تمام آنها مقید به این مطلب هستند که به زن ضرر جسمی یا روحی قابل توجهی وارد نشود؛ اعم از اینکه استیلا را حق خاص مرد بدانیم یا اینکه از حقوق مشترک بین زوج و زوجه باشد.

مجلس بیست و پنجم

همسایه‌های آسمان

اخلاق و آداب آپارتمان‌نشینی

حجت‌الاسلام والمسلمین حمید وحیدی*

درآمد

عصر حاضر را می‌توان عصر بلندشدن ساختمان‌ها و کوتاه‌شدن دیوارهای همسایگی دانست؛ عصر نزدیک‌شدن مرزهای زندگی ظاهری و فاصله‌گرفتن از مرزهای هم‌زیستی و همدلی.

امروزه، دیگر چهاردیواری‌هایمان اختیاری نیست و دیوارهای خانه‌هایمان پُر از گوش شده‌اند. اینکه آپارتمان‌نشینی، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی امروز بشر شده یا هنوز می‌توان سازوکاری برای برگرداندن سبک مسکن‌سازی به شیوه قدیم و مطابق دستورات دینی، ارائه کرد و اینکه اصلاً زندگی آپارتمان‌نشینی با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی مطابقت دارد یا خیر، در این نوشته به دنبال آن نیستیم و در این باب، فقط به این مقدار بسنده می‌شود که

* دانش‌آموخته حوزه علمیه.

۳۱۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

طبق توصیه پیشوایان معصوم علیهم السلام هیچ کس نباید بدون رضایت همسایه اش خانه خود را به قدری بلند سازد که مسیر جریان هوا را بر آنان ببندد و آنها را از نور خورشید محروم سازد.^۱

مقصود نگارنده در این نوشتار، تنها اشاره به نکاتی است که شاید بتواند برای مخاطب‌های درد آشنا و مبلغان و مروجان دینی مفید باشد و در بهبود وضع معیشت و سازگارسازی سبک زندگی در آپارتمان با آنچه مورد رضای حق و صاحبان شریعت است، به کار آید. به نظر می‌رسد، بتوانیم با به‌کار بستن دستورات حکیمانه دین و پیشوایان دینی، خانه‌های کوچکمان را در این ساختمان‌های بزرگ، یک قدم به آسمان نزدیک‌تر کنیم و همسایه آسمان و آسمانیان شویم.

همسایه کیست؟

طبق تعریف روایات، تا فاصله چهل خانه در اطراف یک منزل، همسایه محسوب می‌شوند.^۲ البته در گذشته، این چهل خانه را معمولاً در چپ و راست و پیش و روی خانه محاسبه می‌کردند؛ ولی امروزه باید در محاسبه، بالا و پایین را نیز اضافه کنیم. بحث از این موضوع را که عدد چهل در اینجا به معنای عدد مشخصی است و یا دلالت بر کثرت دارد، به کارشناسان فقه‌الحديث وامی‌گذاریم؛ اما این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که در زندگی‌های امروزی، این دستور نسبت به چهار خانه هم درست رعایت نمی‌شود؛ چه رسد به چهل خانه، و گاهی به جای آنکه خیر و منفعت یک همسایه به اطرافیان برسد، چهل خانه یک مجتمع، از دست یک همسایه در عذاب‌اند و برخی همسایگان، بیشتر باعث سایش اعصاب هستند تا آسایش روان.

۱. زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسکن‌الغواد، ص ۱۰۵: «رسول الله صلی الله علیه و آله - فی حقوق الجار - : ... ولا تستطیل علیه بالبناء فتجذب عنه الريح إلا بإذنه؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره حقوق همسایه فرمود: ... خانه‌ات را بلندتر از خانه او نساز که جلوی جریان هوا را بر او بگیری؛ مگر آنکه خودش اجازه دهد.»

۲. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۲: «رسول الله صلی الله علیه و آله: أربعون داراً جاراً.» و «الإمام علی علیه السلام: حریم المسجد أربعون ذراعاً، والجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها.»

مجلس بیست و پنجم: همسایه‌های آسمان ■ ۳۱۹

این تعبیر را که «آن‌قدر به حفظ حقوق همسایه سفارش شده است که گویا همسایه از همسایه ارث می‌برد»^۱، خیلی شنیده‌ایم؛ اما شاید کمتر به گوشمان خورده باشد که در روایات، حرمت همسایه را مانند حرمت مادر دانسته‌اند.^۲ وقتی این دو موضوع را کنار هم قرار می‌دهیم، به نتایج جالبی می‌رسیم؛ چنان‌که پدر و مادر به تعبیر رسول خدا ﷺ «بهشت و جهنم» انسان محسوب می‌شوند^۳ و یا اینکه خداوند به شخصی که در حق پدر و مادر خویش نیکوکار است، می‌گوید: «هرکار می‌خواهی بکن که تو را می‌بخشم.» و در مقابل، به کسی که عاق والدین باشد، می‌گوید: «هرکار می‌خواهی بکن که تو را نمی‌بخشم.»^۴ نکته قابل تأمل اینکه در آیه ۳۶ سوره نساء نیز به نیکی به همسایگان، پدر و مادر و خویشان سفارش شده^۵ و خود این هم‌جواری در کلام الهی، شاهد گویایی بر اهمیت رعایت حقوق همسایگان است.

اهمیت انتخاب همسایه

هنگام انتخاب خانه یا خرید منزل، شناخت همسایه از منظر دین بسیار مهم است و اهمیت آن، حتی از خود خانه و محله و امکاناتش، بیشتر است. در روایات بارها بر این مهم تأکید شده که پیش از انتخاب خانه و بیش از حساسیت برای انتخاب محله، باید در انتخاب همسایه دقت و حساسیت به خرج داد.

۱. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۸۸: «عنه عليه السلام: ما زال جبرئيلُ عليه السلام يُوصيني بالجارِ حتى ظننتُ أنه سيورثه.»

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶: «عنه عليه السلام: حرمة الجارِ على الإنسانِ كحرمة أمه.»

۳. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۴۴۷: «رسول الله ﷺ - لما سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَى وَلَدِهِمَا - هُمَا جَنَّتُكَ وَنَارُكَ.»

۴. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۸۴: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَالُ لِلْعَاقِ أَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أَغْفِرُ لَكَ - وَ يَقُولُ لِلْبَارِ أَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَإِنِّي سَأَغْفِرُ لَكَ.»

۵. نساء، آیه ۳۶: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ؛ خدای را پرستید و هیچ چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین، نیکی کنید.»

۳۲۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که: «مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: می‌خواهم خانه‌ای بخرم. دستور می‌دهید کجا بخرم؟ در میان جهینه یا مزینه یا ثقیف و یا قریش؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: اول، همسایه و سپس خانه. اول، همسفر و سپس سفر.»^۱

به همان میزان که همسایه خوب، از نشانه‌های سعادت انسان در زندگی دنیاست، به تعبیر روایات، همسایه بد، باری سنگین بر دوش آدمی است که شانه‌های او را به لرزه درمی‌آورد. یکی از حکمت‌هایی که از حضرت لقمان حکیم نقل شده، این جمله است که فرموده: «من صخره‌های بزرگ و آهن، و هر بار سنگینی را به دوش کشیدم؛ اما باری سنگین‌تر از همسایه بد ندیدم.»^۲ به نظر می‌رسد، تلخی و دشواری تحمل همسایه‌های بد، حتی برای بزرگان ناگوار و ناخوشایند بوده؛ به گونه‌ای که در برخی روایات، همسایه بد، از جمله مصیبت‌های کمرشکن دانسته شده است.^۳

همسایه یا هم‌خانه

نباید یادمان برود که یکی از بارزترین جلوه‌های حُسن همسایگی، احوالپرسی از همسایه‌هاست. امروزه، نزدیک‌تر شدن خانه‌ها به یکدیگر در مجتمع‌های آپارتمانی، نه تنها اثری بر نزدیک‌تر شدن دل‌ها به یکدیگر نداشته، بلکه ظاهراً باعث دورتر شدن افراد از هم شده است و باید گفت: «از دل برود هر آن‌که همسایه شود!»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «از نشانه‌های حُسن همسایگی، جویاشدن از احوال همسایه است.»^۴ بنابراین، بد نیست چندی یک بار، از همسایه‌هایی که در واقع «هم‌خانه»‌های ما

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲۴: «الإمامُ عليُّ عليه السلام: جاء رجلٌ إلى رسولِ الله صلی الله علیه و آله، فقال: يا رسولَ الله! إنني أردتُ شراءَ دارٍ، أين تأمرني أشتري؟ في جُهينة أم في مُزينة أم في ثَقِيف أم في قُرَيْش؟ فقال له رسولُ الله صلی الله علیه و آله: الجوارُ ثم الدارُ، والرفيقُ ثم السَّفَرُ.» همچنین از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که: «سَلُّ عنِ الجارِ قبلَ الدارِ؛ پیش از خریدن خانه، بین همسایه‌ها کیستند.»

۲. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۶۶۹: «لَقَمَانُ عليه السلام: حَمَلْتُ الْجَنْدَلَ وَالْحَدِيدَ وَكُلَّ حِمْلٍ ثَقِيلٍ، فَلَمْ أَحْمِلْ شَيْئًا أَثْقَلَ مِن جَارِ السَّوءِ.»

۳. شیخ صدوق، *الخصال*، ج ۱، ص ۲۰۶: «رسولُ الله صلی الله علیه و آله: يا عليُّ! أربعةٌ مِن قَوَاصِمِ الظُّهْرِ: ... وجارُ سَوْءٍ فِي دارِ مُقامٍ؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! چهار چیز کمرشکن است: ... و همسایه بد ماندگار [در کنار تو].»

۴. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۴، ص ۲۳۱: «الإمامُ عليُّ عليه السلام: مِن حُسْنِ الْجَوَارِ تَفَقُّدُ الْجَارِ.»

مجلس بیست و پنجم: همسایه‌های آسمان ■ ۳۲۱

هستند، احوالی پرسیم و اگر نیازی دارند و مشکلی برایشان پیش آمده، کمکشان کنیم و اگر کاری هم از دستان بر نمی‌آید، دست‌کم با همدلی، آرامشان کنیم.

بارها دیده و شنیده شده است که در دل ساختمان‌های بلند آکنده از انسان‌های درگیر زندگی که به «آسمان‌خراش» معروف شده‌اند و علاوه بر خراشیدن آسمان، مشغول خراشیدن روح انسانی آدم‌ها هستند، همسایه‌ای مشکلی جدی داشته، ولی کسانی که در آن ساختمان و حتی همان طبقه زندگی می‌کرده‌اند، هرگز از بحران جاری زندگی او خبری نگرفته‌اند.

این اتفاقات شاید در جوامع غربی که با فرهنگ اصیل اسلامی آشنا نیستند، دور از انتظار نباشد؛ اما بروز آن میان ما مسلمانان، جای بسی شگفتی و تأسف است؛ چه اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «به من ایمان نیاورده، آن که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است، آن که شب پوشیده بخوابد و همسایه‌اش برهنه باشد.»^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله مصادیق دیگری را نیز برای این امر ضروری بیان کرده و فرموده‌اند: «[از حقوق همسایه‌ات این است که] اگر از تو کمک خواست، کمکش کنی. اگر از تو قرض خواست، به او قرض دهی. اگر نیازمند شد، نیازش را برطرف سازی. اگر مصیبتی دید، او را دلداری دهی. اگر خیر و خوبی به او رسید، به وی تبریک گویی و اگر بیمار شد، به عیادتش روی.»^۲

از دیگر نمودهای روشن روحیه همزیستی و به فکر هم بودن، کمک به همسایگان و برآورده کردن نیازهای کوچک و بزرگ آنهاست؛ آنچه در قرآن و روایات، از آن به نام «ماعون» یاد شده است.

۱. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، *عوالی التالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، ج ۱، ص ۲۶۹: «رسولُ

الله صلی الله علیه و آله: ما آمَنَ بی مَنْ باتِ شَبَعانَ و جَارُهُ طَاوِیا، ما آمَنَ بی مَنْ باتِ کاسِیا و جَارُهُ عَارِیا.»

۲. زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *مَسکَنُ الْفَوَادِ*، ص ۱۰۵: «رسولُ الله صلی الله علیه و آله — فی حُقوقِ الجارِ —: إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَغَثْتَهُ، وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ، وَإِنْ افْتَقَرَ عُدْتَ عَلَيْهِ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَّيْتَهُ، وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَّاتَهُ، وَإِنْ مَرِضَ عُدْتَهُ.»

۳۲۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

خداوند متعال به کسانی که از ارائه کمک به همسایگان خود سرباز می‌زنند وعده عذاب می‌دهد^۱ و در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «هرکس کالا و کمکی از همسایه خود دریغ دارد، خداوند در روز رستاخیز، خیر خود را از او دریغ دارد و او را به خودش واگذارد و چه بد وضعی دارد کسی که خداوند او را به حال خودش واگذارد!»^۲ متأسفانه، در این زمانه، طاعونِ منع ماعون و بخل‌ورزیدن از کمک به همسایگان در نیازهای جزئی، تحت تأثیر فرهنگ بی‌رحم غربی، در جامعه روزه‌روز بیشتر گسترش می‌یابد.

احوالپرسی نه تجسس!

ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که باید بین جویای احوال‌شدن و تجسس و فضولی کردن و در پی کشف عیوب بودن، فرق گذاشت. بسیار دیده می‌شود که برخی همسایگان به جای اینکه به فکر دیگران و نگران احوال همسایگان باشند، به شیوه‌های مختلف در صدد کشف عیب و مچ‌گیری هستند و به فضولی‌های آزاردهنده می‌پردازند. برای این عده از کارآگاهان همیشه گوش‌به‌زنگ که مانند پایگاه‌های خبرگزاری رفتار می‌کنند و نه با قصد اصلاح که با قصد تخریب و یا صرفاً از سر کنجکاوی، خبرها را می‌برند و گزارش‌ها را می‌آورند، باید این حدیث تکان‌دهنده را خواند؛ رسول خدا ﷺ فرموده: «ای جماعتی که به زبان، اسلام آورده و به دل، اسلام نیاورده‌اید! به دنبال لغزش‌های مسلمانان نباشید؛ که هر کس لغزش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند لغزش او را پی‌می‌گیرد و هرکس که خدا او را عیب‌جویی کند، رسوایش می‌سازد.»^۳

۱. ماعون، آیه ۴ - ۷: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ؛ پس وای به حال نمازگزاران! آنان که از نمازشان غافل و به آن بی‌اعتنایند. آنان که ریاکاری می‌کنند و اسباب و وسایل مورد نیاز را دریغ می‌دارند.»

۲. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴: «رسول الله ﷺ: مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ وَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ فَمَا أَسْوَأَ حَالَهُ.»

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵: «عن النبی ﷺ یا معشرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ، لَا تَتَّبِعُوا عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِينَ. فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثَرَتَهُ، وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثَرَتَهُ يَفْضَحْهُ.»

چهاردیواری، نیمه‌اختیاری

سفارش به رعایت حقوق مردم و در نظر گرفتن حریم‌ها و حرمت‌ها، همیشه مورد توجه دین و دین‌مداران بوده است. در زندگی مشترک در یک ساختمان، مصادیق بسیاری از حق الناس پیش می‌آید که باید توسط ساکنان رعایت شود. این مسئله، در بسیاری از موارد، یک باید «فقهی» و «حقوقی» است و در برخی موارد «اخلاقی» است؛ به عنوان نمونه، نباید فراموش کرد که طبق ضوابط فقهی و حقوقی، «ملکیت مشاع» با «ملکیت طلق» تفاوت‌های اساسی دارد و عدم رعایت آن، علاوه بر اینکه معصیت است، باعث ضمان و وجوب پرداخت خسارت می‌گردد.

متأسفانه، از مفهوم مالکیت مشترک، برداشت درستی در بسیاری از مجتمع‌های مسکونی وجود ندارد و این مسئله، باعث می‌شود که هم معصیت رخ دهد و هم ضمان پیش آید. راهروها، آسانسور، تأسیسات ساختمانی، پشت بام، راه‌پله‌ها و محوطه یک مجتمع مسکونی، جزء مشاعات آن به شمار می‌آیند و این، به معنای آن است که هرگونه تصرف مالکانه در این بخش‌ها، باید با رضایت همه مالکان باشد؛ اما در بسیاری از موارد، دیده می‌شود که ساکنان با تصور اینکه هریک مالک بخشی از این فضاها هستند، در آن آزادانه هرچه دل‌تنگشان می‌خواهد، انجام می‌دهند؛ برای مثال، اینکه برخی افراد آسانسور را با وانت حمل‌ااث، و پارکینگ را با تعویض روغنی و یا کارواش اشتباه می‌گیرند و یا راهروها را به منزله حیاط خلوت خانه‌شان می‌پندارند، باعث نارضایتی سایر ساکنان و مالکان می‌شود.

طبق قوانین موجود در مورد ساختمان‌های مشترک، حتی تغییر نمای ساختمان در مورد واحدی که شخصی مالکیت آن را در اختیار دارد، ممنوع است.

اینجاست که باید گفت کسی که به زندگی در آپارتمان تن داده، در واقع باید قانون قدیمی «چهاردیواری، اختیاری» را با قانون «چهاردیواری، غیراختیاری» و یا دست‌کم «نیمه‌اختیاری» جایگزین کند و تمام توان خود را در رعایت حق الناس به کار بندد؛ حتی که خداوند آن را

۳۲۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

بر حق خودش مقدم داشته است؛^۱ حقی که حتی با ریخته شدن خون انسان در راه خدا نیز از گردن آدمی برداشته نمی شود.^۲

مرنج و مرنجان

آزار نرساندن به همسایگان، به محیط های آپارتمانی اختصاص ندارد و همیشه و همه جا و نسبت به همه، مورد تأکید پیشوایان دینی بوده است؛ چنان که رسول خدا ﷺ دستور دادند: سه مرتبه این جمله را در مسجد با صدای بلند اعلام کنند: «هر آن که همسایه اش از شر او ایمن نباشد، ایمان ندارد».^۳ اما باید توجه داشت که آزار و اذیت همسایگان در آپارتمان ها، تعریف جدیدی پیدا می کند؛ چرا که در این کندهای انسانی، علاوه بر تمام نکاتی که همه

۱. علی بن محمد لیشی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۲۳: «الإمامُ علیُّ علیه السلام: جعلَ الله سبحانه حُقوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ، فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ؛ امام علی علیه السلام فرمود: خداوند سبحان حقوق مردم را بر حقوق خود مقدم گردانید. پس هر که حقوق بندگان خدا را رعایت کند، این کار به رعایت کردن حقوق خدا می انجامد.»

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۴: «الإمامُ الباقرُ علیه السلام: كُلُّ ذَنْبٍ يُكْفَرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الدِّينَ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا أَدَاؤُهُ، أَوْ يَقْضَى صَاحِبُهُ، أَوْ يَعْفُو الَّذِي لَهُ الْحَقُّ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: کشته شدن در راه خدا، هر گناهی را جز قرض پاک می کند؛ زیرا قرض، جز با ادا شدن پاک نشود؛ باید بدهکار، وام خود را بپردازد و یا طلبکار، از حق خود بگذرد.»

۳. حسین بن سعید کوفی اهوازی، الزهد، ص ۴۲: «عن الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ رسولَ الله ﷺ أتاه رجلٌ من الأنصارِ فقال: إني اشتريتُ داراً من بني فلانٍ، وإنَّ أقربَ جيرانِي مِنِّي جواراً من لا أرجو خيره ولا آمنُ شره. قال: فأمرَ رسولُ الله ﷺ عليّاً وسلمانَ وأباذرّاً - و نسيتُ آخرَ وأظنُّه المقدادَ - أن ينادُوا في المسجدِ بأعلى أصواتهم بأنَّه لا إيمانَ لمن لم يَأْمَنْ جاره بوائِقَه، فنادوا بها ثلاثاً؛ از امام صادق علیه السلام روایت است که: مردی از انصار خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد: من از فلان طایفه خانه ای خریده ام و نزدیک ترین همسایه ام کسی است که امیدی به خیر او ندارم و از شرش در امان نیستم. پس، پیامبر ﷺ به علی و سلمان و ابوذر - و یکی دیگر که نامش را فراموش کرده ام و فکر می کنم مقداد باشد - دستور داد با صدایی بلند در مسجد اعلام کنند: هر آن که همسایه اش از شر او ایمن نباشد، ایمان ندارد، و آنان سه بار این پیام را اعلام کردند.»

مجلس بیست و پنجم: همسایه‌های آسمان ■ ۳۲۵

همسایگان باید رعایت کنند، نکات دیگری نیز هست که رعایت نکردنشان باعث رنجش خاطر دیگر ساکنان می‌شود.

در خانه‌های آپارتمانی، رعایت سکوت و پرهیز از ایجاد آلودگی صوتی، به‌ویژه در ساعت استراحت همسایگان، محدودیت‌هایی به دنبال دارد؛ محدودیتی که لازمه‌اش این است چشمتان به ساعت باشد و گوشتان به میزان صدای تلویزیون، و حواستان باشد که اگر فرزند دلبندتان بهانه‌ای گرفت و درخواستی داشت، تا پیش از آنکه کار به جیغ‌های آزاردهنده و گریه‌های همسایه‌بیدارکن برسد، بحران را مدیریت کنید و با برگزاری مذاکرات مسالمت‌آمیز ماجرا را ختم به خیر نمایید.

متأسفانه، برای بیان این توقع که پیمانکاران و معماران در عایق‌بندی خانه‌ها قدری وجدان کاری به خرج دهند و آرامش بیشتری را برای ساکنان ساختمان‌ها به ارمغان آورند، هم قدری دیر شده است و هم قدری از اثربخشی این قبیل توصیه‌ها ناامیدیم. بنابراین، به جای پیشنهاد بالا بردن ضخامت دیوارها، پیشنهاد می‌شود صدایتان را کمی پایین بیاورید.

همچنین در کنترل بوهایی که از پخت‌وپز ناشی می‌شود، باید دقت لازم را داشت و سعی کرد که اگر غذای خوش‌رایحه‌ای طبخ می‌شود، همسایه‌ها را هم از آن بهره‌مند ساخت و یا اگر این کار مقدور نیست، دست‌کم مشامی را آزار نداد و دلی را آب نکرد.

رسول خدا ﷺ در سفارشی حکیمانه فرموده‌اند: «همسایه‌ات را با دود و بوی دیگ خانه‌ات ناراحت مکن؛ مگر اینکه مقداری از غذای آن را برای او بفرستی.»^۱

تأخیر در پرداخت حقوق مشترک نیز از موارد تأسف‌برانگیزی است که هم‌گویای بی‌مبالاتی شخص است و هم باعث آزار همسایگان. از نظر فقهی، اگر تأخیر در پرداخت سهم استفاده از امکانات عمومی در یک مجتمع، بدون رضایت سایر ساکنان باشد، افزون بر حرمت در برخی موارد، باعث بطلان عبادت‌های این اشخاص می‌شود. بایستگی این مهم در مجموعه‌هایی که انشعاب آب و برق مشترک دارند، بیشتر به چشم می‌آید و زشتی کوتاهی در پرداخت حقوق مشترک را بیشتر نمایان می‌سازد.

۱. زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسکن الفوائد، ص ۱۰۵: «رسول الله ﷺ - فی حقوق الجار - : ولا تؤذ به بریح قدرک إلا أن تعرف له منها.»

با توجه به آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان گفت در سبک زندگی اسلامی، اذیت نکردن همسایگان به همراه تحمل آزار و صبر در برابر بی‌توجهی‌های آنها، مساوی است با ایمان. این معادله را می‌توان از پیوست دو کلام نورانی فهمید؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده: «با همسایه‌ات نیکو همسایه‌داری کن، تا مؤمن باشی.»^۱ و امام کاظم علیه‌السلام فرموده: «حُسن همسایگی، این نیست که آزار نرسانی؛ بلکه حُسن همسایگی، این است که در برابر آزار و اذیت همسایه شکبیا باشی.»^۲

بنابراین، اگر یک شب همسایه‌تان میهمانی داشت و تا دیروقت سروصدایشان شما را بی‌خواب کرد و یا نیمه‌شب با صدای گریه نوزاد تازه به دنیا آمده یکی از ساکنان، از خواب بیدار شدید و یا اگر یک روز بوی سوختن غذای همسایه شما را کلافه کرد، چشمانتان را ببندید و با نیت نزدیک شدن به خداوند متعال، بر این سختی‌ها صبر کنید تا نامتان در شمار همسایگان نیکوکار ثبت شود.

در برخی روایات، اشاره شده یکی از بلاهایی که مؤمن در دنیا به آن دچار می‌شود، همسایه‌ای است که او را اذیت می‌کند.^۳ شاید با این نگاه امیدوارانه که لابد خداوند متعال مرا مؤمن محسوب کرده است که به این بلا گرفتار شده‌ام، راحت‌تر بتوان تلخی اذیت‌های همسایگان را تحمل کرد.

نگاهی و گناهی

رعایت تقوای چشم و خودداری از نگاه‌های حرام، به‌ویژه در ساختمان‌هایی که بر خانه‌های مردم اشراف دارند، از دیگر بایسته‌های شرعی و اخلاقی سکونت در مجتمع‌های آپارتمانی است. در این مجموعه‌ها، با توجه به نزدیکی خانه‌ها و اشراف پنجره‌ها بر منازل اطراف،

۱. شیخ مفید، *الأمالی*، ص ۳۵۰: «رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: أحسنُ مُجاوَرَةً مَنْ جاورَكَ، تَكُنْ مُؤْمِنًا.»

۲. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۴۰۹: «الإمامُ الكاظمُ علیه‌السلام: ليسَ حُسنُ الجِوارِ كَفِّ الأذى، ولكنَّ حُسنَ الجِوارِ الصَّبْرُ على الأذى.»

۳. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، ج ۲، ص ۳۳: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَلَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ؛ از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده: تا روز قیامت مؤمنی نبوده و نخواهد بود؛ جز آنکه همسایه و همدمی دارد که پیوسته او را می‌آزارد.»

مجلس بیست و پنجم: همسایه‌های آسمان ■ ۳۲۷

زمینه برخی وسوسه‌های شیطانی و حرام برای نفس فراهم می‌شود و گاهی باعث نگاهی و گناهی می‌گردد؛ نگاه کوتاه و بی‌ارزشی که به جهت شهوتی زودگذر، انسان را به غصه و اندوهی طولانی دچار می‌سازد.^۱

رعایت حریم‌ها و ضوابط شرعی در ارتباط با نامحرم در محیط‌های بسته‌ای مانند خانه‌های آپارتمانی، از ضرورت‌های دیگری است که کم‌توجهی به آن، عواقب جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. باید دانست که نامحرم، نامحرم است؛ هرچند دختر همسایه دیواربه‌دیوار باشد و حفظ حجاب و عفاف در پوشش و گفتار و رفتار، در مقابل همه نامحرمان لازم است؛ حتی اگر طرف مقابل، پسر همسایه روبه‌رویی باشد.

به امید آنکه با به‌کار بستن دستورات شرع مقدس در زندگی شخصی و اجتماعی خود، نمونه‌ای از رفتارهای اسلامی و انسانی را در ارتباط با همسایگان به نمایش بگذاریم. بدیهی است که حُسن همسایه‌داری، به فرموده اهل بیت علیهم‌السلام موجب زیاد شدن رزق و روزی^۲ و آبادی شهرها و طولانی شدن عمرها می‌شود.^۳

۱. شیخ طوسی، *الأمالی*، ص ۵۳۳: «عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: رَبُّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزناً طَوِيلاً؛ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بسا لذتی که دمی پیاپید؛ اما اندوهی دراز بر جای گذارد.»

۲. محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، *الوافی*، ج ۵، ص ۵۱۵: «عن الصادق علیه‌السلام: حُسنُ الْجَوَارِ یَزِيدُ فی الرِّزْقِ.»

۳. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۱، ص ۴۴۹: «عن الصادق علیه‌السلام: حُسنُ الْجَوَارِ یُعَمِّرُ الدِّیَارَ، وَیَزِيدُ فی الْأَعْمَارِ.»

مجلس بیست و ششم

اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرسول آهنگران*

مقدمه

دانش اقتصاد، همزاد انسان است و پیشینه آن به آفرینش آدمی بازمی گردد. افزون بر این، مطالب ارزنده و رهنمودهای راهگشایی در زمینه اقتصاد در ادیان گوناگون ارائه شده که کامل ترین آنها را در دین مبین اسلام می بینیم. این مکتب انسان ساز که تمامی شئونات زندگی را مورد توجه قرار داده، دستورعمل های متعدد اقتصادی را از زبان آیات و روایات بیان نموده و راه روشنی را فراسوی جامعه اسلامی گشوده است؛ البته اقتصاد به عنوان یک علم رسمی، با انتشار کتاب *جدول اقتصادی* اثر دکتر فرانسوا کنه^۱ در سال ۱۷۸۵م تولد یافت؛ این کتاب، اگرچه اولین اثری است که در آن گردش ثروت به صورت تحلیلی و نظام مند تبیین شده و در عصر خود به عنوان سومین اختراع بزرگ بشر پس از پیدایش خط

* دانشیار دانشگاه تهران و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

1. Francois Quesnay.

۳۳۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

و پول ثبت گردید، ولی رسمیت این علم، مدیون انتشار کتاب ثروت ملل اثر آدام اسمیت^۱ در سال ۱۷۷۶م می‌باشد.

علم اقتصاد، با تلاش اقتصاددانانی مانند: لئون والراس^۲، آگوستین کورنو^۳، دیویی^۴ در فرانسه، کارل منگر^۵، فردریک فون وایزر^۶، بوهم باورک^۷ در اتریش، وان ثونن^۸ و هرمان هاینریش گوسن^۹ در آلمان، ویلیام جونز^{۱۰} و بعد شومپتر^{۱۱}، فون میزس^{۱۲} و آگوست فون هایک^{۱۳} به کمال خود رسید. با تلاش‌های فراوان صورت گرفته، علم اقتصاد مانند علوم می‌همچون فیزیک، کاملاً قانونمند و پیش‌بینی‌پذیر معرفی گردید.

رکن اصلی و پایه اساسی این علم، نفع شخصی است و تمام نظریات و تحلیل‌ها، بر این اصل استوار است که انسان موجودی خودخواه بوده و تنها به نفع شخصی مادی خود می‌اندیشد؛ اگر مصرف‌کننده است، به دنبال افزایش مطلوبیت مادی خود بوده و اگر در جایگاه تولیدکننده قرار دارد، می‌خواهد سود خود را به بالاترین سطح برساند. برای اینکه به مباحث ارزشی مربوط به فایده اجتماعی و عدالت خاتمه دهند، اظهار داشتند که حرکت انسان در راستای ارضای نفع شخصی، در نهایت به فایده اجتماعی و عدالت منجر خواهد شد.

-
1. Adam Smith.
 2. Leon Walras.
 3. Augustin Cournot.
 4. Dewey.
 5. Carl Menger.
 6. Friedrich von Wieser.
 7. Bohm Bawerk.
 8. Von Thunen.
 9. Hermann Heinrich Gossen.
 10. William Jones.
 11. Schumpeter.
 12. Von Mises.
 13. August von Hayek.

مجلس بیست و ششم: اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها ■ ۳۳۱

واقعیت این است که اقتصاد غرب، نتوانست فایده اجتماعی و عدالت را برای بشر به ارمغان آورد و شاهد آن، این است که امروزه در پیشرفته‌ترین کشور دنیا، یعنی آمریکا، حداکثر منابع مالی، در اختیار حداقل افراد قرار دارد؛ افزون بر این، از عهده پیش‌بینی بسیاری از وقایع، بحران‌ها و ارائه راه برون‌رفت از آنها نیز برنیامده است. بحران‌های مختلفی که اقتصاد سرمایه‌داری با آن روبه‌رو گشت، از سال ۱۸۲۵م در انگلستان آغاز گردید و به طور متناوب، بین ۸ تا ۱۲ سال به وقوع می‌پیوندد. امروزه نیز اقتصاد جهانی با بحران روبه‌روست که مبدأ آن، از سال ۲۰۰۷م از بانک‌های مسکن آمریکاست.

ضرورت و مفهوم اقتصاد مقاومتی

با توجه به ناسازگاری مبانی اقتصاد غرب با مبادی و اصولی که دین مقدس اسلام بر آن بنا گذاشته شده و لزوم طراحی و اجرای اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی از یک سو، و از سوی دیگر نظر به بحران‌هایی که اقتصاد جهانی را به مخاطره کشانده و به‌خصوص شرایط سختی نظیر تحریم که کشور ایران اسلامی را تهدید می‌کند، ضرورت تدوین طرحی متفاوت در حوزه اقتصاد با آنچه که واردات غربی را در این زمینه تشکیل می‌دهد، به اثبات می‌رسد.

اقتصاد مقاومتی، به معنای آن است که در کوتاه‌مدت می‌بایست کانون‌های فشار و تحریم شناسایی شود و متعاقب آن تلاش گردد با آن مقابله صحیح و مؤثر صورت گیرد. در بلندمدت باید تهدیدات را به فرصت‌ها تبدیل کرد که این امر، با مشارکت عمومی و مدیریت مدبرانه امکان‌پذیر خواهد بود. بدین ترتیب، با تأکید بر مزیت‌های تولید داخل، کاهش وابستگی و خوداتکایی به‌دست می‌آید.

اقتصاد مقاومتی که بحثی کاملاً راهبردی است، برای همه کشورهایی که دارای اهداف متعالی و دارای روحیه استقلال‌طلبی هستند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، به‌خصوص برای ایران اسلامی که اولاً در اندیشه رسیدن به جایگاه اول در منطقه است؛ ثانیاً به عنوان امید مستضعفان جهان، پرچم رهبری مبارزه با استکبار جهانی را برافراشته است.

توجه به این نکته لازم است که اگر تمامی متون و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا مورد مطالعه قرار گیرد، نظریه یا تجربه‌ای منسجم و طراحی‌شده درباره اقتصاد مقاومتی یافت

نمی‌شود؛ به عنوان نمونه، در کتاب‌های اقتصاد، هیچ پیشینه‌ای از تحریم بانک مرکزی وجود ندارد حتی اگر تحقیقاتی در این باره صورت گرفته باشد، در اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده قرار دارد و امکان دستیابی به آن برای محققان وجود ندارد، در نتیجه، اقتصاددانان انقلاب اسلامی نمی‌توانند از نظریاتی مکتوب و کلاسیک در این زمینه بهره‌گیری نمایند؛ بلکه در این جهت، ضرورت دارد که با استفاده از جنبش نرم‌افزاری و با الگوی اسلامی - ایرانی در فکر در انداختن طرحی نو باشند.

از این رو، مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده، تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد. همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های روبه‌افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند.^۱

از کشورهایی که می‌توان از تجربیاتشان در زمینه اقتصاد مقاومتی بهره جست، کشور ژاپن است. این کشور با وجود دو قرن و نیم انزوا، فقر طبیعی و پس از جنگ دوم جهانی و نابودی بخش عظیمی از تأسیسات صنعتی و زیربنایی که به میزان ۱/۳ کل ثروت‌های ملی این کشور برآورد گردیده، توانست با به‌کارگیری تمام نیروهای خویش در مسیر توسعه اقتصادی و دستیابی به فناوری جدید، تئوری «شکست نظامی - سیاسی در جنگ، پیروزی اقتصادی - فناوری در صلح» را عملی سازد و عاقبت پس از چهل سال (۱۹۴۵ - ۱۹۸۵م) قادر به تحقق این اندیشه گردید؛ به طوری که امروزه با بزرگ‌ترین اقتصاد سرمایه‌داری جهان، دارای مبادلات تجاری با الگوی استعماری است؛ بدین معنا که کالای ساخته‌شده خود را به آمریکا صادر می‌کند و در عوض، از آن کشور مواد خام نظیر نفت و علوفه و سویا وارد می‌نماید.^۲

۱. ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام،

۱۳۹۲/۱۱/۲۹.

۲. محمد نقی‌زاده، *ژاپن و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن*، ص ۱ - ۲۰.

معیارها

معیارها و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، عبارت‌اند از:

۱. مشروعیت

اولین معیار اقتصاد مقاومتی، این است که تمام فعالیت‌های اقتصادی باید از مشروعیت کامل برخوردار بوده و منطبق بر موازین اسلامی باشد.

در قرآن کریم در موارد فراوانی، از احکام شرعی به عنوان «مرز» یاد شده و از آنها به «حدود» تعبیر شده است.^۱ این بدان معناست که از نگاه شریعت اسلام، انسان در تمامی کارهای خود که شامل فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌گردد، باید در مرز و چارچوبی که خداوند متعال قرار داده، حرکت کند و از آن تجاوز ننماید. اموال باید بر اساس اسباب مشروع تحصیل شود و در محدوده‌ای که شارع مقدس اجازه داده، هزینه گردد.

بر این مطلب، آیات متعددی از قرآن کریم دلالت دارد؛ برای نمونه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه‌های نامشروع] نخورید.

از امام صادق علیه السلام سؤال گردید که راه‌های معیشت چند تاست؟ حضرت در پاسخ ضمن تقسیم همه فعالیت‌های اقتصادی در چهار بخش: ۱. کارمندی؛ ۲. تجارت و هر نوع خرید و فروش؛ ۳. کارهای صنعتی؛ ۴. انواع اجاره‌ها، اظهار نمودند که در تمامی فعالیت اقتصادی، مرز حرام از حلال مشخص شده و باید جانب شرع را در همه موارد رعایت کرد.^۳

به منظور مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، لازم است آموزش احکام اقتصادی اسلام در تمام بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی، به صورت همگانی پیاده شود و آحاد مردم از وظایف شرعی خود در مورد مسائل اقتصادی، آگاهی کسب نمایند. گویند که امیر

۱. بقره، آیه ۱۷۸، ۲۲۹ و ۲۳۰؛ نساء، آیه ۱۳ و ۱۴؛ توبه، آیه ۹۷ و ۱۱۲؛ مجادله، آیه ۴؛ طلاق، آیه ۱.

۲. نساء، آیه ۲۹.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۴۸.

۳۳۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مؤمنان عليه السلام فرمود: «الْفَقَهُ ثُمَّ الْمَتَجَرِّ»؛^۱ یعنی اول، آگاهی از مسائل فقهی و آن‌گاه، تجارت و فعالیت اقتصادی.

با رعایت جانب دستورات شرعی، یاری خدای متعال مصداق پیدا می‌کند. اگر کسی او را یاری کند، طبق وعده حتمی الهی، خداوند نیز به یاریش خواهد شتافت: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛^۲ اگر [آیین] خدا را یاری کنید، [خداوند] شما را یاری می‌کند. و اگر ملتی مورد یاری او قرار گیرد، شکست‌ناپذیر خواهد بود: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»؛^۳ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد کرد.

۲. توزیع عادلانه منابع مالی

دیدگاه کلاسیک در علم اقتصاد، مبنی بر وجود دست نامرئی است و اینکه اگر فعالیت‌های اقتصادی در جامعه به حال خود رها شوند و دولت مداخله‌ای ننماید، عدالت اقتصادی محقق خواهد شد، نیز دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک بدبین، مانند دیوید ریکاردو و رابرت مالتوس، مبنی بر وخیم‌شدن اوضاع اقتصادی با افزایش جمعیت است؛ اما اسلام برخلاف نظر اینان، از یک طرف اظهار می‌دارد که خدای متعال روزی همه موجودات را تضمین کرده و محرومیتی در بین نیست: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛^۴ هیچ جنبه‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. از طرف دیگر، بنا بر روایات متعدد، محرومیت فقرا، از تعدی و گناه اغنیا ناشی می‌شود.^۵ و این گناه، از چپاول، غارت و تضييع حق شروع می‌گردد و تا نپرداختن تکالیف مالی و مالیات‌های شرعی مانند: زکات، کفارات و یا خمس، ادامه پیدا می‌کند.

ازاین‌رو، یکی از وظایفی که حکومت اسلامی بر عهده دارد، عبارت است از برقراری عدالت و ارتقای معیارهای آن؛ چنان‌که در قرآن کریم برقراری عدالت، یکی از فلسفه‌های

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۲. محمد، آیه ۷.

۳. آل عمران، آیه ۱۶۰.

۴. هود، آیه ۶.

۵. محمدرضا حکیمی، الحیة، ج ۳، ص ۲۹.

مجلس بیست و ششم: اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها ■ ۳۳۵

فرستادن پیامبران معرفی شده است^۱ و مسلماً چنین حکومت و نظامی، از سرمایه بسیار باارزش پشتوانه مردمی برخوردار خواهد بود.

۳. پشتوانه مردمی

تأیید و همراهی مردم، اگرچه شرط اعتبار حکومت نیست، ولی اقتدار حاکمیت بدان وابسته است. امیر مؤمنان علیه السلام از حضور مردم به عنوان ناصر و کمک کار تعبیر می نماید و می فرماید: اگر حضور مردمی و کمک آنها نبود، عنان حکومت را به دست نمی گرفتیم: «لَوْ لَمْ يَحْضُرِ الْحَاضِرُ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بَوُجُودِ النَّاصِرِ ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»^۲ اگر حضور حاضران (مردم) و قائم شدن حجت به اینکه کمک کار وجود دارد، نبود... ریسمان حکومت را [مانند ریسمان شتر] بر پشت آن قرار می دادم.

حاکم اسلامی زمانی می تواند به اهداف بلند خود دست پیدا کند که از پشتوانه کافی مردمی برخوردار باشد. با وجود پشتوانه مردمی، هیچ دشمن و عامل خارجی نمی تواند کاری از پیش ببرد. اقتصاد مقاومتی، اگرچه از یک طرف به تدبیر مدیران وابسته است، ولی از طرف دیگر، نیازمند عزم ملی و خواست همگانی است. بنابراین، یکی از بارزترین نشانه های این برنامه، عبارت است از مشارکت عمومی و تکیه بر پشتوانه مردمی.

۴. ایمان و استقامت

ایمان و استقامت، از نشانه های مردم و حکومتی است که در جهت اقتصاد مقاومتی گام برمی دارند؛ چراکه اولاً دنیا و مظاهر آن، فریبنده است؛ چنان که امیر مؤمنان علیه السلام بارها در سخنان حکیمانه خود، دنیا را به صفت خداع، مکار و عذاب معرفی کرده^۳، تنها کسی فریب آن را نمی خورد که به امور معنوی باور داشته باشد و در پابندی به این باور، استقامت بورزد. همچنین، دشمنان دین و عدالت، در مقابل کسانی که ندای حق را سر می دهند و به ستیز با ظالمان برخاسته اند، ایجاد مانع خواهند کرد و در این امر، از هیچ تلاشی کوتاهی

۳. حدید، آیه ۲۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه سوم (شقشقیه).

۳. همان، خطبه ۲۳۰.

۳۳۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

نخواهند نمود. از این رو، پیروزی بر دشمن لجوج نیازمند ایمان قوی و استقامت و پایداری است که در این صورت، قطعاً خوفی برای اهل حق نخواهد بود^۱ و ملائکه الهی به کمک آنان خواهند آمد^۲ و در نتیجه، پیروز میدان خواهند بود.

۵. همت عالی

مشخصه دیگر اقتصاد مقاومتی، وجود همت عالی مردم است. هر شخص و ملتی، به میزان همت خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام خط‌کش اندازه‌گیری انسان را همت او می‌داند و می‌فرماید: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ»^۳ ارزش آدمی، به اندازه‌ی همت اوست. با وجود همت عالی می‌توان از سخت‌ترین شرایط، پیروزمندانه عبور کرد و پرقدرت‌ترین دشمنان را به زانو درآورد؛ چنان‌که در مثل معروف در زبان عربی آمده: «هِمَمُ الرِّجَالِ تَقْلَعُ الْجِبَالَ»^۴ همت اشخاص، کوه‌ها را از جا می‌کند. و یا در مثلی دیگر، در زبان فارسی گفته‌اند: «خواستن، توانستن است».

راهکارها

در ادامه، راهکارهایی چند به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌گردد:

۱. مدیریت مدبرانه

عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی، در گام نخست نیازمند آن است که مسئولان بخش‌های مختلف اقتصادی، از تخصص و تدبیر کافی برخوردار باشند؛ چنان‌که در قرآن کریم ملاحظه می‌گردد که جناب یوسف پیامبر علیه السلام وقتی آمادگی خود را برای تصدی منصب اقتصادی اعلام می‌کند، خود را به عنوان «حفیظ و علیم» معرفی می‌کند.^۵ در قرآن ملاحظه

۱. رک: احقاف، آیه ۱۳.

۲. رک: فصلت، آیه ۳۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۴. بنابر نقل مشهور، این مطلب به عنوان روایت از امیر مؤمنان علیه السلام یاد می‌شود؛ ولی این مطلب، در منابع معتبر یافت نشده است.

۵. یوسف، آیه ۵۵.

مجلس بیست و ششم: اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها ■ ۳۳۷

می‌گردد که این پیامبر الهی با تخصص و تدبیر خویش توانست مصر را در شرایط قحطی و بحران به خوبی اداره کند.

۲. حل معضل اشتغال با تلاش جهادی

مشکل اشتغال، به عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات اقتصادی است که برای رهایی از آن، ترویج فرهنگ جهادی، به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بر اساس این فرهنگ است که افراد می‌آموزند از کارهای سخت نباید گریخت. اگر امروزه اشتغال به عنوان معضلی در جامعه مطرح است، عمدتاً به جهت گرایش به راحت‌طلبی و دوری از کارهای دشوار و به اصطلاح دیربازده است. بنابراین، در راستای رفع مشکل اشتغال و تحقق اهداف والای اقتصاد مقاومتی، نیاز به تلاش جهادی است. در این کار باید زندگی انبیا (علیهم‌السلام) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به عنوان الگو برای همگان مطرح باشد؛ برای مثال، از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) روایت شده است که وقتی خدای متعال به داود پیامبر (علیه‌السلام) خطاب نمود: «اگر از بیت‌المال برای خودت منبع درآمد قرار نمی‌دادی و از دسترنج خودت کسب روزی می‌کردی، بهترین بنده بودی»، این پیامبر الهی تا چهل روز از ناراحتی گریه کرد و آنگاه خدای متعال به او صنعت آهنگری را آموخت.^۱

روایات متعددی بر تلاش ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دلالت دارد؛ مثل این روایت که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: امیر مؤمنان (علیه‌السلام) از دسترنج خود هزار بنده را آزاد کرد و یا حسن بن علی بن ابوحزمه از پدرش نقل می‌کند: امام کاظم (علیه‌السلام) را دید که در زمینی کار می‌کند؛ درحالی‌که پاهایش غرق در عرق بود، نیز این روایت که ابوعمرو شیبانی نقل می‌کند: امام صادق (علیه‌السلام) را دیدم که بیلی در دست داشت و پوشش ضخیمی بر تن و در مزرعه کار می‌کرد و حال آنکه عرق از پشت او جاری بود. به حضرت عرضه داشتم که این کار را به من واگذار نمایید؛ ولی حضرتش فرمود: دوست دارم که مرد در به‌دست‌آوردن روزی، با گرمای خورشید به اذیت بیفتد.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸ - ۹۹.

همچنین روایات مختلف دیگری که مرحوم محدث ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی تحت بابی با این عنوان، آنها را ذکر نموده است: «بَابُ مَا يَجِبُ مِنَ الْاِقْتِدَاءِ بِالْاِئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّعَرُّضِ لِلرِّزْقِ»^۱ باب آنچه واجب است، از پیروی از ائمه در به دست آوردن روزی. به این روایات می توان احادیث دیگری را که در نکوهش تنبلی و سستی رسیده است، افزود؛ یعنی روایاتی که مرحوم شیخ حر عاملی در ضمن یک باب آنها را ارائه کرده است: «بَابُ كِرَاهَةِ الْكَسَلِ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۲ باب ناپسندی تنبلی در امور دنیا و آخرت.

۳. الگوی صحیح مصرف

بسیاری تصور می کنند که اقتصاد مقاومتی، به معنای ریاضت اقتصادی^۳ است؛ درحالی که ریاضت اقتصادی، به طرحی اطلاق می گردد که در آن دولت ها به منظور کاهش هزینه ها و برطرف کردن کسری بودجه، به صرفه جویی در مخارج کشور مبادرت می ورزند و هزینه های رفاهی را کاهش می دهند، نیز ضمن تعدیل در بخش کارمندی، تلاش می کنند با افزایش مالیات ها و دریافت کمک های خارجی، معضل به وجود آمده را برطرف کنند؛ ولی اقتصاد مقاومتی، تنها به معنای صرفه جویی نیست؛ بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری، مدیریت در مصرف است. ایشان در این زمینه می فرماید: «یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود»^۴

اقتصاد مقاومتی، به معنای درست مصرف کردن است که به زمان و شرایط خاصی اختصاص ندارد. در تعالیم دینی، به این مسئله توجه ویژه ای گردیده و به شکل های مختلف به آن توصیه شده؛ برای نمونه، در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که مؤمن از اموال به شیوه ای درست استفاده می کند^۵، نیز روایات متعددی که در کتاب وسائل الشیعه تحت این عنوان

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۳.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۸.

3. Austerity Plan.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.

۵. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۵۵۷.

مجلس بیست و ششم: اقتصاد مقاومتی؛ معیارها و راهکارها ■ ۳۳۹

آمده است: «بابُ استِحبابِ مَرَمَةِ الْمَعِاشِ وَاصْلَاحِ الْمَالِ»^۱ باب مستحب بودن بازسازی زندگی و شایسته عمل کردن در مال. این باب، ضمن بیان روایاتی که به اهمیت شایسته عمل کردن در مال دلالت دارد، روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده که می‌فرماید: «اصْلَاحُ الْمَالِ مِنْ الْإِيمَانِ»^۲ شایسته عمل کردن در مال، از [نشانه‌های] ایمان است.

اهمیت این مسئله، ایجاب می‌کند که برای مصرف درست و کامل، به‌خصوص نسبت به کالاهای باارزش نظیر نفت، برنامه‌ریزی صورت گیرد؛ به طوری که سیاست خام‌فروشی در مورد این ماده بی‌بدیل تغییر پیدا کند. این ماده باارزش، امروزه در کشورهای توسعه‌یافته از ۲۲۰ دلار تا ۱۳۷۰ دلار دارای ارزش افزوده است و اگر استفاده ما فقط در حد خام‌فروشی باشد، این ماده بسیار باارزش را تباه کرده‌ایم.

قناعت و پرهیز از اسراف، یکی از دستوراتی است که بسیار مورد توجه اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ تا جایی که باعث شده فقها اسراف را در شمار گناهان کبیره به حساب آورند.^۳ قناعت، در اقتصاد مقاومتی، کوتاه‌مدت و فقط مربوط به شرایط سخت نیست؛ بلکه بنا بر آنچه از تعالیم اسلام استفاده می‌شود، یک برنامه بلندمدت و همیشگی است و اختصاص به فقرا ندارد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در بیان صفات شیعه می‌فرماید: اغنیای شیعیان نیز اهل قناعت هستند.^۴

۴. افزایش و حمایت از تولیدات داخلی

هزینه‌کردن سرمایه‌ها برای افزایش تولید داخلی، امری است که در اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اصل باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در سخنان مقام معظم رهبری، این امر به عنوان «رکن» دانسته شده است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی».^۵

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۸۷.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴. کلینی، الروضة من الکافی، ج ۸، ص ۲۱۴.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.

دین اسلام از یک سو، جمع مال^۱ و انباشت سرمایه^۲ را مورد نکوهش قرار می‌دهد و از سوی دیگر، به کار و تولید توصیه می‌نماید. تشویق به کار تولیدی، به‌خصوص در مورد تولید در زمینه زراعت، کشاورزی و دامداری، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام فراوان مطرح شده؛ تا جایی که مرحوم شیخ حر عاملی بابی را در کتاب *وسائل الشیعه* به این عنوان اختصاص داده است: «بابُ اسْتِحْبَابِ شِرَاءِ الْعَقَارِ وَكَرَاهَةِ بَيْعِهِ إِلَّا أَنْ يُشْتَرَى بِثَمَنِهِ بَدْلُهُ وَكَوْنِ الْعِقَارَاتِ مُتَفَرِّقَةً»^۳ باب مستحب بودن خرید زمین و مکروه بودن فروش آن؛ مگر اینکه با پول آن جایگزینی برای آن صورت گیرد و کراهت پراکندگی زمین‌ها. در ذیل این باب، روایاتی بیان شده که دلالت می‌کند بر اینکه مال را نباید ساکن نگه داشت؛ بلکه باید آن را در کار کشاورزی و مانند آن به کار انداخت؛ مانند این روایت از امام صادق علیه‌السلام: «مَا يُخْلِيفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئًا أَشَدُّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ وَالْبُسْتَانِ وَالْدَّارِ؛ مَرْدٌ بَعْدَ از خود چیزی شدیدتر (بدتر) از مال راكد به‌جانمی‌گذارد. [زراره] گفت: به حضرت گفتم: با آن چه کند؟ حضرت فرمود: آن را در حصار (مزرعه)، باغ و خانه قرار دهد.»

اسلام به تولیدات صنعتی نیز توجه نموده و در قرآن کریم از کار صنعتی برخی انبیای الهی یاد شده؛ چنان‌که فرموده: «و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزارید؟»^۴ و یا به صنعت کشتی‌سازی توسط حضرت نوح علیه‌السلام اشاره کرده است.^۵

امیر مؤمنان علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر، اهمیت صنعتگران را در کنار تجار، به اندازه‌ای قابل توجه دانسته‌اند که استواری کار همه مردم را به ایشان می‌دانند.^۶

۱. فجر، آیه ۲۰.

۲. توبه، آیه ۳۴ و ۳۵.

۳. حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۷، ص ۶۹.

۴. انبیاء، آیه ۸۰.

۵. مؤمنون، آیه ۲۷.

۶. ر.ک: *نهج البلاغه*، نامه ۵۳.

مجلس بیست و هفتم

خرافه گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها

محمد کاظم کریمی*

مقدمه

اسلام، دین جامعی است که تعالیم آن، از جانب خدای متعال و به وسیله رسول خاتم صلی الله علیه و آله ابلاغ گردیده و توسط اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تداوم و گسترش یافته است. جامعیت دین اسلام و وجود تعالیم برگرفته از منابع وحی و عقل، راه را بر انحراف از مسیر حق سد کرده و تمایل به راه دیگر، مصداق خروج از صراط مستقیم تلقی می شود که مراقبت از آن، رسالت نگهبانان دین الهی است.

یکی از آسیب های جدی که زمینه نفوذ افکار و رفتارهای انحرافی را فراهم می سازد و برای دین داران خطری جدی به شمار می رود، افتادن در دام خرافاتی است که رنگ دین به خود می گیرد. شناخت زمینه های این گونه خرافه ها و درمان به موقع آن و نیز اصلاح نگاه ها و نگرش هایی که در این خصوص در جامعه اسلامی وجود دارد، به منظور رهانیدن مسلمانان از خطر ها و آسیب های آن، از وظایف اصلی مبلغان و مروجان شریعت برحق الهی است.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مفهوم‌شناسی خرافات

خرافات، جمع «خرافه»، لفظی عربی به معنای سخن خوشی است که پایه دروغ دارد^۱ و در فارسی به معنای سخنان بیهوده و پریشان که خوشایند باشند و نیز کلام باطل و افسانه که اصل ندارد، به کار رفته است.^۲ در اصطلاح، خرافه عبارت است از اعتقادات بی‌اساسی که با عقل و منطق و علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد.^۳ با توجه به تعاریف و ویژگی‌های مختلف آن می‌توان گفت: خرافه، عبارت از باور و گرایش به امور بی‌پایه و اساس که بهره‌ای از واقعیت نداشته، انجام برخی اعمال و رفتارها برای عینیت بخشیدن به آنهاست.

ابعاد و زمینه‌های خرافات

انسان به لحاظ وجودی، دارای سه بُعد اساسی است: ۱. شناختی یا معرفتی؛ ۲. عاطفی یا روانی؛ ۳. رفتاری یا عملی.

بُعد شناختی، مربوط به آگاهی‌ها، باورها و عقایدی است که در اثر برخورد با امور و پدیده‌های عالم کسب می‌کند و به طور کلی، نگرش و بینش آدمی نسبت به عالم را تشکیل می‌دهد.

بُعد عاطفی، شامل: علائق، انگیزه‌ها و گرایش‌هایی است که به دنبال شناخت پدیده‌ها و امور، در وجود انسان شکل می‌گیرد.

بُعد رفتاری، نمایانگر اعمال و رفتاری است که پس از کسب شناخت و باور و نیز ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به چیزی، او را به سوی انجام رفتار، اعمال یا تکالیفی وادار می‌سازد. برای مثال، اعتقاد به وجود خداوند به‌عنوان مالک علی‌الاطلاق که دارای اسما و صفاتی است که عین ذات او هستند، به بُعد شناختی یک فرد مسلمان مربوط است؛ اما احساس تعلق، نیاز و گرایش به چنین وجود با عظمت و کبریایی، ناشی از بُعد عاطفی انسان، و انجام برخی عبادات و مناسک مانند: نماز، روزه، دعا، احسان و نیکوکاری، به بعد رفتاری او مربوط است.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۶۶.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۶، ص ۸۴۶۲.

۳. احمد صدراعظم سیدجوادی و دیگران، دائرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۱۰۷.

مجلس بیست و هفتم: خرافه‌گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۴۳

علل و انگیزه‌های خرافه‌سازی

درباره علل و انگیزه‌های پیدایش خرافات در جامعه، دست‌کم شش دیدگاه مطرح است:

۱. از نگاه برخی، وجود تبعیض و احساس بی‌عدالتی در بافت جامعه، در سوق‌دادن انسان‌ها به موهومات و امور خرافی، نقش بسزایی دارد؛ از جمله آثار آن، بدبینی و نالیدن از «روزگار» می‌باشد که در نتیجه ممکن است نوعی بدبینی و سوءظن نسبت به دستگاه خلقت و آفرینش در افراد پیدا شود؛ چنان‌که ابن راوندی می‌گوید:

«كَمْ عَاقِلٍ عَاقِلٍ اَعْيَتْ مَذَاهِبُهُ وَ جَاهِلٍ جَاهِلٍ تَلَقَّاهُ مَرْزُوقًا؛^۱ چقدر عاقل‌های بسیار عاقل که راه‌های زندگی آنها را عاجز کرده [و هرچه می‌روند، به سعادت و خوشی نمی‌رسند اما] چقدر جاهل‌های احمق که می‌بینید صاحب همه چیزند.»

گرایش به وجود «بخت و اقبال»، از دیگر آثار بی‌عدالتی‌هاست که موجب به‌هم‌خوردن نظم فکری اعضای جامعه و اعتقاد به هرج‌ومرج و بی‌اثر بودن عوامل واقعی سعادت، یعنی علم، عقل، تقوا، سعی، هنر و لیاقت، خواهد شد؛^۲ چنان‌که ادبیات ما سرشار از این گوشه‌وکنایه‌هاست:

اگر به هر سر مویت دوصد هنر باشد هنر به کار نیاید چو بخت بد باشد
اوفتاده است در جهان بسیار بی‌تمیز ارجمند و عاقل خوار^۳
از این بوالعجب‌تر حدیثی شنو که بی‌بخت، کوشش نیرزد دو جو
۲. عده‌ای عواطف و احساسات درونی انسان، به‌ویژه دو عنصر خوف و رجا را زمینه پیدایش خرافات ذکر کرده‌اند.^۴

۳. روحیه فرافکنی و گریز از مسئولیت‌پذیری، یکی دیگر از علل پیدایش خرافات بیان شده است؛ به این معنا که آدمی بیشتر به جای پذیرش مسئولیت خود در جایی که موفق

۱. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲. رک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۷۳۸.

۳. سعدی، گلستان، باب اول.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۳۸.

نمی‌شود، سعی می‌کند کاستی‌های خویش را از طریق انتساب به امور واهی و خیالی، جبران نماید.^۱

۴. روحیه تنبلی و انتخاب گزینه‌های آسان‌تر نیز به عنوان یکی دیگر از علل و انگیزه‌های تمایل جامعه به سوی خرافات ذکر شده است. با این بیان که افراد به جای تأمل، تعقل و دقت‌های موشکافانه در بررسی علل وقایع و پدیده‌ها، گزینه‌های راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تر را خیال‌پردازی می‌کنند.^۲

۵. برخی «تقلید کورکورانه» را علت اعتقاد به خرافات ذکر کرده‌اند. بر اساس این دیدگاه که از طرف روان‌شناسان اجتماعی مطرح است، جامعه بدون تقلید قابل تصور نمی‌باشد.^۳

۶. بعضی علت پیدایش خرافات را به حس حقیقت‌جویی و علت‌یابی بشر نسبت داده و گفته‌اند به دلیل آنکه انسان نمی‌تواند در برابر علت حوادث بی‌تفاوت بماند، اگر خداپرست باشد، علت حوادث را در نهایت به او منسوب می‌دارد و اگر خداپرست نباشد، برای وقوع حوادث، سلسله علل خرافی و موهوم را جست‌وجو می‌کند.^۴

پیامدهای خرافه‌گرایی در جامعه دینی

به لحاظ ارتباط و تأثیرگذاری خرافه‌ها بر حیات دینی جامعه، می‌توان آنها را به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱. خرافه‌هایی که آگاهانه و بدخواهانه و به قصد سست‌کردن باورهای دینی و کارکردهای آنها در جامعه دینی پدیدار می‌شوند.

خرافه با هر عنوانی، ناپسند و مضر به حال اجتماع است؛ اما اگر جامعه دین به تن نمود و با رنگ و لعاب و توجیه دینی خود را عرضه کرد، خطرش به مراتب سخت‌تر و قدرت تخریبی آن بیشتر خواهد بود. از این رو، همیشه بدترین نوع خرافات، خرافه‌های مذهبی

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۳.

۲. همان.

۳. رک: سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۶۳۹؛ اتو کلاین‌برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۲، ص ۲۹۴.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۹۲.

مجلس بیست و هفتم: خرافه‌گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۴۵

است؛ چراکه وقتی اندیشه‌ای موهوم و خرافی، رنگ دینی بگیرد، بر همه افکار و کردار انسان مذهبی سایه خواهد افکند و از این جهت، اثر تخریبی خواهد گذاشت.

«هنگامی که ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ رحلت کرد، خورشید گرفتگی رخ داد و مردم گفتند خورشید گرفتگی، لابد به سبب مرگ فرزند پیامبر بوده است؛ اما رسول خدا ﷺ با شنیدن چنین شایعاتی ناراحت شدند و به منبر تشریف بردند و پس از حمد و ثنای الهی، ماه و خورشید را دو آیه از آیات الهی دانستند که به امر خدا در جریان هستند و کسوف و خسوف، به سبب مرگ یا تولد کسی پدیدار نمی‌شوند...»^۱

بدین‌سان، خرافه‌هایی چون: اعتقاد به جادو و طلسم، شانس و قسمت، احضار ارواح و ارتباط با جن‌ها (جن‌گیری)، طالع‌بینی و پیشگویی (کهنانت)، فال‌گیری و کف‌بینی، افسون‌گری، درمان بیماری‌های لاعلاج و مانند آن، از خرافه‌هایی هستند که رواج آنها به تدریج به سست شدن پایه‌های اعتقادی جامعه دینی منجر خواهد شد؛ چراکه اعضای جامعه به جای اعتقاد به حقایق امور عالم، به اسباب ظاهری و غیرواقعی که بهره‌ای از حقیقت ندارند، بسنده می‌کنند و این‌گونه، زمینه جدایی از ماورای طبیعت و چشم‌امید داشتن به اسباب ظاهری و خارجی اشیا برای برآوردن نیازها و خواسته‌ها، فراهم می‌گردد و این‌چنین، پایه‌های ایمان دینی جامعه به سستی خواهد گرایید.

بدیهی است که بخشی از خرافه‌ها می‌تواند ریشه در مبانی و آموزه‌های دینی داشته باشد؛ اما به دلیل فهم نادرست یا تحریف در این مبانی و آموزه‌ها، به برداشت‌های انحرافی و خرافی منجر گردیده است؛ اما بخش‌هایی نیز بدون ارتباط با دین خاص است؛ بلکه ریشه در باورهای قومی و فرهنگی جوامع مختلف دارد و ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر سرایت یافته باشد.

به قول ناصر خسرو:

ازو مشنو سخن‌های خرافات کزان آید تو را در آخر آفات

۲. خرافه‌هایی که هرچند ناآگاهانه و نادانسته و بدون قصد بدخواهی در ساحت درک دینی جامعه واقع شده، اما دارای نقش مخرب هستند.

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ص ۳۱۳.

هدف اصلی همه ادیان الهی، تعالی معنوی و رشد کمالات و ارزش‌های الهی در وجود انسان‌هاست و این امر، جز با ارتقای آگاهی‌های دینی و گسستن از دلبستگی‌های دنیوی میسر نیست. از این رو، هر آنچه در مسیر رشد و پیشرفت معنوی آدمی وقفه ایجاد کند و او را به امور پست زندگی مادی مشغول سازد، به عنوان سدی است که دایره کمال‌یابی او را محدود می‌سازد و او را از رسیدن به سعادت و اهداف متعالی حیات انسانی بازمی‌دارد.

بر این اساس، اموری چون: اعتقاد به سعد و نحس ایام و اعداد، فال نیک و بد زدن، چشم‌زخم (شورچشمی)، شومی صدای جغد یا کلاغ، شگون‌نداشتن رنگ سیاه، خوش‌یمنی آتش‌افروزی در چهارشنبه‌سوری، اسپند دودکردن و تخم مرغ شکستن برای دورنمودن بلا، مصیبت یا چشم‌زخم، صبر هنگام عطسه و مانند آن، از قبیل خرافه‌هایی هستند که هرچند در پدیدآمدن آنها ممکن است افراد قصد سوء نداشته باشند و ناآگاهانه و ندانسته به سوی آنها گرایش پیدا کنند، اما اشتغال به چنین اموری می‌تواند زمینه انحراف فکری و یا ارتکاب اعمال خلاف شئون اخلاقی را به دنبال داشته باشد و یا سبب اختلاف میان اعضای جامعه گردد و از این جهت، با معیارها و موازین شرعی و قانونی ناسازگار است و می‌تواند جامعه دینی را از هویت و مدار اصلی خود خارج نماید.

مردم در برخی مناطق معتقدند که وقتی مسافری قصد سفر کند، اگر سیدی با او روبه‌رو شود، مسافرتش شوم است و عاقبت ندارد. برعکس اگر کولی به او برخورد کند، سفرش مبارک است. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«من این مطلب را به مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی — رضوان الله علیه — آن مرد بزرگوار گفتم. او توجیهی کرد و علت تاریخی برایش ذکر کرد که آن را پسندیدم. از نظر ایشان، ریشه تاریخی‌اش برمی‌گردد به زمان بنی‌العباس که شیعه در ایران فوق‌العاده در اقلیت بود و لذا سیدها را هرجا گیر می‌آوردند، زنده‌زنده لای جرز می‌گذاشتند.»^۱

شهید مطهری در ادامه می‌افزاید:

«ایشان همچنین خاطره‌ای از خودشان نقل می‌کنند و می‌گویند: آن سال‌هایی که از قم آمده بودیم به فریمان، و بعد از یکی دو ماه که مانده بودیم، قرار بود که برگردیم قم. در فریمان،

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۷۳۹.

مجلس بیست و هفتم: خرافه گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۴۷

آن وقت هنوز ماشین زیاد نبود. در دو فرسخی فریمان و سر راه مشهد، دهی بود به نام «نعمان». یکی از دوستان ما آنجا بود و از ما دعوت کرده بود که برویم یکی دو شب مهمان او باشیم و از آنجا سوار ماشین بشویم. قرار بود که ما این دو فرسخ را با اسب برویم. سوار اسب که شدم، سیدی را دیدم که از روبه رو دارد می آید. گفتم خدا نکند زن ها متوجه بشوند. اگر متوجه بشوند، محال است بگذارند بروم. آمد و جلوی اسب مرا گرفت و گفت: «إِنَّ شَاءَ اللَّهِ دیگر بر نمی گردی! مقصود او این بود که آیا می خواهید بروید «نعمان» و بعد برگردید از اینجا با ماشین بروید مشهد، یا إِنْ شَاءَ اللَّهِ یکسره می خواهید بروید قم؟ خندیدم و گفتم: «نه، إِنْ شَاءَ اللَّهِ دیگر بر نمی گردم، یکسره می روم». ما بعد صد بار دیگر برگشتیم. آن وقت این داستان را به والدهام و دیگران بروز ندادم؛ ولی بعدها این قصه برای من سوزهای شده بود در فریمان که آخر این چرندها چیست؟ این مزخرفات چیست؟ برای خود من، یک چنین حادثه ای پیش آمد، سید آمد و چنین حرفی هم گفت - که خود این حرف هم انسان را تکان می دهد - و ما هیچ گرفتار این حرف ها نشدیم.^۱

به این دلیل، یکی از محورهای مورد تأکید قرآن کریم پرهیز دادن از قضاوت ناآگاهانه درباره امور و رویدادهای عالم است و ضرورت کسب علم و آگاهی و متابعت از آن را یادآور شده است؛ از جمله با ردّ قول کسانی که عقاید انحرافی درباره وجود خداوند و فرشتگان داشته و ملائکه را فرزندان خدا لقب داده اند، دلیل آن را جهل و ناآگاهی بیان کرده و می فرماید:

«مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا»^۲ نه خود و نه پدرانشان، به این (سخن خرافی و بی پایه)، علم و آگاهی ندارند. این، سخن بزرگی است که از دهانشان خارج می شود و جز دروغ چیزی نمی گویند.

همچنین خداوند رفتار کسانی را که بدون علم و آگاهی درباره خداوند قضاوت می کنند، زشت شمرده و فرموده: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ»^۳ بعضی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی، درباره خدا مجادله می کنند.

۱. همان، ص ۷۴۰.

۲. کهف، آیه ۵.

۳. حج، آیه ۸.

علامه طباطبایی در بیان مراد از علم، هدایت و کتاب در این آیه، بیان زیبایی دارد و می‌فرماید:

«مراد از علم در اینجا شاید علم حاصل از حجت عقلی، و مراد از هدایت، علم حاصل از هدایت الهی - که تنها نصیب کسانی می‌شود که در بندگی و عبادت خدا خلوص به خرج داده، دل به نور معرفت او روشن کرده باشند - و مراد از کتاب منیر، وحی الهی و از طریق نبوت باشد. و این طُرُق سه‌گانه، به سوی مطلق علم است که یکی از راه عقل، و دومی از راه چشم، و سومی از راه گوش به دست می‌آید.»^۱

در سوره اسراء نیز خداوند از پیروی هرچیزی که بدان علم و یقین وجود ندارد، نهی کرده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۲ از چیزی که به آن علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل موردِ بازخواست قرار می‌گیرند.»

جناب علامه طباطبایی در باره این آیه فرموده:

«این آیه، چون مطلق و بدون قید و شرط است، پیروی از اعتقاد غیرعلمی و نیز عمل غیرعلمی را شامل می‌گردد؛ یعنی به چیزی که علم به صحت آن نداری، معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی، مگو و کاری را که علم بدان نداری، مکن؛ زیرا همه اینها، پیروی از غیرعلم است.»^۳

از این رو، پرهیز از افراط و تفریط و پیروی از احکام و آموزه‌های دینی و نیز سیره و روش بزرگان دین، شرط مسلمانی و سفارش و توصیه دین و بزرگان دینی است؛ چنان‌که خدای متعال فرموده است: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ، وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۴ آنچه رسول خدا فرمان می‌دهد، بپذیرید و از آنچه نهی می‌کند، خودداری کنید.»^۵

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۴۹۲.

۲. اسراء، آیه ۳۶.

۳. رک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۲۶.

۴. حشر، آیه ۷.

۵. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۶۲.

مجلس بیست و هفتم: خرافه‌گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۴۹

امام صادق علیه السلام فرموده: «كَفَى بِكَ جَهْلًا أَنْ تَرْكَبَ مَا نُهَيْتَ عَنْهُ»^۱ همین مقدار جهل برای تو کافی است که کاری را انجام دهی که از آن نهی شده‌ای.

خرافات و آموزه‌های دینی

واقعیت آن است که پندارها و اعمال خرافی در میان همه اقوام و ملل به صورت بیش‌و‌کم رسوخ دارد و هیچ جامعه انسانی نیست که از وجود چنین اموری پاک باشد. علامه طباطبایی: «آن طور که بعضی گمان کرده‌اند، خرافه‌پرستی از خصایص شرقی‌ها نیست؛ بلکه همان قدر که در شرقی‌ها هست، در غربی‌ها هم هست؛ اگر نگوییم غربی‌ها در اعتقاد به خرافات، از شرقی‌ها حریص‌ترند»^۲.

بنابراین، جامعه و امت اسلامی را نباید از این وضعیت مستثنا دانست؛ اما با وجود این، میان معارف دین اسلام، آموزه‌هایی وجود دارد که به دلیل عدم برداشت درست یا در دسترس همگان نبودن تبیین درست آنها، موجب بدفهمی و گاه سوءاستفاده بدخواهان گردیده است. خداوند متعال امور عالم را بر اساس حکمت و تدبیر اداره می‌کند؛ برخی امور را ذات مقدسش بدون واسطه انجام می‌دهد و بعضی امور را به واسطه فرشتگان مقرب یا دیگر ملائکه و موجودات تدبیر می‌کند. از این رو، نزول باران، نزول رحمت، تدبیر آسمان و زمین را گاه به واسطه فرشتگان انجام می‌دهد که البته این امر، با علم و قدرت حضرت حق منافاتی ندارد.

خداوند درباره محافظت از انسان‌ها فرموده: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»^۳ برای آدمی، مأمورانی است که او را از روبه‌رو و از پشت سر، از فرمان خدا محافظت می‌کنند. در باره تقسیم امور توسط ملائکه فرموده است: «فَالْمَقْسَّمَاتِ أُمَرَاءُ»^۴ قسم

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۲.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۳۹.

۳. رعد، آیه ۱۱.

۴. ذاریات، آیه ۴.

۳۵۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند.» و درباره تدبیر امور عالم توسط برخی فرشتگان آمده است: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أُمَرَاءُ»^۱ قسم به ملائکه که امور عالم را تدبیر می‌کنند.

همه اینها، واقعیات عالم تکوین‌اند؛ اما عده‌ای به دلیل سوءبرداشت، فرشتگان یا موجوداتی خیالی دیگر را، عامل مستقیم انجام امور عالم می‌دانند و بر اساس این برداشت غلط، به ساختن موهوماتی در قالب خرافه تمسک می‌جویند و آنها را مبنای اعتقادات و باورهای خود قرار می‌دهند و متأثر از آنها اقدام به اعمال و رفتارهایی می‌کنند تا به گمان خود، از طریق آنها آفات از ایشان دفع گردد و بدین‌سان، زمینه برای ترویج و گسترش خرافات در جامعه فراهم می‌شود.

خداوند انسان‌ها را به این امر تذکر داده که امور عالم به دست و اراده الهی است و بدون اجازه حضرتش، تصرف در امور عالم ممکن نیست. خوبی و بدی در حق بندگان، تنها به اراده حق است و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اذن او، در امور عالم تصرف داشته باشد:

«وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»^۲ و چون خدا برای گروهی بدی بخواهد، هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد و برای آنها اداره‌کننده‌ای غیر از خدا نیست.

در جای دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ»^۳ اگر خداوند ضرر و زبانی به تو رساند، هیچ‌کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد و اگر اراده خیر درباره تو داشته باشد، هیچ‌کس قادر نیست مانع بخشش او گردد.

خرافات؛ نمونه‌ها و راهکارها

به منظور روشن کردن افکار و بیان نگرش دین اسلام درباره خرافات در جامعه و نیز اشاره به برخی راهکارها برای مقابله با رواج خرافات در جامعه دینی، بیان چند نکته ضروری است:

۱. نازعات، آیه ۵.

۲. رعد، آیه ۱۱.

۳. یونس، آیه ۱۰۷.

۱. زمان (روزگار)

در قرآن کریم، آیاتی ذیل عنوان: یوم نحس،^۱ ایام نحسات،^۲ چشم زخم،^۳ تطیر و تقأل،^۴ سحر^۵ و مانند آن آمده است. در این قسمت، متناسب با اقتضای نوشتار، به برخی ابهامات در این زمینه پاسخ داده می شود:

- تطیر یا فال بد زدن

اصل فال بد زدن یا تطیر را عرب ها از مرغ ها گرفته بودند و بعضی از مرغ ها را شوم حساب می کردند. به همین جهت، فال بد زدن را «تطیر» می نامند و از صدای کلاغ یا نوای جغد فال بد می گرفتند.^۶ این مطلب به هر نام و عنوانی که باشد، از نظر اسلام محکوم است و چنین چیزی وجود ندارد. دین اسلام از ابتدا بنایش بر نفی و رد تطیرهای جاهلی بوده است. به این سبب، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با صراحت تمام فرمود: «در اسلام، تطیر و فال بد نیست».^۷ حضرت همواره امور را به فال نیک می گرفتند و هرگز فال بد نمی زدند و از فال بد منع می کردند: «اِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمُضْ»^۸ هر وقت به دلت بد آمد، اعتنا نکن.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «تطیر، پدیده ای است که اگر سخت بگیری، بر تو سخت می گیرد و اگر آسان بگیری، بر تو آسان می گیرد و اگر اعتنا نکنی، می بینی چیزی نبوده است».^۹ همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: «كَفَّارَةُ الطَّيْرِ التَّوَكُّلُ»^{۱۰} کفاره فال بد زدن، توکل کردن به خداست.^{۱۱}

۱. قمر، آیه ۱۹.

۲. فصلت، آیه ۱۶.

۳. قلم، آیه ۵۱.

۴. اعراف، آیه ۱۳۱.

۵. اعراف، آیه ۱۱۶.

۶. طه، آیه ۶۶.

۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۴.

۸. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶۲، ح ۱۵۰۱۹.

۹. همان، ح ۱۵۰۲۳.

۱۰. همان، ص ۳۶۱، ح ۱۵۰۲۰.

۱۱. همان، ح ۱۵۰۲۱.

۳۵۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اینکه کلمه «کفاره» به کار رفته است، یعنی طیره گناه است؛ اگر می‌خواهید این گناه از بین برود، توکل بکنید تا اثر آن از میان برود.»^۱

در قرآن کریم نیز بر اینکه سرنوشت هرکس به دست خودش است و دیگری در آن دخیل نیست، تأکید شده: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»^۲ ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم که ملازم و قرین همیشگی او باشد و روز قیامت کتابی که نامه اعمال اوست، بر او بیرون آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند.»

افزون بر این، رسول خدا ﷺ از ذبح گوسفند هنگام خرید خانه و مانند آن برای دفع چشم‌زخم نهی کرده که در منابع روایی از آن، به «ذبائح الجن» یاد شده است.^۳ گویند امام هادی (علیه السلام) در پاسخ نامه احمد دقاق بغدادی که از حضرت درباره خارج شدن از خانه در روز چهارشنبه آخر ماه سؤال کرده بود، نوشت: «مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْارْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرِ وَتَمِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَوْفَى مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ»^۴ کسی که روز چهارشنبه، برخلاف مردمی که فال بد می‌زنند، از خانه بیرون رود، خداوند او را از هر آفت و بیماری حفظ می‌کند و حاجتش را برآورده می‌سازد.»

منطق اسلام است که پیغمبر اکرم ﷺ همه چیز را به فال نیک می‌گرفت و امام صادق (علیه السلام) سفارش کرده است که هنگام مسافرت گفته شود: «اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ، وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ، وَلَا حَافِظَ غَيْرُكَ»^۵ خدایا! طیر و فال بدی نیست، مگر آنچه از ناحیه تو بیاید و خیری نیست، مگر خیری که از ناحیه تو بیاید و نگهبانی جز تو نیست.»

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۹.

۲. اسراء، آیه ۱۳.

۳. حرّ عاملی، وسائل/الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۷، ح ۱۵۳۸۶.

۴. همان، ص ۳۶۲، ح ۱۵۰۲۲.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۹.

- نحوست ایام

کلمه «نحس» و «یوم نحس»، در دو جای قرآن آمده و هر دو جا درباره قوم عاد پس از نزول عذاب بر آنهاست: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ»^۱ یا «فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِيسَاتٍ»^۲

بیشتر مفسران، کلمه «نحس» را در این آیات به معنای روز شوم گرفته‌اند. هر روزی که مردمی به کفر اعمال خودشان گرفتار شدند و در عقوبت اعمال خویش دست‌وپا زدند، بدانند در روز نحسی گرفتارند.^۳ قرآن کریم تصریح می‌کند: «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ»^۴ اکنون ببینید عذاب و انذار من چگونه است؛ یعنی عذاب به علت تکذیب و به علت حق‌ناشناسی و کفران یک نعمت بزرگ بود. پس، چنین روزی شوم بود؛ ولی شومی‌اش نه از خودِ روز بود یا از آن جهت که روزی از روزهای هفته یا ماه است، بلکه به علت حادثه‌ای که در آن روز پیش آمده، این روز شوم شده است.^۵

برخی روزهای سال را به اعتبار حادثه‌ای که در آن روز واقع شده است، مبارک می‌دانیم و برخی را نحس و شوم می‌شماریم؛ اما مقصود این نیست که از آن جهت که این روز است، مبارک یا شوم است؛ بلکه مقصود این است که این روز، برای ما یادآور حادثه پُربرکتی یا تلخی است. هجده ذی‌الحجه، مبارکی خود را از رخ‌داد غدیر دارد؛ نه حادثه غدیر از هجدهم ذی‌الحجه. دهم محرم، شومی خود را از شهادت امام حسین علیه السلام دارد؛ نه اینکه کشته‌شدن امام شومی خود را از دهم محرم داشته باشد.^۶

حضرت امیر علیه السلام درباره روز چهارشنبه فرمود: «فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٌّ»^۷ چهارشنبه، روز نحس دائم است؛ اما فلسفه آن را وقوع حوادثی بیان کرده که در این روز اتفاق افتاده است؛ مانند:

۱. قمر، آیه ۱۹.

۲. فصلت، آیه ۱۶.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۶.

۴. قمر، آیه ۱۶.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۷۳۴.

۶. همان، ص ۷۳۵.

۷. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲، ص ۸۱.

۳۵۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

قتل جناب هابیل، به آتش انداخته شدن حضرت ابراهیم علیه السلام، نزول عذاب بر قوم لوط، شهادت حضرت یحیی بن زکریا، به زندان افتادن حضرت یوسف علیه السلام و وقایع دیگری که در بیان امام به آنها اشاره شده است.^۱

حسن بن مسعود می گوید:

«بر امام هادی علیه السلام وارد شدم؛ در حالی که انگشتم زخمی بود. در همین حال، سواره‌ای به من تنه زد؛ به طوری که کتف من مجروح شد و با زحمت داخل شدم. وقتی وارد شدم، چون جمعیت زیاد بود، قسمت‌هایی از لباسم پاره شد. هنگام ورود گفتم: خدا مرا از شرّ این روز نجات دهد، چه روز شومی بودی تو امروز! در این حال، امام فرمود: به خانه ما می‌آیی و چنین حرفی را می‌زنی؟ گناه خودت را به گردن روزی می‌گذاری که گناهی ندارد؟ با شنیدن فرمایش امام، گویا عقل به سرم برگشت و فهمیدم اشتباه کرده‌ام. گفتم: آقایم! از گناهی که مرتکب شدم، استغفار می‌کنم.

آن‌گاه حضرت فرمود: ای حسن! گناه ایام و روزها چیست که آنها را شوم می‌پندارید؛ در حالی که آنچه به شما می‌رسد، جز نتیجه اعمالتان نیست! به خدا قسم! اینکه ایام را گنهکار بدانید و برای آنها شومی و نحوست قائل شوید، فایده‌ای به حالتان ندارد و خداوند شما را به جهت سرزنش مخلوقی که گناهی ندارد، مجازات خواهد کرد. بدان که خداوند پاداش و کیفر را روی حساب معین در دنیا و آخرت عطا می‌کند. پس، برای ایام، دخالتی در صنع پروردگار قائل نشوید.^۲»

برای دفع اثر نحوست، از سوی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام راهنمایی‌هایی چند ارائه گردیده است: امام صادق علیه السلام برای دفع نحوست ایام فرموده: «مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ إِذَا أُصْبِحَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ»^۳ کسی که روز خود را با صدقه آغاز کند، خداوند نحوست آن روز را از او دفع می‌کند. یا برای انجام سفر در روزی که به نحسی معروف است، فرموده: «تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ»^۴ صدقه بده و هر روزی خواستی، سفر کن.

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۵۴ - ۳۵۵.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۲.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۷.

۴. همان، ص ۳۷۵.

مجلس بیست و هفتم: خرافه‌گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۵۵

یکی از دلایل این امر، چنان‌که شهید مطهری تأکید کرده، این است که «در دوره ترجمه، به دلیل علاقه خلفا به نجوم احکامی و اطلاع از سرنوشت و طالع خودشان، از ترجمه این گونه آثار از یونانی و هندی و احیاناً ایرانی استقبال می‌کردند. کم‌کم اینها به‌ویژه به دست یهودی‌ها و شاید بیشتر هندی‌ها وارد مسائل مذهبی و دینی شد و چون عامه مردم نمی‌پذیرفتند، می‌آمدند مثلاً می‌گفتند پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین و یا امام صادق چنین فرموده است؛ ولی ما در احادیث معتبر خودمان، از این حرف‌ها چیزی نداریم؛ یک چیزهایی در قرن ششم و هفتم به نام حدیث آمده که قبل از آن نبوده و اگر بوده، بدون سند است. لذا از نظر ایشان اینها مربوط به اسلام نیست.»^۱

از جمع‌بندی دلایل دینی به دست می‌آید که در تفکر اسلامی، زمان ذاتاً سعد یا نحس نیست و نمی‌توان آن را عامل سعادت یا نحوست یا سبب اندوه و شادی دانست. علاوه بر آنکه در روایات معصومان علیهم‌السلام هیچ‌گاه ایام، علل فاعلی خوشی یا ناخوشی ذکر نشده‌اند. به بیان شهید مطهری: «انسان باید از خودش بیرون بیاید، از رفتارها، عادت‌ها و افکار زشتش خارج شود. سیزده چه گناهی دارد؟ خانه و زندگی چه گناهی دارد که باید به عنوان سیزده به‌در از آنها خارج شد. از سمنو و سبزه گره‌زدن چه کاری ساخته است؟»^۲ چنان‌که استاد مطهری یادآور شده است، از مجموع اخبار و روایات استفاده می‌کنیم که این مسائل اساساً تأثیری در زندگی انسان ندارد و یا اگر دارد، به وسیله سه چیز که هر سه در روایات هست، یعنی توکل به خداوند، متوسل شدن به اولیای الهی و صدقه‌دادن، اثر آنها از بین می‌رود.^۳

آن‌گاه که امیر مؤمنان علیه‌السلام عازم نهر روان بود، فردی نزد حضرت آمد و عرض کرد: در این ساعت حرکت نکنید، اندکی تأمل نمایید، بگذارید اقلّاً دو سه ساعت از روز بگذرد، آن‌گاه حرکت کنید! حضرت سبب را پرسید. گفت: چون اوضاع کواکب دلالت می‌کند هرکه در این ساعت حرکت کند، از دشمن شکست خواهد خورد و زیان سختی بر او و یارانش وارد خواهد شد؛ ولی اگر در ساعتی که می‌گوییم حرکت کنید، پیروز می‌شوید و به مقصود خواهید رسید.

۱. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۸.

۲. همان، ص ۴۰۷.

۳. همان، ج ۲۶، ص ۷۴۱.

حضرت فرمود: این اسب من، آبستن است. می‌توانی بگویی کره‌اش نر است یا ماده؟ گفت: اگر حساب کنم، می‌توانم. فرمود: دروغ می‌گویی، نمی‌توانی. چون قرآن می‌گوید: هیچ‌کس جز خدا از نهان آگاه نیست. خداست که می‌داند چه در رحم آفریده است. رسول خدا ﷺ چنین ادعایی نکرد. آیا تو ادعا داری که بر همه جریان‌های عالم آگاهی و می‌فهمی در چه ساعت، خیر و در چه ساعت، شر می‌رسد! اگر کسی به تو اعتماد کند، به خدا نیازی ندارد. بعد، به مردم خطاب فرمود: مبدا دنبال این مطالب بروید که منجر به کفایت و ادعای غیب‌گویی می‌شود. کاهن، هم‌ردیف ساحر است و ساحر، هم‌ردیف کافر می‌باشد و کافر، در آتش است. آن‌گاه حضرت دست به دعا برداشت و چند جمله دعا مبنی بر توکل و اعتماد به خدای متعال قرائت کرد. سپس رو به ستاره‌شناس کرد و فرمود: ما مخصوصاً برخلاف توصیه تو عمل می‌کنیم و بدون درنگ، همین الآن حرکت می‌کنیم.^۱

در این جنگ، امام به پیروزی چشم‌گیری دست یافت و فتنه خوارج را دفع کرد.

۲. دعا و نیایش

یکی از بارزترین تفکرات اسلامی، نیایش است که نه تنها موجب پیدایش قرب معنوی است، بلکه در برآوردن بسیاری از نیازها، سهم بسزایی دارد و همان‌طور که ابر می‌بارد، دعا عامل اجابت خواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۲ اگر مردمان در صراط مستقیم پایدار باشند، آنها را از آب فراوان بهره‌مند می‌کنیم. بین پرستش و نیایش و اعتدال اخلاقی مردم با آمدن باران و جوشش آب‌های فراوان، پیوند تکوینی برقرار است.

۳. عقل و دین

اسلام، دین علم و عقل است و جهل و خرافه، به حریم تعالیم آن راهی ندارد: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۳ بگو: راه من، این است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا می‌خوانیم. به همین سبب، برای تبیین و ابلاغ

۱. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۲.

۲. جن، آیه ۱۶.

۳. یوسف، آیه ۱۰۸.

مجلس بیست و هفتم: خرافه گرایی در جامعه دینی؛ پیامدها و راهکارها ■ ۳۵۷

معارف آن، تنها به روش‌های معتبر همچون: برهان، خطابه و جدل نیکو سفارش کرده است:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگار خویش بخوان و با مخالفان به طریق نیکوتر مجادله کن. از سوی دیگر، به کسانی که آرا و دیدگاه‌های مختلف را گوش می‌دهند و میان آنها آگاهانه قضاوت می‌کنند و از بهترین آن‌ها نظرها پیروی می‌نمایند، بشارت داده است: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۲ پس، بندگان مرا بشارت بده؛ آنان که هر سخنی را می‌شنوند، بهترین آن را پیروی می‌کنند.

آیات الهی، سرشار از واژه‌ها و تعبیری چون: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ»، «أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ»، «لَقَوْمٌ يَعْقِلُونَ» است که دارای بار معرفتی و ادراکی هستند و به اندیشیدن و خردگرایی دعوت می‌کنند و برانگیزاننده خردورزی و تدبّر می‌باشند و بدین‌سان، اسلام عقل و اندیشه را روح حاکم بر رفتارهای دینی دین‌داران قرار داده، همواره بر آن تأکید دارد.

در سنت اهل بیت علیهم‌السلام نیز به صورت گسترده به شناختن، اندیشیدن، علم و معرفت‌اندوزی در همه عرصه‌های دینی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی سفارش شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ؛ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ»^۳ خداوند به بندگان خویش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است. پس، خواب عاقل، از شب‌زنده‌داری نادان بهتر است.

امام صادق علیه‌السلام خطاب به هشام می‌فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ، وَحُجَّةَ بَاطِنَةٍ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَئِمَّةُ، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»^۴ خداوند بر بندگان دو حجت دارد: یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی. حجت ظاهری، رسولان و انبیا و ائمه هستند و حجت باطنی، عقل است.

۱. نحل، آیه ۱۲۵.

۲. زمر، آیات ۱۷ - ۱۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹، ح ۱۱.

۴. همان، ص ۳۵، ح ۱۲.

عبدالملک بن اعین، برادر زرارة بن اعین، روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: گرفتار نجوم شده‌ام و در من وسواس ایجاد کرده است؛ یعنی اوضاع ستارگان را رصد می‌کرده که مثلاً اگر امروز از طرف جنوب برود، چنین می‌شود و یا اگر از شمال برود، چنین. مسافرت، چنین است و ازدواج، چنان. و این سبب شده بود که زندگی‌اش فلج شود؛ چون یک روز، مثلاً چندم ماه بود، نحس بود [و] یک روز قمر در عقرب بود، روز دیگر فلان ستاره در پیش رو بود.

حضرت با کمال تعجب فرمود: به این چیزها اعتنا می‌کنی؟ الآن می‌روی تمام این کتاب‌ها را یکجا آتش می‌زنی. امر امام بود؛ رفت تمام کتاب‌ها را یکجا آتش زد.^۱ تنها راه برون‌رفت از آسیب خرافات: رو آوردن به عقلانیت دینی، عمق‌بخشی به معرفت اسلامی، بازشناسی و بازسازی مفاهیم مهم آموزه‌های دینی و احیای اندیشه و بینش اسلامی، حضور فعال روحانیت آگاه و زمان‌شناس در بین مردم و تولید متون دینی جذاب با ادبیات نوآمد و قالب‌های عصری و محتوای کاملاً علمی و معقول خواهد بود.

پایان این نوشتار را با سخنی حکیمانه از رهبر معظم انقلاب زینت می‌بخشیم:

«بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط آن را در جامعه ترویج کرده‌اند. کارهایی را رواج می‌دهند که هرکس ناظر آن باشد، برایش سؤال به وجود می‌آید؛ به عنوان مثال، در قدیم‌الایام بین طبقات عوام‌الناس معمول بود که در روزهای عزاداری به بدن خودشان قفل می‌زدند. البته پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع کردند و این رسم غلط برافتاد. اما باز مجدداً شروع به ترویج این رسم کردند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه‌وکنار این کشور، به بدن خودشان قفل می‌زنند. این، چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می‌دهند؟ ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید درباره مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی‌ای نوشته شده است. کتاب‌های مرحوم شرف‌الدین و نیز *الغدير* مرحوم علامه امینی در زمان ما سر تا پا استدلال، بتون آرمه و مستحکم است؛ تشیع، این است.»^۲

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۷۳۸. (با اندکی ویرایش)

۲. «بایسته‌های عزاداری در کلام رهبری»، فصلنامه پایش سبک زندگی، ش ۴، آبان ۱۳۹۳، ص ۱۱۶.

مجلس بیست و هشتم

دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

دکتر رضا عیسی‌نیا*

اشاره

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس تاکنون، با مشکلات فراوانی، از جمله: درگیری‌ها و آشوب‌های ترکمن صحرا، کردستان، آذربایجان و خلق عرب، جنگ عراق علیه ایران و مشکلات اقتصادی و مسائل نگران‌کننده‌ای چون تروریسم، مواجهه بوده است؛ ولی با رهبریِ بادرایتِ امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری و با همکاری و همیاری ملت شریف، توانست بر تمامی مشکلات چیره آید؛ به‌طوری‌که هرچه جمهوری اسلامی جلوتر رفت، نقشه‌های دشمنان برای شکست انقلاب عظیم، پیچیده‌تر شد و البته تیزبینی‌های رهبر، توأمان با همراهی مردم در خنثا نمودن آن، موفق بوده است. بنابراین، نباید هیچ‌وقت دشمن را بی‌برنامه فرض نمود؛ بلکه همیشه باید نسبت به دشمن، هوشیار و اهل تدبیر بود.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

با توجه به مسائل و چالش‌های مهمی که رهبری مشاهده می‌کردند، سال ۱۳۹۴ را «سال همدلی» نامیده‌اند؛ سالی که اوضاع حساسی در ایران، منطقه و جامعه جهانی حکم‌فرما می‌باشد؛ چون از سویی جمهوری اسلامی ایران با فرصت‌هایی چند همراه است؛ مانند همراهی مردم با نظام و هدف‌های آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، نیز پیشرفت‌های علمی که در دوران تحریم به وجود آمده است؛ اما از سوی دیگر، با چالش‌هایی چون: تحریم در قالب مذاکرات هسته‌ای، تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و نیز اختلاف‌ها و منازعه‌ها بین ملت‌های مسلمان در کشورهای جهان اسلام روبه‌رو هستیم.

برای مقابله با دشمنان، ایستادگی در برابر توطئه آنان و رفع اختلاف‌های جناحی و گروهی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی، به وحدت و یکپارچگی و همنوایی و اعتماد هرچه بیشتر دولت با مردم، و مردم با دولت، و حتی قوای سه‌گانه نیازمند می‌باشیم. در همین راستا، با درایت رهبر فرزانه، امسال به «سال همدلی» نامگذاری شد تا بتوان به ایرانی مقتدر، عزیز و با شکوه دست پیدا کرد. دست‌یافتن به آرزوهایی چون: پیشرفت اقتصادی، اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی، جهش‌های علمی و نیز عدالت قضایی و اقتصادی، فقط به واسطه همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت تحقق خواهد یافت.

در رویکرد جامعه‌شناسی، با پنج نهاد اجتماعی مواجه هستیم:

۱. خانواده؛ ۲. آموزش؛ ۳. اقتصاد؛ ۴. دولت (سیاست)؛ ۵. دین. در این میان، نهاد خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، و نهاد دولت، عالی‌ترین نهاد است و هریک برای تحقق و استمرار خویش، نیازمند همدلی می‌باشند؛ مثلاً همدلی در نهاد خانواده، موجب درک احساس‌های قلبی اعضای خانواده می‌شود. در سایه همدلی مشکلات زندگی با موفقیت پشت سر گذاشته می‌شود. در نهاد دولت نیز تحقق سیاست‌های کشوری، همچون سیاست داخلی و خارجی یا سیاست اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در گرو همدلی و هم‌زبانی بین دولت و مردم یا همدلی بین دولتمردان قوای سه‌گانه با یکدیگر ممکن خواهد بود.

برای رسیدن به همدلی، باید دولت و ملت به اصولی پایبند باشند تا بتوانند به آن نایل آیند؛ از جانب دولت، اصولی چون: شفافیت، قانون و قانون‌مداری، پاسخگویی، عدالت و عدالت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد سیاسی، وفای به عهد و امانت‌داری و مشورت، و از

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۶۱

جانب ملت، اصولی همچون: مشارکت، احساس برابری، وفاداری به حکومت، خیرخواهی، پایبندی به رأی‌دادن و مطیع‌بودن در برابر قانون.

عملی‌سازی این اصول، مساوی است با دستیابی به نظامی که حیات سیاسی و اجتماعی‌اش بر پایه همدلی پایه‌گذاری شده باشد که پیامدهایی مانند: نشاط، امیدواری، اطمینان و توسعه پایدار را خواهد داشت.

معنای هم‌زبانی و همدلی

در رویکرد روان‌شناسی، همدلی (Empathy) یعنی اینکه احساس طرف مقابل را درک کنیم و مسائل را نه از منظر خودمان، بلکه از نگرش و دنیای فرد دیگری بنگریم؛ اما برای بیان معنای همدلی از نظر جامعه‌شناختی، از اشعار مولانا مدد می‌گیریم. در دفتر سوم ضمن بیان داستان هدهد یا مرغان و حضرت سلیمان علیه السلام، می‌سراید:

چون سلیمان را سرافرده زدند جمله مرغانش به خدمت آمدند
وقتی حضرت به نبوت و حکومت رسید، مرغان، یعنی ملت و افراد، همگی برای خدمت به وی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. اینکه آن‌ها از هم گوی سبقت می‌ربودند، برای این بود که حضرت را از خویش و از جنس خود می‌دانستند:

هم‌زبان و محرم خود یافتند پیش او یک‌یک به جان بشتافتند
جمله مرغان ترک کرده چیک‌چیک با سلیمان گشته آفصح من آخیک
وقتی مرغان یک منفعت برتر و عام و در سطح ملی را دیدند، از خوش‌وبش با همدیگر گذر کردند و با حضرت گشاده سخن می‌گفتند.

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست همدلی از هم‌زبانی بهتر است
غیر نطق و غیر ایما و سیجل صدهزاران ترجمان خیزد ز دل
همدلی یعنی اینکه فرد بتواند زندگی را درک کند تا بتواند انسان‌های دیگر را حتی وقتی با او بسیار متفاوت هستند، بپذیرد و به آنها احترام گذارد.

هم‌زبانی و همدلی، در کجا و با چه کسی؟

تنها با کسانی می‌توان همدل بود که به اصول و مبانی پذیرفته‌شده پایبند باشند. کسانی را که برای دشمن کار می‌کنند و مشتاق سلطه بیگانگان هستند، از دایره همدلی خارج می‌دانیم. کسانی که در قول و عمل، وحدت را می‌شکنند و در جهت خواست دشمن حرکت می‌کنند یا بلندگوی افکار و اهداف دشمنان هستند، هرگز با آنان نمی‌توان همدلی و همکاری داشت؛ اما کسی که سخن ملت را می‌گوید، از زبان ملت حرف می‌زند و در راه مصالح ملت گام برمی‌دارد و استقلال ایران و پیشرفت علمی ملت برایش دارای اهمیت است، شایسته همدلی است.^۱

با کسانی و در فضایی می‌توان به سوی همدلی یا رفتارهای همدلانه گام برداشت که ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

۱. دوست‌داشتن مردم جامعه؛
۲. تحمل افراد کشور با رویکردهای مختلف و حتی مخالف؛ اما پایبند به اصول؛
۳. روابط بین مردم، بدون پرخاشگری؛
۴. احترام قایل شدن برای اعضای جامعه یا شهروندان؛
۵. شنونده خوب بودن؛
۶. احترام نهادن به دیگران؛
۷. خودآگاهی و خودشناسی بیشتر؛
۸. صادق بودن؛ یعنی نقش بازی نکردن برای رسیدن به اهداف و نقاب بر چهره نداشتن؛
۹. درک نیازها و توانمندی‌های طرف مقابل؛
۱۰. تحمل افراد مختلف و مخالف و پذیرش آنها همان‌گونه که هستند؛
۱۱. تحمل آرای مخالف.

۱. برداشتی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام.

مبانی و اصول همدلی دولت و ملت

دولت و ملت باید زبان «محرمی» پیدا کنند؛ چون به تعبیر مولانا، زبان محرمی، زبان دیگر است که بر پایه همدلی اتفاق می‌افتد؛ نه بر پایه خون و نژاد یا گروه‌بازی‌ها. زبان محرمی، دنبال ایران برای ایرانیان است و نه برای گروه خاص و یا فلان جناح سیاسی. پس، وقتی دولت و ملت به این مرتبه از همبستگی و انسجام رسیدند، دیگر نیازی نخواهد بود که دولت‌ها با ابزارهایی چون: زر، زور و تزویر، و ملت‌ها بر مبنای رشوه، ریاکاری و نیرنگ با هم بده‌بستان داشته باشند و یا خواسته‌هایشان را از همدیگر طلب نمایند؛ بلکه وقتی به زبان محرمی و همدلی مجهز شدند، از ابزاری غیر از نطق، ایما و سجل (ضبط و نوشته)، با هم مراوده خواهند داشت که در آن لحظه، می‌توان این شعار مولانا را مطرح کرد: «صدهزاران ترجمان خیزد ز دل».

اصول و مبانی همدلی کدام‌اند و برای تحقق همدلی میان دولتمردان و شهروندان، نیازمند عملی کردن چه اصولی از طرف دولت یا ملت می‌باشیم؟ پاسخ را در دو سطح دنبال می‌کنیم: ۱. اصولی را که دولت و دولتمردان باید رعایت کنند؛ ۲. اصول و مبانی‌ای که ملت باید به آن پایبند باشند.

الف. اصولی و مبانی دستیابی دولت به همدلی

اگر این اصول از طرف دولت رعایت گردد، نظام سیاسی به همدلی دست پیدا خواهد کرد و با رسیدن به همدلی، پایداری نظام تضمین خواهد شد؛ برخی از اصول، عبارت‌اند از:

۱. شفافیت

شفافیت، بیانگر ایجاد اعتماد متقابل بین حکومت و عامه مردم از طریق تأمین اطلاعات و تضمین دسترسی آسان به اطلاعات لازم و کافی می‌باشد. شفافیت، یعنی آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه کسانی که در ارتباط با تصمیمات هستند. درباره این اصل می‌توان به سخنان رهبری در باره توافقات لوزان اشاره داشت. ایشان به مسئولان تأکید می‌کنند که باید مردم و به‌خصوص نخبگان را در جریان جزئیات مذاکرات هسته‌ای قرار دهند و آنها را از واقعیات آگاه کنند؛ زیرا هیچ چیز محرمانه‌ای وجود ندارد؛

۳۶۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

چون در جریان قرارداد مردم و نخبگان از جزئیات، مصداق همدلی مسئولان با مردم می‌باشد و این یعنی اصل شفافیت. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «همدلی، یک موضوع دستوری نیست؛ بلکه باید آن را به وجود آورد و رشد داد که شرایط کنونی، فرصت مناسبی برای به‌وجود آمدن همدلی با مردم است.»^۱ البته شفاف‌سازی بدین معنا نیست که مسائل امنیتی و اسرار و اطلاعات نظامی کشور در اختیار همگان قرار گیرد چراکه این کار، ضررهای جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

۲. قانون‌مداری

قانون و قانون‌مداری، یعنی اجرای قوانینی که برای همه سودمند است و استثنایی بین شهروندان قائل نبودن، آن هم بر اساس حقوق پایه انسانی و ملاحظه ارزش‌های متداول سخت‌گیری در اجرای قوانین. یکی از تعهدات دولت به شهروندان، بازستاندن حقوق ستمدیدگان از ستمگران می‌باشد.^۲

۳. پاسخگویی

تصمیم‌گیران بخش دولتی، خصوصی و مدنی، باید در برابر عموم مردم پاسخگو باشند. در تفکر اسلامی، حکمرانی و مدیریت، به مفهوم امانت‌داری و خدمت‌گذاری است و هیچ‌گونه سلطه‌جویی و تحکّم در آن راه ندارد. از این‌رو، زمامداران و کارگزاران، امین و پاسدار حقوق مردمان و در برابر آنان مسئول و پاسخگو می‌باشند. مقام معظم رهبری ضمن اینکه ملت را کارفرما و ولی نعمت انقلاب و دولت را کارگزار معرفی می‌کند، می‌فرماید: «کارگزار و کارفرما، ویژگی‌هایی دارند که مهم‌ترین آنها، گزارش‌دهی و شفاف‌سازی و پاسخگویی کارگزار نسبت به کارفرماست.»^۳ شاید بر همین اساس بود که ایشان سال ۱۳۸۳ را سال پاسخگویی سه قوه نامگذاری نمودند.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، سخنان رهبر معظم انقلاب درباره مسئله هسته‌ای و تحولات

یمن، نشانی صفحه اینترنتی: <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=13060>

۲. در این باره، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كَظَمِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ؛ خداوند از دانایان پیمان گرفته که در صورت قدرت، در مقابل شکم‌بارگی ستمگران و بینوایی ستمدیدگان خاموش نشینند.» (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۳)

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ش، نشانی صفحه اینترنتی:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id>

۴. عدالت‌ورزی

عدالت، یعنی اینکه دولت جهت بهبود رفاه شهروندان، فرصت‌هایی برابر را برای همگان فراهم نماید. در ادبیات اسلامی، سیاست ملاک دارد و مهم‌ترین ملاکش، عدالت است؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مِلَاکُ السَّیَاسَةِ الْعَدْلُ»^۱ معیار سیاست، عدالت است. ادبیات سیاسی‌ای که شیعه به دنبال آن است، نفی سلطه و برتری‌جویی حاکم می‌باشد؛ چراکه علی علیه السلام به مالک اشتر می‌گوید: «مبادا بگویی اکنون بر آنان مسلطم، از من فرمان‌دادن است و از آنان اطاعت کردن؛ زیرا چنین گفتاری، عین راه‌یافتن فساد در دل و خرابی در دین و نزدیک شدن تغییر و تحول [در قدرت] است.»^۲ حضرت برپا داشتن عدالت را عامل ثبات نظام‌ها دانسته: «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ» ثبات و پابرجا بودن دولت‌ها، به برپاداشتن عدالت است.^۳ و «هرگز چیزی چون عدالت‌ورزی، دولت‌ها را حفظ نمی‌کند و مستحکم نمی‌دارد.»^۴ اصولاً «عدالت، نظام‌بخش حکومت^۵ و نگهدارنده مردم است.»^۶

۵. مسئولیت‌پذیری

مدیران حکومتی نسبت به خواسته‌های عمومی حساسیت داشته باشند و تلاش نمایند رذایل، یعنی: فقر، بیکاری، دروغ و حسد، از جامعه زدوده شود و در عوض، فضایل اخلاقی پایه همبستگی اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. درباره مسئولیت انسان، در فرهنگ اسلامی توصیه‌های بسیاری شده است؛ از جمله امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از خدا بترسید درباره بندگان خدا و شهرهای او؛ زیرا حتی نسبت به سرزمین‌ها و چارپایان مسئول هستید.»^۷ آدمی با سه نوع مسئولیت مواجه است:

۱. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۱۶.

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۶۷.

۳. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۵۲.

۴. همان، ج ۵، ص ۷۰.

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَدْلُ نِظَامُ الْأُمَرَاءِ» (ر.ک: شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۰).

۶. همان، ص ۳۷: «الْعَدْلُ قَوَامُ الرَّعِيَّةِ».

۷. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ» (ابن

ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۸، خطبه ۱۶۸؛ فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۵۴۴، خطبه

۱۶۶؛ صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۲۴۲، خطبه ۱۶۷)

۱. **مسئولیت در مقابل وجدان خود:** در این باره گفته شده که هرکس قدر خویشتن را شناخت، خود را به سبب امور فناشونده به پستی نمی‌کشاند.^۱ رستگاری انسان، به پاک نگه‌داشتن نفس^۲ از هر نوع پلشتی و بدکاری است.

۲. **مسئولیت در برابر اجتماع:** در فرهنگ اسلامی در باب مسئولیت در مقابل اجتماع، در پنج سطح سفارش شده است:

الف. احساس مسئولیت کردن و احترام گذاشتن به مال، جان و ناموس یکدیگر. رسول خدا ﷺ فرمود: «احترام جان‌ها و اموالتان بر یکدیگر، مانند احترامی است که امروزتان در این ماه و این سرزمین دارد؛ تا روزی که خدا را ملاقات کنید و از اعمالتان پرس‌وجو کند».^۳

ب. تعاون و همکاری، دومین سطح از سطوح مسئولیت در مقابل اجتماع می‌باشد که خداوند به آن سفارش نموده است.^۴ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مسلمان، سی حق برگردن برادر مسلمانش دارد... باید او را یاری رسانده، اگر ظالم است، او را از ستم باز دارد و اگر مظلوم است، برگرفتن حقش کمک کند».^۵

ج. شهروند مسلمان باید در رفع گرفتاری افراد جامعه احساس مسئولیت کند.^۶

د. امر به معروف و نهی از منکر. خداوند می‌فرماید: «مردان و زنان مؤمن، همه یاور و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند».^۷

۱. رک: خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنْهَا بِالْفَانِيَاتِ».

۲. رک: شمس، آیه ۹ - ۱۰: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ هرکس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد، به یقین [در دو عالم] رستگار خواهد بود. و هرکه او را [به کفر و گناه] پلید گرداند، البته [در دو جهان] زیانکار خواهد گشت».

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۸.

۴. مانده، آیه ۲: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ».

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰.

۶. همان، ص ۱۳۱: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَاللْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

۷. توبه، آیه ۷۱: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۶۷

هـ خدمات‌رسانی. بندگان، عیال خدا هستند. بهترین فرد نزد خدا، کسی است که بیشتر به عیال خدا سود برساند و خانواده‌ای را خوشحال کند.^۱

۳. **مسئولیت در مقابل خدا:** شامل تکالیفی می‌شود که از ناحیه الهی بر عهده انسان قرار گرفته است؛ مانند انجام واجبات و ترک محرمات.

۶. اعتماد سیاسی

یکی دیگر از اصولی که دولت جهت گام‌برداری به سوی همدلی باید رعایت کند، «اعتماد» می‌باشد. اعتماد سیاسی، ارتباط نزدیکی با کارآمدی حاکمان دارد و بیانگر درجه‌ای از انتظار شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان است که متناسب با انتظار مردم باشد.^۲

اعتماد و جلب نظر مردم، از امور لازم است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال این بود که مردم را به سوی دین و روش نیکو جلب کند.^۳ سیاست‌ورزی در دنیای امروزی به گونه‌ای است که بدون اعتماد نمی‌توان پای در قلمرو سیاست گذاشت. کارآمدی دولت‌ها و نهادهای حکومتی، تا اندازه چشمگیری در گرو اعتماد شهروندان به آنها و در نتیجه، همکاری بهتر با آنان است. اعتماد سیاسی معمولاً سه متعلق دارد: ۱. نظام سیاسی؛ ۲. نهادهای سیاسی؛ ۳. کنشگران سیاسی. هریک از این سه سطح اعتماد، ممکن است به صورت‌های مختلفی در جوامع بروز کند.^۴ تنها راه جلوگیری از فساد اداری و خیانت در بیت المال، پس از ایمان محکم، احساس بی‌نیازی است و این وظیفه دولت است تا به صورت آشکار یا پنهان آن را در احاد کارمندان و شهروندان ایجاد کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «پس، بر کارهای آنان مراقبت دار و در پنهان کسانی را که راستگو و وفادارند، بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت پنهانی، بیشتر آنان را به پاکی و امانت‌داری وامی‌دارد و بهتر می‌توانند به مردم مهربانی کنند؛ یعنی حُسن خدمت نشان دهند.»^۵

۱. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۴: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا».

۲. محمدباقر خرمشاد، مردم‌سالاری دینی، ج ۳، ص ۲۷۹.

۳. امام خمینی رحمه الله، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

۴. منظور از اعتماد سیاسی، میزان اعتمادی است که شهروندان به رهبران و نهادهای سیاسی مربوط به حکومت دارند.

۵. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۴؛ صبحی صالح، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

۳۶۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

حکمرانان باید توجه داشته باشند که «هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد»^۱ به جهت اهمیت اصل اعتماد در همدلی است که رهبر فرزانه جمهوری اسلامی می‌فرماید:

«هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به‌درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای اوست، به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند»^۲

۷. وفای به عهد و امانت‌داری

در باور اسلامی، یکی از اصول همدلی دولت، داشتن بینش امانت الهی است؛ یعنی دولت خوب، دولتی است که حکومت را طعمه خود نداند؛ بلکه حکومت را امانت الهی بداند.^۳ بر اساس این بینش و باور است که استاد شهید مرتضی مطهری در تفسیر آیه امانت می‌نویسد: «قرآن کریم، حاکم و سرپرست اجتماع را به‌عنوان امین و نگهبان اجتماع می‌شناسد و حکومت عادلانه را نوعی امانت که به او سپرده شده و باید ادا نماید، تلقی می‌کند»^۴

۸. مشورت

خداوند سبحان در سوره آل عمران^۵ درباره مشورت، آیه‌ای را نازل کرده که بیانگر سه دستور برای دولتمردان می‌باشد.

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ش، نشانی صفحه اینترنتی:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?>

۳. همان گونه که علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ.» (صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، ص ۳۶۶، نامه ۵؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۳۳، نامه ۵؛ فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۸۳۹، نامه ۵)

۴. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۹۱.

۵. آل عمران، آیه ۱۵۹: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ؛ رحمت خدا، تو را با مردم مهربان گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از اطراف پراکنده می‌شدند. از مردم درگذر و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن و برای دلجویی‌شان در کار جنگ با آنان مشورت نما؛ ولی آنچه خود تصمیم گرفتی، با توکل به خدا انجام بده.»

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۶۹

الف. ملایمت و ملاطفت و دوری از هرگونه بدخویی. این کار، پایه و اساس جذب نیروهای مردمی و مایه جلوگیری از یأس و طرد آنان می‌شود.

ب. چشم‌پوشی از ناروایی‌هایی که گاهی از برخی سر می‌زند و طلب آمرزش برای آنان. این امر، مایه دلگرمی همگان می‌شود.

ج. مشورت مستمر با مردم. این کار، نور امید را بر دل‌ها می‌تاباند و همگان را به حضور در تمامی صحنه‌های سیاسی وا می‌دارد. حضور همیشگی مردمی، نیرومندترین پشتوانه استواری نظام حاکم است؛^۱ محقق نائینی می‌گوید:

«چقدر از مدالیل کتاب و سنت و احکام شریعت و سیره پیامبر و امام خود بی‌خبریم و به جای آنکه شورای عمومی ملی را «هذه بضاعتنا ردت إلینا» بگوییم، با اسلامیت مخالفش می‌شماریم.»^۲

ب. اصولی و مبانی دستیابی ملت به همدلی

ملت برای عملی‌سازی همدلی، لازم است که به اصولی باور داشته باشد و در تحقق و عینی‌سازی آن تلاش کند. عمده‌ترین اصول و شاخص‌های الگوی همدلی ملت عبارت‌اند از:

۱. مشارکت

«مشارکت سیاسی که برجسته‌ترین گونه مشارکت محسوب می‌شود، در واقع، ورود به عرصه انتخاب‌شدن یا انتخاب‌کردن به منظور دخالت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان سیاسی که با سرنوشت جامعه ارتباط دارد، می‌باشد. مشارکت سیاسی، از رأی‌دادن شروع می‌شود و در سطوح بعد، به صورت علاقه‌اندک به سیاست، مشارکت در بخش‌های سیاسی غیررسمی، عضویت انحصاری در یک سازمان شبه‌سیاسی، جست‌وجوی مقام سیاسی یا اداری، ادامه می‌یابد.»^۳ این مفهوم، با مهم‌ترین مباحث مربوط به علم سیاست، نظیر: احزاب، گروه‌های فشار، رابطه مردم و حکومت، جامعه مدنی، پیوند عمیق و ناگسستگی دارد.

۱. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۵.

۲. محمدحسین نائینی، تنبیه الأمة وتنزیه الملة، ص ۸۵.

۳. گی‌روشه، کنش اجتماعی، ترجمه زنجانی‌زاده، ص ۲۸.

۳۷۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مشارکت سیاسی، مقوله‌ای تشکیکی است که مصادیق آن از نظر مرتبه، با یکدیگر به لحاظ صرف وقت و هزینه متفاوت است؛ مشارکت‌هایی همچون عضویت در احزاب سیاسی و شرکت در راهپیمایی‌ها، اعتصاب و تحصن، وقت‌گیر و پرهزینه‌اند. در مقابل، مشارکت انتخاباتی که متداول‌ترین نوع مشارکت می‌باشد، با صرف هزینه‌ای ناچیز و با حضور در پای صندوق آرا محقق می‌گردد. بر همین اساس است که امام راحل و مقام معظم رهبری بارها بر مشارکت سیاسی همگان تأکید نموده‌اند. این مشارکت سیاسی که در عرصه‌های مختلف مانند شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات نمود پیدا می‌کند، همدلی مردم و دولت را به نمایش می‌گذارد.

۲. احساس برابری

فرهنگ اسلامی، به تساوی افراد در بهره‌مندی در بیت‌المال شعار داده و در صدد اجرای چنین فرهنگی است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«از آدم ابوالبشر فرزندی به عنوان غلام یا کنیز متولد نگردیده، تمام فرزندان او از روز نخست آزاده بودند... اکنون قدری از اموال نزد من است و میان سفید و سیاه، برده و آزاده، فرق نخواهم گذاشت و آن را به طور مساوی تقسیم می‌کنم.»^۱

امام خمینی رحمته الله در باره مراعات حقوق دیگران می‌گوید:

«در اسلام، مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام، حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است، حقوق مسیحیان مراعات شده است، حقوق یهود و زرتشتیان مراعات شده است. تمام افراد عالم را، بشر می‌داند و حق بشری برای آنها قائل است.»^۲

جامعه‌ای که مدعی است بر مبنا و اصول دینی، آن هم اسلام زندگی می‌کند، در آن باید همه انسان‌ها برابر باشند و مال، قبیله، نسب، رنگ و مقام نباید تأثیری در ماهیت انسانی آنها داشته باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ وَالثَّقِيلُ وَالْخَفِيفُ وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءٌ؛ همه موجودات: سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسان‌اند.»^۳

۱. محمدباقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱ - ۸۲.

۲. امام خمینی رحمته الله، صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۸.

۳. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵، ص ۲۵۶؛ همچنین رک: نهج البلاغه، ص ۴۰۲ - ۴۰۴، نامه ۵۳.

۳. وفاداری به حکومت

یکی دیگر از اصول همدلی ملت، وفاداری به حکومت می‌باشد. شهروندان باید در پیمان‌شان وفادار باشند. دولتی قدرتمند است که وفاداری شهروندان را داشته باشد. برخی بر این باورند که آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۱ به این مطلب اشاره دارد که اگر شهروندان از مساعدت شایسته در راه پیشرفت و اقتدار نظام دریغ کنند، با دست خود موجبات نابودی خویش را فراهم کرده‌اند.^۲

۴. خیرخواهی

یکی دیگر از اصول همدلی شهروندان، خیرخواهی برای مسئولان می‌باشد. بر شهروندان است که کاستی‌های دولت را به دولتمردان هشدار بدهند؛ چون در فرهنگ اسلامی، یکی از سه دستور پیامبر ﷺ به مردم، نسبت به دولتمردان است که فرموده: «النَّصِيحَةُ لِلْإِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ». پس، بر شهروندان است که به دور از هر آلاشی، به مسئولان اندرز پاک دهند.^۳ در این باره مقام معظم رهبری در سخنان نوروز سال ۱۳۹۴ اش فرمودند:

«من، هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت. هم به مسئولان کشور، در سه قوه، این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدان خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند، رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند.»

۵. پابندی به رأی‌دادن و پیروی از قانون

پابندی به رأی‌دادن و مطیع بودن در برابر قانون، یکی دیگر از اصول همدلی شهروندان است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا وَلَّيْنَاهُمْ ضَرْبَانَهُمَ بِالسُّوْطِ، فَانْتَهُوا وَإِلَّا ضَرْبَانَهُمَ بِالسَّيْفِ عَلَيْهِ»^۴ اگر سلطه و قدرت در دست ما بود، کسانی را که تن به مقررات نمی‌دادند، با تازیانه وادار به تسلیم می‌کردیم و اگر علاج نمی‌شدند، شمشیر به کار می‌بردیم.

۱. بقره، آیه ۱۹۵: «و انفاق کنید در راه خدا از مال خود؛ نه به حد اسراف تا از بی‌چیزی به خطر و مشقت بیفتید.»

۲. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۱۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶۶، ح ۵.

۴. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۰؛ حرّ

عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۱۰.

۳۷۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

پیامدهای همدلی دولت و ملت

- پیشگیری از رفتارهای ناخوشایند دولت یا ملت؛ زیرا هر دو به یکدیگر اعتماد داشته و نگران رفتار و عمل هم می‌باشند؛
- بالا رفتن اعتماد و اطمینان طرفین و به‌وجود آمدن احساس خوشایند و مثبت و همراه شدن زندگی با نشاط؛
- اگر حیات سیاسی بر پایه همدلی استوار شود، مساوی است با عقل جمعی؛ که اخذ تصمیمات صحیح‌تر را به دنبال خواهد داشت؛
- چون ملت به حاکمان و حکام به ملت اعتماد و اطمینان دارند، از بسیاری تعارض‌ها و سوء تفاهم‌ها جلوگیری خواهد شد؛
- موجب اعتماد به نفس ملت و دولت و به‌عبارتی موجب تحقق خودباوری در برطرف کردن مشکلات خواهد شد؛
- همدلی، باعث امنیت روانی و آسایش خاطر طرفین خواهد شد؛
- میل به شرکت در فعالیت‌های گروهی را افزایش خواهد داد؛
- موجب عمران و توسعه سیاسی و آبادانی اقتصادی و رشد فرهنگی و انسجام اجتماعی خواهد شد؛
- و

مجلس بیست و نهم

ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج البلاغه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سجاد ایزدهی*

اشاره

از جمله دوره‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی هر فرد، دوره جوانی است که بهار زندگی به شمار می‌رود. به طور طبیعی، شناخت ویژگی‌های انسان در این دوره، می‌تواند به استفاده مطلوب دوره جوانی بینجامد و به کارگیری توانایی‌ها در این زمان، به رشد و کمال بیشتر منجر شود. بر این اساس، شناخت دوران جوانی، از اهمیت خاص برخوردار است. این مقاله، کندوکاوی است درباره ویژگی‌های جوان از منظر امام علی علیه السلام که در محورهایی چند سامان یافته است.

اهمیت دوران جوانی

جوانی، مناسب‌ترین زمان برای به دست آوردن توانایی‌ها و دانش‌هاست؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد دوران جوانی، فرصتی طلایی و در عین حال، کوتاهی است که اگر به خودشناسی و کمال‌یابی اختصاص یابد، سعادت جوان به خوبی تأمین می‌گردد.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۷۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت جوانی و تأثیر آن در زندگی فرموده: «در ایام سلامت بدن، سرمایه ای فراهم و مهیا نساخته و در اوایل فرصت‌های زندگی و نیرومندی، درس عبرتی نگرفتند و درخشنده‌ترین ایام عمر را رایگان از کف دادند. آیا کسی که در جوانی اهل تن‌پروری بوده، می‌تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد؟!»^۱

نیز: «شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ مَحَلَّهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ»^۲ دو چیز است که فضیلت و برتری آنها را نداند، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد؛ جوانی و سلامت.»

ویژگی‌های جوان

ویژگی‌های جوان، مشتمل بر اوصاف جسمی و روحی است و هرکدام از ویژگی‌ها، در رفتار جوانان تأثیرگذار است. در ذیل، به بیان ویژگی‌ها می‌پردازیم.

الف. ویژگی‌های جسمی

با عنایت به اینکه جوانی بهار زندگی بوده و جوانان از قدرت، نشاط و سلامتی بیشتری نسبت به سایر دوران زندگی برخوردارند، در معارف دینی، استفاده از این ویژگی‌ها برای دستیابی به سعادت و آخرت، مورد تأکید قرار گرفته؛ چنان‌که علی علیه السلام در تفسیر آیه ۷۷ سوره قصص بدان اشاره فرموده است:

«فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»^۳، قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَفَرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَتَشَاطُكَ وَغِنَاكَ وَأَنْ تَطْلُبَ بِهِ الْآخِرَةَ؛^۴ سخن خداوند بلندمرتبه که می‌فرماید: سهم خود را از دنیا فراموش مکن، یعنی: سلامتی، توان، فرصت، جوانی، شادابی و دارایی‌ات را فراموش مکن تا با آنها آخرت را به دست آوری.»

از آنجا که جوانان معمولاً به جهت ویژگی‌های جوانی، عادت به عبادت طولانی ندارند، باید در عبادت رعایت میانه‌روی را بنمایند. امام صادق علیه السلام فرمود: «در جوانی، زیاد عبادت

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۸۰۰.

۲. آقا جمال خوانساری، شرح غررالحکم ودرر الکلم، ج ۷، ص ۱۷۱.

۳. قصص، آیه ۷۷.

۴. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۵.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۷۵

می‌کردم. پدرم به من فرمود: فرزندم! کمتر عبادت کن؛ زیرا خداوند بلندمرتبه اگر بنده‌ای را دوست بدارد، با عبادت کم نیز از او خشنود می‌گردد.^۱ این نکته، در توصیه امام علی علیه السلام به فرزندش نیز آمده است: «فَلَا تَحْمِلْ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ»^۲ بیش از ظرفیت خویش، چیزی را بر خود تحمیل نکن.

۱. قدرت جسمی

از ویژگی دوره جوانی، قدرت جسمی است. بر اساس آیه شریفه قرآن، خداوند پس از نونهالی که انسان از توانایی اندکی در آن ایام برخوردار است، نعمت جوانی را به او اعطا کرده که مشتمل بر بلوغ جسمی و قدرت است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...»^۳ خدا، همان کسی است که شما را آفرید؛ درحالی که ناتوان بودید. آن‌گاه پس از ناتوانی، قوت بخشید و سپس، بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرار داد.

حضرت علی علیه السلام ضمن تأکید بر غلبه تجربه و تفکر برای پیرمردان و ویژگی توانمندی و چابکی برای جوانان، این نکته را مورد عنایت قرار داده که قدرت جسمی، باید با تفکر همراه باشد. همچنین، حضرت، قدرت اندیشه و تجربه کهن سالان را در مقایسه با قدرت جسمی جوانان، دارای اولویت دانسته و فرموده: «رَأَى الشَّيْخُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدِ الْغُلَامِ»^۴ اندیشه پیر را از چابکی و نیرومندی جوان بیشتر دوست دارم. بر این اساس، جوانان باید از لطف الهی، یعنی تجربه کهن سالان، کمال استفاده را ببرند.

۲. تیزهوشی

جوانی، نه فقط دوره بلوغ جسمی و توانایی بدنی انسان است، بلکه مشتمل بر توانایی ذهنی وی است؛ زیرا در این دوره، هوش و عملکرد حواس پنج‌گانه رشد می‌یابد. بر این اساس،

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

۳. روم، آیه ۵۴.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، حکمت ۸۳.

۳۷۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

امام علی علیه السلام دیگران را به مشورت با جوانان فراخوانده و تیزهوشی آنان را ستوده است. گرچه ایشان در ادامه، این مقدار از مشورت را کافی ندانسته و مراجعه به اصحاب تجربه را نیز لازم می‌داند: «هنگامی که در پیشامدی احتیاج به مشورت داشتی، ابتدا به جوانان مراجعه نما؛ زیرا آنان، ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس [نتیجه] آن را به نظر بزرگ‌سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند؛ زیرا تجربه اینان بیشتر است».^۱

ب. ویژگی‌های فکری و روحی

این نوع از ویژگی‌ها را می‌توان در دو محور کلی بررسی نمود:

۱. ویژگی‌های مثبت

مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- قلب پاک

فرصت جوانی، زمان مناسبی برای پیمودن مسیر کمال و ارتباط معنوی با خداوند است؛ زیرا هنوز دوستی دنیا و وابستگی به لذت‌های مادی در دل جوان رسوخ نکرده است. از این رو، وی در این دوره راحت‌تر از زمان پیری می‌تواند خود را از دنیادوستی دور نماید و معنویات را جایگزین آن کند. امام علی علیه السلام در نامه خویش، فرزندش حسن علیه السلام را به داشتن نیت و نفس پاک توصیف می‌نماید: «أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ»^۲، رو به زندگی آوردی و تازه با روزگار روبه‌رو شده‌ای. دارای نیت پاک و روان پاکیزه هستی.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز قلب پاک جوان را مورد تأکید قرار داده است؛ زیرا جوانان زودتر از همه دعوت ایشان را اجابت کردند. رسول خدا فرمود: «به شماها درباره جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۷.

۲. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۷۷

مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند؛ ولی پیران از قبول دعوت‌م سر باز زدند و به مخالفت‌م برخاستند.^۱

نکته قابل توجه در روایت یادشده این است که پیامبر فلسفه مخالفت کهن‌سالان با خود را، قساوت قلوب معرفی نمود که در گذر ایام برایشان حاصل شده. این، در حالی است که جوانان به دلیل عدم دلبستگی به دنیا، قساوت قلب ندارند. پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه روایت با استناد به آیه: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»^۲ دوره‌ای طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان زنگار قساوت گرفت، کلام خویش را خاتمه داده است.

به دلیل آمادگی و تربیت‌پذیری جوان است که امام علی علیه السلام به تربیت جوان در دوران جوانی اهمیت داده و آن را بهترین زمان تربیت‌پذیری دانسته است؛ چنان‌که در نامه امام به فرزندش، امام حسن علیه السلام می‌خوانیم: «به‌راستی که قلب جوان، همچون زمینی است که گیاهی در آن روییده باشد. هر زمان که بذری در آن افکنده شود، می‌پذیرد. پس، به آگاهانیدن تو اقدام کردم، پیش از اینکه دلت سخت و عقلت سرگرم شود.»^۳

نکته تربیتی

با عنایت به اینکه در دوران جوانی، خصلت‌های ناپسند در روح انسان ریشه نکرده، می‌توان با هزینه و زحمت کمتری برای رفع آنها و جایگزین کردن فضیلت‌ها و اخلاق پسندیده اقدام کرد. این امر، در دوران میان‌سالی و کهن‌سالی بسیار سخت خواهد بود؛ زیرا بسیاری از صفات و ویژگی‌ها در این دوران، عادت شده و تغییر آنها به‌آسانی ممکن نخواهد بود. جناب مولوی این قضیه را در قالب داستانی به نظم درآورده که بر اساس آن، تغییر عادات و خصوصیات در جوانی، مانند کندن بوته سست از دل خاک از سوی جوان خارکن است اما اگر این امر توسط جوان در آن ایام انجام نشود، به موازات اینکه خارکن پیر می‌شود و قدرت او ضعیف می‌گردد، خار در دل زمین ریشه کرده و مستحکم می‌شود و به طور طبیعی، کندن این بوته در زمان پیری، سخت و دشوار خواهد بود.

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. حدید، آیه ۱۶.

۳. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

۳۷۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

تو که می‌گویی که فردا، این بدن
آن درخت بد، جوان‌تر می‌شود
خاربن در قوت و برخاستن
او جوان‌تر می‌شود، تو پیرتر
که به هر روزی که می‌آید زمان
وین‌کننده، پیر و مضطر می‌شود
خارکن در سستی و در کاستن
زود باش و روزگار خود مبر^۱

- آروزمندی

از آنجا که جوان در ابتدای زندگی قرار دارد و فاقد بسیاری از امکانات مادی است، همواره درصدد دستیابی به آرزوهای خویش است. بر این اساس، پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَلَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا»^۲ آرزو، برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند.»

امیر مؤمنان علیؓ در نامه به امام حسن علیؓ، به جایگاه آرزو در جوان اشاره نموده: «مِنَ الْوَالِدِ الْقَانِ... إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمِّلِ مَا لَا يُذَرِكُ»^۳ این نامه، از پدری فناپذیر... به فرزندی است که آرزومند چیزی دست‌نیافتنی است.»

نوع نگاه حضرت در خصوص آرزو، بیانگر این معناست که اگرچه جوان مطابق طبعش، دارای آرزوهای فراوان است، اما آرزوها اگر در مسیر عقلانیت و تلاش قرار نگیرد، با خیال‌ها و آرزوهای تهی، تعویض شده، تنها آسودگی زودگذر را به همراه دارد. ازاین‌رو، حضرت علیؓ ضمن اینکه به آروزمندی جوان اشاره می‌کند، آرزوهای دُورودراز و بدون پشتوانه را امری ناصواب شمرده، برای آن، آسیب‌های احتمالی را یادآوری می‌نماید:

«به‌یقین بدان که به همه آرزوهای خود نخواهی رسید. از مرگ جلو نمی‌افتی و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت. پس در به دست آوردن دنیا، آرام باش و در مصرف آنچه به دست آوردی، نیکو عمل کن؛ زیرا چه بسا تلاش بی‌اندازه برای دنیا، به تاراج رفتن اموال را به دنبال دارد.»^۴

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

۳. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. همان.

- آرمان‌گرایی

جوان، به دلیل داشتن قلب پاک و روح صاف، همواره آرمان‌طلب می‌باشد. از این‌رو، عدالت‌طلبی و رسیدن به اهداف بلند را مد نظر قرار داده، در مسیر کمال حرکت می‌نماید و زودتر حق را می‌پذیرد. به همین جهت، بیشتر طرف‌داران پیامبر ﷺ جوانان بوده‌اند؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «بیشترین یاران امام زمان علیه السلام را جوانان تشکیل می‌دهند. یاران مهدی علیه السلام جوان‌اند و کهن‌سالان در میان آنان کم‌اند؛ مانند سرمه در چشم و نمک در توشه؛ چه اینکه کمترین قسمت توشه، نمک است.»^۱

امام صادق علیه السلام در پاسخ به ابوجعفر احول که از اندک‌بودن اجابت‌کنندگان دعوت به مکتب اهل بیت علیه السلام شکایت داشت، آرمان‌گرایی جوانان و استقبال آنان از خیر و عدالت را مورد اشاره قرار داد: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»^۲ جوانان را دریاب؛ زیرا که آنان سریع‌تر به کارهای خیر روی می‌آورند.

رویکرد جوانان به خیر، در حد احساس نیست؛ بلکه بر پایه عشق به خیر است؛ رویکردی که موجب تصمیم‌های اساسی در مبارزه با شر و فساد می‌شود. از این‌رو، علی علیه السلام در توصیه به امام حسن علیه السلام وی را از سکوت و بی‌خیالی نسبت به وضعیت جامعه و اطرافیان برحذر داشته، به اصلاح جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، سفارش کرد. اگرچه ممکن است آرمان‌گرایی، هزینه‌هایی داشته باشد، اما این قضیه نباید وی را دلسرد کند و از کار بازدارد:

«به نیکویی امر کن تا از اهل آن باشی، و از بدی به دست و زبان خود منع کن، و از بدی به قدر طاقت خود جدایی انداز، و در راه خدا به گونه شایسته جهاد کن و سرزنش ملامت‌کنندگان تو را از این کار باز ندارد.»^۳

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

۳. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ویژگی‌های منفی

مهم‌ترین این نوع از ویژگی‌های جوانان عبارت‌اند از:

۱- احساساتی بودن

در وجود انسان، دو عنصر مهم و محوری وجود دارند که عبارت‌اند از: عقل و احساسات. عقل، بر منطق و استدلال متکی است و درباره مسائل مختلف، با محاسبه و سنجش صحیح، قضاوت می‌نماید؛ اما احساس، با منطق و استدلال سر و کار ندارد؛ بلکه هدف آن، ایجاد هیجان و جنبش برای رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ برخلاف عقل که چراغ راهنمای بشر در شناخت راه از چاه یا خیر از شر است.

با فرا رسیدن سن بلوغ، تمایل جنسی و سایر خواهش‌های عاطفی جوان رشد کرده؛ اما از سوی دیگر، عقل جوان به مرحله پختگی نرسیده است. از این رو، قدرت مقابله با احساسات را ندارد. این موضوع، موجب می‌شود که جوانان در معرض آسیب قرار داشته باشند. بنابراین، جوان باید با بهره‌گیری از احساسات توأم با عقل، مسیر زندگی را طی کند و از اطاعت بی‌چون‌وچرای احساسات بپرهیزد؛ در غیر این صورت، عقل، اسیر احساسات می‌گردد و این امر، پیامدهایی منفی دارد.

به جهت احساسی بودن جوان است که امیرمؤمنان، علی علیه السلام خطاب به فرزندش، امام حسن علیه السلام یادآوری می‌نماید مواظب باشد که تحت تأثیر احساسات قرار نگیرد: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ عِنْدَ هَوَىِّ أَمِيرٍ»^۱ چه بسیار عقلی که در برابر فرمانروایی هوا و خواهش‌های نفسانی، اسیر و گرفتار است. حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي»^۲ تو را پاره‌ای از تن خود یافتیم؛ بلکه تمام وجود خود احساس کردم؛ به طوری که اگر مصیبتی به تو روی آورد، مثل این است که به من روی آورده و اگر مرگ گریبان تو را بگیرد، گویا گریبان مرا گرفته است و من، غم کار تو را همچون غم کار خود می‌خورم.

۱. همان، حکمت ۲۰۶.

۲. همان، نامه ۳۱.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۸۱

حضرت علی علیه السلام برای تعدیل احساسات و جلوگیری از آسیب‌های آن، امام حسن علیه السلام را به اموری چون: تقوا، موعظه‌پذیری و عبرت‌آموزی فراخوانده، می‌فرماید:

«پس، ای پسرکم! تو را به پرهیزکاری و ترس از خدا و پیوسته‌امری و فرمان او را بردن و آبادساختن خانه دل خود با یاد خدا و چنگ‌زدن به ریسمان او، سفارش می‌کنم. کدام وسیله، اطمینان‌بخش‌تر و استوارتر از رشته بین تو و خداست، اگر آن را دستاویز قرار دهی؟! دلت را به موعظه زنده‌دار؛ با پارسایی بمیران؛ به وسیله یقین نیرومند ساز؛ به نور حکمت روشن کن؛ با یاد مرگ، ذلیل و خاشع گردان و به اعتراف بر نابودی و فنا وادار نما.»^۱

- جهالت^۲

علم، از امور اکتسابی است و باید در طول زمان و با تحمل رنج حاصل شود. جوان نیز دارای ناآگاهی‌های فراوان است. از این جهت، در آغاز راه تحصیل علم و دانش قرار دارد و از سوی دیگر، تیزهوشی و توانایی‌های جسمی و هویت‌طلبانه جوان، موجب می‌شود که جهل خود را باور نداشته و حتی کتمان نماید. از این رو باید با سعی و تلاش، به کسب علم همت گمارد؛ نه اینکه این کاستی را باور نداشته یا کتمان نماید: «جَهْلُ الشَّابِّ مَعْدُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ»^۳ نادانی جوان، معذور است و علم او، کوچک و ناچیز شمرده می‌شود.

امام علی علیه السلام نادانی را از جمله ویژگی‌های جوانان برمی‌شمارد و فلسفه آن را نادانی انسان از بدو تولد نسبت به موضوعات و اکتسابی بودن علم دانسته است:

«پس، اگر امری از امور بر تو مشکل شد، بر نادانی خود حمل کن؛ زیرا در آغاز آفرینش خود نادان بودی. پس، دانا شدی و چه بسیار چیزها که از آنها آگاه نیستی و اندیشه‌ات درباره آن سرگردان و بصیرت تو نسبت به آن ناچیز است و بعدها راجع به آن بینا می‌گردی.»^۴

۱. همان.

۲. دو معنا از جهل وجود دارد: یکی، جهل در برابر عقل است که به سفاقت و حماقت معنا می‌شود و دوم،

جهل در برابر علم است که به نادانی معنا می‌گردد. به طور طبیعی، مراد ما از جهالت، معنای دوم است.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۶، ح ۱۱۹۷.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

جوانی، فصل کسب دانایی

همان‌طور که اشاره شد، جوان در فصل بهار زندگی که توانایی جسمی و روحی دارد، باید از جهالت خویش کاسته، بر دامنه آگاهی‌هایش بیفزاید؛ اما با عنایت به گستردگی علوم، یادگیری همه آنها میسر نیست. از این رو، جوانان باید مطابق اهداف و آرمان‌های خویش، علمی خاص را تحصیل نمایند و به کسب دانش‌هایی بپردازند که در زمان جوانی و پیری برایشان مفید باشد: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَأَخَيْرَ فِی عِلْمٍ لَّایَنْفَعُ وَلَا یَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَّایَحِقُّ تَعَلُّمُهُ»^۱ بدان که دانش بی‌فایده را خیری نیست و از علمی که شایسته آموختن نیست، فایده و منفعتی عاید نمی‌شود.

در جای دیگر فرموده: «أُولَى الْأَشْیَاءِ أَنْ یَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْیَاءِ الَّتِی إِذَا صَارُوا رِجَالاً إِحْتَاجُوا إِلِیْهَا»^۲ شایسته‌ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، چیزهایی هستند که هنگام بزرگسالی به آنها نیاز دارند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که بر جوان مسلمان فرض است که همواره در طلب علم باشد؛ در غیر این صورت، نه تنها ضرر کرده و جوانی‌اش را تباه ساخته، بلکه این امر، وی را مستوجب عذاب الهی خواهد نمود:

«دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر جوانی چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، [عمر خویش را] تباه ساخته و اگر تباه سازد، گناه کرده است. اگر گناه کند، سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، دوزخ‌نشین خواهد بود.»^۳

کسب علوم، به زمان خاصی اختصاص ندارد؛ اما در برخی از زمان‌ها و مقاطع سنی، یادگیری علوم اهمیت بیشتری دارد. از این رو، از علم‌آموزی هنگام کودکی و نوجوانی، در روایات به حکم‌نمودن نقش بر سنگ تعبیر شده که به‌سادگی از بین نمی‌رود: «هرکس در

۱. همان.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳، ح ۸۱۷.

۳. شیخ طوسی، مالی، ص ۳۰۳، ح ۶۰۴.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۸۳

جوانی‌اش بیاموزد، آموخته‌اش مانند نقش بر سنگ است و هرکس در بزرگسالی بیاموزد، مانند نوشتن روی آب است.^۱

به دلیل اهمیت علم‌آموزی جوانان، دشمنان در صددند از این فرصت استفاده کرده، ذهن آنان را به شبهات آلوده نمایند. از این رو، هرگاه معارف دینی در زمان مناسب (جوانی) به آنان تعلیم شود، دشمنان قادر نخواهند بود آنها را منحرف سازند. امام صادق علیه السلام فرمود: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ»^۲ به آموختن حدیث به نوجوانان پیش از آنکه منحرفان آنان را گمراه سازند، اقدام نمایید.

- غرور

غرور که به معنای فریفته‌شدن به دنیا و امکانات آن معنا شده، ممکن است برای هرکسی رخ دهد؛ اما جوانان که در اوج قدرت و توانایی جسمی و ذهنی قرار دارند، می‌توانند از این تهدید، فرصتی برای وصول به سعادت و کمال بسازند. طبیعی است، چگونگی وصول به سعادت یا بدبختی، تابع کیفیت به‌کارگرفتن توانایی‌های فکری و جسمی است؛ برای نمونه، جوان می‌تواند از قدرت بدنی خویش برای یاری ستم‌دیدگان استفاده نماید؛ ولی اگر به قدرت خویش مغرور شود، آن را در مسیر ستم به دیگران به کار خواهد گرفت.

از این رو، حضرت علی علیه السلام همگان، به‌ویژه جوانان را از استفاده نامناسب از قدرت، مال، علم و جوانی، پرهیز داد: «يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَسُكْرِ الْقُدْرَةِ وَسُكْرِ الْعِلْمِ وَسُكْرِ الْمَدْحِ وَسُكْرِ الشَّبَابِ»^۳ سزاوار است که عاقل از مستی: ثروت، قدرت، دانش، ستایش و جوانی بپرهیزد.

امیر مؤمنان، آفاتی را که ممکن است برای جوان به وجود بیاید، یادآوری نموده؛ چنان‌که فرزند خویش، امام حسن علیه السلام را به استفاده منطقی از توانایی‌های جوانی سفارش کرده و فرموده:

۱. قطب راوندی، النواذر، ص ۱۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۰.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۶۶، ح ۸۷۵.

«از پدری در آستانه مرگ، به ناهمواری زمان معترف، پشت کرده به عمر، تسلیم روزگار، بدبین به دنیا، ساکن خانه‌های مردگان و آن‌که تنها از آن خانه‌ها کوچ می‌کند، به فرزندش که آرزومند چیزی است که نمی‌رسد، رونده راه نابودشدگان، هدف بیماری‌ها، گروگان روزگار، محل آماج مصیبت‌ها و غم‌ها، بنده دنیا، سوداگر غرور، بدهکار نابودی‌ها، گرفتار مرگ، هم‌سفر رنج‌ها، همدم غم‌ها و ...»^۱

بدیهی است، مربیان و والدین باید ضمن آشناساختن جوانان با ویژگی‌های جوانی، نقاط ضعف و قوت دوره جوانی را به آنان یادآور شوند و ایشان را به استفاده مطلوب از توانایی‌ها سوق دهند.

علی علیه السلام به والدین و مربیان سفارش نموده که خطاهای جوانان را نادیده گیرند: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدَّثَ فَأُتْرِكَ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لِيُثَلِّاَ يَحْمِلُهُ الْإِخْرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ»^۲ هرگاه جوانی را سرزنش کردی، بخشی از خطاهای وی را نادیده بگیر تا سرزنش تو، وی را به لجاجت نکشاند.

۳. ویژگی عمومی

- الگوگیری

از بارزترین ویژگی‌های جوان، الگوپذیری است. این ویژگی، ازاین‌روی در جوانان شکل می‌گیرد که توانایی درک علمی امور را ندارند و شناخت واقعیت‌ها و تحلیل رفتار دیگران به آسانی برای آنان امکان‌پذیر نیست. در صورتی که جوان از الگوی مناسب پیروی کند، می‌تواند راه وصول به کمال را به سرعت طی نماید. در مقابل، توجه جوانان به الگوهای نامناسب، زمینه انحراف و تباهی ایشان را فراهم می‌سازد؛ چنان‌که فرهنگ‌سازان دنیای غرب، با توجه به این ویژگی جوانان است که الگوهای ساختگی و شخصیت‌های نامناسب را ترویج می‌کنند و با این عمل، جوانان را از هویت انسانی و اسلامی‌شان جدا می‌نمایند.

علی علیه السلام الگوگرفتن از شخصیت‌های الهی را مورد تأکید قرار داده، همگان، به‌ویژه جوانان را به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراخوانده است: «وَأَقْتَدُوا بِهْدَى نَبِيِّكُمْ أَفْضَلَ الْهَدَى وَأَسْتَتُوا

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۸۵

بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ^۱؛ به سیره پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت‌کننده‌ترین سنت هاست.»

حضرت همچنین اقتدا به الگوهای شایسته را مورد عنایت قرار داده و از پیامبر ﷺ به عنوان برترین الگوی خویش یاد کرده است: «من در پی او بودم؛ چنان‌که بچه شتر در پی مادر است. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای برپامی‌داشت و مرا به پیروی از آن می‌گماشت.»^۲

افزون‌براین، آن امام بزرگوار، همگان را به الگوپذیری از اهل بیت علیهم‌السلام فراخوانده و فرموده: «به اهل بیت پیامبر ﷺ بنگرید. از آن سوی که آنها گام برمی‌دارند، منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید. آنان هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام نمودند، قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید. از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید.»^۳

امام در نامه خویش به فرزندش، حسن علی‌علیه‌السلام وی را به تبعیت از صالحان گذشته و استفاده از تجربه خوب آنان سفارش نموده و علت آن را گوشزد کرده است:

«... پیمودن راهی است که پدرانت و صالحان خاندانت پیموده‌اند؛ زیرا آنان آن گونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی، در امور خویشتن نظر داشتند و همان‌گونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند. تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند، روی گردانند. اگر نفس تو از پذیرفتن سر باز زند و خواهد چنان‌که آنان دانستند، بداند، پس تلاش کن درخواست‌هایت از روی درک و آگاهی باشد.»^۴

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲. همان، خطبه ۱۹۱.

۳. همان، خطبه ۹۷.

۴. همان، نامه ۳۱.

- عبرت آموزی

یکی از مسائل مهم که جوانان باید بدان توجه نمایند، عبرت‌پذیری است. امام علی علیه السلام با طرح سرگذشت اقوام و سران حکومت‌ها، جوانان را به عبرت‌پذیری فرامی‌خواند: «فَاتَّعِظُوا بِالْغَيْرِ وَاعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ»^۱ از عبرت‌ها پند گیرید و از تغییرات، عبرت گیرید. و: «اعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ»^۲ از آنچه از درگیری‌های قرون پیشین مشاهده کردید، عبرت گیرید. نیز: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ»^۳ از آنچه بر سر امت‌های گردنکش آمد، عبرت بگیرید.

- کسب تجربه

دوره جوانی، دوره بی‌تجربگی است و جوان، به‌شدت به کسب تجربه نیاز دارد. به همین سبب، امام علیه السلام جوانان را به تجربه‌پذیری دعوت می‌نماید: «إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ»^۴ همانا عاقل، کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند.

آن امام بزرگوار در این باره به فرزندش پند می‌دهد:

«پسرم! اگر چه به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند، عمر نکردم، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم؛ تا بدانجا که همانند یکی از آنان شدم؛ بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنها به من رسید، با همه ایشان از اوّل تا آخر بوده‌ام. پس، قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن بازشناختم و سود و زیانش را دانستم. از میان تمام آنها، قسمت‌های مهم و برگزیده را برایت خلاصه کردم و از بین همه آنها، زیبایش را برایت برگزیدم و ناشناخته‌های آن را از تو دور نمودم.»^۵

۱. همان، خطبه ۱۵۷.

۲. همان، خطبه ۱۶۱.

۳. همان، خطبه ۱۹۲.

۴. همان، نامه ۳۱.

۵. همان.

مجلس سی‌ام

روز جهانی قدس، نماد اسرائیل ستیزی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا بهروز*

اشاره

یکی از میراث‌های گرانسنگ امام راحل علیه‌السلام، روز جهانی قدس است. این امر، در تحولات منطقه و مبارزه با اسرائیل، نقش بنیادی دارد؛ به گونه‌ای که استکبار جهانی و صهیونیسم، به شدت از اعلام روز قدس اظهار نگرانی نمودند. دیدگاه امام علیه‌السلام درباره قدس، یادگار جاودانه است که بر تارک تاریخ می‌درخشد و مرزهای جغرافیایی را درنور دیده، در عین حال، بازخوانی آن از بایسته‌های هر زمان است.

فلسطین، سرزمین کیست؟

آیا سرزمین فلسطین، متعلق به اسرائیل است؟^۱ اگر چنین است، طبیعی است که از سرزمین خود دفاع کنند؛ اما حقیقت آن است که این ادعایی بیش نیست؛ زیرا صاحبان اصلی سرزمین فلسطین، مردم بومی آن هستند و نه یهودیان؛ هرچند برخی فلسطینیان به یهودیان

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. رک: علی جدید بناب، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، ص ۴۱ - ۴۲.

زمین فروختند و در این توطئه، دولت انگلستان دست داشت؛^۱ ولی بخش‌هایی از زمین فلسطین را یهودیان از طریق غصب و آواره‌نمودن مردم فلسطین، تصاحب نمودند.^۲

به عبارت دیگر، دو هزار و پانصد سال پیش از میلاد حضرت مسیح علیه السلام چند قبیله عرب از جزیره العرب به سوی سواحل جنوبی دریای مدیترانه کوچ کردند. برخی از اینها در فلسطین سکنا گزیدند و از راه کشاورزی معیشت می‌کردند. به این عده، «کنعانیان» اطلاق می‌شود و به همین جهت، سرزمین فلسطین را «ارض کنعانیان» نامیده‌اند. برخی نیز در لبنان ساکن شدند و از راه دریانوردی زندگی می‌کردند. اینها را «فینیقیان» می‌نامیدند. یک طایفه مهم از کنعانیان، به نام «یوسیون»، در بیت المقدس سکنا گزیدند. بدین جهت، در قدیم منطقه بیت المقدس را «یوس» می‌نامیدند. بر اساس تاریخ یهود، پیش از ورود بنی اسرائیل به فلسطین، هفت قبیله بزرگ‌تر از بنی اسرائیل در آنجا زندگی می‌کردند. این قبایل عبارت‌اند از: حِثیان، جرجاشیان، اموریان، کنعانیان، فرِزّیان، حوّیان و یئوسیّان. عهد عتیق از آنها به عنوان امت‌های بسیار و هفت امت عظیم یاد کرده است.^۳

پس از گذشت صدها سال، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام از «اورکلدان» عراق به ارض کنعان هجرت نمود و بعد از تولد اسحاق و یعقوب، و سپس فرزندان و عشیره یعقوب، بنی اسرائیل شکل گرفتند. بنابراین، پیش از شکل‌گیری بنی اسرائیل و یهود، مردم فلسطین در آن منطقه زندگی می‌کردند و حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندان او از جای دیگر به آن دیار رو آورده بودند. سپس، حوادث و درگیری‌های فراوانی در این منطقه اتفاق افتاد تا اینکه حضرت عیسی علیه السلام در شهر ناصره فلسطین به رسالت مبعوث شد. از این پس، بنی اسرائیل به دو گروه یهودی و مسیحی تقسیم شدند. برخی به حضرت عیسی علیه السلام ایمان آوردند و مسیحی شدند و بعضی امتناع ورزیدند و با آنان درگیر شدند. بنابراین، همه بنی اسرائیل، یهودی باقی نماندند.^۴

۱. ر.ک: صبری جریس و الی لوبل، صهیونیسم در فلسطین، ص ۲۰۴.

۲. عبدالوهاب کیالی، تاریخ نوین فلسطین، ص ۶۲.

۳. عهد عتیق، تثنیه ۷: ۱.

۴. اکرم زعتیر، سرگذشت فلسطین، ترجمه اکبر هاشمی رفسنجانی، ص ۷۷؛ غلام‌رضا گلی زواره،

سرزمین‌های اسلامی، ص ۱۳۳.

تصرف فلسطین

اگرچه مقداری از سرزمین‌های این منطقه را فلسطینیان به یهودیان فروختند، اما این امر در شرایط خاص و به‌کارگیری سیاست‌های ظالمانه صورت گرفت؛^۱ یعنی یهودیان با مهاجرت به فلسطین، تجاوز به این کشور و تشکیل حکومت، بر فلسطین مسلط گردیدند و بخش وسیعی از این کشور را تصرف کردند؛^۲ چنان‌که در سال ۱۲۹۶ش، یهودیان تنها ۶۵۰ کیلومترمربع از ۲۷ هزار کیلومتر مربع مساحت کل فلسطین را در مالکیت خود داشتند. در این سال، با شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، انگلستان سرزمین فلسطین را اشغال کرد و طی اعلامیه‌ای به صهیونیست‌ها اجازه داد که در فلسطین، «کانون ملی یهود» ایجاد کنند و یهودی‌های غیرفلسطینی را به سکونت در زمین‌های سلطنتی متعلق به دولت عثمانی شکست‌خورده تشویق کرد. از این پس، اشغالگران انگلیسی با وضع انواع و اقسام قوانین، وضع را برای اشغال زمین‌ها، ساختمان‌ها و باغ‌های فلسطینی توسط یهودیان فراهم کردند. رقمی در حدود ۵۹۷ کیلومترمربع توسط دولت بریتانیا به طور رایگان یا به قیمت ارزان در اختیار آژانس یهود و شرکت‌های صهیونیستی قرار گرفت. ۶۷۸ کیلومترمربع نیز توسط خانواده‌های عرب غیرفلسطینی به یهودیان فروخته شد. ۶۸ کیلومترمربع نیز به دستور وزیر مختار انگلیس توسط یهودیان به زور از فلسطینیان گرفته شد.

به هر حال، در میان ملت فلسطین بسیار کم دیده شده‌اند کسانی که زمین‌های خود را فروخته باشند. وانگهی، آن دسته اندک که زمین‌های خود را فروختند، اغلب نه با طیب خاطر که در اثر اوضاع نابسامان به‌وجودآمده از قوانین انگلیس در مورد کشاورزان فلسطینی، مجبور به فروش زمین‌های خود شدند؛ مثلاً دولت انگلیس، مقدار مالیات‌ها را افزایش می‌داد و هم‌زمان از صدور حبوبات و زیتون که عمده محصول کشاورزی فلسطین بود، جلوگیری می‌کرد. در نتیجه، کشاورزان از عهده مخارج و مالیات‌ها برنمی‌آمدند و به‌ناچار، ملک خود را در معرض فروش می‌گذاشتند.

۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. علی جدید بناب، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، ص ۴۱ - ۴۲.

۳۹۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

در تاریخ معاصر فلسطین، گزارش‌هایی از مراسم جشن و پایکوبی مردم به میمنت مجازات معبود خائنانی که اقدام به فروش زمین‌هایشان کرده بودند، ضبط شده است. طبیعی است که در چنین فضایی، کمتر کسی به خود جرئت می‌داده است که دست به فروش زمین به صهیونیست‌ها بزند. جمع ارقام زمین‌های واگذار شده به صهیونیست‌ها، با احتساب زمین‌هایی که از قبل در اختیار یهودیان بوده، در زمان سلطه انگلیس، تقریباً دو هزار کیلومترمربع است که در مقایسه با ۲۷ هزار کیلومترمربع مساحت فلسطین، فقط ۷/۷ درصد است. از این درصد، حدود یک‌سوم آن از طریق خرید به صهیونیست‌ها رسیده و بقیه با یاری انگلیس در اختیار آنها گذاشته شده است. این، بدان معناست که فقط حدود ۲/۵ درصد از زمین‌های فلسطین به صهیونیست‌ها فروخته شده است. پس از خروج انگلیس از فلسطین در اردیبهشت ۱۳۲۷ (۱۹۴۸ میلادی)، بقیه این سرزمین، نه از طریق خرید که با کشتار، غصب، شکنجه، تخریب، فشار و توطئه و با بدترین شکل از فجایع و جنایات، به تصرف صهیونیست‌ها درآمده است.^۱

علل حمایت ایران از فلسطین

چرا از مردم فلسطین حمایت می‌کنیم و به آنان کمک می‌نماییم؟ در پاسخ باید گفت که وظایف و کارکردهای دولت‌ها به هیچ‌وجه منحصر به مسائل داخلی نمی‌باشد؛ بلکه دولت‌ها علاوه بر کوشش جهت بهبود مسائل داخلی، وظایف و اهدافی را در خارج از مرزهای جغرافیایی و در محیط بین‌المللی، بر عهده دارند. این وظایف، بر اساس تعریفی که هرکدام از دولت‌ها از منافع ملی، اهداف و آرمان‌ها، امکانات مادی و معنوی خود دارند، متفاوت خواهد بود. در هر صورت، دولتی موفق است که بتواند وظایف خود را در داخل و خارج به‌خوبی انجام دهد. بر این اساس، شناخت وظایف متعدد دولت، نکته‌ای با اهمیت می‌باشد که به صورت مختصر به بررسی آن می‌پردازیم:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۰/۲/۸، با تلخیص و اندکی تغییر؛ اکرم زعیتیر، سرگذشت فلسطین، ص ۱۴۵ و ۱۵۷؛ محمود محجوب و فرامرز یآوری، گیتاشناسی کشورها، ذیل کلمه «فلسطین»؛ مجید صفاتاج، ماجرای فلسطین، ص ۷۰.

مجلس سی‌ام: روز جهانی قدس، نماد اسرائیل ستیزی ■ ۳۹۱

یکم: بر اساس آموزه‌های دینی، جامعه اسلامی پیکره واحدی است: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۱ در حقیقت این امت شما، امتی یگانه است و من پروردگار شمایم. پس، از من پروا دارید. بر مبنای این آیه، همبستگی عمیقی بین همه مسلمانان دنیا، صرف نظر از هرگونه مرزبندی و جغرافیایی به جهت وحدت کلمه و اعتقاد به تعالیم الهی، وجود دارد. همدردی، همدلی و هم‌نوایی، یکی از ویژگی‌های بارز امت اسلامی است که دل‌های آنان را به یکدیگر نزدیک می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى شَيْءٌ مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ»^۲ مؤمن، برادر مؤمن و مانند یک پیکر هستند؛ هنگامی که عضوی از بدن رنجور می‌شود، دیگر اعضا به مراقبت و حمایت از او هم‌داستان می‌شوند.

همبستگی عمیق اسلامی، تعاون اسلامی را به همراه دارد؛ بدین معنا که مسلمانان در تمامی امور، موظف به همیاری‌اند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۳ در نیکوکاری و پرهیزکاری، با یکدیگر همکاری کنید. بر این اساس، همگان مسئول همدیگرند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۴ هر کس ندایی را بشنود که مسلمانان را به کمک می‌طلبد و پاسخ مساعد نگوید، مسلمان نیست. همچنین در حدیث دیگری می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» هر کس صبح برخیزد و در اندیشه کارهای مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

دوم: بر اساس اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول: ۳، ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴)، دولت به نمایندگی از همه مردم، موظف به ایفای «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان» است. به همین جهت، «موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اعتماد ملل اسلامی، قرار دهد» و در اعمال سیاست خارجی، به «دفاع از همه مسلمانان» بپردازد. بنابراین، هم بر اساس آموزه‌های اسلام و هم بر مبنای اصول متعدد قانون اساسی، دولت موظف است از سایر مسلمانان جهان حمایت نماید.

۱. مؤمنون، آیه ۵۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. مائده، آیه ۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

سوم: با توجه به واقعیت‌هایی از قبیل وجود مرزبندی‌های بین‌المللی و حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران، ارائه الگویی نمونه بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی با توجه به نیازهای داخلی و خارجی، دارای اهمیت می‌باشد. حال، اگر زمانی بین نیازهای داخل و خارج، ناهمگونی به وجود آمد، رعایت اصول زیر، ضروری می‌نماید:

الف) بر اساس آیات و روایات متعدد، ایران به عنوان یک نظام اسلامی، دارای مسئولیت‌هایی فراملی، نسبت به سایر مسلمانان است. مسئولیت‌ها هنگام تراحم بین نیازهای داخلی و خارجی، باید مراعات شود؛ مثلاً اگر در کشورهای دیگر، مسلمانانی نیازمند ضروری‌ترین نیازهای حیاتی مانند: غذا، دارو و پوشاک باشند، بدون شک، نمی‌توان به نیازمندی‌های غیرحیاتی و کم‌اهمیت‌تر داخلی اولویت داد؛ چون مسئله زندگی و حفظ جان مسلمانان در میان است.

ب) ملاک تقدم نیازهای داخل یا خارج در امور غیرمستقیم فراملی، رعایت اصل اهم و مهم است؛ به بیان دیگر، حاکم اسلامی با کمک‌گرفتن از متخصصان و کارشناسان رشته‌های مختلف و با درک شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، باید مشخص کند که اولویت با رفع نیازهای داخلی است یا نیازهای خارجی. در هر حالت، باید مسئولیت‌های برون‌مرزی و کمک‌های حیاتی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دهد. چه بسا در مواردی، بر اساس نظریات کارشناسی و تخصصی ثابت می‌شود که وظیفه برون‌مرزی بر نیازهای داخل اولویت دارد، مانند حمایت ایران از حزب‌الله لبنان در مقابل رژیم غاصب اسرائیل. در مواردی نیز مسائل داخلی اولویت دارد؛ مانند تقدم دفاع از مرزهای کشور در برابر حمله عراق.

با توجه به نیازهای حیاتی مردم فلسطین و امکانات نسبتاً خوب کشورمان، کمک‌هایی محدود وجود داشته؛ اما تأثیر منفی در روند آبادانی و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی ما بر جای نمی‌گذارد و موجب پایمال‌شدن حقوق مردم نمی‌گردد. به علاوه، نتایج مثبتی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت، در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل، برای کشورمان به ارمغان می‌آورد.

بنابراین:

مجلس سی‌ام: روز جهانی قدس، نماد اسرائیل ستیزی ■ ۳۹۳

۱. فشارها و مشکلات جامعه هر اندازه بسیار باشد، در برابر وضعیت پیش آمده برای برادران و خواهران آواره فلسطینی، قابل قیاس نیست.

۲. مسلمانان امت واحده و دارای سرنوشت مشترکی هستند. استعمارگران همواره در پی جداسازی و تفرقه میان ملت‌های مسلمان‌اند تا از این رهگذر، سلطه خود را بر جهان اسلام بیشتر استوار سازند. پس، اگر دست از یاری برادران مظلوم مسلمان خود برداریم، به پاره‌سازی امت واحد اسلامی که هدف دشمنان است، کمک کرده‌ایم.

۳. در روایت آمده: کمک‌های فردی، موجب افزایش نعمت و برکات الهی است؛ کمک‌های اجتماعی نیز چنین است.

۴. امروزه در تمام جهان، سرمایه‌هایی برای کمک به جوامع محروم اختصاص داده می‌شود. در این حرکت انسان‌دوستانه، باید مسلمانان و جمهوری اسلامی پیشتاز باشند.

۵. انجام حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی در حد وسع و توان از ملت‌های مسلمان دیگر، به‌خصوص فلسطین، نه تنها با منافع ملی ما تعارض ندارد، بلکه در راستای تأمین منافع ملی ایران به حساب می‌آید؛ زیرا: اولاً، منافع ملی یک کشور، فقط در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی‌شود. از این رو، دولت‌ها به میزان هزینه‌هایی که در کشورهای دیگر مبذول می‌دارند، از توان و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بیشتری در آینده آن کشور و معادلات منطقه‌ای برخوردار می‌باشند.

ثانیاً، حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور، نیازمند صرف چنین هزینه‌ها و کمک به ملت‌هایی است که در خط اوّل مبارزه با دشمنان ما قرار دارند.

آینده‌نگری و تأمین منافع بلندمدت، بهترین دلیل بر انجام چنین اقداماتی می‌باشد؛ زیرا آرمان‌ها و اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، هرگز به فلسطین محدود نبوده، بلکه آرزوی سیطره بر جهان اسلام و خاصه ام‌القرای آن، یعنی جمهوری اسلامی ایران را در سر می‌پروراند.

۶. یکپارچگی، ما را بهتر حفظ می‌کند و قدرت جمعی‌مان را بر دشمنان افزون می‌سازد و برای مصونیت ما از خطرات دشمن، بسیار مفید است.

۳۹۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۷. کمک به کشورهای دیگر، مختص ایران نیست؛ بلکه کشورهای بزرگ جهان، مانند آمریکا، کمک‌های بسیاری به اسرائیل می‌نماید. حال آیا رواست که کشورهای اسلامی از انجام کمترین وظیفه دینی و انسانی خود در قبال مشکلات مردم فلسطین دریغ ورزند؟

۸. نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدا، بیشترین توان خود را جهت محرومیت‌زدایی و مبارزه با فقر داشته و تاکنون نیز نتایج درخشانی گرفته است؛ اما به دلایل متعددی از قبیل: وضعیت اقتصادی کشور، وابستگی به نفت، وقوع جنگ تحمیلی و محاصره‌های اقتصادی، شاهد وجود مشکلات اجتماعی و اقتصادی هستیم. وجود مشکلات و معضلات، نمی‌تواند توجیه‌کننده بی‌توجهی ایران در برابر وضعیت نابسامان سایر مسلمان باشد. همراه با انجام وظیفه برون‌مرزی خود، باید به حل مشکلات درون نیز پردازیم.^۱ بر این اساس، امام راحل علیه السلام مردم و دولت ایران را به حمایت همه‌جانبه از مردم لبنان و فلسطین فراخواند:

«اکنون بر عموم مسلمین و دول کشورهای اسلامی، و خصوصاً بر دول عربی، لازم است برای حفظ استقلال خود، از این گروه مجاهد نگهداری کنند و به آنان کمک نمایند و از رساندن اسلحه و آذوقه به آنان دریغ نورزند.»^۲

مهم‌تر از همه اینکه حاکم اسلامی اختیارات و وظیفه دارد که بیت‌المال را هر جا صلاح بداند، مصرف کند و این، معنایش ضایع کردن حقوق مردم و از کیسه خلیفه بخشیدن نیست. یکی از مصالح مهم هر کشوری، حفظ منافع آن است و از جمله راهکارهای حفظ منافع، کمک به کشورهایی است که موجب حفظ جامعه ما در برابر اسرائیل می‌باشند.

اهداف اعلام روز قدس

با بررسی مجموعه سخنان حضرت امام علیه السلام در مورد روز قدس می‌توان به فراگیر و جهانی بودن این مفهوم در نظر ایشان پی‌برد. ایشان درست دست روی نقطه‌ای گذاشته‌اند که وجه مشترک همه مسلمانان، از همه طبقه‌هاست و مسئله‌ای فرامذهبی و فراقومی می‌باشد

۱. ر.ک: صادق حقیقت، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*، ص ۴۶۷؛ سید محمد

هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*، ص ۳۸۵، ج اول.

۲. امام خمینی علیه السلام، *صحیفه امام*، ج ۲، ص ۴۶۳.

مجلس سی‌ام: روز جهانی قدس، نماد اسرائیل ستیزی ■ ۳۹۵

که باعث انسجام و وحدت کلمه درون جامعه اسلامی می‌گردد. هوشیاری دیگر امام علیه السلام، در انتخاب زمان این روز است که از ظرافت خاصی برخوردار است؛ چراکه این روز، در روزهای پایانی ماه رمضان است و عموم مسلمانان با تأثیرپذیری از آثار معنوی این ماه، خود را تهذیب و تزکیه نموده‌اند. ایشان می‌فرماید:

«جمعه آخر ماه مبارک رمضان، روز قدس است و در دهه آخر ماه رمضان، به احتمال زیاد شب قدر است؛ شبی است که احیای آن، سنت الهی است و قدر و شبی است که مقدرات خلق در آن شب پایه‌ریزی می‌شود. روز قدس که همجوار شب قدر است، لازم است که در بین مسلمانان احیا شود و مبدأ بیداری و هوشیاری آنان باشد و از غفلت‌هایی که در طول تاریخ، خصوصاً سده‌های اخیر شده است، بیرون آیند.»^۱

در مجموع، امام علیه السلام با بیان این مطلب، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. رشد افکار عمومی

امام علیه السلام معتقد است اسرائیل رژیم نژادپرست، سلطه‌جو و خشونت‌گراست و شعار آن، فراتر از نیل تا فرات می‌باشد. این قوم در طول تاریخ جنایت‌های بسیاری را مرتکب شده و امروزه نیز شاهد ظلم این رژیم به مردم لبنان و فلسطین می‌باشیم. به سبب ویژگی‌های یهودیان است که بیشتر ملت‌ها با یهودیان رابطه خوب نداشته و ندارند؛ نمونه‌های ذیل، شاهد این ادعاست:

– در سال ۱۲۹۰ میلادی، یهودیان ساکن لندن به اندازه‌ای مردم انگلستان را به ستوه آوردند که «ادوارد» فرمان داد یهودیان را از انگلستان بیرون کنند. پس از این، حدود ۴۰۰ سال ورود یهود به انگلستان ممنوع بود تا اینکه در ۱۶۵۷ «کرمویل» تحت شرایطی اجازه ورود یهودیان به کشور انگلستان را صادر کرد. در ۱۶۷۴ میلادی بود که به یهودیان ساکن آمریکا اجازه دادند آشکارا عبادت کنند.

– در فرانسه نیز «لوئیس اغسطس»، یهود را از کشورش بیرون کرد و مدت ۲۰ سال از ورود آنها به فرانسه جلوگیری نمود. وقتی «فیلیپ زیبا» قدرت را به دست گرفت، برای دومین بار یهود را از فرانسه اخراج نمود و تمام اموال آنها را مصادره کرد.^۲

۱. همان، ج ۶، ص ۶۰.

2. www.rasekhoon.net/article/print/702327.

۳۹۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

گوستاو لوبون فرانسوی می نویسد: «یهودیان همچون انسان‌هایی هستند که تازه از جنگل وارد شهر شده و همیشه از صفات انسانی بی بهره بوده‌اند؛ چراکه همیشه مانند پست‌ترین مردم روی زمین زندگی می‌کنند.»^۱

امام علیه السلام معتقد است که تقابل ظالم و مظلوم، همیشگی است و قدس، نماد این تقابل است. از این رو، قدس به جهان اسلام اختصاص ندارد: «روز قدس، یک روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد؛ روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است؛ روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم امریکا و غیر امریکا بودند، در مقابل ابرقدرت‌هاست؛ روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند... روز قدس، روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود، باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین.»^۲

۲. تکلیف‌گرایی

طبق آموزه‌های دینی، همه مسلمانان امت واحده بوده، درد و رنج تک‌تک افراد، درد جامعه است. بنابراین، وظیفه دینی ماست که از مردم لبنان و فلسطین حمایت نماییم؛ زیرا اینان عضو امت اسلامی‌اند که ظلم به آنان، ظلم به امت اسلامی است.^۳ شاید بر این اساس باشد که امام علیه السلام از روز قدس به عنوان «روز پیامبر صلی الله علیه و آله» و «روز اسلام» یاد کرده و دفاع از نوامیس مسلمانان را لازم می‌داند: «من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم می‌دانم و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم؛ و مسلمین از آن انزوایی که آنها را کشانده بودند، خارج شوند و با تمام قدرت و قوت، در مقابل اجانب بایستند.»^۴

1. www.pasokhgoo.ir.

۲. امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۷.

۳. نساء، آیه ۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، همانان که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یابوری برای ما تعیین فرما.»

۴. امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۹.

مجلس سی‌ام: روز جهانی قدس، نماد اسرائیل ستیزی ■ ۳۹۷

ایشان همچنین فرموده: «دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین، امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان، یعنی حزب الله، و مسلمانان انقلابی سرزمین غصب‌شده و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می‌دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی، در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی‌ها و ددمنشی‌ها، مقاومت و پایداری کنیم و به یاری آنان بشتابیم.»^۱

شهید مطهری رحمته‌الله نیز همین عقیده را دارد و می‌نویسد:

«والله وبالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم! مسئولیت داریم. به خدا قسم! ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزاداری کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید؟ آیا می‌گفت بخوانید: «نوجوان اکبر من» یا می‌گفت بگویید: «زینب مضطرم الوداع، الوداع»؟! ... و یا - شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز، موشه‌دایان است. شمر هزار و سیصد سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در و دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان بخورد. مرتب دروغ در مغز ما کردند که این یک مسئله داخلی است.»^۲

۳. نهادهای مبارزه با اسرائیل

امام رحمته‌الله با اعلام روز قدس، فرهنگ مبارزه با اسرائیل را نهادینه کرد. از این‌رو، مبارزه با اسرائیل تا ابد ادامه دارد و مردم در آخرین جمعه ماه رمضان، بیشتر از هر زمانی دیگری با ظلم و جنایات این رژیم غاصب آشنا می‌شوند؛ به عبارت دیگر، امام خمینی رحمته‌الله روز قدس را بر تارک تاریخ به یادگار گذاشت تا مردمان مسلمان جهان، از ستمی که بیدادگران بر ملت

۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۹۱.

۳۹۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مظلوم فلسطین روا می‌کنند، غافل نمانند. فریاد بیدارباش امام، شلاقی بود بر ذهن‌های خفته ملت اسلام، تا از خواب عمیق غفلت بیدار شوند و بیدار بمانند و در برابر ستمگران تاریخ، با قامتی برافراشته قیام کنند. اکنون که سال‌ها از سخنان پیامبرگونه آن بزرگ مرد الهی گذشته است، می‌بینیم که روز قدس، شهرتی جهانی یافته و مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و در اعماق دل و جان ملت‌های آزاداندیش جهان، به‌ویژه کشورهای اسلامی، نفوذ کرده است. ازاین‌رو، رهبر معظم انقلاب از روز قدس به عنوان لیلۃ‌القدر تاریخ اسلام یاد نموده و فرموده:

«اکنون، جمعه آخر ماه مبارک رمضان که از سوی امام راحل ما، روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست. باید در این ماه رمضان، کاملاً مجاور لیالی قدر، باید همان طور که شب قدر را تا صبح به بیداری می‌گذرانیم و با دعا و تضرع خود به درگاه الهی، می‌خواهیم که آینده مطلوب برای ما رقم زده شود، روز قدس را و همه این ایام حساس را که لیلۃ‌القدر تاریخ اسلام است، به بیداری و هشیاری بگذرانیم و تا مطلع‌الفجر نجات ملت‌های مسلمان و مخصوصاً ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم.»^۱

۱. مجله فرهنگ کوثر، بهمن ۱۳۷۶، شماره ۱۱.

مجلس سی و یکم

آموزه‌های نماز عید فطر

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

مقدمه

در روز عید فطر، گویی مسلمان از نو متولد می‌شود. تبریک این عید، به حقیقت به جهت ولادت جدید مؤمن روزه‌دار در شب عید فطر است؛ چرا که طبق گفتار امیر مؤمنان علیه السلام، روزه‌داران در شب عید فطر، از تمام آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک شده و کمترین پاداش خود را که پاکی و پاکیزگی است، دریافت نموده‌اند. حضرت می‌فرماید:

«وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ أَذْنِي مَا لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ أَنْ يُنَادِيَهُمْ مَلَكٌ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أُبَشِّرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غُفِرَ لَكُمْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِي مَا تَسْتَأْنِفُونَ»^۱

ای بندگان خدا! بدانید که کوچک‌ترین پاداشی که برای مردان و زنان روزه‌دار است، این است که فرشته‌ای در روز آخر ماه مبارک رمضان به آنها ندا می‌دهد: ای بندگان خدا!

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. شیخ صدوق، *أمالی*، ص ۱۰.

۴۰۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

بشارتتان باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید. پس، بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد.»

شیخ مفید^۱ در کتاب *مسار الشیعه* می‌نویسد:

«اینکه روز اوّل ماه شوال، عید اهل ایمان قرار داده شده، به جهت این است که آنان برای قبولی اعمالشان در ماه رمضان، خوشحال‌اند و از اینکه خداوند متعال گناهانشان را بخشیده و بر عیب‌های آنان پرده کشیده و مژده و بشارت از طرف خداوند رسیده است که ثواب‌های بسیاری برای روزه‌داران عطا خواهد کرد و از اینکه مؤمنان در اثر تلاش‌های شب و روز ماه مبارک رمضان، چند مرحله به قرب الهی نزدیک شده‌اند، حالت سُرو و نشاط دارند. در این روز، غسل معین شده و این، علامت پاکی از گناهان می‌باشد. عطرزدن و استفاده از بوی خوش و لباس زیبا و تمیز پوشیدن و به صحرا رفتن و زیر آسمان نماز خواندن، همگی علامت شادی و سُرو و از روی حکمت می‌باشد.»^۱

نماز روز عید فطر، به یک معنا شکرانه این نعمت الهی (ولادت جدید) در ماه رمضان است.

آموزه‌های دعای قنوت نماز عید فطر

شیخ طوسی^۲ برجسته‌ترین نظریه‌پرداز عالم تشیع، در کتاب *مصباح‌المتهجد*، و فقیه وارسته سید محمدکاظم یزدی در کتاب *عروة الوثقی*، متن دعای قنوت در نماز عید سعید فطر را که مهم‌ترین بخش نماز عید است و نه بار در دو رکعت نماز تکرار می‌شود، این گونه نقل کرده‌اند:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.»

در این دعا، پیام‌های متعددی برای انسان‌های حقیقت‌خواه وجود دارد که در این مجال، به هفت مورد اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ مفید، *مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه*، ص ۳۰.

۱. تمسک به صفات کمالی حق

اولین بخش دعا، شناخت صفات الهی است. انسان خداجو، بارها به اسمای حسناى الهی که در دعای مزبور آمده، تمسک می‌کند و خود را به درگاه خدای بی‌همتا نزدیک نموده، حضرت حق را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ؛ پروردگارا! ای سزاوار عظمت و بزرگی، و ای شایسته بخشش و قدرت.»

طبق فرهنگ قرآنی، کبریا و عظمت و جود و جبروت، مخصوص خدایی است که سرچشمه تمام حرکت‌ها و توانایی‌هاست؛ همچنان‌که خداوند خویشتن را به صفات کبریایی می‌ستاید و می‌فرماید:

«وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛^۱ و برای اوست کبریا و عظمت در آسمان‌ها و زمین، و اوست عزیز و حکیم.»

خدای تعالی در همه جا کبریایی دارد؛ نه در آسمان‌ها کسی بالاتر از او است و نه در زمین. در هیچ جای عالم، کسی نیست که از خدای بی‌همتا برتر باشد و غیر او، هرگز کسی نمی‌تواند عظمت و کبریایی داشته باشد.

سنائی غزنوی چه زیبا به صفات کمال خداوند اشاره کرده است:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
همه عزى و جلالی، همه علمى و یقینى همه نوری و سُروى، همه جودى و جزایى
أَحَدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ صَمَدٌ لَيْسَ لَهُ ضِدٌّ لِمَنِ الْمُلْكُ تُوْغُوْیْیُ که مر آن را تو سزایی
انسان کمال‌طلب، در دعای قنوت بر این باور تأکید می‌کند که منشأ تمام صفات کمالی، اوست و بزرگ‌منشی و شکوه و جود و جبروت، فقط شایسته خداست و اهلیت آن را دارد.
امیر مؤمنان علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

«وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ

۴۰۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

كُلَّ شَيْءٍ، وَ سُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ؛ [بارالها! از تو درخواست می‌کنم...] به مقام جبروت و بزرگی‌ات که به وسیله آن، بر همه قدرت‌ها غالب گشته‌ای و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری در برابرش عاجز است و به بزرگی‌ات که سراسر عالم را پُر کرده است و به سلطنت و پادشاهی‌ات که بر تمام قوای عالم برتری دارد.

امام زمان علیه السلام در دعای مسجد سهله می‌فرماید:

«يَا مَنْ تَوَحَّدَ فِي الْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ! وَتَفَرَّدَ بِالْكِبَرِيَاءِ وَالْإِلَاحِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ؛^۱

ای خدایی که در سلطنت و پادشاهی، یگانه‌ای. پس، در ملکوت سلطنت همتایی برای تو نیست و در کبریایی‌ات و بخشیدن نعمت‌ها، یکتا و تنهایی. پس، در جبروت و بزرگی شأن تو، ضدی برای تو نیست.»

۲. پیوستن به سرچشمه فضایل

در بخش دوم دعا، به عفو و رحمت خداوند نظر داریم و از درگاه ربوبی عاجزانه درخواست می‌کنیم:

«وَأَهْلُ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ؛ پروردگارا! ای لایق گذشت و رحمت، و ای برازنده تقوا و آمرزش.»

خدای متعال، اهل عفو و گذشت و رحمت و مغفرت است. پروردگار متعال، عفو و مغفرت خود را در آیه ۵۳ سوره زمر، به پیامبر رحمتش چنین وحی می‌کند:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛

ای رسول ما! بگو: ای بندگان من که بر خودتان [در گناه کردن] اسراف کرده‌اید، [هرگز] از رحمت خدا ناامید نشوید؛ چراکه خداوند گناهان شما را به طور کامل می‌آمرزد و همانا او، آمرزنده و مهربان است.»

۱. ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۴۵.

- شاه کلید نجات

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنَ النَّاسِ أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ؛ سَوَّغًا بِهٖ كَسَىٰ كَيْفَ جَانِمٌ بِهٖ دَسْتًا أَوْسَتْ! أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ مَدِينَةِ مَكَّةَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أَنْ يَتَعَمَّدَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ مِنْهُ وَفَضْلٍ، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ فَوْقِ رَأْسِهِ وَطَوَّلَ بِهَا صَوْتَهُ»^۱ و آنرا به سبب عملم وارد بهشت نمی‌شوم؛ جز اینکه خداوند مرا در رحمت و فضلش بپوشاند. هنگامی که پیغمبر این سخن را می‌گفت، دست خود را بر سر نهاد و صدای خود را بلند و طولانی کرد.» به گفته حافظ:

سهو و خطای بنده چو گیرند اعتبار
معنی عفو و رحمت پروردگار چیست؟

- درس خودسازی

در این قسمت از دعا که با آیات عفو و گذشت عجین شد، درس تربیتی مهم دیگر نیز می‌آموزیم و آن اینکه اگر از خدای رحیم انتظار رحمت داریم، باید خودمان را به صفت زیبای رحمت بیاراییم و به سرچشمه فضایل ببیندیم. خدای کریم در سوره تغابن می‌فرماید:

«وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ و اگر شما ببخشید و درگذرید و بیامرزید، به راستی خدا هم آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگر تأکید نموده:

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳ باید عفو کنند و چشم بپوشند. آیا دوست نمی‌دارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱. عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۰۶.

۲. تغابن، آیه ۱۴.

۳. نور، آیه ۲۲.

۴۰۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

در سوره بقره، عفو و گذشت را نزدیک‌ترین و میان‌بُرتَرین راه برای نیل به تقوا و پارسایی قلمداد کرده، می‌فرماید:

«وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛^۱ و گذشت کردن شما، به تقوا نزدیک‌تر است.»

چه زیباست افرادی که نمی‌توانند عفو و گذشت پیشه کنند و قادر به کنترل خشم خود نیستند و همیشه پس از عصبانیت پشیمان می‌شوند، این دعا و آیات را روی کاغذی بنویسند و به اطرافیان خود بپارند تا هنگام غضب آنان، علاوه بر ارائه نوشته، آثار خوش خلقی و عواقب شوم بدخلقی و خشم را به وی یادآور شوند. در قنوت نماز عید، نُه بار عفو و رحمت و گذشت خداوند تکرار شده که اگر از عمق وجود بیان شود، اثر اخلاقی عمیقی را به دنبال خواهد داشت.

- حکایت

در میان پادشاهان بنی‌اسرائیل عادت می‌رسید که آنان را در حکومت کنترل می‌کرد؛ به این صورت که نزد هر یک از آنان، حکیمی دانا بود و صحیفه‌ای همراه داشت که هرگاه پادشاه عصبانی می‌شد و قادر به عفو نبود، حکیم، صحیفه را در مقابل او می‌گرفت و به دستش می‌داد. در آن صحیفه نوشته شده بود: «بر زیردستان رحم کن! از مرگ بترس! روز جزا را فراموش نکن!» وقتی شاه آن را می‌دید، غضبش فروکش می‌کرد.^۲

- روش زیبای امام سجاد (ع) در شب عید فطر

امام صادق (ع) فرمود: شیوه حضرت علی بن حسین (ع) در ماه رمضان چنان بود که هرگاه غلامان یا کنیزان حضرت خطایی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد؛ بلکه فقط خطاها و گناهان آنها را در دفتری ثبت کرده، تخلفات هرکس را با نام و موضوع مشخص می‌نمود. در آخر ماه، همه غلامان و کنیزان را جمع کرده، میان آنان می‌ایستاد و آنگاه از روی نوشته، تمام کارهای خلافشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، به ایشان گوشزد می‌کرد و به تک‌تک آنها می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت، تخلف کردی و تو را تنبیه نکردم! آیا به یاد می‌آوری؟ می‌گفت: «بله، ای پسر رسول خدا!» سپس،

۱. بقره، آیه ۲۳۷.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی، سرچشمه دانش، ص ۹۲.

مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر ■ ۴۰۵

حضرت تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به خطاهای خود اعتراف می‌کردند. آن‌گاه به آنان می‌فرمود:

«ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ وَقُولُوا يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ! إِنَّ رَبَّكَ قَدْ أَخَصَىٰ عَلَيْكَ كُلَّ مَا عَمِلْتَ كَمَا أُخْصِيَتْ عَلَيْنَا كُلُّ مَا عَمَلْنَا وَكَذَٰلِكَ كِتَابٌ يَنْطِقُ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ، لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً مِّمَّا أَتَيْتَ إِلَّا أَحْصَاهَا وَتَجِدُ كُلَّ مَا عَمِلْتَ لَدَيْهِ حَاضِرًا...»^۱

با صدای بلند بگویید: ای علی بن حسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است؛ چنان‌که تو اعمالی را که ما انجام داده‌ایم، نوشته‌ای. نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذار نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام آنچه را انجام داده‌ای، نزد او حاضر و آماده خواهی یافت؛ چنان‌که ما اعمال خود را نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس، ما را ببخش؛ همچنان‌که دوست داری خدا تو را ببخشد.»

در ادامه نیز فرمود: ای علی بن حسین! به یاد آر آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای، به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان‌که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حساب و گواهی خدا، کافی است... ببخش! و عفو کن! تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد؛ چنان‌که خود در قرآن می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ باید ببخشند و درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است.»

امام سجاد (علیه السلام) این کلمات را به خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان با هم تکرار می‌کردند و امام که میان آنان ایستاده بود و می‌گریست، با لحنی ملتمسانه می‌گفت: «رَبِّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَقَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمَأْمُورِينَ...»^۳ پروردگارا! به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم و ما

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

۲. نور، آیه ۲۲.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

به راستی بر خود ستم کرده ایم. همان طور که فرمودی، ما از کسانی که ستم کرده اند، در گذشتیم. پس، تو هم از ما در گذر که در عفو کردن از ما و از دیگران برتری.»

حضرت در ادامه می فرماید: «به ما فرمودی که سائلی را از درگاه خود محروم نکنیم و هم اکنون ما سائلان و گدایان، در آستان خانهات زانو زده، احسان و عطای تو را می طلبیم. بر ما منت بگذار و محرومان نگردان که تو در این کار، شایسته تر از ما و جزء امر شدگان به عفو خدایا! من اکرام کردم؛ تو هم به من اکرام کن و با اهل نعمت و مغفرت محشور نما. ای صاحب احسان و کرامت!»

پس از این برنامه عرفانی، حضرت سجاد علیه السلام خطاب به غلامان و کنیزان خویش می فرمود: شما را عفو کردم. آیا شما هم من و بدرفتاری های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بودم، بخشیدید؟ همگی یک صدا می گفتند: با اینکه از تو جز خوبی ندیده ایم، تو را بخشیدیم. آن گاه به آنان می فرمود: بگویید: خداوند! از علی بن حسین در گذر؛ همان طور که او از ما در گذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن؛ همان طور که ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می کردند و امام آمین می گفت.

حضرت در پایان می فرمود: بروید، از شما در گذشتم و آزادتان کردم؛ به امید اینکه خدا نیز از من در گذرد و آزادم کند. در روز عید فطر، چندان به آنها جایزه و هدایا می بخشید که از دیگران بی نیاز می شدند. حضرت هر سال در شب آخر ماه مبارک رمضان، هنگام افطار حدود بیست بنده آزاد می کرد و می گفت:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ، كُلُّ قَدٍ اسْتَوْجَبَ النَّارَ؛ خداوند متعال در هر شب ماه مبارک رمضان، هفتاد میلیون کس را از آتش جهنم آزاد می کند که همگی مستحق عذاب بوده اند.»

حضرت هیچ بنده ای را بیش از یک سال به بندگی نمی گرفت. هرگاه کسی را در اول و یا در وسط سال مالک می شد، در شب عید فطر آزاد می کرد. این عمل، روش هرساله ایشان بود. بندگان سیاه را که هیچ گونه نیازی به آنان نداشت، می خرید و پس از پرورش و تربیت،

مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر ■ ۴۰۷

در صحرای عرفات بعد از مراسم عرفه، همه را آزاد ساخته، هدایای قابل توجهی را به آنان عطا می‌کرد.^۱

با توجه به این روایت نسبتاً طولانی، درمی‌یابیم که رهبران الهی و پیشوایان معصوم ما چقدر در ترویج فرهنگ اسلامی و آموختن آن به انسان‌های تشنه معرفت تلاش نموده، نه تنها در ماه رمضان و عید فطر در آزادی جسم آنان می‌کوشیدند، بلکه افکار و اندیشه‌های آنها را نیز از بند جهل و غفلت و خرافه‌پرستی رها می‌ساختند و این‌گونه، تربیت‌یافتگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از پستی ذلت به اوج عزت می‌رسیدند و بردگان گرفتار، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی تبدیل می‌گشتند. خوانندگان می‌توانند فهرست مفصلی از این‌گونه شخصیت‌های تربیت‌شده را در کتاب‌های رجال، تاریخی و سیره مطالعه کنند.

۳. نمایشگاه عزت جهان اسلام

در قسمت دیگر دعا، شکوه این عید مسلمانان را از زاویه سیاسی اجتماعی می‌نگریم و نمایش عزت جهان اسلام را به عنوان عید حقیقی، به مسلمانان تبریک گفته، به خدای هستی‌بخش عرضه می‌داریم:

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً؛ از تو درخواست می‌کنم، به حق این روز که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی!»

اجتماع روز عید فطر می‌تواند در پیوند و همدلی مسلمانان نقش‌آفرین باشد. آنان در گردهمایی روز عید فطر و قرارگرفتن کنار هم، از نظریات، مشکلات و رفتاری‌های یکدیگر آگاه می‌شوند. در این گردهمایی، بغض‌ها و کینه‌ها به دوستی‌ها و همدلی‌ها تبدیل می‌شود و مؤمنان در یک صف واحد، عزت خود را به نمایش گذاشته، احساس اتحاد و نزدیکی بیشتری به همدیگر می‌کنند.

عید فطر، از سویی، از پیوند معنوی انسان با خدا حکایت دارد و از سوی دیگر، حکایتگر ارتباط وی با هم‌کیشان است. حضرت سجاد علیه‌السلام روز عید فطر را روز جشن و شادی و اجتماع و همیاری مسلمانان می‌داند و می‌فرماید:

۱. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

۴۰۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَطَرْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا، وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا»^۱ پروردگارا! ما به سوی تو برمی گردیم، در روز عید فطرمان که آن را برای اهل ایمان روز عید و شادی، و برای اهل ملت خودت روز اجتماع و همیاری قرار دادی. حضرت رضا علیه السلام در مورد نقش عید فطر در تحولات معنوی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می فرماید:

«إِنَّمَا جُعِلَ يَوْمُ الْفِطْرِ الْعِيدَ لِيَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ مُجْتَمَعًا يَجْتَمِعُونَ فِيهِ وَيَرْزُونَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَمَجِّدُونَهُ عَلَى مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ يَوْمَ عِيدٍ وَ يَوْمَ اجْتِمَاعٍ وَ يَوْمَ فِطْرٍ وَ يَوْمَ زَكَاةٍ وَ يَوْمَ رَغْبَةٍ وَ يَوْمَ تَضَرُّعٍ... فَأَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَجْمَعٌ يَحْمَدُونَهُ فِيهِ وَيَقْدِّسُونَ»^۲

روز فطر، عید مقرر شده تا مسلمانان در این روز گرد هم آیند و قیام نمایند و او را به جهت نعمت هایش تعظیم کنند. پس، این روز، روز عید، روز اجتماع، روز فطر، روز زکات، روز رغبت و روز تضرع... است. خداوند بزرگ دوست دارد که مسلمانان در چنین روزی، اجتماعی داشته و در آن، او را ستایش کرده و مقدس بدارند. ملت های مسلمان می توانند ماه رمضان و عید فطر را وسیله ای برای عزت قرار بدهند؛ یعنی نردبانی به سوی رشد معنوی و مادی یا عزت دنیوی و اخروی.

۴. روز تکریم و سپاس از پیامبر

در قنوت نماز عید سعید فطر، نه مرتبه به تکریم و تعظیم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می پردازیم و از محضر ربوبی مسئلت می کنیم:

«وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ وَ برای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اندوخته و ارجمندی و بزرگواری و زیادت [مقام] گردانیدی که بر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خاندانش درود فرستی.»

بر اساس آیات و روایات فراوانی که در قرآن و منابع روایی شیعه و سنی وجود دارد، برای ذکر صلوات فواید بسیاری شمرده شده است.

۱. صحیفه سجاده، دعای ۴۵.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۱، ح ۴.

مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر ■ ۴۰۹

حضرت رسول خدا ﷺ صلوات را جبران‌کننده نواقص اعمال در روز قیامت اعلام کرده و فرموده:

«أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاةِ عَلَى حَتَّى أَثْقَلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ»^۱ در قیامت، کنار میزان هستم. هرکس گناهانش بیشتر از ثواب‌هایش باشد، صلوات بر خودم را که بر من فرستاده، در ترازویش می‌گذارم تا به سبب آن، حسناتش بر گناهانش سنگینی کند.»

در روایتی دیگر، پیامبر فرمود: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ»^۲ کسی که در نوشته‌ای صلوات بر من را بنویسد، تا زمانی که نام من در آن نوشته باشد، فرشتگان برای او استغفار می‌کنند.

در دعای قنوت عید فطر، افزون بر ستایش محمد و آل محمد ﷺ، برای وجود مقدس نبی اکرم ﷺ این عید مایه ذخیره، وسیله شرف و کرامت و موجب ارتقای مقام عالی حضرتش معرفی می‌شود. زمانی این جشن موجب تکریم رسول خدا و مایه شرف و کرامت است که عید نزدیکی دل‌های مسلمانان به یکدیگر در ابعاد ملی و جهانی باشد. وحدت مسلمانان، باعث کرامت و عزت پیامبر اعظم ﷺ و شکرانه نعمت هدایت الهی و توفیق عمل در هر ماه خواهد شد.

۵. حرکت به سوی ارزش‌ها

در قنوت نماز عید، همه با هم حرکت به سوی خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها را از خداوند می‌خواهیم:

«وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ؛ مرا در هر خوبی که محمد ﷺ و خاندان محمد را در آن داخل گردانیدی، داخل سازی.»
«وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ؛ مرا از هر بدی که محمد ﷺ و خاندان محمد را از آن خارج ساختی، خارج گردانی.»

۱. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۱۵۵.

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۳۴۷.

۴۱۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مسلمانان در جامعه اسلامی، لازم است در تمام خیرات پیش قدم و پیش رو باشند؛ یعنی زیباترین خصلت های انسانی، از مسلمانان و کشورهای اسلامی به سایر نقاط سرایت کند. مسلمانان در نشر خوبی ها باید الگوی دیگر ملل باشند و این کلام خداوند است:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۱ بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

۶. روز ولایت و امام شناسی

در قسمت ششم دعای قنوت نماز عید، سپاس و درود برای انسان های کامل که رهبری امت را به عهده دارند، با این صلوات انجام می شود و بارها در همه قنوت های نماز عید فطر بیان می گردد:

«صَلُّوا تَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛ دروهای تو، بر محمد ﷺ و تمام خاندان او باد.»

سید بن طاووس در ضمن بیان اعمال روز عید، از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

هنگامی که از منزل خارج شده و به سوی نماز عید می روی، دعای «اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأ...» را می خوانی و چون به نام مبارک حضرت صاحب الزمان علیه السلام رسیدی، با آرزوی تحقق وعده الهی و استقرار حکومت عدل مهدوی، می گویی: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا فَتْحاً يَسِيراً وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً... اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ...»^۲ خداوند! برای ما فتح آسان عنایت نما و آن حضرت را با نصرتی عزت بخش یاری کن. پروردگارا! ما خواهان ایجاد دولت کریمه ای هستیم که با آن به اسلام و مسلمانان عزت بخشیده، جبهه نفاق و اهلش را به خاک مذلت بنشانی...»

- روز بیعت منتظران

اگرچه انسان مؤمن همواره از آل محمد علیهم السلام که ولی نعمتان حقیقی امت هستند، سپاس و قدردانی کرده، بر ایشان درود و سلام می فرستد، اما در قنوت عید فطر، وظیفه ای دوچندان

۱. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۷۶.

مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر ■ ۴۱۱

احساس می‌کند؛ به‌ویژه عرض ارادت به محضر آن امام غائب که عالم هستی در انتظار اوست. اهل ایمان هر روز با ولیّ امر و امام زمان علیه السلام خود بیعت می‌کنند و پس از نماز صبح، دست راست بر دست چپ می‌گذارند و با قلبی آکنده از عشق به ولایت و همنوا با منتظران حضرتش، این ندا را سر می‌دهند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خداوندا! این، بیعت من است با مولایم تا روز قیامت.»

آری، از برجسته‌ترین و به یادماندنی‌ترین ساعات روز عید فطر، لحظاتی است که منتظران راستین ظهور حضرت ولیّ عصر علیه السلام، آرزوی دیدار حضرت را کرده، در فراقش با دلی مملو از امید، اشک حسرت می‌ریزند. آنان به یاد سخن حضرت باقر علیه السلام می‌افتند که فرمود:

«مَا مِنْ يَوْمٍ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَىٰ وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ اللَّهُ لَالِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِيهِ حُزْنًا قَالَ قُلْتُ وَلَمْ ذَلِكَ قَالَ إِنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي أَيْدِي غَيْرِهِمْ...^۱ هیچ عید فطر و قربان نیست، مگر اینکه با آمدن آن، غم و اندوه آل محمد صلی الله علیه و آله تجدید می‌شود. راوی پرسید: چرا در روز عید غمگین می‌شوند؟ امام فرمود: زیرا حق خود را در دست دیگران می‌بینند و از اینکه افراد غیرشایسته بر جایگاه رهبری امت قرار دارند و امام راستین هنوز ظهور نکرده است تا حکومت عادلانه و سایه پُر از عدل و داد خود را بر مردم بگسترانند، غمگین و ناراحت‌اند.»

به همین جهت، یکی از رایج‌ترین اعمال این روز که اولیای خدا و عارفان واصل به آن اهتمام خاص دارند، دعای ندبه در روز فطر است که دردمندانه و عاشقانه با امام زمان علیه السلام نجوا می‌کنند:

«هَلْ إِلَيْكَ يَا بْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ يَصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ بَغْدَه فَنَحْطِي، مَتَى نَرُدُّ مَنَاهْلَكَ الرِّوِيَّةَ فَنَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نَغَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَنُقِرَّ عَيْنَا، مَتَى تَرَانَا وَ نَرِيكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرِي؟^۲

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲. آقای سید جواد خراسانی که از مورد اعتمادترین امام جماعات اصفهان بود و در عرصه عرفان و معنویت، مقامات عالی داشت، فرموده است: «گرفتاری سختی برایم پیش آمد که چیزی نمانده بود زندگی‌ام از هم بپاشد. من که دیگر درهای عادی را به روی خود بسته می‌دیدم، عریضه‌ای به حضور مقدس امام عصر علیه السلام نوشتم و در رودخانه انداختم و به قبرستان تخت فولاد که قبور بسیاری از اولیای خدا در آنجا

۴۱۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

ای پسر احمد! آیا به سوی تو راه ملاقاتی هست؟ آیا امروز به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت محظوظ شویم؟ کی شود که بر جویبارهای رحمت درآییم و سیراب شویم؟ کی شود که از چشمه آب زلال تو بهره‌مند شویم؟ که عطش ما طولانی گشت. کی شود که با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود؟ کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم؛ هنگامی که پرچم نصرت و پیروزی را در عالم برافراشته‌ای؟»
این ابیات، تا حدودی بیانگر راز دل ندبه خوانان عید فطر است که به مولای خویش عرضه می‌دارند:

بُرده ندیده دل ز ما، صورت دلربای تو جلوه‌گر از نقاب هم، روی خدانمای تو
مصلح کل عالمی، منجی نسل آدمی دست خداست سیدی! دست گره‌گشای تو
پیش‌تر از ولادتم، مهر تو بوده عادتم تو بودی آشنای من، من شدم آشنای تو
همدم سینه‌خستگان! یاور دل‌شکستگان! ای همه جا کنار من، بگو کجاست جای تو؟
تو کعبه‌ای، تو زمزمی، ذکر بگو، مگر دمی رسد به گوش عالمی، زمزمه دعای تو
چه می‌شود که دل برد، دیده تو ز دست ما؟ چه می‌شود که گل کند، بوسه ما به پای تو؟
خوش آن دمی که بنگرد، شهید دشت کربلا پرچم سرخ خویش را، بر سر شانه های تو
رو به سوی مطاف کن، طواف کن، طواف کن تا ببرد دل از حرم، چهره دلربای تو
صدایت از حرم رسد، به گوش عالمی، ولی خوشا کسی که در حرم، می‌شنود صدای تو^۱

۷. آرزوی پیروی از شایستگان

الگوگرفتن از بندگان صالح، از دیگر آموزه‌های این دعاست؛ چراکه هدایت به سوی مقصد، بدون الگو میسر نخواهد بود. در آخرین قسمت این دعا، از درگاه حضرت احدیت مسئلت می‌کنیم:

می‌باشد، رفتن و در گوشه ای با تضرع و التماس مشغول خواندن دعای ندبه شدم و مکرر می‌گفتم: «هَلْ أَلِيكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؛ ای فرزند احمد! آیا راهی برای رسیدن به محضر شما هست تا ملاقات شوی؟» ناگاه صدای سم اسبی را شنیدم و دیدم عربی سوار اسب ابلقی رو به قبله می‌رود. نگاهی مهرآمیز به من کرد و غایب شد. از مشاهده آن گرامی، قلبم راحت شد و آرامش یافتن. شب بعد، مشکلم کاملاً حل شد.» (امام زمان علیه السلام سرچشمه نشاط جهان، ص ۸۲)

۱. غلامرضا سازگار، شاعر اهل بیت علیهم السلام.

مجلس سی و یکم: آموزه‌های نماز عید فطر ■ ۴۱۳

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ؛ خداوند! از تو درخواست می‌کنم بهترین چیزی را که بندگان نیکوکار از تو درخواست کردند.»
 «وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ؛^۱ پناه می‌برم به تو، از آنچه بندگان درستکار و مخلص به تو پناه بردند.»

توفیق پیروی از اسوه‌های صالح، درخواست دیگری است که از پروردگار متعال مسئلت می‌کنیم؛ چراکه بدون الگوی شایسته، هرگز به کعبه مقصود نتوان رسید؛ چنان‌که جناب حافظ سروده است:

طی این مرحله بی‌همرهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی
 خداوند متعال در مورد تبعیت از اسوه‌های نیک فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛^۲ به تحقیق، برای شما در [رفتار و گفتار] رسول خدا سرمشق نیکو و کاملی می‌باشد.»

۱. سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۹۷؛ شیخ طوسی، مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. احزاب، آیه ۲۱.

پیوست‌های تبلیغی

خاطرات تبلیغی

اشاره

یکی از دستاوردهای مهم مبلغان در امر تبلیغ، خاطره‌ها و تجربه‌هایی است که از خود به یادگار می‌گذارند؛ خاطراتی که سراسر عبرت‌آموز و آکنده از تجربیات و دانسته‌هایی ارزشمند می‌باشد. نظر به اهمیت و اثربخشی این نوع خاطرات بر آن شدیم، خاطرات آموزنده‌ای را که در موضوعات مختلف از زبان مبلغان گرامی بیان شده، ارائه نماییم. باشد که نکات اخلاقی و تجربه‌های تبلیغی آن مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.^۱

۱. آفت غرور

گاهی انسان، منبری را که چند بار ارائه کرده و بر آن مسلط است، با غرور مطرح می‌کند و می‌پندارد منبرش خیلی خواهد گرفت و همه چیز، حلّ است و اینجاست که خدا فراموش می‌شود و چون خداوند به بندگانش محبت دارد، گاهی آنها را تنبیه می‌کند تا از غرور بپرهیزند.

۱. گفتنی است، خاطرات این نوشتار، از کتب و منابع تبلیغی گرفته شده و با اندکی ویرایش، در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار گرفته است.

کسی را می‌شناسم که بیست سال منبر می‌رفت و کاملاً بر منبر و سخن، مسلط بود. شبی بر منبر قرار گرفت؛ درحالی که مست از تسلط بر سخنان و جلسه بود؛ ولی تا خواست سخن بگوید، هیچ کلمه‌ای به یادش نیامد؛ حتی «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم فراموش کرد! مردم که احساس کردند، گویا برای سخنران، مشکلی پیش آمده، برای آماده‌شدن سخنران، شروع کردند به صلوات فرستادن. یکی، دو تا، سه تا و... تا اینکه سخنران هم احساس کرد، کار با این صلوات‌ها هم درست نمی‌شود و به‌ناچار از منبر پایین آمد و به محض اینکه پای منبر نشست، همه چیز یادش آمد؛ ولی دیگر روی دوباره بازگشتن به منبر را نداشت و این، درس عبرتی برای ما شد که بدانیم همه چیز به دست خداست.^۱

۲. احترام به جوانان

فردی متدین در ایام تبلیغی ماه مبارک رمضان، از ما در منزلش پذیرایی می‌کرد؛ روزی از پسر جوان صاحبخانه که نزد من نشسته بود، پرسیدم: چرا نماز نمی‌خوانی؟ گفت: عذر دارم. من هم به خاطر اینکه با او رفیق شوم، به شوخی پرسیدم: عذر خانم‌ها را داری (حیض شده‌ای)؟ پدرش هم که آنجا بود، گفت: حامله است! بعد از آن، با اینکه یک ماه در خانه آنها بودم، دیگر پسر جوان را ندیدم! به اطاق دیگری می‌رفت و غذا می‌خورد و می‌خوابید و هرگز پیش ما نیامد! تجربه‌ام این شد که جوان‌ها به شخصیتشان خیلی حساس‌اند و نمی‌توان حتی به‌شوخی، به آنها بی‌احترامی کرد.^۲

۳. بهترین شیوه تبلیغ

قبل از انقلاب به روستایی رفتم که بخش قابل توجهی از اهالی‌اش، بهایی شده بودند و روحانی را به روستا راه نمی‌دادند؛ چه رسد به مسجد! با دوستی صحبت کردم، گفت: اینها

۱. شوری، آیه ۳۰: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» و هرگونه مصیبتی به شما برسد، پس به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.» (مهدی چراغی، تجارب مبلغان هنرمند، ص ۱۲۹)

۲. مهدی چراغی، تجارب مبلغان هنرمند، ص ۱۵.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۱۹

روحانی را بیرون می‌کنند و در مسجد را بسته‌اند. گفتم: می‌خواهم عمداً به همین روستا بروم! آنها که می‌خواستند مانع شوند، گفتند: آنجا نمی‌شود کار کرد. من که عزمم را جزم کرده بودم، به روستا رفتم و در مسجد را باز کردم و به بچه‌ها گفتم: بروید یک جارو بیاورید. بعد هم مسجد را جارو زدم و زیلوها را پهن کردم.

شب شد و هیچ خبری نشد! گرسنه در مسجد خوابیدم. صبح روز بعد، گرسنه و تنها در مسجد نشسته بودم. با خود فکر کردم اینجا ماندن، فایده‌ای ندارد. حال که آمده‌ام با مردم کار کنم، باید به میانشان بروم. این چنین بود که به اطراف روستا رفتم. دیدم برخی زنان و مردان دارند چغندر می‌چینند؛ اما هیچ کدام به من محلی نمی‌گذارند.

دیدم زنی تنها دارد چغندرهای انبارشده را با فُرقون به محلی می‌برد. جلو رفتم و فُرقون را که پُر شده بود، بی مقدمه برداشتم و به طرف محل تخلیه بردم و خالی کردم و بازگشتم و دوباره پُر کردم و بردم. وقتی این کار چند بار تکرار شد، زن‌ها و مردها همه دست از کار کشیدند و به تماشای رفتار من نشستند. بالأخره، دسته‌جمعی آمدند و گفتند: حاج آقا! این چه زحمتی است که می‌کشی؟ گفتم: امروز آمده‌ام کار کنم. اگر شما هم نگذارید، می‌روم آن سمت روستا کار می‌کنم. وقتی دیدند خیلی جدی حرف می‌زنم، مرا رها کردند و من تا ظهر با شکم گرسنه کار کردم. ظهر غذایی آوردند و خوردیم و نماز ظهر و عصر را خواندم و به کارم ادامه دادم تا اینکه شب شد. گفتم می‌خواهم بروم در مسجد بخوابم؛ اما آنها گفتند: نخیر، اینجا جا هست. گفتم: پس می‌خواهم بروم مسجد نماز بخوانم. صاحبخانه و زن و بچه‌اش نیز همگی با من آمدند و خلاصه کار من این شده بود که روزها در مزرعه کار می‌کردم و شب‌ها در مسجد نماز جماعت برگزار می‌نمودم. به مرور زمان، جمعیت زیاد شد و ده روز محرم در مسجد جمعیتی تشکیل دادیم و وضعیت به گونه‌ای شد که توانستم مقداری با آنها [در خصوص مسائل دینی] کار کنم.^۱

۴. زودباور نباشیم

زمانی که دادستان دادسرای قم بودم، یکی از روحانیان ما که در زندان برای زندانیان سخنرانی و اقامه نماز جماعت داشت، روحانی دیگری را جایگزین خود معرفی کرد و چند روزی به مسافرت رفت. ما هم ایشان را به افسر نگهبان زندان معرفی کردیم.

۱. همان، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.

۴۲۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

طبق برنامه به زندان‌ها سرکشی می‌کردم. از قضا سرکشی‌ام به زندان، مصادف با اولین روز کار این روحانی جدید شد. دیدم موقع خروج به افسر نگهبان می‌گوید: آقا چرا این همه بی‌گناه را در زندان نگه داشته‌اید؟ فردای قیامت چه جواب می‌دهید؟... افسر نگهبان که مانده بود چه جوابی بدهد، چشمش به من افتاد و گفت: از ایشان بپرسید ما مأموریم. حاج آقا به سمت من آمد. پرسیدم: ظهر که به زندان آمدید، چقدر پول داشتید؟ گفت: این چه ربطی به حرف‌های من دارد؟ گفتم: ببینید چقدر پول دارید! با اکراه در جیبش دست کرد؛ اما دید تمام پولش را زده‌اند! در کمال ناباوری گفت: عجب! فکر می‌کردم اینها آدم‌های درستی‌اند؛ نگو داشتند مظلوم‌نمایی می‌کردند! و من این‌گونه بهترین پاسخ را به اعتراض ایشان دادم!^۱

۵. تبلیغ، کار انبیاست

استاد حسین انصاریان می‌گوید: قریب ده سال همسایه حاج میرزا علی - فرزند مرحوم شیخ عباس قمی - محدث بودم. شنیدم که می‌فرمود: «... بنا به توصیه پدرم، اهل منبر و وعظ و خطابه شدم. بنا شد در مجلسی در شهر قم، ده شب منبر بروم. اهل قم از منبرم به دلیل زیبایی و شیوایی کلام و هم به جهت اینکه فرزند حاج شیخ عباس قمی هستم، استقبال شایانی کردند. یک شب حدیثی را مورد بحث قرار دادم. یکی از علما به نام حاج شیخ مهدی پایین‌شهری، از وسط مجلس فریاد زد: آقای میرزاعلی محدث! این حدیث کجاست؟ گفتم: جای آن را نمی‌دانم، من این حدیث را از زبان بزرگان شنیده‌ام. فریاد زد: دیگر از شنیده‌ها روی منبر نگو. سعی کن احادیث را در متون اسلامی ببینی، سپس نقل کنی.

رفتار او برای من سنگین آمد و بقیه منبر را با دل‌سردی و کسالت گذراندم و با تصمیم بر اینکه از برنامه‌ام دست بردارم، به خانه آمدم. نیمه‌شب در عالم رؤیا به محضر مبارک پدرم رسیدم. با تبسم و انبساط خاطر به من گفت: فرزندم! از تصمیمی که گرفته‌ای، صرف نظر کن؛ زیرا تبلیغ، عملی بسیار مهم و امری فوق‌العاده پُرازش است. این، کاری است که بر عهده انبیای الهی بود. در ضمن، حدیثی که مورد اشکال آقای شیخ مهدی پایین‌شهری بود،

۱. همان، ص ۱۷۵.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۲۱

در فلان کتاب حدیثی و در صفحه چندم آن است. فردا شب دوباره حدیث را بخوان و به مدرک آن اشاره کن تا ایراد شیخ برطرف شود.

در نقل دیگری، آیت‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله از حاج شیخ علی محدث‌زاده، فرزند محدث قمی رحمته‌الله نقل کردند: حدیثی را در منبر خواندم. شخصی پرسید: این حدیث در کجاست؟ یادم نبود. پدرم را در خواب دیدم که گفت: این حدیث در فلان کتاب است؛ اما چرا بی مطالعه منبر می‌روی؟^۱

۶. ناراحتی امام زمان علیه‌السلام از برخی روحانیان

حجت‌الاسلام والمسلمین سید موسی موسوی، نماینده سابق ولی فقیه در کردستان می‌فرمود: مرحوم شهید قدوسی در تابستان ۱۳۵۰ به بنده فرمود: با نظر مساعد حضرت امام، حجج اسلام: حاج آخوند و زرنندی و کریمیان، مدرسه‌ای در کرمانشاه تأسیس کرده‌اند و بنا دارند به سبک جدید، نظیر: مدرسه حقانی، برنامه‌ریزی کنند. شما که به مجموعه برنامه‌های ما آشنایی کامل دارید، تابستان سال جاری را به کرمانشاه بروید و این مدرسه را مدیریت کنید.

من هم آن سال به جای اصفهان، به کرمانشاه رفتم. در آنجا وضعیتی پیش آمد که مجبور شدم سال تحصیلی بعد هم بمانم. بعد از آن نیز به لحاظ اوج‌گیری انقلاب و نیاز جدی کرمانشاه به روحانی مرتبط با جوانان و مراکز علمی و دانشگاهی و نفوذ گسترده انجمن حجّتیّه و جریانات مارکسیستی در بین جوانان، با برخی اساتید بزرگوار، از جمله حضرت آیت‌الله مشکینی رحمته‌الله مشورت کردم که بیشتر آنان، مصلحت را با توجه مجموعه شرایط موجود، در ماندن بنده در کرمانشاه دیدند. گروهی از سرورانی هم نظیر مرحوم آیت‌الله العظمی [حاج شیخ مرتضی] حائری به شدت ابراز مخالفت کردند و حتی در غیاب بنده فرموده بودند: فلانی، خود را ذبح کرد.

بالآخره، چند سالی با نگرانی شدید فکری و تحیر در کرمانشاه ماندم. بحمدالله، با توفیق الهی و با برنامه‌هایی که با کمک دوستان، در مسجد و مراکز فرهنگی داشتیم، عرصه را بر مارکسیست‌ها و انجمن حجّتیّه تنگ کردیم؛ به طوری که کاملاً به حاشیه رفتند و حتی برنامه‌ای برای قتل بنده ریختند که به صورت معجزه‌آسا نجات یافتیم.

۱. محمد محمدی ری‌شهری، خاطره‌های آموزنده، ص ۳۱۹ - ۳۲۰.

۴۲۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

سال ۵۴ یا ۵۶ بود که به‌رغم همه موفقیت‌ها، بسیار منقلب شدم و تصمیم گرفتم استخاره کنم تا اگر خوب آمد، همان وسط سال به قم بازگردم. در ساعت و حال مناسبی استخاره کردم که این آیه آمد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ»^۱

به جهت شدت تأثیر با اینکه معتقد و عامل به استخاره هستم، به تصمیم خود باقی ماندم و مشغول جمع اثاث شدم؛ اما آن شب، خواب عجیبی دیدم که مهم‌ترین و شیرین‌ترین فراز زندگی‌ام را رقم زد. دیدم در خیابان، جلوی مدرسه خان^۲ اتوبوس‌هایی بسیار زیبا و غیرقابل وصف ایستاده و جمع خاصی را از انبوه متقاضیان انتخاب و سوار می‌کنند و با اینکه همه می‌دانند به سفر بسیار مهمی می‌روند، ولی به هیچ‌کس از چگونگی آن، خبر نمی‌دادند. سرانجام جمع محدودی از جمعیت عظیم سوار شدند و حرکت کردند.

در نزدیکی‌های مقصد، بوی عطر عجیبی به مشام رسید که همه را مدهوش کرد. بعد فهمیدیم همه این عطر از فضای باغ وصف‌ناپذیری متصاعد است. همه را جلوی باغ پیاده کردند. باز هیچ‌کس نمی‌دانست در داخل باغ چه خبر است. آنجا نیز از میان همین جمعیت محدود، بیشتر افراد را راه ندادند.

فردی بود از بستگان بنده، هرچه اصرار کردم [که به او نیز اجازه ورود بدهند] سه عیب از او گفتند که دقیقاً نقص‌های مهم معنوی اوست و فرمودند: به جهت این عیب‌ها نمی‌تواند وارد شود. سپس افراد منتخب را گروه‌گروه وارد باغ می‌کردند. بنده و جناب حجت‌الاسلام اوسطی و جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ محمود عبداللهی و مرحوم حاج شیخ معصومی را با هم وارد باغ کردند.

بعد از ورود، فهمیدیم که مولایمان، مولی‌الکونین حضرت بقیت‌الله (ارواحنا فداه) داخل باغ هستند. حضرت در خیمه‌ای وسط باغ بودند. به محضر مقدسشان رفتیم. شیرینی و عظمت

۱. انفال، آیه ۱۵ - ۱۶. در این آیات، پشت‌کردن به جبهه جنگ، موجب خشم الهی و گرفتارشدن به عذاب جهنم دانسته شده است.

۲. مدرسه علمیه خان یا مهدی قلی‌خان، در خیابان ارم قم نزدیک حرم مطهر و در مجاورت گذر خان قرار دارد. بنای فعلی مدرسه، به دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی ساخته شده است.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۲۳

محضر قابل وصف نیست. ناگهان به یادم افتاد که این بهترین فرصت است که با کسب نظر مستقیم [درباره ماندنم در کرمانشاه] تصمیم بگیرم. پس از سؤال بنده، حضرت آن‌چنان روی در هم کشیدند که هنوز پس از سال‌ها تلخی آن در ذائقه بنده مانده است و فرمودند: دل من، از دست روحانیون خون است که یا در قم و حوزه‌های مشابه آن، به بهانه‌های مختلف می‌مانند یا به جاهای خوش آب‌وهوا و همراه با اقبال مردم می‌روند. پس این گونه مناطق را که بسیارند، چه کسانی تأمین نیاز کنند.^۱

۷. دعوت به شرک

عالم بزرگوار، شیخ جعفر شوشتری که از عباد و زهاد عصر خویش بود، چند روز قبل از ماه رمضان، به تهران آمد. مردم که از ورودش مطلع شدند، به زیارتش رفتند و خواستند ماه مبارک رمضان را در تهران بماند و منبر برود. او هم دعوت را پذیرفت و در تهران ماند. ماه رمضان فرا رسید و شیخ در یکی از مساجد بزرگ، منبر را آغاز نمود. هر روز، جمع کثیری برای استماع سخنانش حضور می‌یافتند تا اینکه پس از گذشت نیمی از رمضان، روزی در منبر گفت: مردم را خبر کنید، فردا بیایند تا مطلب مهمی را بگویم. فردای آن روز، جمعیت بیشتر آمد. منبر رفت و گفت: مطلب مهم، این است که همه پیامبران الهی، مردم را به توحید دعوت نمودند و من می‌خواهم آنان را به شرک دعوت کنم. فردا بیایید تا مطلب خود را شرح دهم.

این سخن، موجب شگفتی همه گردید. به یکدیگر نگاه می‌کردند که شیخ فردا چه خواهد گفت. فردا جمعیت فوق‌العاده [زیادی] گرد آمدند. شیخ به منبر رفت و گفت: تمام فرستادگان خدا مردم را به توحید و اطاعت دعوت نمودند و گفتند: در تمام اعمال و اقوال خود، مطیع بی‌قید و شرط خدا باشید. بدبختانه، ما امروز از مسیر حق منحرف شده و اطاعت از هوا را جایگزین اطاعت خدا کرده‌ایم. می‌خواهم بگویم بیایید از امروز مشرک شویم؛ یعنی همان‌طور که در مواقعی از دستورهای خدا تخلف می‌نماییم و از هوای نفس اطاعت می‌کنیم، گاهی نیز از دستور هوا تخلف کنیم و خدا را اطاعت نماییم. شاید این شرک، موجب نجات ما شود و قسمت اطاعت از خدا، اطاعت‌های از هوا را جبران نماید. پروردگار بزرگ و مهربان ما را بیامرزد و مشمول عفو و اغماضمان قرار دهد.

۱. محمد محمدی ری‌شهری، خاطره‌های آموزنده، ص ۶۹ - ۷۱.

سخن شیخ، با زاویه انحرافی شرک، اثر عمیقی در مردم گذارد؛ به گونه‌ای که آنان با چشمان اشک‌آلود به هم می‌نگریستند و با احساس شرمساری، در پیشگاه الهی گفته‌های خطیب را می‌شنیدند. مجلس پایان پذیرفت؛ اما تا مدتی بعضی از شنوندگان وقتی با یکدیگر مواجه می‌شدند، جمله شیخ را تکرار می‌کردند: «بیایید از امروز مشرک شویم.»

اگر خطیب بتواند مانند مرحوم شیخ جعفر شوشتری، از زاویه منحرف سخن بگوید و مردم را موعظه کند، هدف خویش را به گونه مؤثر القا می‌نماید و تأثیر بهتر و بیشتری در اذهان شنوندگان به جای می‌گذارد؛ البته این کار، همیشه و برای همه وعاظ میسر نیست؛ اما در طول تواریخ، بعضی از وقایع و قضایا پیش آمده و سخنگوی آن واقعه، مقصود خود را از زاویه منحرف بیان نموده که بسیار هم مؤثر واقع شده است. خطبا می‌توانند در مواقع لازم، برای تأیید سخنان خود، از این روش استفاده نمایند تا در شنوندگان تأثیر بیشتری ایجاد کنند.^۱

۸. هماهنگی عمل و گفتار مبلّغ

ده‌ها سال قبل در تهران، هنوز لوله‌کشی برای آب شرب ایجاد نشده بود. در منازل، آب‌انبار می‌ساختند و آب شرب برای ساکنان هر منزل، در آن انبار ذخیره می‌شد. آب‌های شرب محلات، از نه‌هایی می‌گذشت که اغلب روی آنها پوشیده نبود و بارها بعضی از زنان وظیفه ناشناس، لباس‌های چرک و حتی کهنه‌های آلوده اطفال کوچک را در نه‌ها می‌شستند و آب جاری، حباب‌های صابونی را... با خود می‌برد.

واعظ تحصیل کرده و عالمی بود که چند سال قبل از دنیا رفت. بنده او را می‌شناختم و به اخلاقش واقف بودم؛ در منابر چیزهایی را به مردم سفارش می‌نمود که خودش به آنها عمل می‌کرد. او نسبت به کار بعضی از زنان نادان بسیار حساس بود و سخت رنج می‌برد و مکرر در منابر تذکر می‌داد. روزی به منزل آمد و گفت: عصرها مرا به مجلسی که در یکی از خیابان‌های فرعی امیریه بود، دعوت نمودند. امیریه (قسمتی از خیابان ولی‌عصر)، از خیابان‌های خوب تهران به حساب می‌آمد و از امتیازاتش این بود که دو طرف خیابان، دو نهر آب پیوسته جریان داشت.

۱. محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی «سخن و سخنوری»، ص ۸۹ - ۹۰.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۲۵

آن واعظ به من گفت: در یکی از روزها که به طرف مجلس می‌رفتم، زنی را دیدم که در نهر امیریه رخت می‌شوید. از دیدن آن ناراحت شدم، به مجلس آمدم. پس از چند دقیقه توقف، منبر رفتم. جمعیت زیاد بود. در اواخر منبر، احساس درونی‌ام واداشت پیرامون شستن لباس‌ها در نهر تذکری بدهم. اول، آنچه را بین راه دیده بودم، به اطلاع حضار رساندم. سپس گفتم: به اینان بگویید: انصاف داشته باشید، آب مشروب را کثیف نکنید، پلیدی‌ها را به خورد مردم ندهید، سلامتشان را به خطر نیندازید و لباس‌های چرکین را در نهرها نشوید.

وقتی سخنم تمام شد، منبر را ترک کردم. در راه، عده زیادی با من مصافحه کردند و دست دادند. خیابان فرعی را طی کردم و به امیریه خیابان اصلی رسیدم. عده بسیاری از مردان و زنان مستمع نیز آن راه را پیمودند. بعضی پیش از من به خیابان اصلی رسیدند و گروهی بعد از من. در خیابان امیریه، کنار نهر نشستیم تا دست‌هایم را بشویم؛ درحالی‌که می‌شستم، یکی از مستمعان مجلس بالای سرم ایستاد. حرف‌های مرا، مانند خودم تکرار کرد و با صدای بلند که مستمعان از مجلس بیرون آمده، بشنوند، گفت: انصاف داشته باشید، دست‌های آلوده خود را در نهر نشوید، آب مشروب مردم را کثیف نکنید، پلیدی‌ها را به خوردشان ندهید و سلامت آنان را به خطر نیندازید.

واعظ محترم گفت: من پیش از سخنان گوینده متوجه نبودم که شستن دست در آب جاری، نوعی آلوده کردن آب است و ناآگاهانه مرتکب این تخلف شدم. گفته‌های او، مردم را متوجه من نمود و آنان با تبسمی آمیخته به استهزا مرا نگاه می‌کردند. آن‌قدر خجلت‌زده و شرم‌منده گردیدم که برخاستن از کنار نهر و نگاه کردن به مردم برایم دشوار و سنگین بود. خلاصه، برخاستم و رفتم و فردا ناآگاهی خود را برای شنندگان توضیح دادم.

خلاصه، مردم از کسانی که دیگران را امر و نهی می‌نمایند، خصوصاً از خطبا و سخنوران اسلامی، توقع دارند که خودشان به آنچه می‌گویند، عمل کنند و اگر این نکته را رعایت نمایند و به انتظار مردم ترتیب اثر ندهند، نه تنها از قدر و منزلتشان کاسته و زمینه تحقیرشان فراهم می‌شود که آنان را عناصری نادرست، وظیفه‌شناس و متخلف می‌شناسند.

تأثیر کلام خطیب، از بزرگ‌ترین نشانه‌های شخصیت او در افکار عمومی است. سخنور اسلامی، اگر به گفته‌های خود عمل نکند و از اطاعت فرمان الهی و رعایت تعالیم دینی سر

۴۲۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

باز زند، نفوذ کلام خود را از دست می دهد و مردم به امرونی او ترتیب اثر نمی دهند و در برابر گفته هایش بی تفاوتی پیشه می کنند.^۱

۹. ضرورت آشنایی با جوّ سیاسی

صهیونیست ها پرونده های جنایی فراوانی در لبنان دارند و اعمال ضدّ انسانی بسیاری مرتکب شده اند؛ ولی چند سال قبل، ظرف یک هفته، میزان جنایاتشان به صورت بی سابقه - ای اوج گرفت و مسلمانان را قتل عام کردند. روزنامه ها نوشتند اجساد کشتگان در خیابان ها ریخته شده است و آن ستمگران، حتی به بیمارستان ها هجوم می برند و بیماران را به قتل می رسانند.

این اخبار تکان دهنده، در تهران اثر عمیق گذاشت و مسلمانان واقعی را سخت ناراحت و غمگین کرد و در همه مجالس، سخن از جرایم یهود بود. در یکی از شب ها که هنوز سوز و گداز آن اخبار وحشت زافروکش نکرده بود، واعظی در یکی از مساجد تهران منبر رفت که من نیز در آن مسجد بودم. او برای شرح دین حق و آیین عدل پرور، قضیه قتاده بن نعمان و طعمه بن ابیرق را شرح داد و در پایان از تبرئه مرد یهودی سخن گفت و آیاتی را که در این باره نازل شده بود، قرائت کرد.

جوّ سیاسی آن روز، بغض صهیونیست های جنایتکار و دشمنی یهودی های غاصب و ظالم بود و مردم مسلمان نمی توانستند در آن شرایط، خبر تبرئه یهودی را بشنوند. از این رو، سخنان واعظ در مجلس به سردی تلقی شد و بعضی بین سخنان او، از مجلس خارج شدند.

واعظ پس از پایان سخنرانی، آمد در همان ایوانی که من نشسته بودم، نشست. طولی نکشید که مرد فهمیده و شناخته شده به درستکاری، مقابل واعظ ایستاد و با صدای بلند گفت: موقعی که مسلمانان از جور و ظلم یهود و جنایاتی که در لبنان نسبت به مسلمانان مرتکب شده اند، خون گریه می کنند، مقتضی نبود شما این قصه را که نتیجه اش به نفع یهودی ها و تبرئه آنان بود، بیان می کردید.

۱. همان، ص ۶۰ - ۶۲.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۲۷

غفلت از جوّ سیاسی موجب می‌شود واعظی محترم، این خطابه نامناسب را ایراد کند و مورد اعتراض قرار گیرد. بنابراین، باید از گفتن سخنی که با اوضاع و احوال مجلس ناسازگار است، خودداری شود.^۱

۱۰. اجرای طرح اختلاف‌زدایی

چند سال قبل در ماه مبارک رمضان، از سوی جهاد سازندگی یکی از شهرهای شیراز دعوت شدم و مرا به روستایی در اطراف شهر و منزل مسئول شورای اسلامی روستا فرستادند.

در اولین شب سخنرانی احساس کردم اهل مسجد کم هستند و حدس زدم مسئله‌ای در کار است. پس از مقداری جست‌وجو، روشن شد چون مهمان رئیس شورای ده هستم، بسیجی‌ها پای منبر نمی‌آیند؛ زیرا بین این دو گروه خوب و مسلمان، اختلافی ایجاد شده بود. یکی دو روز گذشت؛ اما گویا افراد مصمم بودند همچنان پای منبر من حاضر نشوند و مسجد بی‌روتنی بماند. با خود گفتم باید چاره‌ای اندیشید و همه مردم را به مسجد کشاند و به اختلافات پایان داد.

راهی به ذهنم رسید و آن را عملی کردم. به این صورت که وسایل شخصی‌ام را برداشتم و از میزبان عذرخواهی و خداحافظی نمودم. او فکر کرد می‌خواهم از روستا بروم. از او پرسیدم: آیا حاضر است که طرح من را برای از بین بردن اختلافات، به خاطر خدا بپذیرد؟ پی پاسخ مثبت او، به خانه فرمانده بسیج روستا رفتم و تقاضا کردم مرا به عنوان مهمان بپذیرد. گرچه از این کار اکراه داشت، اما تقریباً خودم را تحمیل کردم و او پذیرفت. اولین شب، بعد از این قضیه به سوی مسجد راه افتادم و از آنجا که معمولاً میزبان هم با روحانی به مسجد می‌رود، فرمانده بسیج هم با من همراه شد و طرف‌دارانش به پیروی از او راهی مسجد شدند و این، شروعی شد برای از بین رفتن اختلاف.^۲

۱۱. ظاهر سازی افراد

در ایام دفاع مقدس، در یکی از گردان‌های لشکر حضرت رسول ﷺ مشغول تبلیغ بودم. از همان روزهای اول ورود به گردان، متوجه شخصی شدم که در ظاهر از معنویت فراوانی

۱. همان، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

۲. حسین دهنوی، خاطرات و تجارب تبلیغی، ص ۳۵ - ۳۶.

برخوردار بود. صبح‌ها قبل از اذان، پتویی بر سر می‌کشید، نماز شب می‌خواند و های‌های گریه می‌کرد و نمازهای جماعت را با گردن کج و حرکات عجیب و غریب به‌جای می‌آورد. او سعی می‌کرد خود را به من نزدیک کند و در هر فرصتی با من صحبتی داشته باشد. سؤالاتی می‌پرسید تا نشان دهد اهل ولایت و معنویت است و با امام زمان علیه السلام رابطه دارد.

من هم که تجربه چندانی در جبهه و در بین نیروهای رزمی نداشتم و تقریباً اولین سفر تبلیغی‌ام بین رزمندگان بود، به او اعتماد کردم و شیفته معنویتش شدم. روزی با هیجان و گریه فراوان نزد من آمد و گفت: آقا برایم اتفاق عجیبی افتاده است! پرسیدم: چه شده است؟ به گریه‌اش ادامه داد و گفت: داخل چادر دراز کشیده بودم و در حال خواب و بیداری، دستی را دیدم که در آن خنجری بود و از خنجر خون می‌چکید و صدایی شنیدم که می‌گفت: گناهان افراد گردان، مرا بسیار رنج می‌دهد.

آن شخص درحالی که سخت می‌گریست و مرا نیز تحت تأثیر قرار داده بود، ادامه داد: آقا دیدید بالاخره امام زمان علیه السلام ضد افراد گردان قیام کرد و خنجر کشید؟ کاری بکنید و بداد ما برسید.

من که از همه جا بی‌خبر بودم، در اولین سخنرانی بعد از آن واقعه، از آن شخص به بزرگی یاد کردم و اتفاقی را که برایش افتاده بود، مطرح نمودم و درحالی که اشک‌هایم جاری بود، از آنان خواستم بیشتر به فکر معنویت خود باشند.

همین که نام آن شخص را بردم، متوجه شدم افراد گردان بغل گوش یکدیگر پیچ کردند و بر لبان بعضی نیز لبخند معناداری نقش بست. بعد از سخنرانی نیز یکی از مسئولان گردان نزد من آمد و گفت: حاج آقا ببخشید! آیا امام زمان علیه السلام شمشیر دارند یا خنجر؟ با شنیدن این سؤال، برای یک لحظه به خودم آمدم و گفتم: شمشیر. گفت: این شخصی که شما از او نام بردید، آدم منحرفی است و تمام کارها و حرف‌هایش برای جلب توجه دیگران است و می‌خواهد با این کارها معروف شود. مواظب باشید و به حرف‌هایش اعتماد نکنید.^۱

۱۲. فرجام پایداری

در یکی از سال‌ها، چون امام جمعه بودم،^۲ به حسب برنامه همیشگی، برای یکی از روستاهای اطراف شهر، روحانی اعزام کردم؛ اما او روز بعد برگشت و گفت: من به آنجا

۱. همان، ص ۵۶ - ۵۷.

۲. علی‌یار فرجی، امام جمعه سابق آزادشهر.

پیوست‌های تبلیغی: خاطرات تبلیغی ■ ۴۲۹

رفتیم؛ ولی آنها گفتند: اینجا کسی مسجد نمی‌آید و جایی برای استراحت شما هم نیست و سرانجام چیزی هم به روحانی نمی‌دهند. گفتم: چیزی نمی‌خواهم. اگر کسی هم به مسجد نیاید، طوری نیست. فقط اگر جایی برای ماندن شب باشد، کافی است؛ ولی آنها فردای آن روز، مرا به سوی ماشینی که به شهر برمی‌گشت، راهنمایی کردند. آنها نه تنها از من استقبال نکردند، بلکه سعی کردند به هر شکلی که شده، مرا بازگردانند.

پس از شنیدن سخنان او، گفتم: اگر بخواهید، شما را جای دیگری برای تبلیغ می‌فرستم؛ ولی شما با همین ماشین که آمده‌اید و با همین ساک که هنوز باز نکرده‌اید، برگردید و وقتی به روستا رسیدید، به مسجد بروید و در همان مسجد بخواهید و بگویید: امام جمعه به شما سلام رسانده و مرا برای تبلیغ فرستاده است.

آن مبلغ بزرگوار پذیرفت و رفت. بعد از سه روز، یک نفر به آن روستا رفت و برگشت و گفت: از روحانی استقبال خوبی شده و مردم دور او جمع شده‌اند. شب ۲۱ ماه مبارک رمضان، ساعت ۱۲ شب به دیدنش رفتیم. داخل مسجد با جوانان نشسته بود و گروه بسیاری گرد او حلقه زده بودند و از محضر او استفاده می‌کردند و جلسه بسیار دوست‌داشتنی و خوبی بود.

خدمات این روحانی و گذشت و استقامت او باعث شد که مردم به سوی دین و قرآن و روحانیت گرایش پیدا کنند؛ به حدی که در حال حاضر، در ایام تبلیغ و ولادت‌ها و شهادت‌ها، خودشان روحانی دعوت می‌کنند و معارف دینی را با استقبال زیاد از مبلغان می‌آموزند.

مبلغان با صبر و استقامت و ایثار و فداکاری و حرکت پیامبرگونه برای هدایت مردم و نجاتشان از جهالت و بی‌خبری، می‌توانند در سخت‌ترین شرایط به یاری خداوند قلوب انسان‌ها را تسخیر کنند و ظرف جان آنها را لبریز از معارف بلند توحیدی نمایند؛ همان‌طور که قرآن فرمود: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

۱. ماهنامه مبلغان، پیش‌شماره هشتم، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.

نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان

اشاره

بیست سال از پیشینه چاپ و انتشار ره‌توشه راهیان نور ویژه ایام ماه مبارک رمضان می‌گذرد و بحمدالله در این سال‌ها، گنجینه‌ای بزرگ و ارزشمند از مطالب و موضوعات متنوع فراهم آمده است. به منظور بهره‌مندی بیشتر و دسترسی آسان‌تر مبلغان گرامی از مباحث ارائه‌شده در این مجموعه گرانبها، نمایه موضوعی مقالات آنها تهیه و تنظیم شده و در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار گرفته است.

خداشناسی

آزمون‌های الهی، سنت‌های جاودان: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.
اثبات عجز معبودهای دروغین: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
احادیث موضوعی اعتقادی: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش
اعتراف فطری بر توحید: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش
جهل انسان از مسائل هستی: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش
چگونگی شناخت خدا: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.
خداوند، تنها بی‌نیاز کننده: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
دست خدا در هستی: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

پیامبرشناسی

پاداش آخرین پیامبر الهی: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.
تفسیر پنج رابطه در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.
حق پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
ره‌آورد معراج: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

۴۳۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

سیره تبلیغی پیامبر ﷺ، الگوی تبلیغ موفق: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

سیره معنوی و عبادی رسول اعظم ﷺ: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

فراگیری مهارت‌های معنوی در مکتب پیامبر اعظم و اهل بیت علیهم السلام (۱): رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

فراگیری مهارت‌های معنوی در مکتب پیامبر اعظم و اهل بیت علیهم السلام (۲): رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

مدارا با مردم در سیره پیامبر اکرم ﷺ: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

معراج: رمضان ۱۴۲۶/ق/۱۳۸۴ش.

امام‌شناسی

آثار وجودی امام غایب علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.

آسیب‌شناسی مهدویت: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

امام حسن علیهم السلام، از امامت تا شهادت: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.

امام رضا علیهم السلام و ولایت عهدی: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

امام علی علیهم السلام، بارزترین الگوی خدمتگزاری: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

امامت و ولایت به ضمیمه پرسش‌ها و پاسخ‌ها: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.

امیر مؤمنان علیهم السلام که مدح او خدا کند: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.

امیر مؤمنان، علی علیهم السلام و نهج البلاغه از دیدگاه اندیشمندان جهان: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

این همه دشمنی با علی علیهم السلام، چرا؟: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

جامعیت امام علی علیهم السلام: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

حق پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

حقیقت و ابعاد امامت: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

داستان‌هایی از امام علی علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.

داستان‌هایی از زندگی امام علی علیهم السلام (۱): رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.

دوستان و دشمنان حضرت علی علیهم السلام: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

- دوستان و دشمنان علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹/ش.
- راه پیوند عملی با سیره معصومین علیهم السلام: رمضان ۱۴۱۹/ق ۱۳۷۷/ش.
- رفتارشناسی امام علی علیه السلام در برابر مخالفان: رمضان ۱۴۳۴/ق ۱۳۹۲/ش.
- زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸/ش.
- زندگانی امام رضا علیه السلام: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶/ش.
- سیره اخلاقی امام حسن مجتبی علیه السلام (۱): رمضان ۱۴۲۷/ق ۱۳۸۵/ش.
- سیره امام حسن علیه السلام: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- سیره معصومین علیهم السلام در ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۶/ق ۱۳۸۴/ش.
- سیمای علی علیه السلام در قرآن (۱): رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹/ش.
- شخصیت اولین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸/ش.
- شیوه‌های تبلیغی امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۳۵/ق ۱۳۹۳/ش.
- صبر و سکوت امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹/ش.
- صلح امام حسن علیه السلام، تلاشی برای حفظ ارزش‌ها: رمضان ۱۴۳۴/ق ۱۳۹۲/ش.
- ضرورت بررسی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- علی علیه السلام از زبان شهید مطهری رحمته الله: رمضان ۱۴۲۵/ق ۱۳۸۳/ش.
- علی علیه السلام در آینه قرآن: رمضان ۱۴۲۲/ق ۱۳۸۰/ش.
- علی علیه السلام و زیبایی‌ها: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸/ش.
- علی علیه السلام، از نگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: رمضان ۱۴۲۴/ق ۱۳۸۲/ش.
- علی علیه السلام، الگوی آسمانی: رمضان ۱۴۲۵/ق ۱۳۸۳/ش.
- علی علیه السلام، الگوی آسمانی: رمضان ۱۴۲۶/ق ۱۳۸۴/ش.
- علی علیه السلام، الگوی انسان کامل: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- غریب تاریخ: رمضان ۱۴۲۳/ق ۱۳۸۱/ش.
- فرازهایی از زندگی امام حسن مجتبی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۶/ق ۱۳۸۴/ش.
- فضایل امام علی علیه السلام از نگاه قرآن: رمضان ۱۴۳۴/ق ۱۳۹۲/ش.
- مصلحت‌های صلح امام حسن علیه السلام: رمضان ۱۴۱۹/ق ۱۳۷۷/ش.

۴۳۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مهدی یاوران: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.

ولایت در قرآن: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

ولایت فقیه: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

ویژگی های اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام: رمضان ۱۴۲۶/ق/۱۳۸۴ش.

یادی از محنت های اهل بیت علیهم السلام (۱): رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

آخرت شناسی

بهشت و جهنم: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

تقویت ایمان به معاد و تذکر به مرگ و پرهیز از گناه: رمضان ۱۴۱۷/ق/۱۳۷۵ش.

سیمای فردا: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.

شبیه در معاد، راه فرار از مسئولیت: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

عالم برزخ، چیستی و چرایی: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

معاد در قرآن: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

معاد در قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

معاد: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.

موانع یاد قیامت: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.

یاد مرگ و آثار تربیتی آن: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

یاد معاد، اسامی و احوال قیامت در قرآن: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.

علوم و معارف قرآن

آداب تلاوت قرآن: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

آداب تلاوت قرآن: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.

بحثی پیرامون قرآن: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.

تحریف ناپذیری قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

تشابه آیات تشریعی با آیات تکوینی: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

تفسیر اخلاقی ۱۹ آیه از سوره مبارکه لقمان: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۳۵

- تفسیر قرآن (سوره بلد، قدر و فجر): رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- چگونگی نزول قرآن: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
- چند داستان قرآنی، همراه با نکته‌های آن: رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
- چهارده نکته ناب قرآنی: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- داستان‌هایی از جزء اول قرآن کریم: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- دگرگونی انسان‌ها در قرآن: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
- شناسنامه سوره لقمان: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.
- شیوه مقابله با قرآن: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.
- فرهنگ‌سازی آموزه‌های قرآن، بهترین روش مهندسی اجتماعی: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- قرآن، کتاب حکمت: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.
- قرآن، کتاب هدایت و رحمت: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.
- قرآن: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.
- قرآن: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- قرآن، نکته‌ها و پیام‌ها: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- معرفی تفاسیر شیعه: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.
- نزول قرآن: رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
- نکات برگزیده سوره حمد: رمضان ۱۴۱۹ق/۱۳۷۷ش.
- نگاهی به موضوعات سوره حجرات (۱): رمضان ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳ش.
- ویژگی‌های قرآن در نهج البلاغه: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.

تاریخ اسلام

- ابو طالب، مرد ستوده‌خصال: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- حضرت خدیجه علیها السلام، اسوه زن مسلمان: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- خدیجه علیها السلام، بانوی بزرگ اسلام، مظهر مقاومت و تجلی ایمان: رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
- غزوه بدر، نخستین همایش نظامی مسلمین: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.
- گوهرهای تابناک: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.

۴۳۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

نگرشی بر زندگانی خدیجه کبری علیها السلام: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

مباحث اخلاقی

ارکان توکل به خدا یا علامت‌های انسان متوکل: رمضان ۱۴۳۰/ق/۱۳۸۸ش.

آداب معاشرت: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

آداب مهمانی در اسلام: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.

آراستگی: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

آرزو: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

ابتلای انبیا علیهم السلام و مؤمنین: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

ابرار (نیکان): رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

ابعاد مختلف سخن: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

احسان و اطعام در قرآن و روایات: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

احسان: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

اخلاق منتظران: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

اخلاق و ادب: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

اخلاق و معنویت دینی: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

استغفار: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

استقامت: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

استکبار، ریشه تکبر و فخر فروشی بر مردم: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

استکبار، مانع فهم معارف و حیانی: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

اسراف از دیدگاه قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

اصلاح ذات‌البین: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.

اعتدال در رفتار و گفتار: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

اعتدال در قرآن؛ بینش‌ها و گرایش‌ها: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.

اعتدال و میانه‌روی: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

اعتدال و میانه‌روی در اسلام: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۳۷

- امید به رحمت الهی: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- انسان‌شناسی از نگاه قرآن: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.
- انفاق: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- بدعت: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- برترین موضع‌گیری در برابر نعمت و دارایی: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- برترین‌ها: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- بصیرت قلبی و بصیرت ظاهری: رمضان ۱۴۲۶/ق/۱۳۸۴ش.
- بندگی: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- بیداری وجدان از عوامل اصلی توبه: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.
- پشیمانی: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- پند و موعظه: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- پیوند متقین با قرآن: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- تسلیم و عمل صالح، دو بال نجات: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- تفاوت‌های دنیا و آخرت از منظر قرآن کریم: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.
- تقوی، عامل مهم تزکیه: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- توبه از گناهان: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹ش.
- توبه از گناهان: رمضان ۱۴۲۶/ق/۱۳۸۴ش.
- توبه: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- توبه: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- توبه: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- توصیه به اعمال صالح و اخلاق فاضل: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- توکل: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- تهمت: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- ثمرات تقوا در دنیا و آخرت: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- ثمره شکر و کفر: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- جامعه و حق عالمان: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.

۴۳۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

- جایگاه ایمان و عمل صالح و رابطه آن با شناخت: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- جایگاه قناعت در آموزه‌های دینی: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- جایگاه و اهمیت اعتدال در زندگی: رمضان ۱۴۳۰/ق/۱۳۸۸ش.
- جوان در مسیر سعادت: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- جهل و جاهلان: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- حدود شکر از والدین: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- حزن پارسایان: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- حسرت‌ها و آرزوها در قرآن: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹ش.
- حق الناس از منظر اسلام: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲ش.
- حق مؤمن: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.
- حق همسایه (۱): رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.
- حقوق جوانان: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.
- حقوق متقابل کارگر و کارفرما: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.
- حلم در قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.
- خشوع در مکتب قرآن و عترت علیه السلام: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- خوردن و آشامیدن: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- خوف و رجا: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- دنیای پسندیده و ناپسند: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- دنیای مذموم و ممدوح: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- دوستی و دشمنی: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- ذکر خدا: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- ذکر و شکر: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- رابطه اخلاق دینی و انسجام اسلامی در احادیث معصومین علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.
- راه ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در نسل نو: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.
- راه زندگی (گلچینی از حدیث معراج): رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۳۹

- رضایت الهی: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- رفع حوائج مؤمنین: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- رفق و مدارا: رمضان ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۳ش.
- زبان: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- زبان: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- زمان‌شناسی: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.
- زهد: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- سحر سخن، سحر دل: رمضان ۱۴۱۹/ق/۱۳۷۷ش.
- سرانجام محسنین: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- سعادت؛ نقش آموزه‌های وحیانی در سعادت فرد و جامعه: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.
- سعی و کوشش: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- سفر معنوی: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹ش.
- سلام: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- سلام: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- سلوک شکیبایی: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- سه قانون در مورد عمل: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- شرح صدر: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- شرک در نیت و عمل: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- شکر از پدر و مادر: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.
- شیطان: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.
- صبر در آموزه‌های قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.
- صبر در برابر نعمت‌ها: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸ش.
- صبر در قرآن: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.
- صله رحم: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- طلب رزق حلال: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.
- عدالت اجتماعی در قرآن؛ جایگاه و راه‌های برقراری آن: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷ش.

۴۴۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

عَفَت: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

عفو و گذشت آگاهانه: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

عفو و گذشت: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

عمر و زندگی: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

عمل صالح: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

عوامل برکت و بی‌برکتی: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

عوامل و موانع سلوک: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

عیب‌جویی: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

غفلت: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

قلب: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

قناعت، سرمایه زندگی: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

قوت و قدرت در دین‌داری: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

گناه و زندگی (۱)؛ گناه‌شناسی: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

گناه و زندگی (۳)؛ گناه‌زدایی: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

گناه: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱ش.

گناه: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

لجاجت: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

متهم کردن نفس: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲ش.

مشق زندگی الهی: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵ش.

معانی حق اخوت و برادری: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶ش.

مفهوم‌شناسی اخلاق: رمضان ۱۴۳۳/ق/۱۳۹۱ش، پیام‌های قرآنی.

مقابله با خواسته‌ها و تمنیات نفس: رمضان ۱۴۱۷/ق/۱۳۷۵ش.

منطق سست مستکبرین: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

نصایحی از امام صادق علیه السلام: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰ش.

نعمت، امتیاز یا مسئولیت: رمضان ۱۴۳۱/ق/۱۳۸۹ش.

نیرنگ و خدعه: رمضان ۱۴۳۲/ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۴۱

واژه قلب در قرآن: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

وجدان کاری در پرتو چهل حدیث: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

ویژگی صبر و صابران در قرآن و روایات: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

ویژگی‌های محسنین: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.

هدایت: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.

مباحث تربیتی

استفاده از عنصر تشویق و تنبیه: رمضان ۱۴۱۷ق/۱۳۷۵ش.

اهمیت تربیت در سه دوره هفت‌ساله: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

تربیت هماهنگ: رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.

تعریف، ضرورت و اهمیت تربیت فرزند: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

جوانی و جایگاه آن در تربیت اسلامی: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

خصوصیات شخصیتی در هفت‌سال سوم و تفاوت شخصیتی دختر و پسر: رمضان

۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

خصوصیات شخصیتی در هفت‌ساله دوم: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

خصوصیات شخصیتی فرزند در هفت‌سال اول: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

روش‌های اثربخش در تربیت کودکان و نوجوانان: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

روش‌های تربیتی (آموزش عملی، آموزش گفتاری): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی

خانواده دینی.

روش‌های تربیتی (نقش تشویق و تهدید در تربیت): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی

خانواده دینی.

زمینه‌های تأثیر تربیت بر فرزندان: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

مربی واقعی و حفظ جایگاه پدر و مادر در تربیت: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی

خانواده دینی.

نقش پدر و مادر در تربیت فرزند تا هفت‌روز ابتدایی ولادت: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش،

الگوی خانواده دینی.

۴۴۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

نقش تربیت دینی در مقابله با تهاجم فرهنگی: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ ش.
نقش حفظ جایگاه پدر و مادر برای تأثیرگذاری بر فرزندان: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ ش، الگوی خانواده دینی.
نقش والدین در تربیت فرزندان: رمضان ۱۴۳۴/ق ۱۳۹۲ ش.

مباحث اجتماعی

آداب معاشرت: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ ش.
اتحاد اسلامی در نهج البلاغه: رمضان ۱۴۲۹/ق ۱۳۸۷ ش.
اتحاد اسلامی، رمز پیروزی: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
اجتماعات دینی و محافل مذهبی: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ ش.
جامعه‌سازی قرآنی: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
شناخت سنت‌های الهی و نقش آنها در زندگی ما: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ ش.
شناخت سنت‌های الهی: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ ش.
ضرورت معاشرت: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸ ش.
ظهور و افول تمدن‌ها در قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
گفتاری پیرامون «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب»: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
موضع‌گیری‌ها و موقعیت‌ها: رمضان ۱۴۳۱/ق ۱۳۸۹ ش.
نقش دوست در سرنوشت انسان: رمضان ۱۴۳۴/ق ۱۳۹۲ ش.

مباحث اقتصادی

آیاری: رمضان ۱۴۲۵/ق ۱۳۸۳ ش.
آفات کسب درآمد (احتکار؛ غش و دغل‌کاری؛ تبانی بر گران‌فروشی): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ ش، معیشت در زندگی دینی.
آفات کسب درآمد (دروغ‌گویی، سوگند، تدلیس): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ ش، معیشت در زندگی دینی.
آفات کسب درآمد (ریاکاری): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ ش، معیشت در زندگی دینی.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۴۳

آفات کسب درآمد (کم‌فروشی، ستایش و پوشاندن عیوب کالا، بی‌توجهی به مال): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

آفت‌زدایی از کسب درآمد (اهمیت و آثار کسب حلال): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

آفت‌زدایی از کسب درآمد (کسب حرام و پیامدهای شوم آن): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

ابعاد فقر و غنا در فرهنگ دینی، رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

ارزش کار و تولید از دیدگاه قرآن و روایت: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

اصلاح الگوی مصرف؛ قواعد مصرف در فرهنگ دینی (۱): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

اصلاح الگوی مصرف؛ قواعد مصرف در فرهنگ دینی (۲): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

انسان از دیدگاه مکتب اقتصادی اسلام: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

انفاق: رمضان ۱۴۳۲/ق ۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

بررسی عوامل و پیامدهای تکاثر و فقر: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

توزیع ثروت در اسلام: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

جایگاه اعتدال در کسب روزی: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

جایگاه توکل و نقش آن در کسب روزی: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

جایگاه خمس در قرآن و حدیث: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸ش.

جایگاه زکات در قرآن و حدیث: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸ش.

خط اعتدال در مسائل مالی: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵ش.

درمان فقر و تکاثر؛ روش‌های معرفتی - فرهنگی: رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

رابطه اغنیا با فقرا؛ حوزه انفاق، شرایط انفاق (۱): رمضان ۱۴۳۰/ق ۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

۴۴۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

رابطه اغنیا با فقرا؛ حوزه انفاق، شرایط انفاق (۲): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

رابطه اغنیا با فقرا؛ حوزه عاطفه و معاشرت: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.
رابطه اغنیا و فقرا؛ حوزه قرض الحسنه و وقف: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

رابطه اغنیا با فقرا؛ کارگشایی (پیامدهای دنیوی و اخروی): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

رابطه اغنیا با فقرا؛ حوزه انفاق، اهمیت انفاق: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.
رزق و روزی: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.

روزی حلال؛ ضرورت‌ها و پیامدها: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

کشاوری در قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام: رمضان ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳ش.

مبانی و پیش‌فرض‌های مصرف: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.
مقایسه دیدگاه اقتصادی مکتب اسلام با برخی از مکاتب معاصر: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

وجدان کاری در کسب روزی؛ اهمیت وجدان کاری و عوامل فقدان آن: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

وجدان کاری در کسب روزی؛ عوامل مؤثر در تقویت وجدان کاری (۱): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

وجدان کاری در کسب روزی؛ عوامل مؤثر در تقویت وجدان کاری (۲): رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، معیشت در زندگی دینی.

مباحث سیاسی

آشنایی اجمالی با انرژی هسته‌ای و برخی از معاهدات بین‌المللی مربوط به آن (۱): رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.

آشنایی با اصطلاحات: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.

اصطلاحات روز: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۴۵

- امام خمینی علیه السلام و ضرورت توجه به مسئله فلسطین: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱/ش.
- انتفاضه، تنها راه (به مناسبت روز قدس): رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰/ش.
- پیرامون انتخابات: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸/ش.
- توصیه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹/ش.
- حماسه‌سازان همیشه‌جاوید، به مناسبت هفته دفاع مقدس: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶/ش.
- حوزه و دانشگاه، پایگاه وحدت: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸/ش.
- درآمدی بر نوآوری و شکوفایی دینی: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷/ش.
- درآمدی بر ویژگی‌های یهود در قرآن: رمضان ۱۴۲۹/ق/۱۳۸۷/ش.
- روز قدس: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- شهید مفتاح، مظهر وحدت حوزه و دانشگاه: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸/ش.
- صهیونیسم؛ ویژگی‌ها و اهداف: رمضان ۱۴۳۴/ق/۱۳۹۲/ش.
- ضرورت قانون‌گرایی دولتمردان از منظر امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸/ش.
- علی علیه السلام و کارگزاران ناصالح: رمضان ۱۴۲۲/ق/۱۳۸۰/ش.
- فلسطین: رمضان ۱۴۱۸/ق/۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- قداست فلسطین در آموزه‌های قرآن: رمضان ۱۴۲۸/ق/۱۳۸۶/ش.
- قدس، موطن آرزوهای مسلمین: رمضان ۱۴۲۰/ق/۱۳۷۸/ش.
- قدس، انتفاضه مردم فلسطین و چشم‌انداز آینده: رمضان ۱۴۲۴/ق/۱۳۸۲/ش.
- لبنان، سرآغاز «طرح خاورمیانه جدید»: رمضان ۱۴۲۷/ق/۱۳۸۵/ش.
- وحدت، در گفتار و سیره امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹/ش.
- یهود، ملت برگزیده: رمضان ۱۴۲۱/ق/۱۳۷۹/ش.

زن و خانواده

- آثار و فواید ازدواج و تشکیل خانواده: رمضان ۱۴۳۰/ق/۱۳۸۸/ش، الگوی خانواده دینی.
- ارزش دخترداری در اسلام: رمضان ۱۴۲۳/ق/۱۳۸۱/ش.
- اهمیت وجود قواعد اخلاقی - تربیتی در زندگی مشترک: رمضان ۱۴۳۰/ق/۱۳۸۸/ش، الگوی خانواده دینی.

۴۴۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

پدر و مادر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
 تحکیم نهاد خانواده در اسلام: رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
 تربیت فرزند: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
 جایگاه پدر و مادر کجاست؟: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
 جمعیت از منظر اسلام: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
 جوان و ازدواج: رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
 حقوق متقابل والدین به فرزندان: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
 خانواده در اسلام؛ با نگاهی به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی اولین خانواده اسلامی:
 رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
 دورنمایی از حقوق خانواده: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.
 راهکارهای استحکام خانواده: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
 روش و چگونگی شناخت و انتخاب همسر: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.
 ریشه زوجیت و ازدواج در هستی و انسان: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.
 زن در آینه جلال و جمال: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
 طلاق عاطفی: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
 فواید و آثار حجاب و حریم میان زنان و مردان: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
 معیارها و ملاک‌های انتخاب همسر: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.
 منزلت حضرت مریم علیها السلام: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
 نشانه رعایت قواعد اخلاقی - تربیتی در زندگی مشترک: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی
 خانواده دینی.
 نگاه اسلام به داشتن فرزند (فرزندخواهی) و اهمیت به آن: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش،
 الگوی خانواده دینی.
 هدف ازدواج و تشکیل خانواده: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش، الگوی خانواده دینی.

مهارت‌های تبلیغی

روش تبلیغ چهره‌به‌چهره در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۴۷

- ره‌نمودهای قرآنی و تبلیغی: رمضان ۱۴۱۷ق/۱۳۷۵ش.
- سیره تبلیغی پیامبر ﷺ، الگوی تبلیغ موفق: رمضان ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش.
- شیوه تبلیغی امیر مؤمنان، علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
- شیوه‌های تبلیغی امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۳۵ق/۱۳۹۳ش.
- عوامل اثربخش در تبلیغ دینی: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
- عوامل مؤثر در انتقال پیام‌ها و ارزش‌ها: رمضان ۱۴۱۷ق/۱۳۷۵ش.
- غلط‌های رایج در سخنرانی‌ها: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- قداست منبر و محراب و توصیه‌های عارف بآله میرزا جواد آقا ملک تبریزی رحمته الله: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
- کاربرد شعر در تبلیغ: رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
- گفتارهای عددی و نکته‌های ادبی (نکته‌هایی برای مبلغین): رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
- مسجد و تبلیغ: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- موضوعات سخنرانی در ماه رمضان: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
- نقش تبلیغ در تربیت دینی و جذب نوجوانان و جوانان: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.

احکام

- آموزش و قرائت نماز: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- احکام روزه: رمضان ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳ش.
- احکام کاربردی ماه رمضان: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
- احکام مسافر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- احکام: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱؛ رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش؛ رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
- اشیای نجس: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- انواع معاملات: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- انواع نماز: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- اهمیت و ارزش روزه: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

۴۴۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

- اهمیت و ارزش نماز: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- اهمیت یادگیری احکام: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- بازی: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- پاک‌کننده‌های ظاهری و باطنی: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- تجارت بی‌ضرر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- تفاوت نظر مراجع: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- تقلید: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- تیمم: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- حجاب: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- دروغ: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- رؤیت هلال: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
- رابطه دختر و پسر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- زبان: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- سهم محبوب: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- شراب: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- شکیات: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- عهد: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- غسل: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- غسل، وضو و تیمم جبیره‌ای: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- غیبت: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- فحش: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- قسم: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- قضا و کفاره روزه: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- گزیده‌ای از احکام شرعی (۱): رمضان ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش.
- لباس: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.
- مبطلات روزه: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۴۹

مبطلات نماز: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

مواد مخدر و قرص‌های شادی‌آور: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

مواقف بزرگ بعد از مرگ: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

موسیقی: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

نذر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

نگاه: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

واجبات نماز: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

وضو: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، گلبرگ احکام.

ادعیه و عبادات

آثار و برکات نماز در دنیا و برزخ و قیامت: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

آداب دعا: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.

آموزه‌های اخلاقی در دعای ابوحمزه ثمالی: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

ابوحمزه ثمالی: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

ادعیه ماه مبارک رمضان در آینه قرآن (۱): رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.

اعتکاف در قرآن: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.

برداشت‌هایی از دعای شریف مکارم الأخلاق: رمضان ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش.

بی‌نمازی: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

تأملی در مسئله دعا: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.

جلوه‌هایی از سلوک معنوی در دعا‌های ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.

خدا را باید خواند: رمضان ۱۴۳۱ق/۱۳۸۹ش.

دعا و مسئولیت اجتماعی: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.

دعا: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.

سی‌شب، سی‌نماز: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.

شرحی مختصر بر موضوعات دعا‌های ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.

فرهنگ دعا و سیره حضرت زهرا (علیها السلام): رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.

فلسفه اعتکاف: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.

۴۵۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

- ماه رمضان و دعا (۱): رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹/ش.
- مفاهیم دعا‌های ماه رمضان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- نگاهی به دعا‌های قرآنی: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶/ش.
- نماز از منظر امام علی علیه السلام: رمضان ۱۴۲۲/ق ۱۳۸۰/ش.
- نماز در دوران جوانی: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- نماز: رمضان ۱۴۳۲/ق ۱۳۹۰/ش، پیام‌های قرآنی.
- نوافل: رمضان ۱۴۲۳/ق ۱۳۸۱/ش.
- نیایش در ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- وداع با ماه خدا: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸/ش.

روزه و رمضان

- آثار تربیتی روزه: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶/ش.
- آداب و مراسم خاص کشورهای مسلمان در ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۲.
- جلوه صحیفه سجاده در ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۹/ق ۱۳۸۷/ش.
- در محضر ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۱.
- درس‌های رمضان: رمضان ۱۴۱۷/ق ۱۳۷۵/ش.
- دعا‌های روزانه ماه رمضان: رمضان ۱۴۳۳/ق ۱۳۹۱/ش، ج ۱ و ۲.
- رمضان در آینه روایات: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۲.
- رمضان، ماه خودآگاهی: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶/ش.
- رمضان و فرصت‌ها: رمضان ۱۴۲۰/ق ۱۳۷۸/ش.
- روزه در ادیان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۲.
- روزه و رمضان المبارک: رمضان ۱۴۲۵/ق ۱۳۸۳/ش.
- روزه و رمضان در آینه شعر فارسی: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶/ش، ج ۲.
- روزه: رمضان ۱۴۳۲/ق ۱۳۹۰/ش، پیام‌های قرآنی.
- سیره معصومین علیهم السلام در ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹/ش.
- سیری گذرا در خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله (۱): رمضان ۱۴۲۷/ق ۱۳۸۵/ش.
- سیره امام خمینی رحمه الله در ماه رمضان: رمضان ۱۴۲۹/ق ۱۳۸۷/ش.

پیوست‌های تبلیغی: نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان ■ ۴۵۱

- شرحی مختصر بر چند نکته از موضوعات خطبه شعبانیه (۱): رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
- شناخت ماه خدا: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- عید فطر: رمضان ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
- عید فطر: رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- کتاب‌شناسی توصیفی رمضان: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.
- ماه رمضان، ماه خدا: رمضان ۱۴۱۹ق/۱۳۷۷ش.
- مروری بر دعای افتتاح: رمضان ۱۴۳۰ق/۱۳۸۸ش.
- مفهوم «عید» در فرهنگ اسلامی با تکیه بر جایگاه عید فطر: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۲.
- نقش روزه در تقویت اراده و کنترل هوای نفس: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
- نگاهی به خطبه شعبانیه: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
- نگاهی به خطبه امیر المؤمنین علیه السلام: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.

شب قدر

- جلوه‌های شب قدر: رمضان ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش.
- رابطه مقدرات شب قدر با اختیار انسان: رمضان ۱۴۳۴ق/۱۳۹۲ش.
- شب قدر و تقدیر الهی: رمضان ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳ش.
- شب قدر و مقدرات: رمضان ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
- شب قدر (۱): رمضان ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- شب قدر، شب وصل: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.
- شب قدر: رمضان ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش.
- شب قدر: رمضان ۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش.
- شب قدر: رمضان ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
- شب قدر: رمضان ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش.
- شب قدر: رمضان ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ش، پیام‌های قرآنی.
- قدر لیلة‌القدر: رمضان ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- قرآن و قدر: رمضان ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش، ج ۱.

۴۵۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

مصائب

ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام: رمضان ۱۴۲۴/ق ۱۳۸۲ ش.
 گریزها: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
 مصائب پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان علیهم السلام: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶ ش، ج ۱.
 مصائب: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹ ش.
 مقتل: رمضان ۱۴۲۳/ق ۱۳۸۱ ش.

پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹ ش.
 پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی برای مبلغان: رمضان ۱۴۲۸/ق ۱۳۸۶ ش.
 پرسش‌ها و پاسخ‌ها: رمضان ۱۴۲۶/ق ۱۳۸۴ ش.

مناسبت‌ها

تقویم تاریخ، ویژه ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۱۸/ق ۱۳۷۶ ش، ج ۱.
 تقویم تاریخ: رمضان ۱۴۲۱/ق ۱۳۷۹ ش.
 تقویم تاریخ: رمضان ۱۴۲۲/ق ۱۳۸۰ ش.
 مناسبت‌ها: رمضان ۱۴۲۷/ق ۱۳۸۵ ش.
 مناسبت‌های ماه مبارک رمضان: رمضان ۱۴۲۹/ق ۱۳۸۷ ش.

کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان

سیدعلی اصغر احمدی*

اشاره

از جمله ابزارهای مهم تبلیغ، شناخت منابع لازم برای پژوهش در موضوعات مورد نیاز می‌باشد. با توجه به اینکه در باره ماه مبارک رمضان و موضوع‌های مربوط به آن، آثار متعددی منتشر شده است، برخی از این منابع شناسایی شده و جهت استفاده مبلغان ارجمند معرفی می‌گردد:

۱. المراقبات

نویسنده: میرزا جواد ملکی تبریزی، مترجم: ابراهیم محدث بند ریگی.
قم: اخلاق، ۱۳۷۸، ۵۵۲ صفحه.

کتاب مذکور، به بحث درباره بیان فلسفه، آداب و اعمال روزهای هر ماه قمری پرداخته و در فصل دهم تا سیزدهم در مورد ماه رمضان، شب و روز به تفصیل سخن گفته است. فواید گرسنگی، درجات روزه، اقسام روزه‌داران، انواع نیت در سحر و افطار و آداب آن، فضیلت ماه رمضان، دعا و آداب آن، شب‌های قدر، وداع با ماه رمضان و آداب شب و روز عید فطر، از دیگر مباحث ارائه‌شده در این اثر است.

۲. ماه خدا: پژوهشی جامع درباره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده: محمد محمدی ری‌شهری.

به کوشش: رسول افقی، مترجم: جواد محدثی، ویراستار: محمدهادی خالقی.
قم: دارالحدیث، دو جلد، جلد اول و دوم، ۱۳۸۴، ۵۶۰ + ۵۳۶ صفحه.

پژوهشی جامع در اذکار، آداب و دعا‌های ماه مبارک رمضان است که با استفاده از آیات قرآن، روایات فریقین و کتاب‌های دعا به بررسی این موضوع پرداخته است. این اثر، در پنج

۴۵۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

بخش سامان یافته و هر بخش شامل فصل‌هایی است. بخش اول، مشتمل بر فضایل این ماه و عظمت و برکات و دیگر ویژگی‌های آن است. بخش دوم و سوم، به اهمیت روزه و آداب روزه‌داران و پرهیز از محرّمات روزه، و بخش بعد به ذکر اهمیت شب‌های قدر و اعمال و اذکار آن اختصاص یافته است. آداب وداع با این ماه با عظمت و ورود به ماه شوال و عید فطر و اعمال آن، پایان بخش کتاب است.

تذکر: این کتاب، به زبان عربی با عنوان *مراقبات شهر رمضان* به اهتمام جواد علی کسار ترجمه شده و توسط مؤسسه دارالحدیث منتشر گردیده است.

۳. برنامه ارتباط با خدا در ماه مبارک رمضان

نویسنده: محمد محسن فیض کاشانی.

تهران: انتشارات محمدی، بی تاریخ، ۲۴۴ صفحه.

کتاب یاد شده ابتدا به احکام روزه می‌پردازد و با اشاره به شروط، واجبات، مکروهات و اسرار روزه و همچنین شروط باطنی آن، به مباحثی چون ادعیه ماه مبارک رمضان، شامل: دعای بعد از نماز، دعای شب‌های ماه مبارک رمضان، دعای افتتاح از ولی عصر، دعا‌های منسوب به امام محمد باقر علیه السلام، دعای شب قدر، دعا‌های شب‌های احیا و نماز عید فطر پرداخته است.

۴. سخنی درباره روزه

نویسنده: سید هاشم رسولی محلاتی.

تهران: شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ۱۳۷۵، ۹۵ صفحه.

این کتاب در طی سه بخش، فضیلت و ثواب روزه، فضیلت ماه مبارک رمضان و برخی احکام و مسائل مورد ابتلای روزه‌داران را بیان کرده و شرحی اخلاقی و عرفانی بر دعا‌های روزه‌های ماه مبارک رمضان است. در این اثر، به بحث درباره محتوای عرفانی ادعیه ماه رمضان، مانند: توحید و خداشناسی، رابطه توحید با ولایت اهل بیت علیهم السلام، نشانه‌های موحدان، اسما و صفات الهی و کسب مقامات سیروسلوک پرداخته شده است.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۵۵

حضور قلب در نماز، موانع استجاب دعا، مراتب رشد و کمال انسانی، توبه و استغفار، ظهور صفات خدا در برخی انسان‌ها، معارف توحیدی، ویژگی‌های روز قیامت، مهم‌ترین اعمال در ماه مبارک رمضان، فضل و رحمت خداوند در این ماه، جبر و اختیار، معنای عبادت و حقیقت عبودیت، آثار منفی گناه در دنیا و آخرت، محاسبه نفس در ماه رمضان و برخی دیگر از مسائل اخلاقی، از مهم‌ترین مندرجات مطرح‌شده در این نوشتار است.

۵. رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)

نویسنده: لطف‌الله صافی گلپایگانی.

قم: دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ۲۶۱ صفحه.

مروری بر حوادث تاریخی واقع‌شده در ماه مبارک رمضان است. در این اثر، با رویکردی تاریخی، برخی وقایع تاریخ اسلام که در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده به شرح و بررسی اجمالی وقایعی چون: بیعت مردم با ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و حکمت‌های آن، وفات ابوطالب و بیان فضایل ایشان، وفات خدیجه کبری علیها السلام همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیان گوشه‌هایی از شخصیت ایشان، ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام و بررسی زوایای مختلف صلح آن امام با معاویه، ولادت امام جواد علیه السلام و بیان فضایل ایشان، وقوع جنگ بدر و درس‌های تاریخی مربوط به آن، فتح مکه و حوادث دیگر مرتبط با آن، شهادت امام علی علیه السلام و بیان گوشه‌هایی از سیره حکومتی ایشان و نیز نقد عملکرد خلفا پرداخته است.

۶. عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

نویسنده: لطف‌الله صافی گلپایگانی.

قم: دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ۲۸۷ صفحه.

بیان برخی از تعالیم اخلاقی دین اسلام متناسب با ماه مبارک رمضان است. در ابتدای این اثر، به تفسیر اجمالی خطبه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در پایان ماه شعبان در بیان فضایل و برکات ماه مبارک رمضان پرداخته شده و فضیلت روزه‌گرفتن و انس با قرآن کریم در این ماه بیان شده است. نویسنده قرآن را کتاب زندگی، اخلاق، عقاید و مسائل اجتماعی دین اسلام معرفی کرده و برنامه‌های اخلاقی دین اسلام برای ماه مبارک رمضان را که جنبه تربیتی و

۴۵۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

خودسازی دارد، معرفی نموده است. وی در ادامه، به برنامه‌های عبادی این ماه اشاره و داستان‌هایی اخلاقی در این زمینه نقل کرده است.

۷. انوار الملکوت: نور ملکوت روزه، نماز، مسجد، قرآن، دعا (خلاصه مواعظ ماه مبارک رمضان)

نویسنده: سید محمدحسین حسینی طهرانی.

تهران: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۲۹ق، ۴۰۱ صفحه.

خلاصه‌ای از مواعظ و گفتارهای اخلاقی مؤلف است که در رمضان ۱۳۹۰ هجری قمری بیان گردیده است. این مواعظ که توسط خود ایشان خلاصه شده، شامل طیف گسترده‌ای از موضوعات اسلامی با رویکردی عرفانی و معنوی درباره عقاید شیعه، احکام روزه، نماز، شرح اوصاف و حقایق قرآن می‌باشد.

۸. عرفان ماه رمضان

نویسنده: محمدحسن احمدی فقیه یزدی .

قم: آیات بینات، ۱۳۸۹، ۴۰۰ صفحه.

بررسی ابعاد معنوی و عرفانی ماه مبارک رمضان و فضیلت این ماه و اعمال مربوط به آن است. در این راستا، از منظری قرآنی و روایی، به بیان آثار انسان‌ساز ماه مبارک رمضان پرداخته شده و آثار معنوی روزه، عبادت، انفاق، اعمال سحر و دعا در این ماه، بیان گردیده است. نویسنده، تجلی عرفان در ماه مبارک رمضان را، در نوافل و اعمال مخصوص این ماه دانسته و چگونگی به‌جای آوردن نوافل، ادعیه و اعمال دهه آخر ماه مبارک رمضان را بررسی کرده است.

۹. اوضح الیابان: در شرح دعا‌های ماه رمضان

نویسنده: محمد حسن پور.

تهران: اسوه، ۱۳۹۲، ۴۵۶ صفحه.

شرح دعا‌های سی روز ماه مبارک رمضان و مضامین اخلاقی، تربیتی و معنوی مندرج در این ادعیه است. در این شرح، مسائلی از قبیل: شرایط قبولی نماز و عبادت، آثار نماز و عبادت در دنیا و آخرت، محاسبه نفس و تهذیب آن، دین و لزوم تسلیم محض در برابر دستورات دینی، راهکارهای تقرب به درگاه الهی، عوامل نابودشدن ثواب اعمال، آثار دعا و

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۵۷

آداب آن، ثواب تلاوت قرآن، امامت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم محبت و اطاعت ایشان، معیارهای دوستی و دشمنی، فضایل قرآن کریم، مظاهر رحمت و مغفرت الهی برای بشر در ماه مبارک رمضان، اهمیت خشنود کردن والدین و برخی دیگر از مسائل اخلاقی، بحث شده است.

۱۰. ضیافت آسمانی: بررسی ابعاد تربیتی و عرفانی ماه مبارک رمضان

نویسنده: علی‌رضا نریمانی.

قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۹، ۱۹۲ صفحه.

در باره شناخت اهمیت و منزلت ماه رمضان و آثار و نتایج عبادی و تربیتی این ماه است. نویسنده، نخست واژه رمضان را از لحاظ لغوی، قرآنی و حدیثی بررسی کرده، سپس احکام عبادی و شرعی ماه رمضان را برشمرد، مبطلات روزه، مراتب روزه و شرایط آن، اقسام روزه، کفاره روزه، روزه مسافر و زکات فطره را شرح داده است. در ادامه راجع به آثار و فواید تربیتی و عرفانی این ماه، به تفصیل سخن گفته که تقوا و پرهیزکاری، صبر، مهمان‌نوازی، استغفار و توبه، بهداشت جسم و روح، اکرام نیازمندان و تعدیل غرایز، از مهم‌ترین دستاوردهای آن به شمار می‌رود. در پایان، به وجوه و جنبه‌های اجتماعی و عبادی ماه رمضان اشاره می‌کند.

۱۱. فضایل شهر رمضان: دستورالعملی جامع برای سالکین

نویسنده: علی مقصودی.

قم: میثم تمار، ۱۳۸۸، ۳۱۲ صفحه.

تحقیقی روایی در مورد آداب ماه رمضان و اعمال و فضایل این ماه است. در این اثر، به فضیلت دعا، تسبیح و عبادت در ماه رمضان از منظر روایی اشاره شده، روایاتی درباره: استغفار و فضیلت آن، صله رحم، قرائت قرآن، تدبر در قرآن، گریه کردن از خوف خدا، فضایل امام علی علیه‌السلام، پرداختن به نوافل و مستحبات، ذکر صلوات، توصیف قرآن و صدقه دادن و فضیلت این اعمال در ماه مبارک رمضان، ارائه شده است.

۴۵۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۲. راهنمای سلامت در ماه مبارک رمضان

نویسنده: علی یزدی‌نژاد و سید رمضان محسن‌پور، مقدمه علی اکبر ولایتی

تهران: میر ماه، ۴۸ صفحه.

روزه‌داری، بدون رعایت اصول صحیح تغذیه، نه تنها ضامن سلامت انسان نیست، بلکه می‌تواند سلامت وی را به خطر بیندازد. غذای مصرفی در ماه رمضان، باید ساده باشد و نباید خیلی با غذای روزمره روزه‌دار تفاوت کند. همچنین روزه‌دار باید در این ماه همانند سایر ماه‌ها، سه وعده غذایی داشته باشد: افطار، شام و سحری. نگارندگان در کتابچه، اصول روزه‌داری را در شرایط مختلف و برای افراد گوناگون بیان کرده‌اند. از جمله موضوع‌های مطرح‌شده می‌توان به مواردی مانند: تغییرات طبیعی بدن در زمان روزه‌داری، اصول تغذیه صحیح در زمان روزه‌داری، چگونگی افطار کردن صحیح، اهمیت شام‌خوردن هنگام روزه‌داری، روزه‌داری کودکان و دانش‌آموزان، موانع روزه‌داری زنان باردار، روزه‌داری ورزشکاران، عوارض بالقوه روزه‌داری غیرصحیح و روش‌های درمان آن، روزه‌داری بیماران کلیوی و ریوی اشاره کرد.

۱۳. روزه، روش نوین برای درمان بیماری‌ها (جلد دوم)

نویسنده: محمدجعفر امامی.

قم: انتشارات قدس، ۱۳۷۰، ۴۷۹ صفحه.

شیوه درمانی برخی از امراض، تحت عنوان «روزه طبی» است. نویسنده با ابداع روش خاص طبی، در صدد اثبات این موضوع است که می‌توان بسیاری از بیماری‌ها را با این اسلوب درمان نمود و تأکید دارد که پزشکان و مسئولان وزارت بهداشت، روی مطالب ایشان مطالعه جدی‌تری نمایند و طرحی برای مداوای بیماران صعب‌العلاج بریزند. او ابتدا شرح روزه و امساک خویش را با جزئیات کامل که طی ۲۲ روز انجام می‌پذیرد، بیان کرده و نتایج آزمایش‌های روزانه آن را تحریر نموده است، سپس شرح حال پانزده تن از کسانی را که از این سبک پیروی کرده و نتایج مثبتی به دست آورده‌اند، به طور مفصل و با جزئیات می‌نویسد.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۵۹

۱۴. اهمیت روزه از نظر علم روز

نویسنده: دکتر احمد صبور اردوبادی.

تهران: انتشارات هدی، ۱۳۶۶، ۲۶۴ صفحه.

این کتاب بر این نکته تأکید دارد که روزه و روزه‌داری برخلاف آنچه بسیاری آن را یک عبادت صوری و یک رژیم ساده و عادی معرفی می‌کنند، برنامه‌ای کاملاً منظم و اصولی است که از جهات مختلف برای تأمین سلامتی بشر مفید و ضروری می‌باشد. در حقیقت، برنامه روزه‌داری عبارت است از اجرای یک برنامه بهداشتی کامل از نظر روانی و جسمی که از جهات مختلف قابل توجه است. در این میان، موارد چندی از قبیل: هضم چربی‌های اعضای اصلی بدن و انتخاب رژیم لاغری برای مبارزه علیه چاقی، دفع سموم فلزی وارده از جو، برقراری مجدد اعتدال بیولوژیکی و شیمیایی بدن، درمان فلج‌های عصبی مقدماتی و تحریک اعصاب تخدیرشده با سموم داخلی و کیفیت تعدیل میل جنسی، از اهمیت خاصی برخوردارند.

۱۵. سلسله سخنرانی‌های استاد رفیعی: عظمت ماه مبارک رمضان، قرآن و درمان بیماری‌های روحی و روانی

تدوین: سید علی اکبر حسینی نیشابوری.

قم: دار المبلغین، ۱۳۹۳، ۳۴۴ صفحه.

مجموعه مباحثی در مورد عظمت ماه مبارک رمضان و استفاده‌های معنوی از این ماه است. در ابتدای این نوشتار، به بحث در مورد نقش ماه رمضان و روزه در خودسازی و درمان بیماری‌های روحی پرداخته شده، لزوم استفاده از قرآن برای شفای قلوب در این ماه و نیز سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) در خصوص استفاده بهینه از ماه رمضان بیان شده است. جذبه‌های معنوی قرآن و نقش آن در رفع افسردگی و اضطراب و تأثیر آنس با قرآن بر آرامش و آسایش و امیدواری به پروردگار و رحمت او و بیان برخی مسائل اخلاقی و اعتقادی مانند: مقدر بودن رزق و روزی، عوامل کم یا زیاد شدن رزق و روزی، آثار منفی شهوت‌رانی، رواج برخی خرافات در مسائل دینی، آفات عجله و شتاب در امور مختلف زندگی، اهمیت نظم و انضباط از منظر دین و بررسی آموزه‌های اعتقادی و تفسیری خطبه فدکیه، از مهم‌ترین سرفصل‌های این کتاب است.

۴۶۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۶. صفای رمضان با نگاهی بر نهج‌البلاغه: دیدگاه‌های استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی

تدوین: اسماعیل منصوری لاریجانی، به اهتمام: ابوالفضل تاجیک.

تهران: صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، ۱۳۰ صفحه.

در این کتاب، دیدگاه‌های «استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی» درباره رابطه علم و عبادت، قدر «شب» و شب قدر و ارتباط آن با روابط اجتماعی و حق الناس، چیستی زمان و مکان، وابستگی و وارستگی و راه رسیدن به معرفت بیان شده است. از ویژگی‌های بارز این مجموعه، بیان مطالب عمیق حکمت‌آمیز و عرفانی در قالب الفاظ و اصطلاحات روشن برای فهم دقیق مطلب است.

۱۷. نقش روزه در درمان بیماری‌ها

نویسنده: دکتر اتوبو خنجر، مترجم: علی اکبر مهدی پور.

تهران: انتشارات کعبه، ۱۴۰۴ق، ۱۱۲ صفحه.

کتاب فوق که به هشت زبان دنیا ترجمه شده، بر اساس تجربه‌های نیم‌قرن پژوهش در «درمان به وسیله روزه» انتشار یافته و از روزه به عنوان اسرار اعجاز‌آمیز در درمان بیماری‌ها نام برده شده است. نویسنده اذعان می‌دارد که طی ۴۵ سال در کلینیک خصوصی خویش، متجاوز از پنجاه هزار روزه‌درمانی را نظارت کرده است. وی معتقد است هنگام روزه، بدن بیمار، پست‌ترین مواد را از سراسر بدن جمع‌آوری کرده و می‌سوزاند و نیروهای نوسازی بدن، تصفیه و ترمیم بافت‌ها را شروع می‌کنند.

۱۸. نیایش در رمضان

نویسنده: علی حجتی کرمانی.

تهران: کتاب آوند دانش، ۱۳۸۷، ۳۸۸ صفحه.

شرح و تفسیر دعا‌های ویژه روزهای ماه رمضان است. انگیزه نویسنده، آشنایی مخاطبان و درک هرچه بیشتر مفاهیم بلند نیایش اسلامی است. روش تحقیق، توصیفی موردی است. مطالب به شیوه اخلاقی و حدیثی بیان شده است. کتاب، حاوی سی دعای روزهای ماه

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۶۱

رمضان است. نویسنده نخست متن دعا و ترجمه فارسی آن را آورده و سپس لغات را توضیح داده و به طور فشرده، هر دعا را شرح کرده است.

۱۹. ماه رمضان، اوج عروج انسان

نویسنده: محمدجواد حجتی کرمانی.

تهران: اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۹۱، ۲۱۰۰ نسخه، ۴۰۷ صفحه.

این کتاب، مجموعه مقالات نویسنده است که هر کدام بیانگر یکی از ابعاد اخلاقی و تربیتی و عرفانی ماه مبارک رمضان می‌باشد. در همین راستا، نگارنده بر دعا و قرائت قرآن و اهتمام به عبادات، به‌ویژه در شب‌های قدر، تأکید نموده، ابعاد سازنده دعا و مناجات و عبودیت در ماه رمضان را از منظری قرآنی و روایی بحث و بررسی نموده، همچنین به آثار سازنده معنوی روزه از زبان معصومان علیهم‌السلام اشاره کرده است.

۲۰. انوار هدایت: شرح دعای رجبیه، مناجات شعبانیه، دعای سحر و دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان

نویسنده: حسن علی نجابت شیرازی.

تهیه و تنظیم: حوزه علمیه شهید محمدحسین نجابت.

قم: فلاح، ۱۳۹۲، ۲۳۲ صفحه.

این نوشتار، تفسیر اجمالی برخی ادعیه مربوط به ماه‌های رجب، شعبان و رمضان و بیان ابعاد اخلاقی و عرفانی این ادعیه است. نویسنده به شرح بعضی اصلاحات و مفاهیم عرفانی موجود در دعاها پرداخته، ارتباط بین توحید و معارف توحیدی را با مسائل مربوط به امامت بیان نموده است.

۲۱. ماه‌های خودسازی: رجب، شعبان و رمضان

نویسنده: علی بن حسین ابن بابویه، مترجم: حسن نجف‌لو.

قم: مهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۸۷، ۱۲۷ صفحه.

در بررسی امتیازها و فضایل ماه‌های رجب، شعبان و رمضان و اعمال این سه ماه است. مجموعه اعمال مستحب در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان که ثواب‌های فراوانی برای آنها

۴۶۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

در روایات آمده، بیان شده است. نگارنده، روزه گرفتن، حج به جا آوردن، عبادت، استغفار، نماز خواندن، قربانی کردن، قرائت قرآن، شب زنده داری و تهجد، صدقه دادن و ذکر را از جمله مهم ترین اعمال این سه ماه دانسته، ثواب ها و آثار عبادات و طاعات در این ماه ها را با نقل روایاتی از معصومان علیهم السلام، بیان کرده است.

۲۲. آداب روزه داری و احوال روزه داران: از بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدّ ظله العالی)

به کوشش: علی رضا مختارپور قهرودی.

تهران: انقلاب اسلامی، وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ۴۲۶ صفحه.

اثر حاضر، دربردارنده گزیده ای از تحلیل ها، نصایح و مواعظی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای است که در ماه های رمضان در طول بیست و دو سال گذشته ایراد کرده اند. موضوع این سخنان، مباحثی همچون: ماه مبارک رمضان، معارف دینی مربوط به روزه داری، آداب دعا و تکالیف مؤمنان از نظر فردی، اجتماعی و سیاسی در این ماه مبارک است. مهم ترین محورهای این مباحث، عبارت اند از: توصیه بر قرائت، فهم و انس با قرآن، تبیین جامع مفاهیمی چون: تقوا، دعا، مناجات و استغفار، تحلیل زندگی و شخصیت امام علی علیه السلام. موضوعات اصلی این مباحث، در نوزده فصل تنظیم شده است که بخش پایانی، به ذکر نمونه هایی از دعا های معظم له در ماه مبارک رمضان اختصاص دارد.

۲۳. سری از عشق: شرح دعا های روزهای ماه مبارک رمضان

نویسنده: محمدعلی نجفی یزدی.

تهران: شمس الشموس، ۱۳۹۰، ۶۵۰ صفحه.

شرحی اخلاقی و عرفانی بر دعا های روزهای ماه مبارک رمضان است. در این کتاب، به بحث در مورد محتوای عرفانی ادعیه ماه رمضان مانند: توحید و خداشناسی، رابطه توحید با ولایت اهل بیت علیهم السلام، نشانه های موحدان، اسما و صفات الهی و کسب مقامات سلوکی پرداخته شده است.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۶۳

۲۴. روزه، درمان بیماری‌های روح و جسم

نویسنده: حسین موسوی‌راد لاهیجی

قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، ۲۷۸ صفحه.

نگارنده، پس از بررسی جنبه‌های گوناگون ماه مبارک رمضان در تاریخ مسلمانان، فضایل روزه را برمی‌شمارد. سپس این مقولات را مطرح می‌سازد: بیان آداب و شرایط روزه‌دار، حکمت مشروعیت روزه، نقش روزه در اخلاق، صبر و مقاومت، روزه از نظر قرآن و دانشمندان شرق و غرب و مباحثی از این قبیل. بخش‌های پایانی اثر، به احکامی نظیر: مستحبات و مکروهات روزه، زکات فطر، عید فطر و روزه‌های مستحبی اختصاص یافته است.

۲۵. هدیه رمضان

نویسنده: سید صالح رکنی

تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ۴۵ صفحه.

این کتاب، با استناد به احادیث و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، به بحث در خصوص افطاری‌دادن، سحری‌خوردن، دعای افطار، برخی آداب و اعمال روزه و نیز فلسفه روزه پرداخته، فضیلت روزه در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان را بیان کرده است.

۲۶. جشن مهمانی خدا

نویسنده: مهدی جعفری.

تهران: نشر جلی، ۱۳۷۵، ۱۷۳ صفحه.

کتاب یادشده، حاوی هشت فصل است و در آن، مطالبی همچون: روزه و روزه‌داری، اهمیت ماه رمضان، آداب ماه رمضان، رمضان در بستر تاریخ، احکام روزه، تقویم عبادی، رمضان و حکایات، رمضان در آینه نظم پارسی درج شده است. از نکات مهم این کتاب، بیان خطبه شعبانیه، آداب تلاوت قرآن، شب‌های قدر، ضربت خوردن علی علیه‌السلام، انواع روزه، راه‌های ثابت‌شدن اول ماه شوال و زکات فطر و شرایط آن می‌باشد.

۴۶۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۲۷. روزه، ضیافت نور

نویسنده: سید حمید علم الهدی.

قم: هویزه، ۱۳۷۵، ۹۶ صفحه.

کتاب فوق با بیانی شیرین و روان، امکان آشنایی نوجوانان و جوانان با برخی اهداف و احکام روزه را فراهم می‌سازد. نویسنده با پرداختن به موضوعاتی از قبیل: جسم و روح، برتری انسان، شناسایی روح و جسم سالم، به وادی ماه مبارک رمضان وارد شده، به مطالبی درباره این ماه از قبیل: مهمانی خدا، آداب ورود، احکام روزه، دعای افطار، خودسازی، برنامه‌های رمضان، شب قدر، روزه‌داران نمونه و آثار و فواید روزه بر جسم و روان می‌پردازد.

۲۸. ره توشه رمضان

نویسنده: عباس عزیزی.

قم: مرکز انتشارات دار النشر، ۱۳۷۲، ۱۷۶ صفحه.

کتاب مذکور که در نه فصل به نگارش درآمده است، ابتدا به ذکر گناهان روزمره و اعمال ماه مبارک رمضان می‌پردازد، آن‌گاه فضیلت ماه مبارک رمضان را بیان کرده، با ذکر اعمال وارده در این ماه، فلسفه و آثار روزه و مفهوم روزه واقعی را تبیین می‌نماید، سپس در بخشی دیگر، به معرفی آداب دعا در این ماه می‌پردازد.

۲۹. روزه از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده: سید جعفر میرعظیمی.

قم: انتشارات رسالت، ۱۴۱۵ق، ۲۲۰ صفحه.

این کتاب، روزه را از دیدگاه آیات قرآنی و احادیث معصومان علیهم‌السلام بررسی کرده، آن‌گاه نظر دانشمندان درباره اهمیت روزه‌داری را بیان نموده، کتاب را با شناخت فلسفه و اهمیت روزه و دعا و داستان‌هایی در این زمینه و نیز وقایعی که در ماه رمضان اتفاق افتاده است، ختم می‌کند.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۶۵

۳۰. موسیقی رمضان در ایران

به اهتمام: هوشنگ جاوید، ویراستاران: سید علیرضا میرعلی‌نقی و بهمن سمیعی.
تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۳، ۳۰۸ صفحه.

نگارنده در این اثر، درباره نقاره و نقاره‌زنی در ایران، به‌ویژه در ماه رمضان، این اطلاعات و مباحث را به دست می‌دهد: ۱. آیین سحر و آواها و نواهای بیدارسازی در ماه رمضان؛ ۲. آوازهای نیمه ماه رمضان در مناطق مختلف ایران؛ ۳. آیین نوبت‌زنی یا نقاره‌زنی در ایران پیش از اسلام و پس از اسلام تا زمان معاصر؛ ۴. گفت‌وگو با برخی نقاره‌زنان معاصر. مطالب پایانی کتاب درباره نقاره‌زنان، آلات موسیقی مخصوص در ماه رمضان، معرفی اماکن و مناطقی است که نقاره‌زنی در آنجا معمول بوده است.

۳۱. لیلة‌القدر و انسان کامل

نویسنده: عبدالرضا مؤدب‌شمار.

رشت: نستوه، ۱۳۹۰، ۴۸ صفحه.

در این کتاب، به معرفی همه‌جانبه شب قدر پرداخته شده است. کتاب حاضر که با توجه به آیه‌های قرآن، روایت‌های معصومان علیهم‌السلام و تفسیرهای قرآنی تدوین گردیده، تلاشی است در بازشناسی لیلة‌القدر و ارتباط آن به دستیابی تعریفی از انسان کامل، تبدیل و تحول روحی و توضیح اینکه لیلة‌القدر، فاطمه زهرا علیها‌السلام است و درک لیلة‌القدر با تمسک جستن به امام زمان علیه‌السلام ممکن خواهد بود.

۳۲. امیرالمؤمنین علیه‌السلام، لیلة‌القدر است (تفسیر و تأویلی عرفانی بر سوره قدر)

نویسنده: علی سلیمانی بروجردی.

قم: دار التفسیر، ۱۳۹۱، ۲۲۸ صفحه.

نویسنده در این اثر، در خصوص سوره قدر، بررسی‌هایی تفسیری و تحلیل‌هایی روایی را به انجام رسانده و در نهایت، تأویل اصلی لیلة‌القدر را با امام علی علیه‌السلام مطابق دانسته است. در فصل اول معانی لیلة‌القدر، در فصل دوم ادله لیلة‌القدر بودن امیر مؤمنان علیه‌السلام و در فصل سوم

۴۶۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

تفسیر و تأویل آیہ‌های پنج‌گانه سوره قدر آورده شده است. در ادامه، دو روایت مبنی بر ارتباط سوره قدر با موضوع ولایت منعکس شده است.

۳۳. مدیریت زمان ویژه شب قدر

نویسنده: هدی نیلی‌پور.

قم: سلسبیل، ۱۳۸۷، ۱۵۲ صفحه.

در این کتاب، با توجه به معارف و تعالیم شب قدر، اصول و قواعد مدیریت رفتاری یک مسلمان و شیوه خودسازی و مدیریت بر نفس در بیست اصل تشریح شده است، شامل: برخورد هوشمندانه با زمان، تدبیر برای تقدیر، توجه به راهکارهای علمی و عملی برای درک لیلۃ‌القدر، قرآن‌محوری، امام‌شناسی، فاطمه‌شناسی، حسین‌شناسی، انسان‌شناسی، بهره‌گیری از دعا، فرشته‌شناسی، تفکر، خدمت به مردم، نگاه سیاسی به لیلۃ‌القدر، مانع‌شناسی، قلب‌محوری، تماس با آب، علم‌آموزی، بهره‌گیری از مکان‌های مقدس و آشنایی با فضیلت سوره قدر.

۳۴. نقش روزه در تربیت انسان

نویسنده: یحیی نحوی.

مشهد: دامینه واسع، ۱۳۸۶، ۲۰۰ صفحه.

بیان بعضی مسائل متعلق به روزه و رمضان، از نگاه اهل سنت است که در آن به طور اختصار، آنچه بر فرد مسلمان انجامش واجب و ترکش لازم است، نوشته شده است.

۳۵. روزه عارفان

نویسنده: احمد نجفی قوچانی، به اهتمام: عادل علوی.

تهران: تأویل، ۱۳۸۱، ۲۴۸ صفحه.

در این نوشتار، با استناد به آیات قرآن، احادیث، روایات و حکایت‌های پندآموز، فواید مادی و معنوی روزه و سایر اعمال عبادی تشریح شده است. برخی موضوعات کتاب عبارت‌اند از: شرایط روزه‌دار، ماهیت میهمانی خدا، واقعیت بهشت و جهنم، شرط هدایت قرآن، راه فهم قرآن، روح و جسم عبادات، رمز استجابت دعا، معنای ادب و شرایط مؤمن.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۶۷

۳۶. اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان

نویسنده: حبیب‌الله جعفری.

تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ۱۰۸ صفحه.

نقش روزه در صحت و سلامت انسان از منظر پزشکی بررسی و تبیین شده است. نگارنده، ضمن به‌دست‌دادن تعریف و تاریخچه روزه در سایر ادیان، برتری ماه رمضان را بر سایر ماه‌ها یادآوری می‌شود. سپس با بیان رابطه غذا و روزه، نقش آن را در مبارزه با چاقی خاطر نشان می‌کند. در ادامه از رابطه روزه با برخی بیماری‌ها سخن به میان آورده، توصیه‌های پزشکان جهان در مورد روزه، دفع سموم وارده از جو (اتمسفِر) به وسیله روزه، اهمیت روزه در تعدیل میل جنسی، نقش روزه در بهداشت روانی و نقش روزه در کاهش ابتلا به سرطان، از دیگر مباحث این اثر است.

۳۷. راز روزه: کاوشی در آثار جسمی، روانی و اجتماعی روزه

نویسنده: محمدجواد شیخ‌شعاعی و علی‌رضا شیخ‌شعاعی.

کرمان: راه سبز، ۱۳۸۴، ۸۸ صفحه.

آثار معنوی، عبادی، جسمی و روانی روزه به همراه آیات و روایاتی ذکر گردیده است. همچنین اطلاعاتی درباره روزه‌داری در دین یهود و مسیحیت و ادیان باستانی آمده است. در پایان تفاوت روزه اسلامی با روزه‌های طبی بیان شده است.

۳۸. ارزش و اهمیت ماه مبارک رمضان

نویسنده: سید حسین شیخ‌الاسلامی.

قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، ۲۶۲ صفحه.

کتاب، با استناد به آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، فضایل و نام‌های ماه مبارک رمضان را بیان کرده و به بیان وظایف روزه‌داران، اعمال و آداب و مستحبات این ماه پرداخته است.

۴۶۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۳۹. معراج الصائمين

نویسنده: سید عزیزالله امامت کاشانی.

قم: مجمع متوسلین به آل محمد صلی الله علیه و آله کاشان، ۱۳۷۲، ۴۱۶ صفحه.

در باب فضیلت روزه ماه مبارک رمضان، علت وجوب سی روز روزه، فواید روزه، مراتب و درجات آن، نیز خصایص ماه مبارک رمضان بحث کرده و در پایان، تعدادی از دعاها و اعمال ماه مبارک رمضان را آورده است.

۴۰. ماه خدا

نویسنده: سید عبدالحسین دستغیب.

شیراز: مسجد جامع عتیق شیراز، ۱۳۵۷، ۳۱۶ صفحه.

خلاصه بیانات آیت الله دستغیب در شرح و تفسیر خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت ماه مبارک رمضان است. پایان اثر، در بیان بعضی از مراسم و آداب روزه داری است.

۴۱. در پناه رمضان

نویسنده: مقداد جرمی زاده، ویراستار: سید علی رضوی.

تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۶، ۵۲۰ صفحه.

در این کتاب، فضیلت ماه رمضان، فضیلت و خواص و آثار و احکام فقهی روزه، آداب و اعمال روزها و شب های ماه مبارک رمضان، به ویژه شب های قدر و همچنین آداب و اعمال عید سعید فطر با استناد به روایات بیان شده است.

۴۲. آثار و برکات ماه مبارک رمضان

نویسنده: حسین اسعدی.

قم: انتشارات سوم شعبان، ۱۳۸۹، ۲۳۳ صفحه.

شرح مختصری است بر خطبه شعبانیه و دعاها و مخصوص ماه مبارک رمضان و بیان آداب و فضایل این ماه و آداب و اعمال شب های قدر و شب و روز عید فطر.

پیوست‌های تبلیغی: کتاب‌شناسی ماه مبارک رمضان ■ ۴۶۹

۴۳. روزه از دیدگاه عارفان (ترجمه المراقبات)

نویسنده: میرزا جواد ملکی تبریزی، مترجم: مؤسسه تحقیقات اسلامی فقاقت.
تهران: غیاث، ۱۳۷۲، ۱۴۸ صفحه.

کتاب، ترجمه بخش‌های مربوط به ماه رمضان از کتاب المراقبات است.

۴۴. به سوی آسمان: دستورات عارف کامل، آیت‌الحق میرزا علی آقا قاضی، در

ماه‌های رجب، شعبان و رمضان همراه برخی ادعیه تعلیمی دیگر ایشان

نویسنده: علی قاضی تبریزی، به کوشش: گروه تحقیقات مؤسسه سراج.
تهران: سراج نور، ۱۳۹۱، ۳۲ صفحه.

۴۵. درسنامه ماه رمضان، مراقبات و مناسبات ماه رمضان

نویسنده: مجید جعفرپور.

قم: بیت‌الاحزان، چاپ اول، ۱۳۹۳، ۶۷۶ صفحه.

کتاب، مراقبت‌های ویژه ماه مبارک رمضان را در چهارده درس و با بهره‌گیری از ۲۳۰ روایت، و مناسبت‌های این ماه را در شانزده درس تبیین کرده است.

۴۶. احکام و آداب روزه

نویسنده: محمدحسین حق‌جو.

قم: مرکز فرهنگی انصار المهدی علیه السلام، ۱۳۷۴، ۹۶ صفحه.

موضوع نوشتار، بیان احکام مورد ابتلای روزه‌داران به‌ویژه نوجوانان و جوانان است.

۴۷. تجلی عشق و عرفان در رمضان و عاشورا (مجموعه مواعظ و اندرزهای اخلاقی از

آیت‌الله شوشتری)

نویسنده: جعفرین حسین شوشتری، به کوشش: سید محمد موسوی.

تهران: جهان‌آرا، ۱۳۷۸، ۳۳۴ صفحه.

۴۷۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۴۸. ماه رمضان، فصل شکوفایی انسان در پرتو قرآن

نویسنده: سید محمد ضیاء آبادی.

تهران: بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام، ۱۰۴ صفحه.

۴۹. بیان رسا؛ مجموعه منبرهای محمد روزبهانی، به همراه شرح و تفسیر دعاهاى ایام

ماه مبارک رمضان

نویسنده: محمد روزبهانی.

قم: آوای منجی، ۱۳۹۱، ۴۹۶ صفحه.

۵۰. مختصری در آداب روزه (متن ترجمه از محجة البیضاء)

نویسنده: محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی (ملا محسن فیض کاشانی)، مترجم: عادل

نادر علی.

ناشر: عادل نادر علی، ۱۳۶۶، ۸۴ صفحه.

نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی

سید اسدالله موسوی عبادی*

اشاره

در عصر حاضر، فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) چنان تأثیری بر جوامع گذاشته که ادامه زندگی بشر بدون وجود آن، بسیار مشکل و حتی در برخی عرصه‌ها غیرممکن می‌باشد.

در جوامع علمی و فرهنگی، به‌خصوص حوزه دین، نیاز بیشتری به این فناوری احساس می‌شود تا در راستای اهداف خود، با دنیای بیرون به دور از چالش‌های حاصل از ساختارها و افکار سنتی، ارتباطی وسیع، سریع، عمیق و آسان برقرار کند و مخاطبان خویش را به سطح بین‌المللی گسترش داده، اطلاع‌رسانی کاملی را در این عرصه به انجام رساند.

به همین منظور، فهرست مهم‌ترین نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی برای آشنایی و استفاده مبلّغان محترم در ماه مبارک رمضان، ماه بهار قرآن، به اختصار معرفی می‌گردد.

نرم‌افزارهای جامع تفسیر و علوم قرآن

۱. مکتبه اهل البيت (علیهم‌السلام) - نسخه دوم

- متن کامل بیش از ۷۰۵۰ جلد کتاب از تمام مذاهب اسلامی، در رده‌های: تفسیر، علوم قرآن، فقه، مصطلحات، حدیث، اصول فقه، رجال، کتاب‌شناسی، نسب‌شناسی، تاریخ،

* دانش‌آموخته حوزه علمیه.

۴۷۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

زندگینامه پیامبر وائمه معصومان علیهم السلام، زبان‌شناسی عربی، عقاید، اخلاق، عقاید اهل کتاب، شعر، طب، فلسفه، منطق، عرفان، تفسیر خواب، متفرقه و کتاب‌های خطی.
- درخت عقاید اسلامی (موضوعات عقایدی): بیش از ۲۳۰/۰۰۰ فیش در ۲۰۰۰ موضوع عقایدی، برگرفته‌شده از حدود ۳۰۰۰ جلد کتاب از مهم‌ترین منابع اسلامی شیعه و سنی و لغت‌نامه‌ها (۸۰ جلد).

۲. المكتبة الشاملة

- شامل بیش از ۲۲۵۰۰ عنوان و ۴۵۰۰۰ جلد کتاب شیعه و سنی.
- ارتباط متن قرآن با ۴۵ عنوان تفسیر از تفاسیر اهل سنت و معرفی بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از رجال در قسمت تراجم از کتاب‌های اهل سنت.

۳. جامع تفاسیر نور - نسخه ۲/۵

- تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- متن ۴۴۶ عنوان کتاب در ۲۰۵۶ جلد، شامل: متن کامل قرآن کریم، ۳۴۱ عنوان تفسیر فارسی و عربی، ۲۳ ترجمه فارسی، ۴۷ ترجمه در ۲۵ زبان خارجی، متن کامل ۴ عنوان تفسیر انگلیسی، ۷ فرهنگ‌نامه معتبر قرآنی، ۲۰ لغت‌نامه و ۳ آوانگاری انگلیسی قرآن کریم؛ نمایش بیش از ۱۰۰۰ تصویر و افزون بر ۶۰ قطعه فیلم مرتبط با آیات؛ تجزیه و ترکیب تمامی آیات قرآن؛ ترجمه گویای انگلیسی قرآن کریم؛ ۱۵ دوره ترتیل کامل قرآن کریم و ۱۵۹ قرائت مجلسی از پانزده قاری جهان اسلام به همراه قرائت تحقیق خلیل حصری.

۴. مكتبة علوم القرآن و التفاسیر

- تولیدکننده: احیاء تراث.
- تفاسیر مختلف اهل سنت، علوم القرآن و القرائات، معاجم و لغت‌نامه.

۵. نرم‌افزار جامع التفاسیر

- تولیدکننده: خانه کتاب.
- نسخه جدید نرم‌افزار جامع التفاسیر: ۶۰ دوره کامل از معتبرترین تفاسیر فارسی، عربی و انگلیسی از قرآن، به همراه ۱۸ ترجمه قرآن کریم.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۷۳

۶. کتابخانه احادیث تفسیری

- تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- متن کامل ۱۴۲ عنوان کتاب در ۶۸۶ جلد به زبان عربی و فارسی، در موضوعات: تفسیر جامع، تفسیر کلامی و اجتهادی، تفسیر روایی و ادبی، تفسیر متشابهات، اسباب نزول، پاسخ به مسائل قرآنی و دینی، کتب مقدس، طب و لغت‌نامه.

۷. شجره طوبی: علوم و معارف قرآن

- تولیدکننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- بزرگ‌ترین دانشنامه‌های قرآنی، فرهنگ قرآن، ۶۷۰۰۰ موضوع قرآنی، دائرة المعارف بزرگ قرآنی، ۳۰۰۰ مقاله قرآنی، تفسیر راهنما، ۶۵۰۰۰ فیش قرآنی با ۱۳۰۰۰۰ موضوعی، فرهنگ موضوعی تفاسیر، ۳۷۷۰۰ موضوع، ۲۰ دوره تفسیر قرآن، ۵۵ اثر پژوهشی از آثار مرکز فرهنگ و معارف قرآن در ۱۳۵ مجلد.

نرم‌افزارهای علوم قرآنی

۱. مشکات الأنوار

- تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۵۰۲ عنوان کتاب در ۶۰۰ جلد از منابع فارسی و عربی علوم قرآن، شرح حال تفسیری ۳۱۶۷ تن از مفسران در قالب ۳۵ نمایه از ۲۷ منبع، ارائه بیش از ۳۰۰۰۰۰ چکیده درباره مفسران.

۲. رضوان

- تولیدکننده: شرکت میثاق نوین.
- کتابخانه کتب علوم اسلامی و قرآنی، تفسیر قرآن، شامل: تفسیر المیزان به عربی و فارسی و تفسیر نمونه.

۴۷۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

نرم افزارهای موضوعی قرآن

۱. جامع معارف قرآن ۲

- تولیدکننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

- متن کامل تفسیر راهنما، تفسیر موضوعی تفسیر راهنما، ۳۰۱۵ کلید واژه و ۱۳۰۰۰۰ هزار نمایه و ۶۵۰۰۰ فیش، متن کامل فرهنگ قرآن ۳۳ جلد به همراه ۶۷۰۰۰ موضوع قرآنی، فرهنگ موضوعی تفاسیر (طبقه‌بندی ۲۰ دوره تفسیر قرآن در ۳۰۵ مجلد) با ۳۷۰۰۰ موضوع

۲. فرهنگ موضوعی تفاسیر ۲

- تولیدکننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

- فیش‌برداری از ۲۰ دوره تفسیر (در ۳۰۵ مجلد) شامل بیش از ۴۵۰۰۰ فیش پژوهشی، دسته‌بندی و موضوع‌نگاری ۲۰ دوره تفسیر با بیش از ۳۷۷۰۰ موضوع در حوزه معارف قرآنی و تفسیری.

۳. دانشنامه مقالات قرآنی ۲

- تولیدکننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

- ارائه ۱۰۰۰۰ مقاله تمام‌متن در موضوعات علوم، معارف، تفسیر و ترجمه قرآن، طبقه‌بندی اطلاعات به ۱۴۰۰ موضوع.

۴. مشکاة

- تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

- تفسیر موضوعی تفاسیر المیزان، نمونه و نور نگارش اول، دسترسی به ۲۰۰۰۰۰ موضوع قرآنی در سه سطح همراه با امکان جست‌وجو، ارتباط مفهومی و اطلاعاتی بین بخش‌های مختلف برنامه، ۸۰۰۰۰ نقش دستوری کلمات قرآن.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۷۵

۵. فروغ بی‌پایان

– تولیدکننده: عبدالمجید معادیخواه.

– فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم، دسته‌بندی معارف قرآن به هزاران موضوع.

۶. فلق (فرهنگ لغت قرآن)

– تولیدکننده: حسیب رایانه.

– اصطلاح‌نامه، شامل بیش از ۸۷۵۰ لغت یا عبارت قرآن، ارائه پنج ترجمه انگلیسی: آربری،

اروینگ، پیکتال، شاکر و یوسف علی، همراه ترجمه فارسی مکارم شیرازی.

۷. فرهنگ موضوعی تفسیر المیزان

– تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

– فرهنگ موضوعی تفسیر المیزان (چکیده بر متن تفسیر المیزان، نمایه ترکیبی و کلیدواژه)،

فرهنگ لفظی تفسیر و ترجمه المیزان (جست‌وجوی ساده و ترکیبی در متن و فهرست

تفسیر المیزان و ترجمه آن)، متن کامل تفسیر ۲۰ جلدی «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر

علامه طباطبایی همراه ترجمه فارسی (۲۰ جلد).

۸. فرهنگ موضوعی تفسیر تبیان

– تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

– متن کامل تفسیر اجتهادی التبیان فی تفسیر القرآن در ۱۰ جلد اثر شیخ طوسی،

جست‌وجوی موضوعی به وسیله امکاناتی چون: کلیدواژه، نمایه و موضوع، عرضه فهرست

بیش از ۳۱۰۰۰ موضوع برگرفته از تفسیر تبیان.

نرم‌افزارهای ترجمه

۱. ترجمان وحی

– تولیدکننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی.

۴۷۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

– متن و فهرست کامل سوره‌های قرآن کریم همراه ۸۰ ترجمه به ۲۵ زبان، شامل: فارسی (۳۴ ترجمه)، انگلیسی (۱۰ ترجمه)، فرانسه (۳ ترجمه)، آلمانی (۶ ترجمه)، ایتالیایی، اسپانیایی، آلبانیایی، اندونزیایی، مالزیایی، پرتغالی، ترکی استانبولی (۲ ترجمه)، سواحلی، کردی، آذربایجانی، اردو (۳ ترجمه)، بلغاری، بوسنیایی، تامیلی، چینی، روسی (۴ ترجمه)، ژاپنی، کره‌ای، لهستانی، هندی و هوسا.

۲. ترنم وحی

– تولیدکننده: شرکت نرم‌افزاری ترنم.
– متن کامل ۱۱ دوره تفسیر قرآن کریم، ۱۰۲ ترجمه به زبان فارسی، ۱۲ ترجمه به زبان انگلیسی و ۷۸ ترجمه به زبان‌های دیگر، ارائه شرح آیات الأحکام و شأن نزول آیات.

نرم‌افزارهای تجوید

۱. برهان (آموزش تجوید)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– آموزش تجوید به شیوه‌ای نوین و جذاب در ۱۸ درس با تمرین، یک دوره ترتیل کامل قرآن کریم با قابلیت انتخاب جزء، سوره و آیه همراه با ۷ ترجمه گویا.

۲. آوای وحی

– تولیدکننده: گسترش دنیای نرم‌افزار.
– قرائت تجوید کامل قرآن کریم با صدای عبدالباسط عبدالصمد، ۷ ترجمه قرآن به زبان‌های زنده دنیا، نمایش قرآن با خط عثمان طه و نمایش هم‌زمان ترجمه، تکرار آیات برای حفظ قرآن.

۳. نباء

– تولیدکننده: دفتر تحقیقاتی یاسین قم.
– آموزش تجوید قرآن کریم، برگزیده تفسیر نمونه اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، هفت ترجمه فارسی و یک ترجمه انگلیسی.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۷۷

۴. بینات

- تولیدکننده: شرکت میثاق نوین.
- آموزش مخارج حروف به صورت پویانمایی، قرائت تجوید و ترتیل کامل قرآن توسط عبدالباسط، تلاوت استاد: عبدالباسط، منشاوی و پرهیزکار، مجموعه کامل قرآن، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان و صحیفه سجادیه همراه تفسیر المیزان (فارسی و عربی) و تفسیر نمونه.

۵. تلاوت

- تولیدکننده: مؤسسه خادم القرآن الکریم.
- دو دوره آموزش روخوانی و تجوید و آموزش لحن و چندین آموزش‌های دیگر، متن قرآن کریم به خط عثمان‌طه و آسان، سه دروه ترجمه فارسی قرآن کریم، هفت دوره تفسیر به همراه شأن نزول آیات.

نرم‌افزارهای قرآنی گویا

۱. درس‌هایی از قرآن

- تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی تبیان.
- مجموعه مباحث برنامه تلویزیونی درس‌هایی از قرآن سال ۱۳۸۲، شامل متن کامل همراه با فیلم.

۲. تسنیم

- تولیدکننده: مرکز نشر اسراء.
- مجموعه دروس تفسیر قرآن کریم حضرت آیت‌الله جوادی آملی.

۳. مجموعه دروس تفسیر ترتیبی قرآن کریم

- تولیدکننده: شرکت نشر اسراء.
- مجموعه دروس تفسیری آیت‌الله جوادی آملی.

۴۷۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۴. کارگاه تربیت مدرس تفسیر و علوم قرآن

– تجربیات اساتید در زمینه تدریس و تحقیق در زمینه تفسیر، روان‌شناسی تدریس با گرایش تفسیر و علوم قرآن، تجربیات اساتید در زمینه تدریس مباحث تفسیری، شیوه تدریس تفسیر به ترتیب نزول.

نرم‌افزارهای آموزشی

۱. بیان (آموزش روخوانی قرآن کریم)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم به شیوه‌ای نوین و جذاب همراه با تمرین، یک دوره ترتیل کامل قرآن با قابلیت انتخاب جزء و سوره و آیه، هفت ترجمه فارسی و یک ترجمه گویا.

۲. آموزش قرآن

– تولیدکننده: استاد حاج رضا شاه‌میوه.
– آموزش تخصصی صوت و لحن قرآن کریم توسط استاد حاج رضا شاه‌میوه در ۲۲ جلسه، اجرای دستگاه‌های مختلف شامل: صبا، بیات، عجم، نهاوند، سه‌گاه، حجاز و رست.

۳. تدبیر ۱

– تولیدکننده: بنیاد قرآن و عترت سپاه.
– ترجمه قرآن، آموزش گام‌به‌گام ترجمه و مفاهیم قرآن کریم.

نرم‌افزارهای آموزش کودکان

۱. گنجینه سیمای وحی

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۷۹

– آموزش الفبای عربی، صداها و کوتاه و کشیده، سکون، تشدید، حروف والی (ناخوانا)، تنوین نصب، تنوین جر، تنوین رفع، مد، اشباع، وصل، وقف، علامت‌های وقف، به همراه ۲۴ قصه قرآنی با صوت و تصویر.

۲. صبا (قرآن برای کودکان)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.

– دو دوره ترتیل کامل قرآن با صدای استاد محمد صدیق منشاوی و استاد پرهیزکار، آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم، ترجمه گویای قرآن با صدای استاد فولادوند، دانستنی‌های گوناگون قرآنی، ۲۴ قصه قرآنی همراه با صوت و تصاویر زیبا.

۳. هدهد (قرآن برای نونهالان)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.

– آموزش الفبای قرآنی همراه با پویانمایی‌های زیبا و قابل فهم برای نونهالان، ترتیل کامل قرآن با صدای استاد پرهیزکار با قابلیت تکرار آیات، ورق زدن صفحات و ترجمه گویا، آشنایی با سوره‌های کوچک قرآن با روشی ساده و جذاب با آموزش مفاهیم، قرائت و حفظ، ارائه داستان‌های جذاب مربوط به پیامبران به صورت انیمیشن‌های زیبا و آموزش مهارت‌های زندگی به روش تعاملی.

۴. شکوفه ۲ (نماز برای کودکان)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.

– آموزش قرائت قرآن و اذکار نماز به صورت شعر و هم‌خوانی، آموزش وضو، تیمم، اذان و اقامه، نماز و تعقیبات با پویانمایی‌های زیبا، آموزش احکام: تقلید، وضو، تیمم و آداب مسجد به زبان ساده و قابل فهم برای کودکان، برنامه‌های شاد و جذاب در مورد جشن تکلیف، داستان‌های جذاب و شنیدنی مربوط به نماز به صورت پویانمایی.

۵. سروش ایمان

– تولیدکننده: سروش مهر.

۴۸۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

– بزرگ‌ترین جشنواره قرآنی با استفاده از هوش مصنوعی صوتی در جهان اسلام، آموزش قرائت قرآن و برگزاری آزمون حفظ، تجوید و فصاحت به همراه حفظ آیه‌به‌آیه قرآن، آزمون حفظ کل قرآن به صورت نوشتاری و شنیداری با امکان انتخاب محدوده با استفاده از فناوری هوشمند صوتی.

۶. صبا نوجوان

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– در قالب سه بخش: آموزش روخوانی، تجوید و علوم قرآن با شیوه‌های جذاب همراه با تمرین، آموزش حفظ به شیوه جامع با امکان بهره‌مندی از استاد راهنما در حفظ و قابلیت‌های تکرار، ترتیل کامل قرآن با صدای استاد پرهیزکار، معرفی کامل سوره‌ها با بیان محتوای آنها به شیوه نو.

۷. دبستان قرآن (تمام دوره‌های دبستانی)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– آموزش کتاب قرآن به شیوه‌ای جدید و جذاب، آموزش کتاب هدیه‌های آسمان به شیوه نوین همراه با کتاب کار و زنگ تفریح متناسب با هر درس، آموزش اذان، اقامه، نماز و آداب ترتیبی همراه با صوت و تصویر، ترتیل و قرائت جزء ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ با صدای مشهورترین قاریان جهان.

۸. ذکر (آموزش حفظ قرآن کریم)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم به شیوه‌ای نوین و جذاب همراه با تمرین، یک دوره ترتیل کامل قرآن با قابلیت انتخاب جزء و سوره و آیه، هفت ترجمه فارسی و یک ترجمه گویا.

۹. صبا کودکان: انگلیسی

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۸۱

– آموزش قرائت قرآن، ترتیل کامل قرآن با صدای استاد پرهیزکار، معرفی کامل سوره‌ها با بیان محتوای آنها به شیوه نو، بیان ویژگی‌های نوجوان از دیدگاه قرآن و احادیث در قالب مباحث مختلف، احکام و آداب پیش و هنگام و پس از تلاوت و حفظ قرآن.

نرم‌افزارهای قرائت قرآن

۱. نداء

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– ۱۴ ساعت قرائت قرآن کریم با صدای قاریان مشهور جهان، همچون: مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و سعید مسلم، به همراه تصویر قاریان، سوره و آیات.

۲. تنزیل (ترتیل قرآن مجید)

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی یاسین.
– قرائت کامل قرآن کریم به روش ترتیل، نمایش متن قرآن با رسم الخط عثمان‌طه در دو اندازه کوچک و بزرگ (تمام صفحه).

نرم‌افزارهای تلاوت تحقیق

۱. تلاوت تحقیق

– تولیدکننده: شرکت نرم‌افزاری کوثر.
– تلاوت تحقیق آهنگین استاد محمود خلیل الحصری.

۲. تلاوت تحقیق آهنگین استاد محمد صدیق منشاوی

– تولیدکننده: شرکت نرم‌افزاری کوثر.
– تلاوت تحقیق آهنگین استاد محمد صدیق منشاوی.

۳. شمیم نور

– تولیدکننده: شرکت مهندسی ره‌آوران سورا رایانه.

۴۸۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

– متن کامل قرآن کریم، ارائه فنی‌ترین قرائات از اساتید و قرآی مشهور، آموزش نغمات (فروغات و ترکیبات) و آشنایی با قاریان مشهور جهان.

۴. آموزش تخصصی وقف و ابتدا

– تولیدکننده: سازمان دارالقرآن الکریم و استاد مستفید.
– آشنایی کامل با انواع وقف و ابتدا در قرآن، ضرورت و نقش وقف و ابتدا در تلاوت قرآن، آشنایی با علائم و رموز وقف در قرآن عثمان‌طه، آشنایی با نام‌های وقف و کاربرد هرکدام در قسمت‌های مختلف تلاوت.

نرم‌افزارهای کتاب‌شناسی قرآنی

۱. کتاب‌شناسی جهانی قرآن کریم

– تولیدکننده: پارسا.
– معرفی پایگاه‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های قرآنی، شامل: اصطلاح‌نامه، متن چکیده، عنوان کتاب یا مجموعه، عنوان مقاله نشریه و نیز عنوان مقاله مجموعه، کلیدواژه چکیده‌ها، پدیدآورنده، ناشر، محل نشر؛ به همراه جست‌وجوهای متنوع در متن.

۲. بانک جامع اطلاعات قرآنی

– تولیدکننده: مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم.
– بانک جامع اطلاعات قرآنی، شامل: کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات قرآنی، کتب قرآنی چاپ‌شده در خارج کشور، نوارهای قرآنی به همراه زندگینامه قاریان، معرفی سازمان و مراکز قرآنی، معرفی نرم‌افزارهای قرآنی و خادمان برگزیده قرآنی.

نرم‌افزارهای اعجاز علمی قرآن

۱. اعجاز علمی قرآن

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر (تهران).
– ترجمه سلسله‌الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، از عربی به فارسی.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۸۳

۲. قرآن و ابر و باد

– تولیدکننده: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر (تهران).
– مجموعه اعجاز علمی قرآن، ارائه دانش‌های قرآنی با اشاره به آیات موضوعی متناسب با مباحث علمی، بهره‌گیری از مباحث مرتبط با علوم قرآنی از دائرة المعارف‌های بریتانیکا، اینکارتا و بارتلی، معرفی پایگاه‌های قرآنی اینترنتی و مرتبط با موضوعات علمی، اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه قرآن، پخش تواشیح در برنامه به عنوان صوت زمینه، لغت‌نامه و فرهنگ هوشمند انگلیسی و فارسی همراه با ترجمه آیات.

۳. القرآن والحيوان

– تولیدکننده: مرکز التراث.
– مجموعه اعجاز علمی در قرآن کریم (قرآن و جانوران) به زبان عربی، شامل مباحثی چون: مهاجرت پرندگان و رازهای آن، چگونگی و اسرار جفت‌گیری پرندگان، جانوران دریا و ماهیان، مهاجرت قزل‌آلا و ماهی‌ای که در بیرون آب زندگی می‌کند، شتر و برخی دیگر از جانوران، به همراه تصاویر و آیات و تلاوت آن.

۴. القرآن والنبات

– تولیدکننده: مرکز التراث.
– مجموعه اعجاز علمی در قرآن کریم (قرآن و گیاهان) به زبان عربی، شامل: گندم و چگونگی انبار و نگهداشت آن، میوه پیش از گوشت، خرما و تولد، بوته کدو و انجیر و زیتون و خواص آنها و مباحثی در باره گیاهان و تأثیر آنها در زندگی بشر همراه تصاویر و آیات و تلاوت آن.

۵. القرآن والفلک

– تولیدکننده: مرکز التراث.

۴۸۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

– مجموعه اعجاز علمی در قرآن کریم (قرآن و افلاک آسمانی) به زبان عربی، شامل موضوعاتی چون: حقیقت درهای آسمان، پوشش آسمان، مرگ مسافران فضایی و در جست‌وجوی وجه الهی، همراه تصاویر و تلاوت آیات.

۶. القرآن والصحه

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– مجموعه اعجاز علمی در قرآن کریم (قرآن و سلامت بدن) به زبان عربی، سلامت تن و روح آدمی از نگاه قرآن، ابعاد اعجازی آیات، بررسی روش‌های درمانی قرآن در بیماری پوست و دیگر بیماری‌ها، آموزش چگونگی خوردن و آداب آن، آداب وضو و غسل و آثار آن بر تن و روح و سلامت آنها، همراه تصاویر و تلاوت آیات.

۷. القرآن والسحب والرياح

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– مجموعه اعجاز علمی در قرآن کریم (ابرها و بادهای) به زبان عربی، بیان اعجاز علمی قرآن درباره آسمان و ابر و باد، همراه توضیحاتی در خصوص انواع ابرها و نمایش تصاویر مرتبط.

۸. القرآن والأرض

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– ارائه مباحثی درباره زمین، معادن و ظواهر و پدیده‌های طبیعی و آسمان و تأثیر آنها بر زمین، همراه تلاوت آیات مربوطه، عرضه مطالب از طریق صوت و تصویر.

۹. القرآن والحشرات

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– سلسله اعجاز علمی در قرآن کریم (حشرات) به زبان عربی، شامل مطالبی همچون: عجایب و غرایب و عادات زندگی حشرات، مانند: عنکبوت، مورچه، زنبور، مگس و پشه.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۸۵

۱۰. القرآن والبحر

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– سلسله اعجاز علمی در قرآن کریم (دریا) به زبان عربی، شامل مباحثی از قبیل: سیری در عالم دریا، کشتی‌های پُر، گنج‌های پنهان دریا، چگونگی پیمودن دریا، آب در پشت پرده، فاصله دریاها و مانند آن.

۱۱. القرآن والانسان

– تولیدکننده: مرکز التراث.

– مجموعه اعجاز علمی قرآن (انسان) به زبان عربی، شامل: آیات موضوعی متناسب با مباحث علمی، مباحث مرتبط با موضوع برگرفته از دائرة المعارف‌های: بریتانیکا، اینکارتا و بارتلی.

نرم‌افزارهای قرآنی ویژه تلفن همراه

۱. قرآن تبیان

– جست‌وجو بر اساس: سوره، آیه، شماره صفحه، شماره جزء، کلمات قرآن و ترجمه، نمایش صفحات قرآن بر اساس عثمان‌طه و رنگی همراه تلاوت قرآن و نمایش ترجمه، امکان ذخیره‌سازی قسمت‌های مختلف و ایجاد فهرست برای مراجعات بعدی.

نشانی اینترنتی: <http://mc.tebyan.net>

۲. سراج

– متن کامل قرآن همراه دو ترجمه از مرکز فرهنگ و معارف قرآن، به همراه چهار ترجمه فارسی تیگر و سه ترجمه به زبان‌های: انگلیسی، آلمانی و فرانسه، تفسیر المیزان و نمونه، تلاوت شش قاری معروف و تلاوت آیه‌به‌آیه از سی قاری، ترجمه گویای هشت ترجمه به هفت زبان مختلف، امکان جست‌وجو در آیات قرآن و ترجمه فعال.

نشانی اینترنتی: www.maarefquran.com

۴۸۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۳. آزمون حفظ قرآن کریم

– مرور آیات حفظ شده به صورت پرسش و پاسخ، منعطف بودن محیط برنامه، امکان مراجعه به یک آیه مشخص.

۴. فصیح خوانی قرآن کریم

– توضیح نسبتاً فشرده و مختصر قواعد تجوید، برگرفته از کتاب *حلیة القرآن* سید محسن موسوی بلده.

۵. آیه های برتر

– انتخاب موضوعی ده ها موضوع قرآنی به همراه آیه و ترجمه.

۶. احکام قرآنی

– شامل هشت درس، شامل مباحثی همچون: مس آیات و کلمات قرآن، رعایت احترام قرآن، مقدمات قرائت، احکام قرآنی بانوان.

۷. داستان های قرآنی

– داستان پیامبران الهی ذکر شده در قرآن به صورت تفصیلی.

۸. قرآن

– ارائه ده ها موضوع علوم و معارف قرآنی به صورت مفصل، مانند: انواع شفاعت، انواع هدایت، شرک در قرآن، داستان های قرآنی، معنای تحدی، قیامت و اعجاز.

۹. آیه به آیه

– متن کامل قرآن کریم، به همراه امکان نمایش ترجمه با انتخاب هر آیه.

۱۰. قلم هوشمند قرآنی

– متن کامل قرآن از طریق اشاره قلم روی هر آیه، امکان استفاده از قرائت ۴۵ قاری مشهور، قابلیت تکرار نامحدود آیات.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۸۷

۱۱. لغات قرآن

– یادگیری معنای دو درصد از کلمات قرآن کریم و در نتیجه فراگیری ترجمه ۸۲ درصد از کلمات قرآن، آشنایی با کلمات پُرکاربرد (۱۲۵۷ واژه) جهت فهم معنای آیات، به‌خاطر سپاری آیات با استفاده از روش لایتنز.

۱۲. گنجینه قرآن

– ارائه فضیلت و آثار سوره‌ها و خواص آیات قرآن.

۱۴. معجزات علمی قرآن

– شامل ده‌ها موضوع از معجزات قرآن به همراه شرح معجزات و آیات مربوطه.

۱۵. آی قرآن (Iquran)

– متن کامل قرآن به همراه ترجمه، تلاوت هشت قاری مشهور، ترجمه قرآن به بیست زبان زنده دنیا.

۱۶. آی شیعه بوکس Ishiabooks

– بزرگ‌ترین کتابخانه تلفن همراه، شامل: تفاسیر شیعه، تفاسیر اهل سنت، کتب علوم قرآنی، لغت‌نامه‌ها و کتاب‌هایی در موضوع: فقه، عقاید و معارف اسلامی.

۱۷. قرآن و تبلیغ (حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی)

– کاری از گروه فرهنگی هنری سفیر بیان، وابسته به حوزه علمیه سفیران هدایت قزوین.

– مشتمل بر کتاب قرآن و تبلیغ، اثر حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی.

۱۸. شمیم وحی

– متن کامل قرآن به همراه قواعد تجویدی با رنگ‌های متمایز، ترجمه گویا، تفسیر نور، شأن نزول، اعراب قرآن و آیات الاحکام، امکان دسترسی به آیات از طریق سوره‌های مکی و مدنی و جزء، جست‌وجو به وسیله نام سوره.

۴۸۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱.۹. ام الكتاب (قرآن جامع)

– متن و ترجمه قرآن کریم با قابلیت جست و جو، عرضه بیش از صد ترجمه به زبان‌های زنده دنیا، تلاوت بیش از سی قاری برتر جهان اسلام، ارائه متون تفسیری با قابلیت جست و جو، مقالات قرآنی.

پایگاه‌های قرآنی

۱. دانشنامه موضوعی مقالات قرآن

– نشانی: www.maarefquran.org

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
– معرفی اجمالی: دربردارنده ۱۱۳۳۹ مقاله تمام متن قرآن، طبقه بندی اطلاعات مقالات قرآنی در ۱۴۰۰ موضوع.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن

– نشانی: www.maarefquran.com

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
– معرفی اجمالی: دائرة المعارف بزرگ قرآن، فرهنگ قرآن (۳۳ جلد)، تفسیر راهنما (۲۰ جلد)، فرهنگ موضوعی تفاسیر (۳ جلد)، آثار پژوهشی تولید شده در مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

۳. پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسی)

– نشانی: www.islamicdatabank.com/farsi

– معرفی اجمالی: قابلیت جست و جو بسیار قوی کتب، مقالات و پایان نامه‌ها در تمامی حوزه های علوم اسلامی از جمله قرآن، معرفی بیش از ۶۰/۰۰۰ مقاله، متن کامل ۱۰/۰۰۰ مقاله بر روی پایگاه.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۸۹

۴. آل البیت علیهم‌السلام

– نشانی: <http://www.aalulbayt.org>

– معرفی اجمالی پایگاه: انبوه اطلاعات قرآنی و حدیثی، کتب تفسیری، حوزوی و آشنایی و ارتباط با مشاهیر شیعه از جمله امکانات این شبکه می باشد.

۵. حوزه نت

– نشانی: <http://new.hawzah.net>

– معرفی اجمالی: رابط کاربری سه زبانه (فارسی، عربی و انگلیسی)، مشتمل بر مطالبی مانند: اسلام، اخلاق، احکام، کتابخانه، حوزه علمیه، قرآن، عقاید، فرهنگ و تمدن، علوم اسلامی و مراکز اسلامی؛ گزینه قرآن مشتمل است بر: قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، ادیان و تمدن‌ها در قرآن، قرآن، هنر و ادبیات؛ مؤسسات قرآنی؛ خادمان قرآن؛ کتابخانه؛ نگارخانه؛ پایگاه‌ها و نرم‌افزارها.

۶. شبکه اطلاع‌رسانی شارح

– نشانی: www.shareh.com

– مرکز پشتیبانی‌کننده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
– معرفی اجمالی: دربردارنده اطلاعات دینی، ارائه مجله پژوهش‌های قرآنی به همراه متن کامل.

۷. پایگاه تبیان

– نشانی: www.tebyan.net

– مرکز پشتیبانی‌کننده: سازمان تبلیغات اسلامی.
– معرفی اجمالی: بزرگ‌ترین پایگاه مذهبی؛ ارائه بیش از ده‌ها هزار کتاب و مقاله قرآنی، ترجمه و تفسیر قرآن؛ آمار پایگاه: کتب فارسی (۱۳۲۸۰)، مقالات فارسی (۹۴۹۴۶)، کتب عربی (۸۶۳۹)، مقالات عربی (۵۹۰۵)، کتب انگلیسی (۱۸۱۰) و مقالات انگلیسی (۱۳۸۵).

۴۹۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۸. مرکز جهانی آل البيت عليه السلام

– نشانی: <http://quran.al-shia.com>

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز جهانی آل البيت عليه السلام.

– معرفی اجمالی: ارائه مطالب و موضوعات قرآنی به ۲۴ زبان دنیا.

۹. مرکز قرآنی دانشجویان کشور

– نشانی: www.iska.ir

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز قرآنی دانشجویان.

– معرفی اجمالی: وابسته به مرکز فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور (جهاد دانشگاهی)،

ارائه مطالب مفید قرآنی.

۱۰. دائرة المعارف قرآن در پایگاه حوزه

– نشانی: www.hawzah.net/Per/Q/QDefa.asp?URL=Start/QStart.htm

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

– معرفی اجمالی: ارائه موضوعات قرآنی به صورت درختی، گزیده کتاب‌های مهم قرآنی از

نویسندگان برجسته، مقالات برخی مجلات.

۱۱. شهر قرآن

– نشانی: www.qurancity.ir

– مرکز پشتیبانی کننده: جهاد دانشگاهی.

– معرفی اجمالی: وابسته به سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور، با سه پایگاه فعال

اینترنتی به نام‌های: شهر مجازی قرآن کریم، دایرکتوری وبلاگ‌های قرآنی (ارائه‌دهنده بیش

از ۲۷۰ وبلاگ فعال قرآنی) و دانشنامه اینترنتی قرآن.

۱۲. غدیر

– نشانی: www.ghadeer.org

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز اطلاع‌رسانی غدیر.

پیوست‌های تبلیغی: نگاهی به نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی ■ ۴۹۱

– معرفی اجمالی: شامل بخش‌های متعدد مانند: قرآن، حدیث، پیامبران، امامان و علوم سیاسی.

۱۳. حوزه

– نشانی: www.hawzah.net/Per/Default.asp

– مرکز پشتیبانی‌کننده: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
– معرفی اجمالی: بخش قرآنی پایگاه، شامل: علوم قرآنی، دایرة المعارف قرآنی، تفاسیر، مقالات قرآنی، قرآن و هنر.

۱۴. پارس قرآن

– نشانی: www.parsquran.com

– معرفی اجمالی: پایگاه تخصصی قرآن، مشتمل بر: موضوعات و مباحث قرآنی، مقالات قرآنی، نرم‌افزارهای قرآنی.

۱۵. کانون قرآن و عترت علیه السلام

– نشانی: www.ghoran-etrat.com

– مرکز پشتیبانی‌کننده: کانون قرآن و عترت.
– معرفی اجمالی: تحقیقات قرآنی؛ معرفی کانون قرآن و عترت دانشکده علوم دانشگاه تهران، برنامه‌ها و آثار کانون؛ شهدای دانشکده؛ گفت و گو؛ تحقیقات دانشجویی؛ ازدواج دانشجویی و کتاب ازدواج چرا و چگونه؟

۱۶. شبکه قرآن کریم

– نشانی: <http://quran.al-shia.com>

– مرکز پشتیبانی‌کننده: مرکز اطلاع‌رسانی جهانی آل البيت علیهم السلام.
– معرفی اجمالی: وابسته به مرکز اطلاع‌رسانی آل البيت علیهم السلام، ارائه مطالب و موضوعات متنوع قرآنی در بیش از ۱۵ زبان.

۴۹۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۷. الرافد

– نشانی: www.rafed.net/books

– معرفی اجمالی: دربردارنده کتب قرآنی و دیگر کتب اسلامی.

۱۸. مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت عليه السلام

– نشانی: www.al-shia.com/html/far

– مرکز پشتیبانی کننده: مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت.

– معرفی اجمالی: ارائه مطالب قرآنی به زبان های: ترکی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسه، اندونزیایی، طایی، سواحیلی، چینی، روسی، بنگالی، بوسنیایی، بلغاری، کردی، پرتغالی، تاجیکی، عربی، فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، هندی، برمئی، هائوسی، پشتو، فولانی، ازبکی؛ آموزش، تلاوت، ترجمه، تفسیر، معرفی حافظان قرآن؛ اهل بیت عليه السلام، شیعه، مراجع و علما، خاورشناسان.

مناسبت‌های ماه مبارک رمضان

حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی *

۱. مناسبت‌های قمری

اشاره

سال هجری قمری، همانند سال هجری شمسی، دوازده ماه است و مبدأ هر دوی آنها، هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه بوده؛ با این تفاوت که محاسبه سال هجری قمری، بر اساس گردش ماه (قمر) به دور زمین است و تعداد آن در کل سال، ۳۵۵ روز می‌باشد؛ ولی ماه هجری شمسی، بر اساس گردش زمین به دور خورشید بوده، تعداد روزهای آن در کل سال، ۳۶۵ روز می‌باشد. با ده روز تفاوتی که بین تعداد روزهای این دو سال است، از مبدأ این دو تاریخ تا زمان ما (۱۳۹۴)، چهل و دو سال فاصله به وجود آمده است. ماه‌های سال هجری قمری، عبارت‌اند از: محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادی‌الاولی، جمادی‌الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه. بنابراین، ماه مبارک رمضان، نهمین ماه سال هجری قمری بوده، بین دو ماه شعبان و شوال قرار گرفته است.

نزول مهم‌ترین کتب آسمانی

از معصومان علیهم‌السلام احادیثی روایت شده که دلالت دارند مهم‌ترین و معروف‌ترین کتب آسمانی، مانند: صحف ابراهیم علیهم‌السلام، تورات موسی علیهم‌السلام، زبور داود علیهم‌السلام، انجیل عیسی علیهم‌السلام و قرآن مجید، در ماه مبارک رمضان نازل شده‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: صحف ابراهیم علیهم‌السلام

۴۹۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

در شب اول ماه رمضان، تورات در ششم، انجیل در سیزدهم، زبور در هیجدهم و قرآن در بیست و سوم ماه مبارک رمضان نازل گردیده‌اند.^۱

به شهادت تاریخ و منابع موثق، هیچ‌یک از کتاب‌های آسمانی پیامبران، جز قرآن کریم، بر جای نمانده و آنچه اکنون به نام انجیل و تورات در میان پیروان مسیح و یهود وجود دارد نسخه‌های تحریف شده این کتاب‌های آسمانی است.^۲

ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) (اول ماه مبارک رمضان، سال ۲۰۱ هجری قمری)

مأمون، فرزند هارون الرشید، هفتمین خلیفه عباسی است که در محرم سال ۱۹۸ هجری قمری با کشتن برادرش امین به زمامداری رسید.^۳ پدرش هارون پیش از مرگ، در سه نوبت به طور جداگانه وصیت کرد که پس از وی، سه فرزندش: محمد امین، عبدالله مأمون و قاسم مؤتمن، یکی بعد از دیگری به خلافت رسند.^۴ پس از مرگش، طبق سفارش او، فرزندش امین در سال ۱۹۳ هجری قمری در بغداد به خلافت رسید. در آن زمان، مأمون در رأس سپاهیان هارون در خراسان حضور داشت و در آغاز، بیعت با برادرش امین را قبول کرد؛ ولی بعد از مدتی، بین آن دو حوادثی روی داد که اختلاف و بددلی را در پی داشت؛ از جمله، امین خانواده برادرش مأمون را در فشار و آزار قرار داد و مأمون را از ولایت‌عهدی خلع کرد و فرزند خویش موسی را به ولایت‌عهدی برگزید.^۵ این قضایا، منجر به خصومت و جنگ بین دو برادر بر سر حکومت و خلافت گردید. نبردهای پراکنده، به تدریج به جنگ تمام‌عیار تبدیل شد و در نهایت، مأمون بر امین پیروز شد و مردم با مأمون بیعت کردند.^۶

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۲. یحیی نوری، اسلام و عقاید و آرای بشری، ص ۴۰۴ و ۴۴۵.

۳. احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴. همان، ص ۴۰۸، ۴۱۵ و ۴۲۵.

۵. همان، ص ۴۳۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۴۴۱.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۴۹۵

در این زمان، امامت شیعیان بر عهده امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام بود که در مدینه سکونت داشتند.

در سال ۲۰۰ هجری قمری، مأمون تصمیم گرفت که حضرت را به خراسان دعوت کند و در اداره کشور، وی را شریک خویش سازد. آن‌گونه‌که از خود مأمون عباسی نقل گردیده، وی هنگام نبرد با برادرش امین، نذر کرده بود که در صورت پیروزی بر سپاهیان وی و تصاحب مقام خلافت، قدرت را به کسی که افضل آل ابی‌طالب علیهم السلام باشد، بسپارد.^۱ هنگامی که وی بر سراسر عالم اسلام سیطره پیدا کرد، تصمیم گرفت که به نذر خویش وفا کند و در این راستا، امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام را که والاترین و افضل آل ابی‌طالب علیهم السلام بود، مورد توجه قرار داد.

مأمون می‌گفت: «ما أعلمُ أحداً أفضلُ من هذا الرجلِ علی وجهِ الأرض؛ روی زمین، شخصیتی بالاتر و بهتر از این مرد (علی بن موسی‌الرضا علیه السلام) سراغ ندارم.»^۲

بدین منظور، یکی از سرداران خویش به نام «رجاء بن ابی‌ضحاک» را همراه عیسی جلودی و برخی همراهان دیگر به مدینه فرستاد و از طریق آنها امام را برای سفر به خراسان دعوت نمود. امام که خلفای عباسی، از جمله مأمون را در گفتارش صادق نمی‌دانست و از هدف‌ها و انگیزه‌های فریب‌کارانه وی باخبر بود، از پذیرش دعوت مأمون امتناع نمود و ماندن در مدینه را بر رفتن به خراسان ترجیح داد؛ ولی با اصرار و اجبار مأموران مأمون روبه‌رو گردید و چاره‌ای جز پذیرش نداشت. حضرت پس از وداع با قبر شریف جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر نیاکان پاکش در بقیع، به‌ویژه قبر مطهر جدش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، فرزند خردسالش حضرت امام محمدتقی علیه السلام را جانشین خود در مدینه قرار داد و همراه مأموران مأمون و برخی علویان و یاران خویش، عازم خراسان شد.

همین‌که امام رضا علیه السلام وارد «مرو»، مرکز خلافت مأمون در خراسان گردید، با استقبال بی‌نظیر مردم شهر، از جمله فقها، علما، شاعران، درباریان و خود مأمون قرار گرفت. خلیفه پس از پذیرایی از امام گفت: می‌خواهم خود را از خلافت خلع کنم و آن را به شما که افضل آل

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۶۰۲.

۲. همان.

ابی طالب هستید، واگذارم. آیا از من می‌پذیری؟ امام از پذیرش این پیشنهاد امتناع کرد؛^۱ چون می‌دانست وی در گفتارش صداقت ندارد و می‌خواهد از این راه او را بیازماید و یا اگر حکومت را به امام واگذارد، پس از مدتی، وی را از میان برداشته و خود دوباره حکومت را به‌دست گیرد. از سوی دیگر، مأمون با قیام‌های گوناگون علویان و غیرعلویان در جهان اسلام روبه‌رو بود و می‌خواست از این راه آنان را به احترام امام وادار به سکوت و پذیرش خلافت عباسیان نماید.

امام رضا علیه السلام که از نیت او آگاه بود، به هیچ وجه، حاضر به پذیرش خلافت نشد. مأمون پس از آن، مقام ولایت‌عهدی خویش را به حضرت پیشنهاد کرد و امام رضا علیه السلام از پذیرش آن نیز امتناع نمود؛ ولی مأمون این بار، خودداری امام علیه السلام را نپذیرفت و گوشزد کرد که پذیرش ولایت‌عهدی، اجباری و قطعی است. امام رضا که با تهدید جدی مأمون روبه‌رو بود، چاره‌ای جز پذیرش ولایت‌عهدی نداشت. از این رو، پذیرش را مشروط نمود و فرمود: در صورتی ولایت‌عهدی را می‌پذیرم که مسئولیت امر و نهی حکومت با من نباشد؛ در چیزی فتوا ندهم؛ در دعوایی داوری نکنم؛ کسی را عزل و یا نصب ننمایم و آیینی را که هم‌اکنون در خلافت تو رایج است، تغییر ندهم.

مأمون تمام خواسته‌های حضرت را پذیرفت و وی را به ولایت‌عهدی خویش منصوب کرد و به فرزندان، درباریان، فرماندهان، صاحب منصبان و عموم مردم دستور داد با امام بیعت کنند.^۲

درباره تاریخ این واقعه بزرگ، همه مورخان، اتفاق دارند بر اینکه در ماه مبارک رمضان سال ۲۰۱ هجری قمری واقع گردیده است؛ ولی در روز آن اختلاف دارند؛ برخی روز اول، بعضی دوم، برخی چهارم، بعضی ششم و برخی روز هفتم رمضان را ذکر کرده‌اند. ممکن است علت اختلاف، از آن جهت باشد که بیعت با حضرت، چند روز ادامه داشته؛ ولی به نظر می‌آید که پذیرش ولایت‌عهدی حضرت، در اول ماه رمضان و بیعت رسمی، در ششم و هفتم رمضان بوده است.

۱. شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۶۰۲؛ محقق اربلی، *کشف الغمّة*، ج ۳، ص ۱۰۱.

۲. رک: احمد بن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۴۸؛ شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۶۰۲؛ محقق

اربلی، *کشف الغمّة*، ج ۳، ص ۱۰۱.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۴۹۷

وفات حضرت ابوطالب بن عبدالمطلب (هفتم ماه مبارک رمضان، سال دهم بعثت)

ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ، از پدری به نام عبدالمطلب بن هاشم و مادری به نام فاطمه بنت عمرو بن عائذ، در مکه دیده به جهان گشود و در خاندان هاشمی رشدونمو یافت. وی مانند پدر و نیاکان خود، از موحدان و پیروان دین حنیف ابراهیم ﷺ بوده، از هرگونه شرک و بت‌پرستی دوری می‌جست.^۱

هنگامی که به سنین جوانی رسید، پدرش عبدالمطلب، برادرزاده خود فاطمه بنت اسد بن هاشم را به عقد نکاح وی درآورد و ثمره ازدواج آنان، چهار پسر و دو دختر بود. پسرانشان عبارت بودند از: طالب، عقیل، جعفر و حضرت علی ﷺ، و دخترانشان: فاخته (مکنی به ام هانی) و جمانه.^۲

پس از بعثت پیامبر ﷺ، خانواده ابوطالب ﷺ نخستین کسانی بودند که به حضرت ایمان آورده، از او دفاع کردند. از میان این خانواده، حضرت علی ﷺ نخستین مرد و مادرش فاطمه بنت اسد پس از حضرت خدیجه، نخستین بانویی بود که به رسول خدا ﷺ ایمان آورد.^۳

سرانجام، وی در هفتم ماه رمضان سال دهم بعثت، یعنی سه سال پیش از هجرت پیامبر ﷺ و به روایتی در ۲۶ رجب سال دهم بعثت، در مکه معظمه وفات یافت. پیامبر ﷺ در مصیبت عموی گرامی‌اش گریان و اندوهگین بود.^۴

وفات حضرت خدیجه کبریٰ ﷺ (دهم ماه رمضان، سال دهم بعثت)

خدیجه کبریٰ ﷺ دختر خویلد بن اسد، از زنان شریف، اصیل و نامدار عرب و اسلام به شمار می‌آید. وی با اینکه در عصر جاهلیت، در مکه معظمه دیده به جهان گشوده و در آن شهر قبیله‌گرا و طایفه‌مدار رشد و کمال یافت، با این حال، در عفت، نجابت، پاکدامنی،

۱. محمد جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. محب‌الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۰۷.

۴. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۹.

سخاوت، حُسن معاشرت، صمیمیت، صداقت، مهر و وفا با همسر کم‌نظیر بود، بدین جهت، او را در آن عصر طاهره و سیده نساء قریش می‌خواندند. خدیجه، یکی از چهار بانویی است که بر تمام بانوان بهشت فضیلت دارند.^۱ در اسلام، جز دختر ارجمندش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، هیچ بانویی به این مقام و فضیلت دست نیافته است.

خدیجه کبری علیها السلام در چهل سالگی با امین قریش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و پیامبر در آن زمان، در ۲۵ سالگی بود^۲ و آن دو، زندگی شرافتمندانه و اصیلی را پایه‌ریزی کرده، حیات طیبه‌ای را بنا نهادند که الگو و اسوه برای بشر در تمام عصرها و نسل‌ها قرار گرفتند. خدیجه کبری علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه ویژه‌ای داشت. از این رو، پس از بعثت حضرت، تمام دارایی‌های خویش را در اختیار پیغمبر گذاشت تا در راه اسلام هزینه کند. او، نخستین زنی بود که به حضرت ایمان آورد و در این راه، مشقت‌ها و آزارهای فراوانی از سوی قریش و اهالی مکه متحمل گردید.^۳

سرانجام، پس از عمری تلاش و ۲۵ سال خدمت به رسول گرامی و دین اسلام، در دهم رمضان سال دهم بعثت جان به جان‌آفرین تسلیم نمود. پیامبر در مدت کوتاهی، دو یار و پشتیبان خویش، یعنی عمویش ابوطالب و خدیجه کبری علیها السلام را از دست داد و بابت آن، روزگار سختی را پشت سر گذاشت. به همین جهت، آن سال را «عام‌الحرز» نامیدند.^۴

آغاز نامه‌نگاری کوفیان به امام حسین علیه السلام (دهم ماه رمضان، سال ۶۰ هجری قمری)

شیعیان اهل بیت علیهم السلام پس از مرگ معاویه بن ابی‌سفیان و با خبرشدن از هجرت اعتراض‌آمیز اباعبدالله الحسین علیه السلام از مدینه منوره به مکه معظمه، جلسات پنهان و آشکاری برگزار نمودند و به این نتیجه رسیدند که حضرت را به کوفه دعوت کرده، در مبارزه با نظام ضد اسلامی اموی یاری دهند.^۵ آنان، نامه‌هایی بسیاری برای امام نوشتند و وی را به کوفه دعوت کردند.^۶

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲۰۶.

۲. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۹.

۳. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۱.

۴. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۰.

۵. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۷۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲.

۶. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۷۸؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۷۲.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۴۹۹

نخستین نامه کوفیان، در دهم ماه مبارک رمضان سال ۶۰ هجری قمری، به امام رسید و از آن پس، نامه‌های فراوان دیگری پی‌درپی به محضر حضرت ارسال شد.^۱

پیوند عقد اخوت میان مسلمانان (دوازدهم ماه رمضان، سال اول هجری قمری)

پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه منوره، برای پیش‌گیری از مخالفت‌ها و خصومت‌های احتمالی بین مهاجر و انصار، در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان سال اول هجری قمری، به امر پروردگار متعال، میان سیصد نفر از مهاجر و انصار پیمان برادری بست و هریک از آن دو را با دیگری برادر دینی نمود. بدین‌گونه، بین حمزه بن عبدالمطلب با زید بن حارثه، ابوبکر بن ابی‌قحافه با خارجه بن زید خزرجی، عمر بن خطاب با عتبان بن مالک، ابوعبیده جراح با سعد بن معاذ، عبدالرحمن بن عوف با سعد بن ربیع، زبیر بن عوام با سلمه بن سلامه و... عقد اخوت برقرار کرد.^۲

اما خود پیامبر ﷺ در میان تمامی یاران و فامیلان و صحابه، کسی را جز علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام شایسته برادری خویش ندید و از آن پس، حضرت علی رسماً برادر دینی پیامبر گردید و فضیلتی بزرگ بر فضایلش افزوده شد.^۳

میلاد مسعود امام حسن مجتبی علیه‌السلام (پانزدهم ماه رمضان، سال سوم هجری قمری)

امام در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال دوم و به‌روایتی صحیح‌تر، سال سوم هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.^۴ وی، نخستین فرزند حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام بوده، تولدش، موجب شادمانی آن دو و پیامبر اسلام ﷺ و تمامی محبان اهل‌بیت علیه‌السلام گردید.

پیامبر در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه خواند و بنا به درخواست پدر و مادرش، از جانب خدای متعال، نام «حسن» را برایش برگزید.^۵

۱. علی تبریزی خیابانی، وقایع‌الایام، ص ۳۰.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، زندگی چهارده معصوم علیه‌السلام (ترجمه أعلام‌الوری)، ص ۲۶۷.

۴. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۴۶؛ محمد جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

۵. محقق اربلی، کشف‌النعمه، ج ۲، ص ۸۲.

۵۰۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

پیامبر در هفتمین روز تولد وی، دستور داد گوسفندی برای عقیقه او قربانی نمایند و میان نیازمندان تقسیم نکند.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف سبط اکبرش، امام حسن علیه السلام، احادیث فراوانی دارد؛ از جمله فرمود: «إِنَّ هَذَا رِيحَاتِي وَإِنْ أِبنِي هَذَا سَيِّدٌ سَيُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ فِتْنَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۲ همانا این (حسن)، ریحانه من است و این فرزندم، سید و سروری است که به زودی خدای سبحان به واسطه او، میان دو گروه از مسلمانان صلح و سازش برقرار خواهد کرد.

لقب‌های امام حسن مجتبی علیه السلام عبارت‌اند از: سبط اکبر، سبط اول، طیب، قائم، حجت، تقی، زکی، مجتبی، وزیر، اثیر، امیر، امین، زاهد و برّ؛ اما معروف‌ترین آنها، لقب شریف «مجتبی» است و شیعیان وی را «کریم اهل بیت» می‌نامند. کنیه وی، «ابو محمد» است.^۳

یکی از فضایل امام این بود که هفت‌سال‌ونیم از حیات با برکت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله، نزدیک به هشت سال زندگی با صفا و صمیمی مادرش فاطمه زهرا علیها السلام، بیست‌وشش سال از عمر با برکت پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و چهل‌وشش سال از عمر برادر گرامی‌اش امام حسین علیه السلام را درک کرد. حضرت، در ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری قمری توسط همسرش جعه بنت اشعث، مسموم گردید و در ۴۷ سالگی در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.^۴

نصب محمد بن ابی بکر به استانداری مصر (پانزدهم ماه رمضان، سال ۳۲ هجری قمری)

پیش از محمد بن ابی بکر، استاندار ولایت مصر، قیس بن سعد انصاری بود و حدود یک سال و هشت ماه بر این منطقه حکومت کرد؛ تا اینکه حضرت علی علیه السلام با مشورت برخی یارانش تصمیم گرفت محمد بن ابی بکر را جایگزین وی نماید.^۵

۱. فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۲۸۸.

۳. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۸۶.

۴. ابوالثلج بغدادی، تاریخ الأئمه علیهم السلام، ص ۷.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۳۳.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۱

محمد بن ابی‌بکر در ماه مبارک رمضان سال ۳۷ هجری قمری از سوی امیر مؤمنان علیه السلام به استانداری مصر منصوب گردید و بی‌درنگ عازم مصر شد. وی در پانزدهم این ماه وارد مرکز مصر گردید و خود را به قیس بن سعد معرفی نمود و از وی خواست که در کنارش بماند و او را در اداره حکومت کمک نماید. با اینکه قیس بن سعد، شوهر عمه محمد بن ابی‌بکر بود، با درایتی که داشت، منظور پیام مولایش حضرت علی علیه السلام را دریافت. از این رو، خواسته محمد بن ابی‌بکر را رد کرد و مصر را ترک نمود و به مدینه برگشت و پس از دیدار با بستگان و زیارت قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله، بی‌درنگ خود را به حضرت علی علیه السلام در معرکه جنگ صفین رسانید.^۱

محمد بن ابی‌بکر همین که وارد مصر شد، نامه حضرت علی علیه السلام را برای اهالی مصر قرائت کرد^۲ و خود را حاکم جدید آنان معرفی نمود و با استقبال اهالی مصر روبه‌رو گردید. او در ۱۵ جمادی‌الاولی سال ۳۸ هجری قمری توسط سپاهیان معاویه بن ابی‌سفیان مظلومانه به شهادت رسید. مدت حکومت وی در مصر، فقط هشت ماه بود.^۳

اعزام مسلم بن عقیل علیه السلام به کوفه (پانزدهم ماه رمضان، سال ۶۰ هجری قمری)

اهالی کوفه، به‌ویژه شیعیان این شهر به محض آگاهی از حضور امام حسین علیه السلام در مکه و امتناع وی از بیعت با یزید بن معاویه، به منظور قیام علیه یزید، با ارسال نامه‌های بی‌شمار به امام علیه السلام حضرت را به کوفه دعوت کردند. امام درباره پذیرش درخواست و نامه‌های آنان، مدتی درنگ کرد و جوانب قضایا را بررسی نمود، سپس تصمیم گرفت دعوتشان را پذیرفته، با فرستادن نخستین نماینده خویش به سوی آنان، عملاً رهبری قیام را بر عهده گیرد.

حضرت برای این کار، وضو گرفت و میان رکن و مقام در مسجدالحرام، دو رکعت نماز به‌جای‌آورد و پس از نیایش، پسرعمویش مسلم بن عقیل را به حضور طلبید و او را از

۱. احمد بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ص ۲۹۸.

۲. همان.

۳. ر.ک: مجلسی، *بحار‌الأنوار*، ج ۳۳، ص ۵۴۰.

۵۰۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

وضعیت کوفه باخبر کرد و به وی فرمود که می‌خواهد او را به عنوان نماینده خویش به کوفه بفرستد تا قیام اهالی این شهر را سامان بخشد. مسلم بن عقیل رضی الله عنه با روحیه و نشاط بالا، خواست امام علیه السلام را پذیرفت. آن‌گاه حضرت نامه‌ای برای مردم کوفه نوشت و به مسلم داد تا برای اهالی کوفه قرائت کند.^۱

همچنین امام به مسلم سفارش‌های لازم را نمود و وی را با آخرین نامه‌رسانان، یعنی: قیس بن مسهر صیداوی، عماره بن عبدالله سلولی، عبدالله بن شداد و عبدالرحمن شداد، در تاریخ ۱۵ رمضان سال ۶۰ قمری به سوی کوفه اعزام کرد.

مسلم بن عقیل رضی الله عنه از مکه به مدینه رفت و در آنجا قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نمود و با خانواده خود دیدار کرد و آن‌گاه همراه دو فرزندش محمد و ابراهیم و دو راهنما از طایفه بنی‌قیس، از بیراهه حرکت نموده، عازم کوفه گردید تا هم زودتر به مقصد برسد و هم از چشم نگهبانان حکومتی و راهبان‌ها در امان بماند.^۲

روز جهانی قدس (آخرین جمعه ماه مبارک رمضان)

در سال ۱۹۳۳م (۱۳۱۲ش) استعمار انگلیس با حمایت از صهیونیست‌ها و سرکوب مسلمانان، زمین‌های فلسطینیان را از دست آنان خارج کرده، به یهودیان مهاجر واگذار می‌نمود. در حقیقت، انگلستان با غصب زمین‌های فلسطینیان و ساکنان اصلی آن، در فراهم آوردن مهاجرت یهودیان، نقش اصلی را ایفا کرد. در همین زمان بود که آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری رحمته الله علیه و به تبع وی، سایر علما و روحانیون ایران، برای دفاع از مردم فلسطین دست‌به‌کار شدند. حرکت اصلی مؤسس حوزه در این زمان، ارسال نامه‌ای به رضاشاه بود. با توجه به مقدمه فوق، اهمیت حرکت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری در ارسال نامه به رضاخان و درخواست واکنش در برابر مسئله فلسطین، بیشتر نمودار می‌شود. به جرئت می‌توان گفت که آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری، رویارویی با اشغال سرزمین فلسطین را از مهم‌ترین امور دینی می‌دانست.

۱. شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۳۸۰.

۲. ر.ک: شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۳۷۸؛ ابن طاووس، *اللهوف*، ص ۵۳؛ شیخ عباس قمی، *منتهی‌الأمال*، ج ۱،

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۳

امام خمینی رحمه الله در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۶ که مصادف با ایام مبارک ماه رمضان گشته بود، در پیامی تاریخی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به‌عنوان «روز جهانی قدس» معرفی کرده، فرمودند:

«من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به‌ویژه در جنوب لبنان به‌قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه‌کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به‌هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان «روز قدس» انتخاب [کرده] و طی مراسمی، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.»^۱

تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی در این پیام، بر ارتباط این روز با تعیین سرنوشت ملت فلسطین، دربردارنده نکات مهمی است. در اندیشه امام راحل، رهایی قدس شریف و حل مسئله فلسطین، تنها در گرو همراهی و وظیفه‌شناسی همه مسلمانان است. این همراهی و هم‌افزایی، در یک روز و درست زمانی که گرایش‌های دینی و اعتقادی مسلمانان به اوج خود می‌رسد، اتفاق می‌افتد. از این منظر، می‌توان گفت که در اندیشه امام رحمه الله، حل این مسئله، نیازمند مشارکت و همدلی تمام مسلمانان است.

جانشین صالح و شایسته ایشان، مقام معظم رهبری (دام‌ظله) نیز هر ساله بر این موضوع بسیار تأکید می‌نمایند. معظم‌له در یکی از سخنرانی‌های خویش فرمودند:

«روز قدس، یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز ماست؛ نشانه دلبستگی انقلاب و دلبستگی ملت ما به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین است. به برکت روز قدس، این نام را ما توانستیم هر سال در دنیا زنده نگه داریم. خیلی از حکومت‌ها و خیلی از

۱. امام خمینی رحمه الله، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷.

۵۰۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

سیاست‌ها می‌خواستند، مایل بودند، تلاش کردند، پول خرج کردند که مسئله فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله این سیاست خبثت‌آلود نبود، بعید نبود که بتوانند مسئله فلسطین را به تدریج به زاویه بکشانند؛ اصلاً فراموش کنند. الآن هم خود دستگاه استکبار و خود صهیونیست‌های خبیث معترف‌اند، معتقدند و ناراحت‌اند از اینکه جمهوری اسلامی پرچم فلسطین را برافراشته است و نمی‌گذارد که با سازش‌کاری‌هایی که می‌خواهند انجام بدهند، مسئله فلسطین را از دور خارج کنند. روز قدس، روز زنده‌کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه شهرستان‌ها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس، از ملت ایران تبعیت می‌کنند.^۱

۲. مناسبت‌های شمسی

اشاره

نظر به اینکه تعداد روزهای سال هجری شمسی، ده روز بیشتر از تعداد روزهای سال هجری قمری است، در هر سال، مناسبت‌های این دو تاریخ، ده روز از یکدیگر فاصله می‌گیرند. بدین جهت، مناسبت‌های سال گذشته ماه مبارک رمضان با مناسبت‌های ماه رمضان ۱۳۹۴، از جهت هجری شمسی مطابقت ندارند. از این رو، مناسبت‌های ماه مبارک رمضان امسال را در دو بخش جدا، یکی به نام مناسبت‌های هجری قمری و دیگری هجری شمسی تدوین نموده‌ایم. مبلغان و روحانیان ارجمند، خود باید بین دو تقویم ارائه‌شده جمع نمایند.

۳۱ خرداد ۱۳۶۰، شهادت دکتر مصطفی چمران

دکتر چمران در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود و دوران تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه انصاریه، و دوران متوسطه را در دارالفنون گذراند و سپس وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در رشته الکترومکانیک به تحصیل پرداخت.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۰.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۵

وی از پانزده‌سالگی در جلسات تفسیر قرآن آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت و در درس فلسفه و منطق آیت‌الله شهید مرتضی مطهری و نیز در دیگر جلسات مذهبی شرکت می‌نمود.

پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده فنی دانشگاه تهران، با دریافت بورس تحصیلی به دانشگاهی در تکزاس آمریکا رفت و با وجود عدم تسلط به زبان انگلیسی، دانشجوی ممتاز رشته خود شد و دوره دکتری را در دانشگاه برکلی ایالت کالیفرنیا در رشته پلاسمای فیزیک گذراند. در همین سال‌ها، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را به همراهی چند تن از دوستان خود پایه‌گذاری کرد.

در دهه شصت، در آزمایشگاه‌های بل و همچنین آزمایشگاه پیشرفته جت ناسا استخدام شد. او در کنار زبان مادری خود (فارسی)، به زبان‌های: عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی مسلط بود و در کنار دانش، به هنر نیز توجه شایانی داشت. نقاشی از علاقه‌مندی‌های بارز هنری او بود که در این زمینه، چندین اثر رنگ روغن از وی به‌جامانده است.

در زمان جنگ داخلی لبنان و هجوم بی‌رحمانه اسرائیل به اهالی جنوب لبنان که غالباً شیعه مذهب بودند، به لبنان رفت و امام موسی صدر را در تشکیل حرکت محرومین (سازمان امل) یاری داد و مبارزان بسیاری را برای نبرد با اشغالگران آموزش داد و خدمات آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و رزمی چشمگیری را به اهالی محروم لبنان ارائه نمود.

دکتر چمران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سی‌ام بهمن سال ۱۳۵۷ همراه با یک گروه ۹۲ نفره، از لبنان به ایران آمد و با آنکه قصد ماندن در ایران را نداشت، به توصیه حضرت امام خمینی رحمه‌الله در ایران ماندگار شد. در اوایل پیروزی انقلاب، به تربیت اولین گروه از پاسداران انقلاب اسلامی در سعدآباد پرداخت و سپس مسئولیت‌های متعددی را بر عهده گرفت و با رشادت کم‌نظیر خویش، پایه را از اشغال ضد انقلابیون تجزیه‌طلب بیرون آورد و در در دفاع مقدس، فداکاری‌های فراوانی از خود نشان داد و نام خویش را در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ماندگار نمود. دکتر مصطفی چمران، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نماینده حضرت امام خمینی در شورای عالی دفاع، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و بنیان‌گذار جنگ‌های نامنظم، در گرماگرم جنگ بعثی‌های عراق با ملت

۵۰۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

ایران، در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه - سوسنگرد به علت اصابت ترکش خمپاره دشمن، مجروح شد و سپس به شهادت رسید. پس از شهادت دکتر چمران، دست‌نوشته‌های بسیاری از وی کشف شد که در طول سالیان اقامت در آمریکا، لبنان و بازگشت به ایران نگاشته شده بود. دست‌نوشته‌ها، زوایای جدیدی از شخصیت و تفکر وی را برای همگان روشن کرد و ابعاد ناشناخته درونی روح او معلوم گردید. سبک نگارش دست‌نوشته‌ها، بیشتر به صورت عرفانی و عاشقانه است که در بعضی قسمت‌ها دارای سوز عمیق و شکننده‌ای است که نشان‌دهنده عمق بینش و درک وسیع این شهید عالی‌مقام می‌باشد. روحش شاد.

روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی (اول تیر)

به فرمان امام خمینی رحمه‌الله، سازمان تبلیغات اسلامی در اول تیر سال ۱۳۶۰ تأسیس شد. این نهاد با هدف اعتلای فرهنگ نغز و پُربار اسلامی و تبلور حیات معنوی و تبیین و ترویج شاخص‌های اعتقادی فعال گردید. به همین جهت، روز اول تیر به عنوان «روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی» نام‌گذاری شد تا از این راه، مسئولان امر تبلیغ و مبلغان دینی و مذهبی با نگاه به روش‌های روز و بهره‌مندی از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی، اقدامات مؤثرتری در این راه انجام دهند.

اصولاً تبلیغ از مهم‌ترین وظایف دین‌باوران، به‌ویژه عالمان و مبلغان دینی است. قرآن کریم در آیات متعدد آن را به پیامبرش حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله که بزرگ‌ترین مبلغ دین توحیدی است، یادآوری نموده؛ از جمله در آیاتی چون: «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين»^۱، «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغ»^۲ و «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِين»^۳، وظیفه اصلی رسول خدا را تبلیغ اعلام کرده است؛ زیرا در پرتو تبلیغ، راه سعادت و هدایت بر روی انسان‌ها گشوده شده، مبانی اصلی فرهنگ اسلامی تبیین می‌شود. به همین جهت، اگر دین اسلام و مکتب حیات بخش اهل بیت علیهم‌السلام به‌درستی و با روش‌های منطقی تبلیغ گردد، بی‌تردید توجه مردم به دین

۱. مائده، آیه ۹۲.

۲. همان، آیه ۹۳.

۳. نحل، آیه ۸۲.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۷

و دین‌داری افزایش می‌یابد و غیرمسلمانان به سمت وسوی دین تمایل پیدا خواهند کرد. مبلغان دینی باید ظرافت‌های تبلیغ را مد نظر داشته باشند تا به شایستگی از عهده تبلیغ دین برآیند.

امام خمینی علیه السلام درباره اهمیت تبلیغ فرمود: «مسئله تبلیغات، یک امر مهمی است که می‌شود گفت که در دنیا در رأس همه امور قرار گرفته است و می‌توان گفت که دنیا بر دوش تبلیغات است... باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نمایید... توجه داشته باشید که بالاترین چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است، تبلیغات صحیح»^۱

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر (پنجم تیر)

در پی برگزاری کنفرانس بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد در شهر وین از ۱۷ تا ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ میلادی، به منظور عزم سیاسی ملت‌ها در مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، سندی با عنوان C.M.O به تصویب کشورهای شرکت‌کننده رسید. این سند، خط‌مشی همه‌جانبه اقدام‌ها در امر کنترل مواد مخدر را از سوی کشورهای شرکت‌کننده مشخص کرده، آنان را متعهد نموده است فعالیت‌های بین‌المللی در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر را قاطعانه دنبال کنند.

به همین منظور، سازمان ملل هر ساله روز ۲۶ ژوئن، مصادف با پنجم تیر ماه را به عنوان «روز جهانی مبارزه با مواد مخدر» انتخاب نموده است تا با این عمل، آگاهی مردم را با مشکلاتی که مواد مخدر برای جوامع به وجود می‌آورد، بالا ببرد. این روز توسط دولت‌ها و سازمان‌های مختلف در تمام دنیا حمایت می‌گردد.

کشور ایران که در مسیر حمل مواد مخدر از شرق به غرب قرار دارد، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای منطقه از جهت رواج مواد مخدر و اعتیاد مردم به این ماده افیونی می‌باشد. پیش از انقلاب اسلامی، اعتیاد در میان جوانان کشور ما کم‌وبیش رواج داشته است؛ ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، دست‌های پنهان و آشکار استکبار جهانی و عوامل منطقه‌ای آنان، به‌ویژه ضد انقلاب فراری،

۱. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۵۳.

۵۰۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

از آستین‌های سودجویان دنیا طلب بیرون آمده، برای تضعیف نظام و بیرون کردن جوانان از گردونه انقلاب و مبارزه با استکبار، مواد مخدر را به عنوان یک صنعت سودآور در سراسر کشور رواج داده، جوانان را به انواع آن مبتلا نمودند. برای مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر و پیشگیری از اعتیاد جوانان، سال‌های متمادی است که مرکزی به نام «ستاد مبارزه با مواد مخدر» در ایران تشکیل شده و در این حوزه، فعالیت‌های ارزشمندی نموده و تا حدودی اوضاع را کنترل کرده؛ ملت ایران در این راه، حدود چهار هزار شهید و هزاران مجروح تقدیم نموده است.

سوء قصد منافقان به رهبر معظم انقلاب اسلامی در مسجد ابوذر تهران (ششم تیر، ۱۳۶۰)

در این روز، رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) که امام جمعه تهران و نماینده حضرت امام خمینی علیه السلام در شورای عالی دفاع بود، برای سخنرانی در میان خیل عظیم امت شهیدپرور تهران، عازم مسجد ابوذر شد و با شور و استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو گشت و پشت تریبون مجلس قرار گرفت و سخنرانی خود را با نام خدا و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوی علیهم السلام آغاز کرد. منافقان که در آن سال با همکاری بنی‌صدر (رئیس جمهور مخلوع) دست به کشتار مردم و مسئولان زده بودند، برای این مراسم نیز برنامه جنایت‌آمیزی را طراحی کرده، توسط یکی از عوامل خود به نام «جواد قدیری» بمبی را در ضبط صوت جاسازی کرده، به بهانه ضبط صدای مقام معظم رهبری روی تریبون قرار دادند. متأسفانه، در حین سخنرانی ایشان، بمب ضبط صوت منفجر شد و مقام معظم رهبری به شدت زخمی گردید؛ ولی خدای مهربان معظم‌له را برای امت اسلام نگه داشت.

شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ یار انقلاب اسلامی (هفتم تیر، ۱۳۶۰)

پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری اسلامی ایران، سازمان منافقین خلق که پشتیبان اصلی خود را از دست داده می‌دید، از این واقعه سوء استفاده کرد و با همفکری و همکاری مزدوران بنی‌صدر خائن، اقدام به ترور شخصیت‌های مؤثر انقلاب و یاران امام خمینی علیه السلام نمود و در این راه، جنایات بی‌شماری را مرتکب شد؛ از جمله ساختمان حزب

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۹

جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران را که محل برگزاری نشست مسئولان حزب و برخی مسئولان دولتی بود، با بمب بسیار قوی منفجر کرد.

روز هفتم تیر ۱۳۶۰، جلسه مسئولان عالی حزب جمهوری اسلامی (در غیاب برخی از آنان، از جمله: آیت‌الله خامنه‌ای که بر اثر انفجار در مسجد ابوذر زخمی و در بیمارستان بستری بود و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که به جهت اشتغالات زیاد به جلسه نرسیده بود) تشکیل شد. آیت‌الله سید محمدحسینی بهشتی سخنران جلسه بود. بنا بود در آن جلسه، در باره تورم بحث شود؛ اما عده‌ای از حاضران مجلس خواسته بودند که راجع به انتخابات ریاست جمهوری نیز بحث شود. شهید بهشتی در این زمینه سخنانی ایراد کرد. بر اساس نوار ضبط‌شده از اظهارات ایشان، آخرین جملات آن بزرگوار در لحظاتی پیش از انفجار چنین بود: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برایمان مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند، انتخاب شوند...».

در همین لحظه، بمب منفجر شد و ساختمان حزب فرو ریخت. متأسفانه، در این حادثه علاوه بر شهید آیت‌الله بهشتی، ۷۲ نفر دیگر از جمله: ۴ وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی و یاران امام خمینی^{علیه‌السلام} به شهادت رسیدند.

امام خمینی^{علیه‌السلام} در پیامی که به این مناسبت انتشار داد، فرمود: «این کوردلان مدعی مجاهدت برای خلق، گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند.» معظم‌له تأکید کردند: «بهشتی، مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود.» شایان توجه است که عامل انفجار هفتم تیر، فردی به نام «محمد رضا کلاهی» دانشجوی دانشگاه علم و صنعت بود که پس از پیروزی انقلاب، به سازمان منافقین (مجاهدین خلق) پیوست.

او بمب را با کیف دستی خود به داخل جلسه حزب جمهوری اسلامی واقع در نزدیکی چهارراه سرچشمه تهران انتقال داد و دقایقی پیش از انفجار، از ساختمان حزب خارج شد.

۵۱۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

پس از انفجار مدتی در منزل یکی از اعضای سازمان متبوع خود مخفی شد و در نهایت، از طریق مرزهای غربی کشور به عراق منتقل گردید.

روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی (هشتم تیر)

به دلیل بمباران شیمیایی شهر گردنشین سردشت (واقع در جنوب استان آذربایجان غربی) در هشتم تیر ۱۳۶۰ توسط نیروهای متجاوز بعثی عراق و شهادت و جراحت تعداد زیادی از هموطنان گرد، این روز به «روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی» نام‌گذاری شد. رژیم بعثی عراق با بهره‌گیری از اختلافات جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، در جنگ تحمیلی هشت‌ساله بر ضد ملت ایران، مرتکب انواع جرم‌های ضد بشری و جنایات جنگی شد و از سوی اردوگای غرب و مستکبران عالم مورد حمایت قرار گرفت. یکی از جنایات این رژیم سفاک، استفاده از گازهای شیمیایی است که اردوگاه غرب در اختیار وی قرار داده بود. بعثیان عراق، نه تنها مردم ایران، بلکه شهروندان عراقی (کردهای شمال عراق) را نیز با این سلاح مرگبار مورد حمله قرار دادند. این رژیم، نه یک‌بار، بلکه بارها مرتکب استفاده از این سلاح کشنده شد که در ذیل آنها را مرور می‌نماییم:

۱. نخستین‌بار در ۲۷ مهر سال ۱۳۵۹ رژیم بعثی چهار بار از سلاح شیمیایی از نوع تاول‌زا (گاز خردل) در منطقه جنوب (استان خوزستان) استفاده کرد که یک مصدوم و بیست شهید به دنبال داشت.
۲. در سال ۱۳۶۰ نیز شش بار از گاز خردل در جبهه‌های جنوب استفاده کرد که ۱۰۱ نفر شهید در پی داشت.
۳. در سال ۱۳۶۱، در عملیات والفجر مقدماتی، دوازده بار مناطق غرب و جبهه‌های جنوب مورد اصابت بمب‌های شیمیایی قرار گرفت.
۴. در سال ۱۳۶۲ و در پی عملیات‌های والفجر ۲ و والفجر ۴، جبهه میانی، غرب و شمال غرب و حتی سلیمانیه عراق ۶۴ بار مورد اصابت بمب‌های شیمیایی از نوع تاول‌زا (خردل)

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۱

و اعصاب (تابون) قرار گرفتند. بر اثر این حملات وحشیانه و غیرانسانی، صدها نفر شهید و هزاران نفر مصدوم شدند.

۵. از تاریخ اوّل فروردین تا ۲۷ اسفند ۱۳۶۳، ۲۲۲۵ نفر مصدوم و چهل شهید در عملیات‌های خیبر و بدر، حاصل اصابت ۵۸ بار بمب‌های تاول‌زا، اعصاب، خفه‌کننده و آلوده‌کننده خون بوده است.

۶. سال ۱۳۶۴، در عملیات‌های والفجر ۸ و ابتدای والفجر ۹ در مناطق جنوب، ۷۶ بار سلاح شیمیایی به کار رفت که حاصل آن، ۷۷ شهید و ۱۱۶۴۴ نفر مصدوم بود.

۷. رژیم عراق به جهت شکست سنگین در عملیات‌های پیروزمندانه: کربلای دو، چهار، پنج و شش، ۱۰۲ بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد که طی آن، ۴۷۲۰ نفر مصدوم شدند و ۱۰۷ نفر به شهادت رسیدند.

۸. در سال ۱۳۶۵ در مناطق: شلمچه، سردشت، خوزستان، بصره، کردستان، دیاله و ایلام، ۴۳ بار از سلاح شیمیایی استفاده کرد که ۹۴۴۰ مصدوم ۴۴۲ شهید، حاصل این حملات وحشیانه بود.

۹. در سال پایانی جنگ، ۳۴ حمله شیمیایی در مناطق غرب، شمال غرب و جنوب ثبت شده است که آخرین بار آن، پس از قرارداد ۵۹۸ و در تاریخ سوم شهریور در عملیات بازپس‌گیری «فاو» بود.

بر اساس آمارهای رسمی نهادهای مسئول، در پی حملات شیمیایی دشمن بعثی در طول جنگ، حدود ۲۶۰۰ تن از هموطنان ما شهید و ۱۰۷۰۰۰ نفر مصدوم و مجروح شدند. تعداد جانبازان شیمیایی که تحت پوشش بنیاد جانبازان قرار گرفتند، حدود ۴۵۰۰۰ نفر می‌باشد.

به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، در حالی صورت می‌گرفت که این کشور، جزء ۱۲۰ کشور امضاکننده پروتکل ژنو درباره منع استفاده از سلاح‌های سمی، خفه‌کننده و ترکیبات باکتریولوژیک بود.

۵۱۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

شهادت آیت‌الله صدوقی (۱۱ تیر ۱۳۶۱)

چهارمین شهید محراب، آیت‌الله شیخ محمد صدوقی، امام جمعه و نماینده امام خمینی رحمه‌الله در استان یزد، پس از برپایی نماز جمعه در دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ هجری قمری، مصادف با یازدهم تیر ۱۳۶۱ هجری شمسی در حین خروج از مسجد، با انفجار نارنجک دستی یکی از منافقان ضد انقلاب، به درجه والای شهادت نایل آمد.

آیت‌الله صدوقی، از نسل مرحوم شیخ صدوق و اصالتاً کرمانشاهی بوده است. پدرش، ملا ابوطالب و جد دوم او، علامه ملا محمدمهدی کرمانشاهی بود که بر اثر درگیری با فتحعلی‌شاه قاجار به یزد تبعید شد. آیت‌الله محمد صدوقی در ۷ سالگی پدر، و در ۹ سالگی مادرش را از دست داد و پسرعمویش ملا محمد کرمانشاهی (مدفون در یزد)، سرپرستی او را برعهده گرفت که بعدها شهید صدوقی داماد وی شد.

وی تحصیلات علوم دینی را در مدرسه عبدالرحیم‌خان یزد آغاز کرد و در ۲۱ سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت؛ اما پس از مدت کوتاهی، به دلیل کمبود امکانات و سرمای بی‌سابقه اصفهان، به یزد بازگشت و یک سال بعد، در سال ۱۳۴۹ به قم مهاجرت کرد و به تحصیل و بعدها به تدریس در این حوزه علمیه پرداخت.

در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از حامیان جدی امام خمینی رحمه‌الله بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام راحل به امامت جمعه شهر یزد و نماینده آن حضرت در استان یزد منصوب شد و نمایندگی مردم استان یزد در نخستین مجلس خبرگان قانون اساسی و سپس خبرگان رهبری را بر عهده گرفت.

شهید صدوقی در مبارزه با رژیم شاه، یکی از محورهای مبارزه محسوب می‌شد. او اعلامیه‌هایی در محکوم‌کردن جنایات رژیم شاه، از جمله در فاجعه سینما رکس آبادان صادر کرد. ایشان رهبری نهضت اسلامی در یزد را بر عهده داشت، نیز پیام‌های حضرت امام خمینی رحمه‌الله را به اطلاع علمای مشهد، تبریز، شیراز و دیگر شهرها می‌رساند. حضرت امام رحمه‌الله در بخشی از پیام خود به مناسبت شهادت ایشان فرموده‌اند:

«چه کسی اولی به شهادت است در زمانی که کفر بنی‌امیه، اسلام را تهدید می‌کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و فرزندان و اصحاب او و چه کسی اولی به شهادت است در

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۳

عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می‌کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام، شهید صدوقی عزیز(رضوان الله علیه)؛ شهید بزرگی که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود. روحش شاد.^۱

حمله ناو آمریکای جنایتکار به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی (۱۲ تیر، ۱۳۶۷)

در روز دوازدهم تیر ۱۳۶۷، هواپیمای مسافری ایرباس ایران به شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر که از بندرعباس عازم دبی بود، بر فراز آب‌های خلیج فارس و در نزدیکی جزیره «هنگام» مورد هجوم یگان‌های دریایی متجاوز آمریکا مستقر در آب‌های خلیج فارس قرار گرفت و با شلیک دو فروند موشک، در آب سقوط کرد. این هواپیما در زمانی که ایران در نبرد با متجاوزان بعثی مورد حمایت شرق و غرب قرار داشت، با موشک ناو جنگی وینسنس مورد تجاوز عمدی نیروهای جنایت‌پیشه آمریکا قرار گرفت و تمام سرنشینان آن که ۲۹۸ مسافر و خدمه بود، به شهادت رسیدند. در میان سرنشینان هواپیما، ۶۶ کودک زیر سیزده سال، ۵۳ زن و ۴۶ تن تبعه کشورهای خارجی بودند که همگی کشته شدند. ساقط کردن هواپیما، در حقیقت یکی دیگر از مراحل رویارویی استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران برای تقویت متجاوزان عراقی در جبهه‌های جنگ بود.

پس از سقوط هواپیما، مقامات آمریکایی برای توجیه این جنایت نابخشودنی، دلایل ضد و نقیضی عنوان کردند و کوشیدند این اقدام خصمانه را یک اشتباه قلمداد کنند؛ اما با توجه به مجهز بودن کشتی جنگی وینسنس به پیشرفته‌ترین سیستم‌های راداری و رایانه‌ای و همچنین مشخص بودن نوع هواپیمای در حال پرواز، مسلم شد که احتمال اشتباه وجود نداشته و این اقدام، کاملاً خصمانه بوده است. با این حال، مقام‌های آمریکایی پس از چندی، در توهینی آشکار به ملت ایران، مدال شجاعت بر گردن ناخدای این ناو انداختند و بدین‌سان، حمایت رسمی خود را از این جنایت اعلام نمودند.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۶۸.

۵۱۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

در پس این تجاوز آشکار، جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۴ تیر ۱۳۶۷، طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به این موضوع شد. در ۲۵ تیر ۱۳۶۷، شورا تشکیل جلسه داد. از سوی جمهوری اسلامی ایران دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت ایران، و از جانب آمریکا جرج بوش معاون وقت رئیس جمهوری در جلسه حضور داشتند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در قسمتی از سخنان خود عنوان کرد: «حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، تنها منادی مرگ و بی‌قانونی و شرارت بوده و جز ناامنی چیزی به ارمغان نیاورده است. عمل جنایتکارانه آمریکا در حمله به هواپیمای یک کشور، به هیچ وجه در قالب دفاع مشروع قابل توجیه نیست.»

جرج دبلیو بوش پدر، معاون رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا در آگوست ۱۹۸۸ گفت:

«من هرگز از طرف آمریکا عذرخواهی نمی‌کنم. من اهمیتی نمی‌دهم که چه کاری انجام داده است. من اهمیت نمی‌دهم حقیقت چیست.»

حمله به مسجد گوهر شاد (۲۱ تیر، ۱۳۲۴)

در چنین روزی، مسجد گوهرشاد مشهد مقدس که مملو از جمعیت بود، به دستور رضاشاه پهلوی مورد هجوم قرار گرفت و تعداد بسیاری از معترضان به بی‌حجابی کشته، مجروح و دستگیر شدند. به گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فاجعه خونین حمله به مسجد گوهرشاد، یکی از اوراق ننگین تاریخ در دوره رضاخان می‌باشد. رضاخان که با زور سرنیزه و با حمایت بیگانگان به قدرت رسید، طرح اسلام‌زدایی را به اجرا گذاشت؛ از جمله در سال ۱۳۱۴ همزمان با اجباری شدن کلاه شاپو برای مردان، زمزمه‌های حجاب‌زدایی زنان نیز بلند شد.

روحانیون در مقابل این توطئه ساکت نشستند و به مخالفت پرداختند و آیت‌الله قمی در تهران بازداشت شد. به دنبال این مسئله، مسجد گوهرشاد که چند روزی بود محل اجتماع و سخنرانی علیه اسلام‌زدایی بود، حال‌وهوای دیگری گرفت و اجتماعات مردمی وسیع‌تر و اعتراضات گسترده‌تر شد. به همین جهت، به شهربانی مشهد دستور داده شد وعاظ معروف را دستگیر کنند. عده‌ای از وعاظ خراسان دستگیر شدند؛ اما روحانیون و خطباء، به‌خصوص

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۵

شیخ محمدتقی گنابادی، معروف به بهلول، در افشای سیاست اسلام‌زدایی رضاشاه مصمم‌تر شدند. سرانجام به دستور رضاشاه در روزهای ۲۰ و ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ شمسی مسجد گوهرشاد که پر از جمعیت معترض بود، مورد حمله قشون قزاق قرار گرفت و مسجد گوهرشاد به خاک و خون کشیده شد. تعداد زیادی از مردم به شهادت رسیدند و حدود ۱۵۰۰ نفر به اسارت نیروهای قزاق درآمدند.

رضاخان برای رسیدن به اهداف شوم اربابانش، به این جنایت اکتفا نکرد و چون احتمال قیام عمومی می‌داد، همه علمای مبارز مشهد را دستگیر و تبعید نمود. از جمله تبعیدشدگان به تهران، سه نفر از مراجع و علمای معروف بودند که عبارت‌اند از: آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، آیت‌الله سید یونس اردبیلی و آیت‌الله شیخ محمد آقازاده (فرزند آیت‌الله العظمی شیخ محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایة الأصول).

عجیب اینکه آیت‌الله آقازاده وقتی به تهران رسید، به دستور رضاخان خلع لباس شد و در دوره سرپاس مختاری (رییس شهربانی وقت) با تزریق آمپول هوا، به دست دکتر احمدی مزدور سفاک رضاخان، به شهادت رسید و جنازه مطهرش در روز سیزدهم ذی‌قعدة سال ۱۳۵۶ق در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

این عالم ربانی در حالی که ۶۲ بهار از عمرش بیشتر نگذشته بود، جان خود را فدای مبارزه با هجوم فرهنگ غرب و کشف حجاب کرد تا حریم حجاب و ارزش‌های اصیل اسلامی را از گزند استعمار و مزدوران آن حفظ کند و به مردم مسلمان، به‌ویژه مسلمانان ایران پیام دهد که از پای ننشینند و تا آخرین توان در برابر استعمارگران و نفوذ فرهنگ بیگانه، مقاومت نمایند.

روز حجاب و عفاف (۲۱ تیر)

شورای فرهنگ عمومی کشور، سال‌روز قیام مردم مشهد علیه کشف حجاب را، به عنوان «روز عفاف و حجاب» نام‌گذاری کرده است. قیام مردم مشهد و واقعه مسجد گوهرشاد در رویارویی با کشف حجاب، مصداق بارز مبارزه با منکری است که هنوز متأسفانه آثار شومش در کشور ریشه‌کن نشده است.

۵۱۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

دو واژه «حجاب» و «عفاف»، در اصل معنای منع و امتناع، مشترک می‌باشند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب، مربوط به ظاهر است؛ ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت، یک حالت درونی است. بدیهی است که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است. بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ برعکس هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد. یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است. در این آیه آمده: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنان بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند، و خداوند بخشنده مهربان است.»

جلباب، به معنای پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف، از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد. در سوره نور آیه ۳۱ نیز به تفصیل در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

روز بهزیستی و تأمین اجتماعی (۲۵ تیر)

روز ۲۵ تیر هر سال، «روز بهزیستی و تأمین اجتماعی» نام‌گذاری شده است تا از این طریق، توجه همگان، یعنی مسئولان و دست‌اندرکاران و عموم مردم، به‌ویژه آنهایی که توان مالی برای کمک به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه را دارند، به این موضوع معطوف گردد و زمینه همت و تلاش بیشتر آنان برای زدودن فقر و محرومیت‌های جامعه فراهم گردد.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۷

بهزیستی، در اصل به معنای بهتر و راحت‌تر زندگی کردن است؛ اعم از زندگی فردی و اجتماعی؛ اما در اصطلاح اداری کشور، به سازمانی اطلاق می‌گردد که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه حمایت می‌کند. به همین جهت، در اساسنامه سازمان بهزیستی کشور آمده:

«در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و درمانی و توان‌بخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولان جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفان اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولان غیرقابل توان‌بخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توان‌بخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت‌های گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.»

مفهوم تأمین اجتماعی، بیشتر با مفهوم‌هایی چون: رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی، تعاون اجتماعی و تعادل اجتماعی هم‌معناست و در برخی موارد با واژه‌هایی چون کمک اجتماعی و معاونت متقابل همسوست.

در آموزه‌های اسلام، پیوسته به احسان و دست‌گیری از کسانی سفارش شده است که به کمک و یاری دیگران نیازمندند.

منابع

الف) كتاب

قرآن كريم.

۱. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، قاهره: دار احياء الكتب العربيه، ۱۹۶۱م.
۲. ———، شرح نهج البلاغه، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن اثير، الكامل فی التاريخ، بيروت: دار صادر.
۴. ابن النعمان، محمد بن محمد (الشيخ المفيد)، الإرشاد، تهران: انتشارات اسلاميه، ۱۳۸۰ش.
۵. ———، الأمالی، تحقيق حسين استادولی، قم: المؤتمر الألفی للشيخ المفيد، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق.
۶. ———، مسار الشيعة فی مختصر تواريخ الشريعة، قم: هزاره شيخ مفيد.
۷. ابن بابويه، محمد بن علي (شيخ صدوق)، الأمالی، تهران: كتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۸. ———، الأمالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
۹. ———، الخصال، تصحيح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسين، اول، ۱۳۶۲ش.
۱۰. ———، الخصال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ———، ثواب الأعمال، قم: نشر شريف رضى، دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۲. ———، علل الشرايع، قم: داوری.
۱۳. ———، علل الشرايع، ترجمه مستر حمی، تهران: كتاب فروشی مصطفى.
۱۴. ———، علل الشرايع، بيروت: دار احياء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق.

۱۵. ———، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۱۶. ———، *فضائل الأشهر الثلاثة*، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۹۶ق.
۱۷. ———، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.
۱۸. ———، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. ———، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. ابن حزم، علی بن احمد، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۲۱. ابن سینا، *الشفاء (الطبیعیات)*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۳. ———، *تحف العقول*، قم: نشر بصیرتی.
۲۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *المناقب*، قم: نشر علامه.
۲۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال* (ط - القديمة)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. ———، *الأمان من أخطار الأسفار*، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الإستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد، *عقد الفريد*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۹. ابن عساکر الدمشقی، علی بن الحسن بن هبة الله، *تاریخ دمشق*، تحقیق علی شیر، بیروت: دارالفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق.

۵۲۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۳۰. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، قم: مکتبه وجدانی.
۳۱. ———، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، قم: دار الکتب اسلامی، اول، ۱۴۰۷ق.
۳۲. ———، *الرسالة السعدیه*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
۳۳. ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۴. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، *مثیر الأحزان*، ترجمه علی کرمی، قم: نشر حاذق، ۱۳۸۰ش.
۳۵. ابن هشام، *السيرة النبویه*، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم ایبازی و عبدالحفیط شلبی، بیروت: دار القلم.
۳۶. اتو، کلاین برگ، *روان شناسی / اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۷۶ش.
۳۷. الاحسائی، محمد بن علی (ابن ابی جمهور)، *عوالی اللئالی العزیزیه*، تحقیق مجتبی العراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ق.
۳۸. بغدادی، ابوالثلج، *تاریخ الأئمة علیهم السلام* (مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة علیهم السلام)، تحقیق سید شهاب الدین مرعشی، بیروت: دار القاری، ۱۳۸۰ق.
۳۹. البغدادی، عبد المؤمن بن عبد الحق، *مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنه والبقاع*، بیروت: دار الجیل، ۱۳۷۳ق.
۴۰. احمدیان، عبدالله، *قرآن شناسی*، قم: نشر احسان.
۴۱. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، قم: انتشارات رضی، ۱۴۲۱ق.
۴۲. اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، *التمحیص*، قم: مدرسه الإمام المهدي علیهما السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۴۳. اقبال لاهوری، محمد، *کلیات اشعار فارسی*، تهران: نشر کتابخانه سنائی، بی تا.
۴۴. اکرم زعتر، *سرگذشت فلسطین*، ترجمه اکبر هاشمی رفسنجانی، قم: بوستان کتاب، پنجم، ۱۳۸۲ش.

۴۵. امین، سید محسن، *أعيان الشيعة*، بیروت: ۱۴۰۳ ق
۴۶. امینیان، امیر شهریار، *موج زنده: روایت مستند تلاش ایرانیان برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای*، تهران: انتشارات مهرآرمین و فراگفت، ۱۳۸۸ ش.
۴۷. امینی، ابراهیم، *همسرداری*، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، بیست‌ونهم، ۱۳۸۹ ش.
۴۸. انصاریان، حسین، *تفسیر حکیم*، بی‌تا.
۴۹. آراسته‌خو، محمد، *وامداری غرب نسبت به شرق*، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، اول، ۱۳۷۹ ش.
۵۰. باهنر، محمدجواد، *آغاز نهضت اسلامی (قرآن در نظر اروپائیان)*، قم: دفتر نشر محمد(ص)، ۱۳۶۰ ش.
۵۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۵۲. ———، *صحیح البخاری*، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت: دار الفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ ق.
۵۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت عليه السلام، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ ق.
۵۴. ———، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۵۵. بروجردی، آقا حسین، *جامع الأحادیث الشیعه*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، اول، ۱۳۸۶ ش.
۵۶. بشیری، ابوالقاسم، *اختلالات رفتاری*، قم: نشر معارف.
۵۷. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زگار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۵۸. بلاشر، درآمدی برقرآن، ترجمه اسدالله مبشری، قم: نشر ارغوان.

۵۲۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۵۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: نشر دنیای دانش، بی تا.
۶۰. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۶۱. پیوریفوی، رنوا، غلبه بر خشم، ترجمه مهدی قراچه داغی، بی جا: اوحدی، ۱۳۹۲.
۶۲. تقوی، نعمت الله، جامعه شناسی خانواده، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶ ش.
۶۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶ ش.
۶۴. ———، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۶۵. ———، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران.
۶۶. التمیمی المغربي، النعمان بن محمد (ابن حیون)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والأحكام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، مصر: دار المعارف، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۹ ق.
۶۷. ———، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والأحكام، تصحیح آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، دوم، ۱۳۸۵ ق.
۶۸. ———، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه، اول، ۱۴۰۹ ق.
۶۹. الجبعی العاملی، زین الدین بن علی (الشهید الثاني)، مُسَكَّنُ الفَوَادِ عند فقد الأَحَبَّةِ والأولاد، قم: بصیرتی، اول، بی تا.
۷۰. ———، مُسَكَّنُ الفَوَادِ عند فقد الأَحَبَّةِ والأولاد، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ق.
۷۱. ———، منیة المرید، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، اول، ۱۴۰۹ ق.

منابع ■ ۵۲۳

۷۲. جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان/اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۷۳. جریس، صبری و الی لوبل، صهیونیسم در فلسطین، انتشارات توس، ۱۳۵۰ ش.
۷۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز نشر اسراء، اول، ۱۳۸۸ ش.
۷۵. ———، مبدأ و معاد، تهران: انتشارات الزهراء، دوم، ۱۳۶۴ ش.
۷۶. جواهری، محمدحسن، پرسمان علوم قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۷. چراغی، مهدی، تجارب مبلغان هنرمند، قم: قدس، ۱۳۷۴ ش.
۷۸. حاجتی، میر احمد رضا، عصر/امام خمینی علیه السلام، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۱ ش.
۷۹. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان حافظ.
۸۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چهارم، ۱۳۹۱ ق.
۸۱. ———، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۳ ق.
۸۲. ———، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ ق.
۸۳. ———، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۰۹ ق.
۸۴. حسین زاده، علی، مهارت های سازگاری، قم: نشر مؤسسه امام خمینی علیه السلام، بهار ۱۳۸۹ ش.
۸۵. حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسة من صحاح الستة، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۸۶. حقیقت، صادق، مسؤولیت های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۶ ش.
۸۷. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۵۲۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۸۸. الحمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق.

۸۹. خرم، علی، *مذاکرات هسته ای و مشکلات فراروی آن*، سلسله نشست های علمی مسائل روز پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴ش.

۹۰. خرمشاد، محمدباقر، *مردم سالاری دینی*، نشر معارف، ۱۳۸۵ش.

۹۱. خسرو، ناصر، *دیوان اشعار*.

۹۲. الخوارزمی، الموفق بن احمد المکی، *المناقب خوارزمی*، تحقیق مالک المحمودی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.

۹۳. خوانساری، جمال الدین محمد، *شرح غرر الحکم ودرر الکلم*، مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۶۰ش.

۹۴. خویی هاشمی، حبیب الله بن محمد، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: المكتبة الاسلامیه.

۹۵. خیابانی تبریزی، علی، *وقایع الأيام*، محمد الوان ساز خویی، قم: غرفة الاسلام، ۱۳۸۶ش.

۹۶. دریایی، محمدحسین، *مذاکرات هسته ای ۵+۱ توافق ژنو*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۲ش.

۹۷. دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشرقین، چهارم، پاییز ۱۳۷۹ش.

۹۸. ———، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۲ش.

۹۹. دهنوی، حسین، *خاطرات و تجارب تبلیغی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.

منابع ■ ۵۲۵

۱۰۰. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۱. دیلمی، علی اکبر، *انس با قرآن*، قم: مؤسسه انتشارات حرم، چهارم، ۱۳۸۹ ش.
۱۰۲. دیل کارنگی، آیین زندگی، ترجمه جهانگیر افخمی، انتشارات ارمغان، ۱۳۷۳ ش.
۱۰۳. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۰۴. ———، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق ندیم مرعشلی، دار الکتب العربی.
۱۰۵. راوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰۶. ———، *النوادر*، قم: دار الکتب.
۱۰۷. رجائی، غلامعلی، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۸. رشاد، علی اکبر، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۹. رفیعی، ناصر، *گفتار رفیع*، قم: نشر معروف.
۱۱۰. روحانی، حسن، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰ ش.
۱۱۱. زمانی، احمد، *حقایق پنهان*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ ش.
۱۱۲. زنجانی، ابو عبدالله، *تاریخ قرآن*، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تهران: کانون خدمات فرهنگی الست، ۱۳۴۱ ش.
۱۱۳. سبحانی، جعفر، *الالهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل*، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۱ ق.
۱۱۴. ———، *سیمای فرزندگان*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.
۱۱۵. ———، *منشور عقاید امامیه*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ششم، ۱۳۸۹ ش.
۱۱۶. ستوده، میررضا، *پایه پای آفتاب*، نشر پنجره، ۱۳۷۳ ش.

۵۲۶ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۱۷. ستوده، هدایت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور، ۱۳۸۰ ش.
۱۱۸. سعیدی مهر، محمد، *آموزش کلام اسلامی*، قم: کتاب طه، سیزدهم، ۱۳۹۲ ش.
۱۱۹. السلمی السمرقندی، محمد بن مسعود (العیاشی)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی، تهران: المكتبة العلمية، الطبعة الأولى، ۱۳۸۰ ق.
۱۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۲۱. السیوطی، عبدالرحمان بن أبی بکر، *جامع الصغیر*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ ق.
۱۲۲. ———، *الدّر المنثور فی التفسیر المأثور*، بیروت: دار الفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۴. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه، اول، بی تا.
۱۲۵. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، *زن: نظام سلطه و رسانه‌ها*، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۹۰ ش.
۱۲۶. شهیدی، جعفر و محمدرضا حکیمی، *یادنامه علامه امینی*، مقاله «قرآن و اقبال»، تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱ ش.
۱۲۷. شیخ طوسی، *الاستبصار*، به کوشش موسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲۸. ———، *الأمالی*، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۹. ———، *الغیبه*، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۳۰. ———، *مصباح المتجهّد وسلاح المتعبّد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۳۱. شیخاوندی، داور، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: نشر مرن‌دیز، ۱۳۷۳ ش.
۱۳۲. صدرحاج سیدجوادی، احمد و دیگران، *دایرة المعارف تشیع*، تهران: نشر شهید محبی، سوم، ۱۳۷۵ ش.

منابع ■ ۵۲۷

۱۳۳. صفات‌تاج، مجید، *ماجرای فلسطین*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۱۳۴. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۳۵. ———، *المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۱۳۶. ———، *المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، دوم.
۱۳۷. ———، *انسان از آغاز تا انجام*، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، تهران: انتشارات الزهراء، اول، ۱۳۶۹ ش.
۱۳۸. ———، *سنن النبی*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، هفتم، ۱۳۷۸ ش.
۱۳۹. ———، *سنن النبی*، ترجمه راشدی، نشر همگرا، دوم.
۱۴۰. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، *العروة الوثقی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۴۱. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، نجف اشرف: دار النعمان، ۱۳۸۶ ق.
۱۴۲. ———، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، نجف: المطبعة المرتضویه.
۱۴۳. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، تحقیق علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق.
۱۴۴. ———، *مکارم الأخلاق*، قم: نشر شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۴۶. طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الأنوار*، نجف: المکتبه الحیدریه، دوم، ۱۳۸۵ ق.
۱۴۷. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، *الأمالی*، قم: دار الثقافه، اول، ۱۴۱۴ ق.

۵۲۸ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۴۸. ———، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، قم: انتشارات داوری، الطبعة الأولى، ۱۹۶۹م.

۱۴۹. ———، تهذیب الأحکام، تصحیح حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.

۱۵۰. ———، مصباح المتعجد، تهران: المكتبة الإسلامية.

۱۵۱. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، صححه وعلق علیه واشرف علی طبعه الحاج السيد هاشم الرسولى المحلاتی، قم: مؤسسة اسماعیلیان، الطبعة الرابعة، ۱۳۷۳ش.

۱۵۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران، قم: نوید اسلام.

۱۵۳. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵۴. علی بن حسین علیه السلام، الصحیفة السجادیة، قم: دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.

۱۵۵. غریاق زندی، داود، ایران: مسئله هسته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷ش.

۱۵۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم: نشر رضی، اول، ۱۳۷۵ش.

۱۵۷. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی.

۱۵۸. فلسفی، محمدتقی، الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۵۹. ———، گفتار فلسفی «سخن و سخنوری»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، نهم، ۱۳۸۷ش.

۱۶۰. فولادی، محمد، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم: استانداری قم، ۱۳۸۲ش.

۱۶۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اول، ۱۴۰۶ق.

۱۶۲. ———، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، دوم، ۱۴۱۵ق.

۱۶۳. ———، *محجة البيضاء*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۶۴. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۶۵. قربان‌حسینی، علی‌اصغر، *جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت*، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱ش.
۱۶۶. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الرائد العربی.
۱۶۷. قمی، شیخ عباس، *تتمة المنتهی*، قم: انتشارات داوری.
۱۶۸. ———، *سفینة البحار*، قم: انتشارات اسلامی.
۱۶۹. ———، *سفینة البحار*، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۱۷۰. ———، *کلیات منتهی الآمال*، قم: باقر العلوم.
۱۷۱. ———، *الکنی والألقاب*، تهران: مکتبة الصدر، ۱۳۶۸ش.
۱۷۲. ———، *مفاتیح الجنان*، قم: مؤسسه انتشارات دار العلم، سوم، ۱۳۷۸ش.
۱۷۳. ———، *مفاتیح الجنان*، قم: آیین دانش، ۱۳۸۷ش.
۱۷۴. ———، *منازل الآخرة*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی انصاری، اول، ۱۳۷۹ش.
۱۷۵. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، تهران: انتشارات بهمن برنا، ۱۳۷۱ش.
۱۷۶. ———، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشارات، سوم، ۱۳۷۴ش.
۱۷۷. کالوند، رضا، «مطالعه کیفی نحوه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان»، رساله کارشناسی ارشد.
۱۷۸. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۷۹. کرمی، مسعود، *مجموعه مقالات قدرت نرم*، مقاله «قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ش.

۵۳۰ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۱۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۱۸۱. ———، *الروضة من الکافی*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، اول، ۱۳۶۴ ش.
۱۸۲. ———، *فروع کافی*، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۸ ش.
۱۸۳. ———، *الکافی*، قم: دار الحديث، اول، ۱۴۲۹ ق.
۱۸۴. ———، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۸۵. الکراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، به کوشش عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ ق.
۱۸۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، *الزهد*، قم: المطبعة العلمية، دوم، ۱۴۰۲ ق.
۱۸۷. الکوفی، محمد بن محمد بن الأشعث، *الجعفریات (الأشعثیات)*، تهران: مکتبه نینوی.
۱۸۸. کیالی، عبدالوهاب، *تاریخ نوین فلسطین*، تهران: امیر کبیر.
۱۸۹. گلشن پژوه، محمودرضا، *پرونده هسته ای ایران: روندها و نظرها*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۷ ش.
۱۹۰. گلی زواره، غلامرضا، *سرزمین های اسلامی*، قم: بوستان کتاب، چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۱۹۱. گلی روشه، کنش اجتماعی، ترجمه زنجانی زاده، مشهد: انتشارات آستان مقدس رضوی، اول، ۱۳۶۷ ش.
۱۹۲. الیثی الواسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، ۱۳۷۶ ش.
۱۹۳. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۳ ق.
۱۹۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.

منابع ■ ۵۳۱

۱۹۵. ———، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، صححه ووضع فهارسه ومفتاحه الشيخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.
۱۹۶. مجتبوی، سید جلال‌الدین، *اخلاق اسلامی*، ترجمه جامع السعادات، نشر حکمت.
۱۹۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۱۹۸. ———، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۹۹. ———، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق.
۲۰۰. ———، *بحار الأنوار*، تهران: دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.
۲۰۱. مجلسی، محمدتقی، *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی اشتیاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۲۰۲. محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، قم: مؤسسة دار الكتب الاسلامی، ۱۳۸۶ش.
۲۰۳. محجوب، محمود و فرامرزی‌یاوری، گیتاشناسی‌کشورها، تهران: انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۲ش.
۲۰۴. محلاتی، ذبیح‌الله، *ریاحین الشریعه*، تهران: دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.
۲۰۵. محمدی اشتیاردی، محمد، *عالم برزخ در چند قدمی ما*، قم: انتشارات نبوی، سوم، ۱۳۷۳ش.
۲۰۶. محمدی ری‌شهری، محمد، *حکم‌النبی ﷺ*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث.
۲۰۷. ———، *خاطره‌های آموزنده*، قم: دار‌الحديث، ۱۳۹۱ش.
۲۰۸. ———، *موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فی الكتاب والسنة والتاریخ*، قم: دار‌الحديث.
۲۰۹. ———، *میزان‌الحکمه*، قم: دار‌الحديث، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۱۰. محمودی، محمدباقر، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، بیروت: مؤسسة العلمی للمطبوعات، ۱۹۸۷م.

۵۳۲ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

۲۱۱. مختاری، رضا، *سیمای فرزندگان*، قم: بوستان کتاب، نهم، ۱۳۷۵ش.
۲۱۲. ———، *سیمای فرزندگان*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ش.
۲۱۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه هسته‌ای در ایران و جهان*، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۶ش.
۲۱۴. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، بیروت: دار الأندلس.
۲۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *قرآن‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۱۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.
۲۱۷. مصطفوی، سید جواد، *بهشت خانواده*، قم: نشر دار الفکر، ۱۳۸۰ش.
۲۱۸. مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، قم: انتشارات صدرا.
۲۱۹. ———، *سیری در نهج البلاغه*، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۲۲۰. ———، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، نهم، ۱۳۷۹ش.
۲۲۱. معروف الحسنی، هاشم، *سیره الائمة الاثنی عشر*، قم: منشورات الشریف الرضی.
۲۲۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *حدیقه الشیعه*، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۳ش.
۲۲۳. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البداء والتاریخ*، مصر: مكتبة الثقافة الدينية.
۲۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم: نشر مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۲۵. ———، *پیام قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، پنجم، ۱۳۷۷ش.
۲۲۶. ———، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴ش.
۲۲۷. ———، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۲۲۸. المنسوب الی الامام الصادق علیه السلام، *مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقه*، شرح عبدالرزاق گیلانی، تهران: نشر صدوق، سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۲۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله، *استفتائات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۲۲ق.

منابع ■ ۵۳۳

۲۳۰. ———، *تحریر الوسيله*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۳۱. ———، *صحیفه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۳۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، تصحیح نیکلسون، بی‌تا.
۲۳۳. میر خلف‌زاده، قاسم، *قصص الدعاء*، قم: نشر روحانی، ۱۳۸۰ ش.
۲۳۴. ناظمی، سید قاسم، *خد/حافظ سردار*، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۴ ش.
۲۳۵. نائینی، محمدحسین، *تنبيه الأمة وتنزيه الملة*، پانوش سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، هشتم، ۱۳۶۱ ش.
۲۳۶. نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، نجف: دار النعمان، بی‌تا.
۲۳۷. نصر بن مزاحم، *واقعه صفین*، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۳۸۲ ش.
۲۳۸. نقی‌زاده، محمد، *زاین و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۳۹. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۴۰. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴۱. ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*، قم: نشر مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۴۲. هاشمی، سید حمید، *پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵ ش.
۲۴۳. هاشمی، سید مجتبی، *تربیت و شخصیت انسانی*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۲۴۴. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵ ش.
۲۴۵. یعقوبی، احمد بن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۲۴۶. یونگ، کارل، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.

۵۳۴ ■ ره توشه راهیان نور رمضان ۱۳۹۴

ب) مجلات

۱. اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲. اعتیادپژوهی، دوره ۶، ش ۲۱، بهار ۱۳۹۱ ش.
۳. پایش سبک زندگی، ش ۴، آبان ۱۳۹۳ ش.
۴. حوزه و دانشگاه، ش ۲۵ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ش.
۵. فرهنگ کوثر، ش ۱۱، بهمن ۱۳۷۶ ش.
۶. فقه اهل بیت (فارسی)، شماره ۲۹.
۷. مبلغان، پیش شماره هشتم.
۸. مطالعات اسلامی، ش ۴۷ و ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۷۹ ش.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

۱. الف، نشانی: www.alef.ir
۲. خبرگزاری فارس، نشانی: www.farsnews.com
۳. راسخون، نشانی: <http://rasekhoon.net>
۴. رهبر معظم انقلاب، نشانی: www.leader.ir
۵. سازمان انرژی هسته‌ای ایران، نشانی: www.aeoi.org.ir

د) روزنامه

۱. آسیا.
۲. جمهوری اسلامی.
۳. خبر جنوب.
۴. خراسان.
۵. کیهان.
۶. هموطن سلام.



کتاب حاضر، مجموعه مقالاتی است که به همت گروهی از نویسندگان فاضل و مبلغان موفق به مناسبت ماه شریف رمضان طی ۳۱ مجلس به رشته تحریر درآمده و ضمن تبیین سیره انسان‌ساز حضرات معصومان علیهم‌السلام در ماه رمضان، مباحث کاربردی و گوناگونی را در منظر مبلغان گرامی ترسیم نموده است. این ره‌توشه از ویژگی‌های زیر برخوردار می‌باشد:

- تنوع موضوعات و مباحث ارائه‌شده؛
- توجه به نیازهای روز، رخدادها و مناسبت‌های ماه مبارک رمضان؛
- تدوین مطالب به صورت کاربردی و همسو با فضای منبر؛
- ارائه مطالب مفید و مورد نیاز برای مبلغان در قالب پیوست‌های تبلیغی شامل: خاطرات و تجربیات تبلیغی، نمایه مقالات ره‌توشه‌های رمضان، کتاب‌شناسی توصیفی و معرفی نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی قرآنی.

بوسه‌های



ISBN 964-09-1662-5



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
قم - چهارراه شهدا
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۳۹۷
tabligh@dte.ir